



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



اربعین
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

دانش نامه قرآن و حدیث

فارسی - عربی

محمدی ری شهری



ترجمه

با همکاری

حمیدرضا شیخی

جمعی از پژوهشگران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی جلد ۷	۱۵
مشخصات کتاب	۱۵
اشاره	۱۶
۲۰. اُمت	۲۲
اشاره	۲۲
درآمد	۲۴
اُمت ، در لغت	۲۴
اُمت ، در قرآن و حدیث	۲۵
اشاره	۲۵
یک . نگاهی کلی به تاریخ اُمت ها	۲۶
دو . عوامل پیشرفت و سقوط اُمت ها	۲۷
سه . دلیل همگونی اُمت ها در تقابل با پیامبران	۲۸
چهار . فضایل اُمت اسلامی	۳۰
الف - اعتبار احادیث فضایل اُمت اسلامی	۳۰
ب - آیا اُمت اسلامی ، به خودی خود ، فضیلت دارد؟	۳۱
پنج . نشانه های پیشرفت و انحطاط اُمت ها	۳۲
شش . آینده اُمت اسلامی	۳۳
هفت . اطلاق «اُمت» به فرد	۳۳
فصل یکم : راه نمایی شدن اُمت ها پس از گم راهی آنان	۳۶
۱ / ۱ مردم ، پیش از نوح علیه السلام ، اُمتی یک دست بودند	۳۶
۲ / ۱ فرستاده شدن هشداردهنده و راه نما به سوی همه اُمت ها	۳۸
۳ / ۱ اُمت هایی که خداوند ، راه نمایی شان کرد و اُمت هایی که محکوم به گم راهی شدند	۴۲
۴ / ۱ ریشه های اختلاف اُمت ها	۴۴

فصل دوم : عبرت گرفتن از ائمت ها	۴۸
۱ / ۲ آزمایش ائمت ها	۴۸
۲ / ۲ امکانات ائمت ها	۵۸
۳ / ۲ اغواگری های شیطان نسبت به ائمت ها	۶۰
۴ / ۲ پند گرفتن از فرجام ائمت های فریب خورده	۶۰
۵ / ۲ اندک بودن ائمت های نجات یافته	۶۴
۶ / ۲ نشانه خشم خداوند بر ائمت ها	۶۹
فصل سوم : عوامل پیشرفت ائمت ها	۷۱
۱ / ۳ رهبری پیشوایان هدایت	۷۱
۲ / ۳ همبستگی	۷۴
۳ / ۳ درست بودن خواص	۷۹
۴ / ۳ پایبندی به ارزش های اخلاقی و رفتاری	۸۱
فصل چهارم : علل نابودی ائمت ها	۸۷
۱ / ۴ رهبری گم راهان و پیروی کورکورانه	۸۷
۲ / ۴ بدگمانی به پیامبران و تردید در برهان های روشن	۹۶
۳ / ۴ انکار نشانه های خدا	۹۸
۴ / ۴ ریشخند کردن پیامبران علیهم السلام	۹۸
۵ / ۴ افترا بستن به خدا	۱۰۰
۶ / ۴ توطئه علیه پیامبران و مجادله به قصد بی اعتبار کردن حق	۱۰۰
۷ / ۴ ستم و سرکشی و رفاه زدگی و سرمستی	۱۰۲
۸ / ۴ وا نهادن نهی از منکر	۱۰۶
۹ / ۴ فراموشی و غفلت و سنگ دلی	۱۰۸
۱۰ / ۴ گناهان	۱۰۸
۱۱ / ۴ اختلاف	۱۱۰
۱۲ / ۴ تباهی خواص	۱۱۲
۱۳ / ۴ بی تدبیری	۱۱۸

۱۲۰ ۱۴ / ۴ دنیادوستی
۱۲۸ ۱۵ / ۴ بی توجهی به حقوق ضعیفان
۱۳۰ ۱۶ / ۴ مفاسد فرهنگی و اقتصادی
۱۵۵ فصل پنجم : نقاط تشابه امت ها
۱۵۵ ۱ / ۵ تکذیب پیامبران
۱۵۷ ۲ / ۵ انکار معاد
۱۵۷ ۳ / ۵ گرایش به جبر و دروغ بستن بر خدا
۱۵۷ ۴ / ۵ رو به رو شدن با خوشی و ناخوشی
۱۵۹ فصل ششم : امتیازات امت اسلام
۱۵۹ ۱ / ۶ نتیجه دعای ابراهیم علیه السلام
۱۶۱ ۲ / ۶ بهترین امت ها
۱۶۳ ۳ / ۶ امت رحمت شده
۱۶۳ ۴ / ۶ امت خُجسته
۱۶۵ ۵ / ۶ آخرین و اولین امت ها
۱۶۹ ۶ / ۶ مجموعه فضایل امت اسلام
۱۹۹ فصل هفتم : ویژگی های امت محمّدصلی الله علیه وآله در احکام شرعی
۲۱۷ فصل هشتم : ویژگی های اخلاقی و رفتاری امت محمّدصلی الله علیه وآله
۲۱۷ ۱ / ۸ امر به معروف و نهی از منکر نمودن
۲۲۱ ۲ / ۸ میانه روی
۲۲۱ توضیح
۲۲۳ ۳ / ۸ پارسایان شب و شیران روز
۲۲۷ فصل نهم : اوصاف امت محمّدصلی الله علیه وآله در تورات و انجیل
۲۳۹ فصل دهم : آینده امت محمّدصلی الله علیه وآله در دنیا
۲۳۹ ۱ / ۱۰ در میانه آن ، تیرگی است
۲۳۹ ۲ / ۱۰ دچار شدن به سرنوشت امت های پیشین
۲۴۳ ۳ / ۱۰ اختلاف و جدایی در آنان

۲۴۷	۴ / ۱۰ هم داستان نشدن بر گم راهی
۲۴۹	۵ / ۱۰ بر حق بودن گروهی از اَمت تا قیام قیامت
۲۵۵	۶ / ۱۰ از چند چیز ، در پناه خدایند
۲۵۵	۷ / ۱۰ چیزهایی که خداوند ، آنان را از آنها پناه نداده است
۲۵۷	۸ / ۱۰ دچار شدن به فتنه ها
۲۶۹	۹ / ۱۰ در اواخر این اَمت ، بزرگ ترها از کوچک ترها علم می آموزند
۲۷۱	۱۰ / ۱۰ سرانجام این اَمت ، جانشینی در زمین است
۲۷۷	فصل یازدهم : چگونگی محشور شدن اَمت ها
۲۷۷	۱ / ۱۱ محشور شدن گروه هایی از اَمت ها
۲۷۷	اشاره
۲۷۹	یادآوری
۲۷۹	۲ / ۱۱ فرا خواندن هر گروهی با پیشوایشان
۲۸۱	۳ / ۱۱ فرا خواندن اَمت ها به سوی نامه اعمالشان
۲۸۱	۴ / ۱۱ گواهان اَمت ها
۲۸۷	فصل دوازدهم : ویژگی های اَمت محمدصلی الله علیه وآله در قیامت
۲۸۷	۱ / ۱۲ نخستین اَمتی که حسابرسی می شود
۲۸۷	۲ / ۱۲ نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند
۲۸۹	۳ / ۱۲ بیشتر بهشتیان
۲۹۳	۴ / ۱۲ گوناگون
۳۰۲	فصل سیزدهم : گروه های اَمت
۳۰۲	۱ / ۱۳ اَمت ، سه گروه اند
۳۰۴	۲ / ۱۳ بهترین های اَمت
۳۰۴	الف - عالمان
۳۰۶	ب - میانه روها
۳۰۸	ج - گشاده دستان
۳۰۸	د - حاملان قرآن

- ه - دعوتگران به خدا ۳۰۸
- و - نیک خوترین ها ۳۰۸
- ز - بی اعتنائترین آنان به دنیا و راغب ترینشان به آخرت ۳۱۰
- ح - شاد شوندگان به هنگام نیکی کردن ۳۱۰
- ط - کسی که خیررسان و بی آزار است ۳۱۰
- ی - کسی که در آشکار ، شاد و در نهان ، گریان است ۳۱۲
- ک - کسی که دیدن او ، انسان را به یاد خدا می اندازد ۳۱۲
- ل - کسی که هر گاه خشمگین شود ، خوشتنداری می کند ۳۱۲
- م - قانع ۳۱۴
- ن - پاک دامن ۳۱۴
- س - متأهل ۳۱۴
- ع - کسانی که به رخصت ها عمل می کنند ۳۱۴
- ۱۳ / ۳ مجموعه صفاتِ بهترین های ائمت ۳۱۴
- ۱۳ / ۴ بدترین های ائمت ۳۱۸
- الف - حکمرانان ستمگر ۳۱۸
- ب - نازپروردگان ۳۲۰
- ج - کسانی که از بیم گزندشان ، مورد احترام قرار می گیرند ۳۲۲
- ۱۳ / ۵ مجموعه صفات بدترین های ائمت ۳۲۲
- ۱۳ / ۶ سزای بدترین های ائمت ۳۲۴
- فصل چهاردهم : آنان که در قرآن و حدیث ، «ائمت» خوانده شده اند ۳۲۸
- ۱۴ / ۱ ابراهیم علیه السلام ۳۲۸
- ۱۴ / ۲ امام علی علیه السلام ۳۳۴
- ۱۴ / ۳ قُتبی بن ساعده ۳۳۶
- ۱۴ / ۴ زید بن عمرو بن نُفیل ۳۳۸
- ۱۴ / ۵ عبد المطلب ۳۴۶
- ۱۴ / ۶ معلّم ۳۴۶

۳۴۸	۷ / ۱۴ مبلغ اسلام ، که در سرزمین شرک بمیرد
۳۵۰	۲۱ . امانت
۳۵۰	اشاره
۳۵۲	درآمد
۳۵۲	امانت ، در لغت
۳۵۳	امانت ، در قرآن و حدیث
۳۵۳	یک . نهایت تأکید بر کسب خصلت امانتداری
۳۵۴	دو . روش فرهنگ سازی امانتداری در جامعه
۳۵۴	سه . نقش امانتداری در کامیابی مادی و معنوی
۳۵۵	چهار . گستره عرصه امانت
۳۵۷	پنج . اقسام امانتداران
۳۶۰	شش . آداب سپردن امانت
۳۶۲	فصل یکم : اهمیت باز گرداندن امانت
۳۶۲	۱ / ۱ وجوب باز گرداندن امانت
۳۶۶	۱ / ۲ باز گرداندن امانت ، ارزشمند باشد یا کم ارزش
۳۶۸	۱ / ۳ باز گرداندن امانت ، حتی به خیانتکار
۳۷۰	۱ / ۴ پس دادن امانت ، حتی به تبهکار
۳۷۲	۱ / ۵ باز گرداندن امانت ، حتی به دشمن
۳۷۴	۱ / ۶ باز گرداندن امانت ، حتی به قاتلان پیامبران
۳۷۴	۱ / ۷ باز گرداندن امانت ، حتی به قاتل امام علی علیه السلام
۳۷۶	۱ / ۸ باز گرداندن امانت ، حتی به قاتل امام حسین علیه السلام
۳۷۸	۱ / ۹ باز گرداندن امانت حتی به مجوسی
۳۸۰	۱ / ۱۰ باز گرداندن امانت در هر حال
۳۸۲	۱ / ۱۱ ارزش امانتداری
۳۹۰	۱ / ۱۲ نهی از اهمیت ندادن به امانت
۳۹۴	فصل دوم : موجبات امانتداری

۱ / ۲ ایمان حقیقی	۳۹۴
۲ / ۲ پیروی از اهل بیت علیهم السلام	۴۰۴
۳ / ۲ پیروی از خرد	۴۱۲
۴ / ۲ نظارت بر کارگزاران دولت	۴۱۲
۵ / ۲ کمک خواستن از خدا	۴۱۴
فصل سوم : برکت های امانتداری	۴۱۸
۱ / ۳ دوستی خدا و پیامبر او	۴۱۸
۲ / ۳ راستگویی	۴۱۸
۳ / ۳ شریک شدن در اموال مردم	۴۲۰
۴ / ۳ توانگری	۴۲۲
۵ / ۳ رستن از آتش دوزخ	۴۲۴
۶ / ۳ رفتن به بهشت	۴۲۶
۷ / ۳ دادن پاداش صدقه دهندگان	۴۳۰
۸ / ۳ محشور شدن با پیامبران	۴۳۰
۹ / ۳ خوبی دنیا و آخرت	۴۳۲
فصل چهارم : انواع امانت ها	۴۳۶
۱ / ۴ امانت های اعتقادی و سیاسی	۴۳۶
۲ / ۴ امانت های فرهنگی	۴۳۸
۳ / ۴ امانت های اقتصادی	۴۴۰
۴ / ۴ امانت های اخلاقی	۴۴۲
الف - راستگویی	۴۴۲
ب - پارسایی	۴۴۴
ج - پاک دامنی	۴۴۴
د - وفاداری	۴۴۴
ه - برپا داشتن حق	۴۴۶
و - جبران نیکی	۴۴۶

ز - نگهداری رازها	۴۴۶
۴ / ۵ امانت های عملی	۴۵۴
فصل پنجم : امانتداران	۴۵۸
۱ / ۵ خداوند عزوجل	۴۵۸
۲ / ۵ فرشتگان	۴۶۲
۳ / ۵ پیامبران	۴۶۴
۴ / ۵ خاتم پیامبران صلی الله علیه وآله	۴۶۶
۵ / ۵ پیشوایان از اهل بیت علیهم السلام	۴۷۲
۶ / ۵ انسان	۴۸۰
۷ / ۵ عالمان دین	۴۸۵
۸ / ۵ حکمرانان	۴۹۰
۹ / ۵ اذان گویان	۴۹۷
۱۰ / ۵ بازرگانان و کسبه	۴۹۷
۱۱ / ۵ ثروتمندان	۴۹۷
۱۲ / ۵ رایزن	۴۹۹
۱۳ / ۵ سپرده دار	۴۹۹
۱۴ / ۵ پیمانکار	۵۰۱
۱۵ / ۵ مؤمن	۵۰۳
۱۶ / ۵ حجر الأسود	۵۰۳
فصل ششم : آداب امانت سپاری	۵۰۷
۱ / ۶ کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری است	۵۰۷
۲ / ۶ کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری نیست	۵۰۹
الف - اهل کتاب ، پیش از آزمودن	۵۰۹
ب - خیانتکار	۵۰۹
ج - منافق	۵۱۳
د - دروغگو	۵۱۳

ه - نیرنگباز	۵۱۳
و - بزهکار	۵۱۵
ز - فرو مایه	۵۱۵
ح - غالی	۵۱۵
ط - پیرو هوس	۵۱۷
ی - شرابخوار	۵۱۷
ک - سخن چین	۵۱۹
ل - کسی که این خصلت ها در اوست	۵۱۹
۲۲ . امنیت	۵۲۳
اشاره	۵۲۳
درآمد	۵۲۵
امنیت ، در لغت	۵۲۵
امنیت ، در قرآن و حدیث	۵۲۶
۱ . جایگاه امنیت در نظام اسلامی	۵۲۶
۲ . سرزمین نمونه در امنیت	۵۲۷
۳ . مسئولیت نظام اسلامی در برقراری امنیت	۵۲۸
۴ . خطرناک ترین تهدیدهای امنیتی	۵۲۸
۵ . سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام	۵۲۹
فصل یکم : جایگاه امنیت در نظام اسلامی	۵۳۱
۱ / ۱ امنیت ، نعمتی بزرگ	۵۳۱
۱ / ۲ نکوهش نبود امنیت	۵۳۵
۱ / ۳ مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور	۵۳۷
۱ / ۴ نقش دعا در امنیت	۵۴۱
۱ / ۵ شهر نمونه در امنیت	۵۴۷
۱ / ۶ امنیت موعود	۵۵۱
فصل دوم : خطرناک ترین آسیب های امنیت	۵۵۸

۵۵۸ ۱ / ۲ اختلاف
۵۶۳ ۲ / ۲ ستم
۵۶۵ ۳ / ۲ ناسپاسی
۵۷۳ فصل سوم : سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام
۵۷۳ ۱ / ۳ کسب اطلاعات
۵۷۷ ۲ / ۳ اصلاح دشمنان
۵۷۹ ۳ / ۳ سازش به همراه زیرکی
۵۸۱ ۴ / ۳ هوشیاری کامل در برابر دشمن
۵۸۳ ۵ / ۳ کوچک نشمردن دشمن
۵۸۵ ۶ / ۳ خیرخواهی نخواستن از دشمن ، جز برای آزمودن
۵۸۵ ۷ / ۳ موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان
۵۸۷ ۸ / ۳ مجازات نکردن بر پایه گمان و اتهام
۵۹۱ ۹ / ۳ نهی از شکنجه
۵۹۵ ۱۰ / ۳ نهی از دشنام
۵۹۷ ۱۱ / ۳ نرم خویی تا زمانی که توطئه در کار نباشد
۵۹۹ ۱۲ / ۳ تبعید یا زندانی کردن توطئه گران
۶۴۳ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان قراردادی : موسوعه معارف الکتاب و السنه . فارسی

عنوان و نام پدیدآور : دانشنامه قرآن و حدیث فارسی - عربی / محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران ؛ ترجمه حمیدرضا شیخی.

مشخصات نشر : قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 13 -

مشخصات ظاهری : ج.

فروست : پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 99 .

شابک : 1500000 ریال: دوره : 0-494-493-964-978 ؛ ج. 4 : 9-587-493-964-978 ؛ ج. 5 : 588-493-964-978-978 ؛ ج. 6 : 9-590-493-964-978-978 ؛ ج. 8 : 6-591-493-964-978-978 ؛ ج. 9 : 3-592-493-964-978-978 ؛ ج. 10 : 978-964-493-964-978-978 ؛ ج. 12 : 4-595-493-964-978-978 ؛ ج. 13 : 1-596-493-964-978-978 ؛ ج. 14 : 493-964-978-978-978 ؛ ج. 15 : 5-598-493-964-978-978 ؛ ج. 16 : 2-599-493-964-978-978

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد چهارم .

یادداشت : این کتاب با حمایت و مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چاپ شده است .

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 14

شناسه افزوده : شیخی، حمیدرضا، 1337 -، مترجم

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : 1390 2د34م/BP136/9

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 2747877

20. اُمت

اشاره

20. اُمتدراآمدفصل یکم: راه نمایی شدن اُمت ها پس از گم راهی آنافصل دوم: عبرت گرفتن از اُمت هافصل سوم: عوامل پیشرفت اُمت هافصل چهارم: علل نابودی اُمت هافصل پنجم: نقاط تشابه اُمت هافصل ششم: امتیازات اُمت اسلامفصل هفتم: ویژگی های اُمت محمد صلی الله علیه و آله در احکام شرعیفصل هشتم: ویژگی های اخلاقی و رفتاری اُمت محمد صلی الله علیه و آلهفصل نهم: اوصاف اُمت محمد صلی الله علیه و آله در تورات و انجیلفصل دهم: آینده اُمت محمد صلی الله علیه و آله در دنیا ففصل یازدهم: چگونگی محشور شدن اُمت هافصل دوازدهم: ویژگی های اُمت محمد صلی الله علیه و آله در قیامتفصل سیزدهم: گروه های اُمتفصل چهاردهم: آنان که در قرآن و حدیث ، «اُمت» خوانده شده اند

درآمد امت، در لغتواژه «امت»، در معانی مختلفی به کار رفته است، مانند: جماعت، (1) خلق، (2) دین، (3) طریقه، (4) جیل، (5) جنس، (6) پیرو، (7) زمان، 8 و قامت. 9 خلیل بن احمد فراهیدی در تبیین ریشه آن می گوید: «إِعلم أنَّ كلَّ شَيْءٍ يُضَمُّ إِلَيْهِ سَائِرُ مَا يَلِيهِ، فَإِنَّ الْعَرَبَ تُسَمَّى ذَلِكَ الشَّيْءَ أُمَّاً. 10 بدان که هر چیزی که دیگر چیزها به آن می پیوندند، عرب، آن را «أُمّ» می نامند. ابن فارس، با الهام از سخن خلیل می گوید:

-
- 1- .. الصحاح: ج 5 ص 1864 ماده «أُمّ»، مفردات ألفاظ القرآن: ص 86.
 - 2- .. مجمع البحرين: ج 1 ص 76.
 - 3- .. مجمع البحرين: ج 1 ص 75.
 - 4- .. الصحاح: ج 5 ص 1864.
 - 5- .. ترتيب كتاب العين: ص 54، النهاية في غريب الحديث: ج 1 ص 68.
 - 6- .. الصحاح: ج 5 ص 1864، مجمع البحرين: ج 1 ص 75.
 - 7- .. ترتيب كتاب العين: ص 54.

اُمّت، در قرآن و حدیث

اشاره

أَمَّا الهمزة والميم فأصل واحد، يتفرّع منه أربعة أبواب، وهى: الأصل، والمرجع والجماعة والدين. وهذه الأربعة متقاربة، وبعد ذلك أصول ثلاثة، وهى: القامة والحين والقصد. همزة وميم، يك ریشه معنایی است که چهار باب گوناگون از آن منشعب شده اند [به این معنای]: اصل، محل رجوع، جماعت و دین. این چهار معنا، نزدیک به هم اند و پس از اینها، سه معنای دیگر قرار دارند: قامت، زمان و قصد. (1) راغب اصفهانی در باره معنای «اُمّت» آورده است: و الأُمّة: كلّ جماعة يجمعهم أمرٌ ما؛ إمّا دين واحد، أو زمان واحد، أو مكان واحد، سواء كان ذلك الأمر الجامع تسخيرا أو اختيارا، و جمعها: أُمم. اُمّت، هر جماعتی را گویند که چیزی (وجه اشتراکی) آنها را گرد هم آورده باشد: یا دین مشترك، یا زمان مشترك یا مكان مشترك؛ چه این اشتراك، با اختيار خودشان باشد و چه قهری باشد. (2) ل

اُمّت، در قرآن و حدیث در قرآن کریم، واژه «اُمّت» به معنای: جماعت، (3) انسان جامع و کامل، (4) دین، (5) زمان، (6) و کسانی که در يك روش زندگی جبری (7) و یا

- 1- .. معجم مقایس اللغة: مادّة «أُمم».
- 2- .. مفردات الفاظ القرآن: مادّة «أُمم».
- 3- .. قصص: آیه 23: «وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْتَأْذِنُونَ؛ و چون به آب مَدْيَن رسید، گروهی از مردم را دید که [دام های خود را] آب می دادند».
- 4- .. نحل: آیه 120: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ؛ و به راستی که ابراهیم، اُمّتی بود مطیع خدای».
- 5- .. زخرف: آیه 22: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ أَبَاءً عَلٰى أُمَّةٍ؛ ما پدرانمان را بر دینی یافتیم».
- 6- .. یوسف: آیه 45: «وَاذْكُرْ بَعْدَ أُمَّةٍ؛ و پس از چندی، به یاد آورد».
- 7- .. انعام: آیه 38: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ؛ و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرندۀ ای که با دو بال خود پرواز می کند، مگر این که آنها نیز گروه هایی مانند شما هستند».

يك . نگاهی کلی به تاریخ امت ها

اختیاری (1) شریک اند ، به کار رفته است ؛ لیکن آیات و احادیثی که در این بخش خواهند آمد ، در باره معنای اوّل و دوم امت (2) اند . اکنون پیش از ذکر متن آیات و احادیثی که موضوع آنها امت یا امت اسلامی است ، به دسته بندی و ارزیابی اجمالی آنها می پردازیم .

يك . نگاهی کلی به تاریخ امت ها جامعه بشری ، در آغاز پیدایش ، امت واحده بوده است ، بدین معنا که مردم در جوامع اولیه ، گرایش هایی یکسان داشته اند و اختلافی میان آنها وجود نداشته است ؛ بلکه یگانگی و وحدت ، بر آنان حکومت می کرده است . پایین بودن سطح فکری انسان های اولیه ، ایجاب می کرد که نتوانند از ره نمودهای انبیای الهی و رهبری دینی ، بهره لازم را ببرند . از این رو ، آنان تنها به بخشی از وظایف انسانی خود _ که فطرت الهی آنان ایجاب می کرد _ عمل می کردند . گم راه نبودند ؛ اما در جهت رشد و تعالی نیز حرکت نمی کردند و به تعبیر احادیث : كَانُوا قَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً وَاحِدَةً عَلَى فِطْرَةِ اللَّهِ لَا مُمْتَدِّينَ وَلَا ضَلَالًا . (3) پیش از نوح علیه السلام ، قومی بودند که بر فطرت خداوندی يك صدا بودند ؛ نه ره یافته بودند و نه گم راه . فطرت الهی انسان ها ره نمود انبیا و پیشوایان دینی از يك سو ، و تمایلات

1- .. آل عمران : آیه 104 : «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ؛ وَباید از میان شما گروهی باشند که به سوی خیر فرا خوانند» .

2- .. گفتنی است که آیات و روایات این بخش ، عمدتاً در باره امت اسلامی است ؛ لیکن معیارهایی که برای ارزشیابی ، پیشرفت و انحطاط این امت ذکر شده ، قابل تعمیم به همه امت هاست .

3- .. ر . ك : ص 20 ح 1 .

دو . عوامل پیشرفت و سقوط امت ها

درونی (1) و وسوسه های شیاطین جن و انس (2) از سوی دیگر، به تدریج، زمینه را برای رشد و تکامل جامعه بشر فراهم کردند و بدین سان، مردم در آزمون سختی قرار گرفتند و میان آنان اختلاف پدید آمد. در این دوران از زندگی بشر، انبیای الهی موظف شدند به عنوان بخشی از وظایف خود، از طریق احکام و قوانین دینی، برای رفع اختلاف مردم اقدام کنند. عده ای دعوت انبیا را پذیرفتند و سعادت‌مند شدند؛ اما بیشتر امت ها، تحت تأثیر تمایلات درونی و القانات شیطانی، در آزمون الهی شکست خوردند و هلاک گردیدند.

دو. عوامل پیشرفت و سقوط امت ها برای این که آیندگان از سرنوشت امت های گذشته عبرت گیرند، در قرآن کریم و احادیث اسلامی، مهم ترین عوامل پیشرفت و سقوط امت های گذشته، بیان شده است. بر این اساس، مهم ترین عوامل پیشرفت امت ها عبارت اند از: رهبری انسان های شایسته، وحدت کلمه، شایستگی نخبگان، و تمسک به ارزش های اخلاقی و عملی. مهم ترین عوامل سقوط و هلاکت امت ها عبارت اند از: رهبری انسان های ناشایسته و پیروی کورکورانه مردم از آنها، بدگمانی به رهبران دینی و تردید در استدلال های روشن آنها، تکذیب آیات الهی، به سخره گرفتن آموزه های دینی، دروغ بستن به خداوند متعال، توطئه بر ضد مکتب انبیا و مبارزه با حق طلبان، ظلم، افراط در هوسرانی، ترك نهی از منکر و مبارزه با فساد، غفلت از خطر تبهکاری،

1- .. ر.ك: ص 31 ح 10 و 11.

2- .. ر.ك: انعام: آیه 112.

سه . دلیل همگونی امت ها در تقابل با پیامبران

گناه، اختلاف، فساد نخبگان، سوء تدبیر، علاقه به دنیای نکوهیده، اهمّیت ندادن به حقوق افراد مستضعف، و مفساد فرهنگی و اقتصادی .

سه . دلیل همگونی امت ها در تقابل با پیامبران از منظر قرآن کریم، امت های گذشته، در تقابل با ادیان راستین و رهبران دینی، مشابه (1) عمل کرده اند . آنان انبیای الهی را تکذیب می کردند، منکر زندگی پس از مرگ بودند، خود را در انجام دادن کارهای ناشایسته، مجبور و معذور می دانستند و به خدا افترا می بستند . در این جا با عنایت به فطری بودن دین، این سؤال، قابل طرح است که : اگر دین فطری است، دلیل همگونی امت ها در تقابل با آن چیست؟ پاسخ، این است که اولاً: قرآن، تصریح می کند که مخالفان پیامبران، مُترَفان و مستکبران بوده اند، نه توده مردم : «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ . (2) ما در هیچ شهری، هشداردهنده ای نفرستادیم، مگر آن که اسرافکاران آن گفتند : «ما منکر پیامی هستیم که شما برای آن فرستاده شده اید» و می گفتند : «ما دارایی و فرزندان بیشتری داریم و [لذا] عذاب نمی شویم» . مستکبران بودند که گاه، توده مستضعف را هم به دنبال خود می کشیدند: «يَقُولُ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ . (3) [در قیامت] مستضعفان به مستکبران می گویند : «اگر شما نبودید، حتماً ما از ایمان آورندگان می بودیم» .

1- .. ر . ك : ص 133 (امت / فصل پنجم : نقاط تشابه امت ها) .

2- .. سبأ : آیه 34 و 35 . نیز ، ر . ك : اعراف : آیه 76 _ 88 .

3- .. سبأ : آیه 31 .

وگاه، توده مستضعف، در برابر مستکبران، از انبیا حمایت می کردند، چنان که در مورد قوم صالح علیه السلام می خوانیم: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضِعَّ عَفْوًا لِمَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ اَتَعْلَمُونَ اَنْ صَالِحًا مَّرْسَلٌ مِّنْ رَبِّهِ قَالُوا اِنَّا بِمَا اُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ * قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا اِنَّا بِالَّذِي ءَامَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ . (1) سران قوم او که استکبار ورزیدند، به مستضعفان که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می دانید که صالح، از سوی پروردگارش فرستاده شده است؟ [شاید دروغ بگوید!]». گفتند: «بی تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است، ایمان داریم». مستکبران گفتند: «ما به آنچه شما به آن ایمان دارید کافریم». انبیای الهی با حمایت همین مردم مستضعف، دین خدا را به جهانیان عرضه کردند. بنا بر این، منظور از امت هایی که در طول تاریخ با دین و رهبران دینی مقابله کرده اند، مستکبران و زورمداران اند. ثانياً: علت همگونی امت های مستکبر گذشته در تقابل با پیامبران، این است که خصلت استکبار، ضدیت با حق و عدل است که اساس دعوت انبیای الهی است. بنا بر این، آن همگونی، منافاتی با فطری بودن دین ندارد. نکته قابل توجه، این است که احادیث اسلامی، تأکید می کنند آنچه در امت های پیشین تحقق یافته، در امت اسلامی نیز تحقق خواهد یافت: كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ؛ حَذَوِ النَّعْلَ بِالنَّعْلِ، وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ. (2) هر چه در امت های پیشین بوده، در این امت هم خواهد بود، دقیق و موبه مو. لیکن تکرار حوادث امت های گذشته، در ادوار میانی تاریخ امت اسلامی خواهد

1- .. اعراف: آیه 215 .

2- .. ر. ک: ص 210 ح 215 .

چهار . فضایل اُمّت اسلامی

الف - اعتبار احادیث فضایل اُمّت اسلامی

بود ؛ زیرا اُمّت اسلامی ، فضایل (ارزش ها و برتری ها) و ویژگی هایی دارد که در نهایت ، حق بر باطل پیروز خواهد شد. در حدیث نبوی آمده : خَيْرُ أُمَّتِي أَوَّلُهَا وَآخِرُهَا ، وَفِي وَسْطِهَا الْكَدْرُ . (1) بهترین اُمّت من ، آغاز و پایانِ آن است ؛ ولی در میانه اش ، تیرگی خواهد بود .

چهار . فضایل اُمّت اسلامیدر این مجموعه، فضایل فراوانی برای اُمّت اسلامی آمده است ، مانند این که : شکل گیری این اُمّت ، به دعای ابراهیم علیه السلام بوده ؛ اُمّت اسلامی، بهترین اُمّت است ؛ مشمول رحمت ویژه الهی است و برای جامعه بشر ، سودمند و فرخنده است. فضایل این اُمّت ، سبب شده که هر چند از نظر تاریخی ، پس از اُمّت های گذشته آمده است ، اما از نظر ارزشی ، بر آنها پیشی گرفته و لذا با عنوان «الآخرون السابقون» (پسینیانِ پیشی گیرنده) توصیف شده است . در مورد فضایلی که بدانها اشاره شد ، دو سؤال ، قابل طرح است:

الف _ اعتبار احادیث فضایل اُمّت اسلامیسؤال اول ، این است که آیا سند احادیثی که فضایل (ارزش ها و برتری های) مختلفی را برای اُمّت اسلامی ذکر کرده اند ، از اعتبار لازم برخوردار است یا نه؟ پاسخ ، این است که قرآن کریم ، در آیات متعددی ، تصریح و تأکید بر فضایل اُمّت اسلامی دارد، مانند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» . (2) شما بهترین اُمّتی بوده اید که از میان مردم ، سر برآورده» .

1- .. ر . ك : ص 210 ح 214 .

2- .. آل عمران : آیه 110 .

ب - آیا امت اسلامی، به خودی خود، فضیلت دارد؟

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ . (1) و بدین سان، شما را امتی میانه [رو] قرار دادیم تا گواهانی بر [دیگر] مردم باشید». لذا هر چند همه روایات مربوط به فضایل این امت، اعتبار لازم را نداشته باشند، از آن جا که مضمون آنها اجمالاً هماهنگ با قرآن است، ضعف سند آنها زیانی به اثبات ارزشمندی امت اسلامی و تقدّم آن بر دیگر امت ها نمی رساند.

ب _ آیا امت اسلامی، به خودی خود فضیلت دارد؟ سؤال دوم، این است که آیا آیات و روایاتی که در باره فضایل امت اسلامی بیان شده اند، شامل همه جوامع اسلامی در طول تاریخ می شوند یا اختصاص به مقطع خاصی از تاریخ اسلام، و یا افراد خاصی از جامعه اسلامی دارند؟ تردیدی نیست که فضایل امت اسلامی، اختصاص به کسانی از این امت دارد که عملاً به ارزش های اسلام وفادارند. لذا قرآن کریم، وقتی از این امت، به عنوان «بهترین امت» یاد می کند، بی درنگ، آنان را با خصوصیت امر به معروف و نهی از منکر توصیف می نماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ . (2) شما بهترین امتی بوده اید که از میان مردم، سر بر آورده ؛ [چرا که] به کار نیک دستور می دهید و از کار زشت، باز می دارید». از نگاه قرآن، عدالت اجتماعی، نخستین گام در حکمت بعثت همه انبیای الهی است. لذا در رأس همه نیکی هایی است که خداوند متعال به آن فرمان داده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِخْلَافِ الْحَسَنِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

1- .. بقره: آیه 143 .

2- .. آل عمران: آیه 110 .

پنج . نشانه های پیشرفت و انحطاط امت ها

وَالْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ . (1) خداوند به عدالت و نیکوکاری دستور می دهد و به این که حق خویشان به جای آورده شود ، و از فحشا و کار زشت و سرکشی ، باز می دارد . شما را پند می دهد تا شاید پند بپذیرید» . بر این اساس ، نخستین شرط صدق «امت اسلامی» بر يك جامعه، دفاع آنها از ارزش های دینی و در رأس همه ، عدالت اجتماعی است . هر گاه امتی با شاخص های جامعه اسلامی (2) شکل گرفت ، دارای همه فضایی خواهد بود که در قرآن و احادیث اسلامی آمده است ؛ اما جوامعی که تنها نام اسلام را با خود دارند و از ویژگی های امت اسلامی بی بهره اند ، نه تنها فضیلتی ندارند ، بلکه مشمول این پیشگویی تکان دهنده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز هستند که فرمود : سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ ، يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ ، مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى ، فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شُرُفُقُهُاءُ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ! (3) زمانی بر امت من می آید که از قرآن ، جز نوشته اش باقی نماند و از اسلام ، جز نامش . مسلمان نامیده می شوند ؛ اما دورترین مردم از اسلام اند . مسجدهایشان [از جمعیت] آباد و از هدایت ، خالی است . دین شناسان آن زمان ، بدترین دین شناسان زیر سایه آسمان اند . فتنه از آنان بر می خیزد و به آنان ، باز می گردد .

پنج . نشانه های پیشرفت و انحطاط امت هابی تردید ، استقرار عدالت اجتماعی و ارزش های اخلاقی و عملی در جامعه و توسعه علمی و فرهنگی و اقتصادی ، مهم ترین نشانه های پیشرفت امت ها هستند .

1- .. نحل : آیه 90 .

2- .. ر . ك : ص 137 (امت / فصل ششم : امتیازات امت اسلام) .

3- .. ر . ك : ص 232 ح 249 .

شش . آینده امت اسلامی

هفت . اطلاق «امت» به فرد

شش . آینده امت اسلامی همان گونه که پیشوایان بزرگ اسلام پیش بینی کرده بودند ، تمدن اسلامی در آغاز تاریخ اسلام ، درخشش فراوانی داشت و تا قرن ها بر جهان حکومت می کرد ؛ اما به تدریج افول کرد. آنان نیز پیش بینی کرده اند که در آینده تاریخ، هر چند امت اسلامی گرفتار انحرافات گوناگونی خواهد شد، با این حال ، به هر حال ، گروهی از این امت ، در طول تاریخ ، به ارزش های اسلامی وفادار خواهند ماند و با تلاش های همین گروه، به تدریج ، زمینه برای فراگیر شدن تمدن اسلامی در جهان ، به رهبری تنها باقی مانده از خاندان خاتم انبیا صلی الله علیه و آله ، فراهم خواهد شد . (1)

هفت . اطلاق «امت» به فرد در قرآن و احادیث اسلامی ، شماری از افراد که در دفاع از ارزش های دینی در مقطعی از تاریخ ، تنها بوده اند و سپس دیگران از آنان تبعیت کرده اند و به آنها ملحق شده اند ، امت نام گرفته اند ، مانند ابراهیم علیه السلام . این اطلاق ، هماهنگ با ریشه لغوی کلمه امت _ یعنی «اصل» و «مرجع» _ است . در این گونه موارد ، در اطلاق «امت» بر فرد ، دو نکته لحاظ شده است: یکی تنها بودن در دفاع از ارزش های دینی در مقطعی از تاریخ ، و دیگری مقتدا قرار گرفتن . همچنین در برخی از احادیث ، اطلاق امت بر فرد ، به این دلیل است که آن فرد ، جای گزین جماعت در انجام دادن کاری است ، چنان که در حدیثی آمده است که پیامبر خدا خطاب به امام علی علیه السلام فرمود : **إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ أُمَّةً وَحَدَكَ ، كَمَا جَعَلَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً ، تَمْنَعُ جَمَاعَةَ الْمُتَنَافِقِينَ وَ**

الْكُفَّارِ هَيْبَتِكَ عَنِ الْحَرَكَةِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ . (1) خداوند ، تو را به تنهایی يك امت قرار داده ، چنان که ابراهیم علیه السلام را يك امت قرار داد و هیبت تو ، گروه منافقان و کافران را از حرکت [واقdam] بر ضدّ مسلمانان ، باز می دارد. و نیز آنچه در شماری از احادیث آمده که برخی افراد ، در قیامت ، «يك امت» محشور می شوند ، بدین معناست که آنان در قیامت ، به تنهایی يك صف را تشکیل می دهند ، بر خلاف دیگر مردم که هر يك ، در صف يك جماعت هستند. بنا بر این ، آنان به تنهایی ، حکم جماعت دارند.

الفصل الأول : إرشاد الأمم بعد ضلالتهم 1 / 1 كان الناس قبل نوح أمة واحدة الكتاب «كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين وأنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه وما اختلف فيه إلا الذين أوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم فهدى الله الذين آمنوا لما اختلفوا فيه من الحق بإذنه والله يهدي من يشاء إلى صراط مستقيم» . (1)

«وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ فِي مَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ» . (2)

الحديث الإمام الباقر عليه السلام في تفسير قوله تعالى : «كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين ومنذرين» _ : كانوا قبل نوح عليه السلام أمة واحدة على فطرة الله ؛ لا مهتدين ولا ضالاء ، فبعث الله النبيين . (3)

1- البقرة : 213 .

2- يونس : 19 .

3- مجمع البيان : ج 2 ص 543 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 10 .

فصل یکم : راه نمایی شدن اُمت ها پس از گم راهی آنان

1 / 1 مردم ، پیش از نوح علیه السلام ، اُمتی يك دست بودند

فصل یکم : راه نمایی شدن اُمت ها پس از گم راهی آنان 1 / 1 مردم ، پیش از نوح علیه السلام ، اُمتی يك دست بودندقرآن«مردم، اُمتی یگانه بودند . پس خداوند ، پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت و با آنان، کتاب [خود] را به حق ، فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند ، داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد _ پس از آن که دلایل روشن برای آنان آمد _ به سبب [حسدی و] ستمی که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند ، آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد ؛ و خدا هر که را بخواهد ، به راه راست هدایت می کند» .

«و مردم ، جز يك اُمت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند ؛ و اگر وعده ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سرِ آن با هم اختلاف می کنند، میانشان داوری می شد» .

حدیثامام باقر علیه السلام _ در تفسیر این سخن خداوند متعال که : «مردم، اُمتی يك دست بودند . پس خداوند ، پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت» _ : پیش از نوح علیه السلام ، اُمتی يك دست بر سرشت الهی بودند . نه ره یافته بودند و نه گم راه . پس خداوند ، پیامبران را برانگیخت .

تفسير العياشي عن يعقوب بن شعيب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»، قَالَ: كَانَ هَذَا قَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً وَاحِدَةً... قُلْتُ: أَعْلَى هُدًى كَانُوا أَمْ عَلَى ضَلَالَةٍ؟ قَالَ: بَلْ كَانُوا ضَلَالًا (1)، كَانُوا لَا مُؤْمِنِينَ وَلَا كَافِرِينَ وَلَا مُشْرِكِينَ. (2)

تفسير العياشي عن مسعدة عن الإمام الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ» _ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ ذَلِكَ قَبْلَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قِيلَ: فَعَلَى هُدًى كَانُوا؟ قَالَ: بَلْ كَانُوا ضَلَالًا... قُلْتُ: أَفَضَّلًا كَانُوا قَبْلَ النَّبِيِّينَ أَمْ عَلَى هُدًى؟ قَالَ: لَمْ يَكُونُوا عَلَى هُدًى، كَانُوا عَلَى فِطْرَةِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَهُمْ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ، وَلَمْ يَكُونُوا لِيَهْتَدُوا حَتَّى يَهْدِيَهُمُ اللَّهُ، أَمَا تَسْمَعُ يَقُولُ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (3) أَي نَاسِيَا لِلْمِيثَاقِ. (4)

1 / 2 إرسال المُنذِرِ وَالْهَادِي إِلَى جَمِيعِ الْأُمَمِ الْكِتَابُ «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ». (5)

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ». (6)

«إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ». (7)

1- ضَلَالًا: غير مهتدين إلى الحق (النهاية: ج 3 ص 98 «ضلل»).

2- تفسير العياشي: ج 1 ص 104 ح 306.

3- الأنعام: 77.

4- تفسير العياشي: ج 1 ص 104 ح 309.

5- يونس: 47.

6- النحل: 36.

7- فاطر: 24.

1 / 2 فرستاده شدن هشداردهنده و راه نما به سوی همه امت ها

تفسیر العیاشی_ به نقل از یعقوب بن شعیب _ : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند که : «مردم، امتی یک دست بودند»، پرسیدم . فرمود : «این ، پیش از نوح علیه السلام بود که مردم ، امتی واحد بودند ...» . گفتم : آیا در راه راست بودند یا در گم راهی؟ فرمود : «گم راه بودند . نه مؤمن بودند ، نه کافر ، و نه مشرک .

تفسیر العیاشی_ به نقل از مسعده _ : امام صادق علیه السلام ، در باره این سخن خداوند متعال که : «مردم، امتی یگانه بودند . پس خداوند ، پیامبران را نویدآور و بیم دهنده برانگیخت»، فرمود : «این ، پیش از نوح علیه السلام بوده است» . گفته شد : پس بر راه راست بودند؟ فرمود : «نه . گم راه بودند ...» . من گفتم : پس آیا پیش از پیامبران ، گم راه بودند یا ره یافته؟ فرمود : «ره یافته نبودند ؛ بلکه بر همان سرشت الهی ای که خداوند ، ایشان را با آن سرشت آفرید ، بودند ، و آفرینش خدا ، تبدیل ناپذیر است . نمی توانستند ره یافته باشند تا آن که خداوند ، راه نمایی شان کرد . نشنیده ای که ابراهیم علیه السلام می گوید : «اگر پروردگار مرا راه نمایی نکرده بود ، بی گمان ، از مردمان گم راه می بودم» ؟ یعنی پیمان [و میثاق الهی] را فراموش می کردم» .

1 / 2 فرستاده شدن هشداردهنده و راه نما به سوی همه امت هاقرآن«و هر امتی را فرستاده ای است. پس چون فرستاده شان بیاید، میانشان به عدالت ، داوری شود و بر آنان ستم نرود» .

«و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید:] «خدا را پرستید و از طاغوت ، بپرهیزید»» .

«ما تو را به حق، [به سِ مَتِ] بشارتگر و هشدار دهنده ، گسیل داشتیم . و هیچ امتی نبوده است ، مگر این که در آن ، هشدار دهنده ای گذشته است» .

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» . (1)

«وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» . (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قول الله تعالى : «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» _ : أَنَا الْمُنذِرُ وَعَلَيَّ الْهَادِي (3) ، وَكُلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِ . (4)

الإمام علي عليه السلام : لَمْ يُخْلِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيِّ مُرْسَلٍ ، أَوْ كِتَابٍ مُنَزَّلٍ ، أَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ ، أَوْ مَحَبَّةٍ (5) قَائِمَةٍ (6) ، رُسُلٌ لَا تُقَصِّرُ بِهِمْ قِلَّةٌ عَدَدِهِمْ ، وَلَا كَثْرَةُ الْمُكَذِّبِينَ لَهُمْ ؛ مِنْ سَابِقِ سُمِّيَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ ، أَوْ غَابِرٍ (7) عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ . (8)

عنه عليه السلام : وَلَمْ يُخْلِهِمْ بَعْدَ أَنْ قَبَضَهُ [يَعْنِي آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَام] مِمَّا يُؤَكِّدُ عَلَيْهِمْ حُجَّةَ رُبُوبِيَّتِهِ ، وَيَصِلُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ ، بَلْ تَعَاهَدَهُمْ بِالْحُجَجِ عَلَى أَلْسِنِ الْخَيْرَةِ مِنْ أَنْبِيَائِهِ ، وَمُتَحَمِّلِي وَدَائِعِ رِسَالَاتِهِ ، قَرْنَا فَقَرْنَا ، حَتَّى تَمَّتْ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُجَّتُهُ . (9)

راجع : موسوعة معارف الكتاب والسنة : ج 4 ص 156 (الإمامة / دراسة حول استمرار الإمامة في كافة الأزمان)

1- .الرعد : 7 .

2- .القصص : 51 .

3- .في الطبعة المعتمدة : «الهاد» ، والتصويب من طبعة مؤسسة البعثة .

4- .تفسير العياشي : ج 2 ص 204 ح 7 عن حنان بن سدير عن الإمام الباقر عليه السلام ، الكافي : ج 1 ص 191 ح 1 ، الغيبة للنعماني : ص 110 ح 39 ، بصائر الدرجات : ص 30 ح 6 كلها عن الفضيل عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 35 ص 404 ح 22 .

5- .المَحَبَّةُ : جَادَّةُ الطَّرِيقِ (المصباح المنير : ص 121 «حج»).

6- .القائمة : الدائمة المُسْتَمِرَّة (النهاية : ج 4 ص 126 «قوم»).

7- .الغَابِرُ : الْبَاقِي ، وَقِيلَ : الْمَاضِي (النهاية : ج 3 ص 337 «غبر»).

8- .نهج البلاغة : الخطبة 1 ، بحار الأنوار : ج 11 ص 61 ح 70 .

9- .نهج البلاغة : الخطبة 91 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 57 ص 112 ح 90 .

«[ای پیامبر!] توفیق هشاردهنده ای، و برای هر قومی راه نمایی است» .

«و به راستی، این گفتار را برای آنان، پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم . امید که آنان، پند پذیرند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در باره این سخن خداوند متعال که : «[ای پیامبر!] توفیق هشاردهنده ای، و برای هر قومی راه نمایی است» _ : من هشاردهنده ام و علی، راه نماست، و هر امامی، راه نمای نسلی است که در میان آنهاست .

امام علی علیه السلام : خداوند پاک، هرگز آفریدگان خویش را از وجود پیامبری فرستاده یا کتابی آسمانی یا حجّتی قاطع و یا راهی استوار، بی بهره نگذاشته است ؛ فرستادگانی که نه اندک بودن شمارشان، آنان را [در انجام دادن وظیفه شان] سست گردانید و نه فراوانی مخالفانشان . برای پیامبر پیشین، نام پیامبر پس از او بُرده می شده و پیامبر گذشته، پیامبر آینده را معرفی می کرده است .

امام علی علیه السلام : خداوند، پس از آن که جان او (آدم علیه السلام) را گرفت، مردم را از وجود حجّتی که بر خداوندگاری او بر آنان تأکید کند و ایشان را به شناخت او برساند، تهی نگذاشت ؛ بلکه نسلی از پی نسلی با حجّت هایی که از زبان پیامبران برگزیده اش و امانتداران پیام های خویش فرستاد، به مردم رسیدگی کرد، تا آن که با پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله حجّت او تمام شد .

ر . ک : همین دانش نامه : ج 6 ص 253 (امامت / پژوهشی در باره استمرار امامت) .

1 / 3 من هداية الله من الأمم ومن حقت عليه الضلالة الكتاب «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ * إِن تَحْرِضَ عَلَىٰ هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» . (1)

«وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ * وَقَطَعْنَا هُمْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّسْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» . (2)

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» . (3)

راجع : الأعراف : 163 _ 166 .

الحديث تفسير الطبري عن قتادة في قوله تعالى : «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ» _ : بَلَّغْنَا أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ إِذَا قَرَأَهَا : هَذِهِ لَكُمْ ، وَقَدْ أُعْطِيَ الْقَوْمُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ مِثْلَهَا : «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» . (4)

الإمام علي عليه السلام في قوله تعالى : «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهُدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» قَالَ _ : يَعْنِي أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (5)

1- النحل : 36 و 37 .

2- الأعراف : 159 و 160 .

3- الأعراف : 181 .

4- تفسير الطبري : ج 6 الجزء 9 ص 135 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 518 ، تفسير الثعلبي : ج 4 ص 311 ح 202 عن قتادة نحوه ؛ مجمع البيان : ج 4 ص 773 عن ابن جريج نحوه ، بحار الأنوار : ج 24 ص 144 ح 8 .

5- تفسير العياشي : ج 2 ص 43 ح 123 عن يعقوب بن زيد ، بحار الأنوار : ج 24 ص 144 ح 7 .

1 / 3 اَمّت هائی که خداوند ، راه نمایی شان کرد و اَمّت هائی که محکوم به گم راهی شدند

1 / 3 اَمّت هائی که خداوند ، راه نمایی شان کرد و اَمّت هائی که محکوم به گم راهی شدند قرآن (و در حقیقت، در میان هر اَمّتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوید:] «خدا را بپرستید و از طاغوت [فریگر] پرهیزید» . پس، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده است ، و از ایشان ، کسی است که گم راهی بر او سزاوار است. بنا بر این ، در زمین بگردید و ببینید که فرجام تکذیب کنندگان ، چگونه بوده است. اگر [چه] بر هدایت آنان حرص ورزی ؛ ولی خدا ، کسی را که فرو گذاشته است ، هدایت نمی کند، و برای ایشان ، یاری کنندگانی نیست» .

«و از میان قوم موسی ، جماعتی هستند که به حق ، راه نمایی می کنند و به حق ، داوری می نمایند. و آنان را به دوازده عشیره _ که هر يك اَمّتی بودند _ تقسیم کردیم، و به موسی _ وقتی قومش از او آب خواستند _ وحی کردیم که : با عصایت بر آن تخته سنگ بزن . پس، از آن، دوازده چشمه جوشید. هر گروهی آبشخور خود را شناخت؛ و ابر را بر فراز آنان ، سایبان کردیم، و گرانگین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم. از چیزهای پاکیزه ای که روزی تان کرده ایم ، بخورید؛ و بر ما ستم نکردند، لیکن بر خودشان ستم می کردند» .

«و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق ، هدایت می کنند و به حق ، داوری می نمایند» .

ر . ك : اعراف : آیه 163 _ 166 .

حدیث تفسیر الطبری _ به نقل از قتاده ، در باره این سخن خداوند که : «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می کنند» _ : به ما خبر رسیده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، هر گاه این آیه را می خواند ، می فرمود : «این ، در حقّ شماست و مانند این ، به مردم پیش از شما نیز داده شد : «و از میان قوم موسی ، جماعتی هستند که به حق ، راه نمایی می کنند و به حق ، داوری می نمایند» .

امام علی علیه السلام _ در باره این سخن خداوند متعال : «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق ، هدایت می کنند و به حق ، داوری می نمایند» _ : مقصود ، اَمّت محمد صلی الله علیه و آله است .

عنه عليه السلام :افترقت بنو إسرائيل بعد موسى عليه السلام إحدى وسبعين فرقة ؛ كلها في النار إلا فرقة ، وافترقت النصارى بعد عيسى عليه السلام على اثنتين وسبعين فرقة ؛ كلها في النار إلا فرقة ، وتفرقت هذه الأمة على ثلاث وسبعين فرقة ؛ كلها في النار إلا فرقة . فأما اليهود فإن الله يقول : «ومن قوم موسى أمة يهدون بالحق وبه يعدلون» ، وأما النصارى فإن الله يقول : «منهم أمة مقتصدة» (1) فهذه التي تنجو ، وأما نحن فيقول : «وممن خلقنا أمة يهدون بالحق وبه يعدلون» فهذه التي تنجو من هذه الأمة . (2)

راجع : ص 46 (الامة / الفصل الثاني : قلة من نجي من الأمم) .

1 / 4 مبادئ اختلاف الأمم الكتاب «وأنزلنا إليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين يديه من الكتاب ومهيمنًا عليه فاحكم بينهم بما أنزل الله ولا تتبع أهواءهم عما جاءك من الحق لكل جعلنا منكم شرعة ومنهاجا ولو شاء الله لجعلكم أمة واحدة ولكن ليبلوكم في ما آتاكم فاستيقوا الخيرات إلى الله مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون» . (3)

«ولو شاء الله لجعلهم أمة واحدة ولكن يدخل من يشاء في رحمته و الظالمون ما لهم من ولي ولا نصير» . (4)

1- المائدة: 66 .

2- الدر المنثور : ج 3 ص 585 نقلاً عن ابن أبي حاتم، كنز العمال : ج 2 ص 413 ح 4382 وراجع : تفسير العياشي : ج 1 ص 331 ح 151 والخصال : ص 585 ح 11 والأمالى للطوسي : ص 523 ح 1159 والطرائف : ص 430 والعمدة : ص 74 والمسترشد : ص 260 .

3- المائدة : 48 .

4- الشورى : 8 .

1 / 4 ریشه های اختلاف امت ها

امام علی علیه السلام: چ بنی اسرائیل، پس از موسی علیه السلام، به هفتاد و یک گروه تقسیم شدند که همگی آنان، در آتش اند، بجز يك گروه، و نصارا، پس از عیسی علیه السلام، به هفتاد و دو گروه تجزیه شدند که همگی آنان، در آتش اند، بجز يك گروه، و این امت (اسلام) به هفتاد و سه گروه تقسیم می شوند که همه آنها در آتش اند، مگر يك گروه. اما یهود؛ خداوند می فرماید: «و از میان قوم موسی، جماعتی هستند که به حق، راه نمایی می کنند و به حق، داوری می نمایند». در باره نصارا، خداوند می فرماید: «از میان آنان، گروهی میانه رو هستند» و این، گروهی اند که نجات می یابند. و در باره ما [مسلمانان] می فرماید: «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند». از این امت هم، این گروه نجات می یابند.

ر. ک: ص 47 (امت / فصل دوم: عبرت گرفتن از امت ها / اندك بودن امت های نجات یافته).

1 / 4 ریشه های اختلاف امت ها قرآن «و ما این کتاب (قرآن) را به حق، به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق کننده کتاب های پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنان، بر اساس آنچه خدا نازل کرده، حکم کن و از هوس هایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن. برای هر يك از شما [امت ها]، شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می خواست، شما را يك امت قرار می داد؛ ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است، بیازماید. پس در کارهای نیک، بر یکدیگر پیشی بگیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست. آن گاه، در باره آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاهتان خواهد کرد».

«و اگر خدا می خواست، قطعاً آنان را امتی یگانه می گردانید؛ لیکن هر که را بخواهد، به رحمت خویش وارد می سازد و ستمگران، نه یاری دارند و نه یآوری».

الحديث لإمام علي عليه السلام: إِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَسُوءُ الصَّمَائِرِ، فَلَا تَوَازَرُونَ (1) (تأزرون) ولا تَنَاصَحُونَ، ولا تَبَاذِلُونَ ولا تَوَادُّونَ. (2)

عنه عليه السلام: لَوْ سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ. (3)

عنه عليه السلام - لَمَّا ذُكِرَ عِنْدَهُ اخْتِلَافُ النَّاسِ - : إِنَّمَا فَرَّقَ بَيْنَهُمْ مَبَادِيئُ طِينِهِمْ، وَذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا فِلَقَةً (4) مِنْ سَبَخٍ (5) أَرْضٍ وَعَذِيبِهَا، وَحَزَنٍ (6) تُرْبَةٍ وَسَهْلِهَا، فَهُمْ عَلَى حَسَبِ قُرْبِ أَرْضِهِمْ يَتَفَارِقُونَ، وَعَلَى قَدَرِ اخْتِلَافِهَا يَتَفَاوَتُونَ، فَتَأْمُ الرُّوَاءُ نَاقِصُ الْعَقْلِ، وَمَادُّ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهَمَّةِ، وَزَاكِي الْعَمَلِ قَبِيحُ الْمَنْظَرِ، وَقَرِيبُ الْقَعْرِ (7) بَعِيدُ السَّبْرِ (8)، وَمَعْرُوفُ الضَّرِيَّةِ (9) مُنْكَرُ الْجَلِيَّةِ (10)، وَتَانِهِ الْقَلْبِ مُتَفَرِّقُ اللَّبِّ، وَطَلِيقُ اللِّسَانِ حَدِيدُ الْجَنَانِ (11). (12)

- 1- المؤازرة: المعاونة على الأمر، يقال: آزره ووازره (تاج العروس: ج 6 ص 21 «أزر»).
- 2- نهج البلاغة: الخطبة 113.
- 3- كشف الغمّة: ج 3 ص 139، بحار الأنوار: ج 78 ص 81 ح 75.
- 4- الفِلَقَةُ: الكِسْرَةُ [من الشيء] (الصحيح: ج 4 ص 1544 «فلق»).
- 5- السَّبَخَةُ: الأرض التي تعلوها الملوحة (النهاية: ج 2 ص 333 «سبخ»).
- 6- الحَزَنُ: ما غُلِظَ من الأرض (الصحيح: ج 5 ص 2098 «حزن»).
- 7- قَعْرُ الْبَيْرِ وَغَيْرِهَا: عُمُقُهَا (الصحيح: ج 2 ص 797 «قعر»).
- 8- السَّبْرُ: الْعُورُ؛ يقال: سبرت الجرح أسبرُهُ، إِذَا نَظَرْتَ مَا غَوَرَهُ (أنظر: الصحيح: ج 2 ص 675 «سبر»).
- 9- الضَّرِيَّةُ: الطَّبِيعَةُ وَالسَّجِيَّةُ (النهاية: ج 3 ص 80 «ضرب»).
- 10- الْجَلِيَّةُ: الْخُلُقُ الَّذِي يَتَكَلَّفُهُ الشَّخْصُ (تاج العروس: ج 1 ص 370 «جلب»).
- 11- الْجَنَانُ: الْقَلْبُ (الصحيح: ج 5 ص 2094 «جنن»).
- 12- نهج البلاغة: الخطبة 234 عن مالك بن دحية، بحار الأنوار: ج 5 ص 254 ح 50.

حدیث امام علی علیه السلام: شما، در حقیقت برادران دینی هستید. آنچه میان شما جدایی افکنده، چیزی نیست، جز پلیدی درون ها و بدی نیت ها. نه همیاری می کنید، و نه برای یکدیگر خیرخواهی می کنید، نه به هم بخشش می کنید، و نه به هم مهر می ورزید.

امام علی علیه السلام: اگر نادان خاموش می ماند، میان مردم، اختلاف پدید نمی آمد.

امام علی علیه السلام _ آن گاه که در حضور او از تفاوت آدمیان با یکدیگر، سخن به میان آمد _ : تفاوت میان آدمیان، ریشه در گِل [و سرشت] آنان دارد، بدین سان که آنان، قطعه ای [مرگب] از زمین شور و شیرین، و خاک درشت و نرم بودند. بنا بر این، برحسب نزدیک بودن زمینشان به یکدیگر با هم نزدیک اند و به اندازه جدایی زمینشان از یکدیگر، با هم متفاوت اند. پس بسا افراد خوش سیمای کم خرد، و بلندقامت کوتاه همت، و پاک کردار زشت روی، و کوتاه قامت ژرف اندیش و بسا افراد خوش نهادی که گاه برخلاف طبیعتشان، رفتار ناخوشایندی از آنان سر می زند، و بسا سرگشته خرد پریشان دل و بسا سخنور تیزدل!

الفصل الثاني : الاعتبار بالأمم 2 / 1 ابتلاء الأمم الكتاب «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» . (1)

«لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» . (2)

«أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» . (3)

الحديث مجمع البيان في قوله تعالى : «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَ كُمْ شِيْعًا ... » (4)
 الآية _ في تفسير الكلبي : لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَامَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَتَوَضَّأَ وَأَسْبَغَ وَضُوءَهُ ، ثُمَّ قَامَ وَصَلَّى فَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَلَّا يَبْعَثَ عَلَى أُمَّتِهِ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِهِمْ وَلَا مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ، وَلَا يُلْبِسَهُمْ شِيْعًا ، وَلَا يُذِيقَ بَعْضَهُمْ بَأْسَ بَعْضٍ . فَنَزَلَ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ : يَا مُحَمَّدُ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمِعَ مَقَالَتَكَ ، وَإِنَّهُ قَدْ أَجَارَهُمْ مِنْ خَصَلَتَيْنِ وَلَمْ يُجِرْهُمْ مِنْ خَصَلَتَيْنِ ؛ أَجَارَهُمْ مِنْ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِهِمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ، وَلَمْ يُجِرْهُمْ مِنَ الْخَصَلَتَيْنِ الْآخِرَتَيْنِ . فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَا جِبْرِيلُ ، مَا بَقَاءُ أُمَّتِي مَعَ قَتْلِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا ؟ فَقَامَ وَعَادَ إِلَى الدُّعَاءِ ، فَنَزَلَ : «الْم * أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» الْآيَتَيْنِ ، فَقَالَ : لَا بُدَّ مِنْ فِتْنَةٍ تُبْتَلَى بِهَا الْأُمَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا ، لِيَتَّبِعَنَّ الصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ ، لِأَنَّ الْوَحْيَ انْقَطَعَ ، وَبَقِيَ السَّيْفُ وَافْتِرَاقُ الْكَلِمَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . (5)

1- الحديد : 25 .

2- المائدة : 48 .

3- العنكبوت : 2 و 3 .

4- الأنعام : 65 .

5- مجمع البيان : ج 4 ص 487 ، بحار الأنوار : ج 9 ص 88 ؛ تفسير القرطبي : ج 7 ص 10 نحوه .

فصل دوم: عبرت گرفتن از امت ها

2 / 1 آزمایش امت ها

فصل دوم: عبرت گرفتن از امت ها 1 / 2 آزمایش امت هاقرآن «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار، روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم، به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم، خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری! خداوند، نیرومند شکست ناپذیر است.»

«برای هر يك از شما (امت ها) شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می خواست، شما را يك امت قرار می داد؛ ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است، بیازماید. پس در کارهای نیک، بر یکدیگر پیشی بگیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست. آن گاه، در باره آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاهتان خواهد کرد.»

«آیا مردم پنداشته اند که تا گفتند: «ایمان آوردیم»، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟! و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند، آزمودیم، تا خداوند، آنان را که راست گفته اند، معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد.»

حدیثمجمع البیان_ در باره این سخن خداوند متعال: «بگو: «او توانست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان، عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه، به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] ...»» _ در تفسیر الکلبی آمده است: چون این آیه فرود آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و وضویی شاداب و کامل گرفت و سپس، به نماز ایستاد و نمازی نیکو گزارد. آن گاه، از خداوند پاک، درخواست کرد که بر امتش عذابی از فراز سرشان یا از زیر پاهایشان نفرستد و آنها را گروه گروه به [جان] هم نیندازد، و خشم بعضی را به بعضی دیگر نچشانند. در این هنگام، جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت: ای محمد! خداوند متعال، گفتار تو را شنید و آنان (امت تو) را از دو چیز، پناه داد و از دو چیز، پناهشان نداد: از این که از فراز سرشان یا از زیر پاهایشان برایشان عذابی بفرستد، پناهشان داد؛ اما از آن دو چیز دیگر (تفرقه و به جان هم افتادن) پناهشان نداد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ای جبرئیل! با وجود کشته شدن امت من به دست یکدیگر، از آنان چه باقی می ماند؟». برخاست و دیگر باره، دعا کرد. پس این دو آیه نازل شد: «الف، لام، میم! آیا مردم پنداشته اند که تا گفتند: «ایمان آوردیم»، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟». پس فرمود: «از آزمایش، گریزی نیست و امت، پس از پیامبرش، باید آزموده شود تا راستگو از دروغگو معلوم گردد؛ زیرا وحی، قطع شده و شمشیر و تفرقه، تا روز قیامت برجاست.»

الإمام علي عليه السلام في خطبة له - : لو أراد الله جل ثناؤه بأنبيائه حيث بعثهم أن يفتح لهم كنوز الذهبان، ومعادن العقيان (1)، ومغارس الجنان، وأن يحشد رطير السماء ووحش الأرض معهم لفعّل، ولو فعل لسطّ البلاء، وبطل الجزاء، وأضمحلّت الأنباء، ولما وجب للقائليّن أجور المبتليّن، ولا لحقّ المؤمنين ثواب المحسين، ولا لزمّت الأسماء أهاليها على معنى مبين (2)، ولذلك لو أنزل الله من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين، ولو فعل لسطّ البلوى عن الناس أجمعين، ولكن الله جل ثناؤه جعل رسله أولي قوة في عزائم نياتهم، وضّ عفة فيما ترى الأعين من حالاتهم؛ من قناعة تملأ القلوب والعيون غناؤه، وخاصصة (3) تملأ الأسماع والأبصار أذاؤه. ولو كانت الأنبياء أهل قوة لا ترام وعزة لا تضام، ومملك يمدّ نحوه أعناق الرجال ويشدّ إليه عقد الرجال، لكان أهون على الخلق في الاختيار، وأبعد لهم في الاستكبار، ولا منوا عن رهبة قاهرة لهم أو رغبة مائلة بهم، فكانت النيات مشتركة والحسنات مقسمة، ولكن الله أراد أن يكون الاتباع لرسله، والتصديق بكُتبه، والخشوع لوجهه، والاستكانة لأمره، والاستسلام لطاعته، أمراً له خاصة لا تشوبها من غيرها شائبة، وكلّما كانت البلوى والاختبار أعظم كانت المثوبة والجزاء أجزل. ألا ترون أن الله جل ثناؤه اختبر الأولين من لدن آدم إلى الآخرين من هذا العالم، بأحجار لا تصدّر ولا تنفع، ولا تبصر ولا تسمع، فجعلها بيته الحرام الذي جعله للناس قياماً، ثم وضّعه بأوعر بقاء الأرض حجراً، وأقلّ نتائج (4) الدنيا مدراً، وأضيق بطون الأودية معاشاً، وأغلظ محال المسلمين مياهاً، بين جبال حشنة، ورمال دمثة (5)، وغيون وشلة (6)، وفري منقطعة، وأثر من مواضع قطر السماء دائر، ليس يزكو به خفّ ولا ظلف ولا حافر. ثم أمر آدم وولده أن يتنوا أعطافهم نحوه، فصار مثابة (7) لمنتجع (8) أسفارهم، وغاية لملقى رحالهم، تهوي إليه ثمار الأفندة من مفاوز فقار متصلة، وجزائر بحار منقطعة، ومهاوي فجاج عميقة، حتى يهزوا مناكبهم ذللاً، يهلّلون لله حوله، ويرملون (9) على أقدامهم شعثاً غبراً له، قد نبذوا القنع والسرابيل وراء ظهورهم، وحسروا بالشعور خلقاً عن رؤوسهم، ابتلاء عظيم، واختباراً كبيراً، وامتحاناً شديداً، وتمحيصاً بليغاً، وقنوتاً مبيناً، جعله الله سبباً لرحمته، ووصلةً ووسيلةً إلى جنّته، وعلةً لمغفرته، وابتلاءً للخلق برحمته. ولو كان الله تبارك وتعالى وضع بيته الحرام ومشاعره العظام بين جنات وأنهار، وسهل وقار، جم الأشجار، داني الثمار، ملثفّ النبات، متّصل القرى، من برّة (10) سمرات، وروضة خضراء، وأرياف محدقة، وعراض (11) مغدقة، وزروع ناضرة، وطرق عامرة، وحدائق كثيرة، لكان قد صدّ عن الجزاء على حسب صدّ عفّ البلاء، ثم لو كانت الأساس المحمول عليها والأحجار المرفوعة بها، بين زمردة خضراء وياقوتة حمراء ونور وضياء، لخفف ذلك مصارعة الشك في الصدور، ولوضع مجاهدة إبليس عن القلوب، ولنفى معتلج الريب من الناس، ولكن الله عز وجل يختبر عبده بأنواع الشدائد، ويتعبّد لهم بالوان المجاهد، ويبتليهم بضروب المكاره؛ إخراجاً للتكبر من قلوبهم، وإسكاناً للتدلل في أنفسهم، وليجعل ذلك أبواباً فتحة إلى فضله، وأسباباً ذللاً لعفوه وفتنته، كما قال: «الم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ». (12)

- 1- العقيان من الذهب: الخالص (الصباح: ج 6 ص 2433 «عقا»).
- 2- قال المجلسي قدس سره: «ولا لزمّت الأسماء» كالمؤمن والمتقي والزاهد والعابد (مرآة العقول: ج 17 ص 24). وفي نهج البلاغة: «ولا لزمّت الأسماء معانيها» وليس فيه: «على معنى مبين».
- 3- الخصاصة: الفقر والحاجة (المصباح المنير: ص 171 «خصص»).
- 4- التثائق: جمع تقيقة، فعيلة بمعنى مفعولة؛ من التثق: وهو أن تقلع الشيء فترفعه من مكانه لترمي به، هذا هو الأصل، وأراد بها هاهنا البلاد؛ لرفع بنائها، وشهرتها في موضعها (النهاية: ج 5 ص 13 «نتق»).

- 5- دَمِثَ المكانَ دَمَثًا : لَانَ وَسَهَلَ (النهاية : ج 2 ص 132 «دمث»).
- 6- الوَشَلُ : الماء القليل (النهاية : ج 5 ص 189 «وشل»).
- 7- المَثَابَةُ : المجتمعُ والمنزل ، لأنَّ أهله يثوبون إليه أي يرجعون (لسان العرب : ج 1 ص 245 «ثوب»).
- 8- المُتَنَجِّعُ : المَنَزِلُ في طلب الكَلأ (لسان العرب : ج 8 ص 347 «نجع»).
- 9- رَمَلَ : إذا أسرع في المشي وهزَّ منكبيه (النهاية : ج 2 ص 265 «رمل»).
- 10- البَرَّ : الحنطة (لسان العرب : ج 4 ص 55 «بر»).
- 11- العَرَصَةُ : كلُّ بقعةٍ بين الدور واسعة ليس فيها بناء . و تجمع عراضاً وعَرَصَات (لسان العرب : ج 7 ص 52 «عرص»).
- 12- الكافي : ج 4 ص 198 ح 2 ، نهج البلاغة : الخطبة 192 نحوه، بحار الأنوار : ج 14 ص 469 ح 37 .

امام علی علیه السلام در یکی از سخنرانی هایش: «اگر خداوند _ که بزرگ است ثنای او _، آن گاه که پیامبرانش را فرستاد، می خواست گنجینه های طلا و معدن های زر ناب و باغستان های پُردرخت را برایشان بگشاید و مرغان آسمان و وحوش زمین را همراه و مستخر آنان کند، بی گمان، می توانست چنین کند؛ اما اگر می کرد، آزمایش، از میان برمی خاست و پاداش، منتفی می شد و خبرها (وعد و وعیدهای پیامبران)، بیهوده می گشت و دیگر مزدهای امتحان شدگان برای آسایندگان، واجب نمی شد و پاداش [در نظر گرفته شده برای] نیکوکاران به مؤمنان نمی رسید و نام ها [بی چون: عاصی و مطیع و محسن و مُسیء] بر معنایی آشکار در اهلشان دلالت نمی کردند. نیز اگر خداوند از آسمان، نشانی فرو می فرستاد، بی گمان، مردم در برابر آن، سر تسلیم فرود می آوردند. لیکن، اگر چنین می کرد، مسئله آزمایش از مردمان، همگی، ساقط می شد. اما خداوند _ که بزرگ است ثنای او _، پیامبران خود را دارای اراده هایی نیرومند قرار داد و از نظر حالات ظاهری شان که به چشم می آید، آنها را با قناعتی که دل ها و چشم ها را از بی نیازی می آکند و نیازمندی و فقری که دیده ها و گوش ها را سخت می آزارد، ناتوان گردانید. اگر پیامبران از نیرویی بلامنازع و قدرتی مقهور ناشدنی و از چنان سلطنتی که گردن های مردمان به سوی آن کشیده و بار سفر به جانب آن بسته می شود، برخوردار می بودند، هر آینه، کار آزمایش، بر خلق، آسان تر بود و کمتر گردن فرازی می کردند و از سرِ ترسی چیره شونده بر آنان و یا از روی طمع به زانو درآوردنده، ایمان می آوردند و آن گاه، نیت ها، مشترک و کارهای نیک، تقسیم شده بود؛ اما خداوند، چنین خواست که پیروی از پیامبرانش و تصدیق نمودن کتاب هایش و خاکساری در پیش او و سر سپردن به فرمان او و گردن نهادن به طاعت او، اموری ویژه او باشند و با هیچ ناخالصی ای نیامیزند و هر اندازه آزمایش و امتحان بزرگ تر باشد، پاداش و جزا بیشتر خواهد بود. مگر نمی دانید که خداوند _ که بزرگ است ثنای او _ پیشینیان را از زمان آدم علیه السلام تا واپسین مردمان این عالم، به واسطه سنگ هایی که نه زبانی می زدند و نه سودی می رسانند و نه می بینند و نه می شنوند، در بوته آزمایش نهاد و [بدین منظور] آن سنگ ها را خانه باحرمت خویش ساخت و آن را وسیله به پا داشتن [مصلح] مردم قرار داد. سپس، آن را در سنگلاخی ترین سرزمین ها و کم خاک ترین شهرهای دنیا و تنگ ترین درّه ها برای زندگی، و کم آب ترین زیستگاه های مسلمانان، جای داد؛ در میان کوه های رُمخت و ریگزارهای نرم و چشمه های کم آب و آبادی های دورافتاده از هم، آن جا که نشانی از بارش های آسمانی وجود ندارد، نه شتری در آن جافره می شود، نه گاوی و نه گوسفندی. سپس، آدم علیه السلام و فرزندان او را فرمود تا به جانب آن (کعبه) روی آورند و بدین سان، بیت الحرام، سر منزل مقصود آنان، و باراندازِ نهایی شان گردید. مردمان، با تمام وجود، از میان بیابان های خشک به هم پیوسته و از جزایر پراکنده دریاها، و از درون درّه های ژرف، به آن جا روی می آوردند تا [به هنگام سعی] از سرِ خواری و خاکساری، شانه های خویش را تکان دهند و «لا اله الا الله» گویان بر گرد آن بچرخند و با موهای ژولیده و پیکرهای غبار گرفته، هروله کنان بشتابند. نقاب ها و جامه ها را پشت سر افکنده [و جامه احرام به تن کرده]، و موهای سر خویش را سترده اند، و این هم، آزمونی بزرگ و آزمایشی عظیم و امتحانی سخت و تصفیه ای شدید و اطاعتی آشکار است که خداوند، آن را سببی برای رحمتش و رشته و وسیله ای به سوی بهشتش و علّتی برای آمرزشش و مایه آزمایش خلق از سرِ مهر خویش، قرار داده است. اگر خداوند _ تبارک و تعالی _ خانه محترم خود و مشعرهای ارجمندش (مکان های ویژه حج) را در میان چمنزارها و جویبارها و دشت های هموارِ پُردرخت و پُرمیوه با گیاهان درهم پیچیده و روستاهای به هم پیوسته، در میان گندمزارها و بوستان های سرسبز و مرغزارهای حاصلخیزِ گرداگرد آن و دشت های پُر آب و کشتزارهای خرم و راه های آباد و باغستان های بسیار قرار داده بود، بی گمان، به همان اندازه که امتحان آسان تر بود، پاداش نیز کمتر بود. نیز اگر پایه ای که خانه خدا بر آن بنا شده و سنگ هایی که آن خانه با آنها افرشته گردیده است، از زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنائی [سنگ های پُر زرق و برق] می بود، بی گمان، این کار، ستیز با تردید سینه ها را آسان می ساخت، و زحمت مبارزه با ابلیس را از دل ها برمی داشت، و تلاطم تردید را از مردم می زدود؛ اما خداوند عز و جل بندگان خود را با انواع سختی ها می آزماید، و آنان را با مجاهدت های گونه گون به بندگی می گیرد، و با گرفتاری های مختلف می

آزمایششان ، تا بدین وسیله ، تکبر را از دل هایشان بیرون برد ، و فروتنی و خاکساری را در جان هایشان جای دهد ، و این را درهایی گشاده به سوی رحمتش ، و اسبابی آماده برای عفو و آزمونش قرار دهد ، چنان که فرموده است : «الف، لام، میم . آیا مردم پنداشته اند که تا گفتند : «ایمان آوردیم» ، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند ، آزمودیم، تا خدا آنان را که راست گفته اند ، معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد» .

.

الكافي عن معمر بن خلاد: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «الْم * أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»، ثُمَّ قَالَ لِي: مَا الْفِتْنَةُ؟ قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، الَّذِي عِنْدَنَا: الْفِتْنَةُ فِي الدِّينِ. فَقَالَ: يُفْتَنُونَ كَمَا يُفْتَنُ الذَّهَبُ (1)، ثُمَّ قَالَ: يُخْلَصُونَ كَمَا يُخْلَصُ الذَّهَبُ (2).

راجع: ص 228 (الامة / الفصل العاشر: مستقبل امة محمد صلى الله عليه وآله في الدنيا / ما يقع فيها من الفتن).

2 / 2 إمكانيات الامم الكتاب «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِمَّنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ». (3)

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَا وَرِيًا». (4)

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ». (5)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام في تفسير قوله تعالى: «أَثَا وَرِيًا» _ الأثا: المتاع، وأما رينا: فالجمال والمنظر الحسن. (6)

راجع: ص 42 (الامة / الفصل الثاني / الاعتبار بعاقبة المخدوعين من الأمم).

1- فتن الذهب والفضة: إذا أحرقت بالنار ليبين الجيد من الرديء (المصباح المنير: ص 462 «فتن»).

2- الكافي: ج 1 ص 370 ح 4، الغيبة للنعماني: ص 202 ح 2، بحار الأنوار: ج 5 ص 219 ح 14.

3- الأنعام: 6.

4- مريم: 74.

5- الأحقاف: 26.

6- تفسير القمّي: ج 2 ص 52 عن أبي الجارود، مجمع البيان: ج 6 ص 813 عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 14 ص 455 ح 3؛ فتح الباري: ج 8 ص 427، تفسير ابن كثير: ج 5 ص 252 كلاهما عن ابن عباس من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، تفسير الطبري: ج 9 الجزء 16 ص 118 عن ابن زيد من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام والثلاثة الأخيرة نحوه.

2 / 2 امکانات اَمّت ها

الكافی۔ به نقل از مُعَمَّر بن خَلّاد۔ از ابو الحسن علیه السلام (1) شنیدم که می فرماید: «الف، لام، میم! آیا مردم پنداشته اند که تا گفتند: «ایمان آوردیم»، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟». سپس به من فرمود: «آزمایش چیست؟». گفتم: فدایت شوم! نزد ما آزمایش در دین است. فرمود: «مردم، گداخته می شوند، چنان که طلا [در بوته] گداخته می شود». سپس فرمود: «تصفیه می شوند، چنان که طلا تصفیه می شود».

ر. ک: ص 229 (اَمّت / فصل دهم: آینده اَمّت محمد صلی الله علیه و آله در دنیا / دچار شدن به فتنه ها).

2 / 2 امکانات اَمّت هاقِرآن «آیا ندیده اند که پیش از آنان، چه بسیار اَمّت ها را هلاک کردیم؟ [اَمّت هایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده ایم، و [باران های] آسمان را پی در پی، بر آنان فرو فرستادیم، و رودبارها را از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم. پس ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم و پس از آنان، نسل های دیگری پدید آوردیم».

«و چه بسیار نسل ها را پیش از آنان، نابود کردیم که اثاثی بهتر و ظاهری فریباتر داشتند».

«و به راستی، در چیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آنها [چنان] امکاناتی نداده ایم، و برای آنان، گوش و دیده ها و دل هایی [نیرومندتر از شما] قرار داده بودیم؛ و [لی] چون نشانه های خدا را انکار کردند، [نه] گوششان و نه دیدگانشان و نه دل هایشان، به هیچ وجه به دردشان نخورد، و آنچه ریشخند می کردند، به سرشان آمد».

حدیث امام باقر علیه السلام۔ در تفسیر این سخن خداوند متعال: «اثاثی بهتر و ظاهری فریباتر داشتند»۔ مقصود از اثاث، کالا است و از ظاهر، زیبایی و منظر نیکو.

ر. ک: ص 43 (اَمّت / فصل دوم: پند گرفتن از فرجام اَمّت های فریب خورده).

1- .. مقصود از «ابو الحسن»، امام رضا علیه السلام است.

2 / 3 تسويلات الشيطان للامم «تالله لقد ارسلنا الى امم من قبلك فزین لهم الشيطان اعمالهم فهو وليهم اليوم ولهم عذاب اليم». (1)

«ولقد ارسلنا الى امم من قبلك فآخذناهم بالبأساء والضراء لعلهم يتضرعون * فلولا اذ جاءهم بأسنا تضرعوا ولكن قست قلوبهم وزيين لهم الشيطان ما كانوا يعملون». (2)

راجع : ص 70 ح 54 .

2 / 4 الاعتبار بعاقبة المخدوعين من الامم الكتاب «وقوم نوح لما كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلناهم للناس آية واعتدنا للظالمين عذابا اليم * وعادا واثمودا واصحاب الرس وقرونا بين ذلك كثيرا * وكلا ضربنا له الامثال و كلا تبننا تنيرا». (3)

1- .النحل : 63 .

2- .الأنعام : 42 و 43 .

3- .الفرقان : 37 _ 39 .

2 / 3 اغواگری های شیطان نسبت به امت ها

2 / 4 پند گرفتن از فرجام امت های فریب خورده

2 / 3 اغواگری های شیطان نسبت به امت ها «سوگند به خدا که به سوی امت های پیش از تو [رسولانی] فرستادیم ؛ [اما] شیطان ، اعمالشان را برایشان آراست و امروز [هم] سرپرستان هموست و برایشان عذابی دردناک است» .

«و به یقین، ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند ، [پیامبرانی] فرستادیم ، و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم، تا به زاری و خاکساری درآیند . پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید ، تضرع نکردند؟ ولی [حقیقت ، این است که] دل هایشان سخت شده است ؛ و شیطان ، آنچه را انجام می دادند ، برایشان آراسته است» .

ر . ك : ص 71 ح 54 .

2 / 4 پند گرفتن از فرجام امت های فریب خورده قرآن «و قوم نوح را آن گاه که پیامبران [خدا] را تکذیب کردند ، غرقشان ساختیم، و آنان را برای [همه] مردم ، عبرتی گردانیدیم و برای ستمکاران ، عذابی پُر درد آماده کرده ایم . و [نیز] عادیان و ثمودیان و اصحابِ رَس و نسل های بسیاری میان این [جماعت ها] را [هلاك کردیم] و برای همه آنان ، مثل ها زدیم و همه را زیر و زبر کردیم»

«أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى» . (1)

«وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَأْقُومُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِّثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ * مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعِبَادِ» . (2)

«وَكَانَ مِنَ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا * فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا * أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَانْقُضُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا» . (3)

راجع : آل عمران : 137 ، الأنعام : 10 و 11 ، الأنفال : 38 ، يوسف : 109 ، النحل : 35 ، القصص : 43 ، الروم : 9 _ 22 ، السجدة : 26 ، يس : 31 ، غافر : 82 ، الزخرف : 25 ، محمد : 10 ، التغابن : 5 ، الملك : 18 ، الحاقة : 4 و 9 و 12 ، يونس : 102 ، ق 36 و 37 ، إبراهيم : 8 و 9 .

الحديث للإمام علي عليه السلام : إِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً ، أَيْنَ الْعَمَالِقَةُ (4) وَأَبْنَاءُ الْعَمَالِقَةِ؟ أَيْنَ الْفَرَاعِنَةُ وَأَبْنَاءُ الْفَرَاعِنَةِ؟ أَيْنَ أَصْحَابُ مَدَائِنِ الرَّسِّ (5) الَّذِينَ قَتَلُوا النَّبِيِّينَ ، وَأَطْفَؤُوا سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ ، وَأَحْيَوْا سُنَنَ الْجَبَّارِينَ؟ أَيْنَ الَّذِينَ سَارُوا بِالْجِيُوشِ ، وَهَزَمُوا بِالْأُلُوفِ ، وَعَسَكُرُوا الْعَسَاكِرَ ، وَمَدَّنُوا الْمَدَائِنَ؟! (6)

راجع : ص 70 ح 54 و ص 74 ح 55 .

1- طه : 128 .

2- غافر : 30 و 31 .

3- الطلاق : 8 _ 10 .

4- الْعَمَالِقَةُ : الجبابرة الذين كانوا بالشام من بقية قوم عاد (النهاية : ج 3 ص 301 «عملق»).

5- الرَّسِّ : السِّبْرُ الْمَطْوِيَّةُ بالحجارة ، والرَّسِّ اسم بئرٍ كانت لبقية ثمود ، كَذَبُوا نَبِيَّهُمْ وَرَسُولَهُ فِي الْبَرِّ (مجمع البحرين : ج 2 ص 698 «رَسس»).

6- نهج البلاغة : الخطبة 182 عن نوف البكالي ، بحار الأنوار : ج 34 ص 126 ح 953 .

«آیا برای هدایتشان کافی نبود که [ببینند] چه نسل ها را پیش از آنان نابود کردیم که [اینک آنها] در سراهای ایشان، راه می روند؟ به راستی، برای خردمندان در این [امر]، نشانه هایی [عبرت انگیز] است».

«و کسی که ایمان آورده بود، گفت: «ای قوم من! من از [روزی] مثل روز دسته ها [ی مخالف خدا] بر شما می ترسم؛ [از سرنوشتی] نظیر سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود، و کسانی که پس از آنها آمدند؛ و [گر نه] خدا بر بندگان [خود]، ستم نمی خواهد».

«و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سرپیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت، عذاب کردیم تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند، و پایان کارشان زیان بود. خدا برای آنان، عذابی سخت آماده کرده است. پس ای خردمندانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید. راستی که خدا به سوی شما تذکارتی فرو فرستاده است».

ر. ك: آل عمران: آیه 137، انعام: آیه 10 و 11، انفال: آیه 38، یوسف: آیه 109، نحل: آیه 35، قصص: آیه 43، روم: آیه 9_22، سجده: آیه 26، یس: آیه 31، غافر: آیه 82، زخرف: آیه 25، محمد: آیه 10، تغابن: آیه 5، ملك: آیه 18، حاقه: آیه 4 و 9 و 12، یونس: آیه 102، ق: آیه 36 و 37، ابراهیم: آیه 8 و 9.

حدیث امام علی علیه السلام: در میان نسل های گذشته، برای شما پنجاه است: کجایند عمالقه (1) و عمالقه زادگان؟ کجایند فرعونان و فرعون زادگان؟ کجایند ساکنان شهرهای رس؛ (2) همانان که پیامبران را کشتند و راه و رسم پیامبران الهی را از میان برداشتند و راه و رسم شاهان و ستمکاران را زنده کردند؟ کجایند کسانی که لشکرها به راه انداختند و هزاران نفر را درهم شکستند و سپاهیان گرد آوردند و شهرها بنا کردند؟!

ر. ك: ص 71 ح 54 و ص 75 ح 55.

1- .. عمالقه، یا بنو عملیق، قومی از عرب باندۀ و از فرزندان عملیق یا عملاق بن لاؤذ بن إرم بن سام بن نوح بودند که قامتی بلند و تنومند داشتند. گفته می شود که در سال های 1703 تا 2213 قبل از میلاد، در مصر، فرمان روایی می کردند.

2- .. اصحاب رس، در دو جای قرآن (ق: آیه 12 و فرقان: آیه 41) یاد شده اند. آنان قومی بودند که پیامبران را تکذیب کردند و هلاک شدند.

2 / 5 قِلَّةٌ مِّنْ نَّجَى مِنَ الْأَمِّالِ الْكَتَابِ «قَالُوا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ يَانُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي قَوْمِي كَذَّابُونَ * فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَ نَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَانْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ» (1).

«قَالُوا لَئِنْ لَّمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ * قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم مِّنَ الْقَالِينَ * رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ * فَانْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ * ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ * وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ» (2).

«فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ * إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ * وَإِنَّهُمْ لِنَارِ لَعَاطُوفُونَ * وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاقِظُونَ * فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَاتٍ وَ عُيُونٍ * وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ * كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَءِيلَ * فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ * فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُّوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ * قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ * فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُّوسَى أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ * وَأَزَلَّاهُمَا ثُمَّ الْآخَرِينَ * وَانْجَيْنَا مُّوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ» (3).

«فَلَوْلَا كَانِ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُّجْرِمِينَ» (4).

الحديث تفسير العياشي: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: تَفَرَّقَتْ أُمَّةٌ مُّوسَى عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ مِلَّةً (فِرْقَةً)؛ سَبْعُونَ مِنْهَا فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَتَفَرَّقَتْ أُمَّةٌ عِيسَى عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً؛ إِحْدَى وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَتَعَلُّوْا أُمَّتِي عَلَى الْفِرْقَتَيْنِ جَمِيعًا بِمِلَّةٍ؛ وَوَاحِدَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ. قَالُوا: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْجَمَاعَاتُ الْجَمَاعَاتُ. قَالَ يَعْقُوبُ بْنُ زَيْدٍ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ إِذَا حَدَّثَ هَذَا الْحَدِيثَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، تَلَا فِيهِ قُرْآنًا: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ» (5) إِلَى قَوْلِهِ: «سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (6)، وَتَلَا أَيْضًا: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (7) يَعْنِي أُمَّةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ 8.

1- الشعراء: 116 _ 121.

2- الشعراء: 167 _ 174.

3- الشعراء: 53 _ 67.

4- هود: 116.

5- المائدة: 65.

6- الأعراف: 181.

7- تفسير العياشي: ج 1 ص 331 ح 151، بحار الأنوار: ج 28 ص 3 ح 2؛ تفسير ابن كثير: ج 3 ص 141، مسند أبي يعلى: ج 4 ص 10 ح 3656، الدر المنثور: ج 3 ص 116 نقلاً عن ابن مردويه عن أنس وكلها نحوه، مجمع الزوائد: ج 7 ص 511 ح 12095.

2 / 5 اندك بودن اَمّت های نجات یافته

2 / 5 اندك بودن اَمّت های نجات یافتهقرآن گفتند: «ای نوح! اگر دست برنداری، قطعاً از [جمله] سنگسارشدگان خواهی بود». گفت: «پروردگارا! قوم من، مرا تکذیب کردند. میان من و آنان، فیصله ده و من و هر کس از مؤمنان را که با من است، نجات بخش». پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود، رهانیدیم. آن گاه، باقی ماندگان را غرق کردیم. قطعاً در این [ماجرا، درس] عبرتی بود؛ و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند».

«گفتند: «ای لوط! اگر دست برنداری، قطعاً از اخراج شدگان خواهی بود». گفت: «به راستی، من، دشمن کردار شمایم. پروردگارا! مرا و کسان مرا از آنچه انجام می دهند، رهایی بخش». پس او و کسانش، همگی را رهانیدیم، جز پیرزنی که از باقی ماندگان [در خاکستر آتش] بود. سپس، دیگران را سخت هلاک کردیم. و بر [سر] آنان، بارانی [از آتش گوگرد] فروریختیم؛ و چه بد بود باران بیم داده شدگان. قطعاً در این [عقوبت]، عبرتی است؛ و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند».

«پس فرعون، مأموران جمع آوری [خود را] به شهرها فرستاد [و گفت:] «اینها عده ای ناچیزند. و راستی، آنها ما را بر سرِ خشم آورده اند؛ و [لی] ما همگی به حال آماده باش درآمده ایم». سرانجام، ما آنان را از باغستان ها و چشمه سارها، و گنجینه ها و جایگاه های پُرناز و نعمت، بیرون کردیم. [اراده ما] چنین بود، و آن [نعمت ها] را به فرزندان اسرائیل، میراث دادیم. پس هنگام برآمدن آفتاب، آنها را تعقیب کردند. چون دو گروه، همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما قطعاً گرفتار خواهیم شد». گفت: «چنین نیست؛ زیرا پروردگارم با من است و به زودی، مرا راه نمایی خواهد کرد». پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود، بر این دریا بزن». تا از هم شکافت و هر پاره ای، همچون کوهی سترگ بود؛ و دیگران را بدان جا نزدیک گردانیدیم. و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند، نجات دادیم. آن گاه، دیگران را غرق کردیم. مسلماً در این [واقعه]، عبرتی بود؛ و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند».

«پس چرا از نسل های پیش از شما، خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین، باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند، به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند، رفتند، و آنان، بزهکار بودند».

حدیثتفسیر العیّاشی: از انس بن مالک، روایت شده که گفت: پیامبر خدا می فرمود: «اَمّت موسی علیه السلام به هفتاد و یک ملّت (فرقه) پراکنده شدند که هفتاد ملّت آن در آتش اند و یکی در بهشت است. اَمّت عیسی علیه السلام هفتاد و دو فرقه شدند که هفتاد و یک فرقه در آتش اند و یکی در بهشت است و اَمّت من، یک فرقه از آنها بیشتر دارد که یکی در بهشت است و هفتاد و دو فرقه دیگر در آتش اند». گفتند: آنان کیستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «گروه ها، گروه ها!». یعقوب بن زید می گوید: علی بن ابی طالب علیه السلام هر گاه این حدیث را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بازگو می کرد، در آن، این آیه قرآن را می خواند: «و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، قطعاً گناهانشان را می زدودیم و آنان را به بوستان های پر نعمت، وارد می ساختیم و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می کردند، قطعاً از بالای سرشان و از زیر پاهایشان نعمت می یافتند. از میان آنها، گروهی میانه رو هستند و بسیاری از ایشان بد رفتار می کنند». همچنین این آیه را تلاوت می کرد: «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند». [می فرمود:] «مقصود، اَمّت محمد صلی الله علیه و آله است».

الإمام علي عليه السلام: قَطَعَ اللَّهُ عَذَرَ عِبَادِهِ بِتَبْيِينِ آيَاتِهِ وَإِرسالِ رُسُلِهِ ، لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ، وَلَمْ يُخَلِ أَرْضَهُ مِنْ عَالِمٍ بِمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْخَلِيقَةُ ، وَتُعَلِّمُ عَلَى سَبِيلِ النِّجَاةِ ، أُولَئِكَ هُمُ الْآقِلُونَ عَدَدًا ، وَقَدْ بَيَّنَّ اللَّهُ ذَلِكَ فِي أُمَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلَهُمْ مَثَلًا لِمَنْ تَأَخَّرَ ، مِثْلَ قَوْلِهِ فِي قَوْمِ نُوحٍ : «وَمَا أَمْنٌ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» (1) ، وَقَوْلِهِ فِيمَنْ آمَنَ مِنْ أُمَّةِ مُوسَى : «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (2) . (3)

عنه عليه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ ، لَتَفَرَّقَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ؛ كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا فِرْقَةً «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» ، فَهَذِهِ الَّتِي تَنْجُو مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ . (4)

1- .هود: 40 .

2- .الأعراف: 159 .

3- .الاحتجاج: ج 1 ص 581 ح 137 ، بحار الأنوار: ج 68 ص 265 ح 23 .

4- .تفسير العياشي: ج 2 ص 43 ح 122 عن ابن الصهبان البكري ، مجمع البيان: ج 4 ص 773 ، بحار الأنوار: ج 28 ص 6 ح 8 ؛ الدر المنثور: ج 3 ص 617 نقلاً عن أبي الشيخ عن الإمام علي عليه السلام وراجع: الأماليل للمفيد: ص 213 ح 3 .

امام علی علیه السلام: خداوند با آشکار ساختن نشانه هایش و فرستادن پیامبران، بهانه را از بندگان گرفت تا بعد از پیامبران، دیگر مردم را بر خداوند، حجتی نباشد. اوزمیش را از وجود کسی که به آنچه خلق بدان نیازمندند عالم است یا کسی که در راه نجات [و هدایت] علم می آموزد، خالی نگذاشته است. البته اینان، اندک شمارند. خداوند، این [اندک شمار بودن] را در میان امت های پیامبران، بیان فرموده و ایشان را نمونه ای برای آیندگان قرار داده است. مثلاً در باره قوم نوح می فرماید: «و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند». نیز در باره ایمان آورندگان امت موسی علیه السلام می فرماید: «و از میان قوم موسی، جماعتی هستند که به حق، راه نمایی می کنند و به حق، داوری می نمایند».

امام علی علیه السلام: سوگند به آن که جانم در دست اوست، این امت، به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد که همه آنها در آتش اند، بجز يك فرقه «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند». اینها نجات یافتگان این امت اند.

2 / 6 علامةٌ سَخَطَ اللهُ عَلَى الْأُمَمِ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا غَضِبَ اللهُ عَلَى أُمَّةٍ وَلَمْ يُنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ، غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَقَصُرَتْ أَعْمَارُهَا، وَلَمْ تَرْبِحْ تُجَارُهَا، وَلَمْ تَزُكْ (1) ثِمَارُهَا، وَلَمْ تَغْزُرْ أَنْهَارُهَا، وَحُسِبَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا، وَسُلِّطَ عَلَيْهَا شِرَارُهَا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا سَخَطَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أُمَّةٍ إِلَّا أَغْلَى سِعْرَهَا، وَأَكْسَدَ أَسْوَاقَهَا، وَأَكْثَرَ فَسَادَهَا، وَاشْتَدَّ جَوْرُ سُلْطَانِهَا، فَعِنْدَ ذَلِكَ لَا يُزَكَّى أَغْنِيَاؤُهَا، وَلَا يَعِفُّ سُلْطَانُهَا، وَلَا يُصَلِّي فَقَرَاؤُهَا. (3)

1- الزكاة: النماء والبركة (النهاية: ج 2 ص 307 «زكا»).

2- الكافي: ج 5 ص 317 ح 53، الخصال: ص 360 ح 48 كلاهما عن الأصبع بن نباتة عن الإمام علي عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 148 ح 319، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 524 ح 1489، بحار الأنوار: ج 73 ص 350 ح 46؛ كنز العمال: ج 7 ص 839 ح 21611 نقلاً عن الديلمي عن الإمام علي عليه السلام.

3- كنز العمال: ج 4 ص 103 ح 9749 نقلاً عن ابن النجار عن ابن عباس.

2 / 6 نشانه خشم خداوند بر امت ها

2 / 6 نشانه خشم خداوند بر امت ها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند بر امتی خشم گیرد و عذاب [آسمانی] بر آنها فرو نفرستد ، [در عوض] قیمت هایشان گران می شود ، عمرهایشان کوتاه می گردد ، تجارتشان سودی نمی بَرَد ، میوه ها [و محصولات] شان بی رشد و برکت می شود ، جویبارهایشان کم آب می شود ، باران از آنان قطع می شود و بدهایشان بر آنان مسلط می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل بر هیچ امتی خشم نگرفت ، مگر آن که قیمت هایشان را گران کرد ، بازارهایشان را کساد کرد ، بر تباهی آنان افزود و ستم پادشاهشان ، شدت گرفت . پس در این هنگام ، ثروتمندانشان زکات نمی دهند و پادشاه [و حکمران] پاك دامنی نمی ورزد و فقیرانشان نماز نمی گزارند .

الفصل الثالث : عوامل تقدّم الأمم 3 / 1 قِيَادَةُ أَيْمَةِ الْهُدَى رسول الله صلى الله عليه وآله : لَنْ تَهْلِكَ الْأُمَّةُ وَإِنْ كَانَتْ ضَالَّةً ، إِذَا كَانَتْ الْأَيْمَةُ هَادِيَةً مَهْدِيَّةً. (1)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْمٍ خَيْرًا وَلَّى عَلَيْهِمْ حُلَمَاءَهُمْ ، وَقَضَى بَيْنَهُمْ عُلَمَاءَهُمْ ، وَجَعَلَ الْمَالَ فِي سَخَايَاهُمْ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَيْرًا ، أَكْثَرَ فَقَهَاءَهُمْ ، وَأَقَلَّ جُهَالَهُمْ ، فَإِذَا تَكَلَّمَ الْفَقِيهُ وَجَدَ أَعْوَانًا ، وَإِذَا تَكَلَّمَ الْجَاهِلُ قُهِرَ. (3)

(4)

الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ لَيَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ ، وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً. (5)

-
- 1- .تاريخ بغداد : ج 9 ص 459 الرقم 5089 عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 6 ص 31 ح 14715 .
 - 2- .الفردوس : ج 1 ص 246 ح 954 عن أبي سعيد الخدري ، كنز العمال : ج 6 ص 7 ح 14595 .
 - 3- .قُهِرَ : غُلِبَ (الصحاح : ج 2 ص 801 «قهر»).
 - 4- .الفردوس : ج 1 ص 246 ح 952 عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 10 ص 137 ح 28692 .
 - 5- .الكافي : ج 1 ص 376 ح 5 ، الغيبة للنعماني : ص 133 ح 15 كلاهما عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج 68 ص 112 ح 27 .

فصل سوم : عوامل پیشرفت اُمّت ها

3 / 1 رهبری پیشوایان هدایت

فصل سوم : عوامل پیشرفت اُمّت ها 3 / 1 رهبری پیشوایان هدایت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه پیشوایان راه نما و ره یافته باشند ، اُمّت ، هرگز تباه نمی شود ، هر چند گم راه باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند عز و جل برای مردمی اراده خیر کند ، بردبارانشان (/ خردمندانشان) را بر آنان فرمان روا می کند و عالمانشان را قاضیان آنها قرار می دهد و ثروت را در دست بخشندگانشان می گذارد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه خداوند ، خیرِ مردمی را بخواهد ، دانایان آنان را افزون می سازد و نادانانشان را اندک می گرداند . پس هر گاه دانا سخن بگوید ، یارانی می یابد و هر گاه نادان سخن بگوید ، مغلوب می شود .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، شرم می کند از این که اُمّتی را که از پیشوایی الهی پیروی می کند ، عذاب نماید ، هر چند آن اُمّت ، ستمکار و بدکردار باشد .

عنه عليه السلام: إذا أراد الله عز وجل برعية خيرا، جعل لها سلطانا رحيمًا، وقبض (1) له وزيرًا عادلاً. (2)

3 / 2 وحده الكلمة الكتاب «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتكم بنعمته إخواناً وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم آياته لعلكم تهتدون». (3)

الحديث للإمام علي عليه السلام: احذروا ما نزل بالأمم قبلكم من المثالات (4) بسوء الأفعال وذميم الأعمال، فتذكروا في الخير والشر أحوالهم، واحذروا أن تكونوا أمثالهم. فإذا تفكرتم في تفاوت حالهم، فالزموا كل أمر لزم العزة به شأنهم (حالهم)، وزاحوا الأعداء له عنهم، ومدة العافية به عليهم، وانقادت النعمة له معهم، ووصلت الكرامة عليه حبهم؛ من الاجتناب للفرقة، واللزوم للإلفة، والتحصن (5) عليها، والتواصي بها، واجتنبوا كل أمر كسر فقرتهم (6)، وأوهن منتهم (7): من تصاغين القلوب، وتشاحن الصدور، وتدابر النفوس، وتخاذل الأيدي. وتدبروا أحوال الماضين من المؤمنين قبلكم... فانظروا كيف كانوا حيث كانت الأملاء (8) مجتمعة، والأهواء مؤلفة (متفقة)، والقلوب معتدلة، والأيدي مترادفة (متراصة)، والسيوف متناصرة، والبصائر نافذة، والعزائم واحدة. ألم يكونوا أرباباً (9) في أقطار الأرضين، وملوكاً على رقاب العالمين؟ فانظروا إلى ما صاروا إليه في آخر أمورهم، حين وقعت الفرقة، وتشدت الألفة، واختلقت الكلمة والأفئدة، وشعبوا مختلفين، وتفرقوا متحاربين (متحاربين)، قد خلع الله عنهم لباس كرامته، وسلبهم غصارة (10) نعمته، وبقي قصص أخبارهم فيكم عبراً للمعتبرين. فاعتبروا بحال ولد إسماعيل وبني إسحاق وبني إسرائيل عليهم السلام، فما أشد اعتدال الأحوال، وأقرب اشتباه الأمثال. تأملوا أمرهم في حال تشبههم وتفرقهم، ليالي كانت الأكاسرة والقيصرة أرباباً لهم، يحتازونهم عن ريف الأفاق، وبحر العراق، وخضرة الدنيا، إلى منابت الشيع (11)، ومهافي الرياح، ونكد المعاش، فتركوهم عائلة مساكين، إخوان دبر ووبر (12)، أذل الأمم داراً، وأجذبهم قراراً، لا يأتون إلى جناح دعوة يعتصمون بها، ولا إلى ظل ألفة يعتمدون على عزها، فالأحوال مضطربة، والأيدي مختلفة، والكثرة متفرقة؛ في بلاء أزل (13)، وأطباق جهل! من بنات مؤودة، وأصنام معبودة، وأرحام مقطوعة، وغارات مشنونة. فانظروا إلى مواقع نعم الله عليهم حين بعث إليهم رسلاً، فعقد بملته طاعتهم، وجمع على دعوته ألفتهم؛ كيف نشرت النعمة عليهم جناح كرامتها، وأسالت لهم جداول نعيمها، والتفت الملة بهم، في ظل سلطان قاهر، وأوتهم الحال إلى كنف عز غالب، وتعطفت الأمور عليهم في ذرى ملك ثابت. فهم حكام على العالمين، وملوك في أطراف الأرضين، يملكون الأمور على من كان يُمضيها فيهم، لا تُغمز لهم فناة، ولا تُقرع لهم صفاة. (14)

1- قبض له: أي جاء به وأتاحه له (الصحيح: ج 3 ص 1104 «قبض»).

2- الأماشي للصدوق: ص 318 ح 371 عن المفضل بن عمر، روضة الواعظين: ص 511 وفيه «لها» بدل «له»، بحار الأنوار: ج 75 ص 340 ح 19.

3- آل عمران: 103.

4- المثلة: العقوبة، والجمع: المثالات (الصحيح: ج 5 ص 1816 «مثل»).

5- حصه: حته، والتحصن: التحاين (الصحيح: ج 3 ص 1071 «حضض»).

6- الفقرة: مثل الفقارة؛ واحدة فقار الظهر (الصحيح: ج 2 ص 782 «فقر»).

7- المنة: بالضم: القوة (الصحيح: ج 6 ص 2207 «منن»).

- 8- .المَلَأَ : أشرف الناس ورؤسائهم ، وجمعه : أملاء (النهاية : ج 4 ص 351 «ملأ»).
- 9- .الرَّبُّ : المَالِكُ والسَّيِّدُ . . . (النهاية : ج 2 ص 179 «رب»).
- 10- .الغَضَارَةُ : الخَيْرُ والسَّعَةُ فِي العَيْشِ (تاج العروس : ج 7 ص 311 «غضر»).
- 11- .الشَّيْخُ : نبات سهلي يَتَّخِذُ مِنْ بعضه المَكَانِسَ ، له طعم مرّ (لسان العرب : ج 2 ص 502 «شيخ»).
- 12- .أَهْلُ وَبَرٍ : أي أهل البوادي والقُرى ، وهو من وبر الإبل ، لأنَّ بيوتهم يَتَّخِذُونَهَا مِنْهُ (النهاية : ج 5 ص 145 «وبر»).
- 13- .الأَزَلُ : الشَّدَّةُ والضَّيْقُ (النهاية : ج 1 ص 46 «أزل»).
- 14- .نهج البلاغة : الخطبة 192 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 472 ح 37.

امام صادق علیه السلام: هر گاه خداوند عز و جل خیر مردمانی را بخواهد، سلطانی مهربان برای آنها قرار می دهد و برای آن سلطان، وزیری دادگر می گمارد.

3 / 2 همبستگیقرآن «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر بودند، پس میان دل های شما اُلفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند، نشانه های خود را برای شما روشن می کند، باشد که راه یابید».

حدیثامام علی علیه السلام: از کیفرهایی که به سبب کردارهای بد و رفتارهای نکوهیده، بر سرِ امت های پیش از شما آمد، برحذر باشید و احوال خوب و بد ایشان را به یاد آورید و از این که چون آنان باشید، بپرهیزید. هر گاه در تفاوت دو حال [خوب و بد] آنان اندیشیدید، همان کارهایی را در پیش گیرید که به آنان، عزّت و اقتدار بخشید و دشمنانشان را از آنان، دور ساخت و سایه عافیت را بر سرشان گسترانید و نعمت، به سراغشان آمد و بزرگواری، باعث پیوند آنان گردید و آن، دوری کردن از پراکندگی و چنگ زدن به رشته همبستگی، و تشویق و توصیه کردن یکدیگر به این دو امر است. از کارهایی که کمرِ آنان را شکست و نیرویشان را سست کرد، دوری کنید؛ کارهایی چون: کینه ورزی دل ها و تنفّر سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری دادن به هم. در سرگذشتِ مؤمنانِ پیش از خود نیز اندیشه کنید... و بنگرید که چگونه بودند آن گاه که بزرگانِ اشراف، متحد بودند و خواست ها یکی، و دل ها یکسان، و دست ها پشت سر هم، و شمشیرها همیار، و بینش ها نافذ، و اراده ها یکی بودند. آیا خداوندگارانِ سراسر زمین و شهریارانِ جهانیان نبودند؟! نیز به فرجام کار آنان بنگرید، آن گاه که میانشان جدایی افتاد و رشته اُلفت، از هم گسیخت و سخن ها و دل ها، چند گونه شدند و به دسته های گوناگون، منشعب شدند و دسته دسته شدند و به جان یکدیگر افتادند. در این هنگام، خداوند، جامه کرامتش را از تن آنان برکُند و فور نعمتش را از ایشان گرفت و داستان سرگذشتشان در میان شما مآخذ تا درس عبرتی باشد برای عبرت آموزان. پس، از سرگذشت فرزندان اسماعیل و پسران اسحاق و پسران اسرائیل پند گیرید، که چه همسان اند سرگذشت ها، و چه نزدیک به هم است همانندی عبرت ها! در سرنوشت آنان به هنگام پراکندگی و تفرقه شان بیندیشید. چه روزگاران سیاهی که کسرها و قیصرها بر آنان مهتری نکردند. آنان را از دشت های حاصلخیز (بین النهرین و شامات) و دریای عراق (دجله و فرات) و سرزمین های خرّم و سرسبز، به بیابان هایی خارزار و بادخیز _ که زندگی در آنها بسی سخت است _، بیرون راندند و آنان را به صورت مشتی نیازمندِ مستمند در آوردند که به شترچرانی و چادرنشینی پرداختند. بدترین مردم، از نظر زیستگاه بودند و خشک ترین منزلگاه را داشتند. نه به چتر دعوتی پناه می بردند که در زیر آن، خود را نگاه دارند، و نه به سایه همبستگی و اُلفتی که به قدرت آن تکیه کنند. اوضاعشان پریشان بود و دست هایشان پراکنده و جمعیشان از هم جدا. در رنجی سخت و جهلی مُرّگ بودند: از زنده به گور کردن دختران گرفته تا پرستش بت ها و بریدن رشته های خویشاوندی و جنگ و غارتگری. پس به نعمت هایی که خداوند به ایشان داد، بنگرید و بیندیشید، آن گاه که پیامبری (محمّد صلی الله علیه و آله) را سوی آنان فرستاد و همه آنان را به فرمان بُرداری از آیین خویش درآورد و با گرد آوردن ایشان بر گرد دعوت خویش، میانشان الفت برقرار ساخت. [بنگرید که] چگونه نعمت، بال های کرامتش را بر سرِ آنان گسترانید و جویبارهای نعیمش را بر ایشان، روان ساخت و این دین [اسلام]، آنان را در سایه قدرتی قاهر، متحد ساخت و این وضع، آنان را در سایه عزّتی چیره در آورد و دولتِ اقبال، به آنان روی کرد و به قَلّه های سلطنتی پایدار رسیدند. آنان بر جهانیان فرمان روا گشتند و شهریارانِ گوشه و کنار دنیا شدند و زمامدار امور کسانی گردیدند که پیش تر، آنان بر ایشان فرمان روایی می کردند. نه نیزه ای به سوی ایشان انداخته می شد و نه سنگی به جانبشان پرتاب می شد.

عنه عليه السلام: إلزموا السَّوَادَ الأعْظَمَ ؛ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ ، وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ ؛ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ. (1)

3 / 3 صلاحُ الخاصَّةِ الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي ، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي . قِيلَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَمَنْ هُمَا ؟ قَالَ : الْفُقَهَاءُ وَالْأَمْرَاءُ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتِ أُمَّتِي ، وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَتِ أُمَّتِي : الْأَمْرَاءُ وَالْقُرَّاءُ. (3)

1- نهج البلاغة : الخطبة 127 ، غرر الحكم : ج 2 ص 326 ح 2747 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 101 ح 2312 وليس فيهما صدره إلى «مع الجماعة» ، بحار الأنوار : ج 33 ص 373 ح 604 .

2- الخصال : ص 37 ح 12 عن السَّكُونِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، تحف العقول : ص 50 ، روضة الواعظين : ص 10 ، بحار الأنوار : ج 2 ص 49 ح 10 ؛ كنز العمال : ج 6 ص 30 ح 14708 نقلًا عن حلية الأولياء عن ابن عباس و ليس فيه «وإذا فسدا فسدت أمتي» .

3- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ : ص 448 ح 601 عن السَّكُونِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، النوادر للراوندي : ص 157 ح 231 ، مستدرک الوسائل : ج 4 ص 253 ح 4627 .

3 / 3 درست بودن خواص

امام علی علیه السلام: همراه جامعه (جماعت مسلمانان) باشید؛ زیرا دستِ خدا با جماعت است. از پراکندگی بپرهیزید؛ زیرا انسان جدامانده از مردم، طعمه شیطان است، چنان که گوسفند جدامانده [از رَمه]، طعمه گرگ است.

3 / 3 درست بودن خواص امام صادق علیه السلام_ به نقل از پدرش علیه السلام_: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دو دسته از اُمّت من هستند که اگر آنها درست شوند، اُمّت درست می شوند و اگر آنها فاسد شوند، اُمّت فاسد می شوند». گفته شد: ای پیامبر خدا! آن دو دسته کدام اند؟ فرمود: «عالمان دین و فرمان روایان».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو دسته از اُمّت من هستند که اگر آنها صالح باشند، اُمّت صالح می شوند و اگر آنها فاسد باشند، اُمّت فاسد می شوند: فرمان روایان و قاریان قرآن (عالمان دین).

3 / 4 التَّمَسُّكُ بِالْقِيَمِ الْأَخْلَاقِيَّةِ وَالْعَمَلِيَّةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صَلَاحُ الْأُمَّةِ الْيَقِينُ وَالزُّهْدُ، وَفَسَادُهَا بِالْأَمَلِ وَالْبُخْلِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: نَجَا أَوَّلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالْيَقِينِ وَالزُّهْدِ، وَهَلَكَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالْبُخْلِ وَالْأَمَلِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: كَانَ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ بَقَاءً أَوْ نَمَاءً رَزَقَهُمُ السَّمَاخَةَ (3) وَالْعَفَافَ، وَإِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ اقْتِطَاعًا فَتَحَ عَلَيْهِمُ بَابَ خِيَانَةٍ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِقَوْمٍ خَيْرًا، عَهَدَ (5) لَهُمْ فِي الْعُمْرِ، وَأَلْهَمَهُمُ الشُّكْرَ. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَتَخَاوُنَا، وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ، وَأَتَوْا الزُّكَاةَ، وَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتُلُوا بِالْقَحْطِ وَالسَّيْنِ (7). (8)

- 1- مستدرک الوسائل : ج 7 ص 27 ح 7554 نقلاً عن أبي القاسم الكوفي في كتاب الأخلاق .
- 2- البخلاء : ص 27 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده ، تفسير القرطبي : ج 10 ص 3 ، كنز العمال : ج 3 ص 449 ح 7388 نقلاً عن ابن أبي الدنيا عن ابن عمرو .
- 3- سَمَحَ بِكَذَا يَسْمَحُ سَمَاحَةً : جَادَ وَأَعْطَى (المصباح المنير : ص 288 «سمح»).
- 4- مسند الشاميين : ج 1 ص 35 ح 19 ، تاريخ دمشق : ج 40 ص 165 كلاهما عن عبادة بن الصامت ، كنز العمال : ج 6 ص 342 ح 15960 .
- 5- كذا في المصدر ، وفي الفردوس وكنز العمال : «أمد» .
- 6- الزهد الكبير : ص 239 ح 630 ، الفردوس : ج 1 ص 246 ح 953 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 254 ح 6412 .
- 7- يُقَالُ : أَخَذَتْهُمْ السَّنَةُ : إِذَا أَجْدَبُوا وَأُقْحِطُوا (لسان العرب : ج 13 ص 502 «سنه»).
- 8- ثواب الأعمال : ص 300 ح 1 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، عدّة الداعي : ص 178 عن الحسين بن أبي العلاء عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 172 ح 10 .

3 / 4 پابندی به ارزش های اخلاقی و رفتاری

3 / 4 پابندی به ارزش های اخلاقی و رفتاری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درستی امت، در گرو یقین و زهد است و تباهی آن، در آرزو و بخل.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آغاز این امت به سبب یقین و زهد، نجات یافت و پایان آن، به سبب بخل و آرزو، نابود می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: می فرمود: خداوند متعال، هر گاه برای مردمی ماندگاری یا رشد بخواهد، گشاده دستی و پاک دامنی، روزی آنان می کند و هر گاه برای مردمی نابودی بخواهد، در خیانت را به روی آنان می گشاید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، هر گاه برای مردمی خیری بخواهد، بر عمر آنان می افزاید و به ایشان، توفیق شکرگزاری عطا می فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امت من تا زمانی که به یکدیگر، خیانت نورزند و امانت را برگردانند و زکات بدهند، پیوسته در خیر [و خوشی] به سر می برند و هر گاه چنین نکردند، به قحطی و خشک سالی گرفتار می شوند.

عنه صلى الله عليه وآله : لا- تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَتَهَادَوْا ، وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ ، وَاجْتَنَبُوا الْحَرَامَ ، وَقَرُّوا (1) الضَّيْفَ ، وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ، وَآتَوْا الزَّكَاةَ ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتُلُوا بِالْفَحْطِ وَالسَّنِينَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : لا تَزَالُ أُمَّتِي عَلَى الْفِطْرَةِ (3) ، مَا لَمْ يَتَّخِذُوا الْأَمَانَةَ مَعْنَمَا (4) ، وَالزَّكَاةَ مَغْرَمًا (5) . (6)

عنه صلى الله عليه وآله : لا- يَزَالُ الدَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ ، وَسُلِّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ. (7)

عنه صلى الله عليه وآله : لا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا إِذَا قَالَتْ صَدَقَتْ ، وَإِذَا حَكَمَتْ عَدَلَتْ ، وَإِذَا اسْتَرْحِمَتْ رَحِمَتْ. (8)

عنه صلى الله عليه وآله : أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي الْجَنَّةَ ، تَقْوَى اللَّهِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (9)

1- .في المصدر «ووقروا» وما في المتن من المصادر الأخرى .

2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 29 ح 25 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 85 ح 12 ، الأماشي للطوسي : ص 647 ح 1340 عن محمد بن صدقة عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيه «وتهادوا وأدوا الأمانة ، واجتنبوا الحرام» ، جامع الأخبار : ص 377 ح 1052 عن الإمام الرضا عن الإمام عليّ عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 75 ص 115 ح 7 .

3- .الْفِطْرَةُ : الْخِلْقَةُ (الصحيح : ج 2 ص 781 «فطر»).

4- .الْمَغْنَمُ : هُوَ مَا أُصِيبَ مِنْ أَمْوَالِ أَهْلِ الْحَرْبِ (النهاية : ج 3 ص 389 «غنم»).

5- .الزكاة مغرما : أي يرى رب المال أنّ إخراج زكاته غرامة يغرمها (النهاية : ج 3 ص 363 «غرم»).

6- .الإصابة : ج 7 ص 46 الرقم 9655 عن أبي تميمة ، كنز العمال : ج 3 ص 62 ح 5504 نقلاً عن سنن سعيد بن منصور ؛ نزهة الناظر : ص 32 ح 28 وفيه «بخير» بدل «على الفطرة» و«لم تر» بدل «لم يتخذوا» و«الصدقة» بدل «الزكاة» .

7- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 181 ح 373 ، المقنعة : ص 808 ، مشكاة الأنوار : ص 105 ح 239 ، بحار الأنوار : ج 100 ص 94 ح 95 .

8- .المعجم الأوسط : ج 1 ص 243 ح 795 ، مسند أبي يعلى : ج 4 ص 127 ح 4027 كلاهما عن أنس ، كنز العمال : ج 15 ص 850 ح 43383 .

9- .الكافي : ج 2 ص 100 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الجعفریات : ص 150 ، الاختصاص : ص 228 ، مشكاة الأنوار : ص 392 ح 1285 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 71 ص 375 ح 6 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمّت من ، تا زمانی که یکدیگر را دوست بدارند ، به هم هدیه دهند ، امانت را برگردانند ، از حرامّ دوری کنند ، از میهمان پذیرایی کنند ، نماز بگذارند و زکات بپردازند ، پیوسته در خیر به سر می برند و هر گاه چنین نکردند ، به قحطی و خشک سالی مبتلا می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمّت من ، تا زمانی که امانت را غنیمت و زکات دادن را خسارت [برای خود] ندانند ، پیوسته بر [مسیر] فطرت اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مردم ، تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و در نیکی (/ طاعت خدا) و پرهیزگاری همکاری نمایند ، پیوسته در خیر خواهند بود و هر گاه چنین نکنند ، برکت ها از آنها گرفته می شود و برخی ، بر برخی دیگر ، مسلّط می شوند و ایشان را در زمین و آسمان ، یآوری نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این اَمّت ، تا زمانی که در گفتارش ، راستگو و در داوری ، دادگر باشد و هر گاه از او بخشش خواسته شود ، ببخشد ، پیوسته در خیر [و خوشی] خواهد بود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین چیزی که اَمّت به سبب آن به بهشت می روند ، خداپرورایی و خوش خویی است .

عنه صلى الله عليه وآله: زَيْنُ أُمَّتِي فِي حُسْنِ السَّمْتِ (1). (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ أُمَّتِي عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ دِينِهَا حَسَنَةٍ جَمِيلَةٍ، مَا لَمْ يَتَخَطَّوْا الْقِبْلَةَ بِأَقْدَامِهِمْ. (3)

المعجم الأوسط عن أم هانئ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ أُمَّتِي لَنْ تُخْزَى مَا أَقَامُوا صِيَامَ رَمَضَانَ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا خَزِيئُهُمْ فِي إِضَاعَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ؟ قَالَ: إِنْ تَهَاجَرُوا الْمَحَارِمَ فِيهِ... (4)

1- السَّمْتُ: هيئة أهل الخير (الصالح: ج 1 ص 254 «سمت»).

2- جامع الأحاديث للقمي: ص 84 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 71 ص 344 ح 5.

3- الجعفریات: ص 34 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام: ج 1 ص 160 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 85 ص 49 ح 42.

4- المعجم الأوسط: ج 5 ص 112 ح 4827 عن أم هانئ، الدر المنثور: ج 1 ص 455 نقلاً عن الأصبهاني عن أبي هريرة.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زیبایی اُمّت من، در نیک رُوشی است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اُمّت من، مادام که پاهایشان را از قبله منحرف نکنند، پیوسته بر آیینی نیکو و زیبا از دین خویش اند.

المعجم الأوسط_ به نقل از اُمّ هانی _: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اُمّت من، تا زمانی که روزه رمضان را برپا دارند، هرگز خوار نمی شوند». گفته شد: ای پیامبر خدا! خواری آنان، در وا نهادن ماه رمضان به چیست؟ فرمود: «هتکِ حرمت ها در این ماه...».

الفصل الرابع : عوامل هلاك الأمم 4 / 1 قيادة المضللين والتبعية العمياء الكتاب «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ * قُلْ أَوْ لَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ * فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : إنَّ أخوفَ ما أخافُ عليكمُ الأئمةَ المضللينَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّمَا أَخَافُ عَلَىٰ أُمَّتِي الْأَئِمَّةَ الْمُضِلِّينَ ، وَإِذَا وُضِعَ السَّيْفُ فِي أُمَّتِي لَمْ يُرْفَعْ عَنْهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَلَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَلْحَقَ قِبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي بِالْمُشْرِكِينَ ، وَحَتَّى تَعْبُدَ قِبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي الْأَوْثَانَ . وَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي كَذَابُونَ ثَلَاثُونَ ، كُلُّهُمْ يَزْعُمُ أَنَّهُ نَبِيٌّ ، وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ ، لَا نَبِيَّ بَعْدِي . وَلَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ . (3)

1- الزخرف : 23 _ 25 .

2- سنن الدارمي : ج 1 ص 75 ح 215 عن أبي الدرداء ، سنن الترمذي : ج 4 ص 504 ح 2229 ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 326 ح 22456 كلاهما نحوه ، مسند الشهاب : ج 2 ص 193 ح 1166 كلُّها عن ثوبان ، موارد الظمآن : ص 376 ح 1564 عن شداد بن أوس ، حلية الأولياء : ج 6 ص 46 الرقم 333 عن عمر ، كنز العمال : ج 10 ص 188 ح 28986 .

3- سنن أبي داود : ج 4 ص 98 ح 4252 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1304 ح 2 395 نحوه ، مسند ابن حنبل : ج 8 ص 326 ح 22458 ، صحيح ابن حبان : ج 15 ص 110 ح 6714 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 305 ح 18617 كلاهما نحوه وكلُّها عن ثوبان ، كنز العمال : ج 11 ص 367 ح 31761 ؛ بحار الأنوار : ج 28 ص 32 ذيل ح 37 .

فصل چهارم : علل نابودی امت ها

4 / 1 رهبری گم راهان و پیروی کورکورانه

فصل چهارم : علل نابودی امت ها 4 / 1 رهبری گمراه سازان و پیروی کورکورانه قرآن «و بدین گونه ، در هیچ شهری پیش از تو هشدار دهنده ای نفرستادیم ، مگر آن که خوش گذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته ایم و ما از پی ایشان راه سپریم» . گفت : «هر چند هدایت کننده تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته اید ، برای شما بیاورم؟» . گفتند: «ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده اید ، کافریم» . پس ، از آنان انتقام گرفتیم. پس بنگر که فرجام تکذیب کنندگان ، چگونه بوده است» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ترسناک ترین چیزی که از آن بر شما می ترسم ، [وجود] پیشوایان گم راه کننده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من در حقیقت ، از پیشوایان گم راه کننده ، بر امتم می ترسم ؛ [چرا که] هر گاه شمشیر در میان امتم نهاده شود ، تا روز قیامت ، از آنان برداشته نمی شود ، و قیامت برپا نمی شود تا آن که قبایلی از امت من به مشرکان پیوندند و تا آن که قبایلی از امت من ، بت پرست شوند . و به زودی در میان امتم ، سی دروغگو پدید خواهند آمد که همگی شان ادّعی پیامبری می کنند ، در حالی که من ، خاتم پیامبران هستم و پس از من ، هیچ پیامبری نخواهد آمد . همواره ، گروهی از امت من هستند که از حق ، جانبداری می کنند و پیروزند و هر کس با ایشان مخالفت کند ، زبانی به آنان نمی رساند تا آن گاه که فرمان خدا در رسد .

مسند ابن حنبل عن صفوان : حَدَّثَنِي أَبُو الْمُخَارِقِ زُهَيْرُ بْنُ سَالِمٍ أَنَّ عُمَيْرَ بْنَ سَعْدٍ الْأَنْصَارِيَّ كَانَ وَلَاءَهُ عُمَرُ حِمَصَ ، فَذَكَرَ الْحَدِيثَ ، قَالَ عُمَرُ - يَعْنِي لِكَعْبٍ - : إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِ فَلَا - تَكْتُمْنِي . قَالَ : وَاللَّهِ لَا - أَكْتُمُكَ شَيْئًا أَعْلَمُهُ . قَالَ : [ما] (1) أَخَوْفُ شَيْءٍ تَخَوَّفُهُ عَلَى أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ؟ قَالَ : أَيْمَةٌ مُضِلِّينَ . قَالَ عُمَرُ : صَدَقْتَ ، قَدْ أَسَرَّ ذَلِكَ إِلَيَّ وَأَعْلَمَنِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . (2)

الإمام علي عليه السلام : كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ نَائِمٌ وَرَأْسُهُ فِي حِجْرِي ، فَتَذَاكَرْنَا الدَّجَالَ ، فَاسْتَيْقَظَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحَمَّرًا وَجْهَهُ ، فَقَالَ : لَعَيْرُ الدَّجَالِ أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنَ الدَّجَالِ : الْأَيْمَةُ الْمُضِلُّونَ ، وَسَفْكَ دِمَائِي عِثْرَتِي مِنْ بَعْدِي ؛ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ ، وَسِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ . (3)

1- ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمال ، وهو مما يقتضيه السياق .

2- مسند ابن حنبل : ج 1 ص 97 ح 293 ، كنز العمال : ج 5 ص 756 ح 14293 .

3- الأُمالي للطوسي : ص 512 ح 1120 عن عبد الله بن يحيى الحضرمي ، الاحتجاج : ج 1 ص 632 ح 147 عن يحيى الحضرمي ، بحار الأنوار : ج 28 ص 48 ح 12 ؛ المصنّف لابن أبي شيبه : ج 8 ص 653 ح 32 ، مسند أبي يعلى : ج 1 ص 244 ح 462 كلاهما عن عبد الله بن نجى نحوه وليس فيهما ذيله من «وسفك دماء» ، كنز العمال : ج 10 ص 270 ح 29414 .

مسند ابن حنبل_ به نقل از صفوان ، از ابوالمُخارق زُهَیر بن سالم _ :عُمَیر بن سعد انصاری _ که عُمَر ، او را حاکم حِمص قرار داده بود _ گفت : عمر به کعب گفت : در باره چیزی از تو می پرسم . آن را از من ، پوشیده مدار . کعب گفت : به خدا سوگند ، چیزی را که بدانم ، از تو پوشیده نمی دارم . عمر گفت : خوفناک ترین چیزی که از آن بر امت محمد صلی الله علیه و آله می ترسی ، چیست ؟ کعب گفت : پیشوایانِ گم راه کننده . عمر گفت : راست گفتی . این را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ، محرمانه به من گفت و از آن ، آگاهم ساخت .

امام علی علیه السلام : نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بودیم و ایشان ، خوابیده و سرش در دامن من بود . سخن از دَجّال به میان آمد . پیامبر صلی الله علیه و آله در حالی که چهره اش سرخ شده بود از خواب بیدار شد و فرمود : «من از غیر دَجّال ، بیشتر بر شما می ترسم تا از دَجّال : از پیشوایان گم راه کننده ، و ریختن خون های اهل بیت پس از من . من با هر که با ایشان بجنگد ، در جنگم و با هر که با ایشان آشتی باشد ، آشتی ام» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَسْتُ أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي جَوْعًا يَمُوتُ بِهِمْ، وَلَا عَدُوًّا يَجْتَا حُهُمْ، وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَيْمَةً مُضِيَّيْنِ؛ إِنْ أَطَاعُوهُمْ فَتَنُوهُمْ، وَإِنْ عَصَوْهُمْ قَتَلُوهُمْ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ شَرًّا أَكْثَرَ جُهَاْلِهِمْ وَأَقَلَّ فَتْهَاءِهِمْ، فَإِذَا تَكَلَّمَ الْجَاهِلُ وَجَدَ أَعْوَانًا، وَإِذَا تَكَلَّمَ الْفَقِيهُ فَهَرَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَرَادَ [اللَّهُ] بِقَوْمٍ شَرًّا وَلَّى عَلَيْهِمْ سَفَهَاءَهُمْ، وَقَضَى بَيْنَهُمْ جُهَاْلَهُمْ، وَجَعَلَ الْمَالَ فِي بُخْلَائِهِمْ. (3)

الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه: إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنَ الدَّجَالِ، أَيْمَةٌ مُضِيَّ لَوْنٍ، وَهُمْ رُؤَسَاءُ أَهْلِ الْبِدْعِ. (4)

عنه عليه السلام: لِكُلِّ أُمَّةٍ آفَةٌ، وَآفَةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَنُو أُمِّيَّةٍ. (5)

عنه عليه السلام في خطبته المسمّاة بالقاصصة: أَلَا- وَقَدْ أَمَعْنْتُمْ فِي الْبَغْيِ، وَأَفْسَدْتُمْ فِي الْأَرْضِ، مُصَارِحَةً لِلَّهِ بِالْمُنَاصَبَةِ، وَمُبَارَزَةً لِلْمُؤْمِنِينَ بِالْمُحَارَبَةِ، فَاللَّهُ اللَّهُ فِي كِبَرِ الْحَمِيَّةِ وَفَخْرِ الْجَاهِلِيَّةِ! فَإِنَّهُ مَلَأَ قُرْحَ الشَّنَانِ (6)، وَمَنَافِخَ الشَّيْطَانِ، الَّتِي خَدَعَ بِهَا الْأُمَّةَ الْمَاضِيَّةَ، وَالْقُرُونَ الْخَالِيَةَ، حَتَّى أَعْنَقُوا (7) فِي حَنَادِسِ (8) جَهَالَتِهِ، وَمَهَاوِي ضَلَالَتِهِ، ذُلًّا عَنْ سِيَاقِهِ، سُلْسًا (9) فِي قِيَادِهِ، أَمْرًا تَشَابَهَتْ الْقُلُوبُ فِيهِ، وَتَتَابَعَتْ الْقُرُونُ عَلَيْهِ، وَكَبُرَتْ تَضَائِقَاتُ الصُّدُورِ بِهِ. أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَكِبَرَائِكُمْ! الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ، وَتَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ، وَأَلْقَوْا الْهَجِيئَةَ عَلَى رَبِّهِمْ (10)، وَجَا حَذُوا اللَّهَ عَلَى مَا صَنَعَ بِهِمْ، مُكَابَرَةً لِقَضَائِهِ، وَمُغَالَبَةً لِأَلَانِهِ، فَإِنَّهُمْ قَوَاعِدُ أُسَاسِ الْعَصَبِيَّةِ، وَدَعَائِمُ أَرْكَانِ الْفِتْنَةِ، وَسَيُوفُ اعْتِرَازِ (11) الْجَاهِلِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا لِنِعْمِهِ عَلَيْكُمْ أُضْدَادًا، وَلَا لِفَضْلِهِ عِنْدَكُمْ حُسَادًا، وَلَا تُطِيعُوا الْأَدْعِيَاءَ الَّذِينَ شَرِبْتُمْ بِصَفْوِكُمْ كَدْرَهُمْ، وَخَلَطْتُمْ بِصَحَّتِكُمْ مَرَضَهُمْ، وَأَدَخَلْتُمْ فِي حَقِّكُمْ بَاطِلَهُمْ، وَهُمْ أُسَاسُ الْفُسُوقِ، وَأَحْلَاسُ الْعُقُوقِ. اتَّخَذَهُمْ إِبْلِيسُ مَطَايَا ضَلَالٍ، وَجُنْدًا بِهِمْ يَصُولُ عَلَى النَّاسِ، وَتَرَا حِمَةً يَنْطِقُ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، اسْتِرَاقًا لِعُقُولِكُمْ، وَدُخُولًا فِي عُيُونِكُمْ، وَنَفْثًا فِي أَسْمَاعِكُمْ. فَجَعَلَكُمْ مَرْمَى نَبَلِهِ، وَمَوْطِئَ قَدَمِهِ، وَمَأْخَذَ يَدِهِ. فَاعْتَبَرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّةَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ، مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَصَوْلَاتِهِ، وَوَقَائِعِهِ وَمَثَلَاتِهِ، وَاتَّعِظُوا بِمَثَاوِي خُدُودِهِمْ وَمَصَارِعِ جُنُوبِهِمْ، وَاسْتَعِيزُوا بِاللَّهِ مِنْ لَوَاقِحِ الْكِبَرِ كَمَا تَسْتَعِيزُونَ مِنْ طَوَارِقِ الدَّهْرِ. (12)

- 1- المعجم الكبير: ج 8 ص 149 ح 7653 عن أبي أمامة، كنز العمال: ج 6 ص 22 ح 14671.
- 2- الفردوس: ج 1 ص 246 ح 952 عن ابن عمر، كنز العمال: ج 10 ص 137 ح 28692.
- 3- الفردوس: ج 1 ص 246 ح 954 عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 6 ص 7 ح 14595.
- 4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 316 ح 632.
- 5- شرح الأخبار: ج 2 ص 528 ح 453 نقلًا عن أبي نعيم؛ الفتن: ج 1 ص 129 ح 312 عن النزّال بن سبرة، كنز العمال: ج 11 ص 364 ح 31755.
- 6- الشّناءة: البُغْضُ، وَقَدْ شَنَّاهُ شَنْنًا... وَشَنَّانَا (الصحاح: ج 1 ص 57 «شَنَّ»).
- 7- أَعْنَقَ: إِذَا أَسْرَعَ (النهاية: ج 3 ص 310 «عَنْق»).
- 8- الْجِنْدِسُ: اللَّيْلُ الْمُظْلَمُ (تاج العروس: ج 8 ص 252 «حندس»).

9- .رَجُلٌ سَلِسٌ : أَي لَيِّنٌ مُنْقَادٌ (الصحاح : ج 3 ص 938 «سلسل»).

10- .قال ابن أبي الحديد : «وَأَلْقُوا الْهَجِينَ عَلَى رَبِّهِمْ» روي : «الْهَجِينَةُ» وروي «الْهَجْنَةُ» ، والمراد بهما الاستهجان من قولك : هُوِيَهَجَنَ كَذَا؛ أَي يَقْبَحُهُ، وَيَسْتَهْجِنُهُ ؛ أَي يَسْتَقْبَحُهُ . أَي نسبوا ما في الأنساب من القبح بزعمهم إلى رَبِّهِمْ (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 13 ص 149).

11- .التَعَزَّى : الانتماء والانتساب إلى القوم والعزاء والعزوة : اسمٌ لِدَعْوَى المستغيث ، وهو أن يقول : يَا لِفُلَانٍ ، أَوْ يَا لَلْأَنْصَارِ ، وَيَا لَلْمُهَاجِرِينَ (النهاية : ج 3 ص 233 «عزا»).

12- .نهج البلاغة : الخطبة 192 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 467 ح 37 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نگرانی من برای امتی این نیست که از گرسنگی بمیرند یا دشمن بر آنان یورش آورد؛ بلکه از وجود پیشوایان گم راه کننده بر آنان می ترسم، که اگر فرمانشان برند، گم راهشان سازند و اگر نافرمانی شان کنند، آنان را به قتل رسانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه خداوند برای مردمی بدی [و گزندی را] بخواهد، نادانانشان را فزونی می بخشد و دین شناسانشان را اندک می سازد. هر گاه نادان سخن گوید، یاورانی می یابد و هر گاه دین شناس سخن بگوید، شکست می خورد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [خداوند] عز و جل هر گاه بدی مردمی را بخواهد، نابخردانشان را بر آنان فرمان روا می کند و نادانانشان را در میانشان قاضی می گرداند و دارایی را در دست بخیلانشان قرار می دهد.

امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان: از دجال بدتر - که من از آن بر این امت می ترسم -، پیشوایان گم راه کننده اند. اینان، سرکرده بدعت گزاران اند.

امام علی علیه السلام: هر امتی آفتی دارد. آفت این امت، بنی امیه است.

امام علی علیه السلام: در خطبه معروف به «قاصعه» - هان! شما یاغیگری را از حد گذرانید و در زمین به تباهی پرداختید. با خداوند، آشکارا به دشمنی برخاستید و در برابر مؤمنان، علم جنگ برافراشتید. زنهار، زنهار، از تکبر نژادی و نازش جاهلی که اینها، تخم دشمنی و رَمه های شیطان اند و شیطان، به واسطه آنها، امت های گذشته و نسل های پیشین را فریفت، چندان که در تاریکی های جهالت او و ورطه های گم راهی اش شتافتند، در حالی که به راحتی، آنان را راند و به آسانی، دل هاشان را [هر سو که خواست] کشید! به سوی کاری شتافتند که دل ها در آن همسان اند و نسل های پیشین، پیایی به آن ادامه دادند؛ به سوی گردن فرازی و تکبری که سینه ها بر اثر آن تنگ [و انباشته] شد. پس زنهار، زنهار، از فرمانبری مهتران و بزرگانتان که به شرافت خانوادگی خویش نازیدند و تبار خویش را برتر دیدند و نازدگی [دیگران] را به گردن پروردگارشان انداختند و نیکی هایی را که خداوند در حق ایشان کرده بود، انکار کردند. بدین سان، با قضای او ستیزیدند و با نعمت هایش جنگیدند؛ زیرا اینان، پایه های عصبیت و ستون های فتنه و شمشیرهای تفاخر نسبی جاهلی اند. پس، از خدا پروا کنید و با نعمت هایی که او به شما داده، دشمنی نکنید و به لطفی که در حق شما کرده، حسد نوزید و از گزافه گویانی که زلال خود را با تیره آنان نوشیدید، پیروی نکنید. سلامتتان را با بیماری آنان، در آمیختید و باطل آنان را در حق خود، وارد ساختید، در حالی که ایشان، پایه های گناه و پلاس های نافرمانی (/ بدرفتاری با خویشان) هستند. ابلیس، آنان را مرکب های گم راهی قرار داد و لشکری که با آنها بر مردم می تازد و سخنگویانی که از زبان آنان، سخن می گوید، تا خردهای شما را بُر باید و به چشمان شما درآید و در گوش هایتان بدمد. پس شما را آماج خدنگ خویش و قدمگاهش و دستگیره اش قرار داد. پس، از گزند خدا و یورش های او و ضربات و کیفرهای او که بر امت های گردنکش پیش از شما رسید، درس بیاموزید و از جایگاه گونه ها و افتادنگاه پهلوهایشان (قبر و لحد)، پند بگیرید و از آنچه باعث گردنکشی می شود، به خدا پناه ببرید، چنان که از بلاهای روزگار به او پناه می برید.

الإمام الباقر عليه السلام - من رسالته إلى سعد الخير - : «وَكُلُّ أُمَّةٍ قَدْ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ حِينَ تَبْدُوهُ، وَلَا هُمْ عَدُوَّهُمْ حِينَ تَوَلَّوْهُ، وَكَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابُ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ، فَهُمْ يَرُوءُونَهُ وَلَا يَرَعُونَهُ، وَالْجَهَالُ يُعْجِبُهُمْ حِفْظُهُمُ لِلرُّوَايَةِ، وَالْعُلَمَاءُ يَحْزَنُهُمْ تَرْكُهُمُ لِلرَّعَايَةِ، وَكَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابُ أَنْ وَلَّوْهُ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، فَأَوْرَدُوهُمْ الْهَوَى، وَأَصْدَرُوهُمْ إِلَى الرَّدَى، وَغَيَّرُوا عُرَى الدِّينِ، ثُمَّ وَرَّثُوهُ فِي السَّفَهَةِ وَالصَّبَا (1). فَلَا أُمَّةٌ يَصْدُرُونَ عَنْ أَمْرِ النَّاسِ بَعْدَ أَمْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَعَلَيْهِ يَرْدُونَ، فَبَسَّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا؛ وَلَا يَأْتِي النَّاسَ بَعْدَ النَّاسِ بَعْدَ ثَوَابِ النَّاسِ بَعْدَ ثَوَابِ اللَّهِ، وَرِضَا النَّاسِ بَعْدَ رِضَا اللَّهِ! فَاصْبَحَتِ الْأُمَّةُ كَذَلِكَ - وَفِيهِمُ الْمُجْتَهِدُونَ فِي الْعِبَادَةِ - عَلَى تِلْكَ الضَّلَالَةِ، مُعْجَبُونَ مَفْتُونُونَ، فَعِبَادَتُهُمْ فِتْنَةٌ لَهُمْ وَلِمَنْ اقْتَدَى بِهِمْ، وَقَدْ كَانَ فِي الرُّسُلِ ذِكْرٌ لِلْعَابِدِينَ (2).

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يُعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ، وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً (3).

4 / 2 سوء الظن بالأنبياء والشك في البراهين الواضحة «أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَقْوَاهِمُ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ * قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أَنتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَنَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأُنِزْنَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ * قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ * وَمَا لَنَا أَلَّا تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ * وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ (4).

1- قال المجلسي قدس سره: قوله عليه السلام: «ثُمَّ وَرَثُوهُ» أي جعلوه ميراثا يرثه كل سفیه جاهل، أو صبي غير عاقل (مرآة العقول: ج 25 ص 116).

2- الكافي: ج 8 ص 53 ح 16، بحار الأنوار: ج 78 ص 359 ح 2.

3- الكافي: ج 1 ص 376 ح 5، الغيبة للنعماني: ص 133 ح 15 كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار: ج 68 ص 113 ح 27.

4- إبراهيم: 9 - 13.

4 / 2 بدگمانی به پیامبران و تردید در برهان های روشن

امام باقر علیه السلام از نامه ایشان به سَدِّ عَدِّ الْخَيْرِ _ : خداوند ، از هر اَمَّتِی ، آن گاه علم کتاب [آسمانی] را گرفت که آنان ، خود ، آن را به دور افکندند و هنگامی دشمنشان را بر آنان فرمان روا ساخت که ایشان ، خود ، تن به فرمان روایی او دادند . از جمله مصادیق دور افکندن کتابشان ، این بود که حروف [و کلمات] آن را پاس داشتند و حدود [و معانی] آن را تحریف کردند . از این رو ، تنها به روایت آن می پردازند ؛ اما پاسش نمی دارند و آن را به کار نمی بندند ، و نادانان از این که روایت را حفظ دارند ، خوش حال اند ؛ لیکن دانایان از این که به محتوای آن عمل نمی کنند ، اندوهناک اند . از دیگر مصادیق دور افکندن کتابشان ، این بود که متولیان آن را کسانی قرار دادند که آن را نمی شناسند . پس این متولیان ، آنها را به آبشخور هوس بُردند و به نابودی شان کشاندند و دستگیره های دین را تغییر دادند . سپس ، آن را برای مُشتی نادان و کودك [صفت] به میراث نهادند . پس اینك اَمَّتِ ، به جای گرفتن فرمان های خود از خداوند _ تبارك و تعالی _ ، آنها را از مردم می گیرند و چه جایگزینی بدی کرده اند ستمگران که ولایت مردم را به جای ولایت [و حاکمیت] خدا گزیده اند و پاداش مردم را به جای پاداش خدا و خشنودی مردم را به جای خشنودی خدا! اَمَّتِ ، به چنین وضعی درآمده اند و عبادت پیشگان آنان نیز در همین گم راهی به سر می بُرند و مغرور و فریفته گشته اند . عبادتشان ، مایه فتنه و گم راهی آنان و پیروانشان شده است ، در حالی که در میان فرستادگان الهی ، درس عبرتی برای عبادت پیشگان ، وجود دارد .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، شرم نمی کند از این که اَمَّتِی را که به پیشوایی غیر الهی معتقد باشند عذاب کند ، هر چند آن اَمَّتِ ، نیکوکار و پروا پیشه باشند .

4 / 2 بدگمانی به پیامبران و تردید در برهان های روشن «آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود، و آنان که بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است؟ فرستادگانشان، دلایل آشکار برایشان آوردند؛ ولی آنان، دست هایشان را [به نشانه اعتراض] بر دهان هایشان نهادند و گفتند: «ما به آنچه شما بدان مأموریت دارید، کافریم و از آنچه ما را بدان می خوانید، سخت در شکیم». پیامبرانشان گفتند: «مگر در باره خدا، پدیدآورنده آسمان ها و زمین، تردیدی هست؟ او شما را دعوت می کند تا پاره ای از گناهاتتان را بر شما ببخشد و تا زمان معینی به شما مهلت دهد». گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید. می خواهید ما را از آنچه پدرانمان می پرستیدند، باز دارید. پس برای ما حجتی آشکار بیاورید». پیامبرانشان به آنان گفتند: «ما جز بشری مثل شما نیستیم؛ ولی خدا بر هر يك از بندگانش که بخواهد، مَنّت می نهد و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجتی بیاوریم و مؤمنان، باید تنها بر خدا توکل کنند». و چرا بر خدا توکل نکنیم، حال آن که ما را به راه هایمان رهبری کرده است؟ و البته ما بر آزاری که به ما رساندید، شکیبایی خواهیم کرد، و توکل کنندگان، باید تنها بر خدا توکل کنند. و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد، مگر این که به کیش ما بازگردید». پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که: «حتمّاً ستمگران را هلاک خواهیم کرد».

4 / 3 تكذيب آيات الله «كذاب آل فرعون والذين من قبلهم كفروا بآيات الله فأخذهم الله بذنوبهم إن الله قوي شديد العقاب» . (1)

«كذاب آل فرعون والذين من قبلهم كذبوا بآيات ربهم فأهلكناهم بذنوبهم وأغرقنا آل فرعون وكل كانوا ظالمين» . (2)

راجع : آل عمران : 11 ، يونس : 73 ، الفرقان : 36 ، القمر : 42 و ص 132 (الأمة / الفصل الخامس : ما تشابهت فيه الأمم / تكذيب الأنبياء عليهم السلام).

4 / 4 الاستهزاء بالأنبياء الكتاب «ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزئون» . (3)

«وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» . (4)

1- الأنفال : 52 .

2- الأنفال : 54 .

3- الأنعام : 10 .

4- الرعد : 32 .

4 / 3 انکار نشانه های خدا

4 / 4 ریشخند کردن پیامبران علیهم السلام

4 / 3 انکار نشانه های خدا [رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند: به آیات خدا کفر ورزیدند . پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد. آری . خداوند ، نیرومندِ سخت کیفر است» .

«[رفتاری] چون رفتار فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند، که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند . پس ما آنان را به [سزای] گناهانشان هلاک، و فرعونیان را غرق کردیم، و همه آنان ستمکار بودند» .

ر . ك : آل عمران : آیه 11 ، یونس : آیه 73 ، فرقان : آیه 36 ، قمر : آیه 42 . وص 133 (امت / فصل پنجم : نقاط تشابه امت ها / تکذیب پیامبران علیهم السلام) .

4 / 4 ریشخند کردن پیامبرانقرآن «و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند. پس آنچه را ریشخند می کردند ، گریبانگیر ریشخند کنندگان ایشان گردید» .

«و بی گمان، فرستادگان پیش از تو [نیز] مسخره شدند. پس به کسانی که کافر شده بودند ، مهلت دادم . آن گاه ، آنان را [به کیفر] گرفتم. پس چگونه بود کیفر من؟» .

«يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ * أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ» . (1)

«وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍِّّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ * فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَ مَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ» . (2)

راجع : الأنبياء : 41 ، غافر : 83 .

الحديث السيرة النبوية لابن هشام : قال ابن إسحاق : ومَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيما بَلَغَنِي _ بِالْوَلِيدِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَأُمِّيَّةَ بْنِ خَلْفٍ وَيُأَيُّبِ جَهْلٍ بْنِ هِشَامٍ ، فَهَمَزُوهُ وَاسْتَهْزَؤُوا بِهِ ، فَغَاضَهُ ذَلِكَ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ مِنْ أَمْرِهِمْ : «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ» . (3)

4 / 5 الْإِفْتِرَاءُ عَلَى اللَّهِ «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ * فَلَوْلَا نَصَرَ رَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ» . (4)

4 / 6 التَّائُمُّ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُجَادِلَةُ لِإِدْحَاضِ الْحَقِّ «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادِلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ» . (5)

1- .يس : 30 و 31 .

2- .الزخرف : 6 _ 8 .

3- .السيرة النبوية لابن هشام : ج 2 ص 36 ، تفسير ابن أبي حاتم : ج 4 ص 1267 ح 7137 ، السيرة النبوية لابن كثير : ج 2 ص 85 .

4- .الأحقاف : 27 و 28 .

5- .غافر : 5 .

4 / 5 افترا بستن به خدا

4 / 6 توطئه علیه پیامبران و مجادله به قصد بی اعتبار کردن حق

«دریغا بر این بندگان! هیچ فرستاده ای بر آنان نیامد، مگر آن که او را ریشخند می کردند. مگر ندیده اند که چه بسیار نسل ها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سوشان باز نمی گردند؟».

«و چه بسا پیامبرانی که در [میان] گذشتگان روانه کردیم. و هیچ پیامبری به سوی ایشان نیامد، مگر این که او را به ریشخند می گرفتند. و نیرومندتر از آنان را به هلاکت رسانیدیم و سنت پیشینیان، تکرار شد».

ر. ك: انبیا: آیه 41، غافر: آیه 83.

حدیث السیره النبویه، ابن هشام_ به نقل از ابن اسحاق_: آن گونه که به من رسیده است، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر ولید بن مُغیره و اُمیّه بن خَلَف و ابو جهل بن هشام گذشت و آنان، به او نیش زدند و ریشخندش کردند، به طوری که ایشان ناراحت شد. پس خداوند متعال، این آیه را در باره ایشان بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرو فرستاد: «و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند. پس آنچه را ریشخند می کردند، گریبانگیر ریشخند کنندگان ایشان گردید».

4 / 5 افترا بستن به خدا «و بی گمان، همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه گون، بیان داشته ایم، امید که آنان بازگردند. چرا آن کسانی که اینان، غیر از خدا، به منزله معبودانی، برای تقرّب [به خدا] اختیار کرده بودند، یاری شان نکردند، و بلکه از دستشان دادند؟ و این بود دروغ آنان و آنچه برمی بافتند».

4 / 6 توطئه علیه پیامبران و مجادله به قصد بی اعتبار کردن حق «پیش از اینان، قوم نوح، و بعد از آنان، دسته های مخالف [دیگر] به تکذیب پرداختند، و هر امتی، آهنگ فرستاده خود کردند تا او را بگیرند، و به [وسیله] باطل، جدال نمودند تا حقیقت را با آن، پایمال کنند. پس آنان را فرو گرفتم. چگونه بود کفر من؟!».

4 / 7 الظلم والطغيان والترف والبطر الكتاب «وَتِلْكَ الْقَرْىَ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا» . (1)

«وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونََ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ» . (2)

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ» . (3)

«وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَى» . (4)

«وَكَمْ قَصَّةٍ مِنْ قَبْلِهِ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ * فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأُسْنَانَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ * لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْتَلُونَ * قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» . (5)

«وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِ بَطْرَتْ مَعِيشَتُهَا فِتْلِكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ» . (6)

راجع : الأنعام : 32 و 33 و 42 _ 45 ، الأعراف : 165 ، التوبة : 70 ، هود : 116 و 117 ، إبراهيم : 13 ، الحج : 45 ، المؤمنون : 33 ، الفرقان : 37 _ 39 ، الروم : 9 ، الزخرف : 23 _ 25 ، النجم : 50 _ 52 .

1- .الكهف : 59 .

2- .يونس : 13 .

3- .إبراهيم : 13 .

4- .النجم : 52 .

5- .الأنبياء : 11 _ 15 .

6- .القصص : 58 .

4 / 7 ستم و سرکشی و رفاه زدگی و سرمستی

4 / 7 ستم و سرکشی و رفاه زدگی و سرمستیقرآن«و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکشان موعدی مقرر داشتیم» .

«و قطعاً نسل های پیش از شما را هنگامی که ستم کردند، به هلاکت رساندیم، و پیامبرانشان، دلایل آشکار برایشان آوردند؛ و [لی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند. این گونه، مردم گناهکار را جزا می دهیم» .

«و کسانی که کافر شدند، به پیامبرانشان گفتند: «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد، مگر این که به کیش ما بازگردید». پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد» .

«و پیش تر [از همه آنها] قوم نوح را [عذاب کردیم]؛ زیرا که آنان، ستمگرتر و سرکش تر بودند» .

«و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند، درهم شکستیم، و پس از آنها، قومی دیگر پدید آوردیم. پس چون عذاب ما را احساس کردند، به ناگاه از آن می گریختند. [هان!] مگریزید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] سراهایتان بازگردید. باشد که مورد پرسش قرار گیرید. گفتند: «ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم!». سخنشان، پیوسته همین بود، تا آنان را دروشده بی جان گردانیدیم» .

«و چه بسیار شهرها که [مردمش را] هلاک کردیم؛ [زیرا] زندگی خوش، آنها را سرمست کرده بود. این است سراهایشان که پس از آنان، جز برای عده کمی، مورد سکونت قرار نگرفته است و ماییم که وارث آنان بودیم» .

ر. ک: انعام: آیه 32 و 33 و 42 _ 45، اعراف: آیه 165، توبه: آیه 70، هود: آیه 116 و 117، ابراهیم: آیه 13، حج: آیه 45، مؤمنون: آیه 233، فرقان: آیه 37 _ 39، روم: آیه 9، زخرف: آیه 23 _ 25، نجم: آیه 50 _ 52.

الحديث للإمام علي عليه السلام: الظُّلْمُ يُزِلُّ الْقَدَمَ ، وَيَسْلُبُ النَّعْمَ ، وَيُهْلِكُ الْأُمَّمَ. (1)

عنه عليه السلام _ من كتابٍ لَهُ إلى أُمراءِ الأَجنادِ حينَ اسْتِخلافِهِ _ : أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الْحَقَّ فَاسْتَرَوْهُ ، وَأَخَذُواهُمْ بِالْبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ (2) . (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام : فَاحْذَرُوا مَا حَذَّرَكُمُ اللَّهُ بِمَا فَعَلَ بِالظَّالِمَةِ فِي كِتَابِهِ ، وَلَا تَأْمَنُوا أَنْ يَنْزِلَ بِكُمْ بَعْضُ مَا تَوَاعَدَ بِهِ الْقَوْمُ الظَّالِمِينَ فِي الْكِتَابِ . وَاللَّهُ! لَقَدْ وَعَظَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِغَيْرِكُمْ ، فَإِنَّ السَّعِيدَ مَنْ وَعِظَ بِغَيْرِهِ ، وَلَقَدْ أَسْمَعَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مَا قَدْ فَعَلَ بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى قَبْلَكُمْ ، حَيْثُ قَالَ : «وَكَمْ قَصَّةٍ مِمَّا مِنْ قُرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً» ، وَإِنَّمَا عَنِ الْقَرْيَةِ أَهْلِهَا حَيْثُ يَقُولُ : «وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ : «فَلَمَّا أَحْسَسُوا بِأَسَئِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ» يَعْنِي يَهْرُبُونَ ، قَالَ : «لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْتَمْلُونَ» ، فَلَمَّا أَتَاهُمْ الْعَذَابُ «قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ» * فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ» ، وَابَيْمُ اللَّهُ إِنَّ هَذِهِ عِظَةٌ لَكُمْ وَتَخْوِيفٌ ، إِنْ اتَّعَظْتُمْ وَخِفْتُمْ . (4)

1- غرر الحكم : ج 2 ص 36 ح 1734 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 52 ح 1356 .

2- قال ابن أبي الحديد : أي منعوا الناس الحق فاشترى الناس منهم بالرشاء والأموال ؛ أي لم يضعوا الأمور مواضعها ، ولا ولّوا الولايات مستحقيها ، وكانت أمورهم الدينية والدنيوية تجري على وفق الهوى والغرض الفاسد ، فاشترى الناس منهم الميراث والحقوق كما تشتري السلع بالمال . ثم قال : «وأخذوهم بالباطل فاقتدوه» أي حملوهم على الباطل فجاء الخلف من بعد السلف ، فاقتدوا بآبائهم وأسلافهم في ارتكاب ذلك الباطل ظناً أنه حق لما قد ألفوه ونشؤوا وربوا عليه (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 18 ص 77) .

3- نهج البلاغة : الكتاب 79 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 487 ح 692 .

4- الكافي : ج 8 ص 74 ح 29 ، الأمالي للصدوق : ص 595 ح 822 ، تحف العقول : ص 251 وليس فيه ذيله من قوله تعالى : «فَمَا زَالَتْ ...» وكلاهما نحوه، أعلام الدين : ص 224 وفيه «يرهبون» بدل «يهربون» وكلها عن سعيد بن المسيب، بحار الأنوار : ج 78 ص 144 ح 6 .

حدیث امام علی علیه السلام: ستم، گام را می لغزاند، نعمت ها را می بُرد و اُمت ها را نابود می کند .

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به سرداران سپاه، آن گاه که به خلافت رسید _ : اما بعد ، آنچه پیشینیان شما را نابود کرد ، این بود که مردم را از حق ، باز داشتند . در نتیجه ، مردم ، حق را فروختند . آنان مردم را به باطل کشاندند و مردم [نیز ناگزیر] ، از آن باطل ، پیروی نمودند . (1)

امام زین العابدین علیه السلام : از رفتاری که خداوند با ستمگران کرده و در کتاب خویش ، شما را از آن برحذر داشته است ، برحذر باشید و خویشان را از این که برخی از تهدیدهایی که خداوند در قرآن ، در باره مردمان ستمگر کرده است ، شما را فرو گیرد ، ایمن مپندارید . به خدا سوگند ، خداوند در کتاب خود ، شما را به [سرگذشت] دیگران ، پند داده است . پس خوش بخت ، کسی است که از دیگران ، پند گیرد . خداوند ، کاری را که با مردمان ستمگر آبادی های پیش از شما کرده ، به گوش شما رسانیده و فرموده است : «و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند ، درهم شکستیم» . مقصود از آبادی ، مردم آن است ؛ زیرا می فرماید : «و پس از آنها قومی دیگر ، پدید آوردیم» . پس فرمود : «پس چون عذاب ما را احساس کردند ، به ناگاه از آن می گریختند» ؛ یعنی گریزگاهی می جستند . فرمود : «[هان !] مگریزید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و [به سوی] سَراهایتان بازگردید . باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید» ، و چون عذاب بر آنان فرود آمد ، «گفتند: «ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم!» . سخنشان پیوسته همین بود، تا آنان را درو شده بی جان گردانیدیم» . به خدا سوگند که این ، برای شما پند و ترساندن است ، اگر اهل پند گرفتن و ترسیدن باشید .

1- .. ابن ابی الحدید می گوید : یعنی مردم را از حَقّشان محروم ساختند و در نتیجه ، مردم با رشوه و پول ، حق را از آنان خریدند . یعنی کارها را در جایگاه خود قرار ندادند و منصب ها را به شایستگان آن نسپردند و امور دینی و دنیایی ایشان ، بر وفق هوس و اغراض فاسد می گشت . لذا مردم ، میراث و حقوق را ، همچون کالا ، با پول می خریدند . سپس فرمود : «و مردم را به باطل گرفتند و آنان ، از آن پیروی نمودند» ؛ یعنی آنان را به باطل کشاندند و در نتیجه ، خَلَف از پی سَلَف آمد و به پیروی از پدران و اسلاف خود ، باطل را به گمان آن که حَقّ است ، مرتکب شدند ؛ چرا که با آن باطل ، نشو و نما یافتند و بدان ، خو گرفتند (شرح نهج البلاغة : ج 18 ص 77) .

4 / 8 تَرَكَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْكِتَابَ «فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ * وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهِلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ حَتَّى يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُنْكِرُوهُ فَلَا يُنْكِرُوهُ ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْخَاصَّةَ وَالْعَامَّةَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَصْرُحْ إِلَّا عَامِلُهَا ، وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَلَمْ يُعَيَّرْ (3) عَلَيْهِ أَصْرَتْ بِالْعَامَّةِ . (4)

الإمام علي عليه السلام : رَحْمَةٌ مَنْ لَا يَرْحَمُ تَمْنَعُ الرَّحْمَةَ ، وَاسْتِيقَاءُ مَنْ لَا يُبْقِي يُهْلِكُ الْأُمَّةَ . (5)

1- .هود: 116 و 117 .

2- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 218 ح 17736 ، فتح الباري : ج 1 ص 14 وليس فيه «فلا ينكروه» ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 154 و ص 311 كلها عن عدي بن عميرة ، كنز العمال : ج 3 ص 65 ح 5515 .

3- .عَبَّرَتْهُ بِهِ : قَبَّحَتْهُ بِهِ وَنَسَبَتْهُ إِلَيْهِ (المصباح المنير : ص 439 «عار») . وفي قرب الإسناد : «يُعَيَّرُ» بدل «يعيّر» .

4- .ثواب الأعمال : ص 311 ح 2 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، قرب الإسناد : ص 55 ح 179 عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، بحار الأنوار : ج 100 ص 78 ح 35 .

5- .غرر الحكم : ج 4 ص 96 ح 5430 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 270 ح 4974 .

4 / 8 وا نهادن نهی از منکر

4 / 8 وا نهادن نهی از منکر قرآن «پس چرا از نسل های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین ، باز دارند ، جز اندکی از کسانی که از میان آنان ، نجاتشان دادیم؟ و کسانی که ستم کردند ، به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند ، رفتند و آنان ، گناهکار بودند . و پروردگار تو [هر گز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاً حگرنند ، به ستم ، هلاک کند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل عموم مردم را به سبب عمل [و گناه] عده ای خاص ، عذاب نمی کند ، مگر آن گاه که منکر را در میان خویش ببینند و بتوانند آن را نفی کنند [و تغییرش دهند] و نکنند . هر گاه چنین شد ، خداوند ، همگان را عذاب می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اگر بنده ، گناه را پنهانی انجام دهد ، جز به انجام دهنده آن ، زیان نمی رساند و هر گاه آشکارا انجامش دهد و کسی به او اعتراض نکند ، زیانش به همگان می رسد .

امام علی علیه السلام : رحم کردن به کسی که رحم نمی کند ، مانع رحمت [الهی] می شود و باقی گذاشتن کسی که باقی نمی گذارد ، اُمت را به نابودی می کشاند. 1

4 / 9 النسيان والغفلة والقسوة الكتاب «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ * فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» . (1)

الحديث للإمام علي عليه السلام : وَايُمُ اللَّهِ ، مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَرَّالٍ عَنْهُمْ ، إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا ؛ لِأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنَزَّلُ بِهِمُ النِّعْمُ وَتَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَرَعَوْا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ تَيَاتِيهِمْ ، وَوَلَّهِ مِنْ قُلُوبِهِمْ ، لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ ، وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ (2) .

4 / 10 الذنوب «أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِمْ مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ» . (3)

1- . الأنعام : 42 _ 44 .

2- . نهج البلاغة : الخطبة 178 ، بحار الأنوار : ج 6 ص 57 ح 7 وراجع : الخصال : ص 624 ح 10 وتحف العقول : ص 114 .

3- . الأنعام : 6 .

4 / 9 فراموشی و غفلت و سنگ دلی

4 / 10 گناهان

4 / 9 فراموشی و غفلت و سنگ دلیقرآن«و به یقین، ما به سوی امت هایی که پیش از تو بودند، [پیامبرانی] فرستادیم و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم، تا به زاری و خاکساری در آیند. پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید، تضرع نکردند؟ ولی [حقیقت این است که] دل هایشان سخت شده و شیطان، آنچه را انجام می دادند، برایشان آراسته است. پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند، فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت ها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند. ناگهان، [گریان] آنان را گرفتیم و یکباره، نومید شدند».

حدیثامام علی علیه السلام: به خدا سوگند که هرگز، مردمی در زندگی پُر ناز و نعمتی نبوده اند و آن نعمت ها از آنان به زوال نیامده است، مگر به سبب گناهایی که مرتکب شدند؛ چرا که خداوند، نسبت به بندگان، ستمکار نیست. اگر مردم، آن گاه که بلاها و کیفرها بر آنان فرود می آید و نعمت ها از دستشان می رود، با نیت های راستین و دل های واله به پروردگارشان پناه ببرند، بی گمان، هر گریخته ای را به آنان بازگرداند و هر تباهی را برایشان اصلاح می کند.

4 / 10 گناهان«آیا ندیده اند که پیش از آنان، چه بسیار امت ها را هلاک کردیم؟ [امت هایی که] در زمین به آنان، امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده ایم، و [باران های] آسمان را پی در پی بر آنان، فرو فرستادیم و رودبارها را از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم. پس ایشان را به [سزای] گناهانشان، هلاک کردیم و پس از آنان، نسل های دیگری پدید آوردیم».

«كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ». (1)

راجع: هود: 116 و 117، الإسراء: 17، غافر: 21، الدخان: 37، الأحقاف: 18 و 19 و 23 _ 25، الحاقة: 9 و 10.

4 / 11 الاختلاف رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تختلفوا، فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا بَعَثَ أَصْحَابُهُ بِأَمْرِ فَتَفَرَّقُوا فِيمَا بَيْنَهُمْ _ :أَذْهَبْتُمْ مِنْ عِنْدِي جَمِيعًا وَجِئْتُمْ مُتَفَرِّقِينَ؟! إِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْفُرْقَةُ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا، إِلَّا ظَهَرَ أَهْلُ بَاطِلِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا. (4)

المستدرک علی الصحیحین عن حذیفة بن الیمان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَنْ تُفْتَنَ أُمَّتِي حَتَّى يَظْهَرَ فِيهِمُ التَّمَايُزُ وَالتَّمَايُلُ وَالْمَقَامِعُ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا التَّمَايُزُ؟ قَالَ: التَّمَايُزُ عَصِيَّةٌ يُحَدِّثُهَا النَّاسُ بَعْدِي فِي الْإِسْلَامِ. قُلْتُ: فَمَا التَّمَايُلُ؟ قَالَ: تَمِيلُ الْقَبِيلَةُ عَلَى الْقَبِيلَةِ فَتَسْتَحِلُّ حُرْمَتَهَا. قُلْتُ: فَمَا الْمَقَامِعُ؟ قَالَ: سِيرُ الْأَمْصَارِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، تَخْتَلِفُ أَعْنَاقُهُمْ فِي الْحَرْبِ. (5)

1- الأنفال: 52.

2- صحيح البخاري: ج 3 ص 1282 ح 3289 و ج 2 ص 849 ح 2279، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 83 ح 3907 و ص 84 ح 3908، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 153 ح 5320، مسند ابن الجعد: ص 83 ح 464 كلها عن ابن مسعود نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 177 ح 894.

3- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 377 ح 1539، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 468 ح 1، السيرة النبوية لابن كثير: ج 2 ص 365 كلها عن سعد بن أبي وقاص، كنز العمال: ج 1 ص 182 ح 920.

4- المعجم الأوسط: ج 7 ص 370 ح 7754 عن ابن عمر، حلية الأولياء: ج 4 ص 313 الرقم 283، سير أعلام النبلاء: ج 4 ص 311 الرقم 113 كلاهما عن الشعبي من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 1 ص 183 ح 929؛ كتاب سليم بن قيس: ج 2 ص 570 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله و آل و ص 845 عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 28 ص 55 ح 22.

5- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 569 ح 8597، الفتن: ج 1 ص 37 ح 35، كنز العمال: ج 11 ص 184 ح 31147.

4 / 11 اختلاف

«[رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند: به آیات خدا کفر ورزیدند . پس خدا به [سزای] گناهانشان ، گرفتارشان کرد. آری . خداوند ، نیرومندِ سختِ کیفر است» .

ر . ك : هود : آیه 16 و 117 ، اسرا : آیه 17 ، غافر : آیه 21 ، دخان : آیه 37 ، احقاف : آیه 18 و 19 و 23 _ 25 ، حاقه : آیه 9 _ 10 .

4 / 11 اختلاف پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اختلاف نکنید ؛ زیرا پیشینیان شما اختلاف کردند و نابود شدند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ آن گاه که یارانش را در پی کاری فرستاد و آنان ، در میان خود ، اختلاف کردند _ : شما از نزد من با هم رفتید و جدا آمدید؟! پیشینیان شما را همین جدایی از میان بُرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هیچ امتی پس از پیامبرش اختلاف نکردند ، مگر آن که باطل گرایان آنها بر حق گرایانشان چیره آمدند .

المستدرک علی الصحیحین _ به نقل از حُذیفَةُ بن یمان _ : پیامبر خدا فرمود : «امت من ، هرگز به فتنه (/ گم راهی) نخواهد افتاد ، مگر آن گاه که تمایز و تمایل و مقامع در میان آنها پدید آید» . گفتم : ای پیامبر خدا! تمایز چیست؟ فرمود : «تمایز ، عصبیتی (1) است که مردم ، پس از من ، در اسلام پدید می آورند» . گفتم : تمایل چیست؟ فرمود : «تجاوز قبیله ای به قبیله ای و روا شمردن ریختن خون آنان است» . گفتم : مقامع چیست؟ فرمود : «حرکت کردن [و لشکرکشی مردم] شهرها به سوی همدیگر و به جنگ هم برخاستن» .

1- .. عصبیت : قوم گرایی ، تعصبات نژادی و قبیله ای .

الإمام علي عليه السلام: وَإِيْمُ اللّٰهِ ، مَا اخْتَلَفَتْ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا ، إِلَّا ظَهَرَ بَاطِلُهَا عَلَى حَقِّهَا ، إِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ. (1)

عنه عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَالتَّلَوْنَ (2) فِي دِينِ اللّٰهِ ، فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيْمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيْمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ ، وَإِنَّ اللّٰهَ سَدَّ بِحَانِهِ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا ، مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (3)

راجع: ص 54 (الامّة / الفصل الثالث : عوامل تقدم الامم / وحدة الكلمة) .

12 / 4 فسأدُ الخاصّة رسول الله صلى الله عليه وآله : وَيْلٌ لِأُمَّتِي مِنْ عُلَمَاءِ السَّوْءِ. (4)

1- .الأمالى للمفيد: ص 235 ح 5 ، الأمالى للطوسى: ص 11 ح 13 ، كشف الغمّة: ج 2 ص 5 كلّها عن الأصبغ بن نباتة، وقعة صفين: ص 224 عن أبى سنان الأسلمى؛ شرح نهج البلاغة لابن أبى الحديد: ج 5 ص 181 عن أبى سنان عن أبيه وفيهما «أهل باطلها عن أهل حقّها» .

2- .مُتَلَوْنٌ: إذا كان لا يثبت على دينٍ واحد (الصحاح: ج 6 ص 2197 «لون»).

3- .نهج البلاغة: الخطبة 176 ، بحار الأنوار: ج 2 ص 313 ح 76 .

4- .كنز العمال: ج 10 ص 197 ح 29038 نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أنس .

4 / 12 تباهی خواص

امام علی علیه السلام: سوگند به خدا که هر گز امتی پس از پیامبرش اختلاف نکردند، جز آن که باطل گرایان آن [امت] بر حق گرایانش چیره آمدند، مگر آن که خدا نخواست.

امام علی علیه السلام: زنهارتان باد از بی ثباتی در دین خدا؛ زیرا هم داستانی در حق، اگرچه ناخوش دارید، بهتر از پراکندگی در باطلی است که خوشایند شماست. خداوند سبحان، به هیچ کس، چه در گذشته و چه اکنون، به سبب جدایی، خیری عطا نکرده است.

ر. ک: ص 55 (امت / فصل سوم: عوامل پیشرفت امت ها / همبستگی).

4 / 12 تباهی خواص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وای بر امت من از عالمان بد!

.

عنه صلى الله عليه وآله: يا عَلِيُّ، هَلَاكَ أُمَّتِي عَلَى يَدَي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمٍ اللِّسَانِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي كُلِّ مُنَافِقٍ عَلِيمٍ اللِّسَانِ (2).

عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مُؤْمِنًا وَلَا مُشْرِكًا، أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيمَانِهِ، وَأَمَّا الْمُشْرِكُ فَيَقْمَعُهُ اللَّهُ بِشِرْكِهِ، وَلَكِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ كُلَّ مُنَافِقٍ الْجَنَانِ (3) عَالِمِ اللِّسَانِ، يَقُولُ مَا تَعْرِفُونَ، وَيَفْعَلُ مَا تُنْكِرُونَ. (4)

المعجم الكبير عن كثير بن عبد الله عن أبيه عن جدّه: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي مِنْ أَعْمَالٍ ثَلَاثَةٍ. قَالُوا: مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: زَلَّةُ الْعَالِمِ (5)، أَوْ حُكْمٌ جَائِزٌ، أَوْ هَوًى مُتَّبِعٌ. (6)

- 1- الخصال: ص 69 ح 103، مشكاة الأنوار: ص 238 ح 687، أعلام الدين: ص 94، روضة الواعظين: ص 11 كلّها عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار: ج 2 ص 106 ح 3.
- 2- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 57 ح 143 وص 101 ح 310 كلاهما عن عمر، شعب الإيمان: ج 2 ص 284 ح 1775 عن عمران بن حصين وفيه «عليكم» بدل «على أمتي»، سير أعلام النبلاء: ج 11 ص 445 الرقم 102 عن عمر، كنز العمال: ج 10 ص 186 ح 28969؛ منية المريد: ص 137، بحار الأنوار: ج 2 ص 110 ح 21.
- 3- الجنان: القَلْبُ (الصّحاح: ج 5 ص 2094 «جن»). .
- 4- نهج البلاغة: الكتاب 27 عن الإمام عليّ عليه السلام، تحف العقول: ص 179 وفيه «حلو اللسان» بدل «عالم اللسان»، الغارات: ج 1 ص 248، منية المريد: ص 136، بحار الأنوار: ج 2 ص 110 ح 20؛ المعجم الأوسط: ج 7 ص 128 ح 7065 عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 10 ص 199 ح 29046.
- 5- في مسند الشهاب والفردوس: «عالم» بدل «العالم»، وهو الأنسب للسياق.
- 6- المعجم الكبير: ج 17 ص 17 ح 14، مسند الشهاب: ج 2 ص 174 ح 1127، جامع بيان العلم: ج 2 ص 110 نحوه، الفردوس: ج 1 ص 61 ح 172 عن عمرو بن عوف، كنز العمال: ج 10 ص 185 ح 28966 نحوه؛ مستدرک الوسائل: ج 17 ص 358 ح 21575 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ الباب.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هلاکت امت من به دست منافقان زبانباز است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین ترس من بر امتم، از منافقان زبانباز است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من بر امت خویش، از جانب مؤمن یا مشرک نمی ترسم . مؤمن را خداوند به سبب ایمانش [از صدمه زدن به امتم] باز می دارد و مشرک را خداوند، به سبب شرکش سرکوب می کند؛ بلکه بر شما از کسی می ترسم که در دل، منافق و در زبان، عالم است؛ چیزی را می گوید که شما می پسندید و کاری را می کند که شما نمی پسندید .

المعجم الكبير_ به نقل از کثیر بن عبد الله، از پدرش، از جدش _: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرماید: «من برای امتم پس از خود، از سه کار می ترسم». گفتند: آن سه کار چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «لغزش عالم، یا حکومت (/ داوری) ظالمانه، یا هوس پیروی شده» .

الإمام علي عليه السلام: قوام (1) الدين والدنيا بأربعة: عالم مُستعملٍ علمه، وجاهل لا يستنكف أن يتعلم، وجواد لا يبخل بمعروفه، وفقير لا يبيع آخرته بدينه، فإذا ضيع العالم علمه استنكف الجاهل أن يتعلم، وإذا بخل الغني بمعروفه باع الفقير آخرته بدينه. (2)

عنه عليه السلام: قوام الدنيا بأربعة: بعالم مُستعملٍ لِعِلمِهِ، وبغني باذلٍ لمعروفه، وبجاهل لا يتكبر أن يتعلم، وبفقير لا يبيع آخرته بدينه غيره. وإذا عطّل العالم علمه، وأمسك الغني معرفته، وتكبر الجاهل أن يتعلم، وباع الفقير آخرته بدينه غيره، فعليهم الثبور (3). (4)

الخصال عن زرارة عن الإمام الباقر عليه السلام: قال أمير المؤمنين عليه السلام: قوام الدين بأربعة: بعالم ناطقٍ مُستعملٍ له، وبغني لا يبخل بفضله على أهل دين الله، وبفقير لا يبيع آخرته بدينه، وبجاهل لا يتكبر عن طلب العلم. فإذا كتم العالم علمه، وبخل الغني بماله، وباع الفقير آخرته بدينه، واستكبر الجاهل عن طلب العلم، رجعت الدنيا إلى ورائها القهقري (5). فلا تغربكم كثرة المساجد، وأجساد قوم مُختلفة. قيل: يا أمير المؤمنين، كيف العيش في ذلك الزمان؟ فقال: خالطوهم بالبرائة - يعني في الظاهر - وخالفوهم في الباطن... (6).

- 1- قوام الشيء: عمادته الذي يقوم به (النهاية: ج 4 ص 124 «قوم»).
- 2- نهج البلاغة: الحكمة 372 عن جابر، بحار الأنوار: ج 71 ص 417 ح 39؛ المناقب للخوارزمي: ص 368 ح 388 عن جابر نحوه.
- 3- الثبور: الهلاك (النهاية: ج 1 ص 206 «ثبر»).
- 4- تحف العقول: ص 222، التوحيد: ص 306 ح 1، الأمالي للصدوق: ص 424 ح 560، الاحتجاج: ج 1 ص 611 ح 138، الاختصاص: ص 237 والأربعة الأخيرة عن الأصبع بن نباتة نحوه وفيها «قامت الدنيا بثلاثة» بدل «قوام الدنيا بأربعة»، بحار الأنوار: ج 78 ص 62 ح 143.
- 5- القهقري: الرجوع إلى خلف، فإذا قلت: رجعت القهقري، فكأنك قلت: رجعت الرجوع الذي يُعرف بهذا الاسم؛ لأن القهقري ضربٌ من الرجوع (الصحيح: ج 2 ص 801 «قهر»).
- 6- الخصال: ص 197 ح 5، مشكاة الأنوار: ص 241 ح 697 وفيه «الباطل» بدل «الباطن»، روضة الواعظين: ص 11 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 67 ح 9.

امام علی علیه السلام: استواری دین و دنیا، به چهار چیز است: عالمی که به علم خویش عمل کند؛ نادانی که از آموختن علم، سر باز زند؛ بخشنده ای که از بخشش، مضایقه نرزد؛ و تهی دستی که آخرتش را به دنیایش نفروشد. پس هر گاه عالم علمش را تباه کند، نادان از فرا گرفتن علم، سر باز می زند و هر گاه توانگر از بخشش دریغ کند، تهی دست، آخرتش را به دنیایش می فروشد.

امام علی علیه السلام: استواری دنیا، به چهار چیز است: به عالمی که علمش را به کار بندد؛ به توانگری که بخشش کند؛ به نادانی که از آموختن علم، تکبر نرزد؛ و به تهی دستی که آخرتش را به دنیای دیگری نفروشد. هر گاه عالم، علمش را بیکار گذارد و توانگر، از بخشش مضایقه کند و جاهل، از آموختن علم، تکبر ورزد و تهی دست، آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد، نابودی به سراغشان می آید.

الخصال_ به نقل از زراره، از امام باقر علیه السلام _: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «قوام دین، به چهار چیز است: به عالم گویا و عامل؛ به توانگری که از بخشش به اهل دین خدا دریغ نرزد؛ به ناداری که آخرت خود را به دنیایش نفروشد؛ و به نادانی که از طلب علم، تکبر نرزد. پس هر گاه عالم، علم خود را پوشیده بدارد و توانگر، به مال خود بخل بورزد و نادار، آخرت خود را به دنیایش بفروشد و نادان، از طلب علم تکبر ورزد، دنیا به عقب باز می گردد. پس زنهار که فراوانی مسجدها و وجود انسان های ناهمدل [در آنها] شما را نفریبد!». گفته شد: ای امیر مؤمنان! در آن زمان، چگونه باید زیست؟ فرمود: «در ظاهر با آنان بیامیزید و در باطن، با آنان مخالف باشید...».

الإمام علي عليه السلام لَمَّا سئلَ عَن فَسَادِ الْعَامَّةِ _ : إِنَّمَا هِيَ مِن فَسَادِ الْخَاصَّةِ ، وَإِنَّمَا الْخَاصَّةُ لَيُقَسَّمُونَ عَلَى خَمْسٍ : الْعُلَمَاءُ وَهُمْ الْأَدِلَّةُ عَلَى اللَّهِ ، وَالزُّهَّادُ وَهُمْ الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ ، وَالتُّجَّارُ وَهُمْ أُمْنَاءُ اللَّهِ ، وَالْغَزَاةُ وَهُمْ أَنْصَارُ دِينِ اللَّهِ ، وَالْحُكَّامُ وَهُمْ رُعَاةُ خَلْقِ اللَّهِ . فَإِذَا كَانَ الْعَالَمُ طَمَاعًا وَلِلْمَالِ جَمَاعًا ، فَبِمَنْ يُسْتَدَلُّ ؟ ! وَإِذَا كَانَ الزَّاهِدُ رَاغِبًا وَلِمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ طَالِبًا ، فَبِمَنْ يُقْتَدَى ؟ ! وَإِذَا كَانَ التَّاجِرُ خَائِنًا وَلِلزَّكَاةِ مَانِعًا ، فَبِمَنْ يُسْتَوْثَقُ ؟ ! وَإِذَا كَانَ الْغَازِي مُرَائِيًا وَلِلْكَسْبِ نَاضِرًا ، فَبِمَنْ يُذَبُّ عَنِ الْمُسْلِمِينَ ؟ ! وَإِذَا كَانَ الْحَاكِمُ ظَالِمًا وَفِي الْأَحْكَامِ جَائِرًا ، فَبِمَنْ يُنصَرُّ الْمَظْلُومُ عَلَى الظَّالِمِ ؟ ! فَوَاللَّهِ ! مَا أَتَلَفَ النَّاسُ إِلَّا الْعُلَمَاءَ الطَّمَاعُونَ ، وَالزُّهَّادُ الرَّاعِبُونَ ، وَالتُّجَّارُ الْخَائِنُونَ ، وَالْغَزَاةُ الْمُرَاوُونَ ، وَالْحُكَّامُ الْجَائِرُونَ ، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (1) . (2)

4 / 13 سوء التدبير رسول الله صلى الله عليه وآله ما أخاف على أمّتي الفقر ، ولكن أخاف عليهم سوء التدبير . (3)

1- .الشعراء : 227 .

2- .غرر الحكم «ترجمة محمد علي الأنصاري» : ص 542 ح 106 ؛ تاريخ دمشق : ج 23 ص 140 عن شقيق بن إبراهيم نحوه من دون إسناد إلى الإمام علي عليه السلام .

3- .عوالي اللآلي : ج 4 ص 39 ح 134 .

4 / 13 بی تدبیری

امام علی علیه السلام در پاسخ پرسش از تباهی توده مردم: تباهی آنان، در واقع، از تباهی خواص است. خواص، به پنج دسته تقسیم می شوند: عالمان که راه نمایان به سوی خدا هستند؛ زاهدان که راه به سوی خدا هستند؛ بازرگانان که امینان خدا هستند؛ مجاهدان که یاران دین خدا هستند؛ و فرمان روایان که سرپرستان خلق خداوند. پس هرگاه عالم، طمعکار و ثروت اندوز باشد، از چه کسی باید راه نمایی جست؟! هرگاه زاهد، دنیاخواه و طالب آن چیزی باشد که مردم دارند، از چه کسی باید پیروی کرد؟! هرگاه بازرگان، خیانتکار باشد و زکات نپردازد، به چه کسی باید اعتماد کرد؟! هرگاه مجاهد، ریاکار و چشم به کسب [غنیمت] داشته باشد، به وسیله چه کسی باید از مسلمانان دفاع کرد؟! و هرگاه فرمان روا، ستمگر و در فرمان روایی (/قضاوت) بیدادگر باشد، ستم دیده باید از چه کسی در برابر ستمگر، یاری جوید؟! به خدا سوگند، مردم را نابود نکردند، مگر عالمان طمعکار و زاهدان دنیاخواه و بازرگانان خیانتکار و مجاهدان ریاکار و فرمان روایان بیدادگر. «و کسانی که ستم کردند، به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه، باز خواهند گشت».

4 / 13 سوء تدبیر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من بر اتم از فقر نمی ترسم؛ بلکه از بی تدبیری (سوء مدیریت) می ترسم.

4 / 14 حُبُّ الدُّنْيَا صحيح مسلم عن أبي سعيد الخدري: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ مَا يُخْرِجُ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ زَهْرَةِ الدُّنْيَا. قالوا: وما زَهْرَةُ الدُّنْيَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: بَرَكَاتُ الْأَرْضِ. (1)

سنن أبي داود عن ثوبان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يُوشِكُ الْأُمَمُ أَنْ تَدَاعَى (2) عَلَيْكُمْ كَمَا تَدَاعَى الْأَكَلَةُ إِلَى قَصْعَتِهَا. فَقَالَ قَائِلٌ: وَمِنْ قِلَّةٍ نَحْنُ يَوْمَئِذٍ؟ قَالَ: بَلْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ كَثِيرٌ، وَلَكِنَّكُمْ غُثَاءً (3) كَغُثَاءِ السَّيْلِ، وَلَيَنْزِعَنَّ اللَّهُ مِنْ صُدُورِ عَدُوِّكُمْ الْمَهَابَةَ مِنْكُمْ، وَلَيَقْدِفَنَّ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمُ الْوَهْنَ (4). فَقَالَ قَائِلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وما الْوَهْنُ؟ قَالَ: حُبُّ الدُّنْيَا وَكَرَاهِيَةُ الْمَوْتِ. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا عَظَّمْتَ أُمَّتِي الدُّنْيَا، نَزَعَتْ مِنْهَا هَيْبَةَ الْإِسْلَامِ. (6)

1- صحيح مسلم: ج 2 ص 728 ح 122، صحيح البخاري: ج 5 ص 2362 ح 6063، المعجم الأوسط: ج 9 ص 15 ح 8990، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 16 ح 11035، صحيح ابن حبان: ج 10 ص 371 ح 4513 وليس فيهما ذيله؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 133 كلُّها نحوه.

2- تَدَاعَتْ عَلَيْكُمْ الْأُمَمُ: أي اجتمعوا ودعا بعضهم بعضا (النهاية: ج 2 ص 120 «دعا»).

3- غُثَاءُ السَّيْلِ: ما يجيء فوق السيل ممّا يحمله من الزبد والوسخ وغيره (النهاية: ج 3 ص 343 «غثا»).

4- الْوَهْنُ: الضَّعْفُ (الصَّحاح: ج 6 ص 2215 «وهن»).

5- سنن أبي داود: ج 4 ص 111 ح 4297، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 327 ح 22460، تهذيب الكمال: ج 13 ص 47 الرقم 2811، حلية الأولياء: ج 1 ص 182 الرقم 31، تاريخ دمشق: ج 23 ص 330 ح 5086، كنز العمال: ج 11 ص 330 ح 30916.

6- نوادر الأصول: ج 2 ص 12 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 183 ح 6070؛ تفسير جوامع الجامع: ج 1 ص 703، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 75 و ج 2 ص 243.

4 / 14 دنیادوستی

4 / 14 دنیادوستی صحیح مسلم به نقل از ابو سعید خَدْرِي _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «بیشترین ترس من بر شما ، از شُکوفه دنیاست که خداوند برایتان می رویند» . گفتند : شُکوفه دنیا چیست ، ای پیامبر خدا؟ فرمود : «برکت های زمین» .

سنن أبی داوود به نقل از ثوبان _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «زودا که امت ها بر [نابودی] شما هجوم آورند ، چنان که خورندگان به کاسه شان هجوم می بَرند!» . گوینده ای گفت : از اندك بودن شمارمان در آن روزگار؟ فرمود : «نه . در آن روزگار ، شمار شما بسیار است ؛ اما همچون کف و خاشاك روی سیلابید . خداوند ، هیبت شما را از دل های دشمنانتان می گیرد ، و خدا ، در دل های شما سستی می افکند» . گوینده ای گفت : ای پیامبر خدا ! سستی چیست؟ فرمود : «دنیادوستی و ناخوش داشتن مرگ» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر گاه امت من ، دنیا را بزرگ شمارند ، شُکوه اسلام از دل های آنان ، گرفته می شود .

عنه صلى الله عليه وآله: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي زَهْرَةُ الدُّنْيَا (1) وَكَثُرَتْهَا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي أَنْ يَكْثُرَ لَهُمُ الْمَالُ فَيَتَحَاسَدُوا وَيَقْتَتِلُوا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ فِتْنَةٌ (4)، وَفِتْنَةُ أُمَّتِي الْمَالُ. (5)

السنن الكبرى عن عبد الله بن حوالة: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَشَكَّوْنَا إِلَيْهِ الْعُرَى وَالْفَقْرَ وَقِلَّةَ الشَّيْءِ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَبْشِرُوا، فَوَ اللَّهُ لَا أَنَا بِكَثْرَةِ الشَّيْءِ أَخَوْفَنِي (6) عَلَيْكُمْ مِنْ قِلَّتِهِ. (7)

مسند ابن حنبل عن زيد بن وهب عن رجل: إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكَلَتْنَا الصَّبْغُ (8)، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: غَيْرُ الصَّبْغِ عِنْدِي أَخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنَ الصَّبْغِ، إِنَّ الدُّنْيَا سَتُصَبُّ عَلَيْكُمْ صَبًّا، فَيَالَيْتَ أُمَّتِي لَا تَلْبَسُ الذَّهَبَ. (9)

- 1- زهرة الدنيا وزينتها أي: حُسْنُهَا وَبِهَجَّتُهَا وَكَثْرَةُ خَيْرِهَا (النهاية: ج 2 ص 322 «زهر»).
- 2- تفسير الطبري: ج 13 الجزء 25 ص 30، تفسير ابن كثير: ج 7 ص 193 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله، الكشف: ج 3 ص 404، تفسير القرطبي: ج 16 ص 27؛ تفسير جوامع الجامع: ج 3 ص 286.
- 3- مسند الشاميين: ج 2 ص 164 ح 1115 عن أبي عامر الأشعري، المستدرک على الصحيحين: ج 2 ص 316 ح 3139 من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله نحوه، كنز العمال: ج 10 ص 200 ح 27051؛ تنبيه الخواطر: ج 1 ص 127.
- 4- الفِتْنَةُ: الامتحان والاختبار (الصحيح: ج 6 ص 2175 «فتن»).
- 5- سنن الترمذي: ج 4 ص 569 ح 2336، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 152 ح 17478، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 354 ح 7896، صحيح ابن حبان: ج 8 ص 17 ح 3223، المعجم الكبير: ج 19 ص 179 ح 404 كلَّها عن كعب بن عياض، كنز العمال: ج 3 ص 191 ح 6106.
- 6- هكذا في المصدر، وفي المصادر الأخرى: «لَاخَوْفُ».
- 7- السنن الكبرى: ج 9 ص 302 ح 18609، حلية الأولياء: ج 2 ص 3 الرقم 87، دلائل النبوة لأبي نعيم: ص 546 ح 478، تاريخ دمشق: ج 1 ص 73 ح 46، كنز العمال: ج 10 ص 155 ح 38218.
- 8- الصَّبْغُ: يعني السنة المُجْدِبَةُ، وهي في الأصل الحَيَوَانُ المعروف، والعرب تُكَنِّي به عن سنة الجذب (النهاية: ج 3 ص 73 «ضبع»).
- 9- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 46 ح 23183، المعجم الأوسط: ج 4 ص 198 ح 3964، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 137 ح 84، مسند الطيالسي: ص 60 ح 447 كلَّها عن أبي ذرٍّ، دلائل النبوة لأبي نعيم: ص 540 ح 468 عن عبد الله وكلَّها نحوه، كنز العمال: ج 3 ص 219 ح 6239 و6240.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین ترس من برای امتم، از زرق و برق دنیا و فراوانی آن است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین ترس و نگرانی من برای امتم، این است که مال و ثروت برایشان فراوان شود و [برای آن] بر یکدیگر حسد ورزند (/ رقابت کنند) و یکدیگر را بکشند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر امتی آزمایشی دارد و آزمایش امت من، [با] پول و ثروت است.

السنن الکبریٰ به نقل از عبد الله بن حواله _ نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم و از برهنگی و نیازمندی و کم چیزی [خود] به ایشان، شه کوه کردیم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خوش باشید! به خدا سوگند که از فراوانی چیز (ثروت)، بیشتر برای شما می ترسم تا از اندک بودن آن».

مسند ابن حنبل _ به نقل از زید بن وهب، از مردی _ بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! گفتار (قحطی و خشک سالی)، ما را خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «از غیر گفتار، بیشتر بر شما می ترسم تا گفتار. به زودی دنیا بر شما سرازیر خواهد شد. کاش امتم طلا نپوشند!».

رسول الله صلى الله عليه وآله: وَاللَّهِ، لَا الْفَقْرَ أَخْشَى عَلَيْكُمْ، وَلَكِنْ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُبْسِطَ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا كَمَا بُسِطَتْ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ، فَتَنَافَسُوهَا كَمَا تَنَافَسُوهَا، وَتُهْلِكَكُمْ كَمَا أَهْلَكَتَهُمْ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الْفَقْرَ تَخَافُونَ، أَوِ الْعَوْرَ، أَوْ تَهْمُكُمْ الدُّنْيَا؟ فَإِنَّ اللَّهَ فَاتِحٌ لَكُمْ أَرْضَ فَارِسَ وَالرُّومِ، وَتُصَبُّ عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا صَبًّا، حَتَّى لَا يُزَيِّغَنَّكُمْ (2) بَعْدِي - إِنْ أَزَاغَكُمْ - إِلَّا هِيَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَسْتُ أَخْشَى عَلَيْكُمْ أَنْ تُشْرِكُوا، وَلَكِنِّي أَخْشَى عَلَيْكُمُ الدُّنْيَا أَنْ تَنَافَسُوهَا. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ أُمَّةٍ عِجْلٌ يَعْبُدُونَهُ، وَعِجْلُ أُمَّتِي الدَّنَانِيرُ وَالذَّرَاهِمُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِكُلِّ شَيْءٍ آدَةً تُقْسِدُهُ، وَأَعْظَمُ الْآفَاتِ آفَةُ تُصِيبُ أُمَّتِي؛ حُبُّهُمْ الدُّنْيَا وَجَمْعُهُمُ الدِّينَارَ وَالذَّرْهَمَ، لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ جَمْعِهِمَا (6) إِلَّا مَنْ سَلَطَهُ اللَّهُ عَلَى هَلَكْتِهَا فِي الْحَقِّ. (7)

1- صحيح البخاري: ج 3 ص 1152 ح 2988، صحيح مسلم: ج 4 ص 2274 ح 6، سنن الترمذي: ج 4 ص 641 ح 2462، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1325 ح 3997، مسند ابن حنبل ج 6 ص 105 ح 17234 كلها عن عمرو بن عوف، كنز العمال: ج 3 ص 199 ح 6161.

2- الزُّبَيْعُ: الشُّكُّ والجور عن الحق (تاج العروس: ج 12 ص 29 «زيع»).

3- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 256 ح 24037، المعجم الكبير: ج 18 ص 52 ح 93 نحوه، مسند الشاميين: ج 2 ص 182 ح 1150 وليس فيه ذيله من «حتى لا يزيغنكم» وكلها عن عوف بن مالك.

4- صحيح البخاري: ج 4 ص 1486 ح 3816 صحيح مسلم: ج 4 ص 1796 ح 31، السنن الكبرى: ج 4 ص 21 ح 6809، المعجم الكبير: ج 17 ص 279 ح 768، الطبقات الكبرى: ج 2 ص 205 كلها عن عقبة بن عامر، كنز العمال: ج 3 ص 219 ح 6238.

5- الفردوس: ج 3 ص 338 ح 5019 عن حذيفة، كنز العمال: ج 3 ص 223 ح 6259.

6- في كنز العمال: «مِنْ جَمْعِهَا»، وفي فردوس الأخبار: ج 1 ص 207 ح 614: «مِمَّنْ جَمَعَهُمَا».

7- الفردوس: ج 1 ص 171 ح 641 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 221 ح 6248.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به خدا سوگند ، این فقر نیست که من از آن بر شما می ترسم ؛ بلکه از این بر شما می ترسم که دنیا ، همچنان که بر پیشینیان شما فراخ گشت ، بر شما نیز فراخ گردد . پس در آن به رقابت برخیزید ، چنان که آنان به رقابت برخاستند و شما را نیز همچون آنان ، نابود کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از فقر می ترسید یا نیازمندی ؟ و یا غم دنیا را می خورید ؟ خداوند ، سرزمین ایران و روم را برای شما خواهد گشود و دنیا ، چنان بر شما سرازیر خواهد شد که پس از من ، اگر چیزی شما را منحرف کند ، آن چیز ، فقط دنیا است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من از این بر شما نمی ترسم که مشرک شوید ؛ بلکه از این بر شما می ترسم که بر سر دنیا به رقابت برخیزید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر امتی گوساله ای [سامری] دارد که آن را عبادت می کند و گوساله امت من ، دینارها و درهم هاست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل برای هر چیزی آفتی قرار داده است که آن را تباه می کند و بزرگ ترین آفت ها ، آفتی است که به امت من می رسد ؛ دنیادوستی آنان و گردآوری دینار و درهم . در گردآوری بسیار این دو ، خیری نیست ، مگر برای کسی که خداوند ، او را بر خرج کردن آنها در راه حق ، قدرت دهد .

الإمام علي عليه السلام: لا تُعَرِّنْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا كَمَا عَرَّتْ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ، الَّذِينَ احْتَلَبُوا دِرَّتَهَا (1)، وَأَصَابُوا غِرَّتَهَا (2)، وَأَفْنَوْا عِدَّتَهَا، وَأَخْلَقُوا جِدَّتَهَا (3)، وَأَصْبَحَتْ مَسَاكِينُهُمْ أَجْدَاثًا (4)، وَأَمْوَالُهُمْ مِيرَاثًا، لَا يَعْرِفُونَ مَنْ أَتَاهُمْ، وَلَا يَحْفَلُونَ (5) مِنْ بَكَاهُمْ، وَلَا يُجِيبُونَ مَنْ دَعَاهُمْ. (6)

عنه عليه السلام: إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا! فَحَبِّلْكَ عَلَى غَارِيكِ، قَدْ انْسَلَلْتُ مِنْ مَخَالِيكِ، وَأَفَلْتُ مِنْ حَبَائِلِكَ (7)، وَاجْتَنَبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَا حِصْنِكَ (8)، أَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَّرْتَهُمْ بِمَدَاعِيكِ؟ أَيْنَ الْأُمَمُ الَّذِينَ فَتَنَتْهُمْ بِزَخَارِفِكَ؟ فَهَاهُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ، وَمَضَامِينُ اللُّحُودِ. وَاللَّهِ، لَوْ كُنْتُ شَخْصًا مَرِيئًا وَقَالِبًا حَسِيًّا، لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ؛ فِي عِبَادٍ غَرَّرْتَهُمْ بِالْأَمَانِيِّ، وَأُمَمٍ أَلْقَيْتَهُمْ فِي الْمَهَاوِي، وَمُلُوكٍ أَسْلَمْتَهُمْ إِلَى التَّلَفِ وَأَوْرَدْتَهُمْ مَوَارِدَ الْبَلَاءِ، إِذَا لَا وَرْدَ وَلَا صَدْرَ (9). (10)

- 1- الدَّيَّةُ: اللَّيْنُ إِذَا كَثُرَ وَسَالَ (النهاية: ج 2 ص 112 «در»).
- 2- الْعِرَّةُ: الْغَفْلَةُ (المصباح المنير: ص 444 «غر»).
- 3- إِخْلَاقُ الثَّوْبِ: تَقْطِيعُهُ (النهاية: ج 2 ص 71 «خلق»). والمراد أَنَّهُمْ جَعَلُوا جَدِيدَهَا خَلْقًا قَدِيمًا.
- 4- الْجَدْتُ: الْقَبْرُ (المصباح المنير: ص 92 «جدت»).
- 5- حَفَلْتُ كَذَا: أَيُّ بَالَيْتُ بِهِ (الصحاح: ج 4 ص 1671 «حفل»).
- 6- نَهَجُ الْبَلَاغَةِ: الْخُطْبَةُ 230، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 73 ص 83 ح 46.
- 7- حَبَانُلُ: أَيُّ مَصَانِدُ، وَاحِدُهَا حِبَالَةٌ بِالْكَسْرِ، وَهِيَ مَا يَصَادُ بِهَا مِنْ أَيِّ شَيْءٍ كَانَ (النهاية: ج 1 ص 333 «حَبَل»).
- 8- الْمَدْحَصَةُ: الْمَرْزَلَةُ. يُقَالُ: مَكَانٌ مَدْحَصَةٌ؛ إِذَا كَانَتْ لَا تَثْبِتُ عَلَيْهِ الْأَقْدَامَ (تاج العروس: ج 10 ص 52 «دحض»).
- 9- الصَّدْرُ: رَجُوعُ الْمَسَافِرِ مِنْ مَقْصِدِهِ وَالشَّارِبَةِ مِنَ الْوَرْدِ (النهاية: ج 3 ص 15 «صدر»).
- 10- نَهَجُ الْبَلَاغَةِ: الْكِتَابُ 45، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 33 ص 475 ح 686.

امام علی علیه السلام: هر آینه زندگی دنیا، شما را نفریبد، چنان که اُمّت های گذشته و نسل های رفته پیش از شما را فریفت؛ همانان که به وفور نعمت دنیا دست یافتند و بدان، غرّه گشتند و روزهای آن را سپری کردند و نو آن را کهنه ساختند و خانه هایشان، آرامگاهشان شد و دارایی هایشان، مُرده ریگ گردید. نه کسی را که نزد آنان رَوَد، می شناسند، نه به کسی که بر آنان بگرید، توجّهی می نمایند و نه پاسخ کسی را که صدایشان بزند، می دهند.

امام علی علیه السلام: دور شو از من _ ای دنیا _ که من، ریسمان مهار تو را بر کوهانت افکنده ام! من از چنگال تو رسته ام و از کمندهایت گریخته ام و از افتادن در لغزشگاه هایت، دوری کرده ام. کجایند آن نسل هایی که با عشوّه های خود، فریشان دادی؟ کجایند آن اُمّت هایی که با زرق و برق پوچت، فریفته شان ساختی؟ اینک، آنان، گروگانِ گورهایند و در آغوش لحدها خفته اند. به خدا سوگند، اگر موجودی قابل رؤیت و کالبدی محسوس بودی، بی گمان، به کیفر آن که بندگان را به آرزوها فریفتی و اُمّت هایی را در ورطه های نابودی افکندی و شاهانی را به دستِ نابودی سپردی و آنان را به آبشخورهای بلا بُردی که نه آبی نوشیدند و نه از آن آبشخورها به در آمدند، حدود خدا را بر تو جاری می ساختم.

عنه عليه السلام: إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْغَمَامِ . . . ، سَلَابَةُ النَّعْمِ ، أَكَالَةُ الْأَمَمِ ، جَلَابِةُ النَّقَمِ. (1)

4 / 15 الاستِهانَةُ بِحُقُوقِ الضُّعَفَاءِ رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَا يُقَدِّسُ أُمَّةً لَا يَأْخُذُ الضَّعِيفُ حَقَّهُ مِنَ الْقَوِيِّ وَهُوَ غَيْرُ مُتَعَتِّعٍ (2) . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا يُقَدِّسُ اللَّهُ أُمَّةً لَا يُؤْخَذُ لِضَعْفِهَا مِنْ شَدِيدِهَا. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تُقَدِّسُ أُمَّةٌ لَا يُقْضَى فِيهَا بِالْحَقِّ ، وَيَأْخُذُ الضَّعِيفُ حَقَّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ. (5)

الإمام علي عليه السلام في كتابه لِلْأَشْتَرِ _ :اجْعَلْ لِيذَوِي الْحَاجَاتِ مِنْكَ قِسْمًا تُقَرِّغْ لَهُمْ فِيهِ شَدْخَصَكَ ، وَتَجْلِسْ لَهُمْ مَجْلِسًا عَامًّا ، فَتَتَوَاضَعُ فِيهِ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكَ ، وَتُقْعِدُ عَنْهُمْ جُنْدَكَ وَأَعْوَادَكَ مِنْ أَحْرَاسِكَ وَشَرْطِكَ ، حَتَّى يُكَلِّمَكَ مُتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ : «لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِضَعْفِهَا فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ». (6)

- 1- .غرر الحكم : ج 2 ص 644 ح 3681 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 144 ح 3217 .
- 2- .غير مُتَعَتِّعٍ : أي من غير أن يصيبه أذى يُقلقه ويزعجه (النهاية : ج 1 ص 190 «تعتع»).
- 3- .المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 287 ح 5117 ، السنن الكبرى : ج 10 ص 160 ح 20201 ، تاريخ بغداد : ج 4 ص 188 الرقم 1875 ، الإصابة : ج 7 ص 153 الرقم 10028 ، أسد الغابة : ج 3 ص 397 الرقم 3205 نحوه وكلها عن أبي سفيان بن الحارث بن عبد المطلب ، كنز العمال : ج 3 ص 72 ح 5544 .
- 4- .المعجم الأوسط : ج 7 ص 178 ح 7208 عن عائشة ، السنن الكبرى : ج 10 ص 160 ح 20203 عن بريدة نحوه ، المعجم الكبير : ج 11 ص 97 ح 11230 عن ابن عباس وفيه «قويها» بدل «شديدها» ، مسند أبي يعلى : ج 2 ص 384 ح 1999 نحوه ، تاريخ بغداد : ج 7 ص 396 الرقم 3933 كلاهما عن جابر ، كنز العمال : ج 3 ص 80 ح 5588 .
- 5- .المعجم الكبير : ج 19 ص 385 ح 903 عن معاوية ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 810 ح 2426 ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 5 ص 247 ح 3 ، مسند أبي يعلى : ج 2 ص 30 ح 1086 و الثلاثة الأخيرة عن أبي سعيد الخدري نحوه ، مسند الشاميين : ج 1 ص 182 ح 315 عن عبد الله بن عمر وفيه «غير مضطهد» بدل «غير متعتع» ، كنز العمال : ج 3 ص 72 ح 5549 .
- 6- .نهج البلاغة : الكتاب 53 ، تحف العقول : ص 142 بزيادة «وذهنك من كلّ شغل ثمّ تأذن لهم عليك» بعد «شخصك» ، و «تحفض لهم في مجلسك ذلك جناحك وتلين لهم كفك في مراجعتك وجهك» بعد «وشرطك» ، بحار الأنوار : ج 33 ص 608 ح 744 .

4 / 15 بی توجّهی به حقوق ضعیفان

امام علی علیه السلام: دنیا [به سان] سایه ابر است ... زُباینده نعمت ها ، خورنده اَمّت ها و جلب کننده مصیبت هاست .

4 / 15 بی توجّهی به حقوق ضعیفانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، اَمّتی را که [در آن] ناتوان ، بدون ترس و لرز ، حقّ خود را از زورمند نستانند ، به خوش بختی (رستگاری) نمی رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، اَمّتی را که در آن ، حقّ ناتوان از زورمند گرفته نشود ، خوش بخت (رستگار) نمی کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمّتی که در آن به حق داوری نشود و ناتوان ، حقّ خود را بدون ترس و لرز ، از نیرومند نستانند ، خوش بخت نمی شود .

امام علی علیه السلام_ در نامه اش به مالک اشتر _ : برای آنان که با تو کار دارند ، وقتی بگذار تا در آن وقت ، شخصا به نیازهای آنان رسیدگی کنی و به آنان ، بارِ عام بده و در آن مجلس ، برای خدایی که تو را آفریده است ، فروتن باش و سربازان و محافظان خود را از آنان دور بدار ، تا آن که می خواهد با تو سخن بگوید ، بدون اضطراب ، سخنش را بگوید ؛ زیرا من ، بارها از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : «اَمّتی که در آن ، حقّ ناتوان از زورمند ، بدون ترس و لرز ، ستانده نشود ، هرگز خوش بخت نمی شود» .

المعجم الكبير عن يحيى بن جعدة بن هبيرة عن ابن مسعود: لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ أَقْطَعَ الدَّوْرَ، وَأَقْطَعَ ابْنَ مَسْعُودٍ فَيَمَنْ أَقْطَعَ، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ نَكَّبُهُ عَنَّا (1)، قَالَ: فَلِمَ بَعَثَنِي اللَّهُ إِذَا؟ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُقَدِّسُ أُمَّةً لَا يُعْطُونَ الضَّعِيفَ مِنْهُمْ حَقَّهُ (2).

الإمام الصادق عليه السلام: مَا قُدِّسَتْ أُمَّةٌ لَمْ يُوْخَذْ لِضَعْفِهَا مِنْ قَوِيَّهَا بِحَقِّهِ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ. (3)

عنه عليه السلام: مَا عَذَّبَ اللَّهُ أُمَّةً إِلَّا عِنْدَ اسْتِهَانَتِهِمْ بِحُقُوقِ قُرَّاءِ إِخْوَانِهِمْ. (4)

4 / 16 المَفَاسِدُ الثَّقَافِيَّةُ وَالْاِقْتِصَادِيَّةُ الْكِتَابُ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ». (5).

1- نَكَّبَ عَنَّا [فلانا]: أَي نَحَّه عَنَّا (النهاية: ج 5 ص 112 «نكب»).

2- المعجم الكبير: ج 10 ص 222 ح 10534، حلية الأولياء: ج 7 ص 315 الرقم 398، السنن الكبرى: ج 6 ص 241 ح 11801 نحوه، كنز العمال: ج 6 ص 19 ح 14649.

3- الكافي: ج 5 ص 56 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 180 ح 371، عوالي اللآلي: ج 3 ص 189 ح 26، وسائل الشيعة: ج 11 ص 395 ح 21135؛ السنن الكبرى: ج 6 ص 157 ح 11514، السنة لابن أبي عاصم: ص 257 ح 582 كلاهما عن بريدة عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.

4- تحف العقول: ص 303، بحار الأنوار: ج 78 ص 281 ح 1.

5- الرعد: 11.

4 / 16 مفاسد فرهنگی و اقتصادی

المعجم الكبير_ به نقل از یحیی بن جَعْدَة بن هُبَیره ، در باره ابن مسعود _ : پیامبر صلی الله علیه و آله چون به مدینه آمد ، خانه ها را تقسیم کرد (1) و ابن مسعود [که فقیر و ضعیف بود] ، از جمله کسانی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به او سهمی بخشید . یاران ایشان گفتند : ای پیامبر خدا ! او را از ما دور کن . فرمود : «پس خداوند برای چه مرا به پیامبری برانگیخت؟ خداوند عز و جل امتی را که حق ضعیف خود را ندهند ، به خوش بختی نمی رساند» .

امام صادق علیه السلام : هیچ امتی که حق ناتوان آن از نیرومندش ، بدون ترس و لرز ، ستانده نشد ، خوش بخت نمی شود .

امام صادق علیه السلام : خداوند ، هیچ امتی را عذاب نکرد ، مگر آن گاه که به حقوق برادران فقیر خود ، بی اعتنائی کردند .

4 / 16 مفاسد فرهنگی و اقتصادی قرآن «در حقیقت، خداوند ، حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» .

1- .. یعنی مهاجران را با رضایت انصار ، در خانه های آنان ، سکونت داد (نیل الأوطار : ج 6 ص 56) .

الحديث للإمام الباقر عليه السلام - لَمَّا سئلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (1) - : إِنَّ الْأَرْضَ كَانَتْ فَاسِدَةً فَاصْلَحَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلْبَنِيَّهَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَقَالَ : «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ ثَلَاثًا وَهِنَّ كَائِنَاتٌ : زَلَّةٌ (3) عَالِمٍ ، وَجِدَالٌ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ ، وَدُنْيَا تُفْتَحُ عَلَيْكُمْ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّمَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ : أَنْ يَتَأَوَّلُوا الْقُرْآنَ عَلَى غَيْرِ تَأْوِيلِهِ ، أَوْ يَتَّبِعُوا زَلَّةَ الْعَالِمِ ، أَوْ يَظْهَرَ فِيهِمُ الْمَالُ حَتَّى يَطْغَوْا وَيَبْطَرُوا ! وَسَأُنبِّئُكُمُ الْمَخْرَجَ مِنْ ذَلِكَ : أَمَّا الْقُرْآنُ فَاعْمَلُوا بِحُكْمِهِ وَآمِنُوا بِمُتَشَابِهِهِ ، وَأَمَّا الْعَالِمُ فَانْتَظَرُوا فَيَأْتَهُ (5) وَلَا تَتَّبِعُوا زَلَّتَهُ ، وَأَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النِّعْمَةِ وَأَدَاءُ حَقِّهِ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله : أَكْثَرُ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ يَتَأَوَّلُ الْقُرْآنَ يَضَعُهُ عَلَى غَيْرِ مَوَاضِعِهِ ، وَرَجُلٌ يَرَى أَنَّهُ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْرِهِ . (7)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالدِّينِ ، وَبَيْعَ الْحُكْمِ ، وَقَطِيعَةَ الرَّحِمِ ، وَأَنْ تَتَّخِذُوا الْقُرْآنَ مَزَامِيرَ ، وَتُقَدِّمُوا أَحَدَكُمْ وَلَيْسَ بِأَفْضَلِكُمْ فِي الدِّينِ . (8)

1- الأعراف : 56.

2- الكافي : ج 8 ص 58 ح 20 عن ميسر ، بحار الأنوار : ج 28 ص 250 ح 32.

3- الزُّلُّ : الخطأ والذنب (النهاية : ج 2 ص 310 «زلل»).

4- المعجم الأوسط : ج 6 ص 342 ح 6575 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 85 ، المعجم الكبير : ج 20 ص 139 ح 282 وليس فيه «وهن كائنات» ، تاريخ بغداد : ج 2 ص 129 الرقم 521 وليس فيه «بالقرآن» وكلها عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج 16 ص 48 ح 43879.

5- الفَيءُ : الرجوع (النهاية : ج 3 ص 482 «فياً»).

6- الخصال : ص 164 ح 216 عن محمد بن كعب ، بحار الأنوار : ج 2 ص 42 ح 8.

7- المعجم الأوسط : ج 2 ص 242 ح 1865 عن عمر بن الخطاب ، كنز العمال : ج 10 ص 187 ح 28978 ؛ منية المريد : ص 369 وليس فيه ذيله من «ورجل يرى أنه» .

8- عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 42 ح 140 ، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام : ص 248 ح 162 وفيه «منع» بدل «بيع» وكلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 452 ح 8.

حدیث امام باقر علیه السلام در پاسخ پرسش از این سخن خداوند عز و جل: «و در زمین، پس از اصلاح آن، فساد مکنید» _ زمین [و جامعه] تباہ بود و خداوند عز و جل آن را به واسطه پیامبرش اصلاح کرد. پس فرمود: «و در زمین، پس از اصلاح آن، فساد مکنید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من از سه چیز بر شما می ترسم و این سه چیز، تحقق خواهند یافت: لغزش عالم، ستیزه کردن منافق به وسیله قرآن، و دنیایی که به روی شما گشوده می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من برای اَتم بعد از خود، از سه چیز بیمناکم: این که قرآن را برخلاف مقصود آن، تفسیر کنند، یا از لغزش عالم پیروی کنند، یا به چنان مال و ثروتی برسند که دچار سرکشی و سرمستی شوند. راه خارج شدن از این سه گرفتاری را هم به شما می گویم. اما قرآن: به محکومات آن عمل کنید و به متشابهاتش ایمان آورید. اما عالم: منتظر بازگشتش [از لغزش و باز آمدن به مسیر درست] بمانید و از لغزش او پیروی نکنید. اما مال: برون شدن از آن، به گزاردن شکر نعمت است و پرداخت حقش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین ترس من برای اَتم پس از من، یکی مردی است که قرآن را نابه جا تفسیر کند و دیگر، مردی که خود را به این کار (تفسیر قرآن)، [\(1\)](#) سزاوارتر از دیگری بداند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترس من برای شما، از این است که دین را سُبُک بشمارید، حُکم را [با رشوه گرفتن] بفروشید، پیوندهای خویشی را بَرید، با قرآن چونان مَزامیر (سرودهای مذهبی) رفتار کنید و آن کس خود را که برترین شما در دینداری نیست، پیشوای (پیشاپیش) خود قرار دهید.

1- .. واژه «أمر» (در متن عربی حدیث) را می توان به معنای «کار» و یا به معنای «امارت» و «پیشوایی اَتم» گرفت.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنِّي أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي اثْنَتَيْنِ: الْقُرْآنَ وَاللِّبْنَ (1)؛ أَمَّا اللَّبْنُ، فَيَتَّبِعُونَ الرَّيْفَ وَيَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ وَيَتْرَكُونَ الصَّلَاةَ، وَأَمَّا الْقُرْآنُ، فَيَتَعَلَّمُهُ الْمُنَافِقُونَ فَيُجَادِلُونَ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي زَلَالَةُ الْعُلَمَاءِ، وَمِيلُ الْحُكَمَاءِ، وَسُوءُ التَّأْوِيلِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَشَدُّ مَا يَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثَةٌ: زَلَّةُ عَالِمٍ، أَوْ جِدَالُ مُنَافِقٍ بِالْقُرْآنِ، أَوْ دُنْيَا تَقْطَعُ رِقَابَكُمْ، فَاتَّهَمُوهَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَلِمَ مِنْ أُمَّتِي مِنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ فَلَهُ الْجَنَّةُ: مَنْ الدُّخُولِ فِي الدُّنْيَا، وَاتِّبَاعِ الْهَوَى، وَشَهْوَةِ الْبَطْنِ، وَشَهْوَةِ الْفَرْجِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: أَيُّهَا الْأُمَّةُ، إِنِّي لَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ، وَلَكِنْ انْظُرُوا كَيْفَ تَعْمَلُونَ فِيمَا تَعْلَمُونَ. (6)

- 1- قال ابن الأثير: ومنه الحديث: «سيهلك من أمتي... أهل اللبن»... قال الحربي: أظنه أراد: يتباعدون عن الأمصار، وعن صلاة الجماعة، ويطلبون مواضع اللبن في المراعي والبوادي (النهاية: ج 4 ص 228 «لبن»).
- 2- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 142 ح 17426، المعجم الكبير: ج 17 ص 296 ح 817 و 816 كلاهما نحوه، تفسير ابن كثير: ج 5 ص 240 كلاهما عن عقبة بن عامر، كنز العمال: ج 10 ص 215 ح 29137.
- 3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 227.
- 4- الخصال: ص 163 ح 214 عن ابن عمر، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 217 نحوه، بحار الأنوار: ج 2 ص 49 ح 12.
- 5- الخصال: ص 223 ح 54 عن الحسين بن زيد بن علي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 71 ص 271 ح 14.
- 6- حلية الأولياء: ج 8 ص 132 الرقم 405، اقتضاء العلم بالعمل: ص 40 ح 49 كلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 10 ص 191 ح 29003.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: من بر اُمّت از دو چیز می ترسم: قرآن و شیر. (1) اما شیر، چون [به خاطر آن] در جستجوی روستاها و مزارع بر می آیند و از هوس ها، پیروی می کنند و نمازها را فرو می گذارند؛ و اما قرآن، چون منافقان، آن را فرا می گیرند و به وسیله آن با مؤمنان، ستیزه می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین ترس من برای اُمّت از لغزش های عالمان، جانبداری داوران و تفسیرهای نادرست [از قرآن] است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین چیزی که از آن بر اُمّت می ترسم، سه چیز است: لغزش عالم، یا مجادله کردن منافق به وسیله قرآن، یا دنیایی که گردن های شما را قطع می کند. پس، از دنیا بر خود بترسید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از افراد اُمّت از چهار چیز در امان بماند، بهشت، از آن اوست: از آلودگی به دنیا، پیروی هوس، شکم پرستی، و شیفتگی جنسی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای اُمّت! من برای شما در آنچه نمی دانید، نمی ترسم؛ بلکه بنگرید که به آنچه می دانید، چگونه عمل می کنید.

.

1- .. ابن اثیر می گوید: «از همین باب است حدیث به زودی، اهل لَبَن از اُمّت من، هلاک خواهد شد». حربی می گوید: «به گمانم مراد ایشان، این است که: از شهرها و از نماز جماعت، فاصله خواهند گرفت و به جایگاه های [تولید] شیر در چراگاه ها و بادیه ها می روند». خلاصه، منظور، این است که مسلمانان، دوباره به بادیه ها و روستاها باز خواهند گشت و مَدَنیّت خویش را از دست خواهند داد.

.

عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُ مَا تَلَجُّ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوَفَانِ: الْبَطْنُ وَالْفَرْجُ. (1)

مستدرک الوسائل عن أنس: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ نَائِمٌ عَلَى حَصِيرٍ قَدْ أَثَرُ فِي جَنْبِهِ، قَالَ: أَمَعَكَ أَحَدٌ غَيْرُكَ؟ قُلْتُ: لَا. قَالَ: إِعْلَمْ أَنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ أَجْلِي، وَطَالَ شَوْقِي إِلَى لِقَاءِ رَبِّي وَإِلَى لِقَاءِ إِخْوَانِي الْأَنْبِيَاءِ قَبْلِي. ثُمَّ قَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْمَوْتِ، وَلَيْسَ لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ دُونَ لِقَاءِ اللَّهِ، ثُمَّ بَكَى. قُلْتُ: لِمَ تَبْكِي؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أَبْكِي وَأَنَا أَعْلَمُ مَا يَنْزِلُ بِأُمَّتِي مِنْ بَعْدِي! قُلْتُ: وَمَا يَنْزِلُ مِنْ بَعْدِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: الْأَهْوَاءُ الْمُخْتَلِفَةُ، وَقَطِيعَةُ الرَّحِمِ، وَحُبُّ الْمَالِ وَالشَّرَفِ، وَإِظْهَارُ الْبِدْعَةِ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ أَخَفُّنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي: الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ، وَمُضِلَّاتُ الْفِتَنِ، وَشَهْوَةُ الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثٌ: ضَلَالَةُ الْأَهْوَاءِ، وَاتِّبَاعُ الشَّهَوَاتِ فِي الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ (4)، وَالْعُجْبُ. (5)

1- الكافي: ج 2 ص 79 ح 5 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات: ص 150 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص: ص 228 نحوه، بحار الأنوار: ج 71 ص 269 ح 5.

2- مستدرک الوسائل: ج 12 ص 64 ح 13519 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ الباب.

3- الكافي: ج 2 ص 79 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 407 ح 5881 عن إسماعيل بن مسلم، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 29 ح 28، الأمالي للمفيد: ص 111 ح 1، الأمالي للطوسي: ص 157 ح 263 والثلاثة الأخيرة عن داود بن سليمان عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 71 ص 269 ح 5.

4- في المصدر: «والفجر»، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى.

5- نوادر الأصول: ج 1 ص 441، الإصابة: ج 1 ص 251 الرقم 229 وليس فيه ذيله من «في البطن» وكلاهما عن أفلح، كنز العمال: ج 10 ص 185 ح 28967 وراجع: مسند ابن حنبل: ج 7 ص 181 ح 19793 و 19794 كلّها نحوه.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیشترین چیزهایی که اَتمم به واسطه آنها به دوزخ می روند، دو میان تهی است: شکم و فرَج .

مستدرک الوسائل_ به نقل از آنس _: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم . دیدم بر بوریایی خوابیده و آن بوریای بر پهلوی ایشان ، رد انداخته است . فرمود : «کس دیگری هم با تو هست؟» . گفتم : خیر . فرمود : «بدان که اَجلَم نزدیک شده و اشتیاق من به دیدار پروردگارم و به دیدار برادرانم و پیامبران پیش از خود ، شدت یافته است» . سپس فرمود : «هیچ چیز در نزد من ، محبوب تر از مرگ نیست و مؤمن را بدون دیدار خداوند ، آسودگی نیست» و سپس گریست . گفتم : چرا گریه می کنی؟ فرمود : «چگونه گریه نکنم ، در حالی که می دانم پس از من ، چه بر سر اَتمم خواهد آمد؟» . گفتم : ای پیامبر خدا ! پس از شما ، چه بر سرِ آنان می آید؟! فرمود : «هوس های (/فرقه ها و گرایش های) گوناگون ، بُریدن پیوندهای خویشی ، عشق به مال و مقام، و بدعت گذاری» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که از آنها بر اَتمم پس از خود می ترسم : گم راهی پس از شناخت ، فتنه های گم راه کننده ، و هَوَسرانی در خوراک و میل جنسی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ترسناک ترین چیزی که از آنها بر اَتمم می ترسم ، سه چیز است : هوس های (گرایش های) انحرافی ، پیروی از خواسته های شکم و فرَج ، و خودپسندی .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْحَرَامُ، وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ، وَالرِّبَا. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَخَوْفُ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثُ مُهْلِكَاتٍ: شُحٌّ (2) مُطَاعٌ، وَهَوًى (3) مُتَّبَعٌ، وَإِعْجَابٌ كُلُّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي ثَلَاثًا: شُحًّا مُطَاعًا، وَهَوًى مُتَّبَعًا، وَإِمَامًا ضَالًّا (5). (6)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي الْهَوَى وَطُولُ الْأَمَلِ؛ أَمَّا الْهَوَى فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ، وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ (7).

- 1- الكافي: ج 5 ص 124 ح 1 عن الإمام الصادق عليه السلام، النوادر للراوندي: ص 130 ح 160 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 73 ص 158 ح 3.
- 2- الشُّحُّ: أَشَدُّ الْبَخْلِ (النهاية: ج 2 ص 448 «شح»).
- 3- الْهَوَى: هَوَى النَّفْسِ (الصحاح: ج 6 ص 2537 «هوى»).
- 4- حلية الأولياء: ج 2 ص 160 الرقم 170، المعجم الأوسط: ج 5 ص 328 ح 5452، مسند الشهاب: ج 1 ص 215 ح 325 كلّها عن أنس، كنز العمّال: ج 16 ص 45 ح 43863؛ كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 361 ح 5762 عن حمّاد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، المجازات النبوية: ص 196 ح 153 نحوه وليس فيها صدره، بحار الأنوار: ج 72 ص 314 ح 13.
- 5- في المصدر: «ضالًّا»، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى.
- 6- تحف العقول: ص 58، بحار الأنوار: ج 77 ص 161 ح 178؛ أسد الغابة: ج 4 ص 220 الرقم 3946، تاريخ دمشق: ج 46 ص 51 ح 9970 عن أبي الأعور، الفردوس: ج 4 ص 57 ح 6179 عن عمر بن سفيان وفي الثلاثة الأخيرة «ضالًّا» بدل «ضالًّا»، كنز العمّال: ج 16 ص 46 ح 43868.
- 7- النخصال: ص 51 ح 62 و ص 52 ح 62 كلاهما عن جابر، الكافي: ج 8 ص 58 ح 21 عن سليم بن قيس الهلالي عن الإمام علي عليه السلام و ج 2 ص 335 ح 3، الأمالي للمفيد: ص 207 ح 41 كلاهما عن يحيى بن عقيل عن الإمام علي عليه السلام، نهج البلاغة: الخطبة 42، خصائص الأئمة: ص 96 عن الإمام علي عليه السلام وكلّهما نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 75 ح 3؛ شعب الإيمان: ج 7 ص 370 ح 10616 عن جابر بن عبد الله، كنز العمّال: ج 16 ص 22 ح 43765.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ترسناك ترین چیزی که از آن بر اَمتَم می ترسم ، این درآمدهای حرام است و شهوت نهفته و ربا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ترسناك ترین چیزی که از آنها بر اَمتَم می ترسم ، سه چیز مُهلِك است : فرمانبری از بخل ، هوسِ پیروی شده ، و شیفتگی هر صاحب رأیی به رأی خویش .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من در حقیقت ، از سه چیز برای اَمت خود بیمناکم : فرمانبری از بخل ، پیروی از هوس ، و پیشوای گم راه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوفناك ترین چیزی که از آن بر اَمتَم می ترسم ، هوس و آرزوی دراز است ؛ زیرا هوس ، از حق ، باز می دارد و آرزوی دراز ، آخرت را از یاد می بَرَد .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَشَدَّ مَا اتَّخَوْفُ عَلَيْكُمْ خَصَلَتَانِ: أَمَّا إِحْدَاهُمَا (1) فَاتِّبَاعُ الْهَوَى، وَأَمَّا الْأُخْرَى فَطُولُ الْأَمَلِ. فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى، فَإِنَّهُ يَعْدِلُ عَنِ الْحَقِّ، وَمَنْ عَدَلَ عَنِ الْحَقِّ فَهُوَ صَاحِبُ هَوًى. وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَإِنَّهُ حُبُّ الدُّنْيَا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَخْشَى مَا خَشِيتُ عَلَى أُمَّتِي كِبَرُ الْبَطْنِ، وَمُدَاوَمَةُ النَّوْمِ، وَالْكَسَلُ، وَضَعْفُ الْيَقِينِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي النَّسَاءُ وَالْخَمْرُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي عَمَلُ قَوْمٍ لَوْطٍ، فَلْتَرْتَقِبِ أُمَّتِي الْعَذَابَ إِذَا تَكَافَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ. (5)

-
- 1- في المصدر: «أحدهما»، والصواب ما أثبتناه.
 - 2- الأماشي للشجري: ج 2 ص 161 عن أبي حفص عن الإمام علي عليه السلام، مسكن الفؤاد: ص 26 عن الإمام علي عليه السلام؛ كنز العمال: ج 16 ص 137 ح 44167.
 - 3- الجامع الصغير: ج 1 ص 49 ح 295، كنز العمال: ج 3 ص 460 ح 7434 كلاهما عن الدارقطني في الأفراد عن جابر.
 - 4- تاريخ بغداد: ج 14 ص 79 الرقم 7432 عن هبيرة بن يريم عن الإمام علي عليه السلام، الفردوس: ج 4 ص 94 ح 6293 عن الإمام علي عليه السلام نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 286 ح 44502.
 - 5- مستدرک الوسائل: ج 14 ص 347 ح 16912 نقلاً عن القطب الراوندي في لبّ اللباب؛ سنن الترمذي: ج 4 ص 58 ح 1457، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 856 ح 2563، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 185 ح 15095، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 397 ح 8057 كلّها عن جابر وليس فيها ذيله من «فلترتقب»، كنز العمال: ج 5 ص 338 ح 13119.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدترین چیزی که از آن بر شما می ترسم ، دو ویژگی است : یکی دنباله رویِ هوس ، و دیگری آرزوی دراز . دنباله رویِ هوس ، از حق ، منحرف می گرداند و هر که از حق منحرف شود ، در واقع ، پیرو هوس است . و آرزوی دراز هم دنیادوستی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بیشترین ترس من برای امتم ، شکم بارگی و پُرخواهی و تنبلی و ضعف یقین است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوفناک ترین چیزهایی که از آنها بر امتم می ترسم ، زن و شراب است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خوفناک ترین چیزی که از آن بر امتم می ترسم ، عمل قوم لوط است . پس هر گاه مردان به مردان و زنان به زنان روی آوردند ، امت من باید منتظر عذاب باشد .

عنه صلى الله عليه وآله: هَلَاكُ أُمَّتِي فِي ثَلَاثٍ: فِي الْعَصَبِيَّةِ، وَالْقَدَرِيَّةِ (1)، وَالرَّوَايَةِ مِنْ (2) غَيْرِ ثَبَتٍ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: ثَلَاثٌ لَمْ تَسَلَمْ مِنْهَا هَذِهِ الْأُمَّةُ: الْحَسَدُ، وَالظَّنُّ، وَالطَّيْرَةُ (4). (5)

الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا فَعَلْتَ أُمَّتِي خَمْسَ عَشْرَةَ خَصْلَةً حَلَّ بِهَا الْبَلَاءُ. فَقِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: إِذَا كَانَ الْمَغْنَمُ دُولًا (6)، وَالْأَمَانَةُ مَغْنَمًا، وَالزَّكَاةُ مَغْرَمًا، وَأَطَاعَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ وَعَقَّ أُمَّهُ، وَبَرَّ صَدِيقَهُ وَجَفَا أَبَاهُ، وَارْتَفَعَتِ الْأَصْوَاتُ فِي الْمَسَاجِدِ، وَكَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلَهُمْ، وَأَكْرَمَ الرَّجُلُ مَخَافَةَ شَرِّهِ، وَشَرِبَتِ الْخُمُورُ، وَلَيْسَ الْحَرِيرُ، وَاتَّخَذَتِ الْقَيْنَاتُ (7) وَالْمَعَارِفُ (8)، وَلَعَنَ آخِرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَوَّلَهَا، فَلْيَرْتَقِبُوا عِنْدَ ذَلِكَ رِيحًا حَمْرَاءَ، أَوْ خَسْفًا وَمَسْخًا. (9)

1- الْقَدَرِيَّةُ: هم الذين يقولون إنَّ الخير والشرَّ بأيدينا ويقولون إنَّه لا قَدَر، ويزعمون أنَّهم قادرون على الهدى والضلالة وذلك إليهم إن شاؤوا اهتدوا وإن شاؤوا ضلُّوا (راجع: موسوعة العقائد الإسلامية: ج 6 ص 302 (عدل الله عز وجل / القسم الثاني / الفصل الثامن: دور القضاء والقدر في أفعال الإنسان / معنى القدرية)).

2- فِي الْمَصْدَرِ: «فِي»، والتصويب من المصادر الأخرى.

3- الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ: ج 11 ص 74 ح 11142، السُّنَّةُ لابن أبي عاصم: ص 143 ح 326 و ص 448 ح 950 كُلُّهَا عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ: ج 4 ص 39 ح 3555 عَنْ أَبِي قَتَادَةَ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج 16 ص 64 ح 43952.

4- الطَّيْرَةُ: هِيَ التَّشَاوُؤُ بِالْشَيْءِ (النهاية: ج 3 ص 152 «طير»).

5- كَنْزُ الْعَمَالِ: ج 16 ص 27 ح 43789 نَقْلًا عَنْ كِتَابِ رَسْتِهِ فِي الْإِيمَانِ.

6- دُولٌ: جَمْعُ دَوْلَةٍ - بِالضَّمِّ - وَهُوَ مَا يُتَدَاوَلُ مِنَ الْمَالِ، فَيَكُونُ لِقَوْمٍ دُونَ قَوْمٍ (النهاية: ج 2 ص 140 «دول»).

7- الْقَيْنَةُ: الْأَمَةُ الْمُغْنِيَّةُ، تَكُونُ مِنَ التَّزْيِينِ لِأَنَّهَا كَانَتْ تَزَيِّنُ (لسان العرب: ج 13 ص 351 «قين»). وَيُجْمَعُ عَلَى الْقَيْنَاتِ وَالْقِيَانِ.

8- الْمَعَارِزُ: هِيَ الدُّفُوفُ وَغَيْرُهَا مِمَّا يُضْرَبُ بِهِ (النهاية: ج 3 ص 230 «عزف»).

9- سَنَنُ التِّرْمِذِيِّ: ج 4 ص 494 ح 2210 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِ بْنِ عَلِيٍّ، الْمَعْجَمُ الْأَوْسَطُ: ج 1 ص 150 ح 469، تَارِيخُ بَغْدَادَ: ج 3 ص 158 الرِّقْمُ 1196 كِلَاهُمَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، كَنْزُ الْعَمَالِ: ج 11 ص 122 ح 30866؛ الْخِصَالُ: ص 500 ح 1 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ، الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 516 ح 1128 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ وَكُلِّهَا نَحْوَهُ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 6 ص 304 ح 4.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نابودی امت من، در سه چیز است: در عَصَبِیت [قبیله ای و نژادی] و قَدَرِیگری، (1) و روایت کردن از فرد غیر موثق.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که این امت از آنها سالم نمانده است: حسادت، گمان، و بدبینی.

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر گاه امتم پانزده کار انجام دهند، بلا بر آنان فرود می آید». گفته شد: آنها کدام اند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «هر گاه غنائیم، تیول گروهی خاص گردد؛ امانت، غنیمت تلقی شود؛ زکات [دادن]، زیان شمرده شود؛ مرد از زنش فرمانبری و از مادرش نافرمانی کند؛ به دوستش نیکی و با پدرش بدرفتاری کند؛ صداها در مسجدها بلند شود؛ پیشوای مردم، پست ترین آنان باشد؛ به مرد از بیم گزند او احترام بگذارند؛ شراب نوشیده شود؛ ابریشم بپوشند؛ کنیزکان خُنیگر و سازها رواج یابند؛ و آخر این امت، اول آن را لعنت کند. در این هنگام، باید منتظر باد سرخ یا فرو شدن در کام زمین یا مسخ شدن باشند».

1- .. کسانی که معتقدند خیر و شر در دست خود ماست و می گویند تقدیری در میان نیست و بر این باورند که قادر به هدایت و ضلالت اند و این امر، در اختیار انسان است و اگر بخواهند، به راه راست می روند و اگر بخواهند، در گم راهی قدم می گذارند. ر. ک: دانش نامه عقاید اسلامی: ج 9 ص 47 (عدالت خداوند / بخش دوم / فصل هشتم: نقش قضا و قدر در افعال انسان / مراد از قدریه).

رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا استَحَلَّتْ أُمَّتِي سَيْتًا فَعَلَيْهِمُ الدَّمَارُ: إذا ظَهَرَ فِيهِمُ التَّلَاعُنُ، وَشَرِبُوا الْخُمُورَ، وَلَبَسُوا الْحَرِيرَ، وَاتَّخَذُوا الْقِيَانَ، وَاكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ، وَالنِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: إذا ظَهَرَ فِي أُمَّتِي عَشْرُ خِصَالٍ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِعَشْرَةٍ: إذا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَاتَتِ الْمَوَاشِي، وإذا مَنَعُوا الصَّدَقَاتِ كَثُرَتِ الْأَمْرَاضُ، وإذا أَكَلُوا الرِّبَا كَثُرَتِ الرِّلَاثُ، وإذا جَارَتِ السَّلَاطِينُ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِالْعَدُوِّ، وإذا حَكَمُوا بِغَيْرِ عَدْلِ ارْتَفَعَتِ الْبَرَكَاتُ، وإذا تَعَدَّوا عَنْ حُدُودِ اللَّهِ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ، وإذا بَخَسُوا (2) الْمِيزَانَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ النَّقْصَ (3). (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ تَحْتَ يَدِ اللَّهِ وَفِي كَفِّهِ، مَا لَمْ يُمَالِئِ (5) قُرَاؤُهَا أُمَرَاءَهَا، وَلَمْ يُزَكِّ صَلَاحُهَا فُجَّارَهَا، وَلَمْ يُمَالِئِ اخِيَارَهَا أَشْرَارَهَا. فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ، رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى يَدَهُ عَنْهُمْ، ثُمَّ سَلَّطَ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَتَهُمْ فَسَامَوْهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ، وَضَرَبَهُمْ بِالْفَاقَةِ وَالْفَقْرِ، وَمَلَأَ قُلُوبَهُمْ رُعبًا. (6)

الإمام علي عليه السلام: لَا يَزَالُ عَدْلُ اللَّهِ مَبْسُوطًا عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ مَا لَمْ يَمِلْ قُرَاؤُهُمْ إِلَى أُمَرَائِهِمْ، وَمَا لَمْ يَزَلْ أَبْرَارُهُمْ يَنْهَى فُجَّارَهُمْ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا ثُمَّ اسْتَفَرُوا (7) فَقَالُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، قَالَ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ: كَذِبْتُمْ، لَسْتُمْ بِهَا صَادِقِينَ. (8)

- 1- المعجم الأوسط: ج 2 ص 18 ح 1086، شعب الإيمان: ج 4 ص 377 ح 5469 و 5467، مسند الشاميين: ج 1 ص 298 ح 519، حلية الأولياء: ج 6 ص 123 الرقم 359 كلَّها عن أنس وفيها «خمسا» بدل «ستًا»، كنز العمال: ج 16 ص 81 ح 44013.
- 2- بَخَسَهُ: إذا أَنْقَصَهُ (الصحاح: ج 3 ص 907 «بخس»).
- 3- كَذَا فِي الْأَصْل، وَهِيَ سَبْعَةُ أَشْيَاء! (هامش المصدر).
- 4- معدن الجواهر: ص 72.
- 5- تَمَّا لَوْزُوا عَلَيْهِ: أَي تَسَاعَدُوا وَاجْتَمَعُوا وَتَعَاوَنُوا (راجع: النهاية: ج 4 ص 353 «ملا»).
- 6- أعلام الدين: ص 281، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 84 و ج 2 ص 232 وليس فيه «بخير تحت يد الله وفيكفّه»، إرشاد القلوب: ص 68، بحار الأنوار: ج 75 ص 381 ح 47؛ الزهد لابن المبارك: ص 282 ح 821 كلَّها نحوه.
- 7- الاستنفار: الاستنجد والاستنصار (النهاية: ج 5 ص 92 «نفر»).
- 8- الغيبة للنعماني: ص 249 ح 3 عن الأصبغ بن نباتة، بحار الأنوار: ج 52 ص 228 ح 92.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه اَمَّتَم شش چیز را روا بشمارند، نابود می شوند: هر گاه لعن کردن یکدیگر در میانشان رواج یابد، شراب بنوشند، ابریشم بپوشند، کنیزکان خُنیَاگر بگیرند، و مردان به مردان و زنان به زنان، بسنده کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه در میان اَمَّتَم ده چیز (1) پدیدار گردد، خداوند، آنان را به ده چیز مبتلا می کند: هر گاه زکات ندهند، دام ها می میرند هر گاه صدقه ندهند، بیماری ها بسیار می شود. هر گاه ربا بخورند، لغزش ها فزونی می گیرد. هر گاه پادشاهان ستم کنند، خداوند عز و جل آنان را به دشمن گرفتار می کند. هر گاه به ناحق قضاوت کنند، برکت ها می رود. هر گاه از حدود خدا تجاوز کنند، خداوند عز و جل قتل را بر آنان چیره می گرداند. و هر گاه ترازو را کم بگذارند، خداوند، کاستی (/ معلولیت) را بر آنان مسلط می کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این اَمَّت، پیوسته در خیر است و دست خدا بر سرِ اوست، تا زمانی که قاریان آن (عالمان دین)، از امیرانش جانبداری نکنند و نیکان آن، نابه کارانش را به نیکی نستانند و خوبان آن، از بدانش حمایت نکنند. پس هر گاه چنین کردند، خداوند متعال، دستش را از سرِ آنان برمی دارد و سپس ستمگرانِشان را بر آنان مسلط می گرداند و آن ستمگران، آنان را سخت شکنجه می کنند و به فقر، گرفتارشان می سازند و دل هایشان را از وحشت، پُر می کنند.

امام علی علیه السلام: دادگری خدا، پیوسته بر سرِ این اَمَّت، گسترده است، تا زمانی که قاریان آنان (عالمان دین)، به حاکمانشان نگیرند و تا زمانی که نیکان آنان، گنهکارانشان را نهی کنند. اگر چنین نکنند، سپس فریاد کمک خواهی سر دهند و بگویند: «معبودی جز خدای یگانه نیست»، خداوند در عرش خویش می فرماید: «دروغ می گوئید. شما در این سخن، صادق نیستید».

1- .. در نسخه اصل، به همین صورت (ده چیز) آمده است، در حالی که اینها هفت چیز هستند.

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا مَشَتْ أُمَّتِي بِالْمُطِيطَاءِ (1)، وَخَدَمَهَا أَبْنَاءُ الْمُلُوكِ؛ أَبْنَاءُ فَارِسَ وَالرُّومِ، سُلِّطَ شِرَارُهَا عَلَى خِيَارِهَا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا تَصَامَتِ أُمَّتِي عَنْ سَائِلِهَا، وَمَشَتْ بِتَبَخُّثِهَا، حَلَفَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِهِ، فَقَالَ: وَعِزَّتِي، لَا أَعَذِّبَنَّ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَوْ لَمْ تَغَلَّ (4) أُمَّتِي، مَا قَوِيَ عَلَيْهِمْ عَدُوُّ لَهُمْ. (5)

مسند ابن حنبل عن شَدَّادِ بْنِ أَوْسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اتَّخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي الشَّرْكَ وَالشَّهْوَةَ الْخَفِيَّةَ، قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَتَشْرِكُ أُمَّتَكَ مِنْ بَعْدِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، أَمَّا إِنَّهُمْ لَا يَعْبُدُونَ شَيْئاً مِثْلَ مَا لَا قَمَرًا وَلَا حَجَرًا وَلَا وَثَنًا، وَلَكِنْ يُرَاوُونَ بِأَعْمَالِهِمْ. وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ أَنْ يُصْبِحَ أَحَدُهُمْ صَائِماً، فَتَعْرِضُ لَهُ شَهْوَةٌ مِنْ شَهَوَاتِهِ فَيَتْرَكَ صَوْمَهُ. (6)

1- في المصدر: «بالمطيطاء»، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى. والمُطِيطَاءُ: مِشْيَةٌ فِيهَا تَبَخُّثٌ وَمَدُّ الْيَدَيْنِ (النهاية: ج 4 ص 340 «مط»). .

2- سنن الترمذي: ج 4 ص 526 ح 2261 عن ابن عمر، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 112 ح 6716، موارد الظمآن: ص 461 ح 1864 كلاهما عن خولة بنت قيس، المعجم الأوسط: ج 1 ص 48 ح 132 و ج 4 ص 53 ح 3587 كلاهما عن أبي هريرة وفيها «سُلِّطَ بعضهم على بعض» بدل «سُلِّطَ شرارها على خيارها» نحوه، كنز العمال: ج 11 ص 123 ح 30869؛ معاني الأخبار: ص 301 ح 1 عن عمرو بن جميع عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «كان بأسهم بينهم» بدل «سُلِّطَ شرارها على خيارها» نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 145 ح 3.

3- ثواب الأعمال: ص 300 ح 1 عن عاصم الكوفي عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 244 ح 721 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 76 ص 303 ح 7.

4- الغُلُّ: الغِشُّ والحَقْدُ، وَغَلَّ مِنَ الْمَغْنَمِ: خَانَ (الصحيح: ج 5 ص 1783 «غل»). .

5- مسند زيد: ص 357 عن الإمام زين العابدين عن أبيه عن جدّه عليهم السلام؛ المعجم الأوسط: ج 8 ص 105 ح 8108 وفيه «لم يَقم لهم عدوٌّ أبداً» بدل «ما قوي عليهم عدوٌّ لهم»، كنز العمال: ج 4 ص 386 ح 11045 نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن أبي ذر.

6- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 77 ح 17120، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1406 ح 4205 نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 366 ح 7940، المعجم الكبير: ج 7 ص 284 ح 7144، المعجم الأوسط: ج 4 ص 284 ح 4213، كنز العمال: ج 3 ص 477 ح 7505.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه امت من با تکبر راه رفتند و شاه زادگان ایران و روم، خدمتکار آنان شدند، بدان ایشان بر خوبانشان مسلط می گردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه امت من به خواهش درخواست کننده اش گوش نداد و متکبران راه رفت، پروردگارم به عزّتش سوگند خورده و فرموده است: «به عزّت من سوگند که به تحقیق، آنان را به واسطه یکدیگر، عذاب می کنم!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر امت من دغلی (/ خیانت) پیشه نمی کردند، هیچ دشمنی بر آنان چیره نمی شد.

مسند ابن حنبل_ به نقل از شدّاد بن اوس _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بر امتم از شرك و شهوت پنهانی می ترسم». من گفتم: ای پیامبر خدا! آیا امتت پس از تو مشرك می شوند؟ فرمود: «آری؛ اما آنان، خورشید و ماه و سنگ و بتی نمی پرستند؛ بلکه در اعمالشان ریا می کنند. شهوت پنهانی هم این است که هر يك از آنان، صبح خود را با روزه آغاز می کند؛ اما [در بین روز] با شهوتی از شهواتش رو به رو می شود و روزه اش را رها می کند».

رسول الله صلى الله عليه وآله: ما أخافُ على أمتي إلا ضعفَ اليقين. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يا معشرَ التجارِ، إنكم قد وليتم أمرا هلكت فيه الأممُ السالفةُ؛ المكيالَ والميزانَ. (2)

المستدرک على الصحيحين عن أبي هريرة عن رسول الله صلى الله عليه وآله: سيصيب أمتي داءُ الأممِ، فقالوا: يا رسولَ الله وما داءُ الأممِ؟ قال: الأشرُّ (3)، والبَطَرُ (4)، والتَّكَاثُرُ (5)، والتَّناجُشُ في الدنيا، والتَّبَاغُضُ، والتَّحاسُدُ، حتَّى يكونَ البَغْيُ. (6)

- 1- المعجم الأوسط: ج 8 ص 359 ح 8869، التاريخ الكبير: ج 5 ص 264 الرقم 853، شعب الإيمان: ج 1 ص 63 ح 30، تاريخ دمشق: ج 51 ص 180 ح 10842 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 437 ح 7332.
- 2- السنن الكبرى: ج 6 ص 53 ح 11166 عن ابن عباس، تفسير القرطبي: ج 17 ص 155 وفيه «الموالي» بدل «التجار» من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله، كنز العمال: ج 4 ص 29 ح 9337.
- 3- أشر: كَفَرَ النِّعْمَةَ فلم يشكرها (المصباح المنير: ص 15 «أشر»).
- 4- البَطَرُ: الطُّغْيَانُ عند النِّعْمَةِ وطولُ الغِنَى (النهاية: ج 1 ص 135 «بطر»).
- 5- التَّكَاثُرُ: التَّباري بكثرة المال والعزِّ (مفردات ألفاظ القرآن: ص 703 «كثر»).
- 6- المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 186 ح 7311، المعجم الأوسط: ج 9 ص 23 ح 9016، كنز العمال: ج 3 ص 526 ح 7738.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من بر امتم از چیزی جز ضعف یقین نمی ترسم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای گروه بازرگانان! شما عهده دار چیزی شده اید که امت های گذشته بر اثر آن ، به هلاکت افتادند : پیمانہ و ترازو .

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابو هُرَیره _ : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «به زودی ، امت من به درد امت ها گرفتار خواهند شد » . گفتند : ای پیامبر خدا ! درد امت ها چه دردی است؟ فرمود : «کُفران نعمت و سرمستی از نعمت ها و تفاخر به بیشتر داشتن و فزون خواهی در دنیا و کینه توزی و حسدورزی نسبت به یکدیگر ، تا جایی که سرکشی سر بردارد» .

الإمام علي عليه السلام: ما زالت نعمة ولا نصارة عيش إلا بذنوب اجتروا، إن الله ليس بظلام للعبيد. (1)

عنه عليه السلام: لا تزال هذه الأمة بخير ما لم يلبسوا لباس العجم (2)، ويطعموا أطعمة العجم، فإذا فعلوا ذلك ضربهم الله بالذل. (3)

عنه عليه السلام: قل من تشبه بقوم إلا أوشك أن يكون منهم. (4)

الإمام زين العابدين عليه السلام: لا يُقدّس الله أمة فيها برّبط (5) يُقعقع. (6)

الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام: أوحى الله إلى نبي من الأنبياء أن قل لقومك لا يلبسوا لباس أعدائي، ولا يطعموا طعام أعدائي، ولا يُشاكلوا بمشاكل أعدائي، فيكونوا أعدائي كما هم أعدائي. (7)

الإمام الرضا عليه السلام: لمحمد بن سنان فيما كتب من جواب مسائله: حرّم الله قتل النفس لعلّة فساد الخلق في تحليله - لو أجل - وفنائهم، وفساد التدبير... وحرّم الله تعالى الرّنا لما فيه من الفساد؛ من قتل النفس، وذهاب الأنساب، وترك التّربية للأطفال، وفساد الموارث، وما أشبه ذلك من وجوه الفساد. وحرّم الله عز وجل قذف (8) المخصّات لما فيه من فساد الأنساب، ونفي الولد، وإبطال الموارث، وترك التّربية، وذهاب المعارف، وما فيه من الكبائر والعلل التي تؤدّي إلى فساد الخلق. (9)

1- الخصال: ص 624 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 93 ص 289 ح 5.

2- العجم: خلاف العرب، الواحد عجمي (الصحيح: ج 5 ص 1980 «عجم»).

3- المحاسن: ج 2 ص 178 ح 1504 عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام وص 222 ح 1669 عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 66 ص 323 ح 6.

4- نهج البلاغة: الحكمة 207، خصائص الأئمة: ص 115، نزهة الناظر: ص 82 ح 160، عيون الحكم والمواعظ: ص 162 ح 3464 وفيه «يصير» بدل «يكون»، دعائم الإسلام: ج 2 ص 513 ح 1838 نحوه، بحار الأنوار: ج 71 ص 427 ح 76.

5- البربط: ملهأة تشبه العود (النهاية: ج 1 ص 112 «بربط»).

6- الكافي: ج 6 ص 434 ح 21 عن موسى بن حبيب، وسائل الشيعة: ج 12 ص 233 ح 22627.

7- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 172 ح 332 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 252 ح 770 عن إسماعيل بن مسلم، علل الشرائع: ص 348 ح 6 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 23 ح 51 عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيه صدره إلى «قل لقومك»، الجعفریات: ص 234 عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام وكلّها نحوه، وسائل الشيعة: ج 11 ص 111 ح 20179.

8- القذف: رمي المرأة بالزنا (النهاية: ج 4 ص 29 «قذف»).

9- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 565 ح 4934، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 91 ح 1، علل الشرائع: ص 478.

480 كلاهما عن محمد بن سنان ، بحار الأنوار : ج 104 ص 370 ح 5 .

امام علی علیه السلام: هیچ نعمت و زندگی خوشی به زوال نیامد، مگر به سبب گناهیانی که مردم مرتکب شدند. خداوند هرگز به بندگان ستم نمی کند.

امام علی علیه السلام: این امت، تا زمانی که جامه غیر عرب (جامه فاخر) نپوشند و خوراک غیر عرب (خوراک اشرافی) نخورند، همواره در خوبی به سر خواهند بُرد. پس هر گاه چنین کردند، خداوند، آنان را به خواری می افکند.

امام علی علیه السلام: کمتر پیش می آید که کسی، خود را به مردمی همانند سازد و از آنان نشود.

امام زین العابدین علیه السلام: خداوند، امتی را که در آن [بِرَبَط \(1\)](#) نواخته شود، خوش بخت نمی کند.

امام باقر علیه السلام به نقل از پدرانش علیهم السلام: خداوند عز و جل به پیامبری از پیامبران، وحی فرمود که: «به قومت بگو جامه دشمنان مرا نپوشند و خوراک دشمنان مرا نخورند و خود را به شکل دشمنان من دریاورند؛ زیرا اگر چنین کنند، اینها نیز همانند آنان، دشمن من خواهند بود».

امام رضا علیه السلام در نامه ای که در پاسخ پرسش های محمد بن سنان نوشت: خداوند، قتل نفس را حرام کرده است؛ زیرا در روا شمردن آن - اگر روا شده بود -، تباهی و نابودی بشر و تباهی تدبیر است... خداوند متعال، زنا را حرام کرده است؛ زیرا در آن، مفاسدی از قبیل قتل نفس و از بین رفتن نَسَب و وا نهادن تربیت فرزندان و تباه شدن ارث و میراث و مفاسدی از این دست است. خداوند عز و جل تهمت زدن به زنان پاک دامن را حرام کرده است؛ چون موجب از میان رفتن نَسَب ها و نفی فرزندان و باطل شدن ارث و میراث و وا نهادن تربیت و از بین رفتن شناخت ها و گناهان بزرگ و دیگر عوامل منجر به تباهی بشر می شود.

.

1- .. بِرَبَط، سازی است شبیه عود.

الفصل الخامس : ما تشابهت فيه الأمم 5 / 1 تكذيبُ الأنبياءِ «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» . (1)

«وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» . (2)

«وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ * وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ * وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ» . (3)

«كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ * وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ * وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ» . (4)

«جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ * كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ * وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ * إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ» . (5)

1- المؤمنون : 44 .

2- العنكبوت : 18 .

3- الحج : 42 _ 44 .

4- ق : 12 _ 14 .

5- ص : 11 _ 14 .

فصل پنجم : نقاط تشابه امت ها

5 / 1 تکذیب پیامبران

فصل پنجم : نقاط تشابه امت ها 5 / 1 تکذیب پیامبران «باز ، فرستادگان خود را پیاپی روانه کردیم. هر بار برای [هدایت] امتی پیامبرش آمد، او را تکذیب کردند. پس [ما امت های سرکش را] یکی پس از دیگری آوردیم و آنها را مایه عبرت [و زبانه زدیم] گردانیدیم. دور باشند [از رحمت خدا] مردمی که ایمان نمی آورند!». .

«و اگر تکذیب کنید، قطعاً امت های پیش از شما [هم] تکذیب کردند، و بر پیامبر [خدا]، جز ابلاغ آشکار [وظیفه ای] نیست» .

«و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از آنان ، قوم نوح و عاد و ثمود [نیز] به تکذیب پرداختند . و [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط . و [همچنین] اهل مدین . و موسی تکذیب شد . پس کافران را مهلت دادم . سپس ، [گریبان] آنها را گرفتم . [بنگر ،] عذاب من چگونه بود؟» .

«پیش از ایشان ، قوم نوح و اصحاب رس و ثمود ، و عاد و فرعون و برادران لوط ، و بیشه نشینان و قوم تبع ، به تکذیب پرداختند . همگی ، فرستادگان [ما] را به دروغ گرفتند و [در نتیجه] تهدید [من] ، واجب آمد» .

«این سپاهک دسته های دشمن در آن جا (بدر) در هم شکستی اند . پیش از ایشان ، قوم نوح و عاد و فرعون صاحب [عمارت و] خرگاه ها تکذیب کردند. و ثمود و قوم لوط و اصحاب آیکه [نیز به تکذیب پرداختند] . آنها دسته های مخالف بودند. هیچ کدام نبودند که پیامبران [ما] را تکذیب نکنند . پس عقوبت [من بر آنان] سزاوار آمد» .

5 / 2 إنكار المعاد «بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ * قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَءَنَّا لَمَبْعُوثُونَ * لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ». (1)

5 / 3 النزعة إلى الجبر والإفتراء على الله «وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَّحْنُ وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ». (2)

«سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا ءَابَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ». (3)

5 / 4 مواجهة السراء والضراء «فَإِذَا مَسَّ الْأَعْنَسَانِ ضَرْرٌ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا حَوْلُنَا نِعْمَةٌ مِمَّا قَالِ إِنَّمَا أُوتِيْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ * قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». (4)

راجع : ص 210 (الأمة / الفصل العاشر / يأتي عليها ما كان في الأمم السالفة).

1- المؤمنين : 81 _ 83 .

2- النحل : 35 .

3- الأنعام : 148 .

4- الزمر : 49 و 50 .

5 / 2 انکار معاد

5 / 3 گرایش به جبر و دروغ بستن بر خدا

5 / 4 رو به رو شدن با خوشی و ناخوشی

5 / 2 انکار معاد «نه ؛ [بلکه آنان] نیز [مثل آنچه پیشینیان گفته بودند، گفتند . گفتند: «آیا چون بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا واقعاً باز ما زنده خواهیم شد؟! درست ، همین را قبلاً به ما و پدرانمان وعده دادند. این ، جز افسانه های پیشینیان [چیزی] نیست» .» .

5 / 3 گرایش به جبر و دروغ بستن بر خدا «و کسانی که شرك ورزیدند ، گفتند: «اگر خدا می خواست ، نه ما و نه پدرانمان ، هیچ چیزی را غیر از او نمی پرستیدیم و بدون [حکم] او ، چیزی را حرام نمی شمردیم» . کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] ، چنین رفتار کردند ؛ و [لی] آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران [وظیفه ای] است؟» .

«کسانی که شرك آوردند ، به زودی خواهند گفت: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرك نمی آوردیم و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی کردیم» . کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند، تا عقوبت ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما جز از گمان ، پیروی نمی کنید، و جز دروغ نمی گوید» .» .

5 / 4 رو به رو شدن با خوشی و ناخوشی «و چون انسان را آسیبی رسد، ما را فرامی خواند. سپس ، چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم ، می گوید: «تنها آن را به دانش خود یافته ام» . نه چنان است ؛ بلکه آن ، آزمایشی است ؛ ولی بیشترشان نمی دانند . قطعاً کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] ، این [سخن] را گفتند و آنچه به دست آورده بودند، کاری برایشان نکرد» .

ر . ك : ص 211 (امت / فصل دهم / دچار شدن به سرنوشت امت های پیشین) .

الفصل السادس : فضائل الأمة الإسلامية 6 / 1 إجابة دعوة إبراهيم الكتاب «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : أنا دعوة أبي إبراهيم. (2)

1- .البقرة : 128 و 129 .

2- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 369 ح 5762 عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، التبيان في تفسير القرآن : ج 1 ص 466 ، بحار الأنوار : ج 25 ص 200 ح 12 ؛ المستدرک علی الصحیحین : ج 2 ص 453 ح 3566 ، مسند ابن حنبل : ج 6 ص 84 ح 17150 ، صحيح ابن حبان : ج 14 ص 313 ح 6404 كلاهما نحوه وكلها عن عرياض بن سارية ، كنز العمال : ج 11 ص 383 ح 31829 .

فصل ششم : امتیازات امت اسلام

6 / 1 نتیجه دعای ابراهیم علیه السلام

فصل ششم : امتیازات امت اسلام 6 / 1 نتیجه دعای ابراهیم علیه السلام «پروردگارا! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمان بُردار خود [پدیدآور] و آداب دینی ما را به ما نشان ده و بر ما ببخشای، که تویی توبه پذیرِ مهربان . پروردگارا! در میان آنان، فرستاده ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه شان کند ؛ زیرا که تو خود، شکست ناپذیرِ فرزانه ای» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من [نتیجه] دعای پدرم ابراهیم علیه السلام هستم .

6 / 2 خَيْرُ الْأُمَمِ الْكِتَابُ «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ». (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» _ :إِنَّكُمْ تُتِمُّونَ سَبْعِينَ أُمَّةً، أَنْتُمْ خَيْرُهَا وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أُمَّتِي خَيْرُ الْأُمَمِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاصْطَفَاهُ نَجِيًّا... فَقَالَ [موسى عليه السلام]: يَا رَبِّ، فَإِنْ كَانَ آلُ مُحَمَّدٍ كَذَلِكَ فَهَلْ فِي أُمَّةٍ الْأَنْبِيَاءِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ مِنْ أُمَّتِي...؟ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يَا مُوسَى، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فَضْلَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ الْأُمَمِ كَفَضْلِهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي؟ فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ، لَيْتَنِي كُنْتُ أَرَاهُمْ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ: يَا مُوسَى، إِنَّكَ لَنْ تَرَاهُمْ، فَلَيْسَ هَذَا أَوَانَ ظُهُورِهِمْ، وَلَكِنْ سَوْفَ تَرَاهُمْ فِي الْجَنَانِ. (4)

1- آل عمران: 110.

2- سنن الترمذي: ج 5 ص 226 ح 3001، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 94 ح 6987، سنن الدارمی: ج 2 ص 769 ح 2658، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 237 ح 20049، السنن الكبرى: ج 9 ص 9 ح 17717 و الثلاثة الأخيرة نحوه وكلها عن حكيم بن معاوية عن أبيه، كنز العمال: ج 12 ص 156 ح 34462؛ مجمع البيان: ج 2 ص 810 عن حكيم عن أبيه نحوه.

3- مسند ابن حنبل: ج 1 ص 333 ح 1361، السنن الكبرى: ج 1 ص 328 ح 1024، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 411 ح 9، تفسير ابن كثير: ج 2 ص 78 كلها عن محمد بن الحنفية عن الإمام علي عليه السلام، تفسير القرطبي: ج 10 ص 49، كنز العمال: ج 11 ص 411 ح 31928.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 327 ح 2586، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 283 ح 30، علل الشرائع: ص 417 ح 3، بشارة المصطفى: ص 213 كلها عن محمد بن زياد عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 13 ص 341 ح 18.

6 / 2 بهترین امت ها

6 / 2 بهترین امت ها قرآن «شما بهترین امتی هستید که برای مردم ، پدیدار شده اید: به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند ، باز می دارید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند ، قطعاً برایشان بهتر بوده برخی از آنان مؤمن اند ؛ و [لی] بیشترشان نافرمان اند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خداوند متعال : «شما بهترین امتی هستید که برای مردم ، پدیدار شده اید» _ شما هفتادمین امت هستید و شما ، بهترین آنها و نزد خداوند ، گرامی ترین شان هستید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امت من ، بهترین امت هاست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره پاسخ خداوند متعال به این سؤال موسی علیه السلام که : «بهترین امت ها کدام است؟» _ خداوند عز و جل فرمود : «ای موسی ! آیا نمی دانی که برتری امت محمد صلی الله علیه و آله بر همه امت ها ، همانند برتری خود او بر همه آفریدگان من است؟» . موسی علیه السلام گفت : ای پروردگار من ! کاش آنها را دیده بودم . خداوند عز و جل به او وحی فرمود که : «ای موسی ! تو هرگز آنان را نخواهی دید ؛ زیرا اکنون ، گاه پدیدار شدن آنها نیست ؛ اما به زودی آنان را در بهشت ، خواهی دید» .

6 / 3 أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُمَّتِي هَذِهِ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أُمَّتِي أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ، مَغْفُورٌ لَهَا، مُتَابٌ عَلَيْهَا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ مُعَافَاةٌ، فَاسْتَقِيمُوا وَخُذُوا طَاقَةَ (3) الْأَمْرِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ هَذِهِ الْأُمَّةَ مَرْحُومَةٌ، عَذَابُهَا بِأَيْدِيهَا. (5)

6 / 4 أُمَّةٌ مُبَارَكَةٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُمَّتِي أُمَّةٌ مُبَارَكَةٌ، لَا يُدْرِي أَوَّلُهَا خَيْرٌ أَوْ آخِرُهَا. (6)

1- .سنن أبي داود : ج 4 ص 105 ح 4278 ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 161 ح 19698 و ص 177 ح 19773 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 491 ح 8372 کلّھا عن أبي موسى ، المعجم الأوسط : ج 2 ص 246 ح 1879 عن أنس ، كنز العمال : ج 12 ص 154 ح 34452 .

2- .الجامع الصغير : ج 1 ص 248 ح 1621 ، كنز العمال : ج 12 ص 155 ح 34454 كلاهما نقلاً عن الحاكم في الكنى عن أنس .

3- .الطائفة : أي أقصى غايته (لسان العرب : ج 10 ص 233 «طوق»).

4- .المعجم الكبير : ج 3 ص 298 ح 3461 ، مسند الشاميين : ج 2 ص 451 ح 1683 كلاهما عن أبي مالك الأشعري ، كنز العمال : ج 1 ص 213 ح 1067 .

5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1434 ح 4292 عن أنس ، مسند ابن حنبل : ج 7 ص 156 ح 19678 نحوه ، المعجم الأوسط : ج 1 ص 294 ح 974 ، مسند الشاميين : ج 1 ص 268 ح 465 ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 190 ح 537 کلّھا عن أبي موسى ، كنز العمال : ج 12 ص 159 ح 34473 .

6- .تاريخ دمشق : ج 26 ص 286 ح 5572 عن عمرو بن عثمان ، كنز العمال : ج 12 ص 154 ح 34451 .

6 / 3 اُمّت رحمت شده

6 / 4 اُمّت خُجسته

6 / 3 اُمّت رحمت شده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این اُمّت من ، اُمّتی رحمت شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اُمّت من ، اُمّتی رحمت شده ، آمرزیده و بخشوده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما اُمّتی رحمت شده و بخشوده هستید . پس با تمام توان [در راه حق] ، پایداری کنید .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این اُمّت ، رحمت شده است . عذابش به دستان خود اوست .

6 / 4 اُمّت خُجسته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اُمّت من ، اُمّتی بابرکت است . معلوم نیست که اوّل آن بهترند یا آخرش .

عنه صلى الله عليه وآله: مَثَلُ أُمَّتِي مَثَلُ الْمَطَرِ، لَا يُدْرِي أَوَّلُهُ خَيْرٌ أَمْ آخِرُهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَثَلُ أُمَّتِي مَثَلُ حَدِيقَةٍ قَامَ عَلَيْهَا صَاحِبُهَا، فَأَصْلَحَ زَوَائِبُهَا (2)، وَبَنَى مَسَاكِنَهَا، وَحَلَقَ سَدَّعَفَهَا، فَأَطَعَمَتْ عَامَا فَوْجًا (3)، ثُمَّ عَامَا فَوْجًا، ثُمَّ عَامَا فَوْجًا، فَلَعَلَّ آخِرَهَا طَعْمًا أَنْ يَكُونَ أَجْوَدَها قِنَوَانًا (4)، وَأَطْوَلَهَا شِمْرَاخًا (5)، أَمَا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا، لَيَجِدَنَّ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فِي أُمَّتِي خَلْقًا مِنْ حَوَارِيَّهِ (6). (7)

الكافي عن علي بن عيسى رفعه: إِنَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ نَاجَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَقَالَ لَهُ فِيمُنَا جَاتِهِ: ... أَوْصِيكَ يَا مُوسَى ... بِصَاحِبِ الْجَمَلِ الْأَحْمَرِ، الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ ... أُمَّتُهُ مَرْحُومَةٌ مُبَارَكَةٌ؛ مَا يَقْوَاهِي الدِّينَ عَلَى حَقَائِقِهِ. (8)

6 / 15 آخِرُونَ السَّابِقُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا آخِرُ الْأَنْبِيَاءِ، وَأَنْتُمْ آخِرُ الْأُمَمِ. (9)

- 1- سنن الترمذي: ج 5 ص 152 ح 2869، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 262 ح 12329، المعجم الأوسط: ج 4 ص 231 ح 4058، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 398 ح 3462 كلها عن أنس، صحيح ابن حبان: ج 16 ص 210 ح 7226 عن عمار بن ياسر، كنز العمال: ج 12 ص 162 ح 34485.
- 2- الرَّاكِبُ وَالرَّاكِبَةُ: فَسِيلَةٌ تَكُونُ فِي أَعْلَى النَّخْلَةِ مُتَدَلِّيةً لَا تَبْلُغُ الْأَرْضَ (تاج العروس: ج 2 ص 36 «ركب»).
- 3-.. 3. الفَوْجُ: الْجَمَاعَةُ «من الناس (النهاية: ج 3 ص 477 «فوج»
- 4- الْقِنُونُ: الْعِدْقُ، وَجَمْعُهُ قِنَوَانٌ (مفردات ألفاظ القرآن: ص 686 «قنو»).
- 5- الشَّمْرَاخُ: مَا يَكُونُ فِيهِ الرُّطْبُ (المصباح المنير: ص 322 «شمراخ»).
- 6- الْحَوَارِيُّونَ: أَصْحَابُ الْمَسِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ أَيْ خُلَصَائِهِ وَأَنْصَارِهِ (النهاية: ج 1 ص 458 «حور»).
- 7- الْأَمَالِيُّ لِلطُّوسِيِّ: ص 141 ح 230، بشارة المصطفى: ص 280 كلاهما عن عبد الرحمن بن سمرة، بحار الأنوار: ج 21 ص 51 ح 1؛ مقاتل الطالبين: ص 31، الفردوس: ج 4 ص 130 ح 6403 كلاهما عن عبد الرحمن بن سمرة نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 181 ح 34571.
- 8- الكافي: ج 8 ص 42 - 43 ح 8، بحار الأنوار: ج 77 ص 31 ح 7.
- 9- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1359 ح 4077، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 580 ح 8620، مسند الشاميين: ج 2 ص 28 ح 861، السنّة لابن أبي عاصم: ص 171 ح 391، تاريخ دمشق: ج 2 ص 223 ح 467 وفيه «خير» بدل «آخر» كلها عن أبي أمامة الباهلي، كنز العمال: ج 14 ص 292 ح 38742.

6 / 5 آخرین و اولین اَمت ها

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حکایت اَمت من ، حکایت باران است که معلوم نیست اوّل آن بهتر است یا آخرش.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حکایت اَمت من ، حکایت باغی است که صاحبش به آن رسیدگی کرده و نهال های رُسته بر تنه خرما بُن های آن را هَرَس نموده و اتاق هایش را ساخته و شاخه های نخل هایش را پیراسته است و یک سال ، گروهی را خوراک می دهد و سال دیگر ، گروهی را و سال بعد ، گروهی را و شاید ، آخرین خوراک آن ، خوشه هایش مرغوب تر و شاخه هایش بلندتر باشد . سوگند به آن که مرا به حق ، پیامبر برانگیخت ! عیسی بن مریم علیه السلام گروهی از حواریان خود را در میان اَمت من می یابد .

الکافی_ به نقل از علی بن عیسی ، که سند حدیث را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت علیهم السلام رسانده است _ : خداوند _ تبارک و تعالی _ با موسی علیه السلام نجوا کرد و در مناجاتش به او فرمود : « ... ای موسی ! تو را سفارش می کنم ... به صاحب شتر سرخ مو ؛ آن پاکزادِ پاکِ پاکیزه ... اَمت او ، تا زمانی که بر حقایق دین باقی بمانند ، رحمت شده و با برکت اند » .

6 / 5 آخرین و اولین اَمت های پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من ، آخرین پیامبرانم ، و شما ، آخرین اَمت ها هستید .

عنه صلى الله عليه وآله: نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: نَحْنُ الْآخِرُونَ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَالْأَوَّلُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الْمَقْضِيُّ لَهُمْ قَبْلَ الْخَلَائِقِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: نَحْنُ آخِرُ الْأُمَمِ، وَأَوَّلُ مَنْ يُحَاسَبُ، يُقَالُ: أَيْنَ الْأُمَّةُ الْأُمِّيَّةُ وَنَبِيِّهَا؟ فَنَحْنُ الْآخِرُونَ الْأَوَّلُونَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَوَّلُ زُمْرَةٍ مِنْ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ سَبْعُونَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ، كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ عَلَى صَوْرَةِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى أَشَدِّ ضَوْءِ كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ، ثُمَّ هِيَ بَعْدَ ذَلِكَ مَنَازِلُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: نَحْنُ الْآخِرُونَ السَّابِقُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بَيِّدَ (5) أَنَّهُمْ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِنَا، ثُمَّ هَذَا يَوْمُهُمُ الَّذِي فُرِضَ عَلَيْهِمْ فَاخْتَلَفُوا فِيهِ فَهَدَانَا اللَّهُ، فَالْتَأَسُّ لَنَا فِيهِ تَبَعٌ، الْيَهُودُ غَدًا وَالنَّصَارَى بَعْدَ غَدٍ. (6)

- 1- صحيح البخاري: ج 1 ص 94 ح 236 و ج 3 ص 1080 ح 2797، السنن الكبرى: ج 3 ص 243 ح 5567، تفسير ابن كثير: ج 1 ص 390 كلُّها عن أبي هريرة؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 269 بزيادة «يوم القيامة» في آخره، بحار الأنوار: ج 39 ص 85.
- 2- صحيح مسلم: ج 2 ص 586 ح 22، سنن النسائي: ج 3 ص 87، تفسير القرطبي: ج 7 ص 155، الفردوس: ج 4 ص 282 ح 6834 كلُّها عن حذيفة، كنز العمال: ج 7 ص 711 ح 21052.
- 3- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1434 ح 4290، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 604 ح 2546 نحوه، الفردوس: ج 4 ص 282 ح 6833 كلُّها عن ابن عباس، كنز العمال: ج 12 ص 159 ح 34474.
- 4- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 574 ح 10553 و ص 511 ح 10128 و ليس فيه «سبعون ألفا لا حساب عليهم»، مسند إسحاق بن راهويه: ج 1 ص 310 ح 291، تاريخ بغداد: ج 2 ص 160 الرقم 587 كلُّها عن أبيهريرة، كنز العمال: ج 12 ص 168 ح 34517.
- 5- بَيِّدَ: هو مثل «غَيْرٍ» وزنا ومعنى (المصباح المنير: ص 68 «باد»).
- 6- صحيح البخاري: ج 1 ص 299 ح 836، صحيح مسلم: ج 2 ص 586 ح 21، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 186 ح 8121، السنن الكبرى: ج 3 ص 242 ح 5565 كلُّها بزيادة «وأوتيناه من بعدهم» بعد «من قبلنا»، سنن النسائي: ج 3 ص 85 نحوه وكلُّها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 12 ص 159 ح 34475 وراجع: الأمالي للطوسي: ص 654 ح 1354.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما آخرین و اولین [امت ها] هستیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما آخرین مردم دنیا و در روز قیامت ، اولین مردم هستیم و پیش از همه خلائق ، در باره ما داوری می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما آخرین امت هاییم و اولین کسانی که [در قیامت] حسابرسی می شوند . گفته می شود : «کجایند امت اُمّی و پیامبر آنان؟» . پس ، ما آخرین و اولین هستیم .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما [در دنیا] آخرین و در روز قیامت ، اولین هستیم . نخستین گروه از امت من که به بهشت می روند ، هفتاد هزار نفرند و حسابرسی نمی شوند . هر مردی از آنان ، چونان ماه شب چهارده است . سپس ، کسانی که از پی آنان [به بهشت] می روند ، نورانی تر از ستارگان آسمان اند . سپس ، گروه های بعد که هر يك را منزلتی است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ما [در دنیا] آخرین هاییم و در روز قیامت ، نخستین ها ؛ جز آن که به آنان (امت های پیشین) ، قبل از ما کتاب داده شد و این روز (جمعه) ، همان روز آنان است که [بزرگداشت آن] برایشان واجب گشت ؛ اما در باره آن اختلاف کردند ؛ ولی خداوند ، ما را هدایت کرد . پس مردم در این روز ، دنباله رو مایند . یهود ، فردا [شنبه را] و نصارا پس فردا [یکشنبه را] گرامی می دارند] .

6 / 6 جوامع فضائلهم رسول الله صلى الله عليه وآله: مما أعطى الله أمتي وفضلهم به على سائر الأمم، أعطاهم ثلاث خصال لم يعطها إلا نبي: وذلك أن الله تبارك وتعالى كان إذا بعث نبيا قال له: اجتهد في دينك ولا حرج عليك، وإن الله تبارك وتعالى أعطى ذلك أمتي حيث يقول: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (1) يقول: من ضيق. وكان إذا بعث نبيا قال له: إذا أحرزتك أمر تکرهه، فادعني أستجب لك، وإن الله أعطى أمتي ذلك حيث يقول: «ادعوني أستجب لكم» (2). وكان إذا بعث نبيا جعله شهيدا على قومه، وإن الله تبارك وتعالى جعل أمتي شهداء على الخلق حيث يقول: «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (3). (4)

عنه صلى الله عليه وآله: ما أعطيت أمة من اليقين (5) مثل ما أعطيت أمتي. 6

1- الحج: 78.

2- غافر: 60.

3- قرب الإسناد: ص 84 ح 277 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 22 ص 443 ح 4.

4- اليقين: العلم وزوال الشك (الصحيح: ج 6 ص 2219 «يقن»).

5- نوادر الأصول: ج 1 ص 228 وج 2 ص 164 و ص 266 وليس فيهما «مثل»، كنز العمال: ج 12 ص 162 ح 34483.

6 / 6 مجموعه فضایل اُمّت اسلام

6 / 6 مجموعه فضایل اُمّت اسلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از چیزهایی که خدا به اُمّت من عطا فرمود و بدان وسیله، آنان را بر دیگر اُمّت ها برتری داد، این است که به آنان، سه ویژگی بخشید که به کسی جز پیامبر بخشیده نشده است: یکی این که خداوند _ تبارک و تعالی _ هر گاه پیامبری می فرستاد، به او می فرمود: «در دینت، سخت بکوش و باک مدار». خداوند _ تبارک و تعالی _ این را به اُمّت من نیز عطا کرده، آن جا که می فرماید: «و در دین، بر شما سختی قرار نداده است»؛ یعنی تنگی و سختی [در آن، قرار نداده است]. دوم این که هر گاه پیامبری می فرستاد، به او می فرمود: «هر گاه امری ناخوشایند، تو را اندوهگین ساخت، مرا بخوان تا پاسخت دهم». خداوند، این را نیز به اُمّت من عطا کرده، آن جا که می فرماید: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم». سوم این که هر گاه پیامبری می فرستاد، او را بر قومش گواه قرار می داد و خداوند _ تبارک و تعالی _ اُمّت مرا بر همه خلق، گواه قرار داده، آن جا که می فرماید: «تا این پیامبر، بر شما گواه باشد و شما بر مردم، گواه باشید».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به هیچ اُمّتی، یقینی برتر از یقینی که به اُمّت من داده شده، عطا نشده است.

عنه صلى الله عليه وآله : أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ أَمَانِينَ لِأُمَّتِي : «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (1)، إِذَا مَضَيْتُ تَرَكْتُ فِيهِمْ الْإِسْتِغْفَارَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (2)

الإمام الحسن عليه السلام : جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ أَعْلَمُهُمْ عَنْ أَشْيَاءَ ، فَكَانَ فِيهَا سَأَلُهُ : أَخْبِرْنَا عَنْ سَبْعِ خِصَالٍ أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ بَيْنِ النَّبِيِّينَ ، وَأَعْطَى أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَعْطَانِي اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ : فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ، وَالْأَذَانَ ، وَالْجَمَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ ، وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ ، وَالصَّلَاةَ عَلَى الْجَنَائِزِ ، وَالْإِجْهَارَ فِي ثَلَاثِ صَلَوَاتٍ ، وَالرُّخْصَةَ لِأُمَّتِي عِنْدَ الْأَمْرَاضِ وَالسَّفَرِ ، وَالشَّفَاعَةَ لِأَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي . قَالَ الْيَهُودِيُّ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ ، فَمَا جَزَاءُ مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِعَدَدِ كُلِّ آيَةٍ نَزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ ثَوَابَ تِلَاوَتِهَا . وَأَمَّا الْأَذَانُ فَإِنَّهُ يُحْشَرُ الْمُؤَذِّنُونَ مِنْ أُمَّتِي مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ . وَأَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّهَا صَفُوفُ أُمَّتِي فِي الْأَرْضِ كَصَفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ ، وَالرَّكْعَةُ فِي جَمَاعَةٍ أَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ رَكْعَةً ، كُلُّ رَكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ مِنْ عِبَادَةٍ أَرْبَعِينَ سَنَةً . وَأَمَّا يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَإِنَّ اللَّهَ يَجْمَعُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لِلْحِسَابِ ، فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى إِلَى الْجَمَاعَةِ (3) إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يُجَازِيهِ الْجَنَّةَ . وَأَمَّا الْإِجْهَارُ فَإِنَّهُ يَتَّبَعُ مِنْهُ لَهَبُ النَّارِ بِقَدَرِ مَا يَبْلُغُ صَوْتُهُ ، وَيَجُوزُ عَلَى الصَّرَاطِ ، وَيُعْطَى الشُّرُورُ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ . وَأَمَّا السَّادِسُ فَإِنَّ اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ يُخَفِّفُ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأُمَّتِي كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُصَلِّي عَلَى الْجَنَائِزِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُنَافِقًا أَوْ عَاقًا . وَأَمَّا شَفَاعَتِي فَقِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مَا خَلَا أَهْلَ الشِّرْكِ وَالظُّلْمِ . قَالَ : صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ ، وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، وَأَنَّكَ رَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ . فَلَمَّا أَسْلَمَ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ أَخْرَجَ رَقًّا أَبْيَضَ فِيهِ جَمِيعُ مَا قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَالَ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا اسْتَسَخَنْتُهَا إِلَّا مِنَ الْأَلْوَابِ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ . (4)

1- الأنفال : 33 .

2- سنن الترمذي : ج 5 ص 270 ح 3082 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 590 كلاهما عن أبي موسى ، كنز العمال : ج 1 ص 477 ح 2081 .

3- الظاهر أن الصواب : «الْجُمُعَةُ»، كما في الاختصاص وبحار الأنوار .

4- الخصال : ص 355 ح 36 عن الحسن بن عبد الله عن آبائه ، الأُمالي للصدوق : ص 261 ح 279 عن الحسن بن عبد الله عن أبيه ، الاختصاص : ص 39 عن الحسين بن عبد الله عن أبيه عن جدّه عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام الحسين عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 9 ص 300 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، دو مایه امان برای اَمتَم بر من نازل فرمود : «[و] لی [تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلبِ آمرزش می کنند، خدا ، عذاب کننده ایشان نخواهد بود]» . هر گاه من رفتم ، آمرزش خواهی را در میان آنان ، تا روز قیامت ، باقی می گذارم .

امام حسن علیه السلام : جمعی از یهود نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدند . عالم ترین آنان ، سؤالاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید و از جمله پرسش هایش این بود : آن ، کدام هفت چیز است که خداوند از میان پیامبران به تو داد و از میان اَمت ها به اَمت تو؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند عز و جل به من ، فاتحة الكتاب را بخشید و اذان را و [نماز] جماعت در مسجد و روز جمعه را و نماز خواندن بر جنازه را و خواندن سه نماز با صدای بلند را و رخصت به اَمتَم در اوقات بیماری و سفر را و شفاعت کردن آن دسته از اَمتَم را که مرتکب گناه کبیره شده اند» . یهودی گفت : درست گفتی ، ای محمّد ! ثواب کسی که «فاتحة الكتاب» را بخواند ، چیست؟ پیامبر خدا فرمود : «کسی که فاتحة الكتاب را بخواند ، خداوند عز و جل به شمار هر آیه ای که از آسمان نازل شده است ، ثواب تلاوت آن را به او عطا می فرماید . اما اذان : اذان گویانِ اَمت من با پیامبران و صدّیقان و شهیدان و درستکاران ، محشور می شوند . اما جماعت : صف های اَمت من ، در زمین ، همانند صف های فرشتگان در آسمان است و هر رکعت نماز با جماعت ، [معادل] بیست و چهار رکعت است و هر رکعتی نزد خداوند عز و جل محبوب تر از عبادت چهل سال است . اما روز جمعه : خداوند ، در این روز ، اوّلین و آخرینِ خلاق را برای حسابرسی گرد می آورد . پس هیچ مؤمنی نیست که به سوی جماعت (1) برود ، مگر آن که خداوند عز و جل ، وحشت های روز قیامت را برای او آسان می سازد . سپس ، بهشت را به او پاداش می دهد . اما با صدای بلند خواندن : به اندازه فاصله ای که صدای شخص برسد ، زبانه آتش از او دور می گردد و از صراط می گذرد و شادمانی به او داده می شود تا آن که به بهشت در آید . اما ششمین : خداوند عز و جل ، چنان که در قرآن فرموده است ، هراس های روز قیامت را برای اَمتَم آسان می گرداند . و هیچ مؤمنی نیست که بر جنازه ها نماز بخواند ، جز آن که خداوند ، بهشت را بر او واجب می سازد ، مگر آن که منافق یا عاقّ والدین باشد . اما شفاعتم : برای کسی است که مرتکب کبائر شود ، به استثنای اهل شرك و ستم» . یهودی گفت : درست گفتی ، ای محمّد ! من ، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست و تو پیامبرِ او و خاتمِ پیامبران و پیشوای پرهیزگاران و فرستاده خداوندگار جهانیان هستی . پس از آن که اسلام آورد ، پوست نازک سفیدی را در آورد که همه آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله گفته بود ، در آن [نوشته شده] بود و گفت : ای پیامبر خدا ! سوگند به آن که تو را به حق به پیامبری برانگیخت ، من ، این را از الواحی که خداوند عز و جل برای موسی بن عمران علیه السلام نوشته است ، رونویسی کرده ام .

1- .. ظاهراً درست آن ، چنان که در الاختصاص و بحار الأنوار آمده ، «جمعه» باشد .

مجمع البحرين: في حديث مُناجاة موسى عليه السلام وَقَدْ قَالَ: يَا رَبِّ، لِمَ فَضَّلْتَ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ؟ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: فَضَّلْتُهُمْ لِعَشْرِ خِصَالٍ. قَالَ موسى: وما تِلْكَ الْخِصَالُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا حَتَّى أَمَرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَعْمَلُونَهَا؟ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَالْحَجُّ، وَالْجِهَادُ، وَالْجُمُعَةُ، وَالْجَمَاعَةُ، وَالْقُرْآنُ، وَالْعِلْمُ، وَالْعَاشُورَاءُ. قَالَ موسى عليه السلام: يَا رَبِّ، وَمَا الْعَاشُورَاءُ؟ قَالَ: الْبُكَاءُ وَالتَّبَاكِي عَلَى سَيِّدِ مُحَمَّدٍ، وَالْمَرِثَةُ وَالْعَزَاءُ عَلَى مُصِيبَةِ وَلَدِ الْمُصْطَفَى. يَا موسى، مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بَكَى أَوْ تَبَاكَى وَتَعَزَّى عَلَى وَلَدِ الْمُصْطَفَى، إِلَّا وَكَانَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ثَابِتًا فِيهَا، وَمَا مِنْ عَبْدٍ أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ فِي مَحَبَّةِ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّهِ طَعَامًا وَغَيْرَ ذَلِكَ دَرَاهِمًا أَوْ دِينَارًا، إِلَّا وَبَارَكْتُ لَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا؛ الدَّرْهَمَ بِسَبْعِينَ دَرَاهِمًا، وَكَانَ مُعَافًى فِي الْجَنَّةِ، وَغُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ. وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، مَا مِنْ رَجُلٍ أَوْ امْرَأَةٍ سَالَ دَمْعُ عَيْنَيْهِ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَغَيْرِهِ قَطْرَةً وَاحِدَةً، إِلَّا وَكُتِبَتْ لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ. (1)

1- .مجمع البحرين : ج 2 ص 1219 ، مستدرک الوسائل : ج 10 ص 319 ح 12085 .

مجمع البحرين: در حدیث مناجات موسی علیه السلام آمده است که گفت: پروردگارا! چرا اُمّت محمد صلی الله علیه و آله را بر دیگر اُمّت ها برتری داده ای؟ خداوند متعال فرمود: «به ده چیز، آنها را برتری داده ام». موسی علیه السلام گفت: آن ده چیز که آنان، بدانها عمل می کنند، چیست تا به بنی اسرائیل دستور بدهم آنها نیز به کار ببندند؟ خداوند متعال فرمود: «نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، جمعه، نماز جماعت، قرآن، علم، و عاشورا». موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! عاشورا چیست؟ فرمود: «گریستن و گریه نمایی بر نواده محمد، و سوگواری و عزاداری برای مصیبت فرزند مصطفی. ای موسی! هیچ بنده ای از بندگان من در آن زمان نیست که بر فرزند مصطفی بگرید یا تظاهر به گریستن کند و عزاداری نماید، مگر آن که بهشت برای او باشد و در آن، پایدار می ماند. هیچ بنده ای نیست که در راه محبت به پسر دختر پیامبرش از مال خود، غذایی دهد یا درهم و دیناری خرج کند، مگر آن که در همان دنیا به او برکت می دهد. يك درهم [او] را به هفتاد درهم افزون می سازم و در بهشت به سلامت زندگی می کند و گناهانش را می آمرزم. به عزّت و جلالم سوگند، هیچ مرد یا زنی نیست که در روز عاشورا و غیر عاشورا، يك قطره اشك از چشمش فرو چکد، مگر آن که اجر صد شهید را برایش می نویسم».

الإمام الحسين عليه السلام: يَبِينَا أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جُلُوسٌ فِي مَسْجِدِهِ بَعْدَ وَفَاتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَذَكَّرُونَ فَضْلَهُ ، إِذْ دَخَلَ عَلَيْنَا حَبْرٌ مِنْ أَحْبَابِ (1) الْيَهُودِ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ ، قَدْ قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَصُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَالْأَنْبِيَاءِ ، وَعَرَفَ دَلَائِلَهُمْ ، فَسَلَّمَ عَلَيْنَا وَجَلَسَ ، وَلَبِثَ هُنَيْدَةً ، ثُمَّ قَالَ : يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ، مَا تَرَكْتُمْ لِنَبِيِّ دَرَجَةً وَلَا لِمُرْسَلٍ فَضِيلَةً إِلَّا وَقَدْ نَحَلْتُمُوهَا (2) لِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكُمْ ! فَهَلْ عِنْدَكُمْ جَوَابٌ إِنْ أَنَا سَأَلْتُكُمْ ؟ فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : سَلْ يَا أَخَا الْيَهُودِ مَا أَحْبَبْتَ ، فَأَتَيْتُ أُجِيبُكَ عَنْ كُلِّ مَا تَسْأَلُ بِعَوْنِ اللَّهِ وَمَشِيئَتِهِ قَالَ الْيَهُودِيُّ : فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَاجَى مُوسَى عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ (3) بِثَلَاثِمِئَةٍ وَثَلَاثَ عَشْرَةَ كَلِمَةً ، مَعَ كُلِّ كَلِمَةٍ يَقُولُ لَهُ : يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ ، فَهَلْ فَعَلَ بِمُحَمَّدٍ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ ؟ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَقَدْ كَانَ كَذَلِكَ ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَاجَاهُ اللَّهُ تَعَالَى فَوْقَ سَبْعِ سَعَاوَاتٍ رَفَعَهُ عَلَيْهِنَّ ، فَنَاجَاهُ فِي مَوَاطِنٍ : أَحَدُهُمَا عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى (4) ، وَكَانَ لَهُ هُنَاكَ مَقَامٌ مَحْمُودٌ ، ثُمَّ عَرَجَ بِهِ حَتَّى انْتَهَى بِهِ إِلَى سَاقِ الْعَرْشِ ، وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «دَنَا فَتَدَلَّى» (5) ، وَدَلِّي لَهُ رَفْرَفٌ أَخْضَرُ ، غُشِّي عَلَيْهِ نُورٌ عَظِيمٌ حَتَّى كَانَ فِي دُنُوهِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ، وَهُوَ مِقْدَارُ مَا بَيْنَ الْحَاجِبِ إِلَى الْحَاجِبِ ، وَنَاجَاهُ بِمَا ذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ ، فِي سُورَةِ الْبَقَرَةِ ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «وَإِنْ تُبْذَرُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفَوْهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرْ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبْ مَنْ يَشَاءُ» (6) . وَكَانَتْ هَذِهِ الْآيَةُ قَدْ عَرِضَتْ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَبْعَثِ النَّبِيِّ الْمُعْظَمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَلَأَبَا جَمِيعًا أَنْ يَقْبَلُوهَا مِنْ ثِقْلِهَا ، وَقَبْلِهَا مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأُمَّتُهُ ، فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ وَمِنْ أُمَّتِهِ الْقَبُولَ خَفَّفَ عَنْهُ ثِقْلَهَا ، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمُحَمَّدٍ : «ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ» ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى تَكَرَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ ، وَأَشْفَقَ عَلَيْهِ مِنْ شَدِيدِ الْآيَةِ الَّتِي قَبِلَهَا هُوَ وَأُمَّتُهُ ، فَأَجَابَ عَنْ نَفْسِهِ وَأُمَّتِهِ فَقَالَ : «وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَاَمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَيْكَتِهِ وَكِتَابِهِ وَرُسُلِهِ» ، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : لَهُمُ الْمَغْفِرَةُ وَالْجَنَّةُ إِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانُكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (7) ، يَعْنِي الْمَرْجِعَ فِي الْآخِرَةِ ، فَأَجَابَهُ سَبْحَانَهُ : قَدْ فَعَلْتُ ذَلِكَ ، تُبَاهِي أُمَّتَكَ الْأُمَمَ ، قَدْ أُوجِبْتُ لَهُمُ الْمَغْفِرَةُ . ثُمَّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : أَمَّا إِذَا قَبِلْتَهَا أَنْتَ وَأُمَّتُكَ ، وَقَدْ كَانَتْ مِنْ قَبْلِ عَرْضِهَا عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْأُمَمِ فَلَمْ يَقْبَلُوهَا ، فَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أَرْفَعَهَا عَنْ أُمَّتِكَ ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ» مِنْ خَيْرٍ «وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» مِنْ شَرٍّ . ثُمَّ أَلْهَمَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ قَالَ : «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» ، فَقَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ : لِكِرَامَتِكَ _ يَا مُحَمَّدُ _ عَلَيَّ ، إِنَّ الْأُمَمَ السَّابِقَةَ كَانُوا إِذَا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا فَتَحَتْ عَلَيْهِمْ أَبْوَابُ عَذَابِي ، وَقَدْ رَفَعْتُ ذَلِكَ عَنْ أُمَّتِكَ ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا» (8) ، يَعْنِي بِالْأَصَارِ الشَّدَائِدِ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْأُمَمِ مِمَّنْ كَانَ قَبْلَ مُحَمَّدٍ . فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : قَدْ رَفَعْتُ عَنْ أُمَّتِكَ الْأَصَارَ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْأُمَمِ السَّالِفَةِ ، وَذَلِكَ أَنِّي جَعَلْتُ عَلَى الْأُمَمِ الْأَقْبَلَ مِنْهُمْ فَعَلًا إِلَّا فِي بَقَاعٍ مِنَ الْأَرْضِ اخْتَرْتُهَا لَهُمْ وَإِنْ بَعُدَتْ ، وَقَدْ جَعَلْتُ الْأَرْضَ لَكَ وَلِأُمَّتِكَ طَهْرًا وَمَسْجِدًا ، فَهَذِهِ مِنَ الْأَصَارِ وَقَدْ رَفَعْتُهَا عَنْ أُمَّتِكَ . وَقَدْ كَانَتْ الْأُمَمُ (9) السَّالِفَةُ تَحْمِلُ قُرْبَانَهَا (10) عَلَى أَعْنَاقِهَا إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ ، فَمَنْ قَبِلَتْ ذَلِكَ مِنْهُ أَرَسَتْ عَلَى قُرْبَانِهِ نَارًا تَأْكُلُهُ (11) ، وَإِنْ لَمْ أَقْبَلْ ذَلِكَ مِنْهُ رَجَعَ بِهِ مَثْبُورًا (12) ، وَقَدْ جَعَلْتُ قُرْبَانَ أُمَّتِكَ فِي بُطُونِ فَقَرَائِهَا وَمَسَاكِينِهَا ، فَمَنْ قَبِلَتْ ذَلِكَ مِنْهُ أَضَاعَفَ لَهُ الثَّوَابَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ، وَمَنْ لَمْ أَقْبَلْ ذَلِكَ مِنْهُ رَفَعْتُ عَنْهُ عُقُوبَاتِ الدُّنْيَا ، وَقَدْ رَفَعْتُ ذَلِكَ عَنْ أُمَّتِكَ وَهِيَ مِنَ الْأَصَارِ الَّتِي كَانَتْ عَلَى الْأُمَمِ السَّالِفَةِ . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ مَفْرُوضًا عَلَيْهَا صَلَاةُ لِمَوَاتِهَا فِي كَيْدِ اللَّيْلِ وَأَنْصَافِ النَّهَارِ ، وَهِيَ مِنَ الشَّدَائِدِ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ وَقَدْ رَفَعْتُهَا عَنْ أُمَّتِكَ ، وَقَدْ فَرَضْتُ عَلَيْهِمْ صَلَاةَ لِمَوَاتِهِمْ فِي أَطْرَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي أَوْقَاتِ نَشَاطِهِمْ . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ مَفْرُوضًا عَلَيْهِمْ خَمْسُونَ صَلَاةً فِي خَمْسِينَ وَقْتًا (13) ، وَهِيَ مِنَ الْأَصَارِ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ، وَقَدْ رَفَعْتُهَا عَنْ أُمَّتِكَ . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ حَسَنَتْهُمْ بِحَسَنَةٍ وَاحِدَةٍ ، وَسَيِّئَتْهُمْ بِسَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ ، وَجَعَلْتُ لِأُمَّتِكَ الْحَسَنَةَ بِعَشْرِ ، وَالسَّيِّئَةَ بِسَيِّئَةٍ وَاحِدَةٍ . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ إِذَا نَوَى أَحَدُهُمْ حَسَنَةً لَمْ تُكْتَبْ لَهُ ، وَإِذَا هَمَّ بِسَيِّئَةٍ كُتِبَتْ عَلَيْهِ وَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا ، وَقَدْ رَفَعْتُهَا عَنْ أُمَّتِكَ ؛ فَإِذَا هَمَّ أَحَدُهُمْ بِسَيِّئَةٍ وَلَمْ يَعْمَلْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ ، وَإِذَا هَمَّ بِحَسَنَةٍ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةً . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ إِذَا أَذْنَبُوا كُتِبَتْ [دُنُوبُهُمْ] (14) عَلَى أَبْوَابِهِمْ ، وَجَعَلْتُ تَوْبَتَهُمْ مِنَ الذَّنْبِ أَنْ أُحَرَّمَ عَلَيْهِمْ أَحَبَّ الطَّعَامِ إِلَيْهِمْ . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ يُتُوبُ أَحَدُهُمْ مِنَ الذَّنْبِ الْوَاحِدِ الْمِئَةَ وَالْمِئَتَيْنِ سَنَةً ، ثُمَّ لَمْ أَقْبَلْ تَوْبَتَهُ دُونَ أَنْ أُعَاقِبَهُ فِي الدُّنْيَا بِعُقُوبَةٍ ، وَقَدْ رَفَعْتُ ذَلِكَ عَنْ أُمَّتِكَ ، وَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِكَ

لَيَذْنِبُ الْمِئَةَ ثُمَّ يَتُوبُ وَيَنْدِمُ طَرْفَةَ عَيْنٍ ، فَأَغْفِرُ لَهُ ذَلِكَ كُلَّهُ وَأَقْبِلُ تَوْبَتَهُ . وَكَانَتْ الْأُمَمُ السَّالِفَةُ إِذَا أَصَابَهُمْ أَدْنَى نَجَسٍ قَرَضُوهُ مِنْ أَجْسَادِهِمْ ، وَقَدْ جَعَلْتُ الْمَاءَ طَهُورًا لِأُمَّتِكَ مِنْ جَمِيعِ الْأَنْجَاسِ ، وَالصَّعِيدَ (15) فِي الْأَوْقَاتِ (16) ، [و (17) هَذِهِ مِنَ الْأَصَارِ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ وَرَفَعْتُهَا عَنْ أُمَّتِكَ . قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِذَا قَدْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِي فِرْدَنِي ! فَأَلْهَمَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ قَالَ : «رَبَّنَا وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : قَدْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِأُمَّتِكَ ، وَقَدْ رَفَعْتُ عَنْهُمْ عَظِيمَ بَلَايَا الْأُمَمِ ، وَذَلِكَ حُكْمِي فِي جَمِيعِ الْأُمَمِ إِلَّا أَكْلَفَ نَفْسًا فَوْقَ طَاقَتِهَا ، قَالَ : «وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا» قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : قَدْ فَعَلْتَ ذَلِكَ ، تُبَاهِي الْأُمَمَ أُمَّتَكَ ، ثُمَّ قَالَ : «فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (18) . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى قَدْ فَعَلْتَ ذَلِكَ ، وَجَعَلْتَ أُمَّتَكَ يَا أَحْمَدُ كَالشَّامَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثَّوَرِ الْأَسْوَدِ ، هُمْ الْقَادِرُونَ ، وَهُمْ الْقَاهِرُونَ ، يَسْتَخْدِمُونَ وَلَا يَخْدِمُونَ ، لِكِرَامَتِكَ عَلَيَّ ، وَحَقُّ عَلَيَّ أَنْ أَظْهَرَ دِينَكَ عَلَى الْأَدْيَانِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا دِينَ إِلَّا دِينُكَ ، وَيُؤَدُّونَ إِلَى أَهْلِ دِينِكَ الْجِزْيَةَ وَهُمْ صَاغِرُونَ ، «وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى * إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى * مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى * لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى» (19) . فَهَذَا أَعْظَمُ يَا أَخَا الْيَهُودِ مِنْ مُنَاجَاتِهِ لِمُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ ، ثُمَّ زَادَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ مَثَلَ النَّبِيِّينَ فَصَّلَى بِهِمْ وَهُمْ خَلْفَهُ يَقْتَدُونَ بِهِ ، وَلَقَدْ عَايَنَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ ، وَعُرِجَ بِهِ سَمَاءَ سَمَاءٍ ، وَسَلَّمَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ ، فَهَذَا أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ . قَالَ الْيَهُودِيُّ : فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَلْقَى عَلَى مُوسَى مَحَبَّةً مِنْهُ . فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَقَدْ كَانَ كَذَلِكَ ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلْقَى عَلَيْهِ مِنْهُ مَحَبَّةً ، فَسَمَاءُ حَبِيبَا ، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرَى إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صُورَةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأُمَّتِهِ ، فَقَالَ : يَا رَبِّ ، مَا رَأَيْتُ مِنْ أُمَّةٍ الْأَنْبِيَاءُ أَنْوَرُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ ، فَمَنْ هَذَا ؟ فَنُودِيَ : هَذَا مُحَمَّدٌ حَبِيبِي ، لَا حَبِيبَ لِي مِنْ خَلْقِي غَيْرُهُ ، أَحَبَّتُهُ قَبْلَ أَنْ أُخْلَقَ سَ مَائِي وَأَرْضِي ، وَسَمِعْتُهُ نَبِيًّا وَأَبُوكَ آدَمُ يَوْمَئِذٍ مِنَ الطِّينِ ، مَا أَجْرَيْتُ فِيهِ رُوحًا ، وَأَقْسَمَ بِحَيَاتِهِ فِي كِتَابِهِ ، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (20) أَي : وَحَيَاتِكَ يَا مُحَمَّدٌ ، وَكَفَى بِهَذَا رِفْعَةً وَشَرَفًا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرُبَّتَبَةً . قَالَ الْيَهُودِيُّ : فَأَخْبِرْنِي بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ تَعَالَى أُمَّةَ مُحَمَّدٍ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ ؟ قَالَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَقَدْ فَضَّلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أُمَّتَهُ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ بِأَشْيَاءَ كَثِيرَةٍ ، إِنَّمَا أَذْكُرُ لَكَ مِنْهَا قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ : مِنْ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ» (21) . وَمِنْ ذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ الْخَلْقَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ ، سَأَلَ اللَّهُ تَعَالَى النَّبِيِّينَ : هَلْ بَلَّغْتُمْ ؟ فَيَقُولُونَ : نَعَمْ ، فَيَسْأَلُ الْأُمَمَ فَيَقُولُونَ : مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَهُوَ أَعْلَمُ بِذَلِكَ - لِلنَّبِيِّينَ : مَنْ شَهِدَاؤُكُمْ الْيَوْمَ ؟ فَيَقُولُونَ : مُحَمَّدٌ وَأُمَّتُهُ ، فَيَشْهَدُ لَهُمْ أُمَّةُ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالتَّبْلِيغِ ، وَتُصَدِّقُ شَهَادَتَهُمْ شَهَادَةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيُؤْمِنُونَ عِنْدَ ذَلِكَ ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «لَتَكُونُوا شَهِدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (22) يَقُولُ : يَكُونُ مُحَمَّدٌ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا أَنْكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمُ الرِّسَالَهَ . وَمِنْهَا : أَنْتُمْ (23) أَوَّلُ النَّاسِ حِسَابًا ، وَأَسْرَعُهُمْ دُخُولًا إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ الْأُمَمِ كُلِّهَا . وَمِنْهَا أَيْضًا : أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ عَلَيْهِمْ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ [خَمْسَ] (24) صَلَوَاتٍ فِي خَمْسَةِ أَوْقَاتٍ : اثْنَتَانِ بِاللَّيْلِ ، وَثَلَاثٌ بِالنَّهَارِ ، ثُمَّ جَعَلَ هَذِهِ الْخَمْسَ صَلَوَاتٍ تَعْدِلُ خَمْسِينَ صَلَاةً (25) وَجَعَلَهَا كَفَّارَةً خَطَايَاهُمْ ، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ : «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (26) يَقُولُ : صَلَوَاتُ الْخَمْسِ (27) تُكَفِّرُ الذُّنُوبَ مَا اجْتَنَبَ الْعَبْدُ الْكِبَائِرَ . وَمِنْهَا أَيْضًا : أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ لَهُمْ الْحَسَنَةَ الْوَاحِدَةَ الَّتِي بِهِمْ بِهَا الْعَبْدُ وَلَا يَعْمَلُهَا حَسَنَةً وَاحِدَةً يَكْتُبُهَا لَهُ ، فَإِنْ عَمِلَهَا كَتَبَهَا لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَأَمثالها إِلَى سَبْعِمِئَةٍ ضِعْفٍ فَصَاعِدًا . وَمِنْهَا : أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَبْعِينَ أَلْفًا بِغَيْرِ حِسَابٍ ، وَجُوهُهُمْ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ ، وَالَّذِينَ يَلُونَهُمْ عَلَى أَشَدِّ كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ ، هُمْ أَمَنَّاؤُهُ ، وَلَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبَاغُضَ بَيْنَهُمْ . وَمِنْهَا : أَنَّ الْقَاتِلَ مِنْهُمْ عَمْدًا إِنْ شَاءَ أَوْلِيَاءُ دِمِ الْمَقْتُولِ (28) أَنْ يَعْفُوا (29) عَنْهُ فَعَلُوا ذَلِكَ ، وَإِنْ شَاؤُوا قَبِلُوا الدِّيَّةَ ، وَعَلَى أَهْلِ الثَّوَرَةِ وَهُمْ أَهْلُ دِينِكُمْ يَقْتُلُ الْقَاتِلُ وَلَا يُعْفَى عَنْهُ ، وَلَا تُؤَخَّذُ مِنْهُ دِيَّةٌ ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ . وَمِنْهَا : أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ نِصْفَهَا لِنَفْسِهِ ، وَنِصْفَهَا لِعَبْدِهِ ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى : قَسَمْتُ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي هَذِهِ السُّورَةَ ، فَإِذَا قَالَ أَحَدُهُمْ : «الْحَمْدُ لِلَّهِ» فَقَدْ حَمَدَنِي ، وَإِذَا قَالَ : «رَبِّ الْعَالَمِينَ» فَقَدْ عَرَفَنِي ، وَإِذَا قَالَ : «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» فَقَدْ مَدَحَنِي ، وَإِذَا قَالَ : «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» فَقَدْ أَثْنَى عَلَيَّ ، وَإِذَا قَالَ : «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» فَقَدْ صَدَّقَ عَبْدِي فِي عِبَادَتِي بَعْدَ مَا سَأَلَنِي ، وَبَقِيَّةُ هَذِهِ السُّورَةِ لَهُ . وَمِنْهَا : أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ جِبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ الْمَكْرَمِ أَنْ بَشِّرَ أُمَّتَكَ

بِالزَّيْنِ وَالسَّنَاءِ (30) وَالرَّفْعَةِ وَالْكَرَامَةِ وَالنَّصْرِ (31). وَمِنْهَا: أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَبَاحَهُمْ صَدَقَاتِهِمْ يَأْكُلُونَهَا، وَيَجْعَلُونَهَا فِي بُطُونِ فَقَرَائِهِمْ يَأْكُلُونَ مِنْهَا وَيُطْعِمُونَ، وَكَانَتْ صَدَقَاتُ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ مِنَ الْأُمَمِ الْمَاضِينَ يَحْمِلُونَهَا إِلَى مَكَانٍ قَصِيٍّ (32) فَيَحْرِقُونَهَا بِالنَّارِ. وَمِنْهَا: أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ لَهُمُ الشَّفَاعَةَ خَاصَّةً دُونَ الْأُمَمِ، وَاللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَتَجَاوَزُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْعِظَامِ بِشَفَاعَةِ نَبِيِّهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَمِنْهَا: أَنَّهُ يُقَالُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: [لِيَتَقَدَّمَ] (33) الْحَامِدُونَ، فَتَقَدَّمَ أُمَّةُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ الْأُمَمِ، وَهُوَ مَكْتُوبٌ: أُمَّةٌ مُحَمَّدٌ هُمْ الْحَامِدُونَ، يَحْمَدُونَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى كُلِّ مَنَزَلَةٍ، [و] 34 يَكْبِّرُونَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ، مُنَادِيهِمْ فِي جَوْفِ السَّمَاءِ لَهُ دَوِيٌّ كَدَوِيٍّ النَّحْلِ. وَمِنْهَا: أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَهْلِكُهُمْ بِجَوْعٍ، وَلَا يَجْمَعُهُمْ عَلَى ضَلَالَةٍ، وَلَا يُسَلِّطُ 35 عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ، وَلَا يُسَاحُ بِبَيْضَتِهِمْ 36، وَجَعَلَ لَهُمُ الطَّاعُونَ شَهَادَةً. وَمِنْهَا: أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِمَنْ صَلَّى مِنْهُمْ عَلَى نَبِيِّهِمْ صَلَاةً وَاحِدَةً عَشْرَ حَسَنَاتٍ، وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ، وَرَدَّ اللَّهُ سُدَّ بِحَانِهِ عَلَيْهِ مِثْلَ صَدَلَاتِهِ عَلَى النَّبِيِّ الْمُكْرَمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. وَمِنْهَا: أَنَّهُ جَعَلَهُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً أُمَمًا، فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ، وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ، وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ، وَالسَّابِقُ بِالْخَيْرَاتِ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَالْمُقْتَصِدُ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا، وَالظَّالِمُ لِنَفْسِهِ مَغْفُورٌ لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. وَمِنْهَا: أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ تَوْبَتَهُمُ النَّدَمَ وَالِاسْتِغْفَارَ وَالتَّوْبَةَ لِلْإِصْرَارِ، وَكَانَ تَوْبَةُ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَتْلَ أَنْفُسِهِمْ. وَمِنْهَا: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُمْتُكَ هَذِهِ مَرْحُومَةٌ، عَذَابُهُمْ فِي الدُّنْيَا الزَّلْزَلَةُ وَالْفَقْرُ. 37

- 1- الأَحْبَارُ: العلماء، جمع حَبْرٍ وَحَبْرٌ (النهاية: ج 1 ص 328 «حبر»).
- 2- يَنْحُلُهُ: أي ينسبه إليه؛ من النَّحْلَةِ: وهي النسبة بالباطل (النهاية: ج 5 ص 29 «نحل»).
- 3- طور سيناء: جبل بالشام (معجم البلدان: ج 4 ص 48).
- 4- سِدْرَةُ الْمُنْتَهَى: شجرة في أقصى الجنة إليها ينتهي علم الأولين والآخرين (النهاية: ج 2 ص 353 «سدر»).
- 5- النجم: 8.
- 6- البقرة: 284.
- 7- البقرة: 285.
- 8- البقرة: 286.
- 9- في المصدر: «في الأمم»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 10- القُرْبَان: ما تقربَ به إلى الله عز وجل (الصحاح: ج 1 ص 198 «قرب»).
- 11- راجع: آل عمران: 183.
- 12- التَّبَوُّرُ: الهَلَاكُ (النهاية: ج 1 ص 206 «تب»).
- 13- في المصدر: «وقت»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 14- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- 15- الصَّعِيدُ: التراب (الصحاح: ج 2 ص 498 «صعد»).
- 16- كذا في المصدر وبحار الأنوار.
- 17- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- 18- النجم: 13 _ 18.
- 19- الحجر: 72.
- 20- آل عمران: 110.

- 21- .البقرة : 143 .
- 22- .في المصدر : «أَنَّهُ» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 23- .في المصدر : «صلوات» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 24- .هود : 115 .
- 25- .في بحار الأنوار : «صَلَاةُ الْخَمْسِ» .
- 26- .في المصدر : «أولياء الدَّم المقتول» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 27- .في المصدر : «يقفوا» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 28- .في المصدر : «والنساء» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 29- .في المصدر : «والنضرة» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 30- .في المصدر : «قضي» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 31- .في المصدر : «ولا يسلك عليهم عدو» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 32- .بيضتهم : أي مجتمعهم وموضع سلطانهم ومستقرّ دعوتهم (النهاية : ج 1 ص 172 «بيض»).
- 33- .إرشاد القلوب : ص 406 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 16 ص 341 ح 33 .

امام حسین علیه السلام: پس از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، یاران ایشان در مسجد ایشان نشسته بودند و از فضایل او یاد می کردند که یکی از علمای یهود اهل شام، بر ما وارد شد. او تورات و انجیل و زبور و صُحُف ابراهیم علیه السلام و [دیگر] پیامبران را خوانده بود و دلایل آنها را می دانست. بر ما سلام کرد و نشست و لختی درنگ نمود. آن گاه گفت: ای اُمّت محمد! شما برای هیچ پیامبری، مقامی و برای هیچ فرستاده ای، فضیلتی نگذاشتید، مگر این که آن را به پیامبران محمد، نسبت دادید. اگر من از شما چیزی بپرسم، آیا پاسخی دارید که بدهید؟ امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به او فرمود: «ای مرد یهود! آنچه دوست داری، بپرس که به یاری خدا و به خواست او، هر آنچه بپرسی، پاسخ را خواهم داد...». یهودی گفت: خداوند متعال، در نجوایش با موسی در طور سینا، (1) سیصد و سیزده جمله به او گفت و با هر جمله ای به او می فرمود: «ای موسی! این منم، خدا». آیا چنین کاری را با محمد صلی الله علیه و آله نیز کرد؟ علی علیه السلام فرمود: «البته چنین کرده است. با محمد صلی الله علیه و آله نیز خداوند متعال بر فراز هفت آسمان، آن گاه که او را بالا بُرد، مناجات کرد. در دو جا با او نجوا نمود: یکی در سِدْرَةِ الْمُنتَهی (بالا ترین درخت سِدْر بهشت) (2) که او را در آن جا، مقامی پسندیده بود. سپس، او را بالا بُرد تا به پایه عرش رسید. خداوند متعال فرمود: «سپس، نزدیک آمد و نزدیک تر شد»، سپس، قالی سبزرنگی برایش فرو فرستاده شد و نوری بزرگ، او را فرو پوشاند و به اندازه دو سِرّیک کمان یا کمتر، یعنی به اندازه فاصله دو ابرو از یکدیگر، نزدیک شده بود و در این هنگام، خداوند متعال، آنچه را که در کتاب خود، در سوره بقره فرموده، نجواکنان به او گفت. خداوند متعال می فرماید: «و اگر آنچه در دل های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند، شما را به آن محاسبه می کند. آن گاه، هر که را بخواهد، می بخشد و هر که را بخواهد، عذاب می کند؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست». این آیه بر دیگر اُمّت ها، از زمان آدم علیه السلام تا مبعث پیامبر بزرگ محمد صلی الله علیه و آله عرضه شد؛ اما به دلیل گران بودنش، هیچ يك از آنها حاضر نشدند آن را بپذیرند، و محمد صلی الله علیه و آله و اُمّت او پذیرفتند. چون خداوند متعال، پذیرش آن را از جانب او و امتش دید، سنگینی آن را بر او سُبُک گردانید و به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: «پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش به او فرو فرستاده شده، ایمان دارد». سپس خداوند متعال، از سختی آیه ای که او و امتش آن را پذیرفتند، بر وی مهر آورد و دلسوزی نمود و خود از جانب او و امتش پاسخ داد که: «مؤمنان، همگی به خدا و فرشتگان و کتاب ها و فرستادگانش ایمان آورده اند». پس خداوند متعال فرمود: اگر چنین کنند، آمرزش و بهشت، برای ایشان باد! پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «شنیدیم و گردن نهادیم. پروردگارا! آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام، به سوی توست»؛ یعنی بازگشت در آخرت [را خواهیم]. پس خداوند متعال، به او پاسخ داد: چنین کردم. اُمّت تو بر دیگر اُمّت ها بیالند که آمرزش [خویش] را بر آنان، واجب ساختم. سپس خداوند متعال فرمود: اگر تو و اُمّت آن را بپذیرفتید؛ اما پیش تر، من، آن را بر پیامبران و اُمّت ها [ی گذشته] عرضه داشتم؛ لیکن آن را نپذیرفتند و بر من است که آن را از اُمّت تو بردارم. پس فرمود: «خداوند، بر هیچ کس، جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه به دست آورده، به سود او»؛ یعنی خوبی «و آنچه به دست آورده، به زیان اوست»؛ یعنی بدی. آن گاه، خداوند متعال به پیامبرش الهام فرمود که بگوید: «پروردگارا! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، ما را مؤاخذه مکن». پس خداوند سبحان فرمود: ای محمد! اُمّت های پیشین، هر گاه آنچه را به آنان یادآوری شده بود، فراموش می کردند، درهای عذاب را به رویشان می گشودم؛ اما به خاطر ارجمندی تو در نزد من، این [سُنّت خود] را در باره اُمّت تو کنار گذاشتم. پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: «پروردگارا! هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند، نهادی». مقصود از قید و بندها، سختی هایی است که بر دوش اُمّت های پیش از محمد بوده است. پس خداوند متعال فرمود: سختی هایی را که بر دوش اُمّت های گذشته بود، از دوش اُمّت تو برداشتم. بر آن اُمّت ها مقرر کرده بودم که هیچ عملی را از ایشان نپذیرم، مگر در نقاطی از زمین که خود برای ایشان انتخاب کرده بودم، هر چند در دوردست ها بودند، در حالی که تمام زمین را برای تو و اُمّت تو، پاک و سجده گاه قرار دادم. این، یکی از آن سختی ها بود که از اُمّت تو برداشتم. اُمّت های گذشته، قربانی های خود را بر

دوش خویش به بیت المقدس می بردند و قربانی هر کس را می پذیرفتم . آتشی می فرستادم که آن قربانی را بسوزاند ، و اگر آن را از او نمی پذیرفتم ، و او یلا گویان ، آن را بازمی گرداند ؛ اما قربانی امت تو را در شکم فقیران و مستمندانش قرار دادم . پس ، از هر کس این قربانی را بپذیرم ، چندین برابر به او پاداش می دهم و از هر کس نپذیرم ، کیفرهای دنیا را از او برمی دارم [و در دنیا عذابش نمی کنم] و این قید و بند را _ که بر امت های گذشته بود _ از امت تو برداشتم . بر امت های گذشته ، واجب بود که نمازهایشان را در دل شب و نیمه های روز بخوانند . این هم یکی از وظایف پُر مشقت آن امت ها بود ، در حالی که آن را از عهده امت تو برداشتم و بر آنان مقرر داشتم که نمازهایشان را در اوایل شب و روز ، آن گاه که سر حال و با نشاط اند ، بخوانند . بر امت های گذشته ، واجب بود که پنجاه نماز را در پنجاه وقت بخوانند ، و این یکی دیگر از تکالیف شاق آنها بود ، در حالی که این را از دوش امت تو برداشتم . امت های گذشته ، کار نیکشان يك پاداش داشت و کار بدشان يك مجازات ، در حالی که برای امت تو ، هر خوبی را ده پاداش قرار دادم و هر بدی را يك کیفر . امت های گذشته ، هر گاه فردی از آنان ، نیت کار نیک می کرد ، برایش [ثوابی] نوشته نمی شد و هر گاه آهنگ کار بدی می کرد ، آن را برایش می نوشتیم ، اگرچه به کار نمی بست ، در حالی که این [قاعده] را از امت تو برداشتم ، به طوری که هر گاه فردی از آنان آهنگ کار بدی کند ، اما انجامش ندهد ، به حسابش نوشته نمی شود ؛ اما هر گاه آهنگ کار نیکی کند ، اگرچه آن را انجام ندهد ، ثوابی برایش نوشته می شود . امت های گذشته ، هر گاه گناهی می کردند ، [گناهانشان] بر درهای [خانه های] آنان نوشته می شد و توبه آنان را از آن گناه ، این قرار دادم که دوست داشتنی ترین خوراکشان را بر آنها حرام می کردم . در امت های گذشته ، هر يك از افراد آن از يك گناهی که کرده بود ، يك صد تا دویست سال توبه می کرد و من ، بدون آن که در دنیا مجازاتش کنم ، توبه اش را نمی پذیرفتم ، در حالی که این را از امت تو برداشتم . در امت تو يك نفر ، يك صد گناه می کند ، سپس توبه می نماید و لحظه ای پشیمان می شود و من ، همه آن گناهانش را می آمرزم و توبه اش را می پذیرم . در امت های گذشته ، هر گاه کمترین نجسی ای به [جامه] آنها می رسید ، آن را [با اطرافش] از تن قیچی می کردند ، (3) در حالی که برای امت تو ، آب را مایه پاکیزگی از همه نجاست ها و خاک را هم در پاره ای اوقات ، قرار دادم . اینها از تکالیف پُرنجی بود که امت های پیشین داشتند و از امت تو برداشتم . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت : حال که این کارها را با من کردی ، پس بیشتر عطایم فرما! خداوند _ تبارک و تعالی _ به او الهام فرمود که بگوید : «پروردگارا ! و آنچه تاب آن را نداریم ، بر ما بار مکن و از ما درگذر» . خداوند متعال فرمود : این کار را هم با امت تو کردم و بلاهای بزرگ امت ها [ی گذشته] را از آنان برداشتم و این حکم من ، در باره همه امت هاست که به هیچ کس بیش از توانش تکلیف نکنم . پیامبر گفت : «و از ما درگذر و ما را بیامرز و بر ما رحمت آور که تویی سرور ما» . خداوند متعال فرمود : چنین کردم . به امت بر دیگر امت ها مباحات کن . پیامبر صلی الله علیه و آله گفت : «پس ، ما را بر گروه کافران ، یاری بخش» . خداوند متعال فرمود : «چنین کردم . ای احمد! امت تو را همانند خال سفید در گاو سیاه قرار دادم . آنان توانایند ، چیره اند ، به خدمت می گیرند و خود ، خدمتکار نمی شوند و این ، به پاس حرمتی است که تو نزد من داری . بر من است که دین تو را بر همه دین ها چیره گردانم ، چندان که در شرق و غرب زمین ، دینی جز دین تو بر جای نماند و [پیروان آن ادیان ، همگی] [زبونانه به پیروان دین تو ، جزیه پردازند] : «و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است ، نزد سِدرة المنتهی . در همان جا که جنة المأوی است . آن گاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود ، پوشیده بود . دیده [اش] منحرف نگشت و [از حد] در نگذشت . به راستی که [برخی] از آیات بزرگ پروردگار خود را دید» . ای مرد یهودی ! این ، بزرگ تر از مناجات او با موسی علیه السلام در طور سیناست . خداوند ، باز هم به محمد صلی الله علیه و آله عطا فرمود ، بدین ترتیب که پیامبران را مجسم ساخت و آنان ، پشت سر او به نماز ایستادند و بدو اقتدا کردند . در آن شب (معراج) ، بهشت و دوزخ را دید و [خداوند] او را آسمان به آسمان ، بالا بُرد و فرشتگان ، بر او سلام کردند . این مهم تر از آن (مناجات خدا با موسی علیه السلام) است» . یهودی گفت : خداوند متعال از جانب خود محبتی بر موسی افکند . امیر مؤمنان علیه السلام به او فرمود : «همین طور است ؛ اما بر محمد صلی الله علیه و آله نیز از جانب خود ، محبتی افکند و او را حبیب نامید . خداوند _ تبارک و تعالی _ چهره محمد صلی الله علیه و آله و امت او را به ابراهیم علیه السلام نشان داد . ابراهیم گفت : ای پروردگار ! در میان امت های پیامبران ، امتی به

این نورانیت ندیده ام. اینها کیستند؟ ندا آمد که: این، محمد، حبیب من است و در میان آفریدگانم حییی جز او ندارم. پیش از آن که آسمان و زمین را بیافرینم، او را دوست می داشتم و آن گاه که هنوز پدرت آدم، [در] گِل بود و جانی در وی روان نساخته بودم، او را پیامبر نامیدم. خداوند، در کتاب خود به جان او سوگند یاد کرده و فرموده است: «به عمر تو سوگند که آنان، در مستی خود سرگردان اند». یعنی به جان تو سوگند — ای محمد — و این بلندی و شرافت و مرتبت، از جانب خداوند عز و جل خود، کافی است». یهودی گفت: مرا خبر ده که خداوند متعال، با چه چیز، امت محمد صلی الله علیه و آله را بر دیگر امت ها برتری داد؟ علی علیه السلام فرمود: «خداوند — تبارک و تعالی — به چیزهای فراوانی، امت او را بر دیگر امت ها برتری داده است که من، اندکی از آن بسیار را برایت می گویم: یکی از آنها این فرموده خداوند — تبارک و تعالی — است: «شما، بهترین امتی هستید که برای مردم، پدید آورده شده اید: [چه این که] به کار پسندیده. فرمان می دهید». دیگر آن که: چون روز قیامت شود و خداوند، خلاق را در يك عرصه گرد آورد، خداوند متعال از پیامبران می پرسد: آیا [پیام من را] رساندید؟ می گویند: آری. از امت ها می پرسد [که: آیا آنان رساندند؟]. آنان می گویند: هیچ نوید دهنده و هشدار دهنده ای نزد ما نیامد. خداوند عز و جل — با آن که خود داناتر است — به پیامبران می فرماید: گواهانتان کیستند؟ می گویند: محمد و امت او. پس، امت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله گواهی دهند که آنان [پیام را] رساندند و گواهی دادن محمد صلی الله علیه و آله گواهی آنان را تأیید کند و در این هنگام، ایمان می آورند. خداوند عز و جل در این باره می فرماید: «تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر بر شما گواه باشد». می فرماید: محمد بر شما گواه باشد که پیام [الهی] را رساندید. دیگر آن که امت محمد، نخستین کسانی اند که حسابرسی می شوند و زودتر از همه امت های دیگر به بهشت در می آیند. دیگر آن که: خداوند عز و جل در شبانه روز، پنج نماز در پنج نوبت بر آنان واجب فرمود: دو نوبت در شب و سه نوبت در روز. سپس، این نمازهای پنجگانه را همسنگ پنجاه نماز قرار داد و آنها را کفاره گناهانشان گردانید. خداوند عز و جل می فرماید: «خوبی ها، بدی ها را از بین می برند»؛ یعنی نمازهای پنجگانه، کفاره گناهان شد، به شرط آن که بنده از گناهان بزرگ، دوری کند. دیگر آن که خداوند متعال، این را بر ایشان مقرر داشت که هر گاه بنده، آهنگ کار نیکی کند و آن را انجام ندهد، [ثواب] يك کار نیک را برایش می نویسد و اگر آن را انجام دهد، ده کار نیک و مانند آن تا هفتصد برابر و بیشتر برای او می نویسد. دیگر آن که خداوند عز و جل از این امت، هفتاد هزار نفر را بدون حسابرسی به بهشت می برد که چهره هایشان مانند ماه شب چهارده می درخشد و کسانی که از پی ایشان می روند، از نورانی ترین ستاره آسمان، نورانی ترند. اینان، امینان اویند و میانشان هیچ اختلاف و دشمنی ای نیست. دیگر آن که هر يك از ایشان، مرتکب قتل عمد شود، اگر اولیای دم مقتول بخواهند او را ببخشند، می توانند چنین کنند و اگر هم خواستند، می توانند دیه بگیرند، حال آن که در میان اهل تورات، یعنی همکیشان شما، قاتل باید کشته شود و بخشودن او یا دیه گرفتن از او جایز نیست. خداوند — تبارک و تعالی — فرمود: این، تخفیف و لطفی است از جانب پروردگار شما. دیگر آن که خداوند متعال، نصف فاتحة الكتاب را برای خودش قرار داد و نصفش را برای بنده اش. خداوند — تبارک و تعالی — فرموده است: من، این سوره را میان خود و بنده ام تقسیم کردم. پس هر گاه یکی از آنان گوید: «ستایش، خدا را»، مرا سپاس گفته است و هر گاه بگوید: «پروردگار جهانیان»، مرا شناخته است و هر گاه بگوید: «بخشنده مهربان»، مرا ستوده است و هر گاه بگوید: «صاحب روز جزا»، مرا ثنا گفته است و هر گاه بگوید: «تنها تو را بندگی می کنیم و فقط از تو یاری می طلبیم»، بنده ام به راستی مرا بندگی کرده؛ زیرا از من، درخواست نموده است. بقیه این سوره، از آن اوست. دیگر آن که خداوند — تبارک و تعالی — جبرئیل علیه السلام را به سوی پیامبر گرامی فرستاد که: امت را به زیبایی و شکوهمندی و بلندی و ارجمندی و پیروزی نوید ده. دیگر آن که خداوند عز و جل صدقاتشان را بر آنان روا شمرد که آن را بخورند و در شکم فقیرانشان قرار دهند و از صدقات بخورند و به دیگران بخوراند، در صورتی که امت های پیشین، صدقاتشان را به مکانی دور می بردند و در آتش می سوزاندند. دیگر آن که خداوند عز و جل شفاعت را به ایشان اختصاص داد و به دیگر امت ها نداد. خداوند — تبارک و تعالی —، با شفاعت پیامبرشان از گناهان بزرگ آنان در می گذرد. دیگر آن که روز قیامت گفته می شود: ستایشگران، پیش آیند. پس امت محمد صلی الله علیه و آله قبل از دیگر امت ها پیش می آیند، در

حالی که نوشته است : اَمّت محمّد ، ستایشگران اند . خداوند _ تبارك و تعالی _ را بر هر منزلتی می ستایند و در هر حالی او را به بزرگی یاد می کنند . آواز دهنده شان را در دلِ آسمان ، غلغله ای چون غلغله زنبوران عسل است . دیگر آن که خداوند _ تبارك و تعالی _ آنان را با [بلائی] گرسنگی ، نابود نمی کند ، بر گم راهی ، همداستانشان نمی سازد ، دشمن غیر خودی بر آنان مسلّط نمی گرداند ، کانون قدرتشان از بین بُرده نمی شود و [مرگِ با] طاعون را برایشان شهادت قرار داده است . دیگر آن که خداوند عز و جل برای هر يك از آنان که يك صلوات بر پیامبرشان بفرستد ، ده ثواب قرار می دهد و ده گناه از او پاک می کند . خداوند سبّحان ، همانند صلواتی که بر پیامبر گرامی فرستاده است ، به او برمی گرداند . دیگر آن که آنان را سه دسته قرار داد : دسته ای که به خود ، ستم می کنند ؛ دسته ای که میانه رُوند ؛ و دسته ای که در کارهای نيکِ پيشتازند . پيشتازِ در کارهای نيک ، بدون حسابرسی وارد بهشت می شود ، میانه رو ، حسابرسی اندکی می شود ، و ستمکارِ به خویش ، به خواست خداوند متعال ، آمرزیده می شود . دیگر آن که خداوند عز و جل توبه آنان را در پشیمانی و آمرزش خواهی و ادامه ندادن [بر گناه] قرار داد ، در حالی که توبه بنی اسرائیل ، این بود که خود را بکشند . دیگر آن که خداوند عز و جل به پیامبر صلی الله عليه و آله فرمود : این اَمّت تو رحمت شده است . عذابشان در دنیا ، زلزله و فقر است . «

- 1- .. طور ، کوهی است در شبه جزیره سینا که در گذشته ، جزء فلسطین بوده ؛ اما امروزه در کشور مصر ، واقع شده است .
- 2- .. درختی است در انتهای بهشت و علمِ اوّلین و آخرین به او منتهی می شود (النهاية : ج 2 ص 353 ماده «سدر») .
- 3- .. ظاهراً ضمیر در «قرضوه» _ که در متن عربی حدیث آمده _ ، به «نجس» برمی گردد ؛ یعنی نجاست و آثار آن را می کنند و یا قیچی می کردند . احتمال دارد مراد از قیچی کردن ، پاک کردن جای نجس شده با سَفال یا سنگ ، با شدّت و سختی باشد ، به گونه ای که منجر به سایش و یا حتّی کنده شدن پوست شود و شستن با آب را کافی نمی دانسته اند ؛ اما این که در روایات آمده است که بنی اسرائیل ، وقتی با يك قطره ادرار ، نجس می شدند ، گوشتِ قسمتِ نجس شده بدنشان را می بُریدند ، احتمال دارد در نقل به معنای حدیث ، از جانب راویان ، سهوی صورت گرفته باشد و مراد از کُندن ، برداشتن عین نجاست و اثر آن باشد .

مستدرك الوسائل: قَالَ جَبْرِئِيلُ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: أُعْطِيتُ أُمَّتَكَ مَا لَمْ أُعْطِهِ أُمَّةٌ مِنَ الْأُمَمِ، فَقَالَ: وَمَا ذَاكَ يَا جَبْرِئِيلُ؟ قَالَ: قَوْلُهُ تَعَالَى: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» (1)، وَلَمْ يَقُلْ هَذِهِ لِأَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ. (2)

الزهد لابن المبارك عن أبي سعيد مولى ابن عامر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَفَى بِهَا مِنْ نِعْمَةٍ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام في الدعاء _: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ، بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ، وَلَا يَقْوَتْهَا شَيْءٌ وَإِنْ لُطِفَ، فَخَتَمَ بِنَا عَلَى جَمِيعِ مَنْ ذَرَأَ، وَجَعَلَنَا شُهَدَاءَ عَلَى مَنْ جَحَدَ، وَكَثَّرْنَا بِمَنِّهِ عَلَى مَنْ قَلَّ. (4)

1- البقرة: 152 .

2- مستدرك الوسائل: ج 5 ص 286 ح 5871 نقلاً عن مجموعة الشهيد .

3- الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص 113 ح 378 .

4- الصحيفة السجادية: ص 25 الدعاء 2 .

مستدرک الوسائل: جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خدای متعال می فرماید: «به اُمّت تو چیزی دادم که آن را به هیچ يك از اُمّت ها نداده ام». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آن چیست، ای جبرئیل؟ گفت: این فرموده خدای متعال: «به یاد من باشید تا به یاد شما باشم»، و این را به هیچ يك از اُمّت ها نگفته است.

الزهد، ابن مبارک_ به نقل از ابو سعید، وابسته ابن عامر_: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر مردی گذشت که می گفت: خداوند را سپاس که مرا از اُمّت محمد، قرار داد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نعمت اُمّت محمد بودن، خود، کافی از هر نعمتی است».

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعا_: سپاس، خداوند را که به قدرت خویش، نعمت وجود پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را به ما بخشید و نه به اُمّت های گذشته و نسل های پیشین؛ قدرتی که از هیچ کاری ناتوان نیست، هر چند سترگ باشد و هیچ چیز از چنگ او نمی رَهد، هر چند خُرد باشد. پس ما را پایان همه آفریدگانش قرار داد و بر منکران، گواهمان ساخت و به لطف خویش، ما را فزونی داد و دیگران را فرو کاست.

الفصل السابع : خصائص أمة محمد صلى الله عليه وآله التشريعية الكتاب «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» . (1)

«شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُم وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» . (2)

«لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» . (3)

الحديث الإمام الصادق عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ أَعْطَىٰ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَرَائِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ؛ التَّوْحِيدَ وَالْإِخْلَاصَ وَخَلَعَ الْأَنْدَادَ ، وَالْفِطْرَةَ الْحَنِيفِيَّةَ السَّمْحَةَ ، وَلَا رَهْبَانِيَّةَ وَلَا سِيَّاحَةَ . أَحَلَّ فِيهَا الطَّيِّبَاتِ وَحَرَّمَ فِيهَا الْخَبَائِثَ ، وَوَضَعَ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (4) ، ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْهِ فِيهَا الصَّلَاةَ وَالزَّكَاةَ وَالصِّيَامَ وَالْحَجَّ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَالْمَوَارِيثَ وَالْحُدُودَ وَالْفَرَائِضَ وَالْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَزَادَهُ الْوُضُوءَ ، وَفَضَّلَهُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ ، وَبِخَوَاتِيمِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ وَالْمُفَصَّلِ (5) ، وَأَحَلَّ لَهُ الْمَغْنَمَ وَالْفَيْءَ ، وَنَصَرَهُ بِالرُّعْبِ ، وَجَعَلَ لَهُ الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَطَهُورًا ، وَأَرْسَلَهُ كَافَّةً إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَالْحِجْنَ وَالْإِنْسِ ، وَأَعْطَاهُ الْجَزِيَّةَ وَأَسْرَ الْمُشْرِكِينَ وَفَدَاهُمْ ، ثُمَّ كَلَّفَ مَا لَمْ يُكَلَّفَ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ ، وَأُنْزِلَ عَلَيْهِ سَيْفٌ مِنَ السَّمَاءِ فِي غَيْرِ غَمْدٍ ، وَقِيلَ لَهُ : «قَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسُكَ» (6) . (7)

1- الأعراف : 157 .

2- البقرة : 185 .

3- البقرة : 286 .

4- إشارة إلى الآية 157 من سورة الأعراف .

5- قال الطريحي : في الحديث : «فُضِّلْتُ بِالْمَفْصَلِ» ، قيل : سُمِّيَ بِهِ لِكَثْرَةِ مَا يَقَعُ فِيهِ مِنْ فُصُولِ التَّسْمِيَةِ بَيْنَ السُّورِ ، وَقِيلَ : مَفْصَلُ الْقُرْآنِ مِنْ سُورَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى آخِرِ الْقُرْآنِ (مجمع البحرين : ج 3 ص 1397 «فصل»).

6- النساء : 84 .

7- الكافي : ج 2 ص 17 ح 1 ، المحاسن : ج 1 ص 448 ح 1035 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 330 ح 26 وراجع : مكارم الأخلاق : ج 1 ص 140 ح 361 .

فصل هفتم: ویژگی های اَمتِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله در احکام شرعی

فصل هفتم: ویژگی های اَمتِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله در احکام شرعیقرآن «همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده _ که [نام او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند _ پیروی می کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده، فرمان می دهد و از کار ناپسند، باز می دارد و برای آنان، چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام می گرداند و از [دوش] آنان، قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است، برمی دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاری اش کردند و نوری را که با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان، همان رستگاران اند».

«ماه رمضان [همان ماهی] است که در آن، قرآن، فرو فرستاده شده است؛ [کتابی] که مردم را راهبر است و [متضمّن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند، باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است، [باید به شماره آن،] تعدادی از روزهای دیگر را [روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما، دشواری نمی خواهد؛ تا شماره [ی مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آن که ره نموتان کرده است، به بزرگی بستایید؛ و باشد که شکرگزاری کنید».

«خداوند، بر هیچ کس، جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده، به سود اوست و آنچه [از بدی] به دست آورده، به زیان اوست. پروردگار! اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم، بر ما مگیر. پروردگار! هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند، نهادی. پروردگار! و آنچه تاب آن را نداریم، بر ما تحمیل مکن و از ما در گذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور. سرور ما تویی. پس ما را بر گروه کافران، پیروز کن».

حدیثامام صادق علیه السلام: خداوند _ تبارک و تعالی _ شریعت های نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را به مُحَمَّد داد: یکتاپرستی و اخلاص و نفی [وجود] شریکان [برای خدا]، و آیین راستین آسان. نه رهبانیت رواست، نه گوشه نشینی. چیزهای پاکیزه را در این شریعت ها روا شمرد و ناپاک ها را ناروا دانست و کُند و زنجیرهایی را که بر آنان بود، از ایشان (اَمت اسلام) برداشت. (1) آن گاه، در این [شریعت] بر او (مُحَمَّد صلی الله علیه و آله) نماز و زکات و روزه و حج و امر به معروف و نهی از منکر و حلال و حرام و میراث ها و حدود و فرائض و جهاد در راه خدا را واجب فرمود. افزون بر اینها، وضو و فاتحة الكتاب و آیات پایانی سوره بقره و سوره های پُر بند (2) را به او عطا فرمود و غنیمت و فِیء را برای او روا شمرد و او را با رعب [افکندن در دل دشمن]، نصرت بخشید و زمین [و خاک] را برایش سجده گاه و [نیز] پاك کننده [در تیمم] قرار داد و به سوی همگان، از سفید و سیاه، و جنّ و انس، فرستاد و [اجازه] گرفتن جزیه و اسیر کردن مشرکان و فدیّه گرفتن از آنها را به او داد. سپس، تکلیفی به او محوّل شد که به هیچ يك از پیامبران، محوّل نشد و از آسمان، شمشیری بدون غلاف برایش فرود آورده و به او گفته شد: «در راه خدا بجنگ. جز عهده دار خود نیستی».

1- .. اشاره است به آیه 157 سوره اعراف.

2- .. از سوره مُحَمَّد یا فتح تا آخر قرآن، سوره هایی که دارای آیه های کوتاه تر یا فصل های (بندهای) بیشتری هستند.

الإمام علي عليه السلام من خطبة له في صفة النبي وأهل بيته وأتباع دينه _ :إبتعته بالنور المضىء ، والبُرهان الجلي ، والمنهاج البادي ، والكتاب الهادي . أسرته خير أسرة ، وشجرته خير شجرة ؛ أغصانها معتدلة ، وثمارها متهدلة . مولده بمكة ، وهجرته بطيبة (1) ، علا بها ذكره ، وامتد منها صوته . أرسله بحجة كافية ، وموعظة شافية ، ودعوة متلافية . أظهر به الشرائع المجهولة ، وقمع به البدع المدخولة ، وبين به الأحكام المفصولة ؛ فمن يبتغ غير الإسلام دينا تتحقق به قوته ، وتتفصم عروته ، وتعظم كبوته ، ويكن مآبه إلى الحزن الطويل ، والعذاب الويل . (2)

1- .طيبة : أمر النبي صلى الله عليه وآله أن تسمى المدينة طيبة وطابة ؛ وهما من الطيب ، لأن المدينة كان اسمها يثرب ، والشرب : الفساد (النهاية : ج 3 ص 149 «طيب»).

2- .نهج البلاغة : الخطبة 161 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 222 ح 58 .

امام علی علیه السلام در خطبه ای در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان او و پیروان دینش _ او را با نور تابان ، برهان آشکار ، راه هویدا و کتاب راه نما فرستاد . خاندانش ، بهترین خاندان اند و درختش (تیره و قبیله اش) ، بهترین درخت ؛ شاخه هایش راست و میوه هایش آویزان (در دسترس) است . زادگاهش مکه است و هجرتگاهش طَیْبَه . (1) در آن جا ، نام او بلند شد و صدایش از آن جا [به همه جا] کشیده شد . خداوند ، او را با حجتی بسنده و اندرزی شفافبخش و دعوتی اصلاحگر فرستاد . به واسطه او مقررات و شریعت های ناشناخته را پدیدار نمود و بدعت های مجعول را در هم کوبید و احکام قطعی را بیان فرمود . پس هر که جز اسلام ، دینی بجوید ، به رنج و فلاکت درمی افتد و دستگیره اش از هم می گسلد و سخت به سر درمی آید و فرجامش ، اندوه بی پایان و عذاب شدید باشد .

1- .. به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله شهر یثرب ، «طَیْبَه» و «طابه» نامیده شد که از «طیب» به معنای «پاکی» گرفته شده است ؛ چون «یثرب» به معنای «فساد» است .

الإقبال_ في ذكرِ صَ حَيْفَةِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّتِي وَرِثَهَا شَيْثٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالَّتِي كَانَتْ عِنْدَ رُسُلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى نَجْرَانٍ وَالَّتِي كَانَتْ فِيهَا _ :بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، مُعَقِّبُ الدُّهُورِ وَفَاصِلُ الْأُمُورِ ، سَبَقْتُ بِمَشِيَّتِي الْأَسْبَابَ ، وَذَلَّلْتُ بِقُدْرَتِي الصَّعَابَ ، فَأَنَا الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، إِرْحَمْ تُرْحَمَ ، سَبَقْتُ رَحْمَتِي غَضَبِي ، وَعَفَوِي عُقُوبَتِي ، خَلَقْتُ عِبَادِي لِعِبَادَتِي ، وَالزَّمَنُ لَهُمْ حُجَّتِي ، أَلَا إِنِّي بَاعْتُ فِيهِمْ رُسُلِي ، وَمُنَزَّلٌ عَلَيْهِمْ كُتُبِي ، أُبْرِمُ (1) ذَلِكَ مِنْ لَدُنْ أَوَّلِ مَذْكُورٍ مِنْ بَشَرٍ إِلَى أَحْمَدَ نَبِيِّي وَخَاتَمِ رُسُلِي ، ذَاكَ الَّذِي أَجْعَلُ عَلَيْهِ صَ لَمَوَاتِي وَأُسْلِكُ فِي قَلْبِهِ بَرَكَاتِي ، وَبِهِ أَكْمَلُ أَنْبِيَائِي وَنُذْرِي . قَالَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إلهي ، مَنْ هَؤُلَاءِ الرُّسُلُ؟ وَمَنْ أَحْمَدُ هَذَا الَّذِي رَفَعْتَ وَشَرَّفْتَ؟ قَالَ : كُلُّ مَنْ دُرِّيَّتِكَ ، وَأَحْمَدُ عَاقِبُهُمْ [وَوَارِثُهُمْ] (2) . قَالَ : رَبِّ ، بِمَا أَنْتَ بَاعْتَهُمْ وَمُرْسِلَهُمْ؟ قَالَ : بِتَوْحِيدِي ، ثُمَّ أَقْفِي ذَلِكَ بِثَلَاثِمِئَةٍ وَثَلَاثِينَ شَرِيعَةً ، أَنْظِمُهَا وَأُكْمِلُهَا لِأَحْمَدَ جَمِيعًا ، فَأَذِنْتُ لِمَنْ جَاءَنِي بِشَرِيعَةٍ مِنْهَا مَعَ الْإِيمَانِ بِي وَبِرُسُلِي أَنْ أَدْخِلَهُ الْجَنَّةَ . (3)

1- .أُبْرِمْتُ الْعَقْدَ : أَحْكَمْتُهُ (المصباح المنير : ص 45 «برم»).

2- . ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار .

3- .الإقبال : ج 2 ص 334 ، بحار الأنوار : ج 26 ص 310 ح 77 .

الإقبال_ در یادکرد از کتاب آدم علیه السلام که شیث ، آن را به ارث بُرد و نزد فرستادگان محمد صلی الله علیه و آله به نجران بود و در آن آمده است _ : به نام خدای بخشنده مهربان . منم خدا که معبودی جز من نیست . زنده و پایدارم . در پی هم آورنده روزگاران و جدا کننده کارهایم . خواست خود را بر سبب ها پیش افکنده ام و با قدرت خویش ، سختی ها را رام و مقهور ساخته ام . پس منم شکست ناپذیر استوارکار بخشنده مهربان . رحم کن تا به تو رحم شود . مهر من ، بر خشم من و گذشتم بر کیفرم پیشی دارد . بندگانم را برای این آفریده ام که مرا پرستش کنند و حجتّم را بر آنان تمام کردم . فرستادگان خویش را در میانشان برانگیختم و کتاب هایم را بر آنان فرو فرستادم و این را از زمان نخستین بشری که آفریدم تا پیامبرم و خاتم فرستادگانم احمد ، ادامه دادم ؛ همو که درودهایم را برای او قرار دادم و برکت هایم را در دلش روان ساختم و [سلسله] پیامبرانم و هشدار دهندگانم [رسولان] را به واسطه او کامل کردم . آدم علیه السلام گفت : معبودا ! این فرستادگان ، کیستند؟ و این احمد که او را بزرگی و ارجمندی بخشیدی ، کیست؟ خداوند فرمود : «همگی از نسل تو هستند و احمد ، واپسین آنها و وارث آنهاست» . گفت : پروردگارا ! آنان را برای چه [پیامی] بر می انگیزی و می فرستی؟ فرمود : «برای [ابلاغ] یکتایی ام ، و برای این کار ، سیصد و سی شریعتِ پیاپی می فرستم و همه آنها را در شریعت احمد ، منظم و کامل می گردانم . پس برای کسی که با یکی از این شریعت ها ، همراه با ایمان به من و به فرستادگانم ، نزد من بیاید ، روا دارم که او را به بهشت درآورم» .

كمال الدين عن عبد العظيم بن عبد الله الحسني: دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ [الهادي] عليه السلام، فَلَمَّا بَصُرَ بِي قَالَ لِي: مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ، أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَعْرِضَ عَلَيْكَ دِينِي، فَإِنْ كَانَ مَرْضِيًّا ثَبَّتُ عَلَيْهِ حَتَّى أَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: هَاتِ يَا أَبَا الْقَاسِمِ. فَقُلْتُ: إِنِّي أَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ... وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَأَنَّ شَرِيعَتَهُ خَاتِمَةُ الشَّرَائِعِ فَلَا شَرِيعَةَ بَعْدَهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ... فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَبَا الْقَاسِمِ، هَذَا وَاللَّهِ دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِعِبَادِهِ، فَاثْبَتْ عَلَيْهِ، ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ. (1)

الكافي عن سماعة بن مهران: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ» (2)؟ فَقَالَ: نُوحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَمُوسَى وَعِيسَى وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ. قُلْتُ: كَيْفَ صَارُوا أُولِي الْعَزْمِ؟ قَالَ: لِأَنَّ نُوحًا بُعِثَ بِكِتَابٍ وَشَرِيعَةٍ، وَكُلُّ مَنْ جَاءَ بَعْدَ نُوحٍ أَخَذَ بِكِتَابِ نُوحٍ وَشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ. حَتَّى جَاءَ إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالصُّحُفِ وَبِعَزِيمَةِ تَرْكِ كِتَابِ نُوحٍ، لَا كُفْرًا بِهِ، فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَذَ بِشَرِيعَةِ إِبْرَاهِيمَ وَمِنْهَاجِهِ وَبِالصُّحُفِ. حَتَّى جَاءَ مُوسَى بِالتَّوْرَةِ وَشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ، وَبِعَزِيمَةِ تَرْكِ الصُّحُفِ، وَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَذَ بِالتَّوْرَةِ وَشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ. حَتَّى جَاءَ الْمَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْإِنْجِيلِ، وَبِعَزِيمَةِ تَرْكِ شَرِيعَةِ مُوسَى وَمِنْهَاجِهِ، فَكُلُّ نَبِيٍّ جَاءَ بَعْدَ الْمَسِيحِ أَخَذَ بِشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ. حَتَّى جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَاءَ بِالْقُرْآنِ وَبِشَرِيعَتِهِ وَمِنْهَاجِهِ، فَحَلَالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَهَؤُلَاءِ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. (3)

-
- 1- كمال الدين: ص 379 ح 1، التوحيد: ص 81 ح 37، صفات الشيعة: ص 127 ح 68، الأُمالي للصدوق: ص 419 ح 557، بحار الأنوار: ج 36 ص 412 ح 2.
 - 2- الأحقاف: 35.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 17 ح 2، المحاسن: ج 1 ص 420 ح 963، بحار الأنوار: ج 16 ص 353 ح 38.

کمال الدین_ به نقل از عبد العظیم بن عبد الله حسنی _ : خدمت سرورم امام هادی علیه السلام رسیدم . چشمش که به من افتاد ، فرمود : «خوش آمدی ، ای ابو القاسم ! تو حقیقتاً دوست مایی» . گفتم : ای فرزند پیامبر خدا ! می خواهم دینم را بر تو عرضه بدارم که اگر [برای شما] رضایتبخش بود ، تا زنده هستم ، بر آن ، پایداری ورزم . فرمود : «بگو ، ای ابو القاسم!» . گفتم : من معتقدم که خداوند _ تبارک و تعالی _ یکی است و هیچ چیزی همانند او نیست ... و محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او و خاتم پیامبران است و پس از او ، تا روز رستاخیز ، پیامبری نخواهد آمد و شریعت او پایان بخش همه شریعت هاست ، و تا قیام قیامت ، دیگر هیچ شریعتی نخواهد آمد امام هادی صلی الله علیه و آله فرمود : «ای ابو القاسم ! به خدا سوگند ، این ، همان دینی است که خداوند آن را برای بندگان برگزیده و پسندیده است . پس بر آن پایدار بمان . خداوند ، در زندگی دنیا و آخرت ، تو را بر عقیده حق ، پایدار بدارد» .

الکافی_ به نقل از سماعة بن مهران _ : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که : «پس تو نیز شکیبایی کن ، چنان که فرستادگان اولو العزم ، شکیبایی کردند» . فرمود : «[پیامبران اولو العزم ، عبارت اند از : نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد _ که درود بر او و خاندان او و بر این پیامبران باد _» . گفتم : چرا اینان ، اولو العزم هستند ؟ فرمود : «چون نوح با کتاب و شریعت ، فرستاده شد و هر پیامبری که پس از نوح آمد ، کتاب و شریعت و روش او را ادامه داد ، تا آن که ابراهیم علیه السلام با صُحُف و به عزم کنار نهادن کتاب نوح آمد ، نه از باب کافر شدن به آن کتاب . سپس هر پیامبری که پس از ابراهیم علیه السلام آمد ، شریعت و روش ابراهیم و [پیروی از] صُحُف را ادامه داد ، تا آن گاه که موسی علیه السلام با تورات و شریعت و روش خاص خود و به عزم کنار نهادن صُحُف آمد . آن گاه ، هر پیامبری که پس از موسی علیه السلام آمد ، تورات و شریعت و روش او را ادامه داد ، تا آن که مسیح علیه السلام با انجیل و به عزم کنار نهادن شریعت و روش موسی علیه السلام آمد . سپس ، هر پیامبری پس از مسیح علیه السلام آمد ، شریعت و روش او را دنبال کرد تا آن که محمد صلی الله علیه و آله آمد و قرآن را و شریعت و روش خاص خود را آورد و از آن پس ، حلال او تا روز قیامت ، حلال و حرامش تا قیام قیامت ، حرام است . پس پیامبران اولو العزم ، اینان هستند» .

الكافي عن زرارة: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، فَقَالَ: حَلَالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَحَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَلَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا فَخَتَمَ بِهِ الْأَنْبِيَاءَ فَلَا نَبِيَّ بَعْدَهُ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَابًا فَخَتَمَ بِهِ الْكُتُبَ فَلَا كِتَابَ بَعْدَهُ، أَحَلَّ فِيهِ حَلَالًا، وَحَرَّمَ حَرَامًا، فَحَلَالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَحَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فِيهِ شَرْعُكُمْ، وَخَبَرُ مَنْ قَبْلَكُمْ وَبَعْدَكُمْ. (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ، أَلَا- إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ، وَسَنَّ سُنَنًا، وَحَدَّ حُدُودًا، وَأَحَلَّ حَلَالًا، وَحَرَّمَ حَرَامًا، وَشَرَعَ الدِّينَ فَجَعَلَهُ سَهْلًا سَمَحًا وَاسِعًا، وَلَمْ يَجْعَلْهُ ضَيِّقًا. (3)

المصنّف لعبد الرزاق عن محمد بن واسع: إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! جَرُّ مُحَرَّمٌ (4) جَدِيدٌ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ تَتَوَضَّأَ مِنْهُ، أَوْ مِمَّا يَتَوَضَّأُ النَّاسُ مِنْهُ أَحَبُّ؟ قَالَ: أَحَبُّ الْأَدْيَانِ إِلَى اللَّهِ الْخَنَفِيَّةُ، قِيلَ: وَمَا الْخَنَفِيَّةُ؟ قَالَ: السَّمْحَةُ، قَالَ: الْإِسْلَامُ الْوَاسِعُ. (5)

1- الكافي: ج 1 ص 58 ح 19.

2- بحار الأنوار: ج 93 ص 3 نقلاً عن تفسير النعماني عن إسماعيل بن جابر.

3- المعجم الكبير: ج 11 ص 170 ح 11532، مسند أبي يعلى: ج 3 ص 50 ح 2452 كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 15 ص 940 ح 43617.

4- التخمير: التغطية (النهاية: ج 2 ص 77 «خمر»).

5- المصنّف لعبد الرزاق: ج 1 ص 74 ح 338.

الكافی_ به نقل از زُراره _ : از امام صادق علیه السلام در باره حلال و حرام پرسیدم . فرمود : «حلالِ مُحَمَّد برای همیشه ، تا روز قیامت ، حلال است و حرام او برای همیشه ، تا روز قیامت ، حرام است . جز آن ، حلال و حرامی نیست و جز آن ، حلال و حرامی نمی آید (/ جز او پیامبری نمی آید) .»

امام صادق علیه السلام : خداوند _ تبارك و تعالی _ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله را فرستاد و سلسله پیامبران را بدو ختم کرد . بنا بر این ، بعد از او پیامبری نیست . نیز کتابی را بر او فرو فرستاد و آن را پایان بخش همه کتاب ها [ی آسمانی] قرار داد . بنا بر این ، پس از آن دیگر کتابی نمی آید . در این کتاب ، حلالی قرار داد و حرامی وضع کرد . پس حلال آن ، تا قیام قیامت ، حلال است و حرامش ، تا قیام قیامت ، حرام . شریعت (احکام و مقررات) شما در این کتاب است و اخبار پیشینیان و پسینیان شما در آن آمده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل حق هر حقّی را به او داد . بدانید که خداوند ، وظایفی را مقرر داشت و قوانینی را بر نهاد و حدودی را تعیین نمود و چیزهایی را حلال و چیزهایی را حرام قرار داد و دین را وضع کرد و آن را نرم و آسان و گسترده ، قرار داد و تنگ قرارش نداد .

المصنّف ، عبد الرزاق _ به نقل از مُحَمَّد بن واسع _ : مردی گفت : ای پیامبر خدا ! دوست تر می داری که از يك سبوی درپوشدارِ نو وضو بگیری یا از آنچه [بقیه] مردم وضو می گیرند؟ فرمود : «محبوب ترین دین ها نزد خداوند ، دین حنیف است» . گفتند : حنیف چیست؟ فرمود : «آسانگیر» . [سپس] فرمود : «اسلام فراخ» .

مسند ابن حنبل عن ابن عباس: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الْأَدْيَانِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: [\(1\)](#) الْحَنِيفِيَّةُ السَّمْحَةُ.

المعجم الأوسط عن ابن عمر: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْوُضُوءُ مِنْ جَرِّ جَدِيدٍ مُخَمَّرٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ، أَمْ مِنَ الْمَطَاهِرِ؟ فَقَالَ: لَا، بَلْ مِنَ الْمَطَاهِرِ؛ إِنَّ دِينَ اللَّهِ الْحَنِيفِيَّةُ السَّمْحَةُ. [\(2\)](#)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا زِمَامَ وَلَا خِزَامَ وَلَا زَهَابِيَّةَ وَلَا تَبْتُلَ وَلَا سِيَاحَةَ فِي الْإِسْلَامِ. 3

-
- 1- .مسند ابن حنبل: ج 1 ص 508 ح 2107، الأدب المفرد: ص 94 ح 287، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 199 ح 569، المعجم الأوسط: ج 7 ص 229 ح 7351 عن أبي هريرة، نحوه كنز العمال: ج 1 ص 178 ح 899.
 - 2- .المعجم الأوسط: ج 1 ص 242 ح 794، حلية الأولياء: ج 8 ص 203 الرقم 408.

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابن عباس _ : به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفته شد : کدام دین ، نزد خدا محبوب تر است ؟ فرمود : «دین راستینِ آسانگیر» .

المعجم الأوسط_ به نقل از ابن عمر _ : گفتم : ای پیامبر خدا ! وضو گرفتن از سبوی نو در پوشدار را دوست تر می داری یا از آفتابه ها را ؟ فرمود : «از آفتابه ها را . دین خدا ، راستین و آسانگیر است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مهار زدن [بر خود] ، حلقه در بینی کردن ، رهبانیت ، ترك زن کردن و گوشه نشینی ، در اسلام نیست. 1

المعجم الكبير عن سعيد بن العاص: إِنَّ عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ (1) قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ائْذَنْ لِي فِي الْإِخْتِصَاءِ (2)، فَقَالَ لَهُ: يَا عُثْمَانُ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبَدَلَنَا بِالرَّهْبَانِيَّةِ الْحَنْفِيَّةِ (3) السَّمْحَةَ، وَالتَّكْبِيرَ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ، فَإِنْ كُنْتَ مِنْهَا فَاصْنَعْ كَمَا نَصْنَعُ. (4)

عوالي اللآلي: رُوِيَ أَنَّ الْقِصَاصَ كَانَ فِي شَرْعِ مُوسَى [حَتْمًا] (5)، وَالْدِّيَّةَ حَتْمًا كَانَ فِي شَرْعِ عِيسَى، فَجَاءَتِ الْحَنْفِيَّةُ السَّمْحَةُ بِتَسْوِغِ الْأَمْرَيْنِ (6). (7)

كتاب من لا يحضره الفقيه: سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْتَوْضَأُ مِنْ فَضْلِ وُضُوءِ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ أَحَبُّ إِلَيْكَ، أَوْ يُتَوَضَّأُ مِنْ رُكُوعِ (8) أَيْضًا مُخَمَّرٍ؟ فَقَالَ: لَا، بَلْ مِنْ فَضْلِ وُضُوءِ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ أَحَبَّ دِينِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْحَنْفِيَّةُ السَّمْحَةُ السَّهْلَةُ. (9)

- 1- عثمان بن مظعون بن حبيب بن وهب الجمحي، أبو السائب: صحابي، كان من حكماء العرب في الجاهلية، يحرم الخمر، وأسلم بعد ثلاثة عشر رجلاً، وهاجر إلى أرض الحبشة مرتين. وأراد التبتل والسياسة في الأرض زهداً بالحياة، فمنعه رسول الله، فاتخذ بيتاً يتعبد فيه، فأتاه النبي صلى الله عليه وآله فأخذ بعضادتي البيت، وقال: يا عثمان، إن الله لم يعثني بالرهبانة (مرتتين أو ثلاثاً) وإن خير الدين عند الله الحنفية السمحة. وشهد بدرًا. ولما مات جاءه النبي صلى الله عليه وآله عليه وآله فقبله ميتاً، حتى رويت دموعه تسيل على خد عثمان. وهو أول من مات بالمدينة من المهاجرين، وأول من دفن بالبقيع منهم (الأعلام للزركلي: ج 4 ص 214).
- 2- خصيت الفحل خِصَاءً: إذا سللت خُصْيَيْهِ (الصحيح: ج 6 ص 2328 «خصي»).
- 3- في كنز العمال: «الحنفية» بدل «الحنفية».
- 4- المعجم الكبير: ج 6 ص 62 ح 5519، كنز العمال: ج 3 ص 47 ح 5419.
- 5- أثبتنا ما بين المعقوفين من تفسير الصافي: ج 1 ص 216 نقلاً عن المصدر.
- 6- قيل: كتب على اليهود القصاص وحده وعلى النصارى العفو مطلقاً، وخُيِّرَت هذه الأمة بينهما [القصاص والعفو] وبين الدية تيسيراً عليهم وتقديراً للحكم على مراتبهم (تفسير البيضاوي: ج 1 ص 166. وراجع: تفسير الآلوسي: ج 2 ص 51).
- 7- عوالي اللآلي: ج 1 ص 387 ح 18.
- 8- الرُّكُوءُ: إناء صغير من جلد يُشْرَبُ فيه الماء (النهاية: ج 2 ص 261 «ركا»).
- 9- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 12 ح 16، وسائل الشيعة: ج 1 ص 210 ح 537.

المعجم الكبير_ به نقل از سعید بن عاص _ :عثمان بن مظعون (1) گفت : ای پیامبر خدا ! اجازه می دهی که خودم را خواجه سازم . فرمود : «ای عثمان! خداوند به ما ، به جای رهبانیت ، آیین راستین آسانگیر و تکبیر گفتن بر هر بلندی را داده است . پس اگر از ما هستی ، همان کاری را بکن که ما می کنیم» .

عوالی اللالی :روایت شده است که قصاص در شریعت موسی علیه السلام لازم الإِجرا بود و دیه در شریعت عیسی علیه السلام ؛ اما آیین راستین تسامح پذیر ، هر دو را تجویز کرد . (2)

کتاب من لا یحضره الفقیه :از امام علی علیه السلام پرسیده شد : آیا وضو گرفتن از اضافه آب وضوی عموم مسلمانان را خوش تر می داری یا وضو گرفتن از مشکچه سفید سرپوشیده را؟ فرمود : «[وضو گرفتن] از اضافه آب وضوی عموم مسلمانان را ؛ زیرا محبوب ترین دین شما نزد خداوند ، [دین] حنیف تسامح پذیر آسان است» .

1- .. ابو سائب عثمان بن مظعون بن حبيب بن وهب جمحی ، از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و از خردمندان عرب در زمان جاهلیت بود . او شراب را حرام می دانست و پس از سیزده نفر ، اسلام آورد . وی دوبار به حبشه هجرت کرد . او از سر زهد و بی رغبتی به زندگی ، خواست ازدواج را ترك کند و صحراگردی اختیار کند ؛ اما پیامبر خدا ، او را از این کار ، منع فرمود . لذا عثمان ، اتاقی درست کرد و به عبادت پرداخت . پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او آمد و دو چارچوب در اتاق را گرفت و فرمود : «ای عثمان ! خداوند ، مرا برای رهبانیت نفرستاده است» . این جمله را دو یا سه بار فرمود و افزود : بهترین دین نزد خداوند ، آیین راستین تسامح پذیر است» . عثمان بن مظعون ، در جنگ بدر شرکت داشت و بعد از جنگ ، هنگامی که مُرد ، پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه او حاضر شد و او را بوسید و حتی دیده شد که اشك های ایشان بر گونه عثمان ، جاری شد . او نخستین مهاجری است که در مدینه درگذشت و نخستین مهاجری است که در بقیع ، دفن شد .

2- .. می گویند : بر یهود ، فقط حکم قصاص واجب شد و بر نصارا ، حکم عفو و این امت ، میان این دو (قصاص و عفو) و دیه ، مخیر شدند .

الإمام علي عليه السلام - من خطبة له يُبين فيها فضل الإسلام - :الحمد لله الذي شرع الإسلام ، فسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ ... (1)

المعجم الكبير عن محجن بن الأدرع :قال رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى رَضِيَ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ الْيُسْرَ ، وَكَرِهَ لَهَا الْعُسْرَ - قالها ثلاثاً - (2) .

رسول الله صلى الله عليه وآله :إِنَّكُمْ أُمَّةٌ أُرِيدَ بِكُمْ الْيُسْرَ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله :إِنَّ اللَّهَ وَضَعَ عَنْ أُمَّتِي الْخَطَأَ وَالنَّسِيَانَ وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ . (4)

النوادر للأشعري عن ربعي عن أبي عبد الله [الصادق] عليه السلام :قال رسول الله صلى الله عليه وآله : عُفِيَ عَن أُمَّتِي ثَلَاثٌ : الْخَطَأُ ، وَالنَّسِيَانُ ، وَالِاسْتِكْرَاهُ . وقال أبو عبد الله عليه السلام : وفيها رابعةٌ : وما لا يُطيقون . (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله :رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي أَرْبَعُ خِصَالٍ : خَطَاؤُهَا ، وَنَسْيَانُهَا ، وَمَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ ، وَمَا لَمْ يُطِيقُوا ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ : «رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ» (6) ، وقوله : «إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (7) . (8)

1- نهج البلاغة : الخطبة 106 ، الأمالي للمفيد : ص 275 ح 3 ، الأمالي للطوسي : ص 37 ح 40 كلاهما عن قبيصة بن جابر الأسدي ، الغارات : ج 1 ص 138 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 347 ح 17 .

2- المعجم الكبير : ج 20 ص 298 ح 707 ، المطالب العالية : ج 1 ص 148 ح 543 كلاهما عن محجن بن الأدرع ، كنز العمال : ج 3 ص 33 ح 5331 .

3- مسند ابن حنبل : ج 7 ص 297 ح 20368 عن محجن بن الأدرع ، كنز العمال : ج 3 ص 652 ح 8338 .

4- سنن ابن ماجه : ج 1 ص 659 ح 2045 ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 161 ح 8273 وليس فيه «إِنَّ اللَّهَ» وكلاهما عن ابن عباس ، السنن الكبرى : ج 7 ص 585 ح 15096 عن عقبه بن عامر و ج 6 ص 139 ح 11454 وليس فيه «إِنَّ اللَّهَ» ، حلية الأولياء : ج 6 ص 352 الرقم 394 كلاهما عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 12 ص 156 ح 34460 .

5- النوادر للأشعري : ص 74 ح 158 ، بحار الأنوار : ج 5 ص 304 ح 16 .

6- البقرة : 286 .

7- النحل : 106 .

8- الكافي : ج 2 ص 462 ح 1 ، تفسير العياشي : ج 1 ص 160 ح 534 و ج 2 ص 272 ح 75 كلُّها عن عمرو بن مروان عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 5 ص 306 ح 27 .

امام علی علیه السلام_ از خطبه ای که در آن ، امتیازات اسلام را بیان می فرماید _ :سپاس ، خداوند را که شریعت اسلام را بنا نهاد و آبشخورهای آن (احکام و قوانینش) را برای تشنگانش آسان نمود

المعجم الكبير_ به نقل از محجن بن ادرع _ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «خداوند متعال برای این اُمّت ، آسانی پسندیده است و سختی و دشواری را برایش خوش نداشته است» . این جمله را سه بار فرمود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شما اُمّتی هستید که برایتان ، آسانی خواسته شده است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خداوند ، [مجازات] خطا و فراموشی و آنچه را بر آن مجبور شوند ، از اُمّت من برداشته است .

النوادر ، اشعری_ به نقل از ربّعی _ :از امام صادق علیه السلام نقل شده که : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «سه چیز از اُمّت من ، بخشوده شده است : خطا ، فراموشی ، و اجبار» . امام صادق علیه السلام افزود : «و چهارم ، آنچه از طاقتشان خارج است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :چهار چیز از [افراد] اُمّت من ، برداشته شده است : خطا کردن ، فراموشی ، آنچه به زور به آن وادار شوند ، و آنچه تاب آن را ندارند . این فرموده خداوند عز و جل است که : «پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم ، ما را مؤاخذه مفرما . پروردگارا! تکلیف های سنگین را بر ما بار مکن ، چنان که بر پیشینیان ما بار کردی . پروردگارا! و بر ما آنچه را که تاب آن را نداریم ، تحمیل مکن» ، و نیز این فرموده او : «مگر آن که وادار شود ، به ناخواه ، در حالی که دلش مطمئن به ایمان است» .

عنه صلى الله عليه وآله: وَضِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَ خِصَالٍ: الْخَطَاءُ، وَالنِّسْيَانُ، وَمَا لَا يَعْلَمُونَ، وَمَا لَا يُطِيقُونَ، وَمَا اضْطُرُّوا إِلَيْهِ، وَمَا اسْتَكْرَهُوا عَلَيْهِ، وَالطَّيْرَةُ (1)، وَالْوَسْوَسةُ فِي التَّفَكُّرِ فِي الْخَلْقِ، وَالْحَسَدُ مَا لَمْ يَظْهَرْ بِلِسَانٍ أَوْ يَدٍ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَعْطَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَالْأَذَانَ، وَالْجَمَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ، وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى الْجَنَائِزِ وَالْإِجْهَارَ فِي ثَلَاثِ صَلَوَاتٍ، وَالرُّخْصَةَ لِأُمَّتِي عِنْدَ الْأَمْرَاضِ وَالسَّفَرِ، وَالشَّفَاعَةَ لِأَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهْدَى إِلَيَّ وَإِلَى أُمَّتِي هَدِيَّةً، لَمْ يُهْدِهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ كَرَامَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَنَا. قَالُوا: وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الْإِفْطَارُ فِي السَّفَرِ، وَالتَّمْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَلْهَدِيَّتَهُ. (4)

- 1- الطَّيْرَةُ _ وَقَدْ تُسَكَّنَ _ : هِيَ التَّشَاوُمُ بِالشَّيْءِ (النهاية : ج 3 ص 152 «طير»).
- 2- الكافي : ج 2 ص 463 ح 2 عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 59 ح 132، التوحيد : ص 353 ح 24 عن حريز بن عبد الله عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول : ص 50 كُلُّهَا نَحْوَهُ، بحار الأنوار : ج 77 ص 153 ح 123 .
- 3- الخصال : ص 355 ح 36 عن الحسن بن عبد الله عن آبائه عن الإمام الحسن عليه السلام، الأمالي للصدوق : ص 261 ح 279 عن عبد الله عن الإمام الحسن عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص : ص 39 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار : ج 89 ص 268 ح 6 .
- 4- الخصال : ص 12 ح 43، علل الشرائع : ص 382 ح 1 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، الجعفریات : ص 33 ، النوادر للراوندي : ص 213 ح 421 كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، دعائم الإسلام : ج 1 ص 195 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار : ج 89 ص 58 ح 24 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [مسئولیت] نه چیز، از اَمّت من، برداشته شده است: خطا، فراموشی، آنچه ندانند، آنچه نتوانند، آنچه بدان ناچار باشند، آنچه به زور به آن وادار شوند، فالِ بد زدن، وسوسه در اندیشیدن در آفرینش، و رشک بردن تا زمانی که به زبان یا دست آشکار نشود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل چند چیز به من عطا فرمود: فاتحة الكتاب، اذان، [نماز] جماعت در مسجد، [نماز] روز جمعه، نماز خواندن بر جنازه، بلند خواندن سه نماز [صبح و مغرب و عشا]، رخصت یافتن اَمّت در هنگام بیماری و سفر، و شفاعتِ آن دسته از اَمّت که مرتکب گناهان کبیره می شوند.

امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خداوند _ تبارک و تعالی _ به من و اَمّت هدیه ای داد که آن را به هیچ يك از اَمّت ها اهدا نکرد و این، لطف و کرامتی بود از جانب خداوند به ما». گفتند: آن هدیه چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «روزه نگرفتن در سفر و شکسته خواندن نماز. هر که چنین نکند، هدیه خداوند عز و جل را رد کرد است».

الفصل الثامن : خصائص أمة محمد صلى الله عليه وآله الأخلاقية والعملية 8 / 1 الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر الكتاب «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (1).

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (2).

الحديث مجمع البيان عن الحكم بن ظهير: إن موسى عليه السلام لما أخذ الألواح (3)، قال: رَبِّ، إِنِّي لَأَجِدُ فِي الْأَلْوَحِ أُمَّةً هِيَ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَاجْعَلْهُمْ أُمَّتِي! قَالَ: تِلْكَ أُمَّةٌ أَحْمَدُ. (4)

1- آل عمران : 110 .

2- النحل : 90 .

3- الألواح : ما يكتب فيه من الخشب ونحوه (مفردات ألفاظ القرآن : ص 750 «لوح»).

4- مجمع البيان : ج 4 ص 753 ، بحار الأنوار : ج 13 ص 173 ؛ تفسير الطبري : ج 6 الجزء 7 ص 65 ، تفسير ابن كثير: ج 3 ص 476 و ليس فيهما صدره، تاريخ دمشق: ج 61 ص 121 والثلاثة الأخيرة عن قتادة.

فصل هشتم: ویژگی های اخلاقی و رفتاری امت محمدصلی الله علیه وآله

8 / 1 امر به معروف و نهی از منکر نمودن

فصل هشتم: ویژگی های اخلاقی و رفتاری امت محمدصلی الله علیه وآله 8 / 1 امر به معروف و نهی از منکر نمودنقرآن«شما بهترین امتی هستید که برای مردم، پدیدار شده اید؛ به کار پسندیده، فرمان می دهید و از کار ناپسند، باز می دارید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، ایمان آورده بودند، قطعاً برایشان بهتر بود، برخی از آنان مؤمن اند؛ و [لی] بیشترشان نافرمان اند».

«در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان، فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم، باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید».

حدیثمجمع البیان- به نقل از حکم بن ظهیر _: موسی علیه السلام چون الواح (1) را گرفت، گفت: بار خدایا! من در الواح، امتی می بینم که بهترین امت پدید آمده در میان مردم اند و به معروف، فرمان می دهند و از منکر، نهی می کنند. پس، آنها را امت من قرار ده. خداوند فرمود: «آنها، امت احمدند».

1- .. الواح: جمع لوح؛ هر چیزی که بر آن بنویسند، مانند تخته چوب و ...

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله تعالى : «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» _ :يعني الأمة التي وَجَبَتْ لَهَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَام ، فَهُمْ الْأُمَّةُ الَّتِي بَعَثَ اللَّهُ فِيهَا وَمِنْهَا وَإِلَيْهَا ، وَهُمْ الْأُمَّةُ الْوُسْطَى ، وَهُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ . (1)

عنه عليه السلام في قوله تعالى : «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (3) _ . . . مَنْ لَمْ يَكُنْ يَدْعُو إِلَى الْخَيْرَاتِ ، وَيَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ ، وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ، فَلَيْسَ مِنَ الْأُمَّةِ الَّتِي وَصَفَهَا اللَّهُ ، لِأَنَّكُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ، وَقَدْ بَدَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَقَدْ وَصَفَتْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ بِالْإِذْنِ إِلَى الْخَيْرِ ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَمَنْ لَمْ يُوجَدْ فِيهِ الصِّفَةُ الَّتِي وَصِفَتْ بِهَا فَكَيْفَ يَكُونُ مِنَ الْأُمَّةِ وَهُوَ عَلَى خِلَافٍ مَا شَرَطَهُ اللَّهُ عَلَى الْأُمَّةِ وَوَصَفَهَا بِهِ ؟ (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله : إِذَا رَأَيْتُمْ أُمَّتِي تَهَابُ الظَّالِمَ أَنْ يَقُولَ لَهُ : إِنَّكَ أَنْتَ ظَالِمٌ ، فَقَدْ تُودِّعَ (5) مِنْهُمْ . (6)

- 1- . تفسير العياشي : ج 1 ص 195 ح 130 عن أبي عمرو الزبيري ، بحار الأنوار : ج 24 ص 153 ح 3 .
- 2- . قال العلامة الطباطبائي قدس سره : قيل : إِنَّ «مَنْ» للتبعية ، بناء على أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَكَذَا الدَّعْوَةَ مِنَ الْوَاجِبَاتِ الْكِفَائِيَّةِ . وَرَبَّمَا قِيلَ : إِنَّ «مَنْ» بَيَانِيَّةٌ ، وَالْمُرَادُ مِنْهُ : وَلِتَكُونُوا بِهَذَا الْجَمَاعِ الصَّالِحِ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ (الْمِيزَانُ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ : ج 3 ص 373) .
- 3- . آل عمران : 104 .
- 4- . تفسير العياشي : ج 1 ص 195 ح 127 عن أبي عمرو الزبيري ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 34 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 68 ص 284 ح 41 .
- 5- . تُودِّعُ مِنْهُمْ : أَيِ أُسْلِمُوا إِلَى مَا اسْتَحَقُّوه مِنَ النِّكَيرِ عَلَيْهِمْ . . . وَهُوَ مِنَ الْمَجَازِ ؛ لِأَنَّ الْمَعْتَنِي بِإِصْلَاحِ شَأْنِ الرَّجُلِ إِذَا يَبْسُ مِنْ صِلَاحِهِ تَرْكَهُ وَاسْتَرَاحَ مِنْ مَعَانَاةِ النَّصَبِ مَعَهُ (النهاية : ج 5 ص 166 «ودع») .
- 6- . مسند ابن حنبل : ج 2 ص 561 ح 6531 و ص 619 ح 6790 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 108 ح 7036 كلاهما نحوه ، سِيرَ أَعْلَامِ النُّبَلَاءِ : ج 5 ص 383 الرقم 174 كُلُّهَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو ، المعجم الأوسط : ج 8 ص 18 ح 7825 عن جابر ، كنز العمال : ج 3 ص 71 ح 5540 .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «شما، بهترین امتی هستید که در میان مردم، پدیدار شده اید؛ به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند باز می دارید» _ مقصود، امتی است که دعای ابراهیم علیه السلام در باره آنها تحقق یافت و امتی که خداوند، در میان آنها و از خود آنها و به سوی آنها، پیامبر برانگیخت. اینان، امت میانه اند و بهترین امتی هستند که در میان مردم، پدید آمده اند.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وا دارند و از زشتی باز دارند» _ ... آن کس از مسلمانان که به نیکی ها فراخواند و امر به معروف و نهی از منکر نکند، از امتی نیست که خداوند، وصفش کرده است. شما خیال می کنید که همه مسلمانان، از امت محمدند، در صورتی که این آیه، امت محمد را با ویژگی فراخوانی به نیکی ها و امر به معروف نمودن و نهی از منکر کردن می شناساند و کسی که این ویژگی _ که این امت به آن وصف شده _ در او نباشد، چگونه از این امت باشد، در حالی که آنچه خداوند در باره این امت، شرط کرده و آنها را بدان وصف نموده است، در او وجود ندارد؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه دیدید امتی از این که به ستمگر بگوید: «تو ستمگری» می هراسد، بی گمان [از جانب خدا] به حال خود، رها شده است. (1)

1- .. به تعبیر عامیانه، یعنی کارش تمام و فاتحه اش خوانده است. «تُدْع» _ که در متن عربی حدیث آمده _، از تودیع است؛ یعنی با او خداحافظی شده است.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّهُ سَيَكُونُ فِي آخِرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ قَوْمٌ لَهُمْ مِثْلُ أَجْرِ أَوَّلِهِمْ ، يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَيُقَاتِلُونَ أَهْلَ
الْفِتَنِ. (1)

8 / 2 الإعتدال لكتاب «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ
عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ
بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ». (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» _ قال: عدلاً. (3)

بيان ذكرت بعض الروايات الشريفة (4) الناظرة للآية الكريمة أنّ المراد من «الأمة» هو الوسط وأنّ المراد من «شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» هو الأئمة عليهم السلام ، وهذا المعنى لا يتنافى مع عموم الآية وشمولها لجميع الأمة الإسلامية ؛ إذ الأئمة عليهم السلام جزء من هذه الأمة ، بل هم أكمل مصاديقها ، وتطبيق الآية على النموذج الكامل والمصدق الأتم أي الأئمة هو تطبيق لائق وفي محله ، ويعبر عن هذا النوع من التطبيق في اصطلاحات علم التفسير بـ «الجري والتطبيق» ، فيذكر مصداق من المصاديق ، مع عدم اختصاص الآية بالمذكور ، وذكر هنا المصدق الأتم والأكمل لها .

1- دلائل النبوة للبيهقي : ج 6 ص 513 عن عبد الرحمن بن العلاء الحضرمي ، تاريخ دمشق : ج 1 ص 286 ح 328 .

2- البقرة : 143 .

3- صحيح البخاري : ج 6 ص 2675 ح 6917 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 207 ح 2961 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 292 ح 11006 ، مسند ابن حنبل : ج 4 ص 22 ح 11068 كلّها عن أبي سعيد الخدري ؛ التبيان في تفسير القرآن : ج 2 ص 6 ، تفسير القمّي : ج 1 ص 63 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 35 ، بحار الأنوار : ج 23 ص 351 ح 63 .

4- الكافي : ج 1 ص 191 ح 4 ، تفسير العيّاشي : ج 1 ص 63 ح 114 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 35 و.... .

توضیح

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر این امت، مردمی خواهند بود که آنان را پاداشی همانند پاداش نخستین کسانِ آنان است، امر به معروف و نهی از منکر می کنند و با فتنه گران می جنگند.

8 / 2 میانه روی قرآن (و بدین گونه، شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم، گواه باشید، و پیامبر، بر شما گواه باشد. و قبله ای را که [چندی] بر آن بودی، مقرر نکردیم، جز برای آن که کسی را که از پیامبر پیروی می کند، از آن کس که از عقیده خود بر می گردد، باز شناسیم. و البته [این کار] جز بر کسانی که خدا [آنها را] هدایت کرده، سخت گران بود. و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند؛ زیرا خدا [نسبت] به مردم، دلسوز و مهربان است».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره این سخن خداوند متعال: «و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم» _ یعنی معتدل.

توضیح برخی روایاتی (1) که ناظر به این آیه شریف هستند، مقصود از امت میانه (وسط) و نیز گواهان بر مردم (شهداء علی الناس) را ائمه علیهم السلام دانسته اند؛ اما این مطلب، با عمومیت آیه و ناظر بودن آن به کل جامعه اسلامی، منافاتی ندارد؛ زیرا ائمه علیهم السلام خود از زمره این امت و نمونه کامل آن هستند و تطبیق آیه بر آنان، کاملاً شایسته و به جاست و به اصطلاح مفسران، از مقوله «جری» است و به عنوان يك مصداق، هر چند کامل ترین مصداق، مطرح شده اند، نه آن که آیه، منحصر به آنان باشد و آنها تنها مصداقش باشند.

1- .. ر. ک: الکافی: ج 1 ص 191 ح 4، تفسیر العیاشی: ج 1 ص 63 ح 114، دعائم الإسلام: ج 1 ص 35 و....

8 / 3 رُهبانٌ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: صِفَتِي: أَحْمَدُ الْمُتَوَكِّلُ، لَيْسَ بِفُظٍّ وَلَا غَلِيظٍ، يَجْزِي بِالْحَسَنَةِ الْحَسَنَةَ، وَلَا يُكَافِي السَّيِّئَةَ، مَوْلِدُهُ بِمَكَّةَ وَمُهَاجَرُهُ طَبِيعَةً، وَأُمَّتُهُ الْحَمَّادُونَ، يَأْتِزُّونَ عَلَى أَنْصَافِهِمْ وَيُوضُّنُونَ (1) أَطْرَافَهُمْ، أَنَا جِيلُهُمْ فِي صَدُورِهِمْ، يَصُفُّونَ لِلصَّلَاةِ كَمَا يَصُفُّونَ لِلْقِتَالِ، قُرْبَانُهُمُ الَّذِي يَتَقَرَّبُونَ بِهِ إِلَيَّ دِمَاؤُهُمْ، رُهبانٌ بِاللَّيْلِ لُيُوثٌ بِالنَّهَارِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَمْشِي ذَاتَ يَوْمٍ فِي الطَّرِيقِ فَنَادَاهُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مُوسَى... وَعِزَّتِي وَجَلَالِي، إِنَّ الْجَنَّةَ مُحَرَّمَةٌ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي حَتَّى يَدْخُلَهَا مُحَمَّدٌ وَأُمَّتُهُ. قَالَ مُوسَى: وَمَنْ أُمَّةٌ مُحَمَّدٍ؟ قَالَ: أُمَّةُ الْحَمَّادُونَ، يَحْمَدُونَ اللَّهَ صُّعُودًا وَهُبُوطًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ، يَشُدُّونَ أَوْسَاطَهُمْ، وَيُطَهِّرُونَ أَطْرَافَهُمْ، صَائِمُونَ بِالنَّهَارِ، رُهبانٌ (3) بِاللَّيْلِ، أَقْبَلُ مِنْهُمْ الْيَسِيرَ، وَأَدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. قَالَ: فَاجْعَلْنِي نَبِيَّ تِلْكَ الْأُمَّةِ! قَالَ: نَبِيُّهَا مِنْهَا. قَالَ: اجْعَلْنِي مِنْ أُمَّةِ ذَلِكَ النَّبِيِّ! قَالَ: اسْتَقْدَمْتَ وَاسْتَأَخَرُوا يَا مُوسَى، وَلَكِنْ سَأَجْمَعُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ فِي دَارِ الْجَلَالِ. (4)

-
- 1- في المصدر: «ويوصون»، والتصويب من الدرر المنثور وكنز العمال.
 - 2- المعجم الكبير: ج 10 ص 89 ح 10046 عن عبد الله بن مسعود، الدرر المنثور: ج 3 ص 576 نقلاً عن الزبير بن بكار في أخبار المدينة وأبي نعيم في الدلائل عن ابن مسعود، كنز العمال: ج 11 ص 401 ح 31866.
 - 3- في المصدر: «رهبانا»، والصواب ما أثبتناه كما في السنة لابن أبي عاصم.
 - 4- حلية الأولياء: ج 3 ص 375 الرقم 254، السنة لابن أبي عاصم: ص 306 ح 696 كلاهما عن أنس.

8 / 3 پارسایان شب و شیران روز

8 / 3 پارسایان شب و شیران روز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اوصاف من ، این است : ستودنی تر ، توکل کننده ، نه خشن است و نه سنگ دل . نیکی را به نیکی پاداش می دهد و بدی را تلافی نمی کند . زادگاهش مکه است و هجرتگاهش طَیْبَه (مدینه) . اَمّتش ستاینده [ی خدا] هستند . دامن [هَمّت] به میان می بندند و دست ها و پاهایشان را [به وضو] می شویند . انجیل هایشان در سینه های آنان است . برای نماز ، چنان صف می کشند که برای جنگ . وسیله تقرّبشان به من ، خونشان است . پارسایان شب اند و شیران روز .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روزی موسی بن عمران علیه السلام در راه می رفت که خداوند عز و جل او را ندا داد : «ای موسی! ... به عزّت و جلالم سوگند که بهشت بر همه آفریدگانم حرام است تا آن گاه که [نخست] محمّد و امّت او ، بدان در آیند» . موسی علیه السلام گفت : امّت محمّد کیستند ؟ فرمود : «امّت او ستایشگران اند . خداوند را در هر بلندی و پستی و در همه حال می ستایند . کمرهایشان را [برای عبادت] می بندند و دست ها و پاهایشان را پاکیزه می کنند . روزه داران در روزند و پارسایان شب . اندک [طاعت] را از آنان می پذیرم و با شهادت دادن به این که معبودی جز خدای یگانه نیست ، ایشان را به بهشت می برم» . موسی علیه السلام گفت : پس مرا پیامبر آن امّت قرار ده . خداوند فرمود : «پیامبر آنان ، از خود آنان است» . موسی علیه السلام گفت : مرا از امّت آن پیامبر ، قرار ده . خداوند فرمود : «ای موسی! تو جلوتری و آنان ، پس از تو می آیند ؛ امّا در سرای شُکوه ، تو را با آنان ، گرد خواهم آورد» .

الإمام الباقر عليه السلام في صِفَةِ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - :إِنَّهُمْ حُصُونٌ حَصِينَةٌ، فِي صَدُورٍ أَمِينَةٍ، وَأَحْلَامٍ رَزِينَةٍ، لَيْسُوا بِالْمَذَائِيعِ الْبُذْرِ (1)، وَلَا بِالْجُفَاةِ (2) الْمُرَائِنِ، رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ أَسَدٌ بِالنَّهَارِ. (3)

-
- 1- .المَذَائِيعُ : جمع مَذْيَاعٍ ، من أذاع الشيء إذا أفشاه ، وقيل : أراد الذين يشيعون الفواحش . والبُذْرُ : جمع بذور ، يقال : بذرتُ الكلامَ بينَ الناس كما تُبذَرُ الحبوبُ ؛ أي أَفْشَيْتُهُ وَفَرَّقْتُهُ (النهاية : ج 2 ص 174 «ذيع» و ج 1 ص 110 «بذر») .
 - 2- .الجافي : الغليظ الخَلْقَةُ والطبع (النهاية : ج 1 ص 281 «جفا») .
 - 3- .مشكاة الأنوار : ص 126 ح 292 عن ميسرة ، بحار الأنوار : ج 68 ص 180 ح 38 .

امام باقر علیه السلام_ در بیان اوصاف پیروان اهل بیت علیهم السلام_ آنان، دژهایی استوارند، با سینه هایی امانتدار و خِرَدهایی سنگین .
نه افشاگر و راز فاش کن هستند، نه خشن و ریاکار . پارسایانِ شب اند و شیرانِ روز .

الفصل التاسع : صفة أمة محمد صلى الله عليه وآله في التوراة والإنجيل الكتاب «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيَّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» . (1)

«الَّذِينَ آمَنُوا هُمْ أَتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (2)

الحديث السيرة النبوية لابن هشام عن ابن عباس : كَتَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى يَهُودِ خَيْبَرَ ... : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَاحِبِ مُوسَى وَآخِيهِ، وَالْمُصَدِّقِ لِمَا جَاءَ بِهِ مُوسَى، أَلَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَالَ لَكُمْ يَا مَعْشَرَ أَهْلِ التَّوْرَةِ، وَإِنَّكُمْ لَتَجِدُونَ ذَلِكَ فِي كِتَابِكُمْ : «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ ...» . (3)

1- .الفتح : 29 .

2- .البقرة : 146 .

3- .السيرة النبوية لابن هشام : ج 2 ص 193، السيرة النبوية لابن كثير : ج 1 ص 324، نصب الراية : ج 4 ص 419، كنز العمال : ج 10 ص 469 ح 30131 .

فصل نهم : اوصاف امت محمد صلی الله علیه وآله در تورات و انجیل

فصل نهم : اوصاف امت محمد صلی الله علیه و آله در تورات و انجیلقرآن «محمد ، پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر ، مهربان اند . آنان را در رکوع و سجود می بینی . فضل و خشنودی خدا را خواستارند . علامت [مشخصه] آنان ، بر اثر سجود در چهره هایشان است . این صفت ایشان است در تورات، و مثلی آنها در انجیل ، چون کشته ای است که جوانه خود را برآورد و آن را مایه دهد تا سبّبر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان ، [خدا] کافران را به خشم در اندازد . خدا ، به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است» .

«کسانی که به ایشان ، کتاب [آسمانی] داده ایم، همان گونه که پسران خود را می شناسند، او (محمد) را می شناسند؛ و مسلماً گروهی از ایشان ، حقیقت را نهفته می دارند و خودشان [هم] می دانند» .

حدیثالسیره النبویه ، ابن هشام به نقل از ابن عباس _ : پیامبر خدا ، به یهودیان خیبر ... نوشت : «به نام خداوند بخشنده مهربان . از محمد ، فرستاده خدا ، دوست موسی و برادرش و تصدیق کننده هر آنچه که موسی آورده است . هان ، ای جماعت پیرو تورات ! خداوند به شما فرموده است و شما ، این را در کتابتان می یابید که : «محمد ، پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر ، مهربان اند» .

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ...» - هذه الآية نزلت في اليهود والنصارى، يقول الله تبارك وتعالى: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ» يعني التوراة والإنجيل «يعرفونه» يعني رسول الله صلى الله عليه وآله «كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ» لأن الله عز وجل قد أنزل عليهم في التوراة والزبور والإنجيل صفة محمد صلى الله عليه وآله، وصفة أصحابه ومبعثه وهجرته، وهو قوله: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا بِهِ يَمَاهُومُ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ»، هذه صفة رسول الله صلى الله عليه وآله وأصحابه في التوراة والإنجيل، فلما بعثه الله عرفه أهل الكتاب، كما قال جل جلاله: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (1). (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إن موسى لما نزلت عليه التوراة وقرأها فوجد فيها ذكر هذه الأمة، فقال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة هم الآخرون السابقون، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة هم السابقون (3) المشفوع لهم، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة هم المستجيبون المستجاب لهم، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة أناجيلهم في صدورهم يقرؤونها ظاهراً، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة يأكلون الفياء، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة يجعلون الصدقة في بطونهم يؤجرون عليها، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة إذا كتب له حسنة واحدة، فإن عملها كتبت له عشر حسنات، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة إذا هم أحدتهم بسنة ولم يعملها لم تكتب، وإن عملها كتبت عليه سنة واحدة، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، إني أجد في الألواح أمة يؤتون العلم الأول والعلم الآخر، فيقتلون قرون الضلالة [و] (4) المسيح الدجال (5)، فأجعلها أمتي. قال: تلك أمة أحمد. قال: يا رب، فأجعلني من أمة أحمد! فأعطي عند ذلك خصلتين فقال: «يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ» (6)، قال: قد رضيت يا رب. (7)

1- البقرة: 89.

2- تفسير القمي: ج 1 ص 32 عن حريز، بحار الأنوار: ج 72 ص 92 ح 2.

3- في تفسير الطبري وابن كثير: «هم المشفوعون» بدل «هم السابقون».

4- الزيادة من الخصائص الكبرى.

5- في تفسير الطبري وابن كثير: «الأعور الكذاب» بدل «المسيح الدجال».

6- الأعراف: 144.

7- دلائل النبوة لأبي نعيم: ج 1 ص 68 ح 31، تاريخ دمشق: ج 61 ص 119 ح 12557 كلاهما عن أبيهريرة، تفسير الطبري: ج 6 الجزء 9 ص 65، تفسير ابن كثير: ج 3 ص 476 كلاهما عن قتادة من دون إسناد إليه صلى الله عليه وآله نحوه وراجع: تنبيه الغافلين: ص 507 ح 804 والدر المنثور: ج 3 ص 123 و ص 124.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، او (پیامبر) را می شناسند ...» _ این آیه، در باره یهود و نصارا نازل شد. خدای _ تبارک و تعالی _ می فرماید: «کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم»؛ یعنی تورات و انجیل را. «او را می شناسند»؛ یعنی پیامبر خدا را می شناسند، «همان گونه که پسران خود را می شناسند»؛ چه آن که خداوند عز و جل، اوصاف محمد صلی الله علیه و آله و یاران او و مبعث و هجرتش را در تورات و زبور و انجیل، برای آنان بیان کرده بود، بدین گونه: «محمد، پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر، مهربان اند. آنان را در رکوع و سجود می بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان، اثر سجود است که در چهره هایشان است. این، وصف ایشان است در تورات، و مثالی آنهاست در انجیل». این، وصفی است که از پیامبر خدا و یاران او در تورات و انجیل آمده بود. از این رو، هنگامی که خداوند، او را به پیامبری برانگیخت، اهل کتاب، ایشان را شناختند [؛ اما به روی خود نیاورند]، چنان که خداوند، خود می فرماید: «ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می شناختند، برایشان آمد، انکارش کردند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موسی علیه السلام زمانی که تورات بر او نازل شد و آن را خواند و یاد این امت را در آن یافت، گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که آخرین امت هاینده و [در ورود به بهشت]، پیش گام. آن را امت من قرار ده. خداوند فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که پیشی گیرنده اند و برایشان شفاعت می شود. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که اجابت کننده [ی دعوت خدا] و اجابت شونده [ی دعا] هستند. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که انجیل ها (کتاب آسمانی) شان در سینه های آنهاست و آنها را از حفظ می خوانند. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که غنیمت می خورند. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می بینم که صدقه در شکم های [نیازمندان] خود جای می دهند و برای این کار، پاداش می یابند. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که هر گاه یکی از آنان، نیت کار نیک کند و به کار نبندد، برای آن يك ثواب نوشته می شود و اگر به کار نبندد، ده ثواب برایش نوشته می شود. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که هر گاه یکی از آنان، نیت کار بد کند، اما آن را به کار نبندد، به حسابش نوشته نمی شود و اگر به کار بندد، يك گناه برایش نوشته می شود. آن را امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! من در الواح، امتی را می یابم که همه علوم از اول تا آخر به آنان داده می شود و سردمداران گم راهی [و] (1) مسیح دجال (2) را می کُشدند. آن را از امت من قرار ده. فرمود: «آن، امت احمد است». گفت: پروردگارا! پس مرا از امت احمد قرار ده. در این هنگام، دو امتیاز به او داده شد. خداوند فرمود: «ای موسی! تو را با رسالت هایم و با سخن گفتنم [با تو] بر مردم [روزرگار] برگزیدم. پس آنچه را به تو دادم، بگیر و از سپاس گزاران باش». موسی علیه السلام گفت: راضی شدم، ای پروردگار!

1- .. این افزوده، برگرفته از الخصائص الکبری است.

2- .. در تفسیر الطبری و تفسیر ابن کثیر، به جای «مسیح دجال»، «يك چشم دروغگو» آمده است.

عنه صلى الله عليه وآله: أَنَا أَشْبَهُ النَّاسِ بِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي ؛ خَلَقَهُ وَخَلَقَهُ (1) ، وَسَمَّانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ عَشْرَةَ أَسْمَاءً ، وَبَيَّنَّ اللَّهُ وَصْفِي ، وَبَشَّرَنِي عَلَى لِسَانِ كُلِّ رَسُولٍ بَعَثَهُ إِلَى قَوْمِهِ ، وَسَمَّانِي وَنَشَرَنِي فِي التَّوْرَةِ اسْمِي ، وَبَثَّ ذِكْرِي فِي أَهْلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ، وَعَلَّمَنِي كِتَابَهُ ، وَرَفَعَنِي فِي سَمَائِهِ ، وَشَقَّ لِي اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ ، فَسَمَّانِي مُحَمَّدًا وَهُوَ مُحَمَّدٌ ، وَأَخْرَجَنِي فِي خَيْرِ قَرْنٍ مِنْ أُمَّتِي ، وَجَعَلَ اسْمِي فِي التَّوْرَةِ أَحْيَدَ ، وَهُوَ مِنَ التَّوْحِيدِ؛ فَبِالتَّوْحِيدِ حَرَّمَ أَجْسَادَ أُمَّتِي عَلَى النَّارِ ، وَسَمَّانِي فِي الْإِنْجِيلِ أَحْمَدَ؛ فَأَنَا مُحَمَّدٌ فِي أَهْلِ السَّمَاءِ ، وَجَعَلَ أُمَّتِي الْحَامِدِينَ ، وَجَعَلَ اسْمِي فِي الزَّبُورِ مَاحٍ؛ مَحَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِي مِنَ الْأَرْضِ عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ ، وَجَعَلَ اسْمِي فِي الْقُرْآنِ مُحَمَّدًا؛ فَأَنَا مُحَمَّدٌ فِي جَمِيعِ الْقِيَامَةِ فِي فَصْلِ الْقَضَاءِ ، لَا يَشْفَعُ أَحَدٌ غَيْرِي . (2)

1- في المصدر: «خلقة وخلقة»، والصواب ما أثبتناه كما في المصادر الأخرى .

2- النخصال: ص 425 ح 1 ، معاني الأخبار: ص 51 ح 1 ، علل الشرائع: ص 128 ح 3 كلَّها عن جابر بن عبد الله ، بحار الأنوار: ج 16 ص 92 ح 27 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من ، شبیه ترین مردم به آدم علیه السلام هستم و ابراهیم علیه السلام شبیه ترین مردم به من بوده است ، هم اخلاقش هم چهره اش . خداوند ، از فراز عرش خود ، ده نام بر من نهاد و اوصاف مرا بیان فرمود و از زبان هر پیامبری که به سوی قومش فرستاد ، مژده ظهور مرا داد و نامم را بُرد . نام مرا در تورات ، نشر داد و نام مرا در میان پیروان تورات و انجیل پراگند و کتابش را به من آموخت و در آسمانش ، مرا رفعت بخشید و نام مرا از نام های خود برگرفت و مرا «محمّد» نامید و او نامش «محمود» است . مرا در میان بهترین نسل از امتم ظاهر گردانید . نام مرا در تورات ، «أَحْيَد» نهاد که برگرفته از توحید است و به واسطه توحید ، بدن امت مرا بر آتش ، حرام ساخت . در انجیل ، از من با نام «احمد» یاد کرد . پس من در میان آسمانیان ، محمود (ستوده و پسندیده) هستم و امت مرا ، حمد کننده قرار داد . در زبور ، نامم را «ماحی» نهاد . خداوند عز و جل به واسطه من ، بت پرستی را از زمین ، محو می کند . در قرآن ، نامم را «محمّد» نهاد . پس در سرتاسر قیامت ، قضاوت نهایی از سوی من ، پسندیده [و پذیرفته] می شود و کسی جز من ، شفاعت نمی کند .

الإمام الصادق عن أبيه عن جده عن أبيه عليهم السلام: سُئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيْنَ كُنْتَ وَآدَمُ فِي الْجَنَّةِ؟ قَالَ: كُنْتُ فِي صَلْبِهِ (1) ، وَهَبْتُ بِي إِلَى الْأَرْضِ فِي صَلْبِهِ . . . وَلَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُنْقِلُنِي مِنَ الْأَصْلَابِ الطَّيِّبَةِ إِلَى الْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ . . . وَاتَّبَتْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ذِكْرِي، وَرَفَى بِي إِلَى سَمَائِهِ، وَشَقَّ لِي اسْمًا مِنْ أَسْمَائِهِ الْحُسْنَى، أُمَّتِي الْحَمَادُونَ، فَذُو الْعَرْشِ مَحْمُودٌ وَأَنَا مُحَمَّدٌ. (2)

حلية الأولياء عن سعيد بن أبي هلال: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو قَالَ لِكَعْبٍ: أَخْبِرْنِي عَنْ صِفَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأُمَّتِهِ. قَالَ: أَجِدُهُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى أَنَّ أَحْمَدَ وَأُمَّتَهُ حَمَادُونَ، يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ وَشَرٍّ، يُكَبِّرُونَ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ (3)، وَيُسَبِّحُونَ اللَّهَ فِي كُلِّ مَنْزِلٍ، نِدَاؤُهُمْ فِي جَوِّ السَّمَاءِ، لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ عَلَى الصَّخْرِ، يَصُفُّونَ فِي الصَّلَاةِ كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ، وَيَصُفُّونَ فِي الْقِتَالِ كَصَفِّهِمْ فِي الصَّلَاةِ، إِذَا غَزَوْا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ بِرِمَاحٍ شِدَادٍ، إِذَا حَضَرُوا الصَّفَّ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مُظَلًّا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ - كَمَا تُظَلُّ النُّسُورُ عَلَى وَكُورِهَا، لَا يَتَأَخَّرُونَ زَحْفًا أَبَدًا حَتَّى يَحْضُرَهُمْ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (4)

1- الصُّلْبُ: الظهر (النهاية: ج 3 ص 44 «صلب»).

2- الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ: ص 723 ح 989 عن يحيى بن أبي إسحاق، روضة الواعظين: ص 78، بحار الأنوار: ج 16 ص 314 ح 2 وراجع: معاني الأخبار: ص 55 ح 2.

3- الشَّرْفُ: الْعُلُوُّ (المصباح المنير: ص 310 «شرف»).

4- حلية الأولياء: ج 5 ص 386 الرقم 333، الدر المنثور: ج 3 ص 558.

امام صادق علیه السلام از پدرش، از جدش، از پدرش _ از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: آن گاه که آدم علیه السلام در بهشت بود، شما کجا بودی؟ فرمود: «در پشت او (آدم)، و در همان پشت او به زمین فرود آورده شدم... از آن پس، پیوسته، خدای عز و جل مرا از پشت های پاك به زهدان های پاك، منتقل می کرد. در تورات و انجیل، نام مرا آورد و مرا به آسمان خویش، بالا بُرد و از نام های نیکویش، نامی برای من مشتق ساخت. اَمّت من، حمّادون (ستایندگان) اند و خداوندگار عرش محمود است و من، محمّدم.

حلیة الأولیاء: عبد الله بن عمرو به کعب گفت: مرا از اوصاف محمّد صلی الله علیه و آله و اَمّت او خبر ده. کعب گفت: آنان را در کتاب خدای متعال، چنین می یابم که: احمد و اَمّت او ستایندگان اند. خدای عز و جل را بر هر خوب و بدی می ستایند. در هر بلندی، خدا را به بزرگی یاد می کنند و در هر منزلگاهی، خدا را به پاکی می ستایند. بانگ آنان، در میان آسمان می پیچد و در نمازهایشان، همه ای چونان همه زنبوران عسل در کوهسار دارند. در نماز، همچون صفوف فرشتگان، صف می بندند و در جنگ، آن گونه صف می کشند که در نماز. هر گاه در راه خدا به جنگ بروند، فرشتگان با نیزه های محکم، در پیش رو و پشت سرشان قرار می گیرند. هر گاه در راه خدا به صف می ایستند، خداوند بر آنان سایه می افکند (با دستش نشان داد) آن گونه که عقاب ها بر لانه هایشان بال می گسترانند و هر گز از پیشروی باز نمی ایستند تا آن که جبرئیل علیه السلام به آنان می پیوندد.

الكافي عن علي بن عيسى رفعه ، قال : إن موسى عليه السلام ناجاه ربه تبارك وتعالى ، فقال له في مناجاته : ... أوصيك يا موسى وصية الشفيق المشفق يا ابن البتول عيسى بن مريم ، صاحب الأتان والبرنس والزيتون والمحراب ، ومن بعده بصاحب الجمل الأحمر الطيب الطاهر المطهر ، فمثله في كتابك أنه مؤمن مهيم على الكتب كلها ، وأنه راع ساجد راغب راهب ، إخوانه المساكين ، وأنصاره قوم آخرون ، ويكون في زمانه أزل (1) وزلزال وقتل وقلة من المال ، اسمه أحمد ، محمد الأمين من الباقيين من ثلة الأولين الماضين ، يؤمن بالكتب كلها ، ويصدق جميع المرسلين ، ويشهد بالإخلاص لجميع النبيين ، أمته مرحومة مباركة ما بقوا في الدين على حقائقه ، لهم ساعات موقتات يؤدون فيها الصلوات أداء العبد إلى سيده نافلتة ، فيه فصدق ، ومنهاجه فاتبع ؛ فإنه أخوك . يا موسى ، إنه أمي (2) ، وهو عبد صادق ، يبارك له فيما وضع يده عليه ويبارك عليه ، كذلك كان في علمي ، وكذلك خلقت ، به أفتح الساعة ، وبأمتي أختم مفاتيح الدنيا ، فمر ظلمة بني إسرائيل ألا يدرسوا اسمه ولا يخذلوه ، وإنهم لفاعلون . وحبه لي حسنة ، فأنا معه وأنا من حزيه وهو من حزبي ، وحزبهم الغالبون ، فتمت كلماتي لا تظهر دينه على الأديان كلها ، ولأعبدن بكل مكان ، ولأنزلن عليه قرآناً شفاء لما في الصدور من نعث الشيطان ، فصل عليه يا بن عمران ، فإني أصلي عليه وملائكتي ... (3)

1- الأزل : الضيق والشدة (النهاية : ج 1 ص 46 «أزل»).

2- في تحف العقول : «إنه أمني» .

3- الكافي : ج 8 ص 42 _ 43 ح 8 ، تحف العقول : ص 490 ، أعلام الدين : ص 218 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 332 ح

الكافی_ به نقل از علی بن عیسی، در حدیثی که سند آن را به اهل بیت علیهم السلام می رساند _ خداوند _ تبارك و تعالی _ با موسی علیه السلام نجوا کرد و در مناجاتش به او فرمود: «... ای موسی! تو را چونان شخصیِ مهربان و دلسوز، سفارش می کنم در باره زاده بتول (باکره، عذراء)، عیسی بن مریم، آن الاغ سوارِ بُرُنس پوشی (1) که خوراکش روغن و زیتون است و با محراب عبادت، دَمخور است و سپس، در باره آن صاحب ماده اُشتر سرخ موی، آن پاك و پاکیزه و مطهر. وصفش در کتاب تو، این است که تصدیق کننده و نگاهبان همه کتاب ها [ی آسمانی] است. پیوسته در رکوع و سجود و امید و بیم به سر می برد. برادران او مستمندان اند و یارانش از قومی دیگر. در روزگار او، قحطی و زلزله و کُشتار و اندك بودن دارایی، حاکم است. نامش «احمد» است، محمد امین و از بقایای آن جمع [پیامبران] نخستین گذشته. به همه کتاب ها [ی آسمانی] ایمان دارد و همه فرستادگان را تصدیق می کند و صادقانه، به [حقانیت] همه پیامبران، گواهی می دهد. اُمّتش تا آن گاه که بر حقایق دین پایدار بمانند، مورد رحمت و برکت [من] هستند. آنان را اوقاتی تعیین شده است که در آنها نماز می گزارند، چونان خدمت گزاری بنده به سرورِش. پس او را تصدیق کن و از راهش پیروی نما؛ زیرا او برادر توست. ای موسی! او درس ناخوانده است. او بنده ای راستین است. دستش را بر هر چه بگذارد، در آن به او برکت می دهیم و به خودش برکت داده می شود. در علم من، چنین بوده و او را این گونه آفریده ام. قیامت را بدو آغاز می کنم و کلیدهای دنیا را به اُمّت او پایان می بخشم. پس به ستمگران بنی اسرائیل بفرما که نام او را محو نکنند و ترك یاری اش ننمایند، که البته چنین خواهند کرد. دوست داشتن او در نزد من، کاری نيك است. پس من با اویم و از حزب او هستم و او نیز از حزب من است و حزب آنان، پیروز است. حکم من، بر این صادر شده است که دین او را بر همه دین ها چیره گردانم و در همه جا، عبادت شوم و قرآنی بر او فرو فرستم که جدا کننده [ی حق از باطل] است و شفا دهنده سینه ها از وسوسه های شیطان. پس ای پسر عمران! بر او درود فرست؛ زیرا من و فرشتگانم نیز بر او درود می فرستیم...».

1- .. بُرُنس: کلاهی بلند که اشراف عرب بر سر می گذاشتند؛ شنلِ کلاه دار.

حلية الأولياء عن كعب الأحبار: قال موسى عليه السلام: إِنِّي لَأَجِدُ فِي الْأَلْوَحِ صِفَةَ قَوْمٍ عَلَى قُلُوبِهِمْ مِنَ النُّورِ مِثْلُ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي، تَكَادُ الْجِبَالُ وَالرَّمَالُ أَنْ تَخِرَّ لَهُمْ سُجَّدًا مِنَ النُّورِ. فَسَأَلَ رَبَّهُ وَقَالَ: اجْعَلْهُمْ مِنْ أُمَّتِي! قَالَ اللَّهُ: يَا مُوسَى، إِنِّي اخْتَرْتُ أُمَّةَ مُحَمَّدٍ وَجَعَلْتُهُمْ أُمَّةَ الْهُدَى، وَهَؤُلَاءِ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِهِ. (1)

حلیة الأولیاء_ به نقل از کعب الأحبار_ :موسی علیه السلام گفت : من در الواح ، اوصاف مردمانی را می یابم که در دل هایشان نوری به سان کوه های سر به فلک کشیده است و چیزی نمانده که کوه ها و ریگ ها از شدت آن در برابرشان به خاک می افتند . آن گاه ، موسی علیه السلام از پروردگارش درخواست کرد و گفت : اینان را از امت من قرار ده . خداوند فرمود : «ای موسی! من ، امت محمد را برگزیدم و آنان را پیشوایان هدایت قرار دادم و این مردمان ، طایفه هایی از امت او هستند» .

الفصل العاشر : مستقبل أمة محمد صلى الله عليه وآله في الدنيا 10 / 1 في وَسَطِهَا الْكَدْرُ رسول الله صلى الله عليه وآله : خَيْرُ أُمَّتِي أَوَّلُهَا وَآخِرُهَا ، وفي وَسَطِهَا الْكَدْرُ . (1)

راجع : ص 242 (الأمة / الفصل العاشر / آخرها الاستخلاف في الأرض) .

10 / 2 يَأْتِي عَلَيْهَا مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كُلُّ مَا كَانَ فِي الْأُمَمِ السَّالِفَةِ فَإِنَّهُ يَكُونُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مِثْلُهُ ؛ حَدَوِ النَّعْلَ بِالنَّعْلِ (2) ، وَالْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ (3) . (4)

- 1- .نوادير الأصول : ج 1 ص 336 عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج 11 ص 527 ح 32455 .
- 2- .حَدَوِ النَّعْلَ بِالنَّعْلِ : أي تعملون مثل أعمالهم ، كما تُقَطِّعُ إِحْدَى النِّعْلَيْنِ عَلَى قَدَرِ النَّعْلِ الْآخَرِ (النهاية : ج 1 ص 357 «حذا»).
- 3- .حَدَوِ الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ : الْقُدَّةُ : ريش السهام ، واحدتها : قُدَّةٌ ؛ أي كما تُقَدَّرُ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا عَلَى قَدَرِ صَاحِبَتِهَا وَتُقَطِّعُ . يُضْرَبُ لِلشَّيْئَيْنِ يَسْتَوِيَانِ وَلَا يَتَفَاوَتَانِ (النهاية : ج 4 ص 28 «قذذ»).
- 4- .كمال الدين : ص 576 عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ص 530 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 203 ح 609 نحوه وفيه «في بني إسرائيل» بدل «في الأمم السالفة» ، عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 201 ح 1 عن الحسن بن الجهم عن الإمام الرضا عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله ، كشف الغمّة : ج 3 ص 335 ، بحار الأنوار : ج 28 ص 10 ح 15 .

فصل دهم : آینده امت محمدصلی الله علیه وآله در دنیا

10 / 1 در میانه آن ، تیرگی است

10 / 2 دچار شدن به سرنوشت امت های پیشین

فصل دهم : آینده امت محمدصلی الله علیه وآله در دنیا 10 / 1 در میانه آن ، تیرگی استپیامبر خدا صلی الله علیه وآله :بهترین افراد امت من ، اولین و آخرین آنها هستند و در میانه اش تیرگی است .

ر . ك : ص 243 (امت / فصل دهم / سرانجام این امت ، جانشینی در زمین است) .

10 / 2 دچار شدن به سرنوشت امت های پیشینپیامبر خدا صلی الله علیه وآله :هر آنچه در امت های گذشته بوده است ، همانند آن ، در این امت نیز خواهد بود ، قدم به قدم و موبه مو .

.

عنه صلى الله عليه وآله: لَيَأْتِيَنَّ عَلَى أُمَّتِي مَا أَتَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ؛ حَذَوِ النَّعْلَ بِالنَّعْلِ، حَتَّى إِنْ كَانَ مِنْهُمْ مَنْ أَتَى أُمَّةً عَلَانِيَةً، لَكَانَ فِي أُمَّتِي مَنْ يَصْنَعُ ذَلِكَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَيُحْمَلَنَّ شِرَارُ هَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى سُنَنِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ [مِنْ] (2) أَهْلِ الْكِتَابِ؛ حَذَوِ الْقُدَّةَ بِالْقُدَّةِ. (3)

صحيح البخاري عن أبي سعيد الخدري: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَتَتَّبِعَنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَذِرَاعًا بِذِرَاعٍ، حَتَّى لَوْ سَلَكَوا جُحْرَ ضَبٍّ لَسَلَكَتُمُوهُ. قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى؟ قَالَ: فَمَنْ؟! (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَتْرُكْ هَذِهِ الْأُمَّةَ شَيْئًا مِنْ سُنَنِ الْأَوَّلِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُ. (5)

المعجم الكبير عن كثير بن عبد الله عن أبيه عن جده: كُنَّا قُعُودًا حَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَسْجِدِهِ بِالْمَدِينَةِ، فَجَاءَهُ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْوَحْيِ، فَتَغَشَّى رِدَاءَهُ، فَمَكَثَ طَوِيلًا حَتَّى سَدَّيْ عَنْهُ، وَكَشَفَ رِدَاءَهُ فَإِذَا هُوَ تَعَرَّقَ عَرَقًا شَدِيدًا، وَإِذَا هُوَ قَابِضٌ عَلَى شَيْءٍ. فَقَالَ: أَيُّكُمْ يَعْرِفُ مَا يَخْرُجُ مِنَ النَّخْلِ؟ فَقَالَ الْأَنْصَارُ: نَحْنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَيِّنَا أَنْتَ وَأُمْنَا، لَيْسَ شَيْءٌ يَخْرُجُ مِنَ النَّخْلِ إِلَّا نَحْنُ نَعْرِفُهُ، نَحْنُ أَصْحَابُ نَخْلٍ! ثُمَّ فَتَحَ يَدَهُ، فَإِذَا فِيهَا نَوَى، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ فَقَالُوا: هَذَا - يَا رَسُولَ اللَّهِ - نَوَى، قَالَ: نَوَى أَيُّ شَيْءٍ؟ قَالُوا: نَوَى سَنَةَ. قَالَ: صَدَقْتُمْ، جَاءَكُمْ جَبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَعَاهَدُ دِينَكُمْ، لَسَلُكُنَّ سُنَنَ مَنْ قَبْلَكُمْ حَذَوِ النَّعْلَ بِالنَّعْلِ، وَلَتَأْخُذَنَّ بِمِثْلِ أَخَذِهِمْ إِنْ شَبِرَا فَشَبِرَا، وَإِنْ ذَرَعَا فَذَرَعَا، وَإِنْ بَاعَا فَبَاعَا، حَتَّى لَوْ دَخَلُوا فِي جُحْرِ ضَبٍّ دَخَلْتُمْ فِيهِ. أَلَا إِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ افْتَرَقَتْ عَلَى مُوسَى سَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا ضَالَّةٌ إِلَّا فِرْقَةً وَاحِدَةً؛ الْإِسْلَامَ وَجَمَاعَتَهُمْ، ثُمَّ إِنَّهَا افْتَرَقَتْ عَلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا ضَالَّةٌ إِلَّا وَاحِدَةً؛ الْإِسْلَامَ وَجَمَاعَتَهُمْ، ثُمَّ إِنَّكُمْ تَكُونُونَ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا وَاحِدَةً؛ الْإِسْلَامَ وَجَمَاعَتَهُمْ. (6)

1- سنن الترمذي: ج 5 ص 26 ح 2641، المستدرك على الصحيحين: ج 1 ص 218 ح 444 نحوه وكلاهما عن عبد الله بن عمرو، كنز العمال: ج 11 ص 115 ح 30837.

2- ما بين المعقوفين أثبتناه من المعجم الكبير وأسد الغابة.

3- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 80 ح 17135، المعجم الكبير: ج 7 ص 281 ح 7140، أسد الغابة: ج 2 ص 614 الرقم 2393 وفيه «لتحدون» بدل «ليحملن»، مسند ابن الجعد: ص 491 ح 3424 كلها عن شذاد بن أوس.

4- صحيح البخاري: ج 3 ص 1274 ح 3269، صحيح مسلم: ج 4 ص 2054 ح 6، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 168 ح 11800 وفيهما «دخلوا» بدل «سلخوا» و«لتبعتموهم» بدل «لسلكتموهم»، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 95 ح 6703، كنز العمال: ج 11 ص 133 ح 30923؛ الطرائف: ص 380، بحار الأنوار: ج 53 ص 141.

5- المعجم الأوسط: ج 1 ص 101 ح 313 عن المستورد بن شذاد، فتح الباري: ج 13 ص 301، كنز العمال: ج 11 ص 133 ح 30919.

6- المعجم الكبير: ج 17 ص 13 ح 3، المستدرك على الصحيحين: ج 1 ص 219 ح 445 وليس فيه من «فجاءه جبريل عليه السلام» إلى «يتعاهد دينكم»، كنز العمال: ج 1 ص 211 ح 1059.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به تحقیق آنچه بر بنی اسرائیل گذشته است، موبه مو، بر امت من نیز خواهد گذشت. حتی اگر در میان آنها کسی بوده که آشکارا با مادرش هم بستر می شده، در میان امت من نیز کسی خواهد بود که چنین کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به تحقیق بدان این امت، بر همان راهی خواهند رفت که پیشینیان آنان از اهل کتاب رفتند، موبه مو.

صحيح البخاری_ به نقل از ابو سعید خدری _ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بی گمان، شما روش های پیشینیان خود را، وَجَبَ به وجب و گز به گز، دنبال خواهید کرد. حتی اگر آنان به سوراخ سوسماری خزیدند، شما نیز خواهید خزید». گفتیم: ای پیامبر خدا! [مقصود از پیشینیان، یهود و نصارا هستند؟] فرمود: «پس که؟!».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چیزی از روش پیشینیان نیست، مگر آن که این امت، آن را انجام خواهند داد.

المعجم الكبير_ به نقل از کثیر بن عبد الله، از پدرش، از جدش _: ما در مسجد پیامبر خدا در مدینه، پیرامون ایشان نشسته بودیم که جبرئیل علیه السلام بر او وحی آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله خود را در ردایش پیچید و مدتی طولانی، درنگ کرد تا آن که به خود آمد و ردایش را کنار زد. دیدیم عرق بسیاری بر [روی] ایشان نشسته و انگار، چیزی در مُشت دارد. فرمود: «کدام يك از شما می داند که از نخل، چه بیرون می آید؟». انصار گفتند: ما، ای پیامبر خدا! پدر و مادرمان به فدایت! هیچ چیز نیست که از نخل بیرون آید، مگر این که ما آن را می دانیم. ما سر و کارمان با نخل است. ایشان، دستش را باز کرد. مقداری هسته خرما در دستش بود. فرمود: «اینها چیست؟». انصار گفتند: اینها، هسته خرماست، ای پیامبر خدا! فرمود: «چه نوع هسته ای؟». گفتند: هسته يك ساله. فرمود: «درست گفتید. جبرئیل علیه السلام برای سرکشی به دین شما نزدتان آمده بود. بی گمان، شما نیز راه های کسانی را که پیش از شما بودند، خواهید پیمود، قدم به قدم، و آنچه را آنان در پیش گرفتند، در پیش خواهید گرفت، وَجَبَ به وجب، و گز به گز، و باز (1) به باز. حتی اگر آنان به سوراخ سوسماری رفته اند، شما نیز به آن داخل خواهید شد. بنی اسرائیل، در [دین] موسی علیه السلام هفتاد فرقه شدند که همگی آنان، گم راه بودند، جز یکی: اسلام و جماعت آنان. سپس در [دین] عیسی بن مریم علیه السلام هفتاد و يك فرقه شدند که همگی آنان، گم راه بودند، جز یکی: اسلام و جماعت آنان. شما نیز به هفتاد و دو فرقه، پراکنده خواهید شد که همگی در آتش اند، بجز یکی: اسلام و جماعت ایشان».

1- .. در متن عربی حدیث، «باع» آمده است که واحد اندازه گیری طول (به مقدار فاصله دو دست باز) است.

10 / 3 تكون فيها الفرقة رسول الله صلى الله عليه وآله وقد أشار إلى علي عليه السلام - يكون بين الناس فرقة واختلاف ، فيكون هذا وأصحابه على الحق . (1)

عنه صلى الله عليه وآله : إن أهل الكتابين اختلفوا في دينهم على ثنتين وسبعين ملة ، وإن هذه الأمة ستفترق على ثلاث وسبعين ملة - يعني الأهواء - كلها في النار إلا واحدة ، وهي الجماعة . (2)

-
- 1- .المعجم الكبير : ج 19 ص 147 ح 322 عن كعب بن عجرة ، كنز العمال : ج 11 ص 621 ح 33016 .
 - 2- .مسند ابن حنبل : ج 6 ص 33 ح 16935 ، المعجم الكبير : ج 19 ص 377 ح 884 ، السنة لابن أبي عاصم : ص 7 ح 2 ، تاريخ دمشق : ج 32 ص 131 ح 6629 كلها عن أبي عامر عبد الله بن لحي الهوزني ، مسند الشاميين : ج 2 ص 108 ح 1005 عن معاوية بن أبي سفيان .

10 / 3 اختلاف و جدایی در آنان

10 / 3 اختلاف و جدایی در آنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اشاره به علی علیه السلام _ میان مردم ، جدایی و اختلاف پدید خواهد آمد و [در میان آن فرقه ها] این (علی علیه السلام) و یاران او بر حقّ اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پیروان هر دو کتاب (تورات و انجیل) در دین خود به هفتاد و دو ملت پراکنده شدند و این امت ، به هفتاد و سه ملت (یعنی فرقه) پراکنده خواهد شد که بجز یکی ، یعنی جماعت ، بقیّه در آتش اند .

عنه صلى الله عليه وآله: تَفْتَرِقُ أُمَّتِي عَلَى بَضْعٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، أَعْظَمُهَا فِتْنَةً عَلَى أُمَّتِي قَوْمٌ يَقْسُونَ الْأُمُورَ بِرَأْيِهِمْ، فَيُحِلُّونَ الْحَرَامَ وَيُحَرِّمُونَ الْحَالَلَ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أُمَّتِي أُمَّتِي، إِذَا اخْتَلَفَ النَّاسُ بَعْدِي وَصَارُوا فِرْقَةً فِرْقَةً، فَاجْتَهِدُوا فِي طَلَبِ الدِّينِ الْحَقِّ حَتَّى تَكُونُوا مَعَ أَهْلِ الْحَقِّ، فَإِنَّ الْمَعْصِيَةَ فِي دِينِ الْحَقِّ تُغْفَرُ، وَالطَّاعَةَ فِي دِينِ الْبَاطِلِ لَا تُقْبَلُ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ الْيَهُودَ تَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى إِحْدَى وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، مِنْهَا فِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ، وَتَفَرَّقَتِ النَّصَارَى بَعْدَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، فِرْقَةٌ مِنْهَا فِي الْجَنَّةِ وَإِحْدَى وَسَبْعُونَ فِي النَّارِ، وَتَفَرَّقَتِ هَذِهِ الْأُمَّةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، اثْنَتَانِ وَسَبْعُونَ فِرْقَةً فِي النَّارِ وَفِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ. وَمِنْ الثَّلَاثِ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً ثَلَاثَ عَشْرَةَ فِرْقَةً تَنْتَحِلُ وَلَا يَتَنَا وَمَوَدَّتْنَا، اثْنَتَا عَشْرَةَ فِرْقَةً مِنْهَا فِي النَّارِ وَفِرْقَةٌ فِي الْجَنَّةِ، وَسِتُّونَ فِرْقَةً مِنْ سَائِرِ النَّاسِ فِي النَّارِ. (3)

1- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 631 ح 6325، المعجم الكبير: ج 18 ص 51 ح 90 كلاهما عن عوف بن مالك، كنز العمال: ج 1 ص 210 ح 1058؛ كنز الفوائد: ج 2 ص 209، الصراط المستقيم: ج 3 ص 208 عن عوف بن مالك، بحار الأنوار: ج 2 ص 312.

2- جامع الأخبار: ص 505 ح 1396، بحار الأنوار: ج 27 ص 197 ح 58.

3- الكافي: ج 8 ص 224 ح 283 عن أبي خالد الكابلي، الأمالي للطوسي: ص 523 ح 1159 عن المجاشعي عن الإمام الرضا عن أبيه عن الإمام علي عليهم السلام، بشارة المصطفى: ص 216 عن الإمام الرضا عن أبيه عنهم السلام، الاحتجاج: ج 1 ص 625 ح 145 عن الإمام علي عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 28 ص 14 ح 21.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمّت من به هفتاد و اندی فرقه پراکنده خواهند شد که پُردردسرتَرینِ آنان برای اَمّتَم ، گروهی اند که کارها را با رأی خویش می سنجند و در نتیجه ، حرام را حلال و حلال را حرام می سازند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمّت من ، اَمّت من ! هر گاه پس از من ، مردم اختلاف کردند و گروه گروه شدند ، شما در جستجوی دین حق بکوشید تا با اهل حق باشید ؛ چرا که گناه ، در دین حق ، آمرزیده می شود و طاعت ، در دین باطل ، پذیرفته نمی شود .

امام باقر علیه السلام : یهود ، پس از موسی علیه السلام هفتاد و یک گروه شدند که از آنها ، یک گروه در بهشت است و هفتاد گروه ، در آتش اند . نصارا ، پس از عیسی علیه السلام هفتاد و دو گروه شدند که یک گروه آنها در بهشت است و هفتاد و یکی در آتش اند . این اَمّت نیز پس از پیامبرش ، هفتاد و سه گروه می شود که هفتاد و دو گروه ، در آتش اند و یک گروه ، در بهشت است . از این هفتاد و سه گروه ، سیزده گروه دم از ولایت و دوستی ما می زنند که دوازده گروه آنها در آتش اند ، و یک گروه در بهشت است و شصت گروه دیگر ، از سایر مردمان که همگی در آتش اند .

بحار الأنوار عن عبد الله بن عمر: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي مَا أَتَى عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ مِثْلُ بِمِثْلٍ، وَإِنَّهُمْ تَفَرَّقُوا عَلَى اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، وَسَتَفَرَّقُ أُمَّتِي عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ مِلَّةً، تَزِيدُ عَلَيْهِمْ وَاحِدَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ غَيْرَ وَاحِدَةٍ. قَالَ: قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَمَا تِلْكَ الْوَاحِدَةُ؟ قَالَ: هُوَ مَا نَحْنُ عَلَيْهِ الْيَوْمَ أَنَا وَأَهْلُ بَيْتِي. (1)

10 / 4 لَا تَجْتَمِعُ عَلَى ضَلَالَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا يَجْمَعُ اللَّهُ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى الضَّلَالَةِ أَبَدًا، وَيُدُّ اللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ، فَمَنْ شَذَّ شَذَّ فِي النَّارِ. (2)

الإمام الهادي عليه السلام في رسالته إلى أهل الأهواز حين سألوه عن الجبر والتفويض: -اجْتَمَعَتِ الْأُمَّةُ قَاطِبَةً لَا اخْتِلَافَ بَيْنَهُمْ فِي ذَلِكَ: أَنَّ الْقُرْآنَ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهِ عِنْدَ جَمِيعِ فِرْقَتِهَا، فَهُمْ فِي حَالَةِ الْاجْتِمَاعِ عَلَيْهِ مُصِيبُونَ، وَعَلَى تَصَدِيقِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مُهْتَدُونَ؛ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى ضَلَالَةٍ» فَأَخْبَرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَّ مَا اجْتَمَعَتِ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ وَلَمْ يُخَالِفْ بَعْضُهَا بَعْضًا هُوَ الْحَقُّ. (3)

1- بحار الأنوار: ج 28 ص 3 ح 4 نقلًا عن معاني الأخبار: ص 323 ح 1 وفيه «أصحابي» بدل «أهل بيتي»، عوالي اللآلي: ج 1 ص 83 ح 7 وليس فيه ذيله من «قال: قيل: ...»؛ سنن الترمذي: ج 5 ص 26 ح 2641، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 218 ح 444 كلاهما نحوه، تاريخ دمشق: ج 13 ص 98 ح 3063 وفيها «أصحابي» بدل «أهل بيتي»، كنز العمال: ج 11 ص 115 ح 30837.

2- المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 200 ح 392 و ص 201 ح 395 كلاهما عن ابن عمر و ص 202 ح 398 عن ابن عباس وليس فيه ذيله، سنن الترمذي: ج 4 ص 466 ح 2167 عن ابن عمر وفيه «مع الجماعة» بدل «على الجماعة».

3- الاحتجاج: ج 2 ص 487 ح 328، بحار الأنوار: ج 2 ص 225 ح 3.

10 / 4 هم داستان نشدن بر گم راهی

بحار الأنوار_ به نقل از عبد الله بن عمر _ : پیامبر خدا فرمود : «بر امت من ، همان خواهد گذشت که بر بنی اسرائیل گذشت ، مو به مو . آنان ، به هفتاد و دو ملت ، پراکنده شدند و امت من به هفتاد و سه ملت ، پراکنده خواهند شد ، یکی بیشتر از آنان و بجز یکی ، همه آنان در آتش اند» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! آن یکی کدام است؟ فرمود : «همان که ما امروز برآئیم ؛ من و اهل بیتم» .

10 / 4 هم داستان نشدن بر گم راهیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این امت هرگز بر گم راهی اجتماع نمی کنند . دست خدا بر سر جماعت است . پس ، هر که [از جماعت] جدا شود ، در آتش [نیز] تنها خواهد بود .

امام هادی علیه السلام_ در نامه اش به اهوازیان که در باره جبر و تقویض از ایشان پرسیده بودند _ : همه امت ، بر دین ، هم داستان اند و در این باره ، میانشان اختلافی نیست ؛ چرا که قرآن ، حق است و در حقانیت آن ، هیچ فرقه ای تردید ندارد . پس امت ، در هم داستانی شان بر این نکته ، بر صواب اند و در تصدیق آنچه خداوند فرو فرستاده است ، بر راه درست اند ؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است : «امت من بر گم راهی ، اجتماع نمی کنند» . پس ایشان خبر داده است که : «هر آنچه امت بر آن اجماع کنند و در باره آن اختلافی میانشان نباشد ، آن چیز ، حق [و درست] است» .

10 / 5 طائفة منهم على الحق حتى قيام الساعة الكتاب «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى : «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» _ هِيَ لِأُمَّتِي ، بِالْحَقِّ يَأْخُذُونَ وَبِالْحَقِّ يُعْطُونَ ، وَقَدْ أُعْطِيَ الْقَوْمُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ مِثْلَهَا . (2)

تفسير الطبري عن قتادة _ في قوله تعالى : «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» _ بَلَّغْنَا أَنْ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَقُولُ إِذَا قَرَأَهَا : هَذِهِ لَكُمْ ، وَقَدْ أُعْطِيَ الْقَوْمُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ مِثْلَهَا : «وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (3) . (4)

تفسير ابن كثير عن الربيع بن أنس _ في قوله تعالى : «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» _ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّ مِنْ أُمَّتِي قَوْمًا عَلَى الْحَقِّ حَتَّى يَنْزِلَ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ ، مَتَى مَا نَزَلَ . (5)

1- .الأعراف : 181 .

2- .مجمع البيان : ج 4 ص 773 عن ابن جريج ، بحار الأنوار : ج 24 ص 144 ح 8 ؛ تفسير الطبري : ج 6 الجزء 9 ص 135 وليس فيه ذيله نحوه .

3- .الأعراف : 159 .

4- .تفسير الطبري : ج 6 الجزء 9 ص 135 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 518 ، تفسير القرطبي : ج 7 ص 329 ، الدر المنثور : ج 3 ص 617 .

5- .تفسير ابن كثير : ج 3 ص 518 ، تفسير القرطبي : ج 7 ص 329 ؛ مجمع البيان : ج 4 ص 773 وفيه «ومن قوم موسى» بدل «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا» وليس فيهما ذيله «متى ما نزل» ، بحار الأنوار : ج 24 ص 144 ح 9 .

10 / 5 بر حق بودن گروهی از امت تا قیام قیامت

10 / 5 بر حق بودن گروهی از امت تا قیام قیامت قرآن «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در باره آیه شریف : «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند» _ : این آیه، در باره امت من است که به حق، می گیرند و به حق، می دهند . چنین چیزی به مردمانی که پیش از شما بوده اند نیز داده شده است .

تفسیر الطبری _ به نقل از قتاده، در باره آیه شریف : «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند» _ : به ما خبر رسیده است که پیامبر خدا، هر گاه این آیه را قرائت می کرد، می فرمود : «این در حق شماست . چنین ویژگی ای به مردمانی که پیش از شما بودند نیز داده شده است . «و از میان قوم موسی، جماعتی هستند که به حق، راه نمایی می کنند و به حق، داوری می نمایند» . «

تفسیر ابن کثیر _ به نقل از ربیع بن انس، در باره آیه شریف : «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند» _ : پیامبر خدا فرمود : «گروهی از امت من تا زمانی که عیسی بن مریم علیه السلام فرود آید _ هر زمان که فرود آمد _ همچنان پشتیبان حق هستند» .

الإمام علي عليه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَتَفَرَّقَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ عَلَى ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ فِرْقَةً، كُلُّهَا فِي النَّارِ إِلَّا فِرْقَةً «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» ؛ فَهَذِهِ الَّتِي تَنْجُو مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ . (1)

الكافي عن عبد الله بن سنان: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» ، قَالَ: هُمْ الْأَيْمَّةُ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ ، حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَذَلِكَ . (4)

1- . تفسير العياشي : ج 2 ص 43 ح 122 عن ابن الصهبان البكري ، مجمع البيان : ج 4 ص 773 ، بحار الأنوار : ج 28 ص 6 ح 8 ؛ الدر المنثور : ج 3 ص 617 نقلاً عن أبي الشيخ وراجع : الأمال للمفيد : ص 213 ح 3 .

2- . الكافي : ج 1 ص 414 ح 13 ، تفسير العياشي : ج 2 ص 42 ح 120 ، بصائر الدرجات : ص 36 ح 8 كلاهما عن حمran عن الإمام الباقر عليه السلام ، المناقب لابن شهر آشوب : ج 4 ص 400 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 189 ح 37 ، بحار الأنوار : ج 24 ص 146 ح 17 .

3- . المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 496 ح 8389 عن عمر بن الخطاب ، المعجم الكبير : ج 20 ص 403 ح 961 عن المغيرة بن شعبة ، تاريخ أصبهان : ج 1 ص 124 الرقم 47 عن أنس وفيه «يقاتلون» بدل «ظاهرين» ، تفسير القرطبي : ج 8 ص 296 عن عمران بن حصين ؛ عوالي اللآلي : ج 4 ص 62 ح 13 وراجع : صحيح البخاري : ج 3 ص 1331 ح 3441 و ج 6 ص 2667 ح 6881 و ص 2714 ح 7021 .

4- . صحيح مسلم : ج 3 ص 1523 ح 170 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 378 ح 18825 ، سنن الترمذي : ج 4 ص 504 ح 2229 ، صحيح ابن حبان : ج 16 ص 221 ح 7238 وليس فيهما «وهم كذلك» وكلها عن ثوبان ، كنز العمال : ج 12 ص 165 ح 34501 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 7 عن أبي سعيد الخدري .

امام علی علیه السلام: سوگند به آن که جانم در دست اوست، هر آینه این امت، هفتاد و سه فرقه خواهد شد که همه آنها در آتش اند، بجز يك فرقه: «و از میان کسانی که آفریدیم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به آن، داوری می نمایند». این فرقه از این امت، نجات می یابد.

الکافی_ به نقل از عبد الله بن سنان _: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل پرسیدم که: «و از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق، هدایت می کنند و به حق، داوری می نمایند». فرمود: «مقصود از این گروه، امامان است».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گروهی از امت من، همواره بر حق اند تا رستخیز بر پا شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همواره، يك گروه از امت من بر حق اند و یاری نرساندن کسی، زبانی به آنها نمی رساند و تا فرا رسیدن فرمان خدا (قیامت) چنین اند.

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ اللَّهُ يَغْرِسُ فِي هَذَا الدِّينِ غَرْسًا يَسْتَعْمِلُهُمْ فِي طَاعَتِهِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ، ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. قَالَ: فَيَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَ صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أُمَرَاءُ، تَكْرِمَةً لِلَّهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَنْ يَبْرَحَ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا يُقَاتِلُ عَلَيْهِ عَصَابَةٌ (3) مِنَ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ عَصَابَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ، قَاهِرِينَ لِعَدُوِّهِمْ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي قَوَّامَةٌ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ، لَا يَضُرُّهَا مَنْ خَالَفَهَا. (6)

1- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 5 ح 8، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 235 ح 17802، موارد الظمان: ص 50 ح 88، أسد الغابة: ج 6 ص 228 الرقم 6140، الإصابة: ج 7 ص 243 الرقم 10310، تاريخ دمشق: ج 67 ص 120 ح 13514 كلها عن أبي عتبة الخولاني، كنز العمال: ج 12 ص 193 ح 34625.

2- صحيح مسلم: ج 1 ص 137 ح 247، مسند ابن حنبل: ج 5 ص 190 ح 15129، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 231 ح 6819 كلها عن جابر بن عبد الله، كنز العمال: ج 14 ص 334 ح 38846؛ بشارة المصطفى: ص 249 عن الحسن، كشف الغمة: ج 3 ص 269، بحار الأنوار: ج 51 ص 88.

3- العصابة: الجماعة من الناس (الصحيح: ج 1 ص 183 «عصب»).

4- صحيح مسلم: ج 3 ص 1524 ح 172، مسند ابن حنبل: ج 7 ص 438 ح 21041 و ص 443 ح 21070، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 496 ح 8388، المعجم الكبير: ج 2 ص 217 ح 1891 كلها عن جابر بن سمرة، كنز العمال: ج 12 ص 164 ح 34495.

5- صحيح مسلم: ج 3 ص 1525 ح 176، المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 503 ح 8409، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 250 ح 6836، المعجم الكبير: ج 17 ص 314 ح 869 كلها عن عقبة بن عامر، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 310 ح 22383 عن أبي أمامة نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 165 ح 34502.

6- سنن ابن ماجه: ج 1 ص 5 ح 7، مسند الشامي: ج 2 ص 394 ح 1563، حلية الأولياء: ج 9 ص 307 الرقم 458 وفيه «قائمة» بدل «قائمة» وكلها عن أبي هريرة، أسد الغابة: ج 2 ص 621 الرقم 2411 عن شرحبيل بن السمط، تاريخ دمشق: ج 22 ص 455 ح 4991 عن أبي هريرة وابن سمط وليس فيه «من أمتي»، كنز العمال: ج 12 ص 164 ح 34497.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، پیوسته در این دین ، نهال هایی می کارد و آنها را در طاعت خود به کار می گیرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : همواره ، گروهی از امت من در راه حق می جنگند و تا روز قیامت ، چیره اند . پس عیسی بن مریم علیه السلام فرود می آید و امیرشان به آنان می گوید : بیا برای ما نماز بخوان ، و او می گوید : نه . شما خود بر یکدیگر امیرید و این ، لطف خدا بر این امت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این دین ، پیوسته برپاست و گروهی از مسلمانان ، تا قیام قیامت ، در راه آن می جنگند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی از امت من ، تا قیام قیامت ، پیوسته در راه خدا می جنگند و بر دشمنشان چیره اند و مخالفِ مخالفانشان ، گزندی به آنان نمی رساند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گروهی از امت من ، پیوسته به فرمان خدا قیام می کنند و مخالفانشان به آنان زیانی نمی رسانند .

10 / 6 ما أجازها الله منهُ رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَنِي فِي أُمَّتِي ، وَأَجَارَهُمْ مِنْ ثَلَاثٍ : لَا يَعْصِيهِمْ بِسَنَةِ (1) ، وَلَا يَسْتَأْصِلُهُمْ عَدُوٌّ ، وَلَا يَجْمَعُهُمْ عَلَى ضَلَالَةٍ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ اللَّهَ أَجَارَكُمْ مِنْ ثَلَاثٍ خِلَالٍ : أَنْ لَا يَدْعُو عَلَيْكُمْ نَبِيُّكُمْ فَتَهْلِكُوا جَمِيعًا ، وَأَنْ لَا يَظْهَرَ أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ ، وَأَنْ لَا تَجْتَمِعُوا عَلَى ضَلَالَةٍ. (3)

10 / 7 ما لَمْ يُجِرْهَا اللَّهُ مِنْهَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ : سَأَلْتُ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثَلَاثَ خِصَالٍ ، فَأَعْطَانِي اثْنَتَيْنِ وَمَنْعَنِي وَاحِدَةً . قُلْتُ : يَا رَبَّ لَا تَهْلِكْ أُمَّتِي جَوْعًا ، قَالَ : لَكَ هَذِهِ ، قُلْتُ : يَا رَبَّ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْهِمْ عَدُوًّا مِنْ غَيْرِهِمْ - يَعْنِي مِنَ الْمُشْرِكِينَ - فَيَجْتَاحُوهُمْ (4) ، قَالَ : لَكَ ذَلِكَ ، قُلْتُ : يَا رَبَّ لَا تَجْعَلَ بَأْسَهُمْ بَيْنَهُمْ ، فَمَنْعَنِي هَذِهِ. (5)

-
- 1- السَّنَةُ : الجَدْبُ (النهاية : ج 2 ص 413 «سنه»).
 - 2- سنن الدارمي : ج 1 ص 33 ح 54 عن عمرو بن قيس ، كنز العمال : ج 11 ص 442 ح 32080 .
 - 3- سنن أبي داود : ج 4 ص 98 ح 4253 ، المعجم الكبير : ج 3 ص 292 ح 3440 ، مسند الشاميين : ج 2 ص 442 ح 1663 كُلُّهَا عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْأَشْعَرِيِّ ، كنز العمال : ج 12 ص 155 ح 34455 .
 - 4- يَجْتَاحُهُ : يَسْتَأْصِلُهُ وَيَأْتِي عَلَيْهِ (النهاية : ج 1 ص 311 «جوح»).
 - 5- الخصال : ص 83 ح 9 عن جابر بن سمرة السوائي ، بحار الأنوار : ج 22 ص 443 ح 1 ؛ المعجم الكبير : ج 1 ص 107 ح 179 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 269 كلاهما عن جابر بن سمرة السوائي ، كنز العمال : ج 11 ص 175 ح 31103 .

10 / 6 از چند چیز ، در پناه خداوند**10 / 7 چیزهایی که خداوند ، آنان را از آنها پناه نداده است**

10 / 6 از چند چیز ، در پناه خدایند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل به من در باره امتّم وعده داد و آنها را از سه چیز ، در پناه خود در آورد : قحطی ، عموم آنان را فرا نمی گیرد ؛ هیچ دشمنی ، آنان را ریشه کن نمی کند ؛ و برگم راهی اجماع نمی نمایند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، شما را از سه چیز امان داده است : این که پیامبرتان شما را نفرین نکنند که همگی نابود شوید ؛ پیروان باطل بر پیروان حق چیره نیایند ؛ و برگم راهی هم داستان نشوید .

10 / 7 چیزهایی که خداوند ، آنان را از آنها پناه نداده است امام علی علیه السلام : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : « من ، سه چیز از پروردگارم _ تبارک و تعالی _ درخواست کردم . دو تایی آنها را به من داد و یکی را نداد . گفتم : پروردگارا ! امت مرا از گرسنگی هلاک مگردان . فرمود : پذیرفتم . گفتم : پروردگارا ! دشمن غیر خودی (یعنی از مشرکان) را بر آنان ، مسلّط مگردان که آنها را ریشه کن کند . فرمود : پذیرفتم . گفتم : پروردگارا ! آنان را دچار جنگ داخلی مگردان . این را به من نداد » .

10 / 8 ما يَقَعُ فِيهَا مِنَ الْفِتَنِ الْكَثِيرِ * وَأَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» . (1)

«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً» . (2)

الحديث للإمام علي عليه السلام: لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ قَوْلَهُ : «الم * أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» عَلِمْتُ أَنَّ الْفِتْنَةَ لَا تَنْزِلُ بِنَا وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ أَظْهُرِنَا ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، مَا هَذِهِ الْفِتْنَةُ الَّتِي أَخْبَرَكَ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا ؟ فَقَالَ : يَا عَلِيُّ ، إِنَّ أُمَّتِي سَيُفْتَنُونَ مِنْ بَعْدِي ، فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، أَوْ لَيْسَ قَدْ قُلْتَ لِي يَوْمَ أُحُدٍ حَيْثُ اسْتَشْهَدَ مَنْ اسْتَشْهَدَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَحِيزَتْ (3) عَنِّي الشَّهَادَةُ ، فَسَقَّ ذَلِكَ عَلَيَّ ، فَقُلْتَ لِي : أَبْشِرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ ؟ فَقَالَ لِي : إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ ، فَكَيْفَ صَبْرُكَ إِذَنْ ؟ فَقُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ وَلَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرِ وَالشُّكْرِ . وَقَالَ : يَا عَلِيُّ إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ ، وَيَمْتُونُ بِدِينِهِمْ عَلَى رَبِّهِمْ ، وَيَتَمَنُّونَ رَحْمَتَهُ وَيَأْمَنُونَ سَطَوَتَهُ ، وَيَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَالْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ ؛ فَيَسْتَحِلُّونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ ، وَالسُّحْتَ (4) بِالْهَدْيَةِ ، وَالرِّبَا بِالْبَيْعِ . قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، فَبَائِي الْمَنَازِلِ أَنْزَلْتُمْ عِنْدَ ذَلِكَ ؟ أِبْمَنْزِلَةٍ رَدَّةٍ أَمْ بِمَنْزِلَةٍ فِتْنَةٍ ؟ فَقَالَ : بِمَنْزِلَةٍ فِتْنَةٍ . (5)

1- .العنكبوت : 2 و 3 .

2- .الأنفال : 25 .

3- . تحوُّز عنه وتحَيَّرَ : إذا تنَحَّى (لسان العرب : ج 5 ص 340 «حوز»).

4- .السُّحْتَ : الحرام الذي لا يحلُّ كسبه ؛ لأنَّه يسحت البركة (النهاية : ج 2 ص 345 «سحت»).

5- .نهج البلاغة : الخطبة 156 ، أعلام الدين: ص 104 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 138 ح 26 ؛ كنز العمال : ج 16 ص 193 _ 196 ح 44216 نقلاً عن شعب الإيمان عن عبد الله بن الحسن نحوه وراجع : مختصر بصائر الدرجات : ص 203 .

10 / 8 دچار شدن به فتنه ها

10 / 8 دچار شدن به فتنه هاقرآن «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند : «ایمان آوردیم» ، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟ و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند ، آزمودیم، تا خدا آنان را که راست گفته اند ، معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد» .

«و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد بترسید» .

حدیثامام علی علیه السلام : چون خداوند سبحان ، این سخنش را فرو فرستاد که : «الف، لام، میم . آیا مردم پنداشتند که تا گفتند : «ایمان آوردیم» ، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟» ، دانستم که تا وقتی پیامبر خدا در میان ماست ، فتنه بر ما فرود نخواهد آمد . لذا به ایشان گفتم : ای پیامبر خدا ! این فتنه ای که خدای متعال ، تو را از آن خبر داده است ، چیست؟ فرمود : «ای علی ! پس از من ، اتمم دچار فتنه خواهند شد» . گفتم : ای پیامبر خدا ! آیا در روز اُحد که جمعی از مسلمانان شهید شدند و شهادت ، نصیب من نشد و این بر من گران آمد ، به من نفرمودی : «بشارت باد که شهادت در انتظار توست»؟ . پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود : «همین طور است . در آن هنگام ، چگونه شکیبایی خواهی کرد؟» . گفتم : ای پیامبر خدا ! این جا جای شکیب نیست ؛ بلکه جای شادی و سپاس گزاری است . فرمود : «ای علی ! به زودی ، مردم با دارایی های خود ، آزموده خواهند شد و آنان به واسطه دیندار بودن خود ، بر پروردگارشان منت خواهند نهاد و رحمت او را می طلبند و خود را از خشم او ایمن می پندارند ، حرام را با شبهات دروغین و خواهش های غفلت زا حلال می شمارند . مثلاً شراب را به نام نبیذ ، حلال می دارند و مال حرام (رشوه) را به نام هدیه و ربا را به نام معامله» . گفتم : ای پیامبر خدا ! در چنان وضعی آنان را در چه جایگاهی قرار دهم؟ در جایگاه ارتداد یا جایگاه فتنه؟ فرمود : «در جایگاه فتنه» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَقْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَقْرُ الْغَنَمُ عَنِ الذُّبِّ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: يَرْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَالثَّانِي: سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَانِرًا، وَالثَّالِثُ: يَخْرِجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلاَ إِيمَانٍ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ الْمُلْكُ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبِيرِ، وَلَا الْغِنَى إِلَّا بِالْغَصْبِ وَالْبُخْلِ، وَلَا الْمَحَبَّةُ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَاتِّبَاعِ الْهَوَى، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْغِنَى، وَصَبَرَ عَلَى الْبَغْضَةِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ، وَصَبَرَ عَلَى الذُّلِّ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ؛ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صَدِيقًا مِمَّنْ صَدَّقَ بِهِ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي لَا يَعْرِفُونَ الْعُلَمَاءَ إِلَّا بِثَوْبٍ حَسَنِ، وَلَا يَعْرِفُونَ الْقُرْآنَ إِلَّا بِصَوْتٍ حَسَنِ، وَلَا يَعْبُدُونَ اللَّهَ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا لَا عِلْمَ لَهُ وَلَا حِلْمَ لَهُ وَلَا رَحْمَ لَهُ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَخْبُثُ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عُلَانِيَتُهُمْ، طَمَعًا فِي الدُّنْيَا وَلَا يُرِيدُونَ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ رَبِّهِمْ، يَكُونُ دِينُهُمْ رِيَاءً، لَا يُخَالِطُهُمْ خَوْفٌ، يَعْمَهُمُ اللَّهُ مِنْهُ بِعِقَابٍ، فَيَدْعُوهُ دُعَاءَ الْغَرِيقِ فَلَا يَسْتَجِيبُ لَهُمْ. (4)

- 1- .جامع الأخبار : ص 356 ح 995، بحار الأنوار : ج 22 ص 453 ح 11 .
- 2- .الكافي : ج 2 ص 91 ح 12 عن العزمي عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول : ص 60 نحوه، مشكاة الأنوار : ص 55 ح 54 عن الإمام الصادق عليه السلام، جامع الأخبار : ص 317 ح 888 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار : ج 18 ص 147 ح 8؛ حلية الأولياء : ج 8 ص 135 الرقم 405 و ج 6 ص 312 الرقم 391 نحوه وكلاهما عن الحسن، كنز العمال : ج 3 ص 209 ح 6195 .
- 3- .جامع الأخبار : ص 356 ح 998، بحار الأنوار : ج 22 ص 454 ح 11 .
- 4- .الكافي : ج 8 ص 306 ح 476، ثواب الأعمال : ص 301 ح 3 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، عدّة الداعي : ص 178 عن الحسين بن أبي العلاء عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار : ج 18 ص 146 ح 6 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر امت من خواهد رسید که از عالمان می‌گیرند، چنان که گوسفند از گرگ می‌گریزد. چون چنین شود، خداوند متعال، آنها را به سه چیز گرفتار می‌سازد: اول، برکت را از اموالشان ببرد؛ دوم، سلطانی ستمگر بر آنان مسلط گرداند؛ و سوم، بی‌ایمان از دنیا می‌روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر مردم فرا می‌رسد که در آن، حکومت، جز با کشتار و ستم به دست نمی‌آید و ثروت، جز با غصب و بخل ورزی و دوستی، جز با خارج شدن از دین و پیروی از هوس فراهم نمی‌آید. پس هر کس چنان زمانی را درک کند و بر فقر، شکیبایی ورزد با آن که در به دست آوردن ثروت، توانایی داشته باشد و بر دشمنی [مردم] شکیبایی ورزد، با آن که بر کسب دوستی [از طرق نامشروع] توانایی داشته باشد و بر خواری شکیبایی ورزد، با آن که بتواند عزّت [و مقام] به دست آورد، خداوند، ثواب پنجاه صدیق (مؤمن راستین) از کسانی که مرا تصدیق کرده‌اند، به او بدهد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر امت من می‌آید که عالمان را جز به جامه نیکو و قرآن را جز به صدای نیکو نمی‌شناسند و خدا را جز در ماه رمضان، عبادت نمی‌کنند. هر گاه چنین شود، خداوند، سلطانی را بر آنان مسلط می‌گرداند که نه علم دارد، نه بردباری و نه رحم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر امت من فرا می‌رسد که در آن زمان، باطن هایشان پلید و ظاهرشان زیباست. از سرِ طمع به دنیا، نه این که به واسطه دنیا، آنچه را [از ثواب و پاداش] نزد پروردگارشان است، بجویند. دینشان از سرِ ریاست است و هیچ ترسی [از خدا] در وجودشان نیست. کیفر خداوند، آنان را فرا می‌گیرد و چونان شخص در حال غرق شدن، او را می‌خوانند؛ اما دعایشان مستجاب نمی‌شود.

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ لَا يَبْقَى مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَلَا مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ، يُسَمَّوْنَ بِهِ وَهُمْ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنْهُ، مَسَاجِدُهُمْ عَامِرَةٌ وَهِيَ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى، فَقَهَاءُ ذَلِكَ الزَّمَانِ شَرُّ فَقَهَاءِ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ، مِنْهُمْ خَرَجَتِ الْفِتْنَةُ وَإِلَيْهِمْ تَعُودُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَكُونُ فِيهِ شَيْءٌ أَعَزَّ مِنْ ثَلَاثٍ: دِرْهَمٌ حَلَالٌ، أَوْ أَخٌ يُسْتَأْنَسُ بِهِ، أَوْ سُنَّةٌ يُعْمَلُ بِهَا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَذُوبُ فِيهِ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْإِنُّكَ فِي النَّارِ - يَعْنِي الرِّصَاصَ -، وَمَا ذَلِكَ إِلَّا لِمَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ وَالْأَحْدَاثِ فِي دِينِهِمْ لَا يَسْتَطِيعُ لَهُ غَيْرُ (3). (4)

1- . ثواب الأعمال : ص 301 ح 4 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، الكافي : ج 8 ص 308 ح 479 عن السكوني عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام ، نهج البلاغة : الحكمة 369 نحوه وفيهما «الناس» بدل «أمتي» ، بحار الأنوار : ج 2 ص 109 ح 14 ؛ تفسير القرطبي : ج 12 ص 280 عن الإمام عليّ عليه السلام نحوه ، الفردوس : ج 2 ص 319 ح 3448 عن معاذ بن جبل ، كنز العمال : ج 11 ص 181 ح 31135 .

2- . المعجم الأوسط : ج 1 ص 35 ح 88 ، حلية الأولياء : ج 4 ص 370 الرقم 288 و ج 7 ص 127 ، تاريخ دمشق : ج 13 ص 31 ح 3035 كلّها عن حذيفة ، كنز العمال : ج 11 ص 126 ح 30886 ؛ تحف العقول : ص 368 عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه وليس فيه «أو سنة يعمل بها» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 251 ح 102 .

3- . غيرا : أي تغييرا ؛ قال الفيروز آبادي : غَيَّرَهُ : جعله غير ما كانَ وَحَوَّلَهُ وَبَدَّلَهُ ، والاسم : الغَيْرُ (القاموس المحيط : ج 2 ص 106 «غير») .

4- . الأماشي للطوسي : ص 518 ح 1136 عن المجاشعي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، تفسير القمّي : ج 2 ص 304 عن ابن عباس نحوه ، بحار الأنوار : ج 28 ص 48 ح 13 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 686 ح 8463 نقلاً عن ابن أبي الدنيا نحوه .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر امت من می آید که از قرآن، جز نوشته اش باقی نماند و از اسلام، جز نامش. مسلمان نامیده می شوند؛ اما دورترین مردم از اسلام اند. مسجدهایشان [از جمعیت] آباد و از هدایت، خالی است. دین شناسان آن زمان، بدترین دین شناسان زیر سایه آسمان اند. فتنه از آنان بر می خیزد و به آنان، باز می گردد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی زمانی بر شما می آید که در آن، هیچ چیز کمیاب تر از سه چیز نیست: درهمی حلال، یا برادری همدل، یا سنتی که به آن عمل شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر مردم فرا می رسد که در آن زمان، دل مؤمن در درونش آب شود، آن سان که سُرَب در آتش آب می شود و این نیست، مگر به سبب بلا و بدعت هایی که در دین مردم می بیند و نمی تواند تغییرشان دهد.

صحيح البخاري عن يعقوب بن عبد الرحمن عن أبي حازم: سَمِعْتُ سَهْلَ بْنَ سَعْدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: أَنَا فَرَطُكَ عَلَى الْحَوْضِ، مَنْ وَرَدَهُ شَرِبَ مِنْهُ، وَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ لَمْ يَظْمَأْ بَعْدَهُ أَبَدًا. لَيَرِدَنَّ عَلَيَّ أَقْوَامٌ أَعْرِفُهُمْ وَيَعْرِفُونَنِي، ثُمَّ يُحَالُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ. قَالَ أَبُو حَازِمٍ: فَسَمِعَنِي الثُّعْمَانُ بْنُ أَبِي عِيَّاشٍ وَأَنَا أَحَدُهُمْ هَذَا، فَقَالَ: هَكَذَا سَمِعْتُ سَهْلًا؟ فَقُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: وَأَنَا أَشْهَدُ عَلَى أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ لَسَمِعْتُهُ يَزِيدُ فِيهِ: قَالَ: إِنَّهُمْ مَنِي! فَيَقَالُ إِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا أَحَدَثُوا بَعْدَكَ. فَأَقُولُ: سُحْقًا سُحْقًا لِمَنْ بَدَّلَ بَعْدِي. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ إِذَا سَمِعْتَ بِاسْمِ رَجُلٍ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَلْقَاهُ، فَإِذَا لَقَيْتَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تُجَرِّبَهُ، وَلَوْ جَرَّبْتَهُ أَظْهَرَ لَكَ أَحْوَالًا. دِينُهُمْ دَرَاهِمُهُمْ، وَهَمَّتُهُمْ بَطُونُهُمْ، وَقَبْلَتُهُمْ نِسَاؤُهُمْ، يَرْكَعُونَ لِلرَّغِيفِ، وَيَسْجُدُونَ لِلدَّرْهِمِ، حَيَارَى سَكَارَى، لَا مُسْلِمِينَ وَلَا نَصَارَى. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَطُونُهُمْ آلِهَتُهُمْ، وَنِسَاؤُهُمْ قِبَلَتُهُمْ، وَدَنَانِيرُهُمْ دِينُهُمْ، وَشَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ، لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ، وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رَسْمُهُ، وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرْسُهُ، مَسَاجِدُهُمْ مَعْمُورَةٌ، وَقُلُوبُهُمْ خَرَابٌ عَنِ الْهُدَى، عُلَمَاؤُهُمْ أَشَرُّ خَلْقِ اللَّهِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ يَكُونُ أُمَرَاؤُهُمْ عَلَى الْجَوْرِ، وَعُلَمَاؤُهُمْ عَلَى الطَّمَعِ وَقِلَّةِ الْوَرَعِ، وَعُبَّادُهُمْ عَلَى الرِّيَاءِ، وَتُجَاوِزُهُمْ عَلَى أَكْلِ الرِّبَا وَكِتْمَانِ الْعَيْبِ فِي الْبَيْعِ وَالشَّرَاءِ، وَنِسَاؤُهُمْ عَلَى زِينَةِ الدُّنْيَا، فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسَّ لَطُ عَلَيْهِمْ أَشْرَاؤُهُمْ، فَيَدْعُو خِيَارُهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (4)

- 1- صحيح البخاري: ج 6 ص 2587 ح 6643، صحيح مسلم: ج 4 ص 1793 ح 26 وذيله، مسند ابن حنبل: ج 8 ص 431 ح 22885 وفيهما «ما عملوا» بدل «ما أحدثوا»؛ الطرائف: ص 376، نهج الحق: ص 214، بحار الأنوار: ج 18 ص 122.
- 2- أعلام الدين: ص 291 عن أم هانئ بنت أبي طالب، مصباح الشريعة: ص 373 عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه وفيه صدره إلى «تجربته»، بحار الأنوار: ج 74 ص 166 ح 31.
- 3- جامع الأخبار: ص 355 ح 993، بحار الأنوار: ج 22 ص 453 ح 11؛ الفردوس: ج 5 ص 444 ح 8688 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه وليس فيه ذيله من «لا يبقى من الإيمان».
- 4- أعلام الدين: ص 285، بحار الأنوار: ج 103 ص 82 ح 10.

صحیح البخاری_ به نقل از یعقوب بن عبد الرحمان ، از ابو حازم _ شنیدم که سهل بن سعد می گوید : از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود : «من پیش گام شما در وارد شدن بر حوض [کوثر] هستم . هر کس بر آن وارد شد ، از آن نوشید ، و هر کس از آن نوشید ، هرگز تشنه نشد . گروه هایی بر من وارد می شوند که من آنها را می شناسم و آنها هم مرا می شناسند ؛ اما میان من و آنها فاصله می افتد» . نعمان بن ابی عیّاش ، در حالی که این خبر را برای بعضی روایت می کردم ، از من شنید و گفت : آیا به همین گونه از سهل شنیدی؟ گفتم : آری . گفت : من گواهی می دهم که همین خبر را از ابو سعید خُدَری شنیدم که از این ، مفصّل تر نقل کرد و گفت : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «آنان از من هستند! [به من] گفته می شود : تو خبر نداری که پس از تو ، چه ها کردند! [و من] می گویم : از رحمت خدا دور باد ، از رحمت خدا دور باد ، هر کس که پس از من ، [دین خدا را] تغییر داد!» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی به مردم فرا رسد که [در آن زمان] شنیدن نام مردی ، بهتر از دیدن اوست و دیدن او ، بهتر از آزمودن اوست و اگر او را بیازمایی ، احوالی بر تو نمایان سازد . دینشان ، درهم هایشان است و همّ و غمّشان ، شکم هایشان و قبله شان ، زنانشان . برای گِردِده نانی ، سر خم می کنند و برای درهم به خاك می افتند . سرگردان و مست اند . نه مسلمان اند و نه ترسا .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی بر مردم می آید که شکم هایشان ، خدای آنان است و زنانشان ، قبله شان و دینارهایشان ، دینشان و شرافتشان ، کالایشان . از ایمان ، جز نامش و از اسلام ، جز رسمش بر جای نمی ماند و از قرآن ، جز خواندنش . مسجد هایشان ، آباد [و پُر از جمعیت] است و دل هایشان از هدایت ، ویران [و تهی] . عالمانشان ، بدترین خلق خدا در روی زمین هستند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زمانی بر امت من می آید که فرمان روایانشان ستمکارند ، عالمانشان طمعکار و کم تقوا ، عابدانشان ریاکار ، بازرگانانشان رباخوار و پوشاننده عیب [کالا] در هنگام خرید و فروش ، و زنانشان در پی زیب و زیور دنیا . در این شرایط ، خداوند بدان ایشان را بر آنان مسلّط می گرداند و نیکانشان دعا می کنند ؛ اما دعایشان مستجاب نمی شود .

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمانِ أَنْاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْتُونَ الْمَساجِدَ يَقْعُدُونَ فِيهَا حَلَقًا ، ذَكَرَهُمُ الدُّنْيَا وَحُبُّ الدُّنْيَا ، لَا تُجَالِسُوهُمْ فَلَيْسَ لِلَّهِ بِهِمْ حَاجَةٌ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمانٌ يُخَيِّرُ فِيهِ الرَّجُلُ بَيْنَ الْعَجْزِ وَالْفُجُورِ ، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمانَ فَلْيَخْتَرْ الْعَجْزَ عَلَى الْفُجُورِ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: لَيَأْتِيَنَّكُمْ بَعْدِي دُنْيا تَأْكُلُ أَمْوالَكُمْ ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ قَدْ أَصَبَحْتُمْ فِي زَمانٍ كَثِيرٌ فَقَهاؤُهُ قَلِيلٌ خُطباؤُهُ ، كَثِيرٌ مُعْطَوْهُ قَلِيلٌ سُؤالُهُ ، الْعَمَلُ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْعِلْمِ ، وَسَيَأْتِي زَمانٌ قَلِيلٌ فَقَهاؤُهُ كَثِيرٌ خُطباؤُهُ ، كَثِيرٌ سُؤالُهُ قَلِيلٌ مُعْطَوْهُ ، الْعِلْمُ فِيهِ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّكُمْ فِي زَمانٍ مَنْ تَرَكَ مِنْكُمْ عَشْرَ ما أَمَرَ بِهِ هَلَكَ ، ثُمَّ يَأْتِي زَمانٌ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ بِعُشْرٍ ما أَمَرَ بِهِ نَجَا . (5)

1- .جامع الأخبار : ص 179 ح 435 و ص 356 ح 994 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 69 ، بحار الأنوار : ج 22 ص 453 ح 11 ؛ الفردوس : ج 2 ص 319 ح 3445 عن ابن مسعود نحوه .

2- .مسند ابن حنبل : ج 3 ص 115 ح 7748 و ص 456 ح 9774 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 484 ح 8352 ، مسند أبي يعلى : ج 6 ص 44 ح 6372 ، مسند إسحاق بن راهويه : ج 1 ص 197 ح 150 كلها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 11 ص 191 ح 31180 .

3- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 134 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 19 ص 289 .

4- .المعجم الكبير : ج 3 ص 197 ح 3111 عن حكيم بن حزام ، الأدب المفرد : ص 236 ح 789 عن ابن مسعود من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله ، مسند الشاميين : ج 2 ص 222 ح 1225 ، تاريخ دمشق : ج 12 ص 304 ح 2961 كلاهما عن حرام بن حكيم عن عمه عبد الله بن سعد ، أسد الغابة : ج 3 ص 223 الرقم 2913 عن حرام بن حكيم عن عمه نحوه ، كنز العمال : ج 14 ص 254 ح 28628 .

5- .سنن الترمذي : ج 4 ص 530 ح 2267 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 138 ، تاريخ دمشق : ج 52 ص 362 ح 11069 كلاهما عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 14 ص 254 ح 38626 ؛ كنز الفوائد : ج 1 ص 217 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر زمان، مردمی از امت من پدید می آیند که به مسجدها می روند و در آنها گرد هم می نشینند و ذکر و وردشان، دنیا و دنیادوستی است. با اینان، هم نشینی نکنید؛ زیرا خدا را با اینان، کاری نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر شما خواهد آمد که در آن زمان، انسان، میان ناتوانی و گناه، مخیر است. پس هر کس آن زمان را درك کرد، ناتوانی را بر گناه برگزیند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به تحقیق پس از من، دنیایی بر شما فرا می رسد که امواتان را می خورد، چنان که آتش، هیمه را.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما در زمانی به سر می برید که دین شناسان آن، بسیارند و خطیبانش اندك. دهندگانش بسیارند و خواهندگانش اندك. عمل در این زمان، بهتر از علم است. زمانی فرا خواهید رسید که دین شناسان آن، اندك اند و خطیبانش بسیار. خواهندگانش بسیارند و دهندگانش اندك. در آن زمان، علم، بهتر از عمل به شمار می آید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما در زمانی به سر می برید که هر يك از شما، يك دهم آنچه را بدان فرمان داده شده است، وا گذارد، نابود می شود؛ اما زمانی می آید که اگر هر يك از شما، يك دهم آنچه را بدان فرمان داده شده است، به کار بندد، رستگار می شود.

عنه صلى الله عليه وآله :سَيَكُونُ فِي آخِرِ أُمَّتِي رِجَالٌ يَرْكَبُونَ عَلَى سُدُوجِ كَأَشْبَاهِ الرِّجَالِ ، يَنْزِلُونَ عَلَى أَبْوَابِ الْمَسَاجِدِ ، نِسَاؤُهُمْ كَأَسِيَّاتِ عَارِيَّاتٍ ، عَلَى رُؤُوسِهِنَّ كَأَسْنِمَةٍ (1) الْبُخْتِ (2) الْعِجَافِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله :يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ ، يَخْلُقُ الْقُرْآنُ فِي قُلُوبِ الرِّجَالِ كَمَا تَخْلُقُ الثِّيَابُ (4) عَلَى الْأَبْدَانِ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله :سَيَأْتِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ عُلَمَاءٌ يُزْهَدُونَ فِي الدُّنْيَا وَلَا يَزْهَدُونَ ، وَيُرْغَبُونَ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَرْغَبُونَ ، وَيَنْهَوْنَ عَنِ الدُّخُولِ عَلَى الْوُلَاةِ وَلَا يَنْتَهَوْنَ ، وَيُيَاعِدُونَ الْفُقَرَاءَ ، وَيُقَرِّبُونَ الْأَغْنِيَاءَ ، أُولَئِكَ هُمُ الْجَبَّارُونَ أَعْدَاءُ اللَّهِ . (6)

المستدرك على الصحيحين عن أبي هريرة :قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : سَيَأْتِي عَلَى أُمَّتِي زَمَانٌ تَكْثُرُ فِيهِ الْقُرَاءُ ، وَتَقِلُّ الْفُقَهَاءُ ، وَيَقْبُضُ الْعِلْمُ وَيَكْثُرُ الْهَرَجُ . قَالُوا : وَمَا الْهَرَجُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؟ قَالَ : الْقَتْلُ بَيْنَكُمْ . ثُمَّ يَأْتِي بَعْدَ ذَلِكَ زَمَانٌ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ رِجَالٌ لَا يُجَاوِزُ تَرَاقِيَهُمْ (7) ، ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ زَمَانٌ يُجَادِلُ الْمُنَافِقُ الْكَافِرُ الْمُشْرِكُ بِاللَّهِ الْمُؤْمِنَ بِمِثْلِ مَا يَقُولُ . (8)

- 1- .أُسْنِمَةٌ : جمع سنام ، وسنام كلُّ شيء أعلاه (النهاية : ج 2 ص 409 «سنم»).
- 2- .الْبُخْتِ : وهي جمال طوال الأعناق (النهاية : ج 1 ص 101 «بخت»).
- 3- .صحيح ابن حبان : ج 13 ص 64 ح 5753، المستدرك على الصحيحين : ج 4 ص 483 ح 8346 نحوه، موارد الظمان : ص 351 ح 1454 كلَّها عن عبد الله بن عمرو .
- 4- .خَلَقَ الثَّوبُ : إِذَا بَلِيَ فَهُوَ خَلَقَ (المصباح المنير : ص 180 «خلق»).
- 5- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 217 ؛ الإصابة : ج 5 ص 168 الرقم 6672 عن عبد الله بن يسار المُرَني نحوه .
- 6- .تنبيه الخواطر : ج 1 ص 301، أعلام الدين : ص 90 نحوه .
- 7- .التراقي : جمع تَرْقُوةٌ ، وهي العظم الذي بين ثَغْرَةِ النَّحْرِ وَالْعَاتِقِ (النهاية : ج 1 ص 187 «ترق»).
- 8- .المستدرك على الصحيحين : ج 4 ص 504 ح 8412 ، المعجم الأوسط : ج 3 ص 319 ح 3277 ، كنز العمال : ج 14 ص 217 ح 38457 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در اواخر امت من، مردانی پدید می آیند که بر زین (مركب) هایی همانند اشتران می نشینند، و بر درهای مساجد، فرود می آیند. زنانشان، پوشیده و در عین حال، برهنه اند. بر سرهایشان کاکلی چونان کوهان اشتران نحیف بُختی (1) است. آنها را لعن کنید؛ چرا که آنان ملعون اند. اگر پس از شما امتی بود، زنان شما به آنها خدمت می کنند، همان طور که زنان امت های قبل از شما به شما خدمت کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی بر مردم می آید که قرآن در دل های مردان، کهنه می شود، چنان که لباس ها بر بدن ها کهنه می شوند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آخر زمان، عالمانی پدید خواهند آمد که به زهدِ به دنیا می خوانند؛ اما خود، زهد نمی ورزند. به آخرت ترغیب می کنند؛ اما خود، بدان رغبت نشان نمی دهند. از در آمدن بر حکمرانان، نهی می کنند؛ اما خود می روند. از تهی دستان، دوری می کنند و به توانگران، نزدیک می شوند. اینان، همان جباران دشمن خدایند.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از ابو هریره _: پیامبر خدا فرمود: «زمانی بر امت من خواهد آمد که در آن زمان، قاریان، بسیارند و دین شناسان، اندک. علم، کاهش می پذیرد و هرج، فزونی می گیرد». گفتند: هرج چیست، ای پیامبر خدا؟ فرمود: «کُشت و کشتار در میانتان». [سپس افزود: «پس از آن، زمانی فرامی رسد که مردانی قرآن را می خوانند؛ اما از چنبرهای آنان، فراتر نمی رود. پس از آن، زمانی می آید که منافق کافر مشرک به خدا، با مؤمن، با همان چیزی مجادله می کند که وی، بدان باور دارد»].

1- .. بُختی: شتری است بلندگردن که از ترکیب شتران خراسانی و شتران فالج، به وجود آمده باشد.

الإمام علي عليه السلام: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَقْرَبُ فِيهِ إِلَّا الْمَاجِلُ (1)، وَلَا يُظَرَفُ فِيهِ إِلَّا الْفَاجِرُ، وَلَا يُضَدَّ عَفُّ فِيهِ إِلَّا الْمُنْصِفُ، يَعُدُّونَ الصَّدَقَةَ فِيهِ غُرْمًا، وَصِلَةَ الرَّحِمِ مَنًّا، وَالْعِبَادَةَ اسْتِطَالَةً عَلَى النَّاسِ. (2)

عنه عليه السلام: سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ (3) فِيهِ الْإِسْلَامُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ. (4)

عنه عليه السلام: إِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ شَيْءٌ أَخْفَى مِنَ الْحَقِّ، وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ . . . وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ هُوَ أَنْكَرُ مِنَ الْمَعْرُوفِ، وَلَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ لَا يَنْجُو فِيهِ مِنْ ذَوِي الدِّينِ إِلَّا مَنْ ظَنُّوا أَنَّهُ أَبْلَهُ (6)، وَصَبَرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يُقَالَ (لَهُ): إِنَّهُ أَبْلَهُ لَا عَقْلَ لَهُ. (7)

راجع: ص 32 (الأمة / الفصل الثاني / الاعتبار بالأُمم / ابتلاء الأُمم).

10 / 9 أَخْرِهَا يَتَعَلَّمُ كِبَارُهَا مِنْ صِغَارِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوَّلُ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَتَعَلَّمُ صِغَارُهَا مِنْ كِبَارِهَا، وَأَخْرِهَا يَتَعَلَّمُ كِبَارُهَا مِنْ صِغَارِهَا. (8)

- 1- المَحَلُّ: الْمَكْرُ وَالْكَيْدُ (القاموس المحيط: ج 4 ص 49 «محل»).
- 2- نهج البلاغة: الحكمة 102، خصائص الأئمة: ص 96، تاريخ اليعقوبي: ج 2 ص 209 نحوه، بحار الأنوار: ج 52 ص 278 ح 173؛ مطالب السؤول: ج 1 ص 220 نحوه.
- 3- كَفَأَتِ الْقِدَرُ: إِذَا كَبَبَتْهَا لَتُقْرِغَ مَا فِيهَا (النهاية: ج 4 ص 182 «كفأ»).
- 4- نهج البلاغة: الخطبة 103، بحار الأنوار: ج 6 ص 316 ح 32.
- 5- الكافي: ج 8 ص 387 ح 586، نهج البلاغة: الخطبة 147.
- 6- أَبْلَهُ: أَيُّ غَافِلٍ، أَوْ عَنْ الشَّرِّ لَا يُحْسِنُهُ، أَوْ أَحْمَقُ لَا تَمَيِّزَ لَهُ (تاج العروس: ج 19 ص 17 «بله»).
- 7- الكافي: ج 2 ص 117 ح 5 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 75 ص 440 ح 108.
- 8- الفردوس: ج 1 ص 37 ح 70 عن ابن عباس.

10 / 9 در اواخر این امت ، بزرگ ترها از كوچك ترها علم می آموزند

امام علی علیه السلام: زمانی بر مردم آید که در آن زمان ، جز شخص حيله گر ، کسی مقرب نباشد و جز دروغگو ، کسی زیرك شمرده نشود و جز شخص دادگر و باانصاف ، ناتوان به شمار نیاید . صدقه دادن را زیان ، احسان به خویشاوندان را منت و عبادت را وسیله تفاخر بر مردم قرار می دهند .

امام علی علیه السلام: زمانی بر شما می آید که در آن زمان ، اسلام ، وارونه می شود ، چنان که ظرف با آنچه در آن است ، وارونه می گردد .

امام علی علیه السلام: هر آینه پس از من ، زمانی بر شما فرا می رسد که در آن زمان ، چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل نباشد ... و در شهرها ، چیزی ناشناخته تر (/ ناپسندتر) از معروف و شناخته تر (/ پسندیده تر) از منکر نباشد .

امام صادق علیه السلام: زمانی بر شما خواهد رسید که در آن زمان ، از دینداران ، تنها آن کس نجات می یابد که او را ابله می پندارند و در برابر این که او را ابله و بی خرد می خوانند ، شکیبایی می ورزد .

ر . ك : ص 33 (امت / فصل دوم : عبرت گرفتن از امت ها / آزمایش امت ها) .

10 / 9 در اواخر این امت ، بزرگ ترها از كوچك ترها علم می آموزندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در اوایل این امت ، كوچك ترها از بزرگ ترها علم می آموزند و در اواخر آن ، بزرگ ترها از كوچك ترها علم می آموزند .

10 / 10 آخِرُهَا إِسْتِخْلَافُ فِي الْأَرْضِ الْكِتَابِ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» . (1)

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» . (2)

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» . (3)

الحديث الإمام علي عليه السلام _ مِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ احْتِجَاجَاتِهِ _ : وَلَمْ تُطَقِ الْأُمَّةُ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَظْهَرَهُ الثَّالِثُ مِنْ سُوءِ الْفِعْلِ ، فَعَاجَلَتْهُ بِالْقَتْلِ ، فَاتَّسَعَ بِمَا جَنَّوْهُ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ وَافَقَهُمْ عَلَى ظُلْمِهِمْ وَكُفْرِهِمْ وَنِفَاقِهِمْ ، مُحَاوَلَةً مِثْلَ مَا أَتَوْهُ مِنَ الْإِسْتِيلَاءِ عَلَى أَمْرِ الْأُمَّةِ . كُلُّ ذَلِكَ لِيَتِمَّ النَّظَرَةُ الَّتِي أَوْجَبَهَا اللَّهُ تَعَالَى لِعَدُوِّهِ إِبْلِيسَ ، إِلَى أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ، وَيَحَقِّقَ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ، وَيَقْتَرِبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ الَّذِي بَيَّنَّهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِقَوْلِهِ : «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» وَذَلِكَ إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ ، وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ ، وَغَابَ صَاحِبُ الْأَمْرِ بِإِبْصَاحِ الْعُدْرِ (4) لَهُ فِي ذَلِكَ ، لِاسْتِمَالِ الْفِتْنَةِ عَلَى الْقُلُوبِ ، حَتَّى يَكُونَ أَقْرَبُ النَّاسِ إِلَيْهِ أَشَدُّهُمْ عَدَاوَةً لَهُ . وَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤَيِّدُهُ اللَّهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا ، وَيُظْهِرُ دِينَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ _ عَلَى يَدَيْهِ _ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ . (5)

1- .النور : 55 .

2- .التوبة : 33 .

3- .الفتح : 28 .

4- .في المصدر : «الغدر» ، والتصويب من بحار الأنوار .

5- .الاحتجاج : ج 1 ص 605 ح 137 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 124 ح 1 .

10 / 10 سرانجام این اَمّت ، جانشینی در زمین است

10 / 10 سرانجام این اَمّت ، جانشینی در زمین استقرآن «خداوند ، به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین ، جانشین [خود] قرار دهد ، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند ، جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است ، به سودشان مستقر می کند و بیمشان را به ایمنی مبدّل می گرداند ، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من ، شریک نگردانند ؛ و هر کس پس از آن به کفر گراید ، آنان اند که نافرمان اند» .

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است ، پیروز گرداند ، هر چند مشرکان ، خوش نداشته باشند» .

«اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست ، روانه ساخت، تا آن را بر تمام ادیان ، پیروز گرداند و گواه بودن خدا ، کفایت می کند» .

حدیثامام علی علیه السلام_ از سخنان ایشان در یکی از احتجاج هایش _ : و اَمّت ، بدرفتاری ای را که سومی (عثمان) از خود نشان داد ، تاب نیاورد و به کُشتن او شتافت . این جنایت او (عثمان) ، راه را بر کسانی که در ستمگری و کفر و نفاق ، با عثمان و حامیان او هم داستان بودند (معاویه و رهروانش) ، گشود و سعی کردند که همچون آنان ، بر اَمّت ، استیلا یابند . این همه ، از آن روست تا مهلتی که خداوند به دشمنش ابلیس داد ، تحقق پیدا کند ، تا آن که مُهلت مقرر ، به سر آید و گفتار [خدا] در باره کافران ، محقق گردد و وعده درستی که خداوند در کتابش بیان فرموده است ، نزدیک شود که می فرماید : «خداوند ، به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین ، جانشین [خود] قرار دهد ، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند ، جانشین [خود] قرار داد» و این [جانشینی] ، زمانی است که از اسلام ، جز نامش و از قرآن ، جز خَطّش باقی نماند و صاحب الامر ، با روشن شدن عذر او در این باره ، غایب شود ؛ زیرا فتنه ، دل ها را فراگرفته است ، به طوری که نزدیک ترین مردم به او ، دشمن ترین آنان نسبت به وی باشند . در این هنگام ، خداوند ، او را با سپاهییانی که شما آنها را نمی بینید ، تأیید و حمایت کند و دین پیامبرش را [به دست او] ، بر همه دین ها چیره گرداند ، هر چند مشرکان نخواهند .

الإمام زين العابدين عليه السلام في قوله تعالى: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» - هُم وَاللَّهُ شَيَعَتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ، يَفْعَلُ اللَّهُ ذَلِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَيِ رَجُلٍ مِنَّا ، وَهُوَ مَهْدِيُّ هَذِهِ الْأُمَّةِ ، وَهُوَ الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ ، حَتَّى يَلِيَّ رَجُلٌ مِنْ عِتْرَتِي ، اسْمُهُ اسْمِي ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. (1)

الإمام الصادق عليه السلام في معنى قوله عز وجل: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» - نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ. (2)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» - وَاللَّهُ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدُ ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام ، فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَام لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ، وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ ، إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ ، حَتَّى أَنْ لَوْ كَانَ (3) كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ : يَا مُؤْمِنُ ، فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَاكْسِرْنِي وَاقْتُلْهُ. (4)

- 1- .مجمع البيان : ج 7 ص 239 .
- 2- .الغيبة للنعماني : ص 240 ح 35 عن أبي بصير ، تفسير القمّي : ج 1 ص 14 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 1 ص 369 ح 21 عن عبد الله بن سنان ، بحار الأنوار : ج 51 ص 58 ح 50 .
- 3- .هكذا في المصدر ، وفي تأويل الآيات الظاهرة : «لو أنّ» بدل «أن لو كان» ، وهو الأنسب .
- 4- .كمال الدين : ص 670 ح 16 ، تأويل الآيات الظاهرة : ج 2 ص 688 ح 7 كلاهما عن أبي بصير ، العُدَّة القويّة : ص 69 ح 104 ، تفسير فرات : ص 481 ح 627 ، بحار الأنوار : ج 52 ص 324 ح 36 .

امام زین العابدین علیه السلام در باره آیه شریف: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند» _ به خدا سوگند که اینان، شیعیان ما اهل بیت اند. خداوند، این [وعده خود] را به دست مردی از ما برایشان به انجام می رساند. او مهدی این امت است؛ همو که پیامبر خدا در باره اش فرمود: «اگر از عمر دنیا فقط يك روز باقی مانده باشد، خداوند، آن روز را چندان دراز می گرداند تا مردی از خاندان من _ که همانم من است _، بر سر کار آید و زمین را از عدل و داد بیاکند، همچنان که از ستم و بیداد، آکنده شده است».

امام صادق علیه السلام در باره آیه شریف: «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً، آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند» _ این آیه، در باره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال که: «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند، هر چند مشرکان، خوش نداشته باشند» _ به خدا سوگند، تأویل این آیه، هنوز نازل نشده است و نازل نمی شود تا آن که قائم علیه السلام ظهور کند. هر گاه قائم علیه السلام ظهور کرد، تمام آنان که به خدای بزرگ، کافرد، و به امام، مشرک، از ظهور او ناخشنود می شوند. حتی اگر در دل صخره ای، کافر یا مشرکی باشد، آن صخره می گوید: «ای مؤمن! در دل من، يك کافر وجود دارد. پس مرا بشکن و او را بکش».

عنه عليه السلام في قوله تعالى : «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» _ : إذا خَرَجَ القَائِمُ
لَمْ يَبْقَ مُشْرِكٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا كَافِرٌ إِلَّا كَرِهَ خُرُوجَهُ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله : بَشَّرَ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّنَاءِ وَالرَّفْعَةِ ، وَالدِّينِ وَالنَّصْرِ ، وَالتَّمَكِينِ فِي الْأَرْضِ ، . . . فَمَنْ عَمِلَ مِنْهُمْ عَمَلَ الْآخِرَةِ
لِلدُّنْيَا ، لَمْ يَكُنْ لَهُ فِي الْآخِرَةِ نَصِيبٌ. (2)

-
- 1- . تفسير العياشي : ج 2 ص 87 ح 52 عن سماعة ، بحار الأنوار : ج 52 ص 346 ح 94 .
 - 2- . مسند ابن حنبل : ج 8 ص 44 ح 21278 ، المستدرک علی الصحیحین : ج 4 ص 346 ح 7862 ، صحيح ابن حبان : ج 2 ص 132 ح 405 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 287 ح 10335 کلّها عن أبي بن كعب وليس فيها «والدين» ، كنز العمال : ج 12 ص 157 ح 34465 ؛ إعلام الوری : ج 1 ص 89 وليس فيه «والدين» ، بحار الأنوار : ج 18 ص 122 ح 36 .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خدای متعال _ : «او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است، پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند» _ : هر گاه قائم علیه السلام ظهور کند، هیچ مشرک به خدای بزرگ و هیچ کافری نیست، مگر این که از ظهور او ناخشنود باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این امت را به ارجمندی و سربلندی و دینداری و پیروزی و قدرت یافتن در روی زمین، مژده باد! ... پس هر کس از ایشان که کار آخرت را برای دنیا انجام دهد، او را در آخرت، نصیبی نخواهد بود .

الفصل الحادي عشر : صفة حشر الأمم 1 / 11 حَشْرُ أَفْوَاجٍ مِنَ الْأُمَمِ الْكِتَابِ «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ * حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ أَكْذَبْتُمْ بِآيَاتِنَا وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ * وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ» . (1)

الحديث تفسير القمي عن حماد عن الإمام الصادق عليه السلام: ما يقول الناس في هذه الآية: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا»؟ قُلْتُ: يَقُولُونَ: إِنَّهَا فِي الْقِيَامَةِ، قَالَ: لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، إِنَّ ذَلِكَ فِي الرَّجْعَةِ، يُحْشَرُ اللَّهُ فِي الْقِيَامَةِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا وَيَدْعُ الْبَاقِينَ؟! إِنَّمَا آيَةُ الْقِيَامَةِ قَوْلُهُ: «وَحَشَرْنَاَهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» (2) . (3)

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» _ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَتَلَ إِلَّا يَرْجِعُ حَتَّى يَمُوتَ، وَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَصَّ الْإِيمَانَ مَحَصًّا وَمَنْ مَحَصَّ الْكُفْرَ مَحَصًّا. (4)

1- النمل : 83 _ 85 .

2- الكهف : 47 .

3- تفسير القمي : ج 1 ص 24، مختصر بصائر الدرجات : ص 41، بحار الأنوار : ج 52 ص 60 ح 49 .

4- تفسير القمي : ج 2 ص 131، مختصر بصائر الدرجات : ص 43 كلاهما عن المفصل، بحار الأنوار : ج 53 ص 53 ح 30 .

فصل یازدهم : چگونگی محشور شدن امت ها

11 / 1 محشور شدن گروه هایی از امت ها

اشاره

فصل یازدهم : چگونگی محشور شدن امت ها 11 / 1 محشور شدن گروه هایی از امت هاقرآن «و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می گردانیم، پس آنان، نگاه داشته می شوند تا همه به هم پیوندند، تا چون [همه کافران] بیایند، [خدا] می فرماید: «آیا نشانه های مرا به دروغ گرفتید، حال آن که از نظر علم، بدانها احاطه نداشتید؟ آیا [در طول زندگی] چه می کردید؟! و به [کیفر] آن که ستم کردند، حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد. در نتیجه، ایشان دم بر نمی آورند» .

حدیث تفسیر القمّی_ به نقل از حمّاد _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «مردم در باره این آیه، چه می گویند : «و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می گردانیم» ؟» . گفتم : می گویند، این، در قیامت است . فرمود : «چنین نیست که می گویند . این، در زمان رجعت است . آیا در قیامت، خداوند از هر امتی گروهی را محشور می کند و بقیّه را رها می سازد؟! آیه مربوط به قیامت، این آیه است : «و آنان را گرد می آوریم و هیچ يك را فروگذار نمی کنیم» .» .

امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال : «و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می گردانیم» _ : هیچ يك از مؤمنان نیست که به قتل رسیده باشد، مگر آن که رجعت می کند تا [به مرگ طبیعی] بمیرد . تنها کسانی رجعت می کنند که مؤمن خالص یا کافر خالص بوده اند.

تنبيهناك كلام كثير حول موضوع الرجعة، سوف نفصل البحث فيه في العنوان المختص به إن شاء الله تعالى .

11 / 2 دَعَوْهُ كُلُّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمَا لِكِتَابِ «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا*» وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا». (1)

الحديثا لإمام الحسين عليه السلام في قول الله عز وجل : «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ» _ : إمام دعا إلى هدى فأجابوه إليه ، وإمام دعا إلى ضلالة فأجابوه إليها ، هؤلاء في الجنة وهؤلاء في النار ، وهو قوله عز وجل : «فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ» (2) . (3)

راجع : هذه الموسوعة : ج 6 ص 310 (الإمامة / الفصل الخامس : معرفة الإمام / وجوب معرفة أئمة الهدى) .

1- .الإسراء : 71 و 72 .

2- .الشورى : 7 .

3- .الأمالى للصدوق : ص 217 ح 239 عن عبد الله بن منصور عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 44 ص 313 ح 1 .

یادآوری

11 / 2 فرا خواندن هر گروهی با پیشوایشان

یادآوری در باره رجعت ، حرف های زیادی وجود دارد که در عنوان مربوط به رجعت، بحث خواهیم کرد ، ان شاء الله !

11 / 2 فرا خواندن هر گروهی با پیشوایشانقرآن» [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می خوانیم. پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند . آنان ، کارنامه خود را می خوانند و به قدر نَخ هسته خرمایی به آنها ستم نمی شود ؛ و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد ، در آخرت [هم] کور [دل] و گم راه تر خواهد بود» .

حدیثامام حسین علیه السلام_ در باره این سخن خداوند عز و جل : « [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان ، فرا می خوانیم» _
: یك پیشوا ، آنان را به هدایت خوانده و [گروهی از] آنها دعوتش را پذیرفته اند و یك پیشوا ، آنان را به گم راهی فراخواند و [گروهی دیگر از]
آنها دعوتش را پذیرفته اند . آنان ، در بهشت اند و اینان در آتش . این ، معنای سخن خداوند عز و جل است که : « گروهی در بهشت اند و
گروهی در آتش» .

ر . ك : همین دانش نامه : ج 6 ص 311 (امامت / فصل پنجم : شناخت امام / وجوب شناخت پیشوایان هدایت) .

11 / 3 دَعَوْهُ الْأَمَمَ إِلَى كِتَابِهَا «وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ * هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (1). (2)

11 / 4 شُهَدَاءُ الْأُمَمِ الْكِتَابِ «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا». (3)

«وَالْيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ». (4)

«وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ». (5)

الحديث المذكور: عَنْ قَتَادَةَ فِي قَوْلِهِ: «وَالْيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا» (6) قَالَ: شَهِيدُهَا نَبِيُّهَا عَلَى أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ، قَالَ اللَّهُ: «وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ» قَالَ: ذَكَرَ لَنَا أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ فَاضَتْ عَيْنَاهُ. (7)

1- الجاثية: 28 و 29.

2- يستفاد من ظاهر الآية أن لكل أمة كتابا خاصا بهم كما أن لكل إنسان كتابا خاصا به، قال تعالى: «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا» الإسراء: 13 (الميزان في تفسير القرآن: ج 18 ص 177).

3- النساء: 41.

4- النحل: 89 وراجع: الآية 84.

5- القصص: 75.

6- النحل: 84.

7- الدرر المنثور: ج 5 ص 156 نقلاً عن عبد بن حميد وابن جرير وابن المنذر وابن أبي حاتم وراجع: التبيان في تفسير القرآن: ج 8 ص 174.

11 / 3 فرا خواندن اَمّت ها به سوی نامه اعمالشان

11 / 4 گواهان اَمّت ها

11 / 3 فرا خواندن اَمّت ها به سوی نامه اعمالشان «و هر اَمّتی را به زانو در آمده ، می بینی . هر اَمّتی به سوی کارنامه خود ، فرا خوانده می شود [و بدیشان می گویند :] «آنچه می کردید ، امروز ، پاداش آن را می یابید . این است کتابِ ما که علیه شما به حقّ سخن می گوید . ما از آنچه می کردید ، نسخه بر می داشتیم» . (1)

11 / 4 گواهان اَمّت هاقرآن «پس چگونه است [حالشان] ، آن گاه که از هر اَمّتی ، گواهی آوریم و تو را بر آنان ، گواه آوریم؟» .

«و [به یاد آور] روزی را که در هر اَمّتی ، گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [اَمّت] ، گواه آوریم ، و این کتاب را _ که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان ، ره نمود و رحمت و بشارتگری است _ بر تو نازل کردیم» .

«و از میان هر اَمّتی ، گواهی بیرون می کشیم و می گوییم: «برهان خود را بیاورید» . پس بدانند که حقّ ، از آنِ خداست ، و آنچه بر می بافته اند ، از دستشان می رود» .

حدیثالدّر المنثور_ به نقل از قتاده ، در باره این سخن خداوند : «روزی را که از هر اَمّتی ، گواهی بر می انگیزیم» _ :گواه آن ، پیامبر آن است و بر این گواهی دهد که پیام های پروردگارش را رسانده است . خداوند می فرماید : «و تو را [هم] بر این [اَمّت] گواه آوریم» . برای ما گفته شده است که پیامبر خدا ، هر گاه این آیه را می خواند ، چشمانش پُر از اشک می شد .

1- .. از ظاهر آیه بر می آید که هر اَمّتی ، کارنامه ای ویژه خود دارد ، چنان که هر انسانی کارنامه خاصّ خود را داراست . خداوند متعال می فرماید : «و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته ایم ، و روز قیامت ، برای او نامه ای که آن را گشاده می بیند ، بیرون می آوریم» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: مِمَّا أُعْطِيَ اللَّهُ أُمَّتِي وَفَضَّلَهُمْ بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأُمَمِ ... كَانَ إِذَا بَعَثَ نَبِيًّا جَعَلَهُ شَهِيدًا عَلَى قَوْمِهِ ، وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ أُمَّتِي شُهَدَاءَ عَلَى الْخَلْقِ حَيْثُ يَقُولُ : «لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (1) . (2)

الإمام علي عليه السلام في حديث طويل يذكر فيه أحوال أهل المحشر _ : ثُمَّ يَجْتَمِعُونَ فِي مَوْطِنٍ آخَرَ فَيَسْتَنْطِقُونَ ، فَيَقْرَأُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ : «يَوْمَ يَقْرَأُ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ * وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ * وَصَدَاحَتِهِ وَبَنِيهِ» (3) ، فَيَسْتَنْطِقُونَ فَلَا يَتَكَلَّمُونَ «إِلَّا مَنْ أَدْنَى لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا» (4) ، فَيَقُومُ الرَّسُولُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَيَشْهَدُونَ فِي هَذَا الْمَوْطِنِ ، فَذَلِكَ قَوْلُهُ : «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» . (5)

عنه عليه السلام في حديث طويل يذكر فيه أحوال أهل الموقف _ : فَيَقَامُ الرَّسُولُ فَيَسْأَلُونَ عَنْ تَأْدِيَةِ الرِّسَالَاتِ الَّتِي حَمَلُوهَا إِلَى أُمَمِهِمْ ، فَأَخْبَرُوا أَنَّهُمْ قَدْ أَدَّوْا ذَلِكَ إِلَى أُمَمِهِمْ ، وَتَسَاءَلُ الْأُمَمُ فَتَجْحَدُ ، كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ» (6) ، فَيَقُولُونَ : «مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ» (7) . فَتَشْهَدُ الرَّسُولُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَيَشْهَدُ بِصِدْقِ الرَّسُولِ وَتَكْذِيبِ مَنْ جَحَدَهَا مِنَ الْأُمَمِ ، فَيَقُولُ لِكُلِّ أُمَّةٍ مِنْهُمْ : بَلَى «فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» أَيُّ مُقْتَدِرٍ عَلَى شَهَادَةِ جَوَارِحِكُمْ عَلَيْكُمْ بِتَبْلِيغِ الرَّسُولِ إِلَيْكُمْ رِسَالَاتِهِمْ ، وَكَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ : «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» ، فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّ شَهَادَتِهِ خَوْفًا مِنْ أَنْ يَخْتِمَ اللَّهُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ ، وَأَنْ تَشْهَدَ عَلَيْهِمْ جَوَارِحُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . (8)

1- الحجج : 78 .

2- قرب الإسناد : ص 84 ح 277 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 22 ص 443 ح 4 .

3- عبس : 34 _ 36 .

4- النبأ : 38 .

5- التوحيد : ص 261 ح 5 عن أبي معمر السعداني ، بحار الأنوار : ج 7 ص 118 ح 55 .

6- الأعراف : 6 .

7- المائدة : 19 .

8- الاحتجاج : ج 1 ص 566 ح 137 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 101 ح 1 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله چیزهایی که خداوند به اُمّت من عطا کرد و بدین وسیله، آنان را بر دیگر اُمّت ها برتری داد ... این بود که پیش تر، هر گاه پیامبری مبعوث می کرد، او را بر قومش گواه قرار می داد، در حالی که خداوند _ تبارک و تعالی _ و مرا بر خلق، گواه قرار داده است و می فرماید: «تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم، گواه باشید».

امام علی علیه السلام _ در حدیثی بلند که در آن، احوال اهل محشر را بیان می کند _: سپس، در جایگاهی دیگر، گرد می آیند و از آنان، خواسته می شود که سخن بگویند. پس هر يك از دیگری می گریزد. پس این است فرموده خداوند عز و جل که: «روزی که آدمی از برادرش، و از مادرش و پدرش، و از همسرش و پسرانش می گریزد». پس، از آنان خواسته می شود که سخن بگویند؛ اما سخن نمی گویند، «مگر کسی که [خدا] رحمان به او رخصت دهد و سخن راست بگوید». در این هنگام، پیامبران _ که درود خدا برایشان باد _ بر می خیزند و در این جایگاه، گواهی می دهند. این است فرموده او که: «پس چگونه است [حالشان] آن گاه که از هر اُمّتی، گواهی آوریم و تو را بر آنان، گواه آوریم؟».

امام علی علیه السلام _ در حدیثی بلند که در آن، احوال نگه داشته شدگان در ایستگاه [قیامت] را بیان می کند _: پس پیامبران را بلند می کنند و از آنان در باره ابلاغ پیام هایی که حامل آنها برای اُمّت هایشان بوده اند، سؤال می شود. آنان می گویند که آنها را به اُمّت هایشان ابلاغ کرده اند. و از اُمّت ها سؤال می شود. آنها انکار می کنند، چنان که خداوند متعال فرموده است: «پس قطعاً از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده اند، خواهیم پرسید، و قطعاً از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید». پس می گویند: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای». در این هنگام، پیامبران از پیامبر خدا می خواهند که گواهی دهد و ایشان، به راستگو بودن پیامبران و دروغ گفتن اُمّت هایی که انکار می کنند، گواهی می دهد و به هر يك از آن اُمّت ها می گوید: آری! «پس قطعاً برای شما، بشارتگر و هشداردهنده ای آمده است؛ و خدا بر هر چیزی تواناست»؛ یعنی می تواند اندام های شما را علیه خودتان به گواهی گیرد که پیامبران پیام های خود را به شما رسانده اند. این چنین، خداوند به پیامبرش می فرماید: «پس چگونه است [حالشان] آن گاه که از هر اُمّتی، گواهی آوریم و تو را بر آنان، گواه می آوریم؟» و آن اُمّت ها نمی توانند شهادت او را رد کنند؛ زیرا می ترسند که خداوند، بر دهان هایشان مُهر بزند و اندام ها و اعضای بدنشان به کارهایی که کرده اند، گواهی دهند.

الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا» _ نَحْنُ الشُّهُودُ عَلَى هَذِهِ الْأُمَّةِ . (1)

مجمع البيان: قوله: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا» يعني يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بَيَّنَّ سُبْحَانَهُ أَنَّهُ يَبْعَثُ فِيهِ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا، وَهُمْ الْأَنْبِيَاءُ وَالْعُدُولُ مِنْ كُلِّ عَصْرِ؛ يَشْهَدُونَ عَلَى النَّاسِ بِأَعْمَالِهِمْ. وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ زَمَانٍ وَأُمَّةٍ إِمَامٌ، تُبْعَثُ كُلُّ أُمَّةٍ مَعَ إِمَامِهَا. (2)

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا» _ نَزَلَتْ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَاصَّةً، فِي كُلِّ قَرْنٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ مِمَّنَّا شَاهِدٌ عَلَيْهِمْ، وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَاهِدٌ عَلَيْنَا. (3)

-
- 1- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 179 عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 23 ص 351 ح 65.
 - 2- مجمع البيان: ج 6 ص 583، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 259 ح 16، تفسير القمّي: ج 1 ص 388 وليس فيه صدره إلى «بأعمالهم»، بحار الأنوار: ج 7 ص 308.
 - 3- الكافي: ج 1 ص 190 ح 1، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 129 ح 2 كلاهما عن سماعة، بحار الأنوار: ج 7 ص 283 ح 7.

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «و [یاد کن] روزی را که از هر امتی ، گواهی برمی انگیزیم» _ :گواهان بر این امت ، ما هستیم .

مجمع البیان :سخن خداوند : «و [یاد کن] روزی را که از هر امتی ، گواهی برمی انگیزیم» ؛ یعنی در روز قیامت . خداوند سبحان ، فرموده که در آن روز ، از هر امتی ، گواهی برمی گیرد که عبارت اند از : پیامبران و دادگران هر عصری . اینان به کارهایی که مردم کرده اند ، گواهی می دهند . امام صادق علیه السلام فرمود : «برای هر زمانی و امتی ، پیشوایی است و هر امتی ، با پیشوای خود ، برانگیخته می شود» .

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «پس چگونه است [حالشان] آن گاه که از هر امتی ، گواهی آوریم و تو را بر آنان ، گواه می آوریم؟» _ : [این آیه]تنها در باره امت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است . برای هر نسلی از ایشان ، پیشوایی از ماست که بر آنان ، گواه است و محمد صلی الله علیه و آله هم بر ما گواه است .

الفصل الثاني عشر : خصائص أمة محمد صلى الله عليه وآله في القيامة 12 / 1 أول الأمم حساباً رسول الله صلى الله عليه وآله : إن أمتي أول الأمم يحاسبون يوم القيامة. (1)

12 / 2 أول أهل الجنة دخولاً رسول الله صلى الله عليه وآله : أوحى الله جلّت عظمته إلى عيسى عليه السلام : جُدّ في أمري ولا تترك ، إني خلقتك من غير فحلٍ آية للعالمين ، أخبرهم آمنوا بي ورسولي النبي الأمي ، نسله من مباركة ، وهي مع أمك في الجنة ، طوبى لمن سَمِعَ كلامه ، وأدرك زمانه ، وشهد أيامه . قال عيسى عليه السلام : يا ربّ ، وما طوبى ؟ قال : شجرة في الجنة تحتها عين ، من شرب منها شربة لم يظمأ بعدها أبدا . قال عيسى عليه السلام : يا ربّ ، إسقني منها شربة ؟ قال : كلاً يا عيسى ، إن تلك العين محرمة على الأنبياء حتى يشربها ذلك النبي ، وتلك الجنة محرمة على الأمم حتى يدخلها أمة ذلك النبي. (2)

-
- 1- .الأماي للصدوق : ص 402 ح 520 عن مخدوج بن زيد الذهلي ، الطرائف : ص 71 ح 85 ، العمدة : ص 230 ح 358 كلاهما عن مخدوج بن زيد الهذلي ، بحار الأنوار : ج 8 ص 1 ح 1 ؛ ذخائر العقبى : ص 138 عن مخدوج بن زيد الذهلي ، المناقب للخوارزمي : ص 140 ح 159 عن مخدوج بن زيد الألباني .
 - 2- .قصص الأنبياء للراوندي : ص 271 ح 318 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 323 ح 34 .

فصل دوازدهم : ویژگی های اَمتِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله در قیامت

12 / 1 نخستین اَمتی که حسابرسی می شود

12 / 2 نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند

فصل دوازدهم : ویژگی های اَمتِ مُحَمَّد صلی الله علیه و آله در قیامت 12 / 1 نخستین اَمتی که حسابرسی می شود پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمت من ، نخستین اَمتی است که در روز قیامت ، حسابرسی می شود .

12 / 2 نخستین کسانی که وارد بهشت می شوند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند پُرشکوه و عظمت ، به عیسی علیه السلام وحی فرمود که : «در کار من بکوش و رهائش مکن . من ، تو را بدون پدر آفریدم تا نشانه ای برای جهانیان باشی . به آنان (مردم) بگو که به من و به فرستاده من ، آن پیامبر اُمّی که نسلش از بانویی خجسته (فاطمه زهرا علیها السلام) است و با مادر تو در بهشت است ، ایمان آورند . طوبا ، از آن کسی که سخن او را بشنود و زمانش را دریابد و روزگارش را ببیند» . عیسی علیه السلام گفت : ای پروردگار من ! طوبا چیست؟ فرمود : «درختی است در بهشت که در پای آن ، چشمه ای است و هر که جرعه ای (/ يك بار) از آن چشمه بنوشد ، دیگر هرگز تشنه نمی شود» . عیسی علیه السلام گفت : ای پروردگار من ! جرعه ای (/ يك بار) از آن به من بنوشان . فرمود : «هرگز ، ای عیسی ! آن چشمه بر پیامبران ، حرام است تا آن گاه که آن پیامبر از آن بنوشد . آن بهشت نیز بر اَمت ها حرام است تا آن گاه که اَمت آن پیامبر به آن درآیند» .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْجَنَّةَ لَمُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ حَتَّى أَدْخُلَهَا أَنَا، وَإِنَّهَا لَمُحَرَّمَةٌ عَلَى الْأُمَمِ حَتَّى تَدْخُلَهَا أُمَّتِي. (1)

12 / 3 أكثر أهل الجنة رسول الله صلى الله عليه وآله: أهل الجنة عشرون ومئة صف، ثمانون منها من هذه الأمة، وأربعون من سائر الأمم.

(2)

عنه صلى الله عليه وآله: أَنَا أَكْثَرُ النَّبِيِّينَ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعِيَ مِنْ أُمَّتِي مِثْلُ اللَّيْلِ وَالسَّيْلِ، فَيُخَطَفُ النَّاسُ خَطْفَةً وَاحِدَةً، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ: لَمَّا جَاءَ مَعَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ (4) أَكْثَرُ مِمَّا جَاءَ مَعَ سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ. (5)

1- تنبيه الغافلين: ص 510 ح 807 عن أبي جعفر، المعجم الأوسط: ج 1 ص 289 ح 942 عن عمر بن الخطاب نحوه، كنز العمال: ج 11 ص 416 ح 31953؛ الأمالي للمفيد: ص 74 ح 8 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص: ص 356 عن جابر بن يزيد عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 8 ص 143 ح 65.

2- سنن الترمذي: ج 4 ص 683 ح 2546، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1433 ح 4289، سنن الدارمي: ج 2 ص 794 ح 2730، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 6 ح 23001 وليس فيه ذيله وكلها عن بريدة، كنز العمال: ج 14 ص 470 ح 39300؛ الاحتجاج: ج 1 ص 112 ح 29 عن ابن عباس وليس فيه ذيله، بحار الأنوار: ج 7 ص 130 ح 2.

3- الأمالي للصدوق: ص 374 ح 471، بشارة المصطفى: ص 34، التحصين لابن طاووس: ص 561 كلها عن ابن عباس، بحار الأنوار: ج 7 ص 130 ح 1.

4- في المصدر: «من محمد صلى الله عليه وآله»، والصواب ما أثبتناه كما في المنتخب من مسند عبد بن حميد.

5- الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص 113 ح 377، المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 424 ح 1453 نحوه وكلاهما عن أبي هريرة.

12 / 3 بیشتر بهشتیان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر آینه بهشت، بر پیامبران حرام است، تا آن گاه که من به آن درآیم و بر امت ها نیز حرام است، تا آن گاه که امت من به آن درآیند.

12 / 3 بیشتر بهشتیان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل بهشت، یکصد و بیست صف هستند که هشتاد صف آنها از این امت است و چهل [صف] دیگر، از سایر امت ها.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پیروان من در روز قیامت، بیش از [پیروان] دیگر پیامبران است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز قیامت، از امتم با من مانند شب و سیل (مور و ملخ) [\(1\)](#) می آیند. پس ناگهان، مردم [امتم] در يك چشم به هم زدن، عبور داده می شوند و فرشتگان می گویند: با محمد صلی الله علیه و آله بیشتر از آنچه با دیگر پیامبران آمدند، آمدند.

1- .. کنایه از انبوهی جمعیت است.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ حَوْضًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُمْ لَيَتَبَاهُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِيَّاهُمْ أَكْثَرَ وَارِدًا، فَيَدْعُو كُلُّ نَبِيٍّ إِلَيْهِ مَنْ يَعْرِفُ مِنْ أُمَّتِهِ، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَكْثَرَهُمْ وَارِدًا. (1)

صحيح البخاري عن عبد الله [بن مسعود]: كُنَّا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي قُبَّةٍ، فَقَالَ: أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا ثُلُثَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ، قَالَ: أَتَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا شَطْرَ (2) أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قُلْنَا: نَعَمْ. قَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونُوا نِصْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَذَلِكَ أَنَّ الْجَنَّةَ لَا يَدْخُلُهَا إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ، وَمَا أَنْتُمْ فِي أَهْلِ الشَّرِّ إِلَّا كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي جِلْدِ الثَّورِ الْأَسْوَدِ، أَوْ كَالشَّعْرَةِ السَّوْدَاءِ فِي جِلْدِ الثَّورِ الْأَحْمَرِ. (3)

صحيح مسلم عن عبد الله: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى قُبَّةِ آدَمَ (4)، فَقَالَ: أَلَا لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُسْلِمَةٌ، اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغَتْ؟ اللَّهُمَّ اشْهَد، أَتُحِبُّونَ أَنْتُمْ رُبْعَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ فَقُلْنَا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَتُحِبُّونَ أَنْ تَكُونُوا ثُلُثَ أَهْلِ الْجَنَّةِ؟ قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ تَكُونُوا شَطْرَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، مَا أَنْتُمْ فِي سِوَاكُمْ مِنَ الْأُمَّمِ إِلَّا كَالشَّعْرَةِ السَّوْدَاءِ فِي الثَّورِ الْأَبْيَضِ، أَوْ كَالشَّعْرَةِ الْبَيْضَاءِ فِي الثَّورِ الْأَسْوَدِ. (5)

- 1- الزهد لابن المبارك (الملحقات): ص 121 ح 404 عن الحسن، سنن الترمذي: ج 4 ص 628 ح 2443، المعجم الكبير: ج 7 ص 212 ح 6881، التاريخ الكبير: ج 1 ص 44 الرقم 82 كلُّها عن سمرة نحوه، كنز العمال: ج 14 ص 424 ح 39152.
- 2- شَطْرُ الشَّيْءِ: نِصْفُهُ (الصَّحاح: ج 2 ص 697 «شطر»).
- 3- صحيح البخاري: ج 5 ص 2392 ح 6163، صحيح مسلم: ج 1 ص 200 ح 377، سنن الترمذي: ج 4 ص 684 ح 2547، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1432 ح 4283، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 31 ح 3661 كلُّها نحوه، كنز العمال: ج 12 ص 160 ح 34477.
- 4- القُبَّةُ مِنَ الْخِيَامِ: بَيْتٌ صَغِيرٌ مُسْتَدِيرٌ، وَهُوَ مِنْ بَيْتِ الْعَرَبِ. وَالْأَدَمُ: جَمْعُ الْأَدِيمِ؛ وَهُوَ الْجِلْدُ الْمَدْبُوعُ (أنظر: النهاية: ج 4 ص 3 «قُب» والمصباح المنير: ص 9 «أدم»). وفي مسند ابن حنبل ومسند أبي يعلى: «قُبَّةُ حَمْرَاءَ».
- 5- صحيح مسلم: ج 1 ص 201 ح 378، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 154 ح 4251، صحيح ابن حبان: ج 16 ص 497 ح 7458، مسند أبي يعلى: ج 5 ص 171 ح 5365، كنز العمال: ج 14 ص 48 ح 37903.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر پیامبری را در روز قیامت، حوضی است. سوگند به آن که جانم در دست اوست، در روز قیامت، آنان بر سر این که کدامین آنها نوشندگان (1) بیشتری دارند، به یکدیگر می نازند. پس، هر پیامبری، کسانی را که از امت خویش می شناسد، به سوی خود می خواند. سوگند به آن که جانم در دست اوست، من امیدوارم که بیشتر از همه آنان، نوشنده (پیرو) داشته باشم.

صحیح البخاری_ به نقل از عبد الله بن مسعود _ : با پیامبر صلی الله علیه و آله در سرپرده ای بودیم. فرمود: «آیا دوست دارید که يك چهارم بهشتیان، شما باشید؟». گفتیم: آری. فرمود: «دوست دارید که يك سوم بهشتیان، شما باشید؟». گفتیم: آری. فرمود: «دوست دارید که نیم اهل بهشت، شما باشید؟». گفتیم: آری. فرمود: «سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، امیدوارم که شما نیمی از اهل بهشت باشید. این، بدان سبب است که تنها جان های مسلمان، وارد بهشت می شوند و شما در میان مشرکان، چون موی سپید بر پوست گاو سیاه، یا چون موی سیاه بر پوست گاو سرخ هستید».

صحیح مسلم_ به نقل از عبد الله _ : پیامبر خدا، پشتش را به سرپرده ای چرمین، تکیه داد و بر ایمان سخنانی کرد و فرمود: «بدانید که به بهشت وارد نمی شوند، مگر جان های مسلمان. بار خدایا! آیا ابلاغ کردم؟ بار خدایا! گواه باش. آیا دوست دارید که يك چهارم بهشتیان را شما تشکیل دهید؟». گفتیم: آری، ای پیامبر خدا! فرمود: «آیا دوست دارید که يك سوم بهشتیان را شما تشکیل دهید؟». گفتند: آری، ای پیامبر خدا! فرمود: «من امیدوارم که شما نیمی از اهل بهشت را تشکیل دهید. شما در میان دیگر امت ها، چونان موی سیاه در بدن گاو سفید، یا مانند موی سفید در بدن گاو سیاه هستید».

1- .. واژه «وارد» _ که در متن عربی حدیث آمده _ یعنی: تشنه؛ کسی که برای نوشیدن یا برداشتن آب، بر حوض یا آبشخوری وارد می شود؛ نوشنده.

رسول الله صلى الله عليه وآله: يا أنس، إِنَّ نِصْفَ الْجَنَّةِ لِأُمَّتِي، وَأُشَارِكُ الْأُمَّمَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أرجو أن أكون أنا وأُمَّتِي نِصْفَ أَهْلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ أَقَاسِمُ الْأَنْبِيَاءَ النِّصْفَ الْبَاقِي. (2)

12 / 4 النوادر رسول الله صلى الله عليه وآله: أُعْطِيتُ سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، قُلُوبُهُمْ عَلَى قَلْبِ رَجُلٍ وَاحِدٍ، وَاسْتَزَدْتُ فَزَادَنِي مَعَ كُلِّ وَاحِدٍ سَبْعِينَ أَلْفًا. (3)

-
- 1- الفردوس: ج 5 ص 365 ح 8452 عن أنس .
 - 2- مسند الشاميين: ج 1 ص 294 ح 513، تاريخ دمشق: ج 58 ص 21 ح 12050 كلاهما عن جابر بن عبد الله، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 344 ح 9091 عن أبي هريرة من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه وآله .
 - 3- نوادر الأصول: ج 1 ص 193، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 24 ح 22 وليس فيه «من أُمَّتِي» وكلاهما عن أبي بكر، كنز العمال: ج 12 ص 418 ح 35461 .

12 / 4 گوناگون

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای انس! نیمی از بهشت، از آن امت من است و در نیمه دیگر نیز با سایر امت ها شریک هستم.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امید دارم که من و امتم، نیمی از بهشتیان باشیم. سپس، نیم دیگر را با [سایر] پیامبران، قسمت می کنم.

12 / 4 گوناگون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این امتیاز به من عطا شد که هفتاد هزار نفر از امتم، بدون حسابرسی وارد بهشت شوند که دل هایشان يك دل است. من، بیشتر خواستم و [خداوند] بر هر نفر، هفتاد هزار نفر دیگر افزود.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أُمَّتِي مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِ أَكْثَرُ مِنْ مُضَرٍّ (1). (2)

عنه صلى الله عليه وآله: وَعَدَنِي رَبِّي أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مِنْ أُمَّتِي سَبْعِينَ أَلْفًا لَا حِسَابَ عَلَيْهِمْ وَلَا عَذَابَ، مَعَ كُلِّ أَلْفٍ سَبْعُونَ أَلْفًا وَثَلَاثَ حَثِيَّاتٍ (3) مِنْ حَثِيَّاتِهِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: لَمْ يَبْقَ نَبِيٌّ إِلَّا أُعْطِيَ سُؤَالَهُ (5)، وَأَخَّرْتُ شَفَاعَتِي لِأُمَّتِي. (6)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيَّ آيَةً أَرْجَى مِنْ قَوْلِهِ: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (7)، قَدْ خَزَنَهَا لِأُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (8)

عنه صلى الله عليه وآله: فِي فَضْلِ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ: وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ يَوْمَ سِتَّةَ عَشَرَ إِذَا خَرَجْتُمْ مِنَ الْقَبْرِ سِتِينَ حُلَّةً تَلْبَسُونَهَا، وَنَاقَةً تَرْكَبُونَهَا، وَبَعَثَ اللَّهُ لَكُمْ غَمَامَةً تُظِلُّكُمْ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْيَوْمِ... وَيَوْمَ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ، بَنَى اللَّهُ لَكُمْ تَحْتَ الْعَرْشِ أَلْفَ قُبَّةٍ خَضِرَاءَ، عَلَى رَأْسِ كُلِّ قُبَّةٍ خِيَمَةٌ مِنْ نُورٍ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: يَا أُمَّةَ أَحْمَدَ، أَنَا رَبُّكُمْ، وَأَنْتُمْ عِبِيدِي وَإِمَائِي، اسْتَظَلُّوا (9) بِظِلِّ عَرْشِي فِي هَذِهِ الْقُبَابِ (10)، وَكُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِينًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ. يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا بَعَثْنَاكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ، يَتَعَجَّبُ مِنْكُمْ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، وَلَا تَوَجَّحَنَّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ بِأَلْفِ تَاجٍ مِنْ نُورٍ، وَلَا رُكْبَنَ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ عَلَى نَاقَةٍ خُلِقَتْ مِنْ نُورٍ، زِمَامُهَا (11) مِنْ نُورٍ، فِي ذَلِكَ الزِمَامِ أَلْفُ حَلَقَةٍ مِنْ ذَهَبٍ، وَفِي كُلِّ حَلَقَةٍ قَائِمٌ عَلَيْهَا مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، يَبْدُ كُلِّ مَلَكٍ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ، حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ. (12)

- 1- مُضَرٌّ - بِضَمِّ الْمِيمِ وَفَتْحِ الْمُعْجَمَةِ - : قَبِيلَةٌ مَنَسُوبَةٌ إِلَى مُضَرِّ بْنِ نِزَالِ بْنِ مَعْدَانَ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج 3 ص 1702 «مضر»).
- 2- سَنَنْ ابْنِ مَاجَةَ: ج 2 ص 1446 ح 4323، مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ: ج 8 ص 392 ح 22728، الْمُسْتَدْرَكُ عَلَى الصَّحِيحَيْنِ: ج 1 ص 143 ح 239 نَحْوَهُ وَكُلُّهُمَا عَنِ الْحَارِثِ بْنِ أَفِيشٍ، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 12 ص 76 ح 34068؛ مَجْمَعُ الْبَيَانِ: ج 10 ص 592، مَسْكَنُ الْفَوَادِ: ج 39، بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 8 ص 34.
- 3- ثَلَاثَ حَثِيَّاتٍ: أَيُّ ثَلَاثَ غُرَفٍ بِيَدَيْهِ، وَالْحَدِيثُ كُنَايَةٌ عَنِ الْمَبَالِغَةِ فِي الْكَثْرَةِ، وَإِلَّا فَلَا كَفَّ ثُمَّ وَلَا حَثِيٍّ، جَلَّ اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ وَعَزَّ (النِّهَايَةُ: ج 1 ص 339 «حثا»).
- 4- سَنَنْ التِّرْمِذِيِّ: ج 4 ص 626 ح 2437، سَنَنْ ابْنِ مَاجَةَ: ج 2 ص 1433 ح 4286، مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ: ج 8 ص 306 ح 22366، الْمَعْجَمُ الْكَبِيرُ: ج 8 ص 110 ح 7520 وَفِيهَا «حَثِيَّاتُ رَبِّي» بَدَلُ «حَثِيَّاتِهِ» وَكُلُّهَا عَنْ أَبِي أُمَامَةَ، صَحِيحُ ابْنِ حَبَّانَ: ج 16 ص 232 ح 7247 عَنْ عَتَبَةَ بْنِ عَبْدِ السَّلْمِيِّ، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 11 ص 421 ح 31977.
- 5- فِي كَنْزِ الْعَمَّالِ: «سُؤْلُهُ».
- 6- السَّنَنِ الْكَبِيرِ: ج 2 ص 608 ح 4266 عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 11 ص 438 ح 32059.
- 7- الصُّنْحَى: 5.
- 8- الْفَرْدُوسُ: ج 4 ص 62 ح 6195 عَنْ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَنْزُ الْعَمَّالِ: ج 1 ص 594 ح 2709.
- 9- فِي الْمَصْدَرِ: «يَسْتَظَلُّوا»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْأُخْرَى.
- 10- فِي الْمَصْدَرِ: «الْقَبَاتِ»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَالْمَصَادِرِ الْأُخْرَى.

11- .الزّمام : المِقْوَدُ (الصحاح : ج 5 ص 1944 «زمم»).

12- .ثواب الأعمال : ص 94 و 95 ح 12 ، فضائل الأشهر الثلاثة : ص 83 و 84 ح 63 ، الأمالي للصدوق : ص 105 ح 79 ، روضة الواعظين : ص 376 و 377 كلّها عن ابن عبّاس ، بحار الأنوار : ج 7 ص 237 ح 9 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از اَمّت من، کسانی هستند که با شفاعت هر يك از آنان، شماری بیش از مُضَر (1) به بهشت می روند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پروردگارم به من وعده داد که هفتاد هزار تن از اَمّتم را بدون حسابرسی و عذابی به بهشت ببرد و با هر هزار نفر، هفتاد هزار نفر و سه مِشت با مُشت های خودش. (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ پیامبری نمانده، مگر آن که خواسته اش به او داده شده است و من، شفاعتم را برای اَمّتم به تأخیر انداخته ام.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، آیه ای امیدبخش تر از این آیه بر من نازل نکرده است: «و به زودی، پروردگارت، به تو عطا خواهد داد، تا خرسند گردی». این را، برای اَمّتم در روز قیامت اندوخته است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در فضیلت روزه ماه رمضان: و در روز شانزدهم، خداوند [این پاداش را] به شما عطا فرمود که هر گاه از گور بیرون آید، شصت جامه به شما می دهد تا بپوشید و ناقه ای که بر آن بنشینید و خداوند، ابری برایتان می فرستد که از گرمای آن روز، در سایه آن درآید... و در روز بیست و پنجم، خداوند در زیر عرش خویش، هزار قَبّه سبز برای شما می سازد که بر سرِ هر قَبّه ای، خیمه ای از نور است. خداوند تبارک و تعالی: می فرماید: «ای اَمّت احمد! من، پروردگار شما هستم و شما، غلامان و کنیزان من هستید. در سایه عرش من، در این قَبّه ها درآید و بخورید و بیاشامید و گوارایتان باد! نه بیمی بر شماست و نه اندوهی شما را خواهد گرفت. ای اَمّت محمد! به عزّت و جلالم سوگند، شما را آن گونه به سوی بهشت خواهم فرستاد که اولین و آخرینِ خلائق از شما به شگفت آیند. بر سرِ هر يك از شما، هزار تاج نور خواهم نهاد و هر کدامتان را بر ناقه ای خواهم نشاند که از نور، آفریده شده و مهارش از نور است و در آن مهار، هزار حلقه طلاست و بر هر حلقه ای، فرشته ای از فرشتگان، گماشته شده اند و در دستِ هر فرشته ای، عمودی از نور است و بدون حسابرسی به بهشت وارد می شود.

1- .. مُضَر، قبیله ای بسیار بزرگ است، منسوب به مُضَر بن نزال بن معد بن عدنان.

2- .. این تعبیر، برای مبالغه در فراوانی است؛ وگرنه خداوند، نه دستی دارد و نه کف دستی و نه مُشتی.

عنه صلى الله عليه وآله : طوبى لأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ... يَجُوزُونَ الصِّرَاطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ ، وفي يَدِ دَرْدَائِيلَ (1) لَوَاءٌ مِنْ نُورٍ يَضْرِبُ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا ، مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ ، أُبَشِّرُوا بِالنَّعِيمِ الدَّائِمِ ، وَجَوَارِ الرَّحْمَنِ ، وَجَوَارِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ، وَجَوَارِ الْمَلَائِكَةِ (2)

مسند ابن حنبل عن أبي الدرداء : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله : أَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ بِالسُّجُودِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَأَنَا أَوَّلُ مَنْ يُؤْذَنُ لَهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ ، فَأَنْظُرُ إِلَى بَيْنِ يَدَيَّ فَأَعْرِفُ أُمَّتِي مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ ، وَمِنْ خَلْفِي مِثْلُ ذَلِكَ ، وَعَنْ يَمِينِي مِثْلُ ذَلِكَ ، وَعَنْ شِمَالِي مِثْلُ ذَلِكَ . فَقَالَ رَجُلٌ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ، كَيْفَ تَعْرِفُ أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فِيمَا بَيْنَ نُوْحٍ إِلَى أُمَّتِكَ ؟ قَالَ : هُمْ غُرٌّ مُحَجَّلُونَ (3) مِنْ أَثَرِ الْوُضُوءِ ، لَيْسَ أَحَدٌ كَذَلِكَ غَيْرُهُمْ ، وَأَعْرِفُهُمْ أَنَّهُمْ يُؤْتُونَ كُتُبَهُمْ بِأَيْمَانِهِمْ ، وَأَعْرِفُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ (4) .

1- في مستدرک الوسائل : «دردائیل» ، والظاهر أنه الصواب .

2- بحار الأنوار : ج 96 ص 344 ح 7 ، مستدرک الوسائل : ج 7 ص 421 ح 8584 كلاهما نقلاً عن كتاب النوادر للراوندي عن ابن عباس

3- غُرٌّ مُحَجَّلُونَ : أي بيض مواضع الوضوء من الأيدي والوجه والأقدام ، استعار أثر الوضوء في الوجه واليدين والرجلين للإنسان من البياض الذي يكون في وجه الفرس ويديه ورجليه (النهاية : ج 1 ص 346 «حجل»).

4- مسند ابن حنبل : ج 8 ص 172 ح 21796 وص 173 ح 21799 نحوه ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 520 ح 3784 ، تفسير ابن كثير : ج 8 ص 41 وص 197 كلها عن أبي ذر ، كنز العمال : ج 12 ص 174 ح 34538 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :خوشا اَمتِ محمّد ! در روز قیامت ، چونان برق جهان بر صراط می گذرند و در دست درّیائیل ، درفشی از نور است که در آسمان دنیا نصب می کند و بر آن نوشته است : «معبودی جز خدای یگانه نیست . محمّد ، فرستاده خداست . درود بر شما ای اَمتِ محمّد ! نویدتان باد به نعمت پاینده و همسایگی با خدای مهربان و همسایگی با محمّد صلی الله علیه و آله و همسایگی فرشتگان !» .

مسند ابن حنبل_ به نقل از ابو درداء _ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «من ، نخستین کسی هستم که در روز قیامت به او اجازه سجده کردن [در پیشگاه خدا] داده می شود . من ، نخستین کسی هستم که به او اجازه داده می شود سرش را از سجده بردارد . پس به مقابل خود می نگرم و اَمت را در میان اَمت ها می شناسم ، و همچنین ، از پشتِ سرم و از سمت راستم و از سمت چپم» . مردی گفت : ای پیامبر خدا ! چگونه اَمت را در میان اَمت ها ، از نوح تا اَمت خودت ، می شناسی؟ فرمود : «آنان ، بر اثر وضو ، دست و پا و چهره هایی سپید دارند . جز آنان ، کسی چنین نیست . همچنین ، آنان را از این جهت می شناسم که کارنامه هایشان به دستِ راست آنان داده می شود . نیز به این نشان می شناسم که دُریه آنان ، پیشاپیشان می دوند» .

الفصل الثالث عشر: أصناف الأمة 13 / 1 هم ثلاثة أصناف رسول الله صلى الله عليه وآله: أمّتي على ثلاثة أصناف: صنف يشبهون بالأنبياء، وصنف يشبهون بالملائكة، وصنف يشبهون بالبهايم. فأما الذين يشبهون بالأنبياء، فهمتهم الصلاة والزكاة. وأما الذين يشبهون بالملائكة، فهمتهم التسبيح والتهليل والتكبير. وأما الذين يشبهون بالبهايم، فهمتهم الأكل والشرب والنوم. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: تكون أمّتي في الدنيا ثلاثة أطباق: أما الطبقة الأولى (2): فلا يحبون جمع المال وأدخاره، ولا يسعون في اقتنائه واحتكاره، وإنما رضاهم من الدنيا سدّ جوعه وستر عوره، وغناهم منها ما بلغ بهم الآخرة، فأولئك هم الآمنون الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون. وأما الطبقة الثانية: فإنهم يحبون جمع المال من أطيب وجوهه وأحسن سبله. يصيدون به أرحامهم، ويبرّون به إخوانهم، ويواسون به فقراءهم، ولعصّ أحدهم على الرصف (3) أيسر عليه من أن يكتسب درهما من غير حله، أو يمنعه من حقه، أو يكون له خازنا إلى يوم موته، فأولئك الذين إن نوقشوا عذبوا، وإن عفي عنهم ساءلوا. وأما الطبقة الثالثة: فإنهم يحبون جمع المال مما حلّ وحرم، ومنعه مما افترض وجب، إن [أنفقوه] (4) أنفقوا إسرافا وبدارا (5)، وإن أمسكوه [أمسكوا] (6) بخلا واحتكارا، أولئك الذين ملكت الدنيا زمام قلوبهم، حتى أوردتهم النار بذنوبهم. 7

1- جامع الأخبار: ص 270 ح 733، المواعظ العددية: ص 151 نحوه.

2- في المصدر: «الأولى»، والتصويب من بحار الأنوار.

3- في بحار الأنوار: «الرصف» بدل «الرصف» وكلاهما وارد وإن كان الأصح بالضاد المعجمة؛ قال ابن الأثير: الرصف: الحجارة التي يرصف بعضها إلى بعض في مسيل فيجتمع فيها ماء المطر. وقال: الرصف: الحجارة المضممة على النار (النهاية: ج 2 ص 228 «رصف» و ص 231 «رصف»).

4- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

5- في المصدر: «وبدارا»، والتصويب من بحار الأنوار. و«بدارا»: أي مسارعة (مفردات ألفاظ القرآن: ص 110 «بدر»).

6- عدة الداعي: ص 92 عن عبد الله بن عمر، بحار الأنوار: ج 103 ص 23 ح 26.

فصل سیزدهم : گروه های اَمت

13 / 1 اَمت ، سه گروه اند

فصل سیزدهم : گروه های اَمت 13 / 1 اَمت ، سه گروه اند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمت من ، بر سه دسته اند: دسته ای مانند پیامبران اند ؛ دسته ای مانند فرشتگان اند ؛ و دسته ای مانند چارپایان اند . آنان که مانند پیامبران اند ، هم و غمّشان ، نماز و زکات است . آنان که مانند فرشتگان اند ، هم و غمّشان ، یاد کردن خدا به پاکی و یکتایی و بزرگی (تسبیح و تهلیل و تکبیر) است . آنان که مانند چارپایان اند ، هم و غمّشان ، خوردن و آشامیدن و خوابیدن است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اَمت من در دنیا ، سه طبقه اند: طبقه نخست ، گردآوری مال و ثروت اندوزی را دوست ندارند و در به دست آوردن و انداختن آن نمی کوشند ؛ بلکه از دنیا به رفعِ گرسنگی و پوشاندن برهنگی خود ، قانع اند و آن اندازه از دنیا به دست می آورند که آنان را به آخرت برساند . اینان ، همان آسودگان اند که نه بیمی می یابند و نه اندوهی . طبقه دوم ، دوست دارند که دارایی را از پاک ترین شکل و بهترین راه آن ، گرد آورند تا با آن ، به خویشاوندانشان رسیدگی کنند ، به برادرانشان نیکی نمایند و به نیازمندان ، کمک برسانند . برای هر کدام از اینان ، به دندان گزیدن سنگِ سخت ، آسان تر از آن است که درهمی از راه غیر حلال به دست آورد ، یا حق آن را نپردازد ، یا تا زمان مرگش خزانه دار (اندوزنده) آن باشد . اینان ، کسانی اند که اگر در حسابرسی آنها سختگیری شود ، عذاب می شوند و اگر بخشوده شوند ، به سلامت می مانند . طبقه سوم ، اینان ، گردآوری مال را از حلال و حرام ، دوست دارند و دوست ندارند حقوقی را که بر آن فرض و واجب گشته است ، بپردازند . اگر خرج کنند ، با اسراف و بی محابا خرج می کنند و اگر خرجش نکنند ، بخل می ورزند و می اندوزند . اینان ، کسانی اند که دنیا ، مهارِ دل هایشان را در اختیار گرفته است و آنان را به سبب گناهانشان ، به آتش می کشاند .

13 / 2 خِيَارُ الْأُمَّةِ _ الْعُلَمَاءُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خِيَارُ أُمَّتِي عُلَمَاؤُهَا ، وَخِيَارُ عُلَمَائِهَا رُحَمَاؤُهَا. (1)

-
- 1- . تاريخ بغداد : ج 1 ص 238 الرقم 54 ، حلية الأولياء : ج 8 ص 188 الرقم 407 وفيه «خيارها» بدل «رحماؤها» ، تاريخ دمشق : ج 56 ص 118 ح 11794 كلّها عن أبي هريرة ، مسند الشهاب : ج 2 ص 242 ح 1276 عن ابن عمر وفيه «حلمائها» بدل «رحماؤها» ، كنز العمال : ج 10 ص 152 ح 28778 .

الف - عالمان

13 / 2 بهترین های اُمّتالف _ عالمانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین های اُمّت من ، عالمان آن اند و بهترین عالمانش ، مهربانان آن

.

.

ب _ الأوساط رسول الله صلى الله عليه وآله :رُحَمَاءُ أُمَّتِي أَوْسَاطُهَا (1) . (2)

الإمام علي عليه السلام :خَيْرُ هَذِهِ الْأُمَّةِ النَّمَطُ (3) الأَوْسَطُ ، يَرْجِعُ إِلَيْهِمُ الْغَالِي ، وَيَلْحَقُ بِهِمُ التَّالِي (4) . (5)

تاريخ اليعقوبي :قَدِمَ عَلَيْهِ [عَلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام] قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْغَرْبِ ، فَقَالَ لَهُمْ : أَفِيكُمْ مَنْ قَدْ شَهِرَ (6) نَفْسَهُ حَتَّى لَا يُعْرَفُ إِلَّا بِهِ ؟ فَقَالُوا : نَعَمْ ! قَالَ : وَفِيكُمْ قَوْمٌ بَيْنَ ذَلِكَ يَتَصَوَّنُونَ (7) مِنَ السَّيِّئَاتِ وَيَعْمَلُونَ الْحَسَنَاتِ ؟ قَالُوا : نَعَمْ ! قَالَ : أُولَئِكَ خَيْرُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، أُولَئِكَ النَّمْرِقَةُ (8) الْوُسْطَى ؛ بِهِمْ يَرْجِعُ الْغَالِي ، وَبِهِمْ يَلْحَقُ الْمُقْصِرُ. (9)

- 1- . يقال : هو أَوْسَطُ قومه : أي خيارهم . [أو] من أشرفهم وأحسبهم (النهاية : ج 5 ص 184 «وسط»).
- 2- . الفردوس : ج 2 ص 273 ح 3268 عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج 3 ص 28 ح 5293 .
- 3- . النَّمَطُ : الجماعة من الناس أمرهم واحد (النهاية : ج 5 ص 119 «نمط»).
- 4- . يرجع إليهم الغالي ويلحق بهم التالي : فالغالي من يقول في أهل البيت عليهم السلام ما لا يقولون في أنفسهم ؛ كمن يدعي فيهم النبوة والإلهية ، والتالي : المرتاد يريد الخير ليلبغه (مجمع البحرين : ج 2 ص 1332 «غلا»).
- 5- . عيون الأخبار لابن قتيبة : ج 1 ص 326 عن النعمان بن سعد ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 8 ص 155 ح 4 عن زبيد وفيه «خير الناس هذا» بدل «خير هذه الأمة» وراجع : الكافي : ج 1 ص 101 ح 3 وتفسير العياشي : ج 1 ص 63 ح 111 .
- 6- . الشُّهْرَةُ : ظهور الشيء في شُئْنَةٍ حَتَّى يَشْهَرَهُ النَّاسُ (النهاية : ج 2 ص 515 «شهر»).
- 7- . في طبعة النجف : «يصيبون» بدل «يتصوّنون» .
- 8- . نَمَارِقُ : وسائل واحدتها نمركة بكسر النون وفتحها ، وفي الحديث : «نحن النمركة الوسطى» ؛ له ولأهل بيته ، باعتبار كونهم أئمة العدل ، يستند الخلق إليهم في تدبير معاشهم (مجمع البحرين : ج 3 ص 1835 «نمرق»).
- 9- . تاريخ اليعقوبي : ج 2 ص 210 .

ب - میانه روها

ب _ میانه روها پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مهربانان اُمّت من ، میانه روهای آن اند .

امام علی علیه السلام : بهترین های این اُمّت ، گروه های میانه روند که تندروان ، به سوی آنان باز می گردند و واپس ماندگان ، به ایشان می پیوندند .

تاریخ الیعقوبی : گروهی از اهالی غرب ، نزد علی علیه السلام آمدند . به ایشان فرمود : «آیا در میان شما ، کسی هست که خودش را شُهره کرده باشد ، به طوری که جز به آن ، شناخته نشود؟» . گفتند : آری . فرمود : «آیا در میان شما گروهی بینابین هستند که از بدی ها و گناهان ، خودداری کنند و به کارهای نیک ، اقدام نمایند؟» . گفتند : آری . فرمود : «اینان ، بهترین افراد اُمّت محمّد صلی الله علیه و آله هستند . اینان ، تکیه گاه میانه اند . تندروها ، به سوی آنان بر می گردند و کُندروها ، به آنان می پیوندند» .

ج _ السَّمْحَاءُ الإمام الصادق عليه السلام: خِيَارُكُمْ سَمَحَاؤُكُمْ ، وَشِرَارُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ. (1)

د _ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ رسول الله صلى الله عليه وآله: أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ ، وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ. (2)

هـ _ الدُّعَاءُ إِلَى اللَّهِ عز وجل رسول الله صلى الله عليه وآله: خِيَارُ أُمَّتِي مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ، وَحَبَّبَ عِبَادَةَ إِلَيْهِ. (3)

و _ أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا رسول الله صلى الله عليه وآله: خِيَارُ أُمَّتِي أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا. (4)

مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَبْنِيكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: «خِيَارُكُمْ أَطْوَلُكُمْ أَعْمَارًا، وَأَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا». (5)

- 1- .الكافي: ج 4 ص 41 ح 15 ، الأُمالي للمفيد: ص 291 ح 9 ، الخصال: ص 96 ح 42 ، الأُمالي للطوسي: ص 68 ح 98 كُلُّهَا عن جميل بن دَرَّاج ، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 61 ح 1707 ، بحار الأنوار: ج 71 ص 350 ح 3 .
- 2- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 399 ح 5855 ، الخصال: ص 7 ح 21 ، بحار الأنوار: ج 87 ص 138 ح 6 ؛ المعجم الكبير: ج 12 ص 97 ح 12662 وليس فيه «وأصحاب الليل» ، شعب الإيمان: ج 2 ص 556 ح 2703 ، تاريخ بغداد: ج 8 ص 80 الرقم 4166 كُلُّهَا عن ابن عباس ، كنز العمال: ج 1 ص 510 ح 2259 .
- 3- .الجامع الصغير: ج 1 ص 615 ح 3979 ، كنز العمال: ج 10 ص 152 ح 28779 كلاهما نقلًا عن ابن النجَّار عن أبي هريرة .
- 4- .الأدب المفرد: ص 378 ح 1308 ، السنن الكبرى: ج 10 ص 326 ح 20800 نحوه ، الفردوس: ج 2 ص 369 ح 3646 كُلُّهَا عن أبي هريرة ، كنز العمال: ج 3 ص 561 ح 7910 .
- 5- .مسند ابن حنبل: ج 3 ص 368 ح 9246 ، صحيح ابن حَبَّان: ج 2 ص 234 ح 484 ، السنن الكبرى: ج 3 ص 520 ح 6528 وفيه «أَلَا أُخْبِرُكُمْ» بدل «أَبْنِيكُمْ» و«أَعْمَالًا» بدل «أَخْلَاقًا» ، موارد الظمآن: ص 474 ح 1919 ، كنز العمال: ج 3 ص 8 ح 5167 .

ج - گشاده دستان

د - حاملان قرآن

ه - دعوتگران به خدا

و - نیک خوترین ها

ج _ گشاده دستان امام صادق علیه السلام: بهترین افراد شما، گشاده دستان شمایند و بدترین افراد شما، بخیلانتان اند.

د _ حاملان قرآنپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شریفان امت من، حاملان قرآن و شب خیزان اند.

ه _ دعوتگران به خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین فرد امت من، کسی است که به خداوند متعال، دعوت کند و بندگانش را محبوب او گرداند.

و _ نیک خوترین هایپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین کسان امت من، آنان اند که اخلاقشان نیکوتر است.

مسند ابن حنبل _ به نقل از ابو هریره _ پیامبر خدا فرمود: «شما را از بهترین هایتان خبر دهم؟». گفتند: آری، ای پیامبر خدا! فرمود: «بهترین های شما، آنان اند که عمرشان، درازتر و اخلاقشان، نیکوتر است».

ز - أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَأَرْغَبُهُمْ فِي الْآخِرَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُ أُمَّتِي أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا، وَأَرْغَبُهُمْ فِي الْآخِرَةِ. (1)

ح - الْمُسْتَبْشِرُونَ عِنْدَ الْإِحْسَانِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خِيَارُ أُمَّتِي مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، وَالَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَقَصَّروا، وَإِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا، وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا. (3)

ط - مَنْ يُرْجَى خَيْرُهُ وَيُؤْمَنُ شَرُّهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خَيْرُكُمْ مَنْ يُرْجَى خَيْرُهُ وَيُؤْمَنُ شَرُّهُ، وَشَرُّكُمْ مَنْ لَا يُرْجَى خَيْرُهُ وَلَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ. (4)

- 1- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 123 .
- 2- المصنّف لعبد الرزّاق: ج 2 ص 566 ح 4481، حلية الأولياء: ج 6 ص 120 الرقم 359 كلاهما عن عروة بن رويم، كنز العمال: ج 16 ص 110 ح 44083 .
- 3- الكافي: ج 4 ص 127 ح 4، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 141 ح 1978 كلاهما عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عليه السلام، الخصال: ص 317 ح 99، الأمالي للصدوق: ص 60 ح 18 كلاهما عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 305 ح 26؛ المعجم الأوسط: ج 6 ص 334 ح 6558 عن جابر، كنز العمال: ج 1 ص 478 ح 2086 .
- 4- سنن الترمذي: ج 4 ص 528 ح 2263، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 298 ح 8820، صحيح ابن حبان: ج 2 ص 285 ح 527 كلّها عن أبي هريرة، الأدب المفرد: ص 59 ح 159 عن أبي الدرداء، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 144 ح 129 عن سعيد المقبري، كنز العمال: ج 15 ص 770 ح 43025 .

ز - بی اعتنا ترین آنان به دنیا و راغب ترینشان به آخرت

ح - شاد شوندگان به هنگام نیکی کردن

ط - کسی که خیررسان و بی آزار است

ز - بی اعتنا ترین آنان به دنیا و راغب ترینشان به آخرت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین فرد امت من ، کسی است که به دنیا ، بی رغبت تر و به آخرت ، راغب تر باشد .

ح - شاد شوندگان به هنگام نیکی کردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین فرد امت من ، کسی است که گواهی می دهد معبودی جز خدای یکتا نیست و شریکی ندارد ، و محمد ، بنده و فرستاده اوست و آنان که هر گاه کار نیک انجام دهند ، شادمان می شوند و هر گاه بد انجام دهند ، آمرزش می طلبند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین های امت من ، کسانی اند که هر گاه سفر کنند ، روزه نگیرند و [نمازشان را] شکسته بخوانند و هر گاه نیکی کنند ، شادمان شوند و هر گاه بدی (گناه) کنند ، آمرزش بطلبند .

ط - کسی که خیررسان و بی آزار است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما ، کسی است که به خیرش امید رود و از شرش ایمنی باشد . بدترین شما ، کسی است که به خیرش امید نرود و از شرش ایمنی نباشد .

ي - مَنْ يَسْتَبْشِرُ جَهْرًا وَيَبْكِي سِرًّا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُ أُمَّتِي - فِيمَا تَبَايَا الْمَلَأُ الْأَعْلَى - قَوْمٌ يَسْتَبْشِرُونَ جَهْرًا مِنْ سَعَةِ رَحْمَةِ رَبِّهِمْ ، وَيَبْكُونَ سِرًّا مِنَ الْيَمِّ عُقُوبَتِهِ. (1)

ك - مَنْ يُذَكِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رُؤْيَاهُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خَيْرُكُمْ الَّذِينَ إِذَا رُؤُوا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : أَلَا أُذَلِّكُمْ عَلَى خِيَارِ هَذِهِ الْأُمَّةِ ؛ الَّذِينَ إِذَا رَأَاهُمُ النَّاسُ ذَكَرُوا اللَّهَ ، وَإِذَا ذَكَرَ اللَّهُ عِنْدَهُمْ أَعَانُوا عَلَى ذِكْرِهِ. (3)

الإمام علي عليه السلام : إِنَّ خِيَارَكُمْ الَّذِينَ إِذَا نُظِرَ إِلَيْهِمْ ذَكَرَ اللَّهُ. (4)

ل - مَنْ إِذَا غَضِبَ رَجَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : خِيَارُ أُمَّتِي أَحَدَاؤُهُمْ (5) ، الَّذِينَ إِذَا غَضِبُوا رَجَعُوا. (6)

-
- 1- . تنبيه الخواطر : ج 2 ص 123 ؛ المستدرک علی الصحيحین : ج 3 ص 19 ح 4294 عن عیاض بن سلیمان نحوه ، کنز العمال : ج 1 ص 162 ح 815 .
 - 2- . مسند ابن حنبل : ج 10 ص 443 ح 27672 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1379 ح 4119 ، الأدب المفرد : ص 103 ح 323 ، المعجم الكبير : ج 24 ص 167 ح 423 ، المنتخب من مسند عبد بن حمید : ص 457 ح 1580 کلها عن أسماء بنت یزید الأنصاریة ، کنز العمال : ج 1 ص 419 ح 1788 .
 - 3- . کنز العمال : ج 1 ص 440 ح 1900 نقلاً عن ابن شاهین عن ابن عباس .
 - 4- . الکافي : ج 2 ص 225 ح 12 عن أبي الحسن الأصبهانی عن الإمام الصادق علیه السلام ، مشکاة الأنوار : ص 194 ح 516 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 81 ح 29 .
 - 5- . قال ابن الأثير : الحیدة : المضاء فی الدین والصلابة والقصد فی الخیر ، ومنه الحديث : «خيار أمتي أحداؤها» (النهاية : ج 1 ص 353 «حدد»).
 - 6- . المعجم الأوسط : ج 6 ص 60 ح 5793 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 243 ح 1277 و 1278 کلها عن قنبر عن الإمام علي عليه السلام ، کنز العمال : ج 3 ص 127 ح 5805 .

ی - کسی که در آشکار ، شاد و در نهان ، گریان است

ک - کسی که دیدن او ، انسان را به یاد خدا می اندازد

ل - کسی که هر گاه خشمگین شود ، خویشنداری می کند

ی _ کسی که در آشکار ، شاد و در نهان ، گریان است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین افراد امت من _ آن گونه که فرشتگان مقرب به من خبر داده اند _ ، مردمانی اند که در آشکار ، از گستردگی رحمت پروردگارشان شادند و در نهان ، از [بیم] کیفر دردناک او می گریند .

ک _ کسی که دیدن او ، انسان را به یاد خدا می اندازد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین شما ، کسانی اند که هر گاه دیده شوند ، خداوند متعال ، یاد شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا شما را به بهترین افراد این امت ، راه نمایی نکنم؟ کسانی که هر گاه مردم ، آنان را ببینند ، خدا را یاد کنند و هر گاه خدا نزد آنان یاد شود ، بر یاد او کمک کنند .

امام علی علیه السلام : بهترین شما ، کسانی اند که [دیگران] هر گاه به آنان می نگرند ، به یاد خدا می افتند .

ل _ کسی که هر گاه خشمگین شود ، خویشنداری می کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین افراد امت من ، تندمزاجانی هستند که هر گاه خشمگین شوند ، خویشنداری می ورزند .

م _ القَانِرسول الله صلى الله عليه وآله :خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ الْقَانِعُ ، وَشِرَارُهُمُ الطَّامِعُ . (1)

ن _ العَفِيْفُالفردوس عن ابن عَبَّاس عن رسول الله صلى الله عليه وآله :خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَعْفُونَ إِذَا آتَاهُمُ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَمِينَ الْبَلَاءِ شَيْئًا . [قالوا : وَأَيُّ الْبَلَاءِ ؟ قَالَ : (2) الْعِشْقُ . (3)]

س _ الْمُتَأَهِّلُونُرسول الله صلى الله عليه وآله :خِيَارُ أُمَّتِي الْمُتَأَهِّلُونَ ، وَشِرَارُ أُمَّتِي الْعُرَابُ . (4)

ع _ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِالرُّخَصِرسول الله صلى الله عليه وآله :أَفْضَلُ أُمَّتِي الَّذِينَ يَعْمَلُونَ بِالرُّخَصِ . (5)

13 / 3جَوَامِعُ صِفَاتِ خِيَارِ الْأُمَّةِرسول الله صلى الله عليه وآله :خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ هَدَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ ، وَفَطَمَ نَفْسَهُ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا ، وَتَوَلَّى (6) بِالْآخِرَةِ ، إِنَّ جَزَاءَهُ عَلَى اللَّهِ أَعْلَى مَرَاتِبِ الْجَنَّةِ . (7)

-
- 1- .مسند الشهاب : ج 2 ص 241 ح 1274 و 1275 ، الفردوس : ج 2 ص 177 ح 2885 ، كنز العمال : ج 3 ص 391 ح 7095 نقلاً عن القضاعي وكلها عن أبي هريرة .
 - 2- .ما بين المعقوفين أثبتناه من كنز العمال .
 - 3- .الفردوس : ج 2 ص 174 ح 2867 ، كنز العمال : ج 3 ص 373 ح 7001 .
 - 4- .جامع الأخبار : ص 273 ح 748 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 221 ح 32 .
 - 5- .الفردوس : ج 1 ص 358 ح 1443 ، كنز العمال : ج 3 ص 34 ح 5340 نقلاً عن ابن لال وكلاهما عن عمر بن الخطاب .
 - 6- .الْوَلَةُ : ذهاب العقل والتحير من شدة الوجد (الصحيح : ج 6 ص 2256 «وله») .
 - 7- .تنبيه الخواطر : ج 2 ص 123 .

م - قانع

ن - پاك دامن

س - متأهل

ع - کسانی که به رخصت ها عمل می کنند

13 / 3 مجموعه صفاتِ بهترین های اُمّت

م _ قانعپامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین مؤمنان ، شخص قانع است و بدترینشان ، شخصِ آزمند .

ن _ پاك دامنالفردوس _ به نقل از ابن عباس _ :پیامبر خدا فرمود : «بهترین های اُمّت من ، کسانی هستند که هر گاه خداوند عز و جل به چیزی از بلا گرفتارشان سازد ، پاك دامنی می ورزند». گفتند : کدام بلا؟ فرمود : «عشق» .

س _ متأهلپامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین افراد اُمّتم ، متأهلان اند و بدترین افراد اُمّتم ، عزّب ها .

ع _ کسانی که به رُخصت ها عمل می کنندپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :برترین افراد اُمّتم ، کسانی هستند که به رخصت ها عمل می کنند . (1)

13 / 3مجموعه صفاتِ بهترین های اُمّتیپامبر خدا صلی الله علیه و آله :بهترین اُمّت من ، کسی است که جوانی اش را در طاعت خدا سپری کند، [طفل] نفس خویش را از [شیر] لذّت های دنیا ، باز گیرد و شیدای آخرت باشد. پاداش چنین کسی در نزد خدا ، بالاترین مراتبِ بهشت است .

1- .. به رخصت ها عمل کنند : حلال های خدا و نعمت های خدا را بر خود ، حرام نکنند و از آنچه خدا در دنیا نصیبشان ساخته ، بهره ببرند .

عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ أُمَّتِي الَّذِينَ لَمْ يُوسَّعْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَبْطَرُوا (1)، وَلَمْ يُضَيَّقْ عَلَيْهِمْ حَتَّى يَسْأَلُوا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ إِذَا سُفِّهِ عَلَيْهِمْ احْتَمَلُوا، وَإِذَا جُنِّيَ عَلَيْهِمْ غَفَرُوا، وَإِذَا أُودُوا صَبَرُوا. (3)

المستدرك على الصحيحين عن عياض بن سليمان: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خِيَارُ أُمَّتِي - فِيمَا أَنْبَأَنِي الْمَلَأُ الْأَعْلَى - قَوْمٌ يَصْحَكُونَ جَهْرًا فِي سَعَةِ رَحْمَةِ رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ، وَيَبْكُونَ سِرًّا مِنْ خَوْفِ شِدَّةِ عَذَابِ رَبِّهِمْ عَزَّ وَجَلَّ، وَيَذْكُرُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ فِي الْبُيُوتِ الطَّيِّبَةِ الْمَسَاجِدِ، وَيَدْعُوهُ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي نَتَّيْهِمْ رَغْبًا وَرَهْبًا، وَيَسْأَلُونَهُ بِأَيْدِيهِمْ خَفَضًا وَرَفْعًا، وَيُقْبِلُونَ يَقْلُوبِهِمْ عَوْدًا وَبَدْعًا، فَمُؤَنِّتُهُمْ عَلَى النَّاسِ خَفِيفَةٌ، وَعَلَى أَنْفُسِهِمْ ثَقِيلَةٌ، يَدْبُونَ فِي الْأَرْضِ حُفَاةً عَلَى أَقْدَامِهِمْ كَدِيبِ النَّمْلِ، بِلا مَرَحٍ وَلَا بَذَخٍ، يَمْشُونَ بِالسَّكِينَةِ، وَيَتَقَرَّبُونَ بِالْوَسِيلَةِ، وَيَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ، وَيُقَرَّبُونَ الْقُرْبَانَ، وَيَلْبَسُونَ الْخُلُقَانَ. (4) عَلَيْهِمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى شُهُودٌ حَاضِرَةٌ، وَعَيْنٌ حَافِظَةٌ، يَتَوَسَّمُونَ (5) الْعِبَادَ، وَيَتَفَكَّرُونَ فِي الْبِلَادِ، أَرْوَاحُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَقُلُوبُهُمْ فِي الْآخِرَةِ، لَيْسَ لَهُمْ هَمٌّ إِلَّا أَمَامُهُمْ، أَعْدُوا الْجِهَارَ لِقُبُورِهِمْ، وَالْجَوَارَ لِسَبِيلِهِمْ، وَالْإِسْتِعْدَادَ لِمَقَامِهِمْ. ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِي» (6). (7)

- 1- البَطْرُ: الطغيان عند النعمة وطول الغنى (النهاية: ج 1 ص 135 «بطر»).
- 2- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 123؛ أسد الغابة: ج 1 ص 522 الرقم 712، الإصابة: ج 1 ص 576 الرقم 1119 كلاهما عن ابن الجذع عن أبيه وفيهما «لم يعطوا» بدل «لم يوسَّع عليهم» و«لم يكثر» بدل «لم يضيق»، التاريخ الكبير: ج 8 ص 433 الرقم 3608 نحوه وفيه «أكثر» بدل «خير»، كنز العمال: ج 3 ص 390 ح 7088.
- 3- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 123.
- 4- ثوبٌ خَلَقَ، أي بال، والجمع خُلُقَانٌ (الصحيح: ج 4 ص 1472 «خلق»).
- 5- تَوَسَّم الشَّيْءَ: تَفَرَّسَهُ (القاموس المحيط: ج 4 ص 186 «وسم»).
- 6- إبراهيم: 14.
- 7- المستدرك على الصحيحين: ج 3 ص 19 ح 4294، شعب الإيمان: ج 1 ص 478 ح 765، أسد الغابة: ج 4 ص 313 الرقم 4154 وليس فيه ذيله من «ويقرؤون القرآن»، حلية الأولياء: ج 1 ص 16 عن عياض بن غنم نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 162 ح 815.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین های اُمّت، کسانی اند که نه چندان در گشایش قرار داده شده اند که سرمست شوند و نه چندان در تنگی نهاده شده اند که دست نیاز، دراز کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین های اُمّت من، آنان اند که هر گاه به ایشان گستاخی شود، بردباری ورزند و هر گاه به آنان جنایتی شود، ببخشند و هر گاه آزار و اذیت شوند، شکیبایی کنند.

المستدرک علی الصحیحین_ به نقل از عیاض بن سلیمان _: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بهترین های اُمّت _ آن طور که فرشتگان مقرب به من خبر داده اند _، مردمانی اند که در آشکار، از فراگیری رحمت پروردگارشان [نسبت به خود] خندان اند و در نهان، از ترسِ سختی عذاب پروردگارشان می گریند. هر بام و شام، در خانه های پاک، یعنی مسجدها، پروردگارشان را یاد می کنند و با زبان هایشان، از سرِ امید و بیم، او را می خوانند و در هر فراز و نشیب، دستِ خواهش به سوی او دراز می کنند و همواره رویِ دل به سوی او دارند. برای مردم، کم زحمت اند و برای خود، پُر زحمت. با پاهای برهنه، مورچه وار (آرام و بی آزار) بر روی زمین می روند، بی سرمستی و غرور. با وقار، راه می روند و با وسیله (توسّل)، [\(1\)](#) خود را به خدا نزدیک می سازند. قرآن، تلاوت می کنند و قربانی می کنند و جامه ژنده می پوشند. خداوند متعال را بر آنان، گواهانی حاضر و چشمی ناظر است. بندگان را به دقّت می نگرند و مورد توجّه قرار می دهند و در آبادی ها می اندیشند. ارواحشان در دنیا و دل هایشان در آخرت است. دغدغه ای جز آخرتِ خود ندارند. برای گورهای خود، بار و بُنه و برای راهشان، گذرنامه آماده کرده اند و خویشان را برای ایستادنگاهشان [در برابر پروردگارشان] مهیا ساخته اند». پیامبر خدا، سپس، این آیه را تلاوت کرد: «این، برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد».

مسند أبي يعلى عن أبي سعيد الخدري: كُنَّا عِنْدَ بَيْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ، فَخَرَجَ عَلَيْنَا فَقَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخِيَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى. قَالَ: خِيَارُكُمْ الْمُؤْمِنُونَ الْمُطِيبُونَ، إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْخَفِيَّ التَّقِيَّ. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَلْزَمُ أُمَّتِي الْحَقُّ فِي أَرْبَعٍ: يُجِبُّونَ التَّائِبَ، وَيُعِينُونَ الْمُحْسِنَ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلْمُذْنِبِ، وَيَدْعُونَ لِلْمَلَأِ. (2)

13 / 4 شِرَارُ الْأُمَّةِ - وَلَا تُؤْمِنُ الْجَوْرُ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَلَا تُؤْمِنُ الْجَوْرُ شِرَارُ الْأُمَّةِ، وَأَصْدَادُ الْأُمَّةِ. (3)

1- .مسند أبي يعلى : ج 2 ص 17 ح 1047 ، كنز العمال : ج 3 ص 436 ح 7326 وراجع : مسند ابن حنبل : ج 10 ص 134 ح 26372 والمعجم الصغير : ج 2 ص 99 .

2- .مشكاة الأنوار : ص 263 ح 780 عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال : ص 239 ح 88 عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه وفيه «يرحمون الضعيف» بدل «يدعون للملأ» ، بحار الأنوار : ج 6 ص 20 ح 10 .

3- .غرر الحكم : ج 6 ص 239 ح 10122 .

13 / 4 بدترین های اُمّت

الف - حکمرانان ستمگر

مسند اُبی یعلیٰ به نقل از ابو سعید خُدری _ : با جمعی از مهاجران و انصار ، کنار خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که ایشان بیرون آمد و فرمود : «آیا شما را از بهترینان شما آگاه نسازم؟» . گفتند : چرا . فرمود : «بهترین های شما وفاداران [به پیمان ها] و مُطِیبان (1) هستند . خداوند ، گم نام پرهیزگار را دوست دارد» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اُمّت من ، چهار وظیفه دارند : توبه کار را دوست بدارند ؛ نیکوکار را یاری برسانند ؛ برای گنهکار آمرزش بطلبند ؛ و برای عموم ، دعا کنند .

13 / 4 بدترین های اُمّتالف _ حکمرانان ستمگرامام علی علیه السلام : حکمرانانِ ستمگر ، بدترین های اُمّت و دشمن امامان [هدایت] اند

1- .. مطِیبان : چند تیره از عرب بودند که پیش از اسلام، در خانه عبد الله بن جدعان جمع شدند و پیمان بستند که همواره از کعبه دفاع و از ستم دیده حمایت کنند، و عاتکه ، دختر عبد المطلب ، ظرف عطری آورد و آن عده ، دست های خود را به نشانه بیعت و هم پیمانی در آن فرو بردند . از این رو به مُطِیبان، موسوم شدند. این پیمان ، به «حلف الفضول» نیز معروف است و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در آن حضور و شرکت داشت. احتمال دارد مراد از مطِیبان ، کلیه کسانی باشند که در دفاع از ستم دیده و پایبندی به پیمان ها به روش آنها بروند

ب _ الْمُتَرَفِّعُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ (1) وَغُذُّوا بِهِ ، يَأْكُلُونَ طَيِّبَ الطَّعَامِ ، وَيَلْبَسُونَ لَيِّنَ الثِّيَابِ ، وَإِذَا تَكَلَّمُوا لَمْ يَصْدُقُوا. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : سَيَكُونُ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يُولَدُونَ فِي النَّعِيمِ وَيُغَذَّوْنَ بِهِ ، هِمَّتُهُمُ الْوَانُ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ ، وَيُمَدِّحُونَ بِالْقَوْلِ ، أُولَئِكَ شِرَارُ أُمَّتِي. (3)

عنه صلى الله عليه وآله : سَيَكُونُ رِجَالٌ مِنْ أُمَّتِي يَأْكُلُونَ الْوَانَ الطَّعَامِ ، وَيَشْرَبُونَ الْوَانَ الشَّرَابِ ، وَيَلْبَسُونَ الْوَانَ الثِّيَابِ ، يَتَشَدَّقُونَ (4) فِي الْكَلَامِ ، أُولَئِكَ شِرَارُ أُمَّتِي. (5)

عنه صلى الله عليه وآله : شِرَارُ أُمَّتِي قَوْمٌ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ وَغُذُّوا بِهِ ، يَأْكُلُونَ مِنَ الطَّعَامِ الْوَانَ ، وَيَلْبَسُونَ مِنَ الثِّيَابِ الْوَانَ ، وَيَرْكَبُونَ مِنَ الدَّوَابِّ الْوَانَ ، يَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ. (6)

عنه صلى الله عليه وآله : شِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ وُلِدُوا فِي النَّعِيمِ وَغُذُّوا بِهِ ، وَإِنَّمَا نَهَمَّتُهُمْ (7) الْوَانُ الطَّعَامِ وَالثِّيَابِ ، وَيَتَشَدَّقُونَ فِي الْكَلَامِ. (8)

- 1- في الطبعة المعتمدة من الكافي : «في النعم»، والصواب ما أثبتناه كما في النسخ المخطوطة منه والمصادر الأخرى .
- 2- الكافي : ج 4 ص 127 ح 4 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 141 ح 1978 كلاهما عن أبان بن تغلب عن الإمام الباقر عليه السلام ، وسائل الشيعة : ج 7 ص 125 ح 13149 ؛ الفردوس : ج 2 ص 369 ح 3648 عن ابن عباس وليس فيه ذيله من «وإذا تكلموا» ، كنز العمال : ج 3 ص 215 ح 6225 .
- 3- الأُمالي للطوسي : ص 538 ح 1162 ، مكارم الأخلاق : ج 2 ص 380 ح 2661 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 66 كلُّها عن أبي ذرٍّ ، بحار الأنوار : ج 77 ص 90 ح 3 .
- 4- المتشددون : المتوسِّعون في الكلام من غير احتياط واحتراز . وقيل : أراد بالمتشدد : المستهزئ بالناس يلوي شذقه بهم وعليهم (النهاية : ج 2 ص 453 «شدق»).
- 5- المعجم الأوسط : ج 3 ص 24 ح 2351 ، المعجم الكبير : ج 8 ص 107 ح 7512 و 7513 ، مسند الشاميين : ج 2 ص 342 ح 1458 ، حلية الأولياء : ج 6 ص 90 الرقم 342 كلُّها عن أبي أمامة ، كنز العمال : ج 3 ص 561 ح 7911 .
- 6- المستدرک علی الصحیحین : ج 3 ص 657 ح 6418 ، المعجم الأوسط : ج 7 ص 372 ح 7761 وليس فيه وسطه من «ويلبسون» إلى «ألوانا» الثالثة وكلاهما عن عبد الله بن جعفر ، شعب الإيمان : ج 5 ص 33 ح 5669 عن فاطمة عليها السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، كنز العمال : ج 3 ص 561 ح 7913 .
- 7- النَّهْمَةُ : بُلُوغُ الْهَمَّةِ فِي الشَّيْءِ (النهاية : ج 5 ص 138 «نهم»).
- 8- حلية الأولياء : ج 6 ص 120 الرقم 359 ، المصنّف لعبد الرزّاق : ج 2 ص 566 ح 4481 نحوه وكلاهما عن عروة بن رويم ، كنز العمال : ج 16 ص 110 ح 44083 .

ب - نازپروردگان

ب _ نازپروردگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین افراد اُمّت من، کسانی هستند که در ناز و نعمت، زاده و پرورده شده اند، خوراك های لذیذ می خورند، جامه های نرم می پوشند و هر گاه سخن بگویند، راست نمی گویند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی، مردمانی از اُمّت من خواهند آمد که در ناز و نعمت به دنیا می آیند و در ناز و نعمت، پرورده می شوند، هم و غمّشان خوراك ها و نوشیدنی های رنگارنگ است و از آنان، مدح می شود. اینان، بدترین های اُمّت من هستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زودی، مردانی از اُمّت من خواهند آمد که غذاهای رنگارنگ می خورند و نوشیدنی های رنگارنگ می نوشند و جامه های رنگارنگ می پوشند و بی پروا، درازگویی می کنند. (1) اینان، بدترین های اُمّت من هستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین افراد اُمّت من، گروهی هستند که در ناز و نعمت، زاده و پرورده می شوند، خوراك های رنگارنگ می خورند و جامه های رنگارنگ می پوشند و مرکب های رنگارنگ، سوار می شوند و گزافه گویی می کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین های اُمّت من، کسانی هستند که در ناز و نعمت، زاده و پرورده می شوند، به خوراك ها و جامه های رنگارنگ، اشتهای سیری ناپذیر دارند و گزافه گویی می کنند.

1- .. تعبیر «التشّدق فی الکلام» _ که در متن عربی حدیث آمده _، به معنای: لاف زدن، گزافه گویی کردن، پُرچانگی کردن، متکلفانه سخن گفتن و لفظ پردازی کردن است.

راجع : هذه الموسوعة : ج 4 ص 366 (الأكل / الفصل الرابع / ذم أكل الألوان من الطعام) .

ج - الَّذِينَ يُكْرَمُونَ مَخَافَةَ اللَّهِ رَّهْمَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : أَلَا إِنَّ شِرَارَ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرَمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ ، أَلَا وَمَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ فَلَيْسَ مِنِّي . (1)

13 / 5 جَوَامِعُ صِفَاتِ شِرَارِ الْأُمَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : شِرَارُ أُمَّتِي الثَّرَاوُونَ (2) ، الْمُتَشَدِّقُونَ (3) ، الْمُتَفِيهِقُونَ (4) . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : شِرَارُ أُمَّتِي الْوَحْدَانِيُّ (6) الْمُعْجَبُ بِدِينِهِ ، الْمُرَانِي بِعَمَلِهِ ، الْمُخَاصِمُ بِحُجَّتِهِ . (7)

- 1- .الخصال : ص 14 ح 49 عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، تحف العقول : ص 58 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 279 ح 1 .
- 2- .الثرثرون : هم الذين يكثر الكلام تكلفاً وخروجاً عن الحق . والثرثرة : كثرة الكلام وترديده (النهاية : ج 1 ص 209 «ثرثر») .
- 3- .الأشداق : جوانب الفم . والمتشدقون : المتوسعون في الكلام من غير احتياط واحتراز ، وقيل : أراد بالمتشدق : المستهزئ بالناس يلوي شذقه بهم وعليهم (النهاية : ج 2 ص 453 «شدق») .
- 4- .المتفيهقون : هم الذين يتوسعون في الكلام ويفتحون به أفواههم (النهاية : ج 3 ص 482 «فهق») .
- 5- .الأدب المفرد : ص 378 ح 1308 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 301 ح 8830 نحوه وليس فيه «المتفيهقون» ، السنن الكبرى : ج 10 ص 326 ح 20800 وكلها عن أبي هريرة ، شعب الإيمان : ج 6 ص 234 ح 7988 عن ابن عباس وفيه «إن شراركم» بدل «شرار أمتي» ، كنز العمال : ج 3 ص 8 ح 5166 وراجع : سنن الترمذي : ج 4 ص 370 ح 2018 والمعجم الكبير : ج 22 ص 221 ح 588 .
- 6- .قال ابن الأثير : يريد بالوحداني : المفارق للجماعة ، المنفرد بنفسه ، وهو منسوب إلى الوحدة : الانفراد (النهاية : ج 5 ص 160 «وحد») .
- 7- .كنز العمال : ج 3 ص 515 ح 7675 نقلاً عن أبي الشيخ عن ثوبان .

ج - کسانی که از بیم گزندشان ، مورد احترام قرار می گیرند

13 / 5 مجموعه صفات بدترین های امت

ر . ك : همین دانش نامه : ج 4 ص 367 (غذا خوردن / فصل چهارم / نکوهش خوردن غذاهای متنوع) .

ج _ کسانی که از بیم گزندشان ، مورد احترام قرار می گیرند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدانید! بدترین افراد امت من ، کسانی هستند که از بیم گزندشان مورد احترام قرار می گیرند . بدانید! کسی که مردم از بیم گزندش به او احترام بگذارند ، از من نیست .

13 / 5 مجموعه صفات بدترین های امت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدترین افراد امت من ، آنان اند که پُرگوی گزافه گوی و رّاج اند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بدترین فرد امت من ، کسی است كه تك رو ، و به دیش مغرور ، و در کردارش ریاکار باشد و بر سر حرف خود ، با دیگران به ستیزه پردازد .

.

عنه صلى الله عليه وآله: شرارُ أُمّتي مَنْ يَلِي الْقَضَاءَ، إِنْ اشْتَبَهَ عَلَيْهِ لَمْ يُشَاوِرْ، وَإِنْ أَصَابَ بَطَرَ، وَإِنْ غَضِبَ عَنَّفَ (1)، وَكَاتِبُ الشُّوءِ كَالْعَامِلِ بِهِ. (2)

13 / 6 جزاء شرار الأمة مجمع البيان عن البراء بن عازب: كَانَ مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ جَالِسًا قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنْزِلِ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ، فَقَالَ مُعَاذُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» (3) الْآيَاتِ؟ فَقَالَ: يَا مُعَاذُ، سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمٍ مِنَ الْأَمْرِ! ثُمَّ أَرْسَلَ عَيْنِيهِ، ثُمَّ قَالَ: يُحْسِرُ عَشْرَةَ أَصْنَافٍ مِنْ أُمَّتِي أَشْتَاتًا، قَدْ مَيَّزَهُمُ اللَّهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَبَدَّلَ صُورَهُمْ، بَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْقِرَدَةِ، وَبَعْضُهُمْ عَلَى صُورَةِ الْخَنَازِيرِ، وَبَعْضُهُمْ مُنْكَسُونَ؛ أَرْجُلُهُمْ مِنْ فَوْقٍ، وَوُجُوهُهُمْ مِنْ تَحْتٍ، ثُمَّ يُسْحَبُونَ عَلَيْهَا، وَبَعْضُهُمْ عُمِي يَتَرَدَّدُونَ، وَبَعْضُهُمْ صُمٌّ بَكْمٌ لَا يَعْقِلُونَ، وَبَعْضُهُمْ يَمَضَغُونَ أَلْسِنَتَهُمْ، فَيَسِيلُ الْقَيْحُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ لُعَابًا يَتَقَدَّرُهُمْ أَهْلُ الْجَمْعِ، وَبَعْضُهُمْ مُقَطَّعَةُ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ، وَبَعْضُهُمْ مُصَلَّبُونَ عَلَى جُذُوعٍ مِنْ نَارٍ، وَبَعْضُهُمْ أَشَدُّ نَتْنَا (4) مِنَ الْجَيْفِ، وَبَعْضُهُمْ يَلْبَسُونَ جِبَابًا سَابِغَةً مِنْ قَطْرَانٍ (5)، لِأَرْقَةٍ بِجُلُودِهِمْ فَأَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورَةِ الْقِرَدَةِ فَالْقَتَاتُ مِنَ النَّاسِ، وَأَمَّا الَّذِينَ عَلَى صُورَةِ الْخَنَازِيرِ فَأَهْلُ السُّحْتِ، وَأَمَّا الْمُنْكَسُونَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ فَأَكَلَةُ الرِّبَا، وَالْعُمِيُّ الْجَائِرُونَ فِي الْحُكْمِ، وَالصُّمُّ الْبُكْمُ الْمُعْجَبُونَ بِأَعْمَالِهِمْ، وَالَّذِينَ يَمَضَغُونَ أَلْسِنَتَهُمْ فَالْعُلَمَاءُ وَالْقَضَاءُ الَّذِينَ خَالَفَتْ أَعْمَالُهُمْ أَقْوَالَهُمْ، وَالْمُقَطَّعَةُ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْجِيرَانَ، وَالْمُصَلَّبُونَ عَلَى جُذُوعٍ مِنْ نَارٍ فَالْشُّعَاءُ بِالنَّاسِ إِلَى السُّلْطَانِ، وَالَّذِينَ هُمْ أَشَدُّ نَتْنَا مِنَ الْجَيْفِ فَالَّذِينَ يَتَمَتَّعُونَ بِالشَّهَوَاتِ وَاللَّذَاتِ وَيَمْنَعُونَ حَقَّ اللَّهِ فِي أَمْوَالِهِمْ، وَالَّذِينَ يَلْبَسُونَ الْجِبَابَ فَأَهْلُ التَّجَبُّرِ وَالْخِيَلَاءِ. (6)

- 1- التَّعْنِيفُ: التَّوْبِيخُ وَالتَّنْزِيعُ وَاللُّومُ (النهاية: ج 3 ص 309 «عنف»).
- 2- الجامع الصغير: ج 2 ص 75 ح 4863، كنز العمال: ج 6 ص 93 ح 14990 كلاهما نقلًا عن الديلمي عن أبي هريرة.
- 3- النبأ: 18.
- 4- النَّتْنُ: الرائحة الكريهة (الصحيح: ج 6 ص 2210 «نتن»).
- 5- الْقَطْرَانُ: هُوَ مَا يُتَحَلَّبُ مِنْ شَجَرِ الْأَبْهَلِ، فَيَطْبَخُ فِيهِنَّأُ بِهِ الْإِبِلُ الْجَرَبِيُّ فَيَحْرِقُ الْجَرَبَ بِحِدَّتِهِ، وَهُوَ أَسْوَدُ مَتْنٍ يَشْتَعِلُ فِيهِ النَّارُ بِسُرْعَةٍ، يُطْلَى بِهَا جُلُودُ أَهْلِ النَّارِ حَتَّى يَكُونَ طَلَاءٌ لَهُمْ كَالْقَمِيصِ. وَالْقَطْرُ: النُّحَاسُ أَوْ الصُّفْرُ الْمَذَابُ (بحار الأنوار: ج 6 ص 175).
- 6- مجمع البيان: ج 10 ص 642، بحار الأنوار: ج 7 ص 89.

13 / 6 سزای بدترین های اَمّت

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین فرد اَمّت من ، کسی است که عهده دار منصب قضا شود و اگر امر بر او مشتبه شود ، مشورت نمی کند و اگر حکمی درست دهد ، مغرور می شود و اگر در خشم آید ، خشونت می ورزد . و نویسنده بدی ، همانند عمل کننده به آن است .

13 / 6 سزای بدترین های اَمّت جمع البیان_ به نقل از براء بن عازب _ : مُعَاذُ بْنُ جَبَل ، در خانه ابو ایوب انصاری ، کنار پیامبر خدا نشسته بود . معاذ گفت : ای پیامبر خدا ! این فرموده خداوند متعال : «روزی که در صور دمیده شود، و گروه گروه بیایید» و بقیّه آیات به چه معناست؟ فرمود : «ای مُعَاذُ ! از موضوع بزرگی پرسیدی» . سپس اشك ریخت و آن گاه فرمود : «ده گروه از اَمّت من ، جداگانه ، در حالی که خداوند ، آنان را از مسلمانان جدا کرده و شکلشان را تغییر داده است ، محشور می شوند : برخی به شکل بوزینه اند ؛ برخی به شکل خوک اند ؛ برخی سرنگون اند ، در حالی که پاهایشان به طرف بالا و صورت هایشان به زیر است و کِشَانِ کِشَانِ بُرده می شوند ؛ برخی کور و در تردید (در حال آمد و شد) هستند ؛ برخی گر و لال و فاقد عقل اند ؛ برخی زبان هایشان را می جَوَند و از دهانشان چرکابه ای سرازیر است که اهل محشر از دیدن آن ، حالشان به هم می خورَد ؛ برخی دست و پایشان بُریده است ؛ برخی به شاخه هایی آتشین ، به دار آویخته شده اند ؛ برخی بدبوتر از مُردارند ؛ و برخی جُبّه هایی به تن دارند که بلند و مِسی و چسبیده به پوست بدن آنان است . امّا آنان که به شکل بوزینه اند سخن چینان اند . آنها که به شکل خوک هاینند ، حرام خواران اند . سرنگونان ، رباخواران هستند . کوران ، جفا کنندگان در حکم اند . کران و لالان ، مغروران به اعمالشان اند . آنان که زبانشان را می جوند ، عالمان و قاضیانی هستند که گفتارشان با کردارشان یکی نیست . دست و پا بریدگان ، همسایه آزاران اند . به دار آویختگان بر شاخه های آتشین ، سعایت کنندگان از مردم در نزد پادشاه اند . بدبوتر از مردار ، شهوترانان و لذّت طلبان اند ، و کسانی که حقوق خدا را از اموالشان نمی پردازند . و جُبّه پوشان ، اهل تکبّر و نخوت اند» .

الفصل الرابع عشر : من سمي بالأمة في الكتاب والسنة 14 / 1 إبراهيم الكتاب «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : ما من عبد يشهد له أمة إلا قبل الله شهادتهم ، والأمة الرجل فما فوقه ، إن الله يقول : «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» . (2)

الإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى : «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا» _ وذلك أنه كان على دين لم يكن عليه أحد غيره ، فكان أمة واحدة ، وإنما قال : «قانتا» فالمطيع ، وأما «الحنيف» فالمسلم . (3)

1- النحل : 120 و 121 .

2- الدر المنثور : ج 5 ص 176 نقلاً عن ابن مردويه عن أنس .

3- تفسير القمي : ج 1 ص 392 عن أبي الجارود .

فصل چهاردهم: آنان که در قرآن و حدیث، «امت» خوانده شده اند

14 / 1 ابراهیم علیه السلام

فصل چهاردهم: آنان که در قرآن و حدیث، «امت» خوانده شده اند 14 / 1 ابراهیم قرآن «به راستی، ابراهیم، امتی مطیع خدا و حق گرا بود و از مشرکان نبود. [و] نعمت های او را شکرگزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست، هدایتش کرد».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که امتی به نفع او گواهی دهند، مگر آن که خداوند، گواهی آنان را می پذیرد. امت، يك مرد به بالاست. خداوند می فرماید: «ابراهیم، امتی مطیع خدا و حق گرا بود و از مشرکان نبود».

امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «به راستی، ابراهیم، امتی (پیشوایی) مطیع خدا و حق گرا بود» _ و این [امت بودن او] از آن جهت است که وی، بر دینی بود که هیچ کس جز او بر آن دین نبود. پس امتی یگانه بود. «قائلاً» یعنی فرمان بردار و «حنیفا»، یعنی مسلمان [و تسلیم].

الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا» _ سَمَاءُ اللَّهِ أُمَّةً. (1)

الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام في قوله عز وجل: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا» _ شَيْءٌ فَضَّلَهُ (2) اللَّهُ بِهِ. (3)

الكافي عن سماعة بن مهران: قَالَ لِي عَبْدُ صَالِحٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: يَا سَمَاعَةَ، أَمِنُوا عَلَى فُرُشِهِمْ وَأَخَافُونِي، أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَتْ الدُّنْيَا، وَمَا فِيهَا إِلَّا وَاحِدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ، وَلَوْ كَانَ مَعَهُ غَيْرُهُ لَأَضَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ، حَيْثُ يَقُولُ: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» فَغَبَرَ (4) بِذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ، ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ أَنَسَهُ بِإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ فَصَارُوا ثَلَاثَةً. أَمَا وَاللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَقَلِيلٌ وَإِنَّ أَهْلَ الْكُفْرِ لَكَثِيرٌ، أَتَدْرِي لِمَ ذَاكَ؟ فَقُلْتُ: لَا أَدْرِي جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: صَبَرُوا أَنَسَا لِلْمُؤْمِنِينَ، يَبْتَغُونَ إِلَيْهِمْ مَا فِي صُدُورِهِمْ، فَيَسْتَرِيحُونَ إِلَى ذَلِكَ وَيَسْكُنُونَ إِلَيْهِ. (5)

الكافي عن مسعدة بن صدقة: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ، وَسُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوَاجِبٌ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا؟ فَقَالَ: لَا. فَقِيلَ لَهُ: وَلِمَ؟ قَالَ: إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ، الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ، لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ، يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ، وَالِدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَوْلُهُ: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (6) فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ. كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (7)، وَلَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُوسَى، وَلَا عَلَى كُلِّ قَوْمٍ، وَهُمْ يَوْمَئِذٍ أُمَّةٌ مُخْتَلِفَةٌ، وَالْأُمَّةُ وَاحِدٌ (8) فَصَاعِدًا، كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» (9)، يَقُولُ: مُطِيعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. (10)

- 1- تفسير العياشي: ج 2 ص 274 ح 82 عن أبي بصير، تفسير القمي: ج 1 ص 323 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 51 ص 44 ح 1.
- 2- في المصدر: «فضّل»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 3- تفسير العياشي: ج 2 ص 274 ح 81 عن زرارة وحرمان ومحمد بن مسلم، بحار الأنوار: ج 12 ص 12 ح 33.
- 4- غَبَرَ: مَكَتَ (المصباح المنير: ص 442 «غبر»).
- 5- الكافي: ج 2 ص 243 ح 5، تفسير العياشي: ج 2 ص 274 ح 84 وفيه «فصبر» بدل «غبر» وليس فيه ذيله من «أما والله إن المؤمن»، بحار الأنوار: ج 67 ص 162 ح 7.
- 6- آل عمران: 104.
- 7- الأعراف: 159.
- 8- في المصدر: «واحدة»، والصواب ما أثبتناه كما في جميع المصادر.
- 9- النحل: 120.
- 10- الكافي: ج 5 ص 59 ح 16، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 177 ح 360، مشكاة الأنوار: ص 103 ح 236، بحار الأنوار: ج 100 ص 93 ح 92.

امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند متعال: «به راستی، ابراهیم، اُمّتی مطیع خدا و حق گرا بود» _ خدا او را [به تنهایی] يك اُمّت نامید.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام در باره این سخن خدا عز و جل: «ابراهیم، اُمّتی مطیع خدا و حق گرا بود» _ این، امتیازی است که خداوند به او بخشید.

الكافی_ به نقل از سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ _ بنده صالح (امام کاظم علیه السلام) به من فرمود: «ای سَمَاعَةُ! آنان (مَدْعِیان تشیع و دوستی ائمّه) خود در بسترهایشان آسودند و [به سبب افشای اسرار و تركِ تَقِيّه] مرا به هراس افکندند. هان! به خدا سوگند، زمانی بود که در دنیا جز يك تن، کسی خدا را نمی پرستید، که اگر کس دیگری هم می بود، خداوند عز و جل او را نیز اضافه می کرد، آن جا که می فرماید: «به راستی، ابراهیم، اُمّتی مطیع خدا و حق گرا بود و از مشرکان نبود». روزگاری بدین منوال گذشت. سپس خداوند، اسماعیل و اسحاق را همدم او قرار داد و سه تن شدند. به خدا سوگند که مؤمن، اندك است و پیروان کفر، بسیارند. می دانی چرا چنین است؟». گفتم: نمی دانم، قربانت گردم! فرمود: «آنان (مَدْعِیان تشیع)، همدم مؤمنان قرار داده شدند تا مؤمنان، با آنان درد دل کنند و بدین وسیله، آسوده شوند و آرام گیرند».

الكافی_ به نقل از مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَه _ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که: آیا امر به معروف و نهی از منکر، بر همه اُمّت، واجب است؟ فرمود: «خیر». گفته شد: چرا؟ فرمود: «چون این کار بر کسی واجب است که قدرت داشته باشد و از او اطاعت شود و معروف را از منکر، باز شناسد، نه بر شخص ناتوانی که راه را از بیراهه، باز نمی شناسد و نمی داند از چه به چه فرا بخواند. _ می فرماید: حق را از باطل _ (1) دلیل بر این، کتاب خداوند عز و جلاست که می فرماید: «و باید از شما، اُمّتی (گروهی) باشند که به نیکی دعوت کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند». پس این [دستور]، خاص است، نه عام [و متوجه عموم مردم]. همچنین می فرماید: «و از میان قوم موسی، جماعتی هستند که به حق، راه نمایی می کنند و به حق، داوری می نمایند». نفرمود: بر اُمّت موسی، یا بر همه قوم او، که در آن روز، اُمّت های گوناگونی بودند. اُمّت، از يك نفر به بالا _ را شامل می شود، چنان که خداوند عز و جل فرموده است: «به راستی، ابراهیم، اُمّتی قانت برای خدا بود»؛ یعنی مطیع در برابر خدا».

1- .. ظاهراً این جمله از راوی است (ر.ک: الكافی: ج 5 ص 59 ح 16). در بحار الأنوار (ج 100 ص 93 ح 92) آمده است: «به حق یا به باطل؟».

دعائم الإسلام عن الإمام الصادق عليه السلام - لِسَائِلٍ ، فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ » _ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنَى جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ أَنَّهُمْ خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ، لَمْ يُعْرِفِ النَّاسُ الَّذِينَ أُخْرِجَ إِلَيْهِمْ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ مَنْ هُمْ ! كَلَّا ، لَنْ يَعْنِيَ اللَّهُ الَّذِينَ تَنْظُنُونَ مِنْ هَمَجٍ (1) هَذَا الْخَلْقِ ، وَلَكِنْ عَنَى اللَّهُ الْأُمَّةَ الَّتِي بَعَثَ فِيهَا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . قَالَ السَّائِلُ : فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ إِلَّا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَدَهُ ! فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ مَعَ عَلِيٍّ فَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَهُمْ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا ، وَأَصْحَابُ الْكِسَاءِ هُمْ الَّذِينَ (2) شَهِدَ لَهُمُ الْكِتَابُ بِالتَّطْهِيرِ . وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَدَهُ أُمَّةً ؛ لِأَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ : « إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَذَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا » فَكَانَ إِبْرَاهِيمُ وَحَدَهُ أُمَّةً ثُمَّ رَفَدَهُ (3) بَعْدَ كِبَرِهِ بِإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ، وَجَعَلَ فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ ، وَكَذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ وَحَدَهُ أُمَّةً ثُمَّ رَفَدَهُ بِعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ ، وَكَثَّرَهُ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ ، كَمَا كَثَّرَ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ ، وَجَعَلَ الْإِمَامَةَ الَّتِي هِيَ خَلْفُ النَّبُوَّةِ فِي ذُرِّيَّتِهِ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، كَمَا جَعَلَ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّةِ إِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، ثُمَّ خَتَمَهَا بِذُرِّيَّةِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامَ ، وَكَذَلِكَ كَانَتْ الْإِمَامَةُ فِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِسَبْقِهِ. (4)

1- .الْهَمَجُ : يُقَالُ لِلرَّعَاعِ مِنَ النَّاسِ الْحَمَقَى : إِنَّمَا هُمْ هَمَجٌ (الصَّحَاحُ : ج 1 ص 351 «هَمَج»).

2- .كَذَا ، وَلَعَلَّ الصَّوَابَ : «وَهُمْ أَصْحَابُ الْكِسَاءِ الَّذِينَ ...» .

3- .الرَّفْدُ : الْعَطَاءُ وَالصَّلَاةُ ، تَقُولُ : رَفَدْتُهُ أَرْفُدُهُ : إِذَا أُعْطِيَتْهُ (الصَّحَاحُ : ج 2 ص 475 «رَفْد»).

4- .دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ : ج 1 ص 35 .

دعائم الإسلام: امام صادق علیه السلام به پرسنده ای در باره این سخن خدای متعال: «شما بهترین امتی هستید که در میان مردم، پدیدار شده اید»، فرمود: «اگر مقصود خداوند عز و جل [از]: «شما بهترین امتی هستید که ...» [همه مسلمانان بود که بهترین امتی هستید که در میان مردم، پدید آورده شده اند، آن وقت، معلوم نبود آن مردمی که همه مسلمانان در میان آنان پدید آورده شده اند، چه کسانی هستند. خیر! هرگز مقصود خداوند، توده عوام - که شما می پندارید - نیست؛ بلکه مقصود خداوند، امتی است که محمد صلی الله علیه و آله را در میان آنان برانگیخت». پرسنده گفت: [در آن زمان] با ایشان، کسی جز علی تنها نبود. امام صادق علیه السلام فرمود: «فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نیز با علی علیه السلام بودند. اینان، همان کسانی هستند که خداوند، پلیدی را از ایشان زدود و پاکشان نمود. اصحاب کسا، آن کسانی هستند که قرآن به پاک گردیدن آنان، گواهی داده است. پیامبر خدا، به تنهایی، يك امت بود؛ چرا که خداوند سبحان می فرماید: «به راستی، ابراهیم، امتی مطیع خدا و حق گرا بود». پس ابراهیم علیه السلام به تنهایی يك امت بود. سپس خداوند، در بزرگ سالی اش به او اسماعیل علیه السلام و اسحاق علیه السلام را بخشید و پیامبری و کتاب را در نسل آن دو قرار داد. پیامبر خدا نیز به تنهایی يك امت بود. سپس خداوند، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام را به او بخشید و به واسطه حسن علیه السلام و حسین علیه السلام [نسل] او را فزونی داد، چنان که ابراهیم را به واسطه اسماعیل و اسحاق افزون ساخت و امامت را - که جانشین نبوت است -، در ذریه او از نسل حسین بن علی نهاد، چنان که نبوت را در ذریه اسحاق نهاد و آن را با ذریه اسماعیل، پایان داد و خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله را از نسل اسماعیل، قرار داد. همچنین، امامت در حسن بن علی قرار گرفت، چون جلوتر بود».

الدرّ المنشور عن ابن عباس - في قوله تعالى : «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ» - : كَانَ عَلَى الْإِسْلَامِ ، وَلَمْ يَكُنْ فِي زَمَانِهِ مِنْ قَوْمِهِ أَحَدٌ عَلَى الْإِسْلَامِ غَيْرُهُ ، فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ : «كَانَ أُمَّةً قَانِتًا» . (1)

14 / 2 الإمام عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي غَزْوَةِ تَبُوكَ - : يَا أَبَا الْحَسَنِ . . . إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَكَ أُمَّةً وَحَدَكَ ، كَمَا جَعَلَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً ، تَمْنَعُ جَمَاعَةَ الْمُنافِقِينَ وَالْكَفَّارِ هَيْبَتَكَ عَنِ الْحَرَكَةِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ . (2)

1- .الدرّ المنشور : ج 5 ص 176 نقلاً عن ابن أبي حاتم .

2- .التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام : ص 485 ح 309 ، بحار الأنوار : ج 21 ص 260 ح 7 .

14 / 2 امام علی علیه السلام

الدرّ المنثور_ به نقل از ابن عباس ، در باره این سخن خداوند متعال : «به راستی ، ابراهیم، امتی مطیع خدا و حق گرا بود» _ : او بر دین اسلام بود و در آن زمان ، از قوم او کسی جز او بر دین اسلام نبود . لذا خداوند فرمود : «به راستی ، ابراهیم، امتی مطیع خدا و حق گرا بود» .

14 / 2 امام علی علیه السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به علی علیه السلام در جنگ تبوک _ : ای ابو الحسن! ... خداوند ، تو را به تنهایی يك امت قرار داده ، چنان که ابراهیم علیه السلام را يك امت قرار داد و هیبت تو ، گروه منافقان و کافران را از حرکت [واقداً] بر ضدّ مسلمانان ، باز می دارد.

14 / 3 قُسْ بَنْ سَاعِدَةَ (1) رسول الله صلى الله عليه وآله : رَحِمَ اللَّهُ قُسًا ، يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحْدَهُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله : يَرَحِمُ اللَّهُ قُسَ بْنَ سَاعِدَةَ ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحْدَهُ. (3)

الأمالي للمفيد عن ابن عباس : لَمَّا قَدِمَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَدَّ إِيَادٍ ، قَالَ لَهُمْ : مَا فَعَلَ قُسْ بَنْ سَاعِدَةَ ؟ قَالُوا : مَاتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ . فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : رَحِمَ اللَّهُ قُسَ بْنَ سَاعِدَةَ ، كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بِسَوْقٍ عُكَازٍ عَلَى جَمَلٍ أَوْزَقٍ (4) ، وَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِكَلَامٍ عَلَيْهِ حَلَاوَةٌ مَا أَجِدُنِي أَحْفَظُهُ . فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ : أَذَا أَحْفَظُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ، سَمِعْتُهُ وَهُوَ يَقُولُ بِسَوْقٍ عُكَازٍ : أَيُّهَا النَّاسُ ! إِسْمَعُوا ، وَعُوا ، وَاحْفَظُوا : مَنْ عَاشَ مَاتَ ، وَمَنْ مَاتَ فَاتَ ، وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ آتٍ ، لَيْلٌ دَاجٍ (5) ، وَسَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ ، وَبِحَارٌ تَرْجَرُ (6) ، وَنُجُومٌ تَزْهَرُ ، وَمَطَرٌ وَنَبَاتٌ ، وَأَبَاءٌ وَأُمَّهَاتٌ ، وَذَاهِبٌ وَآتٍ ، وَضَوْءٌ وَظِلَامٌ ، وَبِرٌّ وَآثَامٌ ، وَلِبَاسٌ وَرِيَاشٌ ، وَمَرْكَبٌ ، وَمَطْعَمٌ وَمَشْرَبٌ . إِنَّ فِي السَّمَاءِ لَخَبْرًا ، وَإِنَّ فِي الْأَرْضِ لَعِبْرًا ! مَا لِي أَرَى النَّاسَ يَذْهَبُونَ وَلَا يَرْجِعُونَ ؟! أَرْضُوا بِالْمَقَامِ هُنَاكَ فَاقَامُوا ، أَمْ تَرَكُوا فَنَامُوا ؟ يُقْسِمُ بِاللَّهِ قُسْ بَنْ سَاعِدَةَ قَسَمًا بَرًّا لَا- إِنَّمِ فِيهِ ، مَا لِلَّهِ عَلَى الْأَرْضِ دِينٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ دِينٍ قَدْ أَضَلَّكُمْ زَمَانُهُ ، وَأَدْرَكَكُمْ أَوَانُهُ ، طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ صَاحِبَهُ فَتَابَعَهُ ، وَوَيْلٌ لِمَنْ أَدْرَكَهُ فَفَارَقَهُ . ثُمَّ أُنْشِدَ يَقُولُ : فِي الدَّاهِبِينَ الْأَوَّلِينَ- مِنَ الْقُرُونِ لَنَا بَصَائِرٌ لَمَّا رَأَيْتُ مَوَارِدَ الْإِلْمِ وَتِ لَيْسَ لَهَا مَصَادِرُ وَرَأَيْتُ قَوْمِي نَحَوَهَا تَمَضِي الْأَصَاغِرُ وَالْأَكْبَرُ لَا يَرْجِعُ الْمَاضِي إِلَيْكَ وَلَا مِنَ الْمَاضِينَ غَابِرٌ أَيْقَنْتُ أَنِّي لَا مُحَالَةَ حَيْثُ صَارَ الْقَوْمُ صَائِرٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : يَرَحِمُ اللَّهُ قُسَ بْنَ سَاعِدَةَ ، إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحْدَهُ. (7)

- 1- قُسْ بَنْ سَاعِدَةَ الْإِيَادِي ، مِنْ إِيَادِ بْنِ أَدِ بْنِ مَعَدٍ ، وَكَانَ حَكِيمَ الْعَرَبِ ، وَكَانَ مَقْرًا بِالْبَعْثِ ، وَهُوَ الَّذِي قَالَ : مَنْ عَاشَ مَاتَ ، وَمَنْ مَاتَ فَاتَ ، وَكُلُّ مَا هُوَ آتٍ آتٍ ، وَقَدْ ضَرَبَ الْعَرَبُ بِحِكْمَتِهِ وَعَقْلِهِ الْأَمْثَالَ (مروج الذهب : ج 1 ص 69) .
- 2- كَمَالُ الدِّينِ : ص 167 ح 22 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، كَنْزُ الْفَوَائِدِ : ج 2 ص 136 ، الْخُرَانِجُ وَالْجَرَائِحُ : ج 3 ص 1082 ح 14 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 15 ص 184 ح 8 ؛ السَّيْرَةُ النَّبَوِيَّةُ لِابْنِ كَثِيرٍ : ج 1 ص 150 وَفِيهِ «سَبْعَةٌ» بَدَلُ «يَحْشُرُ» .
- 3- الْأَمْالِيُّ لِلْمُفِيدِ : ص 342 ح 7 عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 15 ص 228 ح 51 .
- 4- أَوْزَقٌ : أَسْمَرُ (النهاية : ج 5 ص 175 «ورق») .
- 5- دَجَا اللَّيْلُ : إِذَا تَمَّتْ ظِلْمَتُهُ وَأَلْبَسَ كُلَّ شَيْءٍ (النهاية : ج 2 ص 102 «دجا») .
- 6- تَرْجَرَجَ الشَّيْءُ : أَيِ جَاءَ وَذَهَبَ ، وَالرَّجْرَجَةُ : الْإِضْطِرَابُ (الصَّحَاحُ : ج 1 ص 317 «رجج») .
- 7- الْأَمْالِيُّ لِلْمُفِيدِ : ص 341 ح 7 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 15 ص 228 ح 51 ؛ مَرْوَجُ الذَّهَبِ : ج 1 ص 69 نَحْوَهُ .

14 / 3 قُس بن ساعده

14 / 3 قُس بن ساعده (1) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا رحمت کند قُس را ! او در روز رستاخیز ، به تنهایی به صورت يك اَمّت ، محشور می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدا رحمت کند قُس بن ساعده را ! من امید دارم که او در روز رستاخیز ، به تنهایی به صورت يك اَمّت بیاید .

الأمالی ، مفید_ به نقل از ابن عَبّاس _ : زمانی که هیئت نمایندگی بنی ایاد به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند ، به آنان فرمود : « از قُس بن ساعده ، چه خبر ؟ » . گفتند : او از دنیا رفته است ، ای پیامبر خدا ! پیامبر خدا فرمود : « خدا رحمت کند قُس بن ساعده را ! گویا هم اینک ، او را می بینم که در بازار عُكاظ بر شتری خاکستری سوار است و سخنی شیرین بر زبان می راند که اکنون ، آن را از حفظ ندارم » . مردی از میان جمع گفت : من از حفظ دارم ، ای پیامبر خدا ! در بازار عُكاظ از او شنیدم که می گفت : ای مردم ! بشنوید و فرا گیرید و حفظ کنید : هر که زیست ، مُرد و هر که مُرد ، رفت و هر آنچه آمدنی است ، می آید . شبی تار ، و آسمانی دارای برج ها ، و دریاهایی مَواج ، و اخترانی تابناک ، و بارانی و گیاهی ، و پدرانی و مادرانی ، و رونده ای و آینده ای ، و روشنایی و تاریکی ای ، و نیکی ای و گناهای ، و جامه ای و زیوری ، و مَرکوبی و خوردنی ای و نوشیدنی ای ! [این همه ، حاکی از آن است که] در آسمان ، خبری است و در زمین ، مایه های عبرت ! چرا مردمان را می بینم که می روند و باز نمی گردند ؟ آیا به ماندن در آن جا دل خوش کرده اند و از این رو مانده اند ، یا رها شده اند و خفته اند ؟ قُس بن ساعده ، به خداوند ، سوگندی پاک و بی آلایش می خورد که بر روی زمین ، نزد خداوند ، دینی محبوب تر از دینی نیست که زمان آن ، فرا رسیده و دورانش به شما نزدیک شده است . خوشا به حال آن کس که صاحب آن دین را درك کند و پیروی اش نماید و بدا به حال آن کس که او را درك کند و از وی جدایی گزیند ! سپس این ابیات را خواند : در آنان که رفتند از نسل های نخستین ، برای ما عبرت ها و بینش هاست . چون دیدم برای مرگ ، آبشخورهایی است که هر که به آنها در آمد ، باز نیامد . و چون دیدم قوم خود را سوی آنها همی روند از خُرد و کُلان . آن که رفت ، سوی تو باز نیامد و از گذشتگان ، کسی ننماید . یقین کردم که لاجَرَم ، من نیز آن جا روم که قوم رفتند . آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : « خدا رحمت کند قُس بن ساعده را ! من امیدوارم که او در روز رستاخیز ، به تنهایی به صورت يك اَمّت وارد شود » .

1- .. قُس بن ساعده ایادی ، از نسل ایاد بن اَدّ بن مَعَد ، و از فرزندگان عرب بود و به رستاخیز ، باور داشت . عرب ها به فرزاندگی و خردمندی او مَثَل ها زده اند .

14 / 4 زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ (1) كمال الدين عن محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله [بن] (2) الحصين التميمي: كمال الدين عن محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله [بن] (3) الحصين التميمي: إِنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ وَسَعِيدَ بْنَ زَيْدٍ قَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ائْتَسْتَغْفِرُ لَزَيْدٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَاسْتَغْفِرُوا لَهُ، فَإِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحْدَهُ. 4

-
- 1- زيد بن عمرو بن نفيل، وهو ابن عم عمر بن الخطاب، وكان زيد يرغب عن عبادة الأصنام وعابها، فأولع به عمه الخطاب سفهاء مكة وسلطهم عليه فأذوه، فسكن كهفا بحراء، وكان يدخل مكة سرا، وسار إلى الشام يبحث عن الدين (مروج الذهب: ج 1 ص 70).
 - 2- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
 - 3- كمال الدين: ص 200 ح 42 و ح 43 نحوه، بحار الأنوار: ج 15 ص 205 ح 22؛ مسند ابن حنبل: ج 1 ص 401 ح 1648، المعجم الكبير: ج 1 ص 152 ح 350 كلاهما عن سعيد بن زيد بن عمرو بن نفيل نحوه، المستدرک على الصحيحين: ج 3 ص 497 ح 5856، تاريخ دمشق: ج 19 ص 511 ح 4568.

14 / 4 زید بن عمرو بن نُفیل

14 / 4 زید بن عمرو بن نُفیل (1) کمال الدین_ به نقل از عبد الرحمان بن عبد الله [بن] حُصَین تمیمی _ : عمر بن خطاب و سعید بن زید گفتند : ای پیامبر خدا ! آیا برای زید بن عمرو ، طلب آمرزش کنیم؟ فرمود : «آری . برایش طلب آمرزش کنید . او در روز رستاخیز ، به تنهایی به صورت يك اُمّت ، برانگیخته می شود» .

1- .. زید بن عمرو بن نُفیل ، پسر عموی عمر بن خطاب است . او از بت پرستی روی گردان بود و از بت ها بد می گفت . عمویش خطاب ، نابخردان مکه را علیه زید برانگیخت و آنان را به جان او انداخت و به آزار و اذیت وی پرداختند . پس زید در غاری در کوه حراء پناه گرفت و پنهانی به مکه می آمد . او در جستجوی دین به شام رفت.

كمال الدين عن محمد بن إسحاق بن يسار المدني: كان زيد بن عمرو بن نفيل أجمع على الخروج من مكة يضرب في الأرض ويطلب الحنيفية - دين إبراهيم عليه السلام - وكانت امرأته صفيّة بنت الحضرمي كلما أبصرته قد نهض إلى الخروج وأرادته، أذنت به الخطاب بن نفيل. فخرج زيد إلى الشام يلتزم ويطلب في أهل الكتاب الأول دين إبراهيم عليه السلام ويسأل عنه، فلم يزل في ذلك فيما يزعمون حتى أتى الموصل والجزيرة كلها، ثم أقبل حتى أتى الشام فجال فيها حتى أتى راهبا بميعة (1) من أرض البلقاء (2)، كان ينتهي إليه علم النصرانية فيما يزعمون، فسأله عن الحنيفية دين إبراهيم عليه السلام، فقال له الراهب: إنك لتسأل عن دين ما أنت بواجب له الآن من يحملك عليه اليوم، لقد درس (3) علمه وذهب من كان يعرفه، ولكنه قد أظلك خروج نبي يبعث بأرضك التي خرجت منها بدين إبراهيم الحنيفية، فعليك ببلادك فإنه مبعوث الآن، هذا زمانه. ولقد كان سيم اليهودية والنصرانية، فلم يرض شيئا منهما. فخرج مسرعا - حين قال له الراهب ما قال - يريد مكة، حتى إذا كان بأرض لخم (4) عدوا عليه فقتلوه، فقال ورقة بن نوفل - وقد كان اتبع مثل أثر زيد، ولم يفعل في ذلك ما فعل، فبكاه ورقة وقال فيه - : رثت وأنعمت ابن عمرو وإمتاجتبت تنورا من النار حاميا يدينك ربنا ليس رب كمثل هوترك أوثان الطواغي كما هيا وقد تدرى الإنسان رحمة ربهم لو كان تحت الأرض ستين واديا (5)

- 1- الميعة: المكان المشرف. واليفاع: هو التل المشرف (لسان العرب: ج 8 ص 414 «يفع»).
- 2- البلقاء: كورة من أعمال دمشق بين الشام ووادي القرى، قصبتها عمان وفيها قرى كثيرة ومزارع واسعة (معجم البلدان: ج 1 ص 489).
- 3- درس: عفا وخفيت آثاره (المصباح المنير: ص 192 «درس»).
- 4- لخم: أو المناذرة، من قبائل العرب، أسسوا الدولة اللخمية في الحيرة - العراق - (المنجد في الأعلام: ص 612 «لخم»).
- 5- كمال الدين: ص 199 ح 41، بحار الأنوار: ج 15 ص 204 ح 20؛ السيرة النبوية لابن هشام: ج 1 ص 246، السيرة النبوية لابن كثير: ج 1 ص 155، تاريخ دمشق: ج 19 ص 497 كلها نحوه.

کمال الدین به نقل از محمد بن اسحاق بن یسار مدنی: زید بن عمرو بن نفیل، تصمیم گرفت از مکه خارج شود و در جستجوی دین حنیف، دین ابراهیم علیه السلام، به سیر و سفر پردازد. همسر او صفیه، دختر حَضَرَمی، که دید وی آهنگ خارج شدن از مکه را دارد، موضوع را به اطلاع خطاب بن نفیل رسانید. زید، ره سپار شام شد و در میان اهل کتاب نخستین، جویای دین ابراهیم علیه السلام شد و سراغ آن را گرفت. می گویند که پیوسته در طلب آن بود تا به موصل و جزیره رسید. سپس به شام رفت و در آن جا گشت تا بر فراز تلی از سرزمین بَلقاء، (1) به راهبی برخورد. آن گونه که می گویند، مسیحیت شناسی به او منتهی می شد. زید در باره دین حنیف، دین ابراهیم علیه السلام از او پرسید. راهب گفت: تواز دینی سراغ می گیری که اکنون، کسی را نمی یابی تا تو را به آن راه نمایی کند. علم آن کهنه شده و کسانی که آن را بشناسند، از میان رفته اند؛ اما زمان ظهور پیامبری بر تو فرا رسیده که در همان سرزمینی مبعوث خواهد شد که در جستجوی دین حنیف ابراهیم از آن خارج گشته ای. پس به دیارت باز گرد که او اکنون، مبعوث شده است. اینک، زمان اوست. زید که از دین یهود و نصرانی بیزار شده بود و چیزی از این دو دین را نمی پسندید، با شنیدن سخن راهب، سراسیمه ره سپار مکه شد و چون به دیار لَحْم رسید، لَحْمیان بر او هجوم آوردند و او را کُشتند. ورقه بن نوفل، که او نیز همانند زید، در جستجوی دین حنیف بود؛ اما کاری را که زید کرد (سفر به اطراف و اکناف در جستجوی دین)، او نکرد. بر او گریست و این ابیات را گفت: بر راه راست رفتی و چه خوش رفتی، ای پسر عمرو! تواز تنوری آتشین و سوزان، دوری گزیدی؛ با پرستش پروردگاری که پروردگاری چون او نیست و فرو نهادن بت های دروغین. آدمی به رحمت پروردگار خویش می رسد اگرچه شصت وادی در زیرزمین باشد.

1-.. بَلقاء: منطقه ای است از توابع شام، بین دمشق و وادی القری. مرکز آن، اَمّان است و روستاهای بسیار و کشتزارهای وسیع دارد.

أُسد الغابة_ في ترجمة زيد بن عمرو بن نفيل _ : سَمِعَ مِنْهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ : يُبْعَثُ أُمَّةٌ وَحْدَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، وَكَانَ يَتَعَبَّدُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَيَطْلُبُ دِينَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَيُوحِّدُ اللَّهَ تَعَالَى وَيَقُولُ : إِلَهِي إِلَهُ إِبْرَاهِيمَ ، وَدِينِي دِينُ إِبْرَاهِيمَ . وَكَانَ يَعِيبُ عَلَى قُرَيْشٍ ذُبَانِهِمْ وَيَقُولُ : الشَّاةُ خَلَقَهَا اللَّهُ وَأَنْزَلَ لَهَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً وَأَنْبَتَ لَهَا مِنَ الْأَرْضِ ، ثُمَّ تَذْبَحُونَهَا عَلَى غَيْرِ اسْمِ اللَّهِ تَعَالَى ! إِنْكَارًا لِذَلِكَ وَإِعْظَامًا لَهُ . وَكَانَ لَا يَأْكُلُ مِمَّا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ (1) . (2)

السيرة النبوية لابن هشام عن أسماء بنت أبي بكر : لَقَدْ رَأَيْتُ زَيْدَ بْنَ عَمْرِو بْنِ نُفَيْلٍ شَيْخًا كَبِيرًا ، مُسْنِدًا ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَهُوَ يَقُولُ : يَا مَعْشَرَ قُرَيْشٍ ، وَالَّذِي نَفْسُ زَيْدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ نَفْسٍ ، مَا أَصْبَحَ مِنْكُمْ أَحَدٌ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرِي . ثُمَّ يَقُولُ : اللَّهُمَّ لَوْ أَنِّي أَعْلَمُ أَيَّ الْوُجُوهِ أَحَبُّ إِلَيْكَ عَبْدْتُكَ بِهِ ، وَلَكِنِّي لَا أَعْلَمُهُ ، ثُمَّ يَسْجُدُ عَلَى رَأْسِهِ (3) .

1- .النَّصِيبُ : الحَجَّارَةُ وَجَمْعُهُ نُصْبٌ ، وَكَانَ لِلْعَرَبِ حَجَّارَةً تَعْبُدُهَا وَتَذْبَحُ عَلَيْهَا (مفردات ألفاظ القرآن : ص 807 «نصب»).

2- .أُسد الغابة : ج 2 ص 368 الرقم 1860 .

3- .السيرة النبوية لابن هشام : ج 1 ص 240 ، أُسد الغابة : ج 2 ص 369 الرقم 1860 ، السيرة النبوية لابن كثير : ج 1 ص 154 ، تاريخ دمشق : ج 19 ص 505 .

أُسْدُ الْغَابَةِ_ در شرح حال زید بن عمرو بن نُفَیل _ : در باره او از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد . فرمود : «او در روز قیامت ، به تنهایی چونان یک اَمْتِ برانگیخته می شود» . او در جاهلیت ، عبادت [خدای یکتا را] پیشه کرده بود و در طلب دین ابراهیم خلیل علیه السلام برآمد و به یکتایی خدا ، باور داشت و می گفت : خدای من ، همان خدای ابراهیم و دین من ، دین ابراهیم است . او بر قریش از قربانی هایشان [برای بت ها] خُرده می گرفت و می گفت : گوسفندی را که خدای یگانه آفریده و از آسمان برایش آب فرو فرستاده و از زمین ، برایش علف رویانیده است ، شما به غیر نام خدای متعال [برای بت ها] ذبح می کنید؟! و بر این کار ، خُرده می گرفت و آن را کاری بس بیهوده می شمرد و از گوشت حیواناتی که برای بت ها قربانی می شدند ، نمی خورد.

السيرة النبوية ، ابن هشام_ به نقل از اسماء دختر ابو بکر _ : زید بن عمرو بن نُفَیل را _ که پیری سال خورده بود _ دیدم که به کعبه تکیه داده است و می گوید : ای جماعت قریش! سوگند به آن که جان زید بن عمرو در دست اوست ، جز من ، احدی از شما بر دین ابراهیم نیست . سپس گفت : بار خدایا! اگر بدانم که کدام روش نزد تو محبوب تر است ، با آن روش ، تو را عبادت می کردم ؛ اَمّا نمی دانم . سپس بر کف دست خود ، سجده می کرد .

صحيح البخاري عن أسماء بنت أبي بكر: رَأَيْتُ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ قَائِمًا، مُسْنِدًا ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ، يَقُولُ: يَا مَعَاشِرَ قُرَيْشٍ، وَاللَّهِ مَا مِنْكُمْ عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ غَيْرِي. وَكَانَ يُحِبِّي الْمَوْوَدَّةَ، يَقُولُ لِلرَّجُلِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَقْتُلَ ابْنَتَهُ: لَا تَقْتُلْهَا، أَنَا أَكْفِيكَهَا مَوْنَتَهَا. فَيَأْخُذُهَا، فَإِذَا تَرَعَرَعَتْ قَالَ لِأَبِيهَا: إِنْ شِئْتَ دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ، وَإِنْ شِئْتَ كَفَيْتُكَ مَوْنَتَهَا. (1)

أسد الغابة عن زيد بن حارثة: خَرَجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَوْمًا حَارًّا مِنْ أَيَّامِ مَكَّةَ وَهُوَ مُرْدِفِي (2)، فَلَقِينَا زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ، فَحَيَّا كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ. فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا زَيْدُ، مَا لِي أَرَى قَوْمَكَ قَدْ شَنَفُوا (3) لَكَ؟ قَالَ: وَاللَّهِ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ ذَلِكَ لِغَيْرِ نَائِلَةٍ تَرَى لِي فِيهِمْ، وَلَكِنْ خَرَجْتُ أَبْتَغِي هَذَا الدِّينَ، حَتَّى أَقْدِمَ عَلَى أَحْبَارِ خَيْبَرَ فَوَجَدْتُهُمْ يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَيُشْرِكُونَ بِهِ، فَقُلْتُ: مَا هَذَا الدِّينَ الَّذِي أَبْتَغِي! فَخَرَجْتُ، فَقَالَ لِي شَيْخٌ مِنْهُمْ: إِنَّكَ لَتَسْأَلُ عَنْ دِينٍ مَا نَعْلَمُ أَحَدًا يَعْبُدُ اللَّهَ بِهِ إِلَّا شَيْخًا بِالْحَيْرَةِ، قَالَ: فَخَرَجْتُ حَتَّى أَقْدِمَ عَلَيْهِ، فَلَمَّا رَأَيْتُ قَالَ: مِمَّنْ أَنْتَ؟ قُلْتُ: أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الشَّوْكِ وَالْقَرْظِ (4)، قَالَ إِنَّ الَّذِي تَطْلُبُ قَدْ ظَهَرَ بِبِلَادِكَ، قَدْ بَعَثَ نَبِيٌّ قَدْ طَلَعَ نَجْمُهُ، وَجَمِيعٌ مَنِ رَأَيْتُهُمْ فِي ضَلَالٍ. قَالَ: فَلَمْ أُحِسْ بِشَيْءٍ. قَالَ زَيْدٌ [بْنُ حَارِثَةَ]: وَمَاتَ زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو وَأُنْزِلَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ لَزَيْدٍ: إِنَّهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً (5).

- 1- صحيح البخاري: ج 3 ص 1392 ح 3616، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 498 ح 5859، الطبقات الكبرى: ج 3 ص 380، سير أعلام النبلاء: ج 1 ص 128 الرقم 6، تاريخ دمشق: ج 19 ص 504.
- 2- الرديف: الذي تحمله خلفك على ظهر الدابة، تقول: أردفته إردافا (المصباح المنير: ص 224 «ردف»).
- 3- شنفوا له: أي أبغضوه (النهاية: ج 2 ص 505 «شنف»).
- 4- القَرْظُ: وَرَقُ السَّلَمِ يُدْبَغُ بِهِ (الصحاح: ج 3 ص 1177 «قرظ»).
- 5- أسد الغابة: ج 2 ص 369 الرقم 1860، المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 238 ح 4956، المعجم الكبير: ج 5 ص 86 ح 4663 وج 1 ص 151 ح 35، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 373 ح 7177 كلها نحوه.

صحيح البخارى_ به نقل از اسماء ، دختر ابو بكر _ :زيد بن عمرو بن نفيل را ديدم كه ايستاده و به كعبه ، تكيه داده است و مى گويد : اى گروه قريش! به خدا سوگند كه هيچ يك از شما بر دين ابراهيم نيسديد ، بجز من . او از زنده به گور كردن دختران ، جلوگيرى مى كرد و به مردى كه مى خواست دخترش را بگشود ، مى گفت : او را نكش . من ، خرجى او را به عهده مى گيرم ، و آن دخترك را مى گرفت و چون بزرگ مى شد ، به پدرش مى گفت : اگر بخواهى ، او را به تو بر مى گردانم و اگر نمى خواهى ، خودم اداره اش مى كنم .

أُسْدُ الْغَابَةِ_ به نقل از زيد بن حارثه _ :در يکى از روزهاى گرم مکه ، در حالى كه پيامبر خدا مرا بر تَرَك خود سوار کرده بود ، بيرون آمديم . در راه به زيد بن عمرو بن نفيل برخوردديم و هر يك از آن دو به ديگرى سلام گفتند . پيامبر صلى الله عليه و آله فرمود : «اى زيد ! چرا قوم تو را دشمن مى دارند؟» . زيد گفت : به خدا سوگند ، اى محمد ! اين دشمنى آنان با من ، از سرِ خونخواهى نيست ؛ بلکه از آن روست كه من ، در جستجوى اين دين (دين ابراهيم عليه السلام) ، به راه افتادم و نزد عالمان يهودِ خيبر رفتم و ديدم كه آنان ، خدا را مى پرستند ؛ اما بدو شرك مى ورزند . با خود گفتم : اين ، آن دينى نيست كه من مى جويم . لذا از خيبر رفتم . پيرى از آنان به من گفت : تو سراغ دينى را مى گيرى كه ما كسى را نمى شناسيم كه با آن ، خدا را عبادت كند ، مگر پيرمردى در حيره . نزد او رفتم . چون مراديد ، گفت : تو از چه مردمى هستى؟ گفتم : من ، از اهالى خانه خدايم ؛ از سرزمين خار و برگ درخت سَلَم . گفت : آنچه تو در جستجوى هستى ، در سرزمين خودت ظهور کرده است . پيامبرى مبعوث شده كه ستاره اش طلوع کرده است و همه كسانى كه تو ديده اى در گم راهى اند . [زيد بن عمرو] گفت : من ، چيزى [از ظهور آن مبعوث] احساس نكردم . زيد [بن حارثه] گفت : زيد بن عمرو از دنيا رفت و [سپس ، نخستين] وحى بر پيامبر صلى الله عليه و آله نازل شد . پيامبر صلى الله عليه و آله به زيد [بن حارثه] فرمود : «او در روز رستاخيز ، به تنهاى چونان يك امت ، برانگيخته مى شود» .

14 / 5 عَبْدُ الْمُطَّلِبِ إِمَامُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُحْشَرُ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً، عَلَيْهِ سِيَمَاءُ (1) الْأَنْبِيَاءِ وَهَيْبَةُ الْمُلُوكِ. (2)

عنه عليه السلام: إِنَّ عَبْدَ الْمُطَّلِبِ أَوَّلُ مَنْ قَالَ بِالْبَدَاءِ، يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً، عَلَيْهِ بَهَاءُ الْمُلُوكِ وَسِيَمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ. (3)

14 / 6 الْمُعَلِّمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَا- أَخْبِرُكُمْ عَنِ الْأ-جَوْدِ الْأ-جَوْدِ؟ اللَّهُ الْأَجْوَدُ الْأَجْوَدُ، وَأَنَا أَجْوَدُ وَلَدِ آدَمَ، وَأَجْوَدُهُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَنَشَرَ عِلْمَهُ، يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً، وَرَجُلٌ جَادَ بِنَفْسِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى يُقْتَلَ. (4)

1- السِّيَمَاءُ: العلامة يُعرف بها الخير والشر (تاج العروس: ج 16 ص 372 «سوم»).

2- الكافي: ج 1 ص 447 ح 22 عن زرارة، بحار الأنوار: ج 15 ص 157 ح 84.

3- الكافي: ج 1 ص 447 ح 23 عن مقرر وح 24 عن مفضل بن عمر، بحار الأنوار: ج 15 ص 157 ح 85.

4- مسند أبي يعلى: ج 3 ص 190 ح 2782 عن أنس، كنز العمال: ج 10 ص 151 ح 28771؛ إرشاد القلوب: ص 14 عن أنس.

14 / 5 عبد المطلب**14 / 6 معلّم**

14 / 5 عبد المطلب امام صادق عليه السلام: عبد المطلب، در روز قیامت، چونان يك اّمّت، محشور می شود، در حالی که سیمای پیامبران و شکوه شاهان را دارد.

امام صادق علیه السلام: عبد المطلب، نخستین کسی بود که سخن از بّدا گفت. او در روز قیامت، به تنهایی به صورت يك اّمّت برانگیخته می شود، در حالی که شکوه شاهان و سیمای پیامبران را دارد.

14 / 6 معلّم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را از بخشنده ترین بخشنندگان، آگاه نسازم؟ خداوند، بخشنده ترین بخشنندگان است و من، بخشنده ترین فرزندان آدم علیه السلام هستم و پس از من، بخشنده ترین فرزندان آدم، کسی است که علمی بیاموزد و علم خود را نشر دهد. چنین کسی در روز رستاخیز، به صورت يك اّمّت برانگیخته می شود، و [دیگر،] مردی است که در راه خدا جان فشانی کند تا کشته شود.

14 / 7 المُبْلَغُ الإِسْلَامِيُّ إِذَا مَاتَ فِي بِلَادِ الشُّرْكَاءِ مَالِي لِلطُّوسِيِّ عَنْ حَمَّادِ السَّمْدَرِيِّ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَدْخُلُ بِلَادَ الشُّرْكِ وَإِنَّ مَنْ عِنْدَنَا يَقُولُ: إِنْ مُتَّ ثُمَّ، حُشِرْتَ مَعَهُمْ. قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا حَمَّادُ، إِذَا كُنْتَ ثُمَّ تَذَكَّرُ أَمْرَنَا وَتَدْعُو إِلَيْهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: فَإِذَا كُنْتَ فِي هَذِهِ الْمُدُنِ - مُدُنِ الإِسْلَامِ - تَذَكَّرُ أَمْرَنَا وَتَدْعُو إِلَيْهِ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا. فَقَالَ لِي: إِنَّكَ إِنْ مُتَّ ثُمَّ، حُشِرْتَ أُمَّةً وَحَدَكْ، وَسَعَى نَوْرُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ. (1)

1- . الأُمَالِي لِلطُّوسِيِّ: ص 46 ح 54، بَشَارَةُ الْمُصْطَفَى: ص 68، رِجَالُ الْكُشَّي: ج 2 ص 634 ح 635، بَحَارُ الْأَنْوَار: ج 68 ص 200 ح 1.

14 / 7 مبلّغ اسلام ، که در سرزمین شرک بمیرد

14 / 7 مبلّغ اسلام ، که در سرزمین شرک بمیرد الامالی ، طوسی _ به نقل از حمّاد سمدری _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : من به سرزمین شرک می روم . کسی که نزد ماست ، می گوید : اگر تو در آن جا بمیری ، با آنان (مشرکان) محشور می شوی . امام صادق علیه السلام به من فرمود : «ای حمّاد! آن جا که هستی ، از قضیه ما (امامت اهل بیت) یاد می کنی و به آن ، دعوت می نمایی؟» . گفتم : آری . فرمود : «در این شهرها (شهرهای اسلامی) هم که هستی ، از قضیه ما یاد می کنی و به آن ، دعوت می نمایی؟» . گفتم : خیر . فرمود : «اگر در آن جا (بلاد شرک) از دنیا بروی ، به تنهایی ، چونان يك اُمّت محشور خواهی شد و نورِ تو ، پیشاپشت حرکت خواهد کرد» .

21. امانت

اشاره

21. امانت در آمد فصل یکم : اهمّیت باز گرداندن امانت فصل دوم : موجبات امانت داری فصل سوم : برکت های امانت داری فصل چهارم : انواع امانت ها فصل پنجم : امانت داران فصل ششم : آداب امانت سپاری

.

درآمد امانت، در لغتواژه «امانت»، ضدّ «خیانت»، مصدر و از ریشه «أمن» به معنای آرامش قلب است. امین، به کسی گفته می شود که دل، در سپردن چیزی به او احساس آرامش کند. همچنین به چیزی که سپرده شده نیز «امانت» اطلاق می گردد. ابن فارس، در معنای «أمن» می گوید: الهمزة والميم والنون أصلان متقاربان: أحدهما الأمانة التي ضدّ الخيانة، ومعناها سكون القلب، والآخر التصديق. (1) همزه و میم و نون، دو اصل [معنایی] نزدیک به هم دارد: یکی امانت که ضدّ خیانت و به معنای آرامش دل است، و دیگری گواهی دادن. راغب اصفهانی نیز در تبیین معنای «أمن» آورده است: أصل الأمن طمأنينة النفس وزوال الخوف، والأمن والأمانة والأمان في الأصل مصادر، ويجعل الأمان تارةً إسما للحالة التي يكون عليها الإنسان في الأمن، وتارةً اسما لما يؤمن عليه الإنسان. (2) ریشه «أمن»، آرامش خاطر و رفع نگرانی است. امن و امانت و امان، در اصل،

1- .. معجم مقاييس اللغة: ج 1 ص 133 مادّه «أمن».

2- .. مفردات ألفاظ القرآن: ص 90.

امانت ، در قرآن و حدیث

يك . نهایت تأکید بر کسب خصلت امانتداری

مصدر هستند و امان ، گاهی اسم حالتی است که انسان در آن حالت، آرام است ، و گاهی هم اسم چیزی است که انسان با آن ، آرامش می یابد.

امانت ، در قرآن و حدیثواژه «امانت» در قرآن و احادیث اسلامی ، در همان معنای لغوی آن به کار رفته است ؛ اما در تبیین عرصه های «امانت» و اقسام امینان ، نوآوری های جالب توجه و نکات تنبیه آفرینی در متون اسلامی دیده می شود . در این بخش ، ره نمودهای اسلام در باره ارزش و آثار امانتداری ، روش فرهنگ سازی امانتداری در جامعه ، انواع امانت ها و امینان ، و آیین امانت سپاری ، در شش فصل خواهد آمد که در این جا به خلاصه آنها اشاره می شود :

يك . نهایت تأکید بر کسب خصلت امانتداری تأمل در فصول مختلف این بخش ، بیانگر اهمیت فوق العاده امانتداری در اسلام است ، به گونه ای که این آیین مبین ، با تکیه بر احساسات فطری و دینی و با بهره گیری از شیوه های مختلف تبلیغاتی ، تلاش می کند پیروان خود را به امانتداری وا دارد . از منظر اسلام ، شخص مسلمان ، موظف است که انواع امانت ها را ، كوچك باشند یا بزرگ ، در هر حال و به همه اشخاص ، حتی بدترین انسان های روی زمین ، ادا نماید و مسلمان ، حق ندارد حتی به کسی که به او خیانت کرده ، خیانت کند . (1)

دو . روش فرهنگ سازی امانتداری در جامعه

سه . نقش امانتداری در کامیابی مادی و معنوی

دو . روش فرهنگ سازی امانتداری در جامعه فرهنگ سازی امانتداری در جامعه ، نیازمند برنامه ریزی دقیق و همه جانبه در جهت اقدامات زیر است : الف _ تقویت ایمان و باورهای دینی ؛ ب _ گسترش پیوند با پیشوایان بزرگ اسلام و انتقال سیره عملی آنان در امانتداری به سطوح مختلف جامعه ؛ ج _ تقویت عقل عملی و وجدان اخلاقی مردم ؛ د _ توسعه اقتصادی و مبارزه با زمینه های اقتصادی خیانت در جامعه (مانند تورّم) ؛ ه _ مراقبت ویژه دولت از کارمندان خود در جهت تقویت امانتداری و حفظ حقوق مردم ؛ و _ احیای روح نیایش و استعانت از حضرت حق ، برای رعایت امانت های بزرگ و سنگین . (1) موفقیت در انجام دادن این اقدامات ، در گرو تلاش پیگیر و مداوم کلیه مدیران سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و قضایی در جامعه است .

سه . نقش امانتداری در کامیابی مادی و معنوی در متون اسلامی ، جهت گسترش هر چه بیشتر فرهنگ امانتداری در جامعه ، فواید مادی و معنوی فراوانی برای امانتداری مطرح شده است . خلاصه آنچه در تبیین نقش امانتداری در زندگی انسان در این متون آمده ، عبارت است از :

1- .. ر . ك : ص 385 (امانت / فصل دوم : موجبات امانتداری / كمك خواستن از خدا) .

چهار . گستره عرصه امانت

الف _ علاقه خداوند متعال و پیامبر صلی الله علیه و آله به شخص امین ؛ ب _ رمز جایگاه رفیع امام علی علیه السلام نزد پیامبر خدا ؛ ج _ زمینه سازی ارزش اخلاقی صداقت ؛ د _ مشارکت در اموال دیگران ، فراوان شدن روزی و ثروتمندی ؛ ه _ ذخیره شدن پاداش انفاق کنندگان در راه خدا برای شخص امین ؛ و _ رهایی از آتش دوزخ و بهره گیری از بهشت جاوید و محشور شدن با پیامبران و صدیقان و شهیدان ؛ ز _ کامیابی مادی و معنوی و خیر دنیا و آخرت .

چهار . گستره عرصه امانتاز نظر اسلام ، عرصه امانت ، بسیار گسترده است و هر نعمتی که خداوند متعال به انسان داده ، و هر کار و مسئولیتی که به او واگذار شده ، در حقیقت ، امانتی است که به او سپرده شده است . بنا بر این ، آیاتی که مردم را به رعایت امانت ، ترغیب می کنند ، شامل همه عرصه های امانت می گردد . عرصه های امانت بر پایه جمع بندی ای که در فصل چهارم شده ، عبارت است از : 1 . عرصه سیاسی . در نظام اسلامی ، هر کس از قدرت سیاسی برخوردار است ، امانتدار خداوند متعال و مردم است ، و هر که جایگاه سیاسی بالاتر و قدرت افزون تری دارد ، بار امانت او سنگین تر است . بر این اساس ، بار امانت رهبر ، از همه سنگین تر است . از این رو ، پیشوایان بزرگ اسلام ، برای به انجام رساندن مسئولیت سنگین خود ، از خداوند متعال یاری می جستند . (1)

1- .. ر . ك : ص 385 (امانت / فصل دوم : موجبات امانتداری / كمك خواستن از خدا) .

2. عرصه فرهنگی . پس از مسئولان سیاسی ، بار امانتِ علما و رهبران فرهنگی جامعه ، از دیگران سنگین تر است . دانش و معرفت ، امانت الهی ای است که مسئولان فرهنگی ، هم خود باید بدان عمل کنند ، و هم زمینه را برای عمل کردن دیگران ، فراهم سازند . اما برخی از معارف ، امانت هایی هستند که جزء اسرار الهی محسوب می شوند و انتقال آنها به افراد فاقد ظرفیت ، خیانت و خطرناک است . (1) 3. عرصه اقتصاد . واضح ترین عرصه امانت نزد عموم مردم ، عرصه های اقتصادی است . نکته قابل توجه در امانتداری اقتصادی از نگاه اسلام ، این است که شخص مسلمان ، نه تنها حق ندارد به حقوق دیگران تجاوز کند ، بلکه اموال شخصی خودش نیز امانتی نزد اوست و نمی تواند آن را در هر راهی که می خواهد ، مصرف کند . لذا اسرافکاری در مال خود نیز خیانت محسوب می گردد . (2) 4. عرصه اخلاقی . گستره امانتداری در عرصه اخلاقی ، بسیار وسیع است . در واقع ، اتّصاف به انواع صفات نیکو و اجتناب از همه صفات ناشایست ، امانتداری وجدان اخلاقی است که خداوند متعال به انسان ارزانی داشته است . از این رو ، در روایات اسلامی ، اموری مانند : صداقت ، وَرَع ، عِفّت ، وفا ، همکاری برای اقامه حق ، پاداشِ نیکی با نیکی ، و حفظ اسرار مردم ، از مصادیق امانتداری شمرده شده است . 5. عرصه عملی . در اسلام ، هر کاری که به انسان سپرده شود ، امانت محسوب

1- .. ر . ك : ص 409 (امانت / فصل چهارم / امانت های فرهنگی) و ص 477 (فصل ششم / کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری نیست / خیانتکار)

2- ر . ك : ص 411 (امانت / فصل چهارم / امانت های اقتصادی) و ص 477 (فصل ششم / کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری نیست / خیانتکار)

پنج . اقسام امانتداران

می گردد . لذا اجیر ، (1) یکی از امانتداران است . پیامبر خدا می فرمود : **أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَنَهُ . (2)** خداوند دوست دارد که هر گاه یکی از شما کاری را انجام می دهد، به درستی انجام دهد. کاری که به کسی سپرده شد ، هر چه آن را بهتر و کامل تر تحویل دهد ، امانتدار بهتری است و نزد خداوند متعال ، محبوب تر . 6 . عرصه واجبات الهی . برنامه ای که خداوند متعال برای زندگی انسان ارائه کرده ، در حقیقت ، بزرگ ترین نعمت و امانت الهی برای تکامل مادی و معنوی و سعادت دنیوی و اُخروی اوست ، و همه انبیای الهی ، با هدف انتقالِ این امانت به جامعه بشر ، مبعوث شده اند . بدین سان ، بهره گیری از این برنامه ، امانتداری ، و مخالفت با آن ، خیانت محسوب می گردد .

پنج . اقسام امانتداران اقسام امانتداران ، به تناسبِ سِعه و ضیقِ عرصه های مختلف امانت است که در این جا با الهام از فصل پنجم این مجموعه ، بدانها اشاره می کنیم : الف _ بالاترین عرصه امانت ، ویژه خداوند متعال است . به همین مناسبت ، او «امین» و «مؤمن» و «مُهِمِّن» نامیده می شود . آری . او «امین» مطلق است و همه امانت ها از اوست و به او باز می گردد و هیچ حقی نزد او ضایع نمی گردد . لذا پیشوایان بزرگ اسلام ، همه چیز خود را به خدا می سپردند و پیامبر اکرم ، در مقام

1- .. ر.ك : ص 469 (امانت / فصل پنجم / امانتداران / پیمانکار) .

2- .. المعجم الأوسط : ج 1 ص 275 ح 897 ، مسند أبي يعلى : ج 4 ص 253 ح 4369 ، الطبقات الكبرى : ج 8 ص 216 ، تاریخ دمشق : ج 34 ص 290 ، كنز العمال : ج 3 ص 907 ح 9128 .

نیایش می فرمود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوِدُّكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي . (1) خداوند! خود و خانواده و مال و دین و دنیا و آخرت و امانت و عاقبتِ کارم را به تو می سپارم . ب _ فرشتگان وحی ، اُمَنای خداوند سبحان در ابلاغ وحی به پیامبران الهی هستند . ج _ انبیای الهی ، امینان خداوند مَثان در ابلاغ وحی به مردم هستند . د _ اوصیا ، پیامبران و اهل بیت خاتم انبیا ، امینانِ خداوند متعال در تبیین وحی و رهبری مردم اند . ه _ انسان ، در میان همه موجودات ، بزرگ ترین امانتدار خداوند مَثان است . او امانتی را به دوش می کشد که آسمان ها و زمین و کوه ها از حمل آن ناتوان بودند : «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا . (2) ما امانت را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم و آنها از قبول آن خودداری کردند و از آن بیمناک شدند ، و [لی] انسان آن را پذیرفت . اوستمگر و نادان بود» . حافظ شیرازی ، مضمون این آیه را به زبان شعر ، چنین بیان می کند : آسمان ، بار امانت نتوانست کشیدقرعه کار به نام من دیوانه زدند . بار گران قدر امانتی که انسان ، تاب تحمّل آن را دارد و موجودات دیگر ندارند ،

1- .. ر . ك : ص 430 ح 194 .

2- .. احزاب : آیه 72 .

مسئولیتی است که استعداد تکامل اختیاری و رسیدن به مقام خلیفه اللهی بر عهده او می نهد. آنچه از ابزار و امکانات مادی و معنوی به انسان داده شده است، همه و همه، اجزای همان مقامی است که بار این امانت را بر دوش وی می گذارد، و اگر انسانی شکوفا شد و این بار امانت را به مقصد رساند، خود نیز تبدیل به امانت ارزشمند دیگری برای جامعه بشری می گردد که به وسیله او انواع بلاها از مردم، دفع می گردند. (1) بنا بر این، تفسیر «امانتی که توان تحمل آن در نظام آفرینش، ویژه انسان است»، به: ولایت یا نماز و یا سایر آنچه خداوند متعال برای شکوفایی انسان در اختیار او قرار داده، در واقع، اشاره به بخشی از زمینه تکامل اختیاری انسان است و این تفاسیر، منافاتی با یکدیگر ندارند. و دانشمندان و اهل عرفان، امانتداران خداوند متعال در انتقال دانش و معرفت خود به مردم، بر حسب ظرفیت و استعداد های آنان هستند. ز سیاست مداران، امانتداران خداوند متعال و مردم، در اداره صحیح امور سیاسی جامعه اند. ح - مؤذنان، امانتداران مردم اند در اموری که به آنها اعلام می نمایند (مانند: وقت نماز و روزه). ط - ثروتمندان مسلمان، امینان پیشوایان در تأمین نیازمندان اند. ی - مشاور، امانتدار کسی است که با او مشورت می کند. ك - کسی که به او ودیعه ای یا کاری سپرده می شود، امانتدار صاحب ودیعه و صاحبکار است.

شش . آداب سپردن امانت

ل _ و در نهایت ، شخص مؤمن ، در مواردی که تشخیصِ توان انجام فرایض الهی به عهده او سپرده شده (مانند : حدّ بیماری که موجب افطار در روزه است) ، امانتدار سلامت خویش است . م _ نکته قابل تأمل در تبیین اقسام امینان ، این که در احادیث اسلامی ، حجر الأسود _ که در یکی از ارکان کعبه قرار دارد _ نیز در ردیف امانتداران خداوند سبحان و مردم شمرده شده است .

شش . آداب سپردن امانتفصل ششم ، ویژه تبیین آداب سپردن امانت است . در این فصل ، توضیح داده شده که چه کسانی برای سپردن امانت به آنان ، صلاحیت دارند و چه کسانی فاقد صلاحیت هستند . از نگاه احادیث اسلامی ، مهم ترین نکته در احراز صلاحیت امانتداری ، پروا داشتن از عقوبت الهی ، و مهم ترین آفت امانتداری ، بی اعتقادی به خدا و آلودگی های اخلاقی (بویژه اعتیاد به مشروبات الکلی) است .

الفصل الأول : أهمية أداء الأمانة 1 / 1 وجوب أداء الأمانة الكتاب «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» . (1)

«وإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ» . (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تخوننَّ أحدا في مالٍ يضعه عندك ، أو أمانةً ائتمنك عليها ؛ فإنَّ الله تعالى يقول : «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» . (3)

1- .النساء : 58 .

2- .البقرة : 283 .

3- .مكارم الأخلاق : ج 2 ص 355 ح 2660 عن عبد الله بن مسعود ، بحار الأنوار : ج 77 ص 105 ح 1 .

فصل یکم : اهمیت باز گرداندن امانت

1 / 1 وجوب باز گرداندن امانت

فصل یکم : اهمیت باز گرداندن امانت 1 / 1 وجوب باز گرداندن امانتقرآن «خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا ، شما را به آن پند می دهد. خدا ، شنوای بیناست» .

«و اگر در سفر بودید و نویسنده ای نیافتید ، وثیقه ای بگیرید؛ و اگر برخی از شما ، برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را باز پس دهد؛ و باید از خداوند _ که پروردگار اوست _ ، پروا کند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مبادا کسی از شما به شخصی در باره مالی که نزد او نهاده یا امانتی که به او سپرده است ، خیانت کند ؛ زیرا خدای متعال می فرماید : «خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبان آنها باز گردانید» .

عنه صلى الله عليه وآله: أَدَّ الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكَ . (1)

الإمام علي عليه السلام: إِذَا ائْتَمَنْتَ فَلَا تَخُنْ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَفَ بِمَنْى حِينَ قَضَى مَنَاسِكَهَا فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ، فَقَالَ: ... أَلَا مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنْ ائْتَمَنَهُ عَلَيْهَا . (3)

الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» (4) سُئِلَ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: أَخْبَرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا جَمَعَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أُتِيَ بِجَهَنَّمَ ... ثُمَّ يَوْضَعُ عَلَيْهَا صِرَاطٌ أَدْقُ مِنْ حَدِّ السَّيْفِ، عَلَيْهِ ثَلَاثُ قَنَاطِرَ . أَمَّا وَاحِدَةٌ فَعَلَيْهَا الْأَمَانَةُ وَالرَّحِمُ، وَأَمَّا الْأُخْرَى فَعَلَيْهَا الصَّلَاةُ، وَأَمَّا الْأُخْرَى فَعَلَيْهَا عَدْلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ، فَيُكَلِّفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهِ فَتَحْبِسُهُمُ الرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ، فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا حَبَسَتْهُمْ الصَّلَاةُ، فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ . (5)

- 1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 348 ح 981، عن ابن أخ الفضيل بن يسار عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 47 ص 155 ح 218؛ سنن أبي داود: ج 3 ص 290 ح 3535، سنن الترمذي: ج 3 ص 564 ح 1264، سنن الدارمي: ج 2 ص 715 ح 2499، المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 53 ح 2296 كلها عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 3 ص 61 ح 5494.
- 2- غرر الحكم: ج 3 ص 118 ح 3998، عيون الحكم والمواعظ: ص 134 ح 3046.
- 3- الكافي: ج 7 ص 273 ح 12 عن أبي أسامة زيد الشحام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 92 ح 5151 عن سماعة، الخصال: ص 487 ح 63 عن عبد الله بن عمر، تحف العقول: ص 31 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 83 ص 279 ح 6؛ مسند ابن حنبل: ج 7 ص 377 ح 20720، كنز العمال: ج 5 ص 131 ح 12357 وراجع: السنن الكبرى: ج 6 ص 160 ح 11526.
- 4- الفجر: 23.
- 5- الأمالي للصدوق: ص 241 ح 256، تفسير القمي: ج 2 ص 421 كلاهما عن جابر، الكافي: ج 8 ص 312 ح 486 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار: ج 8 ص 293 ح 36 وراجع: الزهد للحسين بن سعيد: ص 107 ح 112.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امانت را به کسی که به تو سپرده است ، باز گردان .

امام علی علیه السلام : هرگاه امین دانسته شدی [و امانتی به تو سپرده شد] ، خیانت مکن .

امام صادق علیه السلام : پیامبر خدا ، چون در حَجَّة الوداع ، آیین های منا را به جا آورد ، در آن جا توقف کرد و فرمود : « ... هان! هر که در نزدش امانتی است ، آن را به سپارنده اش بازگرداند » .

امام باقر علیه السلام : چون این آیه : «و جهنّم را در آن روز [حاضر] آورند» فرود آمد ، در باره آن از پیامبر خدا سؤال شد . ایشان فرمود : «روح الامین به من خبر داد که خدای یکتا ، چون همه خلائق را ، از آغاز تا پایان عالم ، گرد آورد ، دوزخ را بیاورند ... آن گاه ، راهی باریک تر از دم تیغ بر روی آن نهاده شود و بر آن راه ، سه پل باشد . بر روی یکی از آنها امانت و خویشاوندی است ، بر روی دیگری نماز ، و بر روی سومین [پل] ، دادگری پروردگار یگانه جهانیان . پس مردم ، مکلف شوند که از آن راه بگذرند . نخست ، خویشاوندی و امانت ، راه را بر آنها می گیرند . اگر از آنها به سلامت رستند ، نماز ، نگاهشان می دارد ، و اگر از آن رهیدند ، به پروردگار جهانیان می رسند » .

الإمام علي عليه السلام: تعاهدوا أمر الصلاة وحافظوا عليها... ثم أداء الأمانة، فقد خاب من ليس من أهلها، إنها عرضت على السماوات المبنية، والأرضين المدحوة، والجبال ذات الطول المنصوبة - فلا أطول ولا أعرض ولا أعلى ولا أعظم منها - . ولو امتنع شيء بطول أو عرض أو قوة أو عز لا تمتنع، ولكن أشفقن من العقوبة وعقلن ما جهل من هو أضعف منهن وهو الإنسان، «إنه كان ظلوما جهولا» (1). (2)

1 / 2 أداء الأمانة فيما جَلَّ وقَلَّ لإمام علي عليه السلام في وصاياه لِكُمَيْلٍ - : يا كُمَيْلُ ، إفهم واعلم أننا لا نُرخِّصُ في ترك أداء الأمانات لِأَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ ، فَمَنْ رَوَى عَنِّي فِي ذَلِكَ رُخْصَةً فَقَدْ أَبْطَلَ وَائِمَ ، وَجَزَاؤُهُ النَّارُ بِمَا كَذَبَ . أَقْسِمُ لَكَ جِئْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مَرَارًا ثَلَاثًا : يَا أَبَا الْحَسَنِ إِذَا الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَجَلَّ ، [حَتَّى] (3) فِي الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ (4) . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: أدوا الأمانة إلى من ائتمنكم عليها، برًا أو فاجرًا، فإن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يأمر بأداء الخيط والمِخِيطِ . (6)

-
- 1- . الأحزاب : 72 .
 - 2- . نهج البلاغة : الخطبة 199 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 116 ح 16 وراجع : الكافي : ج 5 ص 36 ح 1 .
 - 3- . ما بين المعقوفين سقط من الصدر ، وأثبتناه من بحار الأنوار .
 - 4- . المِخِيطُ - بالكسر - : الإبرة (النهاية : ج 2 ص 92 «خَيْطٌ») .
 - 5- . تحف العقول : ص 175 ، بشارة المصطفى : ص 29 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 273 ح 1 .
 - 6- . الكافي : ج 2 ص 636 ح 5 عن أبي أسامة زيد الشحام ، تحف العقول : ص 299 عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه ذيله من «فان رسول الله صلى الله عليه وآله...» ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 12 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 179 ح 57 .

1 / 2 باز گرداندن امانت ، ارزشمند باشد یا کم ارزش

امام علی علیه السلام: به نماز اهتمام ورزید و آن را پاس بدارید ... دیگر ، گزاردن امانت است ؛ زیرا آن که امانت را به صاحبش باز نگرداند ، زیانکار است . امانت به آسمان های افراشته و زمین های گسترده و کوه های بلند ، پیشنهاد گردید _ که چیزی بلندتر و گسترده تر و بالاتر و بزرگ تر از این سه چیز وجود ندارد _ . و اگر بنا بود چیزی به سبب درازی یا گستردگی یا نیرومندی یا صلابت ، از پذیرش امانت خودداری ورزد ، هر آینه ، این سه چیز [سزاوارترین] بودند ؛ لیکن آنها از کیفر [به جا نیاموردن مسئولیت امانت] ترسیدند ، و چیزی را دانستند که ناتوان تر از آنها نمی دانست ، و او انسان بود «که او ستمکار و نادان بود» .

1 / 2 باز گرداندن امانت ، ارزشمند باشد یا کم ارزش امام علی علیه السلام _ در سفارش هایش به کمیل بن زیاد _ : ای کمیل! دریاب و بدان که ما به هیچ کس ، اجازه ترك امانت گزاری را نمی دهیم . پس هر که از ما در این باره تجویزی روایت کند ، نادرست گفته و گناه کرده است و سزای دروغگویی اش آتش است . سوگند می خورم که با گوش خود شنیدم که پیامبر خدا ، ساعتی پیش از رحلتش سه بار به من فرمود : «ای ابو الحسن! امانت را به نیکوکار و تبهکار ، بازگردان ، اندک باشد یا بسیار ، [حتی اگر به ناچیزی] نخی باشد یا سوزنی» .

امام صادق علیه السلام: امانت را به کسی که آن را به شما سپرده است ، باز گردانید ، نیکوکار باشد یا نابه کار ؛ زیرا پیامبر خدا می فرمود : «که [حتی] نخ و سوزن را به صاحبش پس دهید» .

1 / 3 أداء الأمانة ولو إلى الخائسر رسول الله صلى الله عليه وآله : أد الأمانة إلى من ائتمنك ، ولا تخن من خانك . (1)

تهذيب الأحكام عن ابن أخ الفضيل بن يسار : كنت عند أبي عبد الله عليه السلام ، ودخلت امرأة - وكنت أقرب القوم إليها - فقالت لي : إسأله . فقلت : عماذا ؟ فقالت : إن ابني مات ، وترك مالا كان في يد أخي فأنقله ، ثم أفاد مالا فأودعني ، فلي أن آخذ منه بقدر ما أتلّف من شيء ؟ فأخبرته بذلك ، فقال : لا ، قال رسول الله صلى الله عليه وآله : « أد الأمانة إلى من ائتمنك ، ولا تخن من خانك » . (2)

الإمام علي عليه السلام : لا تخن من ائتمنك وإن خانك ، ولا تلغ سرّه وإن أذاعه . (3)

الإمام الصادق عليه السلام : إن الأمانة تؤدّى إلى البرّ والفاجر ، والعهد يوفى به للبرّ والفاجر ، فأد الأمانة إلى من ائتمنك ، ولا تخن من خانك . (4)

1- سنن أبي داود : ج 3 ص 290 ح 3535 ، سنن الترمذي : ج 3 ص 564 ح 1264 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 715 ح 2499 كلّها عن أبي هريرة ، المستدرک علی الصحيحین : ج 2 ص 53 ح 2297 عن أنس ، كنز العمال : ج 3 ص 61 ح 5494 .

2- تهذيب الأحكام : ج 6 ص 348 ح 981 ، وسائل الشيعة : ج 12 ص 202 ح 22499 وراجع : مستدرک الوسائل : ج 14 ص 11 ح 15960 وسنن أبي داود : ج 3 ص 290 ح 3534 ومسنّد ابن حنبل : ج 5 ص 256 ح 15424 .

3- تحف العقول : ص 81 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 228 ح 2 ؛ كنز العمال : ج 16 ص 178 ح 44215 نقلاً عن وكيع والعسكري في المواعظ .

4- دعائم الإسلام : ج 2 ص 488 ح 1743 ، نزهة الناظر : ص 30 ح 21 ، عوالي اللآلي : ج 1 ص 453 ح 187 وليس فيهما صدره إلى «والفاجر» .

1 / 3 باز گرداندن امانت ، حتّی به خیانتکار

1 / 3 باز گرداندن امانت ، حتّی به خیانتکار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امانت را به کسی که تو را امین شمرده است ، باز گردان ، و اگر کسی به تو خیانت کرد ، توبه او خیانت مکن .

تهذیب الأحکام_ به نقل از برادر زاده فضیل بن یسار _ : در محضر امام صادق علیه السلام بودم که زنی وارد شد _ و من از همه به او نزدیک تر بودم _ . به من گفت : از ایشان سؤال کن . گفتم : چه سؤالی؟ گفت : فرزندم از دنیا رفت و مالی از او در دست برادرم ماند و او ، آن را از بین بُرد . سپس برادرم مالی به دست آورد و آن را به من سپرد . آیا من حق دارم به اندازه مالی که از بین برده است ، از آن مال بردارم؟ من این را از امام علیه السلام پرسیدم . ایشان فرمود : «نه . پیامبر خدا فرمود : امانت را به صاحبش باز گردان ، و اگر کسی به تو خیانت کرد ، توبه او خیانت مکن » .

امام علی علیه السلام : به کسی که تو را امین شمرده [و امانتی را به تو سپرده] است ، خیانت مکن ، اگر چه او به تو خیانت کرده باشد ، و راز او را فاش مساز ، هر چند او راز تو را فاش ساخته باشد .

امام صادق علیه السلام : امانت را به نیکوکار و بدکار باید بازگرداند ، و به پیمان بانیکوکار و بدکار ، باید وفا کرد . پس امانت را به کسی که به تو امانت سپرده است ، باز گردان ، و به کسی که به تو خیانت کرده است ، خیانت مکن .

عنه عليه السلام: مَنِ اتَّصَمَكَ بِأَمَانَةٍ فَأَدَّهَا إِلَيْهِ ، وَمَنْ خَانَكَ فَلَا تُخْنَهُ . (1)

1 / 4 أداء الأمانة ولو إلى الفاجر تفسير الطبري عن سعيد بن جبير: لَمَّا نَزَلَتْ : «وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بَانْتِهَمَ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيَنَ سَبِيلٌ» (2) قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : كَذَبَ أَعْدَاءُ اللَّهِ ، مَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ إِلَّا وَهُوَ تَحْتَ قَدَمِي ، إِلَّا الْأَمَانَةُ ؛ فَإِنَّهَا مُؤَدَّاةٌ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ . (3)

الإمام الباقر عليه السلام: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً : أداء الأمانة إلى البرِّ والفاجرِ ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرَّيْنٍ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَأداء الأمانة إلى البرِّ والفاجرِ . (5)

الأمالي للطوسي عن يحيى بن العلاء وإسحاق بن عمار جميعاً عن الإمام الصادق عليه السلام ، قالَا : مَا وَدَّعْنَا قُطْ إِلَّا أَوْصَانَا بِخَصَلَتَيْنِ : عَلَيْكُم بِصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَأداء الأمانة إلى البرِّ والفاجرِ ، فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ الرِّزْقِ . (6)

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 186 ح 3698 عن زيد الشحام ، وسائل الشيعة : ج 12 ص 205 ح 22508 .

2- .آل عمران : 75 .

3- .تفسير الطبري : ج 3 الجزء 3 ص 318 ، تفسير ابن كثير : ج 2 ص 51 ، تفسير القرطبي : ج 4 ص 119 ؛ مجمع البيان : ج 2 ص 778 .

4- .الكافي : ج 2 ص 162 ح 15 عن عنيسة بن مصعب ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 350 ح 988 ، الخصال : ص 123 ح 118 كلاهما عن الحسين بن مصعب الهمداني عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 367 ، مشكاة الأنوار : ص 280 ح 483 نحوه ، بحار الأنوار : ج 75 ص 92 ح 2 .

5- .الكافي : ج 2 ص 104 ح 1 عن الحسين بن أبي العلاء ، مشكاة الأنوار : ص 96 ح 213 نحوه ، بحار الأنوار : ج 71 ص 2 ح 1 .

6- .الأمالي للطوسي : ص 676 ح 1429 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 92 ح 6 .

1 / 4 پس دادن امانت ، حتّی به تبّهکار

امام صادق علیه السلام : هر کس به تو امانتی سپرد ، آن را به او بازگردان ، و کسی که به تو خیانت [در امانت] کرده است ، تو به او خیانت مکن .

1 / 4 پس دادن امانت ، حتّی به تبّهکار تفسیر الطبری _ به نقل از سعید بن جبیر _ : چون این آیه فرود آمد : «و از اهل کتاب ، کسی است که اگر او را بر خرواری مال ، امین شمّری ، آن را به تو باز می گرداند . و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمّری ، آن را به تو پس نمی دهد ، مگر آن که دائماً بر [سر] اوی به پایستی . این ، بدان سبب است که آنان گفتند : در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند ، بر زیان ما راهی نیست» ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : «دشمنان خدا دروغ می گویند . هر آنچه [از عادات و رفتار] در جاهلیت بود ، زیرپای من [و بی اعتبار] است ، مگر امانتداری که باید امانت را به [صاحبش] نیکوکار و تبّهکار ، (1) بازگرداند» .

امام باقر علیه السلام : سه چیز است که خداوند عز و جل در آنها به هیچ کس رخصت [خلاف] نداده است : برگرداندن امانت به نیکوکار و تبّهکار ؛ وفا کردن به پیمان با نیکوکار و تبّهکار ؛ و نیکی کردن و فرمان برداری از پدر و مادر ، نیکوکار باشند یا تبّهکار .

امام صادق علیه السلام : خداوند عز و جل هیچ پیامبری را برنمیگيخت ، مگر با راستگویی ، و بازگرداندن امانت به نیکوکار و بدکار .

الأمالی ، طوسی : یحیی بن علاء و اسحاق بن عمّار ، در باره امام صادق علیه السلام گفتند : ایشان ، هیچ گاه با ما خداحافظی نکرد ، مگر آن که به دو مطلب ، توصیه مان کرد [و فرمود] : «بر شما باد راستگویی و بازگردانیدن امانت به نیکوکار و بدکار ؛ زیرا این دو خصلت ، کلید روزی اند» .

1- . کلمه «الفاجر» که در متن عربی حدیث آمده ، بدین معانی به کار رفته است : تبّهکار ؛ منحرف از حق ؛ نافرمان از خدا ؛ کسی که مرتکب معاصی و گناهان می شود ؛ زناکار ؛ دروغگو .

الإمام العسكري عليه السلام - لشيعة - : أوصيكم بتقوى الله ، والورع في دينكم ، والاجتهاد لله ، وصدق الحديث ، وأداء الأمانة إلى من اتَّمتَّكم من برٍّ أو فاجرٍ . (1)

1 / 5 أداء الأمانة ولو إلى العدو الإمام الصادق عليه السلام : اتَّقُوا اللَّهَ ، وَأَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى الْأَسْوَدِ وَالْأَبْيَضِ ، وَإِنْ كَانَ حَرُورِيًّا (2) ، وَإِنْ كَانَ شَامِيًّا . (3)

تهذيب الأحكام عن محمد بن علي الحلبي : استودعني رجلٌ من موالي بني مروان ألف دينارٍ ، فغاب ولم أدر ما أصنع بالدنانير ، فأتيتُ أبا عبد الله عليه السلام فذكرتُ ذلك له ، وقلتُ : أنتَ أحقُّ بها . فقال : لا ، إنَّ أبي عليه السلام كان يقولُ : إنَّما نحنُ فيهم بِمَنْزِلَةِ هُدْنَةٍ ، نُؤَدِّي أماناتهم ، ونُرَدُّ ضالَّتهم ، ونُقيمُ الشهادةَ لهم وعليهم ، فإذا تفرَّقتِ الأهواءُ لم يسعَ أحدًا (4) المُقام . (5)

الكافي عن محمد بن القاسم : سألتُ أبا الحسن - يعني موسى عليه السلام - عن رجلٍ استودعَ رجلًا مالاَ له قيمةً ، والرجلُ الذي عليه المالُ رجلٌ من العربِ ، يقدِرُ على ألاَّ يعطيه شيئاً ، ولا يقدِرُ له على شيءٍ ، والرجلُ الذي استودعه حبيثٌ خارجيٌّ - فلم أدع شيئاً (6) - . فقال لي : قلْ له : رُدَّه عليه ، فإنَّه اتَّمتَّه عليه بِأمانةِ الله عزَّ وجلَّ . (7)

- 1- . تحف العقول : ص 487 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 372 ح 12 .
- 2- . الحروريُّ : هو الذي يبرأ من علي بن أبي طالب عليه السلام ويشهد عليه بالكفر (مجمع البحرين : ج 1 ص 385 «حرر») .
- 3- . الكافي : ج 8 ص 236 ح 316 عن أبي شبل ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 12 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 75 بزيادة «وإن كان أُمويًّا» في آخره و ج 2 ص 491 ح 1752 بزيادة «وإن كان عدوًّا» في آخره ، بحار الأنوار : ج 27 ص 164 ح 16 .
- 4- . في المصدر : «أحد» ، وما أثبتناه هو الصحيح كما في وسائل الشيعة .
- 5- . تهذيب الأحكام : ج 6 ص 350 ح 989 ، وسائل الشيعة : ج 13 ص 224 ح 24184 .
- 6- . الظاهر أنَّ المراد : فلم أدع شيئاً من قبيل هذه الصفات الخبيثة إلا ذكرتُ له .
- 7- . الكافي : ج 5 ص 133 ح 8 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 351 ح 996 و ج 7 ص 181 ح 795 عن فضيل ، وسائل الشيعة : ج 13 ص 223 ح 24183 .

1 / 5 بازگرداندن امانت ، حتّی به دشمن

امام عسکری علیه السلام _ به شیعیانش _ : سفارش می کنم شما را به ترس از خدا ، و پارسایی در دینتان ، و کوشش برای خدا ، و راستگویی ، و پس دادن امانت به کسی که به شما امانتی سپرده است ، نیکوکار باشد یا تبهکار .

1 / 5 بازگرداندن امانت ، حتّی به دشمن امام صادق علیه السلام : از خدا بترسید ، و امانت ها را به [صاحبانشان] سیاه و سفید بازگردانید ، اگر چه حَروری (خوارج) باشد ، و اگر چه شامی (پیرو بنی امیّه) باشد .

تهذیب الأحکام _ به نقل از محمد بن علی حلبی _ : مردی از طرفداران مروانیان ، هزار دینار به من امانت سپرد و ناپدید شد . من مانده بودم که با آن دینارها چه کنم . خدمت امام صادق علیه السلام رفتم و داستان را برای ایشان تعریف کردم و گفتم : شما به اینها سزاوارترید . فرمود : «نه ، پدرم علیه السلام می فرمود : ما با آنها همانند زمان صلح و آتش بس هستیم . امانت هایشان را پس می دهیم ، گم شده شان را بر می گردانیم ، له و علیه آنها شهادت می دهیم ؛ زیرا اگر چند دستگی پیش آید ، هیچ کس نمی تواند دوام آورد» .

الکافی _ به نقل از محمد بن قاسم _ : از امام کاظم علیه السلام در باره مردی [از موالی و غیر عرب] (1) پرسیدم که مالی قیمتی نزد مردی امانت می گذارد . آن که مال به او سپرده شده ، مردی از عرب است و می تواند چیزی به او پس ندهد ، و آن مرد هم کاری از دستش بر نمی آید . از طرفی مردی که به او امانت سپرده ، شخصی پلید و خارجی مذهب است _ و چیزی [از بدگویی در باره آن مرد] فروگذار نکردم _ . امام علیه السلام فرمود : «به او بگو که آن [امانت] را به وی پس دهد ؛ زیرا آن مرد ، آن مال را در امان خدا به او سپرده است» .

1- . مطلب میان دو قلاب را از مختلف الشيعة (ج 6 ص 70) و الإستبصار (ج 3 ص 122) افزودیم .

1 / 6 أداء الأمانة ولو إلى قتل الأنبياء عليهم السلام: الإمام علي عليه السلام: أدوا الأمانات ولو إلى قتل الأنبياء . (1)

عنه عليه السلام: أدوا الأمانة ولو إلى قاتل ولد الأنبياء . (2)

1 / 7 أداء الأمانة ولو إلى قاتل الإمام علي عليه السلام الإمام الصادق عليه السلام: اتقوا الله، وعليكم بأداء الأمانة إلى من اتتمنكم، ولو أن قاتل علي ابن أبي طالب عليه السلام اتتمنني على أمانة لأديتها إليه . (3)

-
- 1- . تحف العقول : ص 104 ، كنز الفوائد : ج 1 ص 279 نحوه ، بحار الأنوار : ج 78 ص 91 ح 95 .
 - 2- . الكافي : ج 5 ص 133 ح 3 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 217 ، الخصال : ص 614 ح 10 عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام بزيادة «إلى من اتتمنكم» بعد «الأمانة» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 115 ح 8 .
 - 3- . الكافي : ج 5 ص 133 ح 4 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 351 ح 995 كلاهما عن عمر بن أبي حفص ، الأمل للصدوق : ص 318 ح 373 عن عمر بن يزيد ، تحف العقول : ص 299 عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، مشكاة الأنوار : ص 107 ح 242 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 114 ح 2 .

1 / 6 باز گرداندن امانت ، حتّی به قاتلان پیامبران

1 / 7 باز گرداندن امانت ، حتّی به قاتل امام علی علیه السلام

1 / 6 باز گرداندن امانت ، حتّی به قاتلان پیامبران امام علی علیه السلام : امانت ها را [به صاحبانشان] برگردانید ، اگر چه به قاتلان پیامبران باشد .

امام علی علیه السلام : امانت را برگردانید ، اگر چه به قاتل فرزندان پیامبران باشد .

1 / 7 باز گرداندن امانت ، حتّی به قاتل امام علی علیه السلام امام صادق علیه السلام : از خدا بترسید و امانت را به کسی که شما را امین دانسته است ، باز گردانید . اگر قاتل علی بن ابی طالب علیه السلام هم امانتی را به من بسپارد ، آن را به او باز می گردانم .

.

عنه عليه السلام _ في وصيَّته له _ :إعلم أنَّ ضاربَ عليٍّ عليه السلام بالسَّيفِ وقَاتِلُهُ ، لو اتَّمتَّني واستنصحتني واستشارني _ ثُمَّ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ _ لَأَدَيْتُ إِلَيْهِ الأَمَانَةَ . (1)

مشكاة الأنوار عن عبد الله بن سنان :دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ صَلَّى الْعَصْرَ ، وَهُوَ جَالِسٌ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ فِي الْمَسْجِدِ ، فَقُلْتُ : يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، إِنَّ بَعْضَ السَّلَاطِينِ يَأْمُنُنَا عَلَى الْأَمْوَالِ يَسْتَوِدُّعُنَاهَا ، وَلَيْسَ يَدْفَعُ إِلَيْكُمْ خُمْسَكُمْ ، أَفَنُؤَدِّيهِمَا إِلَيْهِمْ ؟ قَالَ : وَرَبِّ هَذِهِ الْقِبْلَةِ _ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ _ لَوْ أَنَّ ابْنَ مُلْجَمٍ قَاتَلَ أَبِي _ فَإِنِّي أَطْلُبُهُ يَسْتَرِّ ؛ لِأَنَّهُ قَتَلَ أَبِي _ اتَّمتَّني عَلَى الأَمَانَةِ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ . (2)

1 / 8 أداء الأمانة ولو إلى قاتل الإمام الحسين عليه السلام ما لإمام زين العابدين عليه السلام _ يوصي شيعته _ :عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الأَمَانَةِ ، فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا ، لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اتَّمتَّني عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :أدوا الأمانة ولو إلى قاتل الحسين بن عليٍّ عليهما السلام . (4)

- 1- .الكافي : ج 5 ص 133 ح 5 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 351 ح 994 نحوه وكلاهما عن عمار بن مروان ، تحف العقول : ص 374 ، تنبيه الخواطر : ج 1 ص 12 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 258 ح 144 .
- 2- .مشكاة الأنوار : ص 107 ح 243 وص 174 ح 447 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 117 ح 18 .
- 3- .الأمالي للصدوق : ص 319 ح 374 عن أبي حمزة الثمالي ، معاني الأخبار : ص 108 ح 1 عن يونس بن عبد الرحمن عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جدّه عنه عليهم السلام وليس فيه «فو الذي بعث محمدًا بالحق نبيًّا» ، روضة الواعظين : ص 408 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 114 ح 3 .
- 4- .الأمالي للصدوق : ص 318 ح 372 عن الحسين بن مصعب الهمداني ، الاختصاص : ص 241 ، مشكاة الأنوار : ص 107 ح 241 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 485 ح 1731 فيه «الحسن» بدل «الحسين» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 113 ح 1 .

1 / 8 باز گرداندن امانت ، حتّی به قاتل امام حسین علیه السلام

امام صادق علیه السلام در یکی از سفارش هایش _ بدان که حتّی اگر آن که با شمشیر بر علی ضربت زد و او را کُشت ، مرا امین بشمارد و از من راه نمایی و مشورت بخواهد _ و من آن را از او بپذیرم _ با او امانتدار خواهم بود .

مشكاة الأنوار _ به نقل از عبد الله بن سنان _ :بر امام صادق علیه السلام در مسجد درآمدم ، در حالی که ایشان ، نماز عصر را خوانده و رو به قبله نشسته بود . گفتم : ای پسر پیامبر خدا! برخی حکمرانان ، ما را امین اموال قرار می دهند و آنها را به ما می سپارند ، در حالی که خمس شما را نمی دهند . آیا آنها را به شما پردازیم؟ فرمود : «به صاحب این قبله سوگند (سه بار این سوگند را یاد کرد) اگر ابن ملجم ، قاتل پدرم _ که خونخواه او هستم ، چون پدرم را کُشت _ امانتی به من می سپرد ، آن را به او بر می گرداندم» .

1 / 8 باز گرداندن امانت ، حتّی به قاتل امام حسین علیه السلام زین العابدین علیه السلام _ در حالی که به شیعیانش سفارش می فرمود _ :در امانت [داری] بکوشید : سوگند به آن که محمد را به حق ، پیامبر قرار داد ، [حتّی] اگر قاتل پدرم حسین بن علی علیه السلام شمشیری را که با آن او را کشت ، به من امانت می داد ، آن را به او باز می گرداندم .

امام صادق علیه السلام : امانت را برگردانید ، حتّی به قاتل حسین بن علی علیه السلام .

عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ لِمَنْ اتَّعَمَّنَكُمْ، فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اتَّعَمَّنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَتَيْتُهُ إِلَيْهِ. (1)

الكافي عن إسماعيل بن عبد الله القرشي: أتى إلى أبي عبد الله عليه السلام رجلٌ فقال له: يابن رسول الله، رأيتُ في منامي كأنني خارجٌ من مَدِينَةِ الْكُوفَةِ فِي مَوْضِعٍ أَعْرِفُهُ، وَكَأَنَّ شَجَرًا مِنْ خَشَبٍ، أَوْ رَجُلًا مَنَحُوتًا مِنْ خَشَبٍ، عَلَى فَرْسٍ مِنْ خَشَبٍ، يُلَوِّحُ بِسَيْفِهِ وَأَنَا أَشَاهِدُهُ فَرَعَا مَرَعُوبًا. فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْتَ رَجُلٌ تُرِيدُ اغْتِيَالَ رَجُلٍ فِي مَعِيشَتِهِ، فَاتَّقِ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكَ ثُمَّ يُمِيتُكَ. فَقَالَ الرَّجُلُ: أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أُوتِيتَ عِلْمًا وَاسْتَنْبَطْتَهُ مِنْ مَعْدِنِهِ، أَخْبَرُكَ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَمَّا قَدْ فَسَّرْتَ لِي: إِنَّ رَجُلًا مِنْ جِيرَانِي جَاءَنِي وَعَرَضَ عَلَيَّ ضَيْعَتَهُ، فَهَمَمْتُ أَنْ أَمْلِكَهَا بِوَكْسٍ (2) كَثِيرٍ لِمَا عَرَفْتُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهَا طَالِبٌ غَيْرِي، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَصَاحِبُكَ يَتَوَلَّانا وَيَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّنَا؟ فَقَالَ: نَعَمْ يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، رَجُلٌ جَيِّدُ الْبَصِيرَةِ، مُسْتَحْكَمُ الدِّينِ، وَأَنَا تَائِبٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ مِمَّا هَمَمْتُ بِهِ وَنَوَيْتُهُ، فَأَخْبِرْنِي يَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، لَوْ كَانَ نَاصِبًا حَلًّا لِي اغْتِيَالُهُ؟ فَقَالَ: أَدِّ الْأَمَانَةَ لِمَنْ اتَّعَمَّنَكَ وَأَرَادَ مِنْكَ النَّصِيحَةَ، وَلَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (3)

1 / 9 أداء الأمانة ولو إلى المجوس الكافي عن الحسين الشيباني عن الإمام الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ مِنْ مَوَالِكَ يَسْتَحِلُّ مَالَ بَنِي أُمَيَّةٍ وَدِمَاءَهُمْ، وَإِنَّهُ وَقَعَ لَهُمْ عِنْدَهُ وَدِيعَةٌ. فَقَالَ: أَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِنْ كَانُوا مَجُوسًا (4)؛ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَكُونُ حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا _ أَهْلُ الْبَيْتِ _ فَيَحِلُّ وَيُحَرِّمُ. (5)

1- إرشاد القلوب: ص 101.

2- الوكس: النقصان (المصباح المنير: ص 670 «وكس»).

3- الكافي: ج 8 ص 293 ح 448، بحار الأنوار: ج 47 ص 155 ح 218.

4- في المصدر: «مجوسيا» وما أثبتناه هو الصواب، كما في تهذيب الأحكام.

5- الكافي: ج 5 ص 132 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 351 ح 993، وسائل الشيعة: ج 13 ص 223 ح 24179.

1 / 9 باز گرداندن امانت حتّی به مجوسی

امام صادق علیه السلام: بر شما باد پارسایی و کوشش و راستگویی و بازگرداندن امانت به کسی که به شما امانتی سپرده است؛ زیرا اگر قاتل حسین علیه السلام هم شمشیری را که با آن، او را به شهادت رساند، به امانت نزد من می گذاشت، آن را به او پس می دادم.

الکافی_ به نقل از اسماعیل بن عبد الله قُرشی _ :مردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! خواب دیدم که بیرون از شهر مدینه، در جایی که می شناسم هستم، و گویا شَبَحی از چوب یا مردی تراشیده از چوب، بر اسبی چوبین نشسته است و شمشیرش را تکان می دهد و من، هراسان و وحشت زده، او را تماشا می کنم. امام علیه السلام به او فرمود: «تو قصد داری از مردی کلاه برداری کنی. بترس از آن خدایی که تو را آفریده است و سپس می میراند». مرد گفت: گواهی می دهم که تو از دانش، بهره مند گشته ای و آن را از معدنش گرفته ای. ای پسر پیامبر خدا! اینک، تو را از آنچه برایم تعبیر کردی، آگاه می گردانم. مردی از همسایگانم نزد من آمد و پیشنهاد کرد که مِلک او را بخرم. من چون می دانستم آن مِلک، خریداری غیر از من ندارد، تصمیم گرفتم آن را به قیمت بسیار نازلی خریداری کنم. امام صادق علیه السلام فرمود: «آن مرد، دوستدار ما و مخالف دشمنان ماست؟». گفت: آری، ای فرزند پیامبر خدا! مردی است بسیار با بینش و دارای دین و عقیده استوار (بر مذهب اهل بیت علیهم السلام). اینک، من از قصد و نیتی که داشتم، به درگاه خداوند عز و جلو پیشگاه شما توبه می کنم. ای فرزند پیامبر خدا! به من بفرما که اگر آن مرد ناصبی بود، مجاز بودم که فریش دهم؟ امام علیه السلام فرمود: «نسبت به کسی که تو را امین دانسته و از تو راه نمایی خواسته است، امانتدار باش، حتی اگر قاتل حسین علیه السلام باشد».

1 / 9 باز گرداندن امانت حتّی به مجوسی الکافی_ به نقل از حسین شیبانی _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی از پیروان شما، مال و خون اُمویان را روا می شمارد و آنان، امانتی نزد او می سپارند. امام علیه السلام فرمود: «امانت ها را به صاحبانش بازگردانید، اگر چه مَجوسی باشند. آن کار (پس ندادن امانت)، روا نیست تا آن گاه که قائم ما (اهل بیت) ظهور کند. در آن زمان، او حلال و حرام خواهد کرد».

10 / 1 أداء الأمانة على كل حال لإمام علي عليه السلام: لا تكن ممن . . يؤدّي الأمانة ما عوفي وأرضي ، والخيانة إذا سخط وأبتلي ، إذا عوفي ظن أنه قد تاب ، وإن ابتلي ظن أنه قد عوقب . (1)

دلائل النبوة للبيهقي عن موسى بن عقبة : جاء عبد حبشي أسود من أهل خيبر كان في غنم لبيده ، فلما رأى أهل خيبر قد أخذوا السلاح سألهم : ما تريدون ؟ قالوا : نقاتل هذا الرجل الذي يزعم أنه نبي ، فوقع في نفسه ذكر النبي صلى الله عليه وآله ، فأقبل بغنمه حتى عهد (2) لرسول الله صلى الله عليه وآله . فلما جاءه قال : ماذا تقول وماذا تدعو إليه ؟ قال : أدعو إلى الإسلام وأن تشهد أن لا إله إلا الله ، وأني محمد رسول الله ، وأن لا نعبد إلا الله . قال العبد : فماذا إلي إن أنا شهدت وأمنت بالله ؟ قال : لك الجنة إن مت على ذلك ، فأسلم . قال : يا نبي الله ، إن هذه الغنم عندي أمانة . قال رسول الله صلى الله عليه وآله : أخرجها من عسكرنا وارمها (3) بالحصاء ؛ فإن الله سيؤدّي عنك أمانتك . ففعل ، فرجعت الغنم إلى سيدها ، فعرف اليهودي أن غلامه قد أسلم . فقام رسول الله صلى الله عليه وآله فوعظ الناس ، فذكر الحديث في إعطاء الراية علياً ، ودنوّهم من الحصن وقتل مرحب . قال : وقُتل من المسلمين العبد الأسود ، ورجعت عادية اليهود ، واحتمل المسلمون العبد الأسود إلى عسكرهم فأدخل في الفسطاط ، فرعموا أن رسول الله صلى الله عليه وآله أطلع في الفسطاط ثم أقبل على أصحابه ، فقال : لقد أكرم الله هذا العبد وساقه إلى خير ، قد كان الإسلام من نفسه حقاً ، وقد رأيت عند رأسه اثنتين من الحور العين . (4)

- 1- . تحف العقول : ص 157 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 411 ح 37 .
- 2- . العهد معناه : الالتقاء والإمام (معجم مقاييس اللغة : ج 4 ص 167 «عهد») .
- 3- . في المصدر : «وارمها» ، وما أثبتناه هو الصحيح .
- 4- . دلائل النبوة للبيهقي : ج 4 ص 220 ، السيرة النبوية لابن هشام : ج 3 ص 358 عن ابن إسحاق نحوه ، البداية والنهاية : ج 4 ص 190 .

1 / 10 باز گرداندن امانت در هر حال

10 / 1 باز گرداندن امانت در هر حال امام علی علیه السلام: از آنان مباش که ... در وقت عافیت و خوشی، امانتداری می کند و در هنگام ناخشنودی و گرفتاری، خیانت می ورزد. هرگاه عافیت یافت، می پندارد که توبه کرده است، و اگر گرفتار شود، گمان می برد که مجازات شده است.

دلایل النبوة_ به نقل از موسی بن عقبه _ بنده ای سیاه حبشی از اهالی خیبر، با گوسفندان سرورش بود. چون دید خیبریان سلاح برگرفته اند، از آنها پرسید: می خواهید چه کنید؟ گفتند: می خواهیم با این مردی که می گوید پیامبر است، بجنگیم. نام پیامبر صلی الله علیه و آله در دل آن بنده نشست و گوسفندانش را برداشت و به سوی پیامبر خدا روانه شد. چون به ایشان رسید. پرسید: تو چه می گویی و به چه می خوانی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به اسلام می خوانم و این که گواهی دهی معبودی جز خدا نیست و من، محمد فرستاده خدا هستم، و این که جز خدا را بندگی نمی کنیم». بنده گفت: اگر گواهی دادم و به خدا ایمان آوردم، چه به من می رسد؟ فرمود: «اگر بر اسلام بمیری، به بهشت خواهی رفت». آن بنده ایمان آورد. سپس گفت: ای پیامبر خدا! این گوسفندها نزد من امانت است. پیامبر خدا فرمود: «آنها را از اردوی ما بیرون ببر و در حصباء رهایشان کن. به زودی خداوند، امانت را از سوی تو [به صاحبش] باز خواهد گردان». او چنین کرد و گوسفندها به نزد صاحبشان برگشتند و یهودی دریافت که غلامش مسلمان شده است. پیامبر خدا، برخاست و مردم را پند داد و از دادن پرچم به علی و نزدیک شدنشان به قلعه و کشتن مَرَحَب سخن گفت. از مسلمانان، همان غلام سیاه کشته شد و سپاه مهاجم یهود، بازگشت. مسلمانان، پیکر بنده سیاه را به اردوگاه خود حمل کردند و به درون خیمه بردند. می گویند: پیامبر خدا، سری به خیمه زد. سپس رو به یارانش کرد و فرمود: «خداوند، این بنده سیاه را گرامی داشت و او را به خیر و سعادت کشاند. او به راستی اسلام آورد. من در بالین او، دو حور العین دیدم».

1 / 11 فضل أداء الأمانة الكتاب (وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ) . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : أَيُّهَا النَّاسُ ، اللَّهُ اللَّهُ فِي دِينِكُمْ وَأَمَانَتِكُمْ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : الشُّفَعَاءُ خَمْسَةٌ : الْقُرْآنُ ، وَالرَّحِمُ ، وَالْأَمَانَةُ ، وَنَبِيُّكُمْ ، وَأَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ . (3)

1- .المؤمنون : 8 ، المعارج : 32 .

2- .تنبيه الغافلين : ص 553 ح 898 عن عبدخير عن الإمام علي عليه السلام .

3- .المناقب لابن شهر آشوب : ج 2 ص 164 عن أبي هريرة ، بحار الأنوار : ج 8 ص 43 ح 39 ؛ كنز العمال : ج 14 ص 390 ح 39041 نقلاً عن الفردوس وكلاهما عن أبي هريرة .

1 / 11 ارزش امانتداری

11 / 1 ارزش امانتداری قرآن «و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای مردم! شما را به خدا ، شما را به خدا ، دیندار و امانتدار باشید !

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شفاعت کنندگان ، پنج کس اند : قرآن ، خویشاوند ، امانت ، پیامبرتان ، و خاندان پیامبرتان .

.

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ مَرْحُومُونَ مَا تَحَابُّوا ، وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ ، وَعَمِلُوا بِالْحَقِّ . (1)

المعجم الكبير: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : الْقَتْلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُكَفِّرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا _ أَوْ قَالَ : كُلُّ شَيْءٍ _ إِلَّا الْأَمَانَةَ . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ عَلَى دِينِي وَدِينِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَإِبْرَاهِيمَ ، فَلْيَتَزَوَّجْ إِنْ وَجَدَ إِلَى النِّكَاحِ سَبِيلًا ، وَإِلَّا فَلْيُجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، إِنْ اسْتُشْهِدَ يُزَوِّجُهُ مِنَ الْحَوَرِ الْعَيْنِ ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ يَسْعَى عَلَى وَالدِّيهِ ، أَوْ فِي أَمَانَةٍ لِلنَّاسِ عَلَيْهِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: أَقْرَبُكُمْ غَدَا مَيِّ فِي الْمَوْقِفِ ، أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ ، وَأَدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ ، وَأَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ ، وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقًا ، وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله: أَدُّوا الْأَمَانَةَ فَإِنَّمَا ذَلِكَ لَكُمْ ، وَلَا تَظْلِمُوا ، وَلَا تَدْخُلُوا فِيهَا لَا يَحِلُّ لَكُمْ ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ عَلَيْكُمْ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعٌ إِذَا كُنَّ فِيكَ ، فَلَا عَلَيْكَ مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا : حِفْظُ أَمَانَةٍ وَصِدْقُ حَدِيثٍ ، وَحُسْنُ خَلِيقَةٍ ، وَعِفَّةٌ فِي طُعْمَةٍ . (6)

1- .تاريخ اليعقوبي : ج 2 ص 95 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 350 ح 991 وفيه «ما يخافون» بدل «ماتحابوا» ، مشكاة الأنوار : ص 108 ح 244 كلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 117 ح 18 .

2- .المعجم الكبير : ج 10 ص 219 ح 10527 ، تفسير القرطبي : ج 5 ص 256 كلاهما عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج 4 ص 401 ح 11116 ؛ عوالي اللآلي : ج 1 ص 121 ح 50 عن ابن مسعود .

3- .كنز العمال : ج 77 ص 280 ح 44466 نقلًا عن ابن لال عن أم حبيبة .

4- .الأمالي للطوسي : ص 229 ح 403 عن الحسن بن زيد عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 375 ح 22 .

5- .تاريخ اليعقوبي : ج 2 ص 94 ، الكافي : ج 2 ص 457 ح 17 ، الأمالي للمفيد : ص 157 ح 8 وليس فيهما «ولا تظلموا» ، الزهد للحسين بن سعيد : ص 77 ح 33 ، مشكاة الأنوار : ص 139 ح 327 والأربعة الأخيرة عن سماعة عن الإمام الكاظم عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 69 ص 396 ح 83 .

6- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 592 ح 6664 ، شعب الإيمان : ج 4 ص 205 ح 4801 كلّها عن عبد الله بن عمرو ، المستدرک على الصحيحين : ج 4 ص 349 ح 7876 عن عبد الله بن عمر وفيه «لا يضرك» بدل «فلا عليك» ، كنز العمال : ج 15 ص 867 ح 42452 ؛ معدن الجواهر : ص 39 ، نزهة الناظر : ص 32 ح 27 وفيه «لم تبال» بدل «فلا عليك» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل زمین تا زمانی که به یکدیگر مهر بورزند، و امانتدار باشند، و به حق عمل کنند، مورد رحمت [خدا] هستند.

المعجم الكبير: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کشته شدن در راه خدا، هر گناهی را پاک می کند، بجز امانت را [که باید به صاحبش بازگردانده شود]» یا فرمود: «هر چیزی را پاک می کند».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بر کیش من و کیش داوود و سلیمان و ابراهیم علیهم السلام است، اگر امکان ازدواج برایش هست، باید ازدواج کند، وگرنه در راه خدا جهاد نماید؛ و اگر به شهادت رسید، خداوند، از حوریان بهشتی به همسری او در می آورد، مگر آن که برای [تأمین هزینه] پدر و مادرش کار کند، یا امانتی از مردم نزد او باشد [که در این دو صورت، لازم نیست به جهاد برود].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فردا [ی قیامت]، نزدیک ترین شما به من در موقف، کسی است که راستگوتر، امانتدارتر، به پیمان وفادارتر، نیک خوتر، و به مردم نزدیک تر باشد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانتدار باشید؛ زیرا این به نفع خود شماست. و ستم نکنید، و کاری را که بر شما روا نیست، انجام ندهید؛ زیرا این به زیان خود شماست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز است که اگر در تو بودند، باک مدار اگر دنیا را نداشته باشی: نگهداری از امانت، راستگویی، خوش خویی، و خودداری در خوراک.

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتَ مِنْ أَخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجُهُ: الْحَيَاءُ، وَالْأَمَانَةُ، وَالصَّدْقُ، وَإِذَا لَمْ تَرَهَا فَلَا تَرْجُهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرٌ؛ تَكُونُ فِي الرَّجُلِ وَلَا تَكُونُ فِي ابْنِهِ، وَتَكُونُ فِي الْإِبْنِ وَلَا تَكُونُ فِي أَبِيهِ، وَتَكُونُ فِي الْعَبْدِ وَلَا تَكُونُ فِي سَيِّدِهِ، يَقْسِمُهَا اللَّهُ لِمَنْ أَرَادَ بِهِ السَّعَادَةَ: صِدْقُ الْحَدِيثِ، وَصِدْقُ الْبَلَّاسِ، وَإِعْطَاءُ السَّائِلِ، وَالْمُكَافَأَةُ لِلصَّنَائِعِ، وَحِفْظُ الْأَمَانَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ، وَالتَّدَمُّمُ (2) لِلجَارِ، وَالتَّدَمُّمُ لِلصَّاحِبِ، وَإِقْرَاءُ الضَّيْفِ، وَرَأْسُهُنَّ الْحَيَاءُ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ عَبْدٍ يُعْلَمُ مِنْهُ الْحِرْصُ عَلَى آدَاءِ الْأَمَانَةِ، إِلَّا أَدَّى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ، فَإِنْ مَاتَ وَلَمْ يُؤَدِّهَا _ وَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ الْحِرْصَ عَلَى آدَائِهَا _ قَيَّضَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَنْ يُؤَدِّيها عَنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ. (4)

صحيح البخاري عن عبد الله بن عباس: أَخْبَرَنِي أَبُو سَافِيَانٍ أَنَّ هِرْقَلَ قَالَ لَهُ: سَأَلْتُكَ مَاذَا يَأْمُرُكُمْ؟ فَرَعَمْتَ أَنَّهُ أَمَرَكُمْ بِالصَّلَاةِ، وَالصَّدْقِ، وَالْعَفَافِ، وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ، وَآدَاءِ الْأَمَانَةِ. قَالَ: وَهَذِهِ صِفَةُ نَبِيِّ. (5)

- 1- كنز العمال: ج 9 ص 26 ح 24755 نقلاً عن الفردوس عن ابن عباس .
- 2- الذمة والذمام بمعنى العهد، والتدّمم للصاحب: هو أن يحفظ ذمامه، وي طرح عن نفسه ذمّ الناس له، إن لم يحفظه (النهاية: ج 2 ص 169 «ذمم»).
- 3- تاريخ دمشق: ج 61 ص 370 ح 12655 و ص 371 ح 12656، الفردوس: ج 4 ص 151 ح 6468، كنز العمال: ج 3 ص 2 ح 5129 نقلاً عن الحكيم وشعب الإيمان وكلّها عن عائشة؛ الكافي: ج 2 ص 55 ح 1 عن الحسين بن عطية عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 367 ح 17 وراجع: الجعفریات: ص 151 ومعدن الجواهر: ص 70.
- 4- كنز العمال: ج 16 ص 631 ح 46134 نقلاً عن ابن النجار عن أبي أمامة.
- 5- صحيح البخاري: ج 2 ص 952 ح 2535، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 565 ح 2370، السنن الكبرى: ج 9 ص 300 ح 18607 كلاهما نحوه وراجع: رياض الصالحين: ص 157.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه از برادرت سه خصلت دیدی، به او امیدوار باش: حیا، امانتداری، و راستگویی. و اگر اینها را ندیدی، به او امید مبیند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوی های والا ده تاست. این خوی ها، گاه در پدر هست و در فرزندش نیست، یا در فرزند هست و در پدرش نیست، یا در بنده هست و در سرورش نیست. خداوند، آنها را به هر کس که سعادتش را بخواهد، قسمت می کند: راستگویی، شهامت، دِهش به سائل، جبران کردن نیکی ها، نگهداری از امانت، صله رحم، حفظ حق و حرمت همسایه (/ پناهنده)، حفظ حق و حرمت رفیق، میهمان نوازی، و سرآمد همه اینها حیاست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست که معلوم شود در امانتداری حریص است، مگر آن که خداوند متعال از جانب او ادای امانت کند، و اگر مُرد و آن را به صاحبش برنگردانده باشد _ و خدای متعال بداند که بر پس دادن آن حریص بوده است _ خدای متعال، برایش کسی را می گمارد که پس از مرگش، آن امانت را باز گرداند.

صحیح البخاری _ به نقل از عبد الله بن عباس _ : ابو سفیان برایم نقل کرد که هرقل به او گفت: از تو پرسیدم شما را به چه چیزهایی امر می کند؟ و تو گفتی: به نماز و راستگویی و پاک دامنی و پیمانداری، و امانتداری؛ و اینها ویژگی يك پیامبر است.

الإمام علي عليه السلام: الزَّمِ الصَّدَقَ وَالْأَمَانَةَ؛ فَإِنَّهُمَا سَجِيَّةُ الْأَبْرَارِ. (1)

عنه عليه السلام: الْأَمَانَةُ فَضِيلَةٌ لِمَنْ آدَاهَا. (2)

عنه عليه السلام: الْأَمَانَةُ وَالْوَفَاءُ صِدْقُ الْأَفْعَالِ (3). (4)

عنه عليه السلام في الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : كُلُّ خُلُقٍ مِنَ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهُ يَكْسُدُ عِنْدَ قَوْمٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا الْأَمَانَةَ، فَإِنَّهَا نَافِقَةٌ عِنْدَ أَصْنَافِ النَّاسِ، يُفْضَلُ بِهَا مَنْ كَانَتْ فِيهِ. حَتَّى أَنْ الْآيَةَ إِذَا لَمْ تُنْشَفْ وَبَقِيَ مَا يَدْعُ فِيهَا عَلَى حَالِهِ لَمْ يَنْقُصْ، كَانَتْ أَكْثَرَ ثَنَاءً مِنْ غَيْرِهَا مِمَّا يُرْشَحُ أَوْ يُنْشَفُ. (5)

الإمام الصادق عليه السلام يَعْظُ أَحَدَ أَصْحَابِهِ _ : عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَحُسْنِ الْجَوَارِ، وَكَوْنُوا دُعَاءً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ السِّنْتِكُمْ، وَكَوْنُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا. (6)

-
- 1- .غرر الحكم: ج 2 ص 187 ح 2325، عيون الحكم والمواعظ: ص 83 ح 2013 وفيه «الأخيار» بدل «الأبرار» .
 - 2- .غرر الحكم: ج 1 ص 306 ح 1170، عيون الحكم والمواعظ: ص 45 ح 1117، مستدرک الوسائل: ج 14 ص 8 ح 15947.
 - 3- .في مقابل صدق الأقوال .
 - 4- .غرر الحكم: ج 2 ص 130 ح 2083 .
 - 5- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 338 ح 876 .
 - 6- .الكافي: ج 2 ص 77 ح 9، المحاسن: ج 1 ص 83 ح 50 كلاهما عن أبي أسامة، مشكاة الأنوار: ص 255 ح 752 عن أبي بصير نحوه، بحار الأنوار: ج 70 ص 299 ح 9 .

امام علی علیه السلام: پیوسته راستگو و امانتدار باش؛ زیرا این دو، خصلت نیکان است.

امام علی علیه السلام: امانتداری یک فضیلت است.

امام علی علیه السلام: امانتداری و وفاداری، راست کرداری اند.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان _ هر خویی از خوی ها در نزد گروهی از مردم، بی رونق است، بجز امانتداری که نزد همه مردم، رونق [و ارزش] دارد، و برای هر کس که از آن برخوردار باشد، مزیتی به شمار می آید. حتی ظرف هایی که نم را به خود نمی کشند و هرگاه چیزی در آنها نهاده شود، به همان حال باقی می ماند و کم نمی شود، ستودنی تر از ظرف هایی هستند که تراوش می کنند یا [مایع را] به خود می کشند.

امام صادق علیه السلام: در اندرز به یکی از یارانش _ برتو باد پرهیزگاری، و پارسایی و کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش خویی و حُسن همسایگی! مردم را با غیر زبان هایتان (یعنی با کردار) به سوی خود دعوت کنید، و مایه زیور باشید و مایه ننگ و عیب م باشید.

الأمالي للصدوق عن الحسين بن أبي العلاء عن الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، رَجُلٌ صَدَقَ فِي حَدِيثِهِ، مُحَافِظٌ عَلَى صَلَوَاتِهِ وَمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ، مَعَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ. ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَوْثَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَأَدَّاهَا فَقَدْ حَلَّ أَلْفَ عُقْدَةٍ مِنْ عُنُقِهِ مِنْ عُقْدِ النَّارِ، فَبَادِرُوا بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ فَإِنَّ مَنْ أَوْثَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسُ مِثَّةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرَدَةِ أَعْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَيُوسِسُوا إِلَيْهِ حَتَّى يَهْلِكَوهُ، إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (1)

الإمام الكاظم عليه السلام: رَأْسُ السَّخَاءِ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ. (2)

1 / 12 التَّحْذِيرُ مِنَ الْإِسْتِهَانَةِ بِالْأَمَانَةِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَقَعَ فِي الْخِيَانَةِ. (3)

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ، وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ، وَلَمْ يَنْزِهِ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا، فَقَدْ أَحْلَى بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَالْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا، وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَأَخْزَى. (4)

عنه عليه السلام: مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ لَمَّا قَدِمَ عَلَيْهِ عَامِلَةٌ عَلَى الْيَمَنِ بَعْدَ اسْتِيلَاءِ بُسْرِ بْنِ أَرْطَاةَ عَلَيْهَا: أُنِيتُ بُسْرًا قَدْ أَطْلَعَ الْيَمَنَ، وَإِنِّي وَاللَّهِ لَأُظُنُّ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ سَيُدَالُونَ مِنْكُمْ (5) بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ، وَتَقَرُّفِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ، وَبِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ، وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ، وَبِأَدَائِهِمْ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ، وَبَصَدِّ لَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَفَسَادِكُمْ، فَلَوْ اتَّيَمَنْتُمْ أَحَدَكُمْ عَلَى قَعْبٍ (6) لَخَشِيتُ أَنْ يَذْهَبَ بِعِلَاقَتِهِ (7). (8)

1- الأمالي للصدوق: ص 371 ح 467، الاختصاص: ص 242، روضه الواعظين: ص 408، بحار الأنوار: ج 75 ص 116 ح 13.

2- نزهة الناظر: ص 190 ح 406.

3- غرر الحكم: ج 5 ص 333 ح 8616.

4- نهج البلاغة: الكتاب 26، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 201 نحوه، بحار الأنوار: ج 96 ص 92 ح 9.

5- الإدالة: الغلبة، يقال: أَدِيلُ لَنَا عَلَى أَعْدَانَا، أَيِ نُصَرِّنَا عَلَيْهِمْ، وَنُدَالُ عَلَيْهِ وَيَدَالُ عَلَيْنَا أَيِ: نَغْلِبُهُ مَرَّةً وَيَغْلِبُنَا أُخْرَى (النهاية: ج 2 ص 141 «دول»).

6- القعب: قدح من خشب مقعر (الصحيح: ج 1 ص 205 «قعب»).

7- العِلاقَةُ _ بالكسر _ : المِعلق الذي يعلَّقُ به الإِناء (لسان العرب: ج 10 ص 265 «علق»).

8- نهج البلاغة: الخطبة 25 وراجع: الغارات: ج 2 ص 636.

1 / 12 نهی از اهمیّت ندادن به امانت

الأمالی، صدوق_ به نقل از حسین بن ابی العلاء _ : امام صادق علیه السلام فرمود : «محبوب ترین بندگان در نزد خداوند عز و جل مردی است که در سخنش راستگو باشد، نمازهایش و آنچه را خدا بر او واجب کرده است، پاس بدارد، و امانتدار باشد». سپس فرمود : «هر کس به او امانتی سپرده شود و آن را به صاحبش بازگرداند، هزار گره از گره های آتش را از گردنش باز کرده است. پس در ردّ امانت بکوشید؛ زیرا کسی که امانتی به او سپرده شود، ابلیس، صد اهریمن از نوچه هایش را بر او می گمارد که گم راهش سازند و وسوسه اش کنند تا او را به نابودی بکشانند، مگر کسی که خداوند عز و جل او را نگه دارد».

امام کاظم علیه السلام : سرآمد سخاوت، بازگرداندن امانت است.

1 / 12 نهی از اهمیّت ندادن به امانت امام علی علیه السلام : کسی که به امانت اهمیّت ندهد، به خیانت می افتد.

امام علی علیه السلام : هر کس به امانت اهمیّت ندهد و گرد خیانت بچرخد، و خودش را و دینش را از آن به دور ندارد، خواری و رسوایی در دنیا را برای خود بخرد، و در آخرت، خوارتر و رسواتر باشد.

امام علی علیه السلام_ از خطبه ایشان پس از آن که بُسر بن اَراط، یمن را تصرف کرد و دو کارگزار ایشان در یمن، نزد او آمدند _ : به من خبر داده شده که بُسر بر یمن چیره شده است. به خدا سوگند که گمان می کنم این جماعت، به زودی بر شما نیز چیره آیند؛ زیرا آنها بر باطل خود هم داستان اند و شما با آن که بر حقّید، پراکنده اید. شما پیشوای بر حقّان را، نافرمانی می کنید، و آنها پیشوای باطلشان را فرمان می برند. آنها با رهبر خود امانتدارند و شما خیانت می ورزید. آنها در سرزمین خود، اهل صلاح و درستی هستند و شما اهل تباهی؛ به طوری که اگر [حتّی] قدحی چوبین نزد یکی از شما به امانت بگذارم، می ترسم که بند آویز آن را ببرد».

تهذيب الأحكام عن إسحاق: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَبْعَثُ إِلَى الرَّجُلِ يَقُولُ لَهُ: ائْتِ لِي ثَوْبًا، فَيَطْلُبُ لَهُ فِي السُّوقِ، فَيَكُونُ عِنْدَهُ مِثْلُ مَا يَجِدُ لَهُ فِي السُّوقِ، فَيُعْطِيهِ مِنْ عِنْدِهِ؟ قَالَ: لَا يَقْرُبَنَّ هَذَا وَلَا يُدَنِّسْ نَفْسَهُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (1)، وَإِنْ كَانَ عِنْدَهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجِدُ لَهُ فِي السُّوقِ فَلَا يُعْطِيهِ مِنْ عِنْدِهِ. (2)

الكافي عن معاوية بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَكُونُ لِي عَلَيْهِ الْحَقُّ فَيَجْحَدُنِي، ثُمَّ يَسْتَوْدِعُنِي مَالًا، أَلِي أَنْ أَخْذَ مَا لِي عِنْدَهُ؟ قَالَ: لَا، هَذِهِ خِيَانَةٌ. (3)

1- .الأحزاب : 72.

2- .تهذيب الأحكام : ج 6 ص 352 ح 999، بحار الأنوار : ج 60 ص 281.

3- .الكافي : ج 5 ص 98 ح 2، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 197 ح 438، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 186 ح 3697، وسائل الشيعة : ج 12 ص 205 ح 22507.

تهذيب الأحكام_ به نقل از اسحاق _ : از امام صادق عليه السلام پرسیدم : مردی به دیگری پیغام می دهد و می گوید : «برایم جامه ای خریداری کن» ، و او برای خرید جامه به بازار می رود ؛ اما خودش مانند جامه ای که در بازار می یابد ، دارد . آیا جامه ای را که خودش دارد به او بدهد؟ امام عليه السلام فرمود : «هرگز نزدیک این کار نشود و خودش را آلوده نسازد . خداوند عز و جلمی فرماید : «ما امانت را به آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم ؛ لیکن آنها از پذیرفتش سر باز زدند و از آن ترسیدند ، و انسان ، آن را پذیرفت ، که او ستمکار و نادان بود» . حتی اگر آنچه خودش دارد ، بهتر از آن چیزی بود که در بازار برایش به دست می آورد ، باز آنچه را خودش دارد ، نباید به او بدهد» .

الكافی_ به نقل از معاوية بن عمار _ : به امام صادق عليه السلام گفتم : مردی دینی به من دارد و انکارش می کند . سپس مالی را به من امانت می سپارد . آیا حق دارم طلب خود را از آن بردارم؟ فرمود : «خیر . این ، خیانت [در امانت] است» .

الفصل الثاني : موجبات الأمانة 2 / 1 صدق الإيمان الكتاب «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : أداء الحقوق وحفظ الأمانات ، ديني ودين النبيين من قبلي . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : إِنَّ الْأَمَانَةَ وَالْوَفَاءَ نَزَلَا عَلَى ابْنِ آدَمَ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ فَأَرَسَ لِمَوَاهِبِهِ ، فَمِنْهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ، وَمِنْهُمْ نَبِيٌّ ، وَمِنْهُمْ نَبِيٌّ رَسُولٌ . نَزَلَ الْقُرْآنُ وَهُوَ كَلَامُ اللَّهِ ، وَنَزَلَتِ الْعَرَبِيَّةُ وَالْعَجَمِيَّةُ ، فَعَلِمُوا أَمْرَ الْقُرْآنِ ، وَعَلِمُوا أَمْرَ السُّنَنِ بِالسُّنَنِ ، وَلَمْ يَدْعِ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِهِ مِمَّا يَأْتُونَ وَمِمَّا يَجْتَنِبُونَ - وَهِيَ الْحُجْبُ عَلَيْهِمْ - إِلَّا بَيْنَهُ لَهُمْ ، فَلَيْسَ أَهْلُ لِسَانٍ إِلَّا وَهُمْ يَعْرِفُونَ الْحَسَنَ مِنَ الْقَبِيحِ . ثُمَّ الْأَمَانَةُ أَوَّلُ شَيْءٍ يُرْفَعُ وَيَبْقَى أَثَرُهَا فِي جُذُورِ قُلُوبِ النَّاسِ ، ثُمَّ يُرْفَعُ الْوَفَاءُ وَالْعَهْدُ وَالذَّمُّ وَتَبْقَى الْكُتُبُ ، فَعَالِمٌ يَعْمَلُ ، وَجَاهِلٌ يَعْرِفُهَا وَيُنْكِرُهَا ، حَتَّى وَصَلَ إِلَيَّ وَإِلَى أُمَّتِي ، فَلَا يَهْلِكُ عَلَى اللَّهِ إِلَّا هَالِكٌ ، وَلَا يُغْفَلُ إِلَّا تَارِكٌ . (3)

1- .المؤمنون : 1 و 8 .

2- .تاريخ بغداد : ج 12 ص 424 الرقم 6870 عن ابن عباس ، كنز العمال : ج 1 ص 480 ح 2095 .

3- .تفسير الطبري : ج 12 الجزء 22 ص 55 عن الحكم بن عمرو ، تفسير ابن كثير : ج 6 ص 479 .

فصل دوم : موجبات امانتداری

2 / 1 ایمان حقیقی

فصل دوم : موجبات امانتداری 2 / 1 ایمان حقیقیقرآن «به راستی که مؤمنان ، رستگار شدند ... و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :گزاردن حقوق و نگهداری امانت ها ، دین من و دینِ پیامبران پیش از من است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانت و وفا ، به واسطه پیامبران بر فرزند آدم نازل شد ، و آنها برای این فرستاده شدند . برخی از ایشان ، فرستاده خدا هستند ، برخی پیامبر ، و برخی پیامبرِ فرستاده . قرآن که سخن خداست ، فرود آمد . زبان عربی و غیر عربی فرود آمدند . پس مردم ، قرآن را و سنت ها را با زبان های خویش دانستند ، و خداوند ، هر آنچه مردم می باید انجام دهند یا انجام ندهند _ و اینها خود ، حجت بر آنهاست _ بر ایشان بیان فرمود . پس اهل هیچ زبانی نیست ، مگر آن که نیک را از بد ، باز می شناسند . سپس امانت ، نخستین چیزی است که [به آسمان] بالا- برده می شود (از میان مردم رخت بر می بندد) و نشان آن در اعماق دل های مردم می ماند . سپس وفاداری و پیمان و مسئولیت ها بالا برده می شوند و [تنها] نوشته ها [یی از آنها] باقی می مانند . پس ، عالمی عمل می کند ، و نادانی [با آن که] آنها را می داند و انکارشان می کند ، تا آن که به من و به امت من رسید . پس نزد خدا هلاک نشود مگر آن که هلاک شدنی است ، و تنها ترك کنندگان از او غفلت می کنند .

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا أُبَيِّنُكُمْ بِالْمُؤْمِنِ؟ مَنْ اتَّيَمَّنَهُ الْمُؤْمِنُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَكَثْرَةِ الْحَجِّ، وَالْمَعْرُوفِ، وَطَنَظَنَّتِهِمْ بِاللَّيْلِ (2)، وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: فِي بَيَانِ خِصَالِ الْمُؤْمِنِ - أَمِيناً عَلَى الْأَمَانَاتِ، بَعِيداً مِنَ الْخِيَانَاتِ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ أَكْمَلُ إِيْمَانُهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ خَطَايَا: الصَّدْقُ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَالْحَيَاءُ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (5)

عنه صلى الله عليه وآله: لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ. (6)

1- الكافي: ج 2 ص 235 ح 19 عن سليمان بن خالد عن الإمام الباقر عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 85 ح 167 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، المحاسن: ج 1 ص 444 ح 1030 عن أبي النعمان عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «وامورهم» بدل «انفسهم»، بحار الأنوار: ج 67 ص 302 ح 31.

2- الطنطنة: كثرة الكلام والتصويت به. والطنطنة: الكلام الخفي. (لسان العرب: ج 13 ص 268 «طنن»).

3- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 51 ح 197 عن أحمد بن محمد الهمداني عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، الكافي: ج 2 ص 104 ح 2 عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، الأمالي للصدوق: ص 379 ح 481 عن إبراهيم بن محمد عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص: ص 229 بزيادة «الزكاة» بعد «الحج»، جامع الأخبار: ص 268 ح 726 عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 75 ص 114 ح 5 وراجع: كنز العمال: ج 3 ص 677 ح 8435.

4- التمهيص: ص 74 ح 171، بحار الأنوار: ج 67 ص 310 ح 45.

5- التمهيص: ص 67 ح 158 عن الإمام علي عليه السلام، الكافي: ج 2 ص 99 ح 3، الأمالي للطوسي: ص 44 ح 51 كلاهما عن أبي ولاد الحنات عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 350 ح 990 عن أبي ولاد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 71 ص 374 ح 3.

6- السنن الكبرى: ج 4 ص 163 ح 7281، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 7 ص 211 ح 2 كلاهما عن أنس، المعجم الكبير: ج 8 ص 195 ح 7798 عن أبيامامة، شعب الإيمان: ج 4 ص 320 ح 5254 عن ثوبان، كنز العمال: ج 3 ص 62 ح 5501.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آیا شما را از مؤمن خبر ندهم؟ مؤمن، کسی است که مؤمنان، او را بر جان و مال خود امین بدانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بسیاری نماز و روزه و حج و بخشش و زمزمه های شبانه آنها نگاه مکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری شان بنگرید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در بیان منش های مؤمن: در امانت ها امین، و از خیانت ها به دور است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار خصلت اند که در هر که باشند، ایمانش کامل است، اگر چه از سر تا پایش گناه باشد: راستگویی، امانتداری، حیا، و خوش خویی.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد.

.

مسند ابن حنبل عن أنس: ما خَطَبَنَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا قَالَ: لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. (1)

الإمام علي عليه السلام: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَطَلَعَ عَلَيْنَا رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعَالِيَةِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْبِرْنِي بِأَشَدِّ شَيْءٍ فِي هَذَا الدِّينِ وَالْيَنِيهِ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَلَيْبُهُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. وَأَشَدُّهُ - يَا أَخَا الْعَالِيَةِ - الْأَمَانَةُ، إِنَّهُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ. (2)

عنه عليه السلام: مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ لَا إِيْمَانَ لَهُ. (3)

عنه عليه السلام: لَيْسَ الْمُسْلِمُ بِالْخَائِنِ إِذَا اتَّيَمَّنَ، وَلَا بِالْمُخْلِفِ إِذَا وَعَدَ، وَلَا بِالْكَذَّابِ إِذَا نَطَقَ. (4)

عنه عليه السلام: أَدَّ الْأَمَانَةَ إِذَا اتَّيَمَّنْتَ، وَلَا تَتَّهِمْ غَيْرَكَ إِذَا اتَّيَمَّنْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ. (5)

عنه عليه السلام: الْأَمَانَةُ إِيْمَانٌ. (6)

- 1- .مسند ابن حنبل: ج 4 ص 271 ح 12386، السنن الكبرى: ج 6 ص 471 ح 12690، المعجم الأوسط: ج 3 ص 98 ح 2606، كنز العمال: ج 3 ص 678 ح 8439؛ الجعفریات: ص 36 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، النوادر للراوندي: ص 91 ح 27 عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وليس فيهما صدره، بحار الأنوار: ج 72 ص 198 ح 26.
- 2- .مسند البزار: ج 3 ص 61 ح 819 عن أبي الجنوب، كنز العمال: ج 3 ص 677 ح 8438.
- 3- .غرر الحكم: ج 5 ص 191 ح 7932 و ج 6 ص 403 ح 10789 نحوه، عيون الحكم والمواعظ: ص 424 ح 7180 وص 541 ح 10052 نحوه.
- 4- .الأمالی للمفيد: ص 234 ح 5، الأمالی للطوسي: ص 11 ح 13 كلاهما عن الأصمغ بن نباتة، وقعة صفين: ص 224 عن أبي سنان الأسلمي، بحار الأنوار: ج 32 ص 464 ح 402؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 5 ص 181 عن أبي سنان عن أبيه.
- 5- .غرر الحكم: ج 2 ص 207 ح 2395، عيون الحكم والمواعظ: ص 77 ح 1864، مستدرک الوسائل: ج 14 ص 21 ح 15997.
- 6- .غرر الحكم: ج 1 ص 13 ح 18، عيون الحكم والمواعظ: ص 18 ح 46.

مسند ابن حنبل - به نقل از آنس - : پیامبر خدا ، هیچ گاه برای ما خطبه نخواند ، مگر آن که [در آن] فرمود : «ایمان ندارد آن که امانتدار نباشد ، و دین ندارد آن که به پیمانانش وفادار نباشد» .

امام علی علیه السلام : با پیامبر خدا نشسته بودیم که مردی از اهالی عالیه (1) وارد شد و گفت : ای پیامبر خدا! مرا از سخت ترین و آسان ترین چیز در این دین ، خبر دهید . فرمود : «آسان ترینش گواهی دادن به این است که معبودی جز خدا نیست ، و محمد ، بنده و فرستاده اوست . و سخت ترینش - ای عالیه نشین - امانتداری است . آن را که امانتداری نیست ، دین نیست» .

امام علی علیه السلام : آن را که امانتداری نیست ، ایمان نیست .

امام علی علیه السلام : مسلمان ، هر گاه امانتی به او سپرده شود ، خیانت نمی کند ، و هرگاه وعده دهد ، خُلف وعده نمی کند ، و هرگاه سخن بگوید ، دروغ نمی گوید .

امام علی علیه السلام : هر گاه به تو امانتی سپرده شد ، آن را برگردان ، و هرگاه به کسی امانت سپردی [و امینش شمردی] ، او را [به خیانت] متهم مکن ؛ زیرا ایمان ندارد کسی که امانتدار نیست .

امام علی علیه السلام : امانتداری ، ایمان است .

1- .ظاهرا مقصود ، منطقه بالای مدینه است ؛ یعنی جایی که وادی لطمان از آن جا می آید . امروزه به این منطقه «عوالی» می گویند (فرهنگ علوم جغرافیایی - تاریخی در حدیث و سیره ، محمد محمد حسن شراب ، ترجمه : حمیدرضا شیخی) .

عنه عليه السلام: عَلَى الصَّدَقِ وَالْأَمَانَةِ مَبْنَى الْإِيمَانِ . (1)

عنه عليه السلام: رَأْسُ الْإِيمَانِ الْأَمَانَةُ . (2)

عنه عليه السلام: رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ . (3)

عنه عليه السلام: أَصْلُ الدِّينِ ، أَدَاءُ الْأَمَانَةِ ، وَالْوَفَاءُ بِالْعُهُودِ . (4)

عنه عليه السلام: عِبَادَ اللَّهِ ، اِفْرَعُوا إِلَى قِوَامِ دِينِكُمْ بِإِقَامِ الصَّلَاةِ لَوَقْتِهَا . وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ فِي حِينِهَا ... وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِذَا اتُّمِنْتُمْ . (5)

عنه عليه السلام: كَانَ الرَّسُولُ إِلَيْكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ ، بِلِسَانِكُمْ ... فَعَلَّمَكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ، وَالْفَرَائِضَ وَالسُّنَّةَ ، وَأَمَرَكُم بِصِلَةِ أَرْحَامِكُمْ ، وَحَقِّنَ دِمَائِكُمْ ، وَصَلَحَ ذَاتَ الْبَيْنِ ، وَأَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا ، وَأَنْ تَوْفُوا بِالْعَهْدِ . (6)

عنه عليه السلام: مَنْ عَمِلَ بِالْأَمَانَةِ ، فَقَدْ أَكْمَلَ الدِّيَانَةَ . (7)

عنه عليه السلام: أَفْضَلُ الْإِيمَانِ الْأَمَانَةُ ، أَقْبَحُ الْأَخْلَاقِ الْخِيَانَةُ . (8)

عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْأَمَانَةِ ؛ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ دِيَانَةٍ . (9)

-
- 1- .غرر الحكم : ج 4 ص 318 ح 6198 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 328 ح 5636 .
 - 2- .غرر الحكم : ج 4 ص 53 ح 5261 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 263 ح 4793 .
 - 3- .غرر الحكم : ج 4 ص 47 ح 5226 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 264 ح 4805 .
 - 4- .غرر الحكم : ج 2 ص 42 ح 1762 .
 - 5- .تحف العقول : ص 153 ، الغارات : ج 2 ص 635 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 294 ح 2 ؛ الإمامة والسياسة : ج 1 ص 70 نحوه .
 - 6- .الغارات : ج 1 ص 303 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 567 ح 722 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 6 ص 94 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه .
 - 7- .غرر الحكم : ج 5 ص 448 ح 9117 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 425 ح 7191 .
 - 8- .غرر الحكم : ج 2 ص 380 ح 2905 و ص 381 ح 2906 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 117 ح 2621 و ص 118 ح 2622 .
 - 9- .غرر الحكم : ج 4 ص 290 ح 6109 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 333 ح 5675 .

امام علی علیه السلام: بنای ایمان، بر راستی و امانتداری استوار است.

امام علی علیه السلام: سرلوحه (اوج) ایمان، امانتداری است.

امام علی علیه السلام: سرلوحه (اوج) اسلام، امانتداری است.

امام علی علیه السلام: بنیاد دین، امانتداری و وفای به پیمان هاست.

امام علی علیه السلام: ای بندگان خدا! با خواندن نماز در وقتش، و پرداختن زکات در هنگامش ... و پس دادن امانتی که به شما سپرده شده است، دیتان را برپا و استوار دارید.

امام علی علیه السلام: پیامبری که به سوی شما آمد، از خودتان و با زبان خودتان بود ... او کتاب و دانایی، و واجبات و مستحبات را به شما آموخت، و به رسیدگی به خویشاوندانتان، و حفظ خون هایتان، و آشتی با یکدیگر، و باز گرداندن امانت ها به صاحبانشان، و وفا کردن به پیمان، فرمانتان داد.

امام علی علیه السلام: کسی که امانتداری کند، دینداری را به کمال رسانیده است.

امام علی علیه السلام: برترین [مرتبه] ایمان، امانتداری است، و زشت ترین خوی، خیانت است.

امام علی علیه السلام: امانتدار باش، که امانتداری، برترین دینداری است.

عنه عليه السلام: مَنْ صَحَّتْ دِيانَتُهُ ، قَوِيَتْ أَمَانَتُهُ . (1)

عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الدِّينِ الْأَمَانَةُ . (2)

عنه عليه السلام: صِحَّةُ الْأَمَانَةِ عُنْوَانُ حُسْنِ الْمُعْتَقَدِ . (3)

عنه عليه السلام: إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عِلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا: صِدْقُ الْحَدِيثِ ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ ، وَوَفَاءُ بِالْعَهْدِ ، وَصِلَةُ الْأَرْحَامِ ، وَرَحْمَةُ الضُّعَفَاءِ ، وَقِلَّةُ الْمُرَاقَبَةِ لِلنِّسَاءِ _ أَوْ قَالَ: قِلَّةُ الْمَوَاتَةِ لِلنِّسَاءِ _ وَبَذَلُ الْمَعْرُوفِ ، وَحُسْنُ الْخُلُقِ ، وَسَعَةِ الْخُلُقِ ، وَاتِّبَاعُ الْعِلْمِ وَمَا يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ زُلْفَى ، طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام: الْإِيمَانُ هُوَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ ، وَاجْتِنَابُ جَمِيعِ الْكِبَائِرِ ، وَهُوَ مَعْرِفَةُ الْقَلْبِ ، وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ ، وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: لَنْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ حَتَّى تَكُونُوا مُؤْتَمِنِينَ ، وَحَتَّى تَعُدُّوا نِعْمَةَ الرَّخَاءِ مُصِيبَةً ؛ وَذَلِكَ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى الْبَلَاءِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ عِنْدَ الرَّخَاءِ . (6)

عنه عليه السلام: الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ يَدِهِ وَلِسَانِهِ ، وَالْمُؤْمِنُ مَنْ انْتَمَنَهُ النَّاسُ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ . (7)

-
- 1- غرر الحكم: ج 5 ص 210 ح 8021 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 431 ح 7399 .
 - 2- غرر الحكم: ج 3 ص 323 ح 4594 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 208 ح 4165 .
 - 3- غرر الحكم: ج 4 ص 199 ح 5816 ، عيون الحكم والمواعظ: ص 301 ح 5337 .
 - 4- الكافي: ج 2 ص 239 ح 30 ، صفات الشيعة: ص 126 ح 66 كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام ، الخصال ص 483 ح 56 عن أبي بصير عن الإمام الباقر عليه السلام كلاهما نحوه ، بحار الأنوار: ج 69 ص 364 ح 1 .
 - 5- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 125 ح 1 عن الفضل بن شاذان ، بحار الأنوار: ج 68 ص 262 ح 20 .
 - 6- صفات الشيعة: ص 110 ح 53 عن زيد ، مشكاة الأنوار: ص 481 ح 1599 عن عمار بن مروان عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «البلاء نعمه والرخاء مصيبة» بدل «نعمه الرخاء مصيبة» ، بحار الأنوار: ج 82 ص 129 ح 6 .
 - 7- معاني الأخبار: ص 239 ح 1 ، بحار الأنوار: ج 75 ص 51 ح 3 .

امام علی علیه السلام: کسی که دینش درست باشد، امانتداری اش قوی است .

امام علی علیه السلام: میوه دین، امانتداری است .

امام علی علیه السلام: درستی در امانت، نشانه نیکویی عقیدت است .

امام علی علیه السلام: دینداران را نشانه هایی است که با آنها شناخته می شوند: راستگویی، بازگرداندن امانت، وفای به عهد، پیوند با خویشاوندان، مهربانی با ناتوانان [و تهی دستان]، کم نگریستن به زنان (/ کم نزدیکی کردن با زنان)، نیکی کردن، خوش خویی، گشاده خویی، پیروی از دانش، و آنچه به خدای عز و جل نزدیک می گرداند. خوشا به حال اینان و چه سرانجام خوبی دارند!

امام رضا علیه السلام: ایمان، بازگرداندن امانت است، و دوری کردن از همه گناهان بزرگ، و شناختِ با دل، و اقرار به زبان، و عمل کردن .

امام صادق علیه السلام: شما هرگز مؤمن نخواهید بود مگر آن گاه که امانتدار باشید، و مگر آن گاه که نعمتِ آسایش و رفاه را مصیبت شمارید؛ چرا که شکیبایی در برابر بلا و گرفتاری، برتر از عافیت در هنگام آسایش و رفاه است .

امام صادق علیه السلام: مسلمان، کسی است که مردم از دست و زبانِ او به سلامت باشند؛ و مؤمن، کسی است که مردم، او را بر مال و جان خود امین شمارند .

عنه عليه السلام : لا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسُجُودِهِ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ ، فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَلَكِنْ اَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ . (1)

الاختصاص عن صفوان بن مهران الجمال عن الإمام الصادق عليه السلام ، قال : قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي : يَا صَفْوَانُ ، هَلْ تَدْرِي كَمْ بَعَثَ اللَّهُ مِنْ نَبِيِّ ، قَالَ : قُلْتُ : مَا أَدْرِي . قَالَ : بَعَثَ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ ، وَمِثْلَهُمْ أَوْصِيَاءُ ، بِصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ ، وَالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا ، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا خَيْرًا مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَلَا وَصِيًّا خَيْرًا مِنْ وَصِيِّهِ . (2)

الإمام الباقر عليه السلام : مِنْ آدَابِ الْمُؤْمِنِ حِفْظُ الْأَمَانَةِ . (3)

2 / 2 ولاية أهل البيت عليهم السلام رسول الله صلى الله عليه وآله : لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : لَيْسَ مِنَّا مَنْ يُحَقِّرُ الْأَمَانَةَ ، _ يَعْنِي يَسْتَهْلِكُهَا إِذَا اسْتَوْدَعَهَا _ . (5)

الإمام الباقر عليه السلام _ لِجَابِرٍ _ : وَاللَّهِ ، مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ ، وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ _ يَا جَابِرُ _ إِلَّا بِالتَّوَضُّعِ وَالتَّخَشُّعِ ، وَالْأَمَانَةِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ اللَّهِ ، وَالصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ ، وَالْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ ، وَالتَّعَاهُدِ لِلْجِيرَانِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَأَهْلِ الْمَسْكَنَةِ وَالْغَارِمِينَ (6) وَالْأَيْتَامِ ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ ، وَكَفِّ الْأَلْسُنِ عَنِ النَّاسِ ، إِلَّا مِنْ خَيْرٍ ، وَكَانُوا أَمْنَاءَ عَشَائِرِهِمْ فِي الْأَشْيَاءِ . (7)

1- .الكافي : ج 2 ص 105 ح 12 ، بحار الأنوار : ج 71 ص 8 ح 10 .

2- .الاختصاص : ص 263 ، بحار الأنوار : ج 16 ص 352 ح 35 .

3- .أعلام الدين : ص 118 .

4- .الكافي : ج 5 ص 133 ح 7 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، مشكاة الأنوار : ص 108 ح 246 وفيه «خان» بدل «أخلف» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 172 ح 14 .

5- .الاختصاص : ص 248 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 172 ح 13 .

6- .الغارمين : يعني الذين علاهم الدين ولا يجدون القضاء (مجمع البحرين : ج 2 ص 1316 «غرم») .

7- .الكافي : ج 2 ص 74 ح 3 ، الأمالي للطوسي : ص 735 ح 1535 ، صفات الشيعة : ص 90 ح 22 كلُّها عن جابر ، تحف العقول : ص 295 وفيهما «وأداء الأمانة» بدل «والأمانة» ، بحار الأنوار : ج 78 ص 175 ح 28 .

2 / 2 پیروی از اهل بیت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام: به رکوع و سجده‌های طولانی شخص منگرید؛ زیرا این، چیزی است که به آن عادت کرده است و اگر آن را ترك گوید، احساس دلگیری می‌کند؛ بلکه به راستگویی و امانتداری او بنگرید.

الاختصاص_ به نقل از صفوان بن مهران جمّال _ : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «ای صفوان! آیا می‌دانی خداوند چند پیامبر فرستاده است؟». گفتم: نمی‌دانم. فرمود: «خداوند، یکصد و چهل و چهار هزار پیامبر فرستاد و همین اندازه، وصیّ [پیامبر] قرار داد، که همگی به راستگویی و امانتداری و زهد به دنیا فرا می‌خواندند، و خداوند، پیامبری بهتر از محمد صلی الله علیه و آله و وصی ای بهتر از وصیّ او نفرستاده است».

امام باقر علیه السلام: یکی از خصلت‌های مؤمن، حفظ امانت است.

2 / 2 پیروی از اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ما نیست کسی که در امانت، خیانت کند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ما نیست کسی که امانت را کوچک شمارد؛ یعنی امانتی را که به او سپرده شود، تباه سازد.

امام باقر علیه السلام_ به جابر _ : به خدا سوگند، شیعه ما نیست، مگر کسی که از خدا بترسد و فرمانش برد. ای جابر! ایشان شناخته نمی‌شوند، جز با فروتنی و خشوع، و امانتداری، و بسیاری یاد خدا، و روزه و نماز، و خوش رفتاری با پدر و مادر، و رسیدگی به همسایگان تهی دست و مستمند و بدهکار و یتیمان، و راستگویی، و تلاوت قرآن، و باز داشتن زبان از مردم، مگر آن که به نیکی از آنان یاد کند. آنان (شیعیان)، امانتدارِ عشیره خود هستند.

دعائم الإسلام: رُوينا عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام أنَّ نَفَرًا أَتَوْهُ مِنَ الْكُوفَةِ مِنْ شِيعَتِهِ يَسْمَعُونَ مِنْهُ، وَيَأْخُذُونَ عَنْهُ، فَأَقَامُوا بِالْمَدِينَةِ مَا أَمَكْنَهُمُ الْمَقَامُ، وَهُمْ يَخْتَلِفُونَ إِلَيْهِ، وَيَتَرَدَّدُونَ عَلَيْهِ، وَيَسْمَعُونَ مِنْهُ، وَيَأْخُذُونَ عَنْهُ، فَلَمَّا حَضَرَهُمْ الْإِنْصِرَافُ وَوَدَّعُوهُ، قَالَ لَهُ بَعْضُهُمْ: أَوْصِنَا يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ: أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعَاصِيهِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ لِمَنْ ائْتَمَنَكُمْ، وَحُسْنِ الصَّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبْتُمُوهُ، وَأَنْ تَكُونُوا لَنَا دُعَاءً صَامِتِينَ. فَقَالُوا: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَكَيْفَ نَدْعُو إِلَيْكُمْ وَنَحْنُ صُمُوتٌ؟ قَالَ: تَعْمَلُونَ مَا أَمَرْنَاكُمْ بِهِ مِنَ الْعَمَلِ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَتَتَنَاهَوْنَ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ، وَتُعَامِلُونَ النَّاسَ بِالصِّدْقِ وَالْعَدْلِ، وَتُؤَدُّونَ الْأَمَانَةَ، وَتَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ، وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَلَا يَطْلُعُ النَّاسُ مِنْكُمْ إِلَّا عَلَى خَيْرٍ، فَإِذَا رَأَوْا مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْفُلَانِيَّةُ، رَحِمَ اللَّهُ فُلَانًا، مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ، وَعَلِمُوا فَضْلَ مَا كَانَ عِنْدَنَا، فَسَارَعُوا إِلَيْهِ، أَشْهَدُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ - لَقَدْ مَدَّ مِعْتَهُ يَقُولُ: كَانَ أَوْلِيَاؤُنَا وَشِيعَتُنَا فِيمَا مَضَى خَيْرَ مَنْ كَانُوا فِيهِ، إِنْ كَانَ إِمَامٌ مَسْجِدٍ فِي الْحَيِّ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ مُؤَدِّنٌ فِي الْقَبِيلَةِ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ صَاحِبٌ وَدِيعَةٍ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ صَاحِبُ أَمَانَةٍ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ عَالِمٌ مِنَ النَّاسِ يَقْصِدُونَهُ لِدِينِهِمْ وَمَصَالِحِ أُمُورِهِمْ كَانَ مِنْهُمْ، فَكُونُوا أَنْتُمْ كَذَلِكَ، حَبِّبُوا إِلَى النَّاسِ وَلَا تُبْغِضُوا إِلَيْهِمْ. (1)

دعائم الإسلام: از ابو عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام برايمان روايت شده است که عده ای از شيعيان آن حضرت از کوفه نزد او آمدند تا از ایشان، حديث بشنوند و دانش بگيرند. آنها مدتی در مدینه ماندند و به محضر امام عليه السلام آمد و شد و تردد داشتند و حديث می شنيدند و از ایشان، دانش می اندوختند. چون زمان رفتنشان فرا رسيد و برای خداحافظی به حضور ایشان رسيدند، یکی از آنها گفت: ای پسر پیامبر خدا! ما را سفارش کن. فرمود: «سفارش می کنم شما را به پرواداری از خدا، و فرمان برداری از او، و دوری کردن از نافرمانی او، و باز گرداندن امانت به کسی که امانت به شما سپرده است، و خوش رفتاری با کسی که با او هم نشینی می کنید، و این که دعوتگرانی خاموش باشید». گفتند: ای پسر پیامبر خدا! چگونه با سکوت خویش، به شما دعوت کنیم؟ فرمود: «به آنچه شما را فرمان می دهیم، یعنی اطاعت از خدا، عمل کنید، و از نافرمانی خدا، باز ایستید، و با مردم، به راستی و داد رفتار کنید، امانتدار باشید، امر به معروف و نهی از منکر کنید، و مردم از شما جز خوبی نبینند. پس هرگاه شما را چنین دیدند، می گویند: اینان، پیروان فلانی اند. رحمت خدا بر فلانی (جعفر بن محمد) که چه نیکو یارانش را تربیت کرده است و به حقانیت ما پی می برند، و به سوی آن می شتابند. گواهی می دهیم که از پدرم محمد بن علی _ که خشنودی و رحمت و برکات خدا بر او باد _ شنيدم که می فرمود: پیروان و شيعيان ما در گذشته، بهترین مردمان بودند. اگر امام جماعت مسجد محله ای بود، از آنان بود، اگر در قبیله مؤذنی بود، از آنان بود، اگر کسی بود که به او چیزی می سپردند، از آنان بود، اگر امانتداری بود، از آنان بود، و اگر در میان مردم، عالمی بود که در امور دین و مصالح زندگی شان به او مراجعه می کردند، از ایشان بود. پس شما نیز چنین باشید. ما را محبوب مردم گردانید، و در نزد آنان، منفورمان مسازید».

صفات الشيعة عن عبد الله بن زياد: سَلَّمْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَنْى، ثُمَّ قُلْتُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّا قَوْمٌ مُجْتَازُونَ لَسْنَا نَطِيقُ هَذَا الْمَجْلِسَ مِنْكَ كُلَّمَا أَرَدْنَاهُ، فَأَوْصِنَا. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، وَحُسْنِ الصُّحْبَةِ لِمَنْ صَحَبَكُمْ، وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ، وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ. صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَاتَّبِعُوا جَنَائِزَهُمْ، فَإِنَّ أَبِي حَدَّثَنِي أَنَّ شِيعَتَنَا - أَهْلَ الْبَيْتِ - كَانُوا خِيَارَ مَنْ كَانُوا مِنْهُمْ، إِنْ كَانَ فَقِيهٌ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ مُؤَدِّنٌ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ إِمَامٌ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ صَاحِبُ أَمَانَةٍ كَانَ مِنْهُمْ، وَإِنْ كَانَ صَاحِبُ وَدِيعَةٍ كَانَ مِنْهُمْ، وَكَذَلِكَ كُونُوا، حَبِّبُونَا (1) إِلَى النَّاسِ وَلَا تُبْغِضُونَا إِلَيْهِمْ. (2)

الكافي عن زيد الشحام: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اقْرَأْ عَلَى مَنْ تَرَى أَنَّهُ يُطِيعُنِي مِنْهُمْ، وَيَأْخُذُ بِقَوْلِي السَّلَامَ، وَأَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ، وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ، وَصِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، وَطُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ، فَبِهَذَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَذُوا الْأَمَانَةَ إِلَى مَنْ اتَّيَمَّنَكُمْ عَلَيْهَا بَرًّا أَوْ فَاجِرًا؛ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِأَدَاءِ الْخَيْطِ وَالْمِخِيطِ، صِلُوا عَشَائِرَكُمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَذُوا حُقُوقَهُمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ، وَصَدَقَ الْحَدِيثَ، وَأَدَّى الْأَمَانَةَ، وَحَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ، قِيلَ: هَذَا جَعْفَرِيٌّ فَيَسِّرْهُنِي ذَلِكَ، وَيَدْخُلْ عَلَيَّ مِنْهُ الشُّرُورُ، وَقِيلَ: هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ. وَإِذَا كَانَ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ، دَخَلَ عَلَيَّ بِلَاؤُهُ وَعَارُهُ، وَقِيلَ: هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ، فَوَاللَّهِ لَحَدَّثَنِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شِيعَةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَكُونُ زَيْنَهَا، آدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ، وَأَقْضَاهُمْ لِلْحَقُوقِ، وَأَصْدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ، إِلَيْهِ وَصَايَاهُمْ وَوَدَائِعُهُمْ، تُسَالُّ الْعَشِيرَةُ عَنْهُ فَتَقُولُ: مَنْ مِثْلُ فُلَانٍ؟ إِنَّهُ لَا دَانَا لِلْأَمَانَةِ، وَأَصْدَقُنَا لِلْحَدِيثِ. (3)

1- في المصدر: «أحببونا»، والتصويب من بحار الأنوار و مشكاة الأنوار.

2- صفات الشيعة: ص 102 ح 39، مشكاة الأنوار: ص 255 ح 753، بحار الأنوار: ج 74 ص 162 ح 25.

3- الكافي: ج 2 ص 636 ح 5، مشكاة الأنوار: ص 132 ح 301، تحف العقول: ص 487 عن الإمام العسكري عليه السلام وكلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 166 ح 18.

صفات الشيعة_ به نقل از عبد الله بن زياد _ : در منا بر امام صادق عليه السلام سلام كرديم . سپس من گفتم : اى پسر پيامبر خدا! ما جماعتى ره گذريم (/ كوچگریم) و نمى توانيم هر وقت كه خواستيم ، به اين مجلس شما بيايم . پس به ما سفارشى فرما . فرمود : «بر شما باد پرواى الهى ، و راستگويى ، و امانت پردازى ، و خوش رفتارى با هم نشينان ، و سلام كردن به يكدیگر ، و اطعام كردن . در مسجد هايشان نماز بخوانيد ، از بیمارانشان عيادت كنيد ، در تشييع جنازه هايشان شركت نماييد ؛ زيرا پدرم برايم گفت كه شيعیان ما اهل بيت ، همواره بهترين هاى مردم خود بودند . اگر فقيهى بود ، از آنها بود . اگر موذنى بود ، از آنها بود . اگر امام جماعتى بود ، از آنها بود . اگر امانتدارى بود ، از آنها بود . اگر به كسى چيزى مى سپردند ، آن كس از آنها بود . شما هم اين چنين باشيد . ما را نزد مردم ، محبوب گردانيد ، و منفور آنان نسازيد» .

الكافى_ به نقل از زید شحام _ : امام صادق عليه السلام به من فرمود : «به هر يك از ايشان كه فكر مى كنى فرمان بُردار من است و به گفتار من عمل مى كند ، سلام مرا برسان ، و سفارش مى كنم شما را به پروا داشتن از خداى عز و جل ، و پارسايى در دینتان ، و كار و كوشش براى خدا ، و راستگويى ، و امانت پردازى ، و طول دادن سجده ، و حُسن همسايگى ؛ زيرا محمد صلى الله عليه و آله براى اينها آمد . امانت را به صاحبش ، نيك باشد يا بد ، برگردانيد ؛ زيرا پيامبر خدا دستور مى داد [حتّى] نخ و سوزن را به صاحبش برگردانيد ، به عشيره هاى خود رسيدگى كنيد ، در تشييع جنازه هايشان شركت نماييد ، از بیمارانشان عيادت كنيد و حقوقشان را ادا كنيد ؛ چه ، هرگاه فردى از شما در ديش پارسا باشد ، راست بگويد ، امانت را برگرداند و با مردم ، خوش اخلاق باشد ، گفته مى شود : اين ، جعفرى است ، و اين مرا خوش حال مى سازد ، و از او به من شادى مى رسد و گفته مى شود : اين ، تربيت جعفر است . و اگر جز اين باشد ، رنج و ننگ او دامن مرا نيز مى گيرد و گفته مى شود : اين است تربيت جعفر . به خدا سوگند ، پدرم به من فرمود كه : پيرو على در قبيله ، زيور آن قبيله است . از همه آنها امانتدارتر ، به اداى حقوق پايبندتر ، و از همه شان راستگوتر است . همه وصيت ها و امانت هاى خود را به او مى سپارند . از عشيره در باره او مى پرسى ، و آنها مى گویند : كيست همانند فلانى ؟ از همه ما امانتدارتر و راستگوتر است .» .

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَصْحَابَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانُوا الْمَنْظُورَ إِلَيْهِمْ فِي الْقَبَائِلِ ، وَكَانُوا أَصْحَابَ الْوَدَائِعِ ، مَرْضِيَّيْنِ عِنْدَ النَّاسِ ، سَهْرَ اللَّيْلِ مَصَابِيحَ النَّهَارِ . (1)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ حُبًّا وَمُؤَالَاتَنَا ، وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتَنَا ، أَلَا فَمَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا ، وَإِنَّ مِنْ شَأْنِنَا الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ ، وَصِلَةَ الرَّحِمِ ، وَإِقْرَاءَ الضَّيْفِ ، وَالْعَفْوَ عَنِ الْمُسِيءِ ، وَمَنْ لَمْ يَقْتَدِ بِنَا فَلَيْسَ مِنَّا . (2)

الإمام الرضا عليه السلام_ في بَيَانِ خَصَائِصِ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ _ : إِنَّ مِنْ دِينِهِمُ الْوَرَعَ ، وَالْعِفَّةَ ، وَالصَّدَقَ ، وَالصَّلَاحَ ، وَالْإِسْتِقَامَةَ ، وَالْإِحْتِهَادَ ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ . (3)

1- .مشكاة الأنوار : ص 127 ح 294 ، بحار الأنوار : ج 68 ص 180 ح 38 .

2- .الاختصاص : ص 241 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 115 ح 12 .

3- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 122 ح 1 عن الفضل بن شاذان و ج 1 ص 55 ح 20 ، الخصال : ص 479 ح 46 ، كمال الدين : ص 337 ح 9 كُلُّهَا عن الأعمش عن الإمام الصادق عليه السلام وليس فيها «والاستقامة» ، بحار الأنوار : ج 10 ص 353 ح 1 .

امام صادق علیه السلام: یاران علی علیه السلام در قبایل [خود] مورد توجّه همگان بودند . امانت ها را به آنها می سپردند ، مردم از آنها راضی بودند ، شب ها را به عبادت می گذراندند و روزها ، چراغ [راه مردم] بودند .

امام صادق علیه السلام: خدای _ تبارك و تعالی _ دوستی و ولایت ما را بر شما واجب گردانید ، و اطاعت از ما را وظیفه شما قرار داد . هان! پس هر که از ماست ، باید به ما اقتدا کند ، و از جمله خصلت های ماست : پارسایی ، کوشش ، و بازگردانیدن امانت به صاحبش ، نیکوکار باشد یا بدکار ، و به جا آوردن صله رَحِم ، میهمان نوازی ، و گذشت از کسی که [به تو] بد کرده است . کسی که به ما اقتدا نکند ، از ما نیست .

امام رضا علیه السلام_ در بیان خصوصیات اهل بیت علیهم السلام _: از دین آنهاست : پارسایی ، پاك دامنی ، راستی ، درستی ، استواری ، کوشش ، و پس دادن امانت به نيك و بد .

.

2 / 3 مُتَابَعَةُ الْعَقْلِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي بَيَانِ مَا يَتَشَبَّهُ مِنَ الْعَقْلِ _...: فَتَشَعَّبَ مِنَ الْعَقْلِ الْحِلْمُ ، وَمِنَ الْحِلْمِ الْعِلْمُ ، وَمِنَ الْعِلْمِ الرُّشْدُ ، وَمِنَ الرُّشْدِ الْعَفَافُ ، وَمِنَ الْعَفَافِ الصِّيَانَةُ ، وَمِنَ الصِّيَانَةِ الْحَيَاءُ ، وَمِنَ الْحَيَاءِ الرِّزَانَةُ ... وَأَمَّا الرِّزَانَةُ فَيَتَشَبَّهُ مِنْهَا : اللُّطْفُ ، وَالْحَزْمُ ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ ، وَتَرْكُ الْخِيَانَةِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله في صِفَةِ الْجَاهِلِ _ : إِنْ أَسْرَرْتَ إِلَيْهِ خَائِكَ ، وَإِنْ أَسَرَّ إِلَيْكَ اتَّهَمَكَ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام _ فِي بَيَانِ جُنُودِ الْعَقْلِ _ : وَالْأَمَانَةُ وَضِدُّهَا الْخِيَانَةُ . (3)

2 / 4 مُرَاقَبَةُ الْعُمَالِ لِإِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عَهْدِهِ إِلَى مَالِكِ الْأَشْتَرِ _ : ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا ، وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً ؛ فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ . وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ ؛ فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقٍ ، وَأَصْحَاءُ أَعْرَاضٍ ، وَأَقْلُّ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا ، وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظَرًا ، ثُمَّ أَسْبَغَ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ ، وَغِنَى لَهُمْ عَنْ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ ، وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ ثَلَمُوا أَمَانَتَكَ . ثُمَّ تَقَدَّدَ أَعْمَالَهُمْ ، وَابْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدُودٌ (4) لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ . (5)

1- . تحف العقول : ص 15 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 118 ح 11 .

2- . تحف العقول : ص 18 ، بحار الأنوار : ج 1 ص 119 ح 11 .

3- . الكافي : ج 1 ص 22 ح 14 ، الخصال : ص 590 ح 13 ، علل الشرائع : ص 115 ح 10 ، المحاسن : ج 1 ص 313 ح 620 ، مشكاة الأنوار : ص 442 ح 1485 كلَّها عن سماعة بن مهران ، بحار الأنوار : ج 1 ص 110 ح 7 .

4- . حدا الشيء حدوا واحده : تبعه ، و «لا أفعله ما حد الليل النهار» أي ما تبعه . وتحذوني عليها خلة واحدة : أي تبعثني وتسوقني عليها خصلة واحدة (لسان العرب : ج 14 ص 168 _ 169 «حدا»).

5- . نهج البلاغة : الكتاب 53 ، تحف العقول : ص 137 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 252 ح 1 .

2 / 3 پیروی از خرد

2 / 4 نظارت بر کارگزاران دولت

2 / 3 پیروی از خرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در بیان آنچه از خرد، شاخه شاخه می شود _ ... از خرد، بردباری منشعب شد، و از بردباری، دانایی، و از دانایی، رهیابی، و از رهیابی، پاك دامنی، و از پاك دامنی، خویشتنداری، و از خویشتنداری، آزرَم، و از آزرَم، متانت ... و از متانت، اینها منشعب می شود: فرهیختگی، ملایمت، دوراندیشی، امانت پردازی و ترك خیانت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در توصیف نادان _ اگر رازی را به او بسپاری، به تو خیانت می کند، و اگر او رازی به تو بسپارد، به تو بدگمان است [که رازش را فاش سازی].

امام صادق علیه السلام در بیان سربازان خرد _ امانتداری که ضد آن خیانت است.

2 / 4 نظارت بر کارگزاران دولتمام علی علیه السلام در فرمایش به مالك اشتر _ دیگر آن که بر کارگزاران نظارت کن، و آنان را بیازمای و به کار گمار، و از سرِ جانبداری و دل بستگی، کسی را عهده دار کاری مکن؛ زیرا این دو خصلت، کانون انواع ستم و خیانت است. کارگزاران را از میان افراد کارآموده و آبرومند، خاندان های شایسته و پیش گام در اسلام برگزین؛ زیرا اینها مردمانی بزرگوarter، آبرودارتر، کم طمع تر و عاقبت اندیش ترند. سپس روزیانه آنان را سرشار گردان، که این کار، آنها را بر پاك ماندن، نیرو می بخشد، و از دست انداختن به دارایی هایی که در اختیارشان است، بی نیاز می سازد، و چنانچه از فرمان تو سرپیچی کردند یا امانت تو را شکستند، بر آنان حجت داری. سپس، کارهای آنان را زیر نظر دار و دیده ورانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار؛ زیرا نظارت نهانی تو بر کارهای ایشان، آنها را به رعایت امانت و نرمی با شهروندان و می دارد.

عنه عليه السلام_ فيما أوصى به رجلاً بعثته من الكوفة إلى باديتها ليجمع الصدقات _ عليك بتقوى الله وحده لا شريك له ، ولا تؤثرن دنياك على آخرتك ، وكن حافظاً لما اتّمتتكَ عليه ، راعياً لحقّ الله فيه . (1)

2 / 15 الاستعانة بالله عزّ وجلّ رسول الله صلى الله عليه وآله _ ممّا كان يدعو به كثيراً _ :اللَّهُمَّ ، إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّحَّةَ ، وَالْعِفَّةَ ، وَالْأَمَانَةَ ، وَحُسْنَ الْخُلُقِ ، وَالرِّضَا بِالْقَدْرِ . (2)

مصباح المتهجّد _ في دعاء ليلة الجمعة _ :اللَّهُمَّ بِحَقِّ أَوْلِيَانِكَ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ارزُقْنَا صِدْقَ الْحَدِيثِ ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ ، وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ . (3)

الإمام الصادق عليه السلام :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَا تَدَعْ لِي ذَنْباً إِلَّا غَفَرْتَهُ ... وَلَا أَمَانَةً إِلَّا أَدَيْتَهَا . (4)

1- .الكافي : ج 3 ص 536 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 96 ح 274 ، المقنعة : ص 255 كلّها عن بريد بن معاوية عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 41 ص 126 ح 36 .

2- .الأدب المفرد : ص 100 ح 307 ، تاريخ بغداد : ج 12 ص 121 الرقم 6571 ، الدعاء للطبراني : ص 415 ح 1406 ، تاريخ دمشق : ج 54 ص 65 ح 11354 كلّها عن عبد الله بن عمرو ، كنز العمال : ج 2 ص 183 ح 3650 .

3- .مصباح المتهجّد : ص 271 ح 381 من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 89 ص 297 ح 8 .

4- .فلاح السائل : ص 363 ح 242 عن معاوية بن عمّار ، مصباح المتهجّد : ص 76 ح 124 و ص 170 ح 257 ، الإقبال : ج 2 ص 177 نحوه والثلاثة الأخيرة من دون إسنادٍ إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 86 ص 89 ح 12 .

2 / 5 کمک خواستن از خدا

امام علی علیه السلام در سفارش به مردی که او را برای جمع آوری زکات از کوفه به بادیه فرستاد _ از خدای یکتا و بی انباز ، پروا داشته باش ، و دنیایت را بر آخرت برمگزین ، و از آنچه تو را بر آن امین قرار داده ام ، مواظبت کن ، و حق خدا را در آن ، پاس بدار .

2 / 5 کمک خواستن از خدایمبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعایی که بسیار آن را می خواند _ :بار خدایا ! تن درستی و پاک دامنی و امانتداری و خوش خویی و خشنودی به تقدیر را از تو درخواست می کنم .

مصباح المتهجد _ در دعای شب جمعه _ :بار خدایا ! به حق اولیای پاکت _ که بر آنها درود باد _ ، راستگویی و امانت پردازی ، و مواظبت بر نمازها را روزی ما فرما .

امام صادق علیه السلام :بار خدایا ! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست ، و همه گناهان مرا بیامرز ... و هر امانتی را که بر عهده من است ، ادا کن .

عنه عليه السلام: كَانَ إِذَا وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا قَالَ: أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ (1)، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ، وَوَجْهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ، وَرَزَقَكَ التَّقْوَى، وَغَفَرَ لَكَ الذُّنُوبَ. (2)

الكافي عن زيد بن الصائغ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُ اللَّهَ لَنَا. فَقَالَ: اللَّهُمَّ ارْزُقْهُمْ صِدْقَ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءَ الْأَمَانَةِ، وَالْمُحَافَظَةَ عَلَى الصَّلَوَاتِ. (3)

-
- 1- أي أجعلهما من الودائع، فإنَّ السَّفر مظنة المشقة والخوف فيتسبب لإهمال بعض أمور الدين، فدعا له بالمعونة والتوفيق وأراد بالأمانة: أهله وماله ومن يخلفه (مجمع البحرين: ج 1 ص 625 «دين»).
 - 2- المحاسن: ج 2 ص 96 ح 1251 عن عبد الله بن ميمون القدّاح، بحار الأنوار: ج 76 ص 281 ح 7؛ سنن أبيداود: ج 3 ص 34 ح 2600، سنن الترمذي: ج 5 ص 499 ح 3442، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 943 ح 2826، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 212 ح 4524 كلّها عن ابن عمر وليس فيها ذيله من «ووجهك»، كنز العمال: ج 7 ص 100 ح 18159.
 - 3- الكافي: ج 2 ص 580 ح 13.

امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، هرگاه با مردی خدا حافظی می کرد، می فرمود: «دینت را و امانت را و فرجام های کارت را به خدا می سپارم، و روی تو را به هر جهت که رو می کنی، در جهت خیر و خوبی قرار دهد، و پرهیزگاری را روزی تو کند، و گناهانت را بیامرزد».

الکافی_ به نقل از زید بن صائغ _ : به امام صادق علیه السلام گفتم: برایمان دعا کنید. فرمود: «بار خدایا! راستگویی و امانتداری و مواظبت بر نمازها را روزی ایشان فرما».

الفصل الثالث : بركات الأمانة 3 / 1 مَحَبَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُحِبَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ، أَوْ يُحِبَّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ، فَلْيَصِدُقْ حَدِيثَهُ إِذَا حَدَّثَ ، وَلْيُؤَدِّ أَمَانَتَهُ إِذَا اتَّخَمَنَ ، وَلْيُحْسِنِ جَوَارَ مَنْ جَاوَرَهُ . (1)

الإمام الصادق عليه السلام - في وصيته لعبد الله بن أبي يعفور - : أَنْظِرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَالزَمَهُ ، فَإِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ . (2)

3 / 2 الصَّدْقُ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْأَمَانَةُ تُؤَدِّي إِلَى الصِّدْقِ . (3)

-
- 1- .شعب الإيمان : ج 2 ص 201 ح 1533 ، مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا : ص 191 ح 266 وليس فيه «يحب الله ورسوله» وكلاهما عن عبد الرحمن بن أبيقراد ، كنز العمال : ج 15 ص 848 ح 43373 وراجع : المعجم الأوسط : ج 6 ص 320 ح 6517 .
 - 2- .الكافي : ج 2 ص 104 ح 5 عن أبي كهمس ، مشكاة الأنوار : ص 96 ح 214 عن أبي بصير ، بحار الأنوار : ج 75 ص 116 ح 17 .
 - 3- .غرر الحكم : ج 2 ص 7 ح 1582 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 49 ح 1256 .

فصل سوم : برکت های امانتداری

3 / 1 دوستی خدا و پیامبر او

3 / 2 راستگویی

فصل سوم : برکت های امانتداری 3 / 1 دوستی خدا و پیامبر او پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر که خوش دارد که خدا و پیامبرش را دوست بدارد ، یا خدا و پیامبرش او را دوست بدارند ، باید هرگاه سخن می گوید ، راست گوید ، هرگاه امانتی به او سپرده شد ، آن را به صاحبش باز گرداند ، و با همسایه اش خوش همسایگی کند .

امام صادق علیه السلام در سفارشش به عبد الله بن ابی یعفور _ : ببین علی علیه السلام با چه چیز نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به چنان منزلتی رسید ، تو نیز همان کار را بکن . علی علیه السلام ، در حقیقت ، به سبب راستگویی و امانتداری در نزد پیامبر خدا به چنان منزلتی دست یافت .

3 / 2 راستگوی امام علی علیه السلام : امانتداری ، به راستگویی می انجامد .

عنه عليه السلام: إذا قَوِيَتْ الأمانةُ كَثُرَ الصَّدْقُ . (1)

3 / 3 الشَّرْكَةُ فِي أُمُوالِ النَّاسِ الكافي عن عبد الرحمن بن سيابة: لَمَّا هَلَكَ أَبِي سِيَابَةَ، جَاءَ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ إِلَيَّ، فَضَرَبَ البابَ عَلَيَّ، فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ فَعَزَّانِي وَقَالَ لِي: هَلْ تَرَكَ أَبُوكَ شَيْئاً؟ فَقُلْتُ لَهُ: لا، فَدَفَعَ إِلَيَّ كَيْساً فِيهِ أَلْفُ دِرْهَمٍ وَقَالَ لِي: أَحْسِنَ حِفْظَهَا، وَكُلْ فَضْلَهَا. فَدَخَلْتُ إِلَى أُمِّي وَأَتَا فَرَحٌ فَأَخْبَرْتُهَا، فَلَمَّا كَانَ بِالْعِشِيِّ أَتَيْتُ صَدِيقاً كَانَ لِأَبِي فاشْتَرَى لِي بَضَائِعَ سَابِرِيٍّ وَجَلَسْتُ فِي حَانُوتٍ، فَزَرَقَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ فِيهَا خَيْراً كَثِيراً. وَحَصَرَ الْحَجُّ فَوَقَعَ فِي قَلْبِي، فَجِئْتُ إِلَى أُمِّي وَقُلْتُ لَهَا: إِنَّهُ (2) قَدْ وَقَعَ فِي قَلْبِي أَنْ أُخْرَجَ إِلَى مَكَّةَ، فَقَالَتْ لِي: فَرُدَّ دَرَاهِمَ فُلَانٍ عَلَيْهِ، فَهَيَّأْتُهَا (3)، وَجِئْتُ بِهَا إِلَيْهِ فَدَفَعْتُهَا إِلَيْهِ، فَكَأَنِّي وَهَبْتُهَا لَهُ، فَقَالَ: لَعَلَّكَ اسْتَقَلَلْتَهَا فَأَزِيدَكَ؟ قُلْتُ: لا، وَلَكِنْ قَدْ وَقَعَ فِي قَلْبِي الْحَجُّ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ شَيْئُكَ عِنْدَكَ. ثُمَّ خَرَجْتُ فَقَضَيْتُ نُسْكَي، ثُمَّ رَجَعْتُ إِلَى الْمَدِينَةِ فَدَخَلْتُ مَعَ النَّاسِ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَكَانَ يَأْذُنُ إِذَا عَامَا. فَجَلَسْتُ فِي مَوَاحِيرِ النَّاسِ، وَكُنْتُ حَادِثاً، فَأَخَذَ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ وَيُجِيبُهُمْ. فَلَمَّا خَفَّ النَّاسُ عَنْهُ، أَشَارَ إِلَيَّ فَدَنَوْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ لِي: أَلَمْ تَحَاجَّ؟ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنِ سِيَابَةَ، فَقَالَ لِي: مَا فَعَلَ أَبُوكَ؟ فَقُلْتُ: هَلَكَ، قَالَ: فَتَوَجَّعَ وَتَرَحَّمَ. قَالَ: ثُمَّ قَالَ لِي: أَفَتَرَكَ شَيْئاً؟ قُلْتُ: لا، قَالَ: فَمِنْ أَيْنَ حَجَجْتَ؟ قَالَ: فَابْتَدَأْتُ فَحَدَّثْتُهُ بِقِصَّةِ الرَّجُلِ. قَالَ: فَمَا تَرَكَنِي أَفْرَغَ مِنْهَا حَتَّى قَالَ لِي: فَمَا فَعَلْتَ فِي الأَلْفِ؟ قَالَ: قُلْتُ: رَدَدْتُهَا عَلَى صَاحِبِهَا، قَالَ: فَقَالَ لِي: قَدْ أَحْسَنْتَ. وَقَالَ لِي: أَلَا أُوصِيكَ؟ قُلْتُ: بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَقَالَ: عَلَيْكَ بِصَدَقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ الأَمَانَةِ، تَشْرِكُ النَّاسَ فِي أُمُوالِهِمْ هَكَذَا. وَجَمَعَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ. قَالَ: فَحَفِظْتُ ذَلِكَ عَنْهُ، فَزَكَّيْتُ ثَلَاثِمِئَةَ أَلْفِ دِرْهَمٍ. (4)

1- غرر الحكم: ج 3 ص 134 ح 4053، عيون الحكم والمواعظ: ص 134 ح 3033.

2- في المصدر: «إنَّها»، وما أثبتناه هو الصحيح، كما في بحار الأنوار.

3- في المصدر: «فهايتها»، والتصويب من بحار الأنوار.

4- الكافي: ج 5 ص 134 ح 9، بحار الأنوار: ج 47 ص 384 ح 107.

3 / 3 شريك شدن در اموال مردم

امام علی علیه السلام: هرگاه امانتداری قوت گیرد، راستگویی و صداقت، افزونی می یابد.

3 / 3 شريك شدن در اموال مردم الكافی _ به نقل از عبد الرحمان بن سیابه _ پدرم سیابه که درگذشت، مردی از برادرانش نزد من آمد و در خانه ام را زد. من بیرون آمدم. او به من تسلیت گفت و پرسید: آیا پدرت چیزی به ارث نهاده است؟ گفتم: نه. او همیانی را که در آن هزار درهم بود، به من داد و گفت: از اینها خوب استفاده کن و سودش را بخور. من، خوش حال، نزد مادرم رفتم و داستان را به او گفتم. بعد از ظهر، نزد یکی از دوستان پدرم رفتم و او برای من، مقداری کالای [پارچه] شاپوری خرید و من، در دکانی [به کسب و کار] نشستم، و خداوند عز و جل از آن کالا، نفع و برکت بسیاری روزی من کرد. موسم حج، فرا رسید. دلم هوای حج کرد. نزد مادرم رفتم و گفتم: دلم هوای رفتن به مکه کرده است. مادرم به من گفت: پس درهم های فلانی را به او بازگردان. من، آنها را آماده کردم و نزدش بردم و به او دادم. گویی آنها را به او بخشیدم. او به من گفت: نکند مقدارش کم است؟ بیشتر به تو بدهم؟ گفتم: نه؛ بلکه دلم هوای حج کرده و خواستم که مالت پیش خودت باشد. سپس به مکه رفتم و مناسکم را به جا آوردم. آن گاه به مدینه بازگشتم و با مردم به نزد امام صادق علیه السلام رفتم. ایشان دیدار عمومی داشت. در عقب جمعیت نشستم. من، نوجوان بودم. مردم، شروع به پرسش از ایشان کردند و او پاسخ آنها را می داد. خلوت که شد، امام علیه السلام به من اشاره فرمود. نزدیک ایشان شدم. فرمود: «تو کاری داری؟». گفتم: فدایت شوم! من عبد الرحمان بن سیابه هستم. فرمود: «از پدرت چه خبر؟». گفتم: درگذشت. امام علیه السلام اظهار تأسف نمود و برایش طلب رحمت کرد. سپس به من فرمود: «چیزی هم به ارث گذاشت؟». گفتم: خیر. فرمود: «پس از کجا به حج رفتی؟». من شروع به گفتن داستان آن مرد کردم. امام علیه السلام نگذاشت آن را تمام کنم و فرمود: «با آن هزار درهم، چه کردی؟». گفتم: به صاحبش برگرداندم. فرمود: «آفرین برتو!». سپس فرمود: «می خواهی تو را سفارش کنم؟». گفتم: آری؛ فدایت شوم! فرمود: «بر تو باد راستگویی و امانتداری تا با مردم در اموال آنها این گونه شريك شوی» و انگشتان دو دستش را در هم فرو بُرد. من این سفارش ایشان را به خاطر سپردم، و [ثروتم به جایی رسید که] سیصد هزار درهم زکات دادم.

3 / 4 الغنيرسول الله صلى الله عليه وآله :الأمانةُ غِنَى . (1)

عنه صلى الله عليه وآله :الأمانةُ تَجْلِبُ الغنى ، وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الفقرَ . (2)

عنه صلى الله عليه وآله :الأمانةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ ، وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الفقرَ . (3)

1- .مسند الشهاب : ج 1 ص 44 ح 16 عن أنس ، ربيع الأبرار : ج 4 ص 344 ، مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا : ص 198 ح 280 عن مسلم البطين ، كنز العمال : ج 3 ص 60 ح 5492 ؛ تنبيه الخواطر : ج 1 ص 12 عن معاوية بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام .

2- .قرب الإسناد : ص 117 ح 408 عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 114 ح 6

3- .الكافي : ج 5 ص 133 ح 7 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، تحف العقول : ص 45 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 149 ح 78 ؛ مسند الشهاب : ج 1 ص 72 ح 64 عن عبد الله بن الزبير عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيه «تجر» بدل «تجلب» في الموضعين ، الفردوس : ج 1 ص 121 ح 415 عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج 3 ص 60 ح 5493 .

3 / 4 توانگری

3 / 4 توانگری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امانتداری ، توانگری است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امانتداری توانگری می آورد ، و خیانت [در امانت] ، ناداری .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امانتداری ، روزی می آورد ، و خیانت ، فقر .

.

الإمام علي عليه السلام: استعمل الأمانة يزيد في الرزق. (1)

عنه عليه السلام: في الحكم المنسوبة إليه: أداء الأمانة مفتاح الرزق. (2)

الأمالي للطوسي عن يحيى بن العلاء وإسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ما ودعنا قط إلا أوصانا بخصلتين: عليكم بصديق الحديث، وأداء الأمانة إلى البر والفاجر؛ فإنهما مفتاح الرزق. (3)

الإمام الكاظم عليه السلام: أداء الأمانة والصدق يجلبان الرزق، والخيانة والكذب يجلبان الفقر والنفاق. (4)

الكافي عن حفص بن قرط: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: امرأة بالمدينة كان الناس يصنعون عندها الجواري فتصلحهن، وقلنا: ما رأينا مثل ما صلب عليها من الرزق. فقال: إنها صدقت الحديث، وأدت الأمانة، وذلك يجلب الرزق. (5)

لقمان عليه السلام: يا بني، ... كن أميناً تكن غنياً. (6)

5/ 3 النجاة من النار رسول الله صلى الله عليه وآله: إنه سيفتح لكم مشارق الأرض ومغاربها، وإن عمالها في النار، إلا من اتقى الله وأدى الأمانة. (7)

- 1- النخال: ص 505 ح 2 عن سعيد بن علقمة، مشكاة الأنوار: ص 230 ح 645، جامع الأخبار: ص 343 ح 953 وفيه «أداء» بدل «استعمال»، بحار الأنوار: ج 76 ص 315 ح 2.
- 2- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 318 ح 650.
- 3- الأمالي للطوسي: ص 676 ح 1429، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 82، بحار الأنوار: ج 103 ص 92 ح 6.
- 4- تحف العقول: ص 403، بحار الأنوار: ج 78 ص 327 ح 4.
- 5- الكافي: ج 5 ص 133 ح 6، وسائل الشيعة: ج 13 ص 219 ح 24169.
- 6- معاني الأخبار: ص 253 ح 1، مشكاة الأنوار: ص 108 ح 248، تنبيه الخواطر: ج 2 ص 231، بحار الأنوار: ج 75 ص 117 ح 18.
- 7- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 44 ح 23170، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 78 كلاهما عن مسعود بن قبيصة أو قبيصة بن مسعود، حلية الأولياء: ج 6 ص 199 الرقم 370 عن الحسن نحوه، كنز العمال: ج 6 ص 27 ح 14699.

3 / 5 رستن از آتش دوزخ

امام علی علیه السلام: امانتداری، روزی را زیاد می کند .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان _ : پس دادن امانت ، کلیدِ روزی است .

الأمالی ، طوسی _ به نقل از یحیی بن علاء و اسحاق بن عمار _ : امام صادق علیه السلام هیچ گاه با ما خداحافظی نکرد ، مگر آن که به دو چیز ، سفارشمان کرد [و فرمود] : «بر شما باد راستگویی ، و بازگرداندن امانت به نیک و بد ؛ چرا که این دو ، کلید روزی اند» .

امام کاظم علیه السلام: امانتداری و راستگویی ، روزی می آورند ، و خیانت و دروغ ، به ناداری و نفاق ، می انجامند .

الکافی _ به نقل از حفص بن قُزط _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : در مدینه زنی بود که مردم ، دختران خود را نزد او می گذاشتند و او آنها را تربیت می کرد . و گفتیم : کسی را چون او ندیدیم که روزی ، چنین برایش بریزد . امام علیه السلام فرمود : «او زنی راستگو و امانتدار بوده ، و اینها روزی را افزایش می دهد» .

لقمان علیه السلام: فرزندم! ... امین باش تا توانگر باشی .

3 / 5 رستن از آتش دوزخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به زودی شرق و غرب زمین ، برایتان گشوده خواهد شد . کارگزاران آنها در آتش اند ، مگر آن کسی که پرهیزگار و امانتدار باشد .

3 / 6 دخول الجنة رسول الله صلى الله عليه وآله : حافظاً الصراط يوم القيامة الرحيم والأمانة ، فإذا مرَّ الوصول للرحيم المؤدي للأمانة ، نفذ إلى الجنة . وإذا مرَّ الخائن للأمانة القطوع للرحيم ، لم ينفعه معهما عمل ، وتكفأً (1) به الصراط في النار . (2)

عنه صلى الله عليه وآله : من كان فيه واحدة من ثلاث زوجة الله من الحور العين : من كانت عنده (3) أمانة خفيفة شهية ، فأذاها من مخافة الله أو رجل عفى عن قاتله ، أو رجل قرأ « قل هو الله أحد » دبر كل صلاة . (4)

سنن أبي داود عن أبي الدرداء : قال رسول الله صلى الله عليه وآله : خمس من جاء بهن مع إيمان دخل الجنة ، من حافظ على الصلوات الخمس - على وضوئهن ، وركوعهن ، وسجودهن ، ومواقيتهن - وصام رمضان ، وحج البيت إن استطاع إليه سبيلاً ، وأعطى الزكاة طيبة بها نفسه ، وأدى الأمانة . (5)

- 1- يتكفأ به الصراط : أي يتميل وينقلب (النهاية : ج 4 ص 182 «كفأ»).
- 2- الكافي : ج 2 ص 152 ح 11 ، تنبيه الخواطر : ج 2 ص 196 وفيه «يفد» بدل «نفذ» وكلاهما عن سدير عن الإمام الباقر عليه السلام عن أبي ذر ، عده الداعي : ص 81 ، بحار الأنوار : ج 74 ص 118 ح 80 وراجع : الزهد للحسين بن سعيد : ص 107 ح 112 .
- 3- في المصدر : «يعني» بعد «عنده» ، والتصويب من كنز العمال .
- 4- المعجم الكبير : ج 23 ص 395 ح 945 عن أم سلمة ، عمل اليوم والليلة لابن السني : ص 52 ح 135 ، تاريخ دمشق : ج 62 ص 35 ح 12700 كلاهما عن ابن عباس نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 839 ح 43333 ؛ تنبيه الخواطر : ج 2 ص 226 .
- 5- سنن أبي داود : ج 1 ص 116 ح 429 ، المعجم الصغير : ج 2 ص 5 ، تاريخ أصبهان : ج 2 ص 159 الرقم 1349 كلاهما نحوه ، تفسير الطبري : ج 12 الجزء 22 ص 55 ، كنز العمال : ج 15 ص 887 ح 43513 ؛ عوالي اللآلي : ج 1 ص 84 ح 9 .

3 / 6 رفتن به بهشت

3 / 6 رفتن به بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو کناره [پل] صراط در روز قیامت را خویشاوندی و امانت تشکیل می دهند. پس هرگاه آن که صله رحم به جا آورده و امانتداری کرده است، بر صراط بگذرد، به بهشت می رسد، و هرگاه آن که در امانت خیانت کرده و پیوند خویشاوندی را بُریده، بر آن بگذرد، با وجود این دو گناه، هیچ عملی او را سود نمی بخشد و صراط، او را در آتش، سرنگون می سازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یکی از سه چیز در او باشد، خداوند، از حوریان بهشتی به همسری اش درمی آورد: هر کس امانتی پنهانی و وسوسه انگیز نزدش باشد و او از ترس خدا، آن را به صاحبش پس دهد؛ یا مردی که از قاتلش درگذرد؛ یا مردی که در پی هر نماز «قل هو الله أحد» را بخواند.

سنن أبی داوود_ به نقل از ابو درداء _ پیامبر خدا فرمود: «پنج چیز است که هر کس آنها را با ایمان به جا آورد، به بهشت می رود: کسی که نمازهای پنجگانه را با وضو و رکوع و سجودشان و در وقتشان انجام دهد؛ و رمضان، روزه بگیرد؛ و حج خانه خدا را، در صورت استطاعت، به جا آورد؛ و زکات را با رضایتِ خاطر بپردازد؛ و امانت را بگذارد».

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَقِيَ اللَّهَ بِخَمْسٍ مِنَ الْإِيمَانِ دَخَلَ الْجَنَّةَ: الصَّلَاةُ وَالْخَمْسُ - طَهُورُهُنَّ وَرُكُوعُهُنَّ وَسُجُودُهُنَّ - وَصِيَامَ رَمَضَانَ، وَحُجَّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، وَالزَّكَاةَ وَهِيَ فِطْرَةُ الْإِسْلَامِ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَالْإِغْتِسَالُ مِنَ الْجَنَابَةِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: سِتُّ مَنْ عَمِلَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ، جَادَلَتْ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ. تَقُولُ: أَيُّ رَبِّ، قَدْ كَانَ يَعْمَلُ بِي فِي الدُّنْيَا: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالْحَجُّ، وَالصِّيَامُ، وَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ. (2)

المعجم الأوسط عن أبي هريرة: إِنَّهُ [رَسُولُ اللَّهِ] صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - قَالَ لِمَنْ حَوَّلَهُ مِنْ أُمَّتِهِ - : أَكْفُلُوا لِي بِسِتِّ خِصَالٍ وَأَكْفُلْ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ. قُلْتُ: مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ، وَالزَّكَاةُ، وَالْأَمَانَةُ، وَالْفَرَجُ، وَالْبَطْنُ، وَاللِّسَانُ. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: تَقَبَّلُوا (4) لِي بِسِتِّ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ: إِذَا حَادَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا، وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا، وَإِذَا اتَّيَمَنْتُمْ فَلَا تَخُونُوا، وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ، وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَالسِّنَّتَكُمْ. (5)

- 1- .كنز العمال: ج 1 ص 82 ح 337 نقلاً عن شعب الإيمان عن أبي الدرداء .
- 2- .الأمالى للمفيد: ص 227 ح 5، الأمالى للطوسي: ص 10 ح 11 كلاهما عن أبي أمامة، بحار الأنوار: ج 69 ص 374 ح 20 .
- 3- .المعجم الأوسط: ج 5 ص 154 ح 4925 و ج 8 ص 268 ح 8599، كنز العمال: ج 15 ص 893 ح 43530 .
- 4- .تقبَّل به: تكفَّل، وقد روي قَبِلْتُ بِهِ وَقَبِلْتُ: فِي مَعْنَى كَفَلْتُ (لسان العرب: ج 11 ص 544 «قبل»).
- 5- .الخصال: ص 321 ح 5، الأمالى للصدوق: ص 150 ح 147 كلاهما عن أنس، تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 103 نحوه، بحار الأنوار: ج 69 ص 372 ح 16؛ مسند ابن حنبل: ج 8 ص 412 ح 22821، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 399 ح 8066 كلاهما عن عبادة بن الصامت نحوه، كنز العمال: ج 15 ص 893 ح 43531 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با پنج چیز از ایمان، خدا را دیدار کند، به بهشت می رود: نمازهای پنجگانه (با وضو و رکوع و سجود آنها) و روزه رمضان؛ حجّ خانه خدا، در صورت توانایی داشتن بر به جا آوردن آن؛ زکات که فطرت اسلام است؛ امانتداری؛ و غسل جنابت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شش چیز است که هر کس یکی از آنها را به جا آورد، آن چیز، روز قیامت از او دفاع می کند تا آن که او را به بهشت درآورد و بگوید: ای خداوند! او در دنیا مرا انجام می داد. [آن شش چیز عبارت اند از: نماز، زکات، حج، روزه، امانتداری، و صله رحم].

المعجم الأوسط_ به نقل از ابو هریره _: پیامبر خدا به کسانی از امّش که پیرامون ایشان بودند، فرمود: شما انجام دادن شش کار را به من تعهّد دهید، من بهشت را برایتان تعهّد می کنم». گفتند: آنها کدام اند، ای پیامبر خدا؟! فرمود: «نماز، زکات، امانتداری، و [حفظ] شهوت، و شکم، و زبان».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شما شش چیز را برای من به گردن گیرید، من بهشت را برای شما به گردن می گیرم: هرگاه سخن گفتید، دروغ نگوئید؛ هرگاه وعده دادید، خُلف وعده نکنید؛ هرگاه امانتی به شما سپرده شد، [در آن] خیانت نکنید؛ چشمانتان را [از حرام] فرو پوشید؛ شهوتتان را کنترل کنید؛ و جلو دست و زبانتان را بگیرید.

3 / 7 أجْرُ الْمُتَصَدِّقِينَ صحيح البخاري عن أبي موسى عن رسول الله صلى الله عليه وآله: الخازنُ المُسْلِمُ الأَمِينُ الَّذِي يُنْفِذُ (1) _ وَرُبَّمَا قَالَ : يُعْطَى _ مَا أُمِرَ بِهِ ، كَامِلًا مُؤَفَّرًا ، طَيِّبٌ بِهِ نَفْسُهُ ، فَيَدْفَعُهُ إِلَى الَّذِي أُمِرَ لَهُ بِهِ ، أَحَدُ الْمُتَصَدِّقِينَ . (2)

3 / 8 الْحَشْرُ مَعَ النَّبِيِّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رسول الله صلى الله عليه وآله: التَّاجِرُ الصَّدُوقُ الْأَمِينُ ، مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ . (3)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ ، وَبَسَطَ رِضَاهُ ، وَبَذَلَ مَعْرُوفَهُ ، وَوَصَلَ رَحِمَتَهُ ، وَأَدَّى أَمَانَتَهُ ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي نَوْرِهِ الْأَعْظَمِ . (4)

1- . يقال : رجل نافذ في أمره : أي ماضٍ (النهاية : ج 5 ص 91 «نفذ»).

2- . صحيح البخاري : ج 2 ص 522 ح 1371 ، صحيح مسلم : ج 2 ص 710 ح 79 ، سنن أبي داود : ج 2 ص 130 ح 1684 كلّها عن أبي موسى ، كنز العمال : ج 6 ص 359 ح 16051 ؛ مستدرک الوسائل : ج 7 ص 209 ح 8054 نقلاً عن ابن أبي جمهور في درر اللآلي نحوه .

3- . سنن الترمذي : ج 3 ص 515 ح 1209 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 698 ح 2444 ، المستدرک على الصحيحين : ج 2 ص 8 ح 2143 كلّها عن أبي سعيد ، كنز العمال : ج 4 ص 7 ح 9217 .

4- . نزهة الناظر : ص 30 ح 23 ، أعلام الدين : ص 294 ، الجعفریات : ص 166 عن الإمام الكاظم عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام وكلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 172 ح 8 ؛ كنز العمال : ج 3 ص 406 ح 7166 نقلاً عن الديلمي عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله .

3 / 7 دادن پاداش صدقه دهندگان

3 / 8 محشور شدن با پیامبران

3 / 7 داشتن پاداش صدقه دهندگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خزانه دار مسلمانِ امانتداری که آنچه را به او دستور داده شده است ، به طور کامل و پُر پیمانه و با رضایتِ خاطر به کسی که دستور داده شده به او پرداخت شود ، می پردازد ، خود ، یکی از صدقه دهندگان است [و پاداش آنها را دارد] .

3 / 8 محشور شدن با پیامبران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بازرگان راستگو و امانتدار ، با پیامبران و صدیقان و شهیدان است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که خشم خود را نگه دارد و خشنودی خود را پهن کند و نیکوکاری ورزد ، صله رَجِم به جا آورد و امانتش را بگذارد ، روز رستاخیز ، خداوند عز و جل او را در بزرگ ترین نور خویش ، در می آورد .

.

3 / 9 خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْكِتَابُ «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» . (1)

الحديث لقمان عليه السلام : يَا بُنَيَّ ، اذِّ الْأَمَانَةَ تَسْلَمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَآخِرَتُكَ ، وَكُنْ أَمِينًا تَكُنْ غَنِيًّا . (2)

رسول الله صلى الله عليه وآله : لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا ، وَتَهَادَوْا ، وَأَدَّوْا الْأَمَانَةَ ، وَاجْتَنَبُوا الْحَرَامَ ، وَقَرَأُوا الضَّيْفَ (3) ، وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ، وَآتَوْا الزَّكَاةَ . فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ، ابْتَلَوْا بِالْقَحْطِ وَالسَّنِينِ (4) . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : الْأَمَانَةُ عِزٌّ . (6)

الإمام علي عليه السلام : الْأَمَانَةُ صِيَانَةٌ . (7)

- 1- .المؤمنون : 1 و 8 .
- 2- .معاني الأخبار : ص 253 ح 1 ، مشكاة الأنوار : ص 108 ح 248 ، قصص الأنبياء للراوندي : ص 191 ح 240 عن جابر عن الإمام الباقر عن لقمان عليهما السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 13 ص 416 ح 9 ؛ ربيع الأبرار : ج 4 ص 344 وفيه «كن أميناً تعش غنياً» فقط .
- 3- .في المصادر الأخرى : «قَرَأُوا الضَّيْفَ» .
- 4- .السَّنين : عبارة عن الجذب ، وأكثر ما تستعمل السَّنة في الحَوَل الذي فيه الجذب (مفردات ألفاظ القرآن : ص 430 «سنه») .
- 5- .عيون أخبار الرضا عليه السلام : ج 2 ص 29 ح 25 عن داود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام ، ثواب الأعمال : ص 300 ح 1 عن السَّكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، مسند زيد : ص 450 وفيه «وأقروا» بدل «ووقروا» وليس فيه «وتهادوا» ، بحار الأنوار : ج 75 ص 115 ح 7 .
- 6- .كنز العمال : ج 3 ص 61 ح 5498 نقلاً عن الديلمي عن ثوبان .
- 7- .غرر الحكم : ج 1 ص 39 ح 113 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 37 ح 789 .

3 / 9 خوبی دنیا و آخرت

3 / 9 خوبی دنیا و آخرتقرآن«به راستی که مؤمنان، رستگار شدند ... و آنان که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند» .

حدیثلقمان علیه السلام:فرزندم! امانت را ادا کن تا دنیا و آخرتت ، برایت سالم بماند ، و امین باش تا بی نیاز باشی .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :اَمّت من تا زمانی که یکدیگر را دوست بدارند و به یکدیگر هدیه دهند و امانت پرداز باشند و از حرام ، دوری کنند و میهمان را گرمی بدارند و نماز بگذارند و زکات پردازند ، پیوسته در خوبی خواهند بود ، و هرگاه چنین نکنند ، به قحطی و خشک سالی گرفتار می شوند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانتداری ، مایه عزّت است .

امام علی علیه السلام :امانتداری ، نگهداری کردن [از امانت] است .

.

عنه عليه السلام: نِعَمَ قَرِينُ الْأَمَانَةِ الْوَفَاءُ . (1)

عنه عليه السلام: الْوَفَاءُ عُنْوَانُ وَفُورِ الدِّينِ ، وَقُوَّةُ الْأَمَانَةِ . (2)

عنه عليه السلام: فَارَ مَنْ تَجَلَبَبَ الْوَفَاءُ ، وَادَّرَعَ الْأَمَانَةَ . (3)

عنه عليه السلام: الْأَمَانَةُ فَوْزٌ لِمَنْ رَعَاهَا . (4)

ربيع الأبرار: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ: الْأَمِينُ مِنْ أَهْلِ الْأَدْيَانِ كُلِّهَا عَائِشٌ بِخَيْرٍ . (5)

1- .غرر الحكم : ج 6 ص 165 ح 9933 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 493 ح 9104 .

2- .غرر الحكم : ج 1 ص 375 ح 1430 .

3- .غرر الحكم : ج 4 ص 418 ح 6556 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 357 ح 6042 .

4- .غرر الحكم : ج 1 ص 293 ح 1127 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 45 ح 1096 وفيه «نور» بدل «فوز» .

5- .ربيع الأبرار : ج 4 ص 344 .

امام علی علیه السلام: نیکو همنشینی است وفاداری برای امانتداری!

امام علی علیه السلام: وفاداری، نشانه وفور دینداری و قوت امانتداری است.

امام علی علیه السلام: رستگار شد آن که ردای وفاداری پوشید و زره امانتداری به تن کرد.

امام علی علیه السلام: امانتداری، برای کسی که امانتدار باشد، مایه رستگاری است.

ربیع الأبرار: در تورات، نوشته شده است: امانتدار، پیرو هر دینی که باشد، در خوبی [و خوشی] زندگی می کند.

.

الفصل الرابع : أصناف الأمانات 4 / 1 الأمانات الاعتقادية والسياسية الإمام الباقر عليه السلام: لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَاتَ آلُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِأَطْوَلِ لَيْلَةٍ، حَتَّى ظَنُّوا أَنْ لَا سَمَاءَ تُظِلُّهُمْ وَلَا أَرْضَ تُقِلُّهُمْ؛ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَرَ الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فِي اللَّهِ. فَبَيَّنَا لَهُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَتَاهُمْ آتٍ لَا يَرُونَهُ وَيَسْمَعُونَ كَلَامَهُ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ... قَدْ قَبِلَكُمْ اللَّهُ مِنْ نَبِيِّهِ وَدِيعَةً، وَاسْتَوْدَعَكُمْ أَوْلِيَاءَهُ الْمُؤْمِنِينَ فِي الْأَرْضِ، فَمَنْ أَدَّى أَمَانَتَهُ آتَاهُ اللَّهُ صِدْقَهُ، فَأَنْتُمْ الْأَمَانَةُ الْمُسْتَوْدَعَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالطَّاعَةُ الْمَفْرُوضَةُ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَبَيْتُ الرَّحْمَةِ، وَمِفْتَاحُ الْحِكْمَةِ، وَمَعْدِنُ الْعِلْمِ، وَمَوْضِعُ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَوْضِعُ سِرِّ اللَّهِ، وَنَحْنُ وَدِيعَةُ اللَّهِ فِي عِبَادِهِ. (2)

-
- 1- .الكافي: ج 1 ص 445 ح 19، الأصول الستة عشر: ص 337 ح 558، بحار الأنوار: ج 59 ص 194 ح 58 نقلاً عن كتاب النوار لعلي بن أسباط.
 - 2- .الكافي: ج 1 ص 221 ح 3، بصائر الدرجات: ص 57 ح 6 كلاهما عن خيثة و ح 3 عن خيثة عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 26 ص 245 ح 8.

فصل چهارم : انواع امانت ها

4 / 1 امانت های اعتقادی و سیاسی

فصل چهارم : انواع امانت ها 4 / 1 امانت های اعتقادی و سیاسایامام باقر صلی الله علیه و آله : چون پیامبر خدا درگذشت ، آن شب ، خاندان محمد علیهم السلام [از نگرانی] درازترین شب را سپری می کردند ، چندان که پنداشتند دیگر در زیر آسمان و روی زمین ، جایی نخواهند داشت ؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله ، به خاطر خدا ، خویش و بیگانه را دشمن خونی خود کرده بود . (1) در همین حال بودند که ناگاه یکی که خودش را نمی دیدند ، اما صدایش را می شنیدند ، بر آنان درآمد و گفت : سلام و رحمت و برکات خدا بر شما خاندان باد ! ... خداوند ، شما را از پیامبرش به امانت پذیرفت و به دوستان مؤمنش در زمین سپرد . پس هر که امانتداری کند ، خدا ، پاداش درستکاری اش را می دهد . پس شما باید آن امانت سپرده شده ، و شما باید آنان که دوستی شان [بر مؤمنان] واجب ، و فرمان برداری از آنها لازم گشته است .

امام صادق علیه السلام : ما درخت پیامبری هستیم ، و خانه رحمت ، و کلیدهای فرزاندگی ، و معدن دانش ، و جایگاه رسالت ، و محل آمد و شد فرشتگان ، و محل سپردن راز خدا ؛ و ما ودیعه خدا در میان بندگان او هستیم .

1- . یعنی بر اثر جهاد در راه خدا با مشرکان و کافران و به قتل رساندن آنها ، که در میانشان ، هم خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و هم بیگانگان ، باعث شده بود که آنها کینه وی و خاندانش را به دل گیرند و درصدد خونخواهی و انتقام بر آیند . لذا با رحلت ایشان ، خاندانش نگران بودند .

الإمام الهادي عليه السلام في زيارة الجامعة الكبيرة - : أنتم الصراط الأقوم... والرحمة الموصولة والآية المخزونة والأمانة المحفوظة. (1)

راجع: ص 442 (الأمانة / الفصل الخامس / أصناف الأمانة / الأئمة من أهل البيت عليهم السلام).

4 / 2 الأمانات الثقافية رسول الله صلى الله عليه وآله: العلم وديعة الله في أرضه، والعلماء أمانة عليه، فمن عمل بعلمه أدى أمانته، ومن لم يعمل كتب في ديوان الله تعالى: إنه من الخائنين. (2)

الإمام علي عليه السلام في الحكم المنسوبة إليه - : يا من ألم بجناب الجلال، احفظ ما عرفت، واكتم ما استودعت، واعلم أنك قد رُشحت لأمر فافطن له، ولا ترص لنفسك أن تكون خائناً، فمن [لم] (3) يؤد الأمانة فيما استودع أخلق الناس بسمة الخيانة، وأجدر الناس بالإبعاد والإهانة. (4)

عنه عليه السلام: الإيمان أفضل الأمانتين. (5)

الإمام الحسين عليه السلام في الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر - : إن مجاري الأمور والأحكام على أيدي العلماء بالله، الأمانة على حلاله وحرامه. (6)

1- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 97 ح 177، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 613 ح 3213 كلاهما عن موسى بن عبد الله النخعي، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 274 ح 1، المزار الكبير: ص 528 كلاهما عن موسى بن عمران، بحار الأنوار: ج 102 ص 129 ح 1.

2- الدرّة الباهرة: ص 17، نزهة الناظر: ص 64 ح 126، بحار الأنوار: ج 77 ص 166 ح 3.

3- ما بين المعقوفين ليس في المصدر، وهو مما يقتضيه السياق.

4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 20 ص 345 ح 967.

5- غرر الحكم: ج 2 ص 24 ح 1666.

6- تحف العقول: ص 238، بحار الأنوار: ج 100 ص 80 ح 37.

4 / 2 امانت های فرهنگی

امام هادی علیه السلام در زیارت «جامعه کبیره» _ شما باید راست ترین راه ... و رحمت پیوسته ، و نشانه اندوخته ، و امانت نگهداری شده .

ر . ك : ص 443 (امانت / فصل پنجم / امانتداران / پیشوایان از اهل بیت علیهم السلام) .

4 / 2 امانت های فرهنگی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش ، سپرده خدا در زمین است و دانشمندان ، امین او بر آن هستند . پس هر که به دانش خویش عمل کند ، امانت او را گزارده است ، و هر که عمل نکند ، در دیوان خدای متعال نوشته می شود : «او از خائن است» .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان _ ای آن که به پیشگاه شکوه در آمدی ! آنچه را [از علم و معرفت الهی] شناخته ای ، پاس بدار ، و آنچه را به تو سپرده شده است ، پوشیده دار و بدان که تو برای کاری پرورش یافته ای . پس آن را دریاب و برخویش میسند که خیانتکار باشی؛ زیرا هر کس در باره آنچه به او سپرده شده است ، امانتداری نکند ، سزاوارترین کس به داغ خیانت و شایسته ترین مردمان به طرد و اهانت است .

امام علی علیه السلام : ایمان ، والاترین امانت است .

امام حسین علیه السلام در باره امر به معروف و نهی از منکر _ اجرای کارها و احکام ، به دست خداشناسان (/ عالمان تربیت شده خداوند) است که امین بر حلال و حرام او هستند .

4 / 3 الأمانات الإقتصادية الكتاب «وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ * قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : لا تَزَالُ أُمَّتِي عَلَى الْفِطْرَةِ ، مَا لَمْ يَتَّخِذُوا الْأَمَانَةَ مَعَنَا ، وَالزَّكَاةَ مَغْرَمًا (2) . (3)

الإمام علي عليه السلام : مِنْ أَفْحَشِ الْخِيَانَةِ ، خِيَانَةُ الْوَدَائِعِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام : مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَيَنْوِي قَضَاءَهُ ، كَانَ مَعَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَافِظَانِ يُعِينَانِهِ عَلَى الْأَدَاءِ عَنْ أَمَانَتِهِ . فَإِنْ قَصَّرَتْ نِيَّتُهُ عَنِ الْأَدَاءِ ، قَصَّرَا عَنْهُ مِنَ الْمَعُونَةِ بِقَدْرِ مَا قَصَّرَ مِنْ نِيَّتِهِ . (5)

تفسير العياشي عن أبان بن تغلب : قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : أَتَرَى اللَّهَ أَعْطَى مَنْ أَعْطَى مِنْ كَرَامَتِهِ عَلَيْهِ ، وَمَنْعَ مَنْ مَنَعَ مِنْ هَوَانٍ بِهِ عَلَيْهِ ؟ لا ، وَلَكِنَّ الْمَالَ مَالُ اللَّهِ ، يَصَدَّعُهُ عِنْدَ الرَّجُلِ وَدَائِعَ ، وَجَوَّزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَصْدًا (6) ، وَيَشْرَبُوا قَصْدًا ، وَيَلْبَسُوا قَصْدًا ، وَيَنْكِحُوا قَصْدًا ، وَيَرْكَبُوا قَصْدًا ، وَيَعُودُوا بِمَا سِوَى ذَلِكَ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَلْمُوا بِهِ شَعَثَهُمْ (7) ؛ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مَا يَأْكُلُ حَلَالًا ، وَيَشْرَبُ حَلَالًا ، وَيَرْكَبُ حَلَالًا ، وَيَنْكِحُ حَلَالًا ، وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا . ثُمَّ قَالَ : «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (8) ، أَتَرَى اللَّهَ ائْتَمَنَ رَجُلًا عَلَى مَالٍ خَوَّلَ لَهُ أَنْ يَشْتَرِيَ فَرَسًا بِعَشْرَةِ آلَافِ دِرْهَمٍ وَيُجْزِيهِ فَرَسٌ بِعَشْرِينَ دِرْهَمًا ، وَيَشْتَرِيَ جَارِيَةً بِأَلْفِ دِينَارٍ وَيُجْزِيهِ جَارِيَةٌ بِعَشْرِينَ دِينَارًا ؟ وَقَالَ : «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» . (9)

1- . يوسف : 54 و 55 .

2- . أي يرى ربُّ المال أن إخراج زكاته غرامة يغرّمها (النهاية : ج 3 ص 363 «غرم»).

3- . الإصابة : ج 7 ص 46 الرقم 9655 عن أبي تميمه ، كنز العمال : ج 3 ص 62 ح 5504 نقلًا عن سعيد بن منصور عن ثوبان .

4- . غرر الحكم : ج 6 ص 20 ح 9310 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 468 ح 8517 .

5- . الكافي : ج 5 ص 95 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 6 ص 185 ح 384 كلاهما عن الحسن بن علي بن رباط ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 183 ح 3687 ، بحار الأنوار : ج 103 ص 147 ح 8 .

6- . القصد : العدل ، والقصد خلاف الإفراط وهو ما بين الإسراف والتقتير (لسان العرب : ج 3 ص 353 «قصد»).

7- . منه الدعاء : أسألك من رحمة تلم بها شعثي ، أي تجمع ما تفرّق في أمري (النهاية : ج 2 ص 478 «شعث»).

8- . الأعراف : 31 .

9- . تفسير العياشي : ج 2 ص 13 ح 23 ، بحار الأنوار : ج 75 ص 305 ح 6 .

4 / 3 امانت های اقتصادی

4 / 3 امانت های اقتصادی قرآن «و پادشاه گفت: «او را نزد من بیاورید، تا وی را ویژه خود کنم». پس چون با او سخن راند، گفت: «تو امروز نزد ما بامنزلت و امین هستی». [یوسف] گفت: «مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار، که من، نگهبانی دانا هستم»» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اَمْتُ مِنْ، پیوسته برفطرت [الهی] هستند تا زمانی که امانت را غنیمت ندانند و [پرداخت] زکات را خسارت [برای خود] نشمارند .

امام علی علیه السلام: از زشت ترین خیانت ها، خیانت در سپرده ها [و امانت ها] است .

امام صادق علیه السلام: هر کس قرضی داشته باشد و نیتِ پرداخت آن را در سر پیوراند، از جانب خداوند عز و جل دو نگهبان بر او گماشته می شوند تا او را در ادای امانت به او کمک کنند، و هرگاه نیتش در ادای آن سست شود، به اندازه ای که از نیتش کوتاه آمده، آن دو نگهبان از کمک کردن به او کوتاه می آیند .

تفسیر العیاشی_ به نقل از ابان بن تغلب _ : امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا می پنداری که خداوند به هر کس چیزی داده، از سر گرامیداشت اوست، و به کسی که چیزی نداده، از روی خوارداشت او باشد؟! نه؛ بلکه این دارایی ها مال خداست و آن را نزد آدمی به امانت می سپارد و به آنان، اجازه داده است که به اندازه بخورند، به اندازه بیاشامند، به اندازه بپوشند، به اندازه زن اختیار کنند، به اندازه سوار شوند، و افزون بر آن، به مؤمنان نادر بدهند و با آن به پریشانی زندگی آنها سر و سامان دهند. پس هر کس چنین کرد، آنچه می خورد و می آشامد و سوار می شود و زن می گیرد، حلال باشد و هر کس از آن سرپیچی کرد، بر او حرام است». سپس فرمود: «(و زیاده روی نکنید که او زیاده روان را دوست ندارد». آیا خیال می کنی خداوند، مالی را به امانت نزد مردی می سپارد و به او اجازه می دهد اسبی را با ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسب، بیست درهمی هم جوابگوی اوست؟ و کنیزی به هزار دینار بخرد، در صورتی که کنیزی بیست دیناری هم کفایتش می کند؟!». و فرمود: «(زیاده روی نکنید که او زیاده روان را دوست نمی دارد)» .

مصباح المتهجد - في دعاء يوم الإثنين - :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَارْزُقْني رِزْقاً واسعاً ، حَلاًلاً طَيِّباً ، نُؤَدِّي بِهِ أماناتنا . (1)

4 / 4 الأماناتُ الأخلاقيَّةُ - الصَّدَقُ الخصال عن الأصبغ بن نباتة :كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ : الصَّدَقُ أمانةٌ ، وَالكَذِبُ خِيَانَةٌ . (2)

الإمام عليّ عليه السلام :الصَّدَقُ أمانةُ اللِّسانِ . (3)

1- . مصباح المتهجد : ص 457 ، البلد الأمين : ص 115 ، بحار الأنوار : ج 90 ص 175 .

2- . الخصال : ص 505 ح 3 ، غرر الحكم : ج 1 ص 13 ح 15 ، بحار الأنوار : ج 69 ص 379 ح 35 .

3- . غرر الحكم : ج 1 ص 65 ح 253 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 27 ح 360 .

4 / 4 امانت های اخلاقی

الف - راستگویی

مصبح المتهجد _ در دعای روز دوشنبه _ : بار خدایا ! بر محمد و خاندان محمد ، درود فرست ، و مرا روزی گسترده و حلال و پاکیزه ، عطا فرما تا با آن ، امانت هایمان (دیون و قروض خویش) را ادا کنیم .

4 / 4 امانت های اخلاقی الف _ راستگویی بالخصال _ به نقل از اصبع بن نُبَاته _ : امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود : «راستگویی ، امانت است و دروغگویی ، خیانت» .

امام علی علیه السلام : راستگویی ، امانت زبان است .

.

ب _ الْوَرَعُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْوَرَعُ أَمَانَةٌ. (1)

ج _ الْعِفَّةُ قِصَصُ الْأَنْبِيَاءِ لِلرَّوَانْدِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا» (2) أَهِيَ الَّتِي تَزَوَّجَ بِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، وَلَمَّا قَالَتْ: «اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (3)، قَالَ أَبُوهَا: كَيْفَ عَلِمْتَ ذَلِكَ؟ قَالَتْ: لَمَّا أَتَيْتُهُ بِرِسَالَتِكَ فَأَقْبَلَ مَعِيَ، قَالَ: كُونِي خَلْفِي، وَذَلِّينِي عَلَى الطَّرِيقِ، فَكُنْتُ خَلْفَهُ أُرْشِدُهُ، كَرَاهَةً أَنْ يَرَى مِنِّي شَيْئًا. (4)

د _ الْوَفَاءُ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْضَلُ الْأَمَانَةِ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ. (5)

عنه عليه السلام: مِنْ أَحْسَنِ الْأَمَانَةِ رَعِي الدِّمَمِ (6). (7)

ربيع الأبرار: قَالَ رَجُلٌ لِسَلَمَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ فَلَنْ يُقَرِّكَ السَّلَامُ. فَقَالَ: أَمَا أَنْتَ لَوْ لَمْ تَفْعَلْ، لَكَانَتْ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ. (8)

1- تهذيب الآثار: ص 54 ح 109 عن أبي الدرداء، كنز العمال: ج 3 ص 798 ح 8793.

2- القصص: 25.

3- القصص: 26.

4- قصص الأنبياء للراوندي: ص 152 ح 161، بحار الأنوار: ج 13 ص 44 ح 10 وراجع: كمال الدين: ص 151 ح 13 وتفسير القمّي: ج 2 ص 138 ودعائم الإسلام: ج 2 ص 202 ح 738.

5- غرر الحكم: ج 2 ص 402 ح 3018، عيون الحكم والمواعظ: ص 119 ح 2678، مستدرک الوسائل: ج 16 ص 97 ح 192566.

6- الذمة بمعنى العهد، والأمان، والضمان، والحُرمة، والحق (النهاية: ج 2 ص 168 «ذمم»).

7- غرر الحكم: ج 6 ص 22 ح 9385، عيون الحكم والمواعظ: ص 469 ح 8571.

8- ربيع الأبرار: ج 4 ص 344.

ب - پارسایی

ج - پاك دامنى

د - وفادارى

ب _ پارسایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پارسایی ، امانت است .

ج _ پاك دامنيقصاص الأنبياء ، راوندی _ به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر _ : از ابو الحسن الرضا _ که دروذهای خدا بر او باد _ در باره این سخن خدای متعال : « پدرم تو را می خواند تا تو را به پاداش آب دادن [گوسفندان] برای ما مزد دهد» پرسیدم و گفتم : آیا این مزد ، همان ازدواج [موسی علیه السلام با دختر شعیب] است؟ فرمود : « آری ؛ و چون دختر شعیب گفت : «او را استخدام کن ؛ زیرا بهترین کسی است که استخدام می کنی ؛ هم نیرومند و هم امانتدار است» ، پدرش گفت : چگونه این [امانتداری او] را دانستی؟ گفت : چون پیغام شما را به او رساندم و او با من آمد ، گفت : تو در پی من بیا و راه را نشانم بده . و من از پشت سرش می آمدم و راه نمایی اش می کردم . و این برای آن بود که دوست نداشت [پشت سر من حرکت کند و] از من ، چیزی ببیند» .

د _ وفاداری امام علی علیه السلام : بالاترین امانتداری ، وفا کردن به پیمان است .

امام علی علیه السلام : از بهترین امانتداری [ها] ، رعایت پیمان هاست .

ربیع الأبرار : مردی به سلمان _ که خدا از او خشنود باد _ گفت : ای ابو عبد الله ! فلانی به تو سلام می رساند . سلمان گفت : اگر سلام او را نرسانده بودی ، امانتی بر گردن تو بود .

هـ _ إِمَامَةُ الْحَقِّ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ ، أَمَانَةٌ وَدِيَانَةٌ . (1)

و _ الْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنِيعَةِ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ فِي الْحِكْمِ الْمُنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ مِنْ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ الْمُكَافَأَةُ عَلَى الصَّنِيعَةِ ، لِأَنَّهَا كَالْوَدِيعَةِ عِنْدَكَ . (2)

ز _ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الْأَسْرَارِ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّ شَيْءٍ لَا يَحْسُنُ نَشْرُهُ أَمَانَةٌ ، وَإِنْ لَمْ يُسْتَكْتَم . (3)

الإمام الحسين عليه السلام: السِّرُّ أَمَانَةٌ . (4)

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الْحَدِيثَ ثُمَّ التَّقَتَ ، فَهِيَ أَمَانَةٌ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا حَدَّثَ الْإِنْسَانُ حَدِيثًا ، وَالْمُحَدِّثُ يَلْتَقِئُ حَوْلَهُ ، فَهُوَ أَمَانَةٌ . (6)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ سَمِعَ مِنْ رَجُلٍ حَدِيثًا لَا يَشْتَهِي أَنْ يُذَكَّرَ عَنْهُ ، فَهُوَ أَمَانَةٌ وَإِنْ لَمْ يَسْتَكْتِمْهُ . (7)

1- .غرر الحكم : ج 1 ص 350 ح 1327 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 319 ح 5563 بزيادة «طلب» في أوله وص 48 ح 1206 نحوه .

2- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 275 ح 178 .

3- .غرر الحكم : ج 4 ص 539 ح 6897 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 377 ح 6402 .

4- .تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 246 ، معدن الجواهر : ص 72 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام .

5- .سنن الترمذي : ج 4 ص 341 ح 1959 ، سنن أبي داود : ج 4 ص 267 ح 4868 ، مسند ابن حنبل : ج 5 ص 180 ح 15066 ،

مسند أبي يعلى : ج 2 ص 450 ح 2209 وفيه «القوم» بدل «الحديث» وكلها عن جابر بن عبد الله ، كنز العمال : ج 9 ص 136 ح 25378 .

6- .مسند ابن حنبل : ج 5 ص 126 ح 14798 و ص 209 ح 15244 ، شعب الإيمان : ج 7 ص 520 ح 11193 ، تهذيب الكمال :

ج 17 ص 288 الرقم 3906 كلها عن جابر بن عبد الله ، مشكل الآثار : ج 4 ص 336 عن عبد الملك بن جابر بن عتيك وكلها نحوه ، كنز

العمال : ج 9 ص 143 ح 25428 .

7- .مسند ابن حنبل : ج 10 ص 422 ح 27579 ، حلية الأولياء : ج 3 ص 359 الرقم 253 كلاهما عن أبي الدرداء ، كنز العمال : ج 9

ص 144 ح 25430 .

ه - برپا داشتن حق**و - جبران نیکی****ز - نگهداری رازها**

ه - برپا داشتن حقایق امام علی علیه السلام: همکاری در برپا داشتن حق ، امانتداری و دینداری است .

و - جبران نیکی امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان - : جبران کردن نیکی ، از امانتداری است ؛ زیرا آن نیکی ، چونان سپرده ای در نزد توست .

ز - نگهداری رازها امام علی علیه السلام: هر چیزی که پخش کردن آن خوب نباشد ، امانت است ، هر چند پنهان داشتن آن ، خواسته نشده باشد .

امام حسین علیه السلام: هر رازی ، يك امانت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه شخصی [با دیگری] سخن بگوید ، سپس اطراف خود را بپاید [که احتمالاً کسی دور و بر او نباشد تا آن سخن را بشنود] ، آن سخن ، امانت است [و شنونده نباید آن را به کسی بگوید] .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه شخص سخنی بگوید و در حین گفتن آن ، اطرافش را بپاید ، آن سخن ، امانت است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس از مردی سخنی بشنود که آن مرد دلش نمی خواهد سخنش جایی بازگو شود ، آن سخن ، امانت است ، هر چند پوشیده داشتن آن را از او نخواستہ باشد .

.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ حَدَّثَ حَدِيثًا لَا يُحِبُّ أَنْ يُفْشَى عَلَيْهِ، فَهُوَ أَمَانَةٌ، وَإِنْ لَمْ يَسْتَكَتِمْهُ صَاحِبُهُ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا وَمِنْ الْأَمَانَةِ، أَلَا وَمِنْ الْخِيَانَةِ، أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ أَخَاهُ بِالْحَدِيثِ فَيَقُولَ: أَكْتُمَ عَنِّي، فَيُفْشِيهِ. (2)

الإمام زين العابدين عليه السلام في صِفَةِ الْمُؤْمِنِ - لَا يُحَدِّثُ أَمَانَتَهُ الْأَصْدِقَاءَ. (3)

رجال الكشي عن أسلم مولى محمد بن الحنفية: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا، مُسْنِدًا ظَهْرِي إِلَى رَمَزَمَ، فَمَرَّ عَلَيْنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ، وَهُوَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ. فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يَا أَسْلَمُ، أَتَعْرِفُ هَذَا الشَّابَّ؟ قُلْتُ: نَعَمْ، هَذَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ الْحَسَنِ. قَالَ: أَمَا إِنَّهُ سَيَظْهَرُ وَيُقْتَلُ فِي حَالٍ مَضِيعَةٍ. ثُمَّ قَالَ: يَا أَسْلَمُ، لَا تُحَدِّثْ بِهَذَا الْحَدِيثِ أَحَدًا، فَإِنَّهُ عِنْدَكَ أَمَانَةٌ. (4)

ثواب الأعمال عن أبي هريرة وابن عباس: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ وَفَاتِهِ، وَهِيَ آخِرُ خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِينَةِ حَتَّى لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... فَقَالَ: ... وَمَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَأَدَّى فِيهِ الْأَمَانَةَ، كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ (5) عِتْقُ رَقَبَةٍ، وَرُفِعَ لَهُ بِهِ مِائَةُ دَرَجَةٍ. فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ؛ كَيْفَ يُؤَدَّى فِيهِ الْأَمَانَةُ؟ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ، وَيَسْتُرُ شَيْنَهُ، وَإِنْ لَمْ يَسْتُرْ عَوْرَتَهُ وَلَا يَسْتُرْ شَيْنَهُ، حَبِطَ أَجْرُهُ، وَكُشِفَ عَوْرَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (6)

1- كنز العمال: ج 9 ص 143 ح 25429، مجمع الزوائد: ج 8 ص 183 ح 13167 وفيه «لا يشتهي» بدل «لا يحب» وكلاهما نقلًا عن الطبراني عن عبد الله بن سلام.

2- الدر المنثور: ج 6 ص 671 نقلًا عن عبد بن حميد عن الحسن.

3- الكافي: ج 2 ص 231 ح 3، الأمالي للصدوق: ص 582 ح 802 كلاهما عن أبي حمزة، بحار الأنوار: ج 67 ص 270 ح 2.

4- رجال الكشي: ج 2 ص 459 ح 359، بحار الأنوار: ج 47 ص 149 ح 204.

5- في المصدر: «كان بكل شعره»، والتصويب من بحار الأنوار.

6- ثواب الأعمال: ص 344 ح 1، بحار الأنوار: ج 76 ص 371 ح 30 وراجع: مسند ابن حنبل: ج 9 ص 432 ح 24935، المعجم الأوسط: ج 4 ص 47 ح 3575 والمصنف لعبد الرزاق: ج 3 ص 404 ح 6098 والمصنف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 155 ح 1 وكنز العمال: ج 15 ص 575 ح 42236.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سخنی بگوید که دوست ندارد فاش شود، آن سخن، امانت است، اگر چه از شنونده اش نخواستہ باشد آن را پنهان بدارد [و به کسی نگوید].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که از امانتداری است! آگاه باشید که از خیانت است، این که مردی به برادرش سخنی بگوید و از او بخواهد پنهانش بدارد؛ اما او آن را فاش سازد!

امام زین العابدین علیه السلام در توصیف مؤمن _ امانتِ خود (راز دیگران) را به دوستانش نمی گوید .

رجال الکشی _ به نقل از اسلم، وابسته محمد بن حنفیه _ با امام باقر علیه السلام نشسته و به زمزم تکیه داده بودم که محمد بن عبد الله بن حسن _ که کعبه را طواف می کرد _، از برابر ما گذشت . امام باقر علیه السلام فرمود: «اسلم! این جوان را می شناسی؟». گفتم: آری . او محمد بن عبد الله بن حسن است . فرمود: «زودا که او قیام کند و کشته شود و خونس هدر رود». سپس فرمود: «این سخن را به هیچ کس مگو، چون در نزد تو امانت است» .

ثواب الأعمال _ به نقل از ابو هریره و ابن عباس _ پیامبر خدا، پیش از رحلتش برای ما سخنرانی کرد و این آخرین سخنرانی ای بود که در مدینه ایراد فرمود تا آن که به خداوند عز و جل پیوست ... ایشان فرمود: «... هر کس مُرده ای را غسل دهد و در باره اش امانتداری کند، به ازای هر مویی، ثواب آزاد کردن يك بنده برایش باشد، و صد درجه رفعت می یابد». عمر بن خطاب گفت: ای پیامبر خدا! چگونه در باره اش امانتداری کند؟ فرمود: «عورت و عیب او را بپوشاند. اگر عورت و عیش را نپوشاند، مزدش بر باد می رود و عیب و عورت خودش در دنیا و آخرت، آشکار می گردد» .

الكافي عن سعد بن طريف: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ غَسَلَ مَيِّتًا فَأَدَّى فِيهِ الْأَمَانَةَ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ. قُلْتُ: وَكَيْفَ يُؤَدِّي فِيهِ الْأَمَانَةَ؟ قَالَ: لَا يُحَدِّثُ بِمَا يَرَى. (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَطَّلِعُوا فِي الْقُبُورِ، فَإِنَّهَا أَمَانَةٌ. وَلَا يَدْخُلُ الْقَبْرَ إِلَّا ذُو أَمَانَةٍ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْأَمَانَةِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، الرَّجُلُ يُفْضِي إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِي إِلَيْهِ، ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الْحَوَائِجُ أَمَانَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي صُدُورِ الْعِبَادِ، فَمَنْ كَتَمَهَا كُتِبَتْ لَهُ عِبَادَةٌ، وَمَنْ أَفْشَاهَا كَانَ حَقًّا عَلَى مَنْ سَمِعَهَا أَنْ يُعِينَهُ (4). (5)

عنه صلى الله عليه وآله: لِعَلِّيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، الْحَاجَةُ أَمَانَةٌ لِلَّهِ عِنْدَ خَلْقِهِ، فَمَنْ كَتَمَهَا عَلَى نَفْسِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ مَنْ صَلَّى، وَمَنْ كَشَفَهَا إِلَى مَنْ يَقْدِرُ أَنْ يُفْرِجَ عَنْهُ وَلَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ قَتَلَهُ، أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَقْتُلْهُ بِسَيْفٍ، وَلَا سِنَانٍ (6)، وَلَا سَهْمٍ، وَلَكِنْ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى (7) مِنْ قَلْبِهِ. (8)

- 1- الكافي: ج 3 ص 164 ح 2، تهذيب الأحكام: ج 1 ص 450 ح 1460، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 141 ح 388 بزيادة «وحده إلى أن يدفن الميت» في آخره، المقنع للصدوق: ص 61 عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال: ص 232 ح 2 عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام وكلها نحوه، بحار الأنوار: ج 81 ص 287 ح 6.
- 2- الفردوس: ج 5 ص 38 ح 7391 عن أنس، كنز العمال: ج 15 ص 603 ح 42400.
- 3- صحيح مسلم: ج 2 ص 1061 ح 124، سنن أبي داود: ج 4 ص 268 ح 4870، مسند ابن حنبل: ج 4 ص 138 ح 11655، كلها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال: ج 16 ص 375 ح 44969 وراجع: المصنّف لابن أبي شيبة: ج 3 ص 449 ح 2.
- 4- في المصدر: «يعنيه» والتصويب من بحار الأنوار.
- 5- الكافي: ج 4 ص 24 ح 4 عن الحارث الهمداني عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 41 ص 36 ح 13.
- 6- السنن: نصل الرمح، والجمع أسنة (القاموس المحيط: ج 4 ص 239 «السن»).
- 7- نكيت في العدو نكايّة: إذا قتلت فيهم وجرححت (الصحيح: ج 6 ص 2515 «نكى»).
- 8- الكافي: ج 2 ص 261 ح 8 عن إدريس بن عبد الله عن الإمام الصادق عليه السلام، مشكاة الأنوار: ص 369 ح 1213 عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «أنكأ» بدل «نكى من»، بحار الأنوار: ج 72 ص 10 ح 9.

الکافی_ به نقل از سعد بن طریف _ : امام باقر علیه السلام فرمود : «هر کس مُرده ای را غسل دهد و در باره او امانتداری کند ، خداوند او را می آمرزد» . گفتم : در باره اش امانتداری کند ، یعنی چه؟ فرمود : «آنچه [از او] می بیند ، بازگو نکند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به درون گورها منگرید ؛ که آنها امانت اند ، و تنها کسی باید [برای گذاشتن میّت در لحد] داخل گور شود که امانتدار باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت ، یکی از بزرگ ترین [خیانت ها در] امانت ها ، نزد خدا این است که زن و شوهری با هم خلوت کنند و مرد ، راز او را [برای دیگران] فاش سازد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نیازها ، امانت خدا در سینه های بندگان اند . پس هر که آنها را پوشیده بدارد [و نیازش را به کسی نگوید] ، برایش عبادت نوشته می شود ، و هر که آنها را آشکار سازد ، کسی که آنها را شنید ، باید به او کمک کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ به علی علیه السلام _ : ای علی ! حاجت ، امانت خدا در نزد خلق اوست . پس هر که آن را پیش خود نگه دارد ، خداوند ، ثواب نمازگزار را به او می دهد ، و هر که آن را برای کسی که می تواند حاجتش را برآورد ، ابراز دارد و او برآورده نسازد ، هر آینه ، وی را گُشته است . با شمشیر یا سرنیزه یا تیر نگُشته ؛ بلکه با جریحه دار کردن دلش ، او را گُشته است .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ، فَمَنْ سَتَرَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ، وَمَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ، فَقَدْ قَتَلَهُ. أَمَا إِنَّهُ مَا قَتَلَهُ بِسَيْفٍ، وَلَا رُمَحٍ، وَلَكِنَّهُ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الْفَقْرُ أَمَانَةٌ، فَمَنْ كَتَمَهُ كَانَ عِبَادَةً، وَمَنْ بَاخَ بِهِ فَقَدْ قَلَّدَ إِخْوَانَهُ الْمُسْلِمِينَ. (2)

تهذيب الأحكام عن الحسين بن المختار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَكُونُ لَهُ الشَّرِيكُ فَيَظْهَرُ عَلَيْهِ قَدْ اخْتَانَ شَيْئًا، أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ مِثْلَ الَّذِي أَخَذَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُبَيِّنَ لَهُ؟ فَقَالَ: شَوْهٌ (3)! إِنَّمَا اشْتَرَكَا بِأَمَانَةِ اللَّهِ تَعَالَى، وَإِنِّي لِأَحِبُّ لَهُ إِنْ رَأَى شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ، وَمَا أَحِبُّ أَنْ يَأْخُذَ مِنْهُ شَيْئًا بِغَيْرِ عِلْمِهِ. (4)

-
- 1- الكافي: ج 2 ص 260 ح 3، مشكاة الأنوار: ص 226 ح 626 وفيه «أنكر» بدل «نكى»، ثواب الأعمال: ص 217 ح 1، جامع الأخبار: ص 305 ح 835 كلاهما نحوه وكلها عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 72 ص 8 ح 6.
 - 2- تاريخ دمشق: ج 43 ص 153 ح 9136 عن عمر، كنز العمال: ج 6 ص 471 ح 16596.
 - 3- شوه: كلمة تقبيح ومنه: شاهت الوجوه (هامش المصدر). وشاه وجهه: قبح، وشوه كفرح فهو أشوه وهي شوهاء، وهما القبيحا الوجه والخلقة (تاج العروس: ج 19 ص 55 «شوه»).
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 350 ح 992 وج 7 ص 192 ح 849 نحوه، وسائل الشيعة: ج 13 ص 178 ح 24043.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند ، فقر را در نزد مخلوقش به امانت نهاده است . پس هر که آن را نهان بدارد ، خداوند به او پاداشی همانند پاداشِ روزه دار شب خیز می دهد ، و هر که آن را نزد کسی که می تواند حاجتش را برآورد ، ابراز دارد و او برآورده نسازد ، در حقیقت ، او را گُشته است . البته او را با شمشیر و سرنیزه ای نگُشته ؛ بلکه با زخم زدن بر قلبش او را گُشته است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : فقر ، يك امانت است . پس هر که آن را پنهان نگه دارد ، عبادت کرده است ، و هر که آن را فاش سازد ، [مسئولیت] آن را به گردن برادرانِ مسلمانانش انداخته است .

تهذيب الأحكام_ به نقل از حسين بن مختار _ : به امام صادق علیه السلام گفتم : مردی شریکی دارد و برایش معلوم می شود که آن شريك ، در چیزی [از اموالش] به او خیانت کرده است . آیا می تواند به اندازه ای که از مال او برداشته است ، از مال وی بردارد ، بدون آن که به او بگوید ؟ فرمود : «چه قدر زشت ! آن دو ، در حقیقت ، در امانت خدای متعال شريك شده اند ، و من دوست دارم که اگر در این باره چیزی از او مشاهده کرد ، آن را بر او بیوشاند [و به روی او نیاورد] ، و دوست ندارم بدون اطلاعش ، از مال او چیزی بردارد .

4 / 5 الأمانات العملية الكتاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» . (1)

الحديث للإمام الباقر عليه السلام في قوله تعالى : «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» _ :فَخِيَانَةُ اللَّهِ وَالرَّسُولِ مَعْصِيَتُهُمَا ، وأما خِيَانَةُ الأمانة ، فكلُّ إنسانٍ مَأْمُونٌ عَلَى مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ . (2)

الفصول المختارة عن أبي رافع : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ ، وَصَلَتْ خَدِيجَةُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهَا مَعَهُ ، وَدَعَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الصَّلَاةِ مَعَهُ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ ، فَقَالَ لَهُ : أَنْظِرْنِي حَتَّى أَلْقَى أَبَا طَالِبٍ . فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : إِنَّهَا أَمَانَةٌ ، فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَإِنْ كَانَتْ أَمَانَةً فَقَدْ أَسْلَمْتُ لَكَ ، فَصَلَّى مَعَهُ ، وَهُوَ ثَانِي يَوْمِ الْمَبْعَثِ . (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله : الأمانة ثلاث : الصلاة ، والصَّيَامُ ، وَالْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : الأمانة في الصلاة ، والأمانة في الصَّوْمِ ، والأمانة في الْحَدِيثِ ، فَأَشَدُّ ذَلِكَ الْوَدَائِعُ . (5)

1- . الأنفال : 27 .

2- . تفسير القمّيّ : ج 1 ص 272 عن أبي الجارود ، بحار الأنوار : ج 22 ص 67 ح 11 .

3- . الفصول المختارة : ص 280 ، الاحتجاج : ج 1 ص 329 ح 55 عن جابر الجعفيّ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 38 ص 286 ؛ المستدرک على الصحيحين : ج 3 ص 201 ح 4841 نحوه .

4- . تفسير عبد الرزاق : ج 2 ص 125 ، تفسير القرطبي : ج 20 ص 9 وليس فيه «الغسل من» كلاهما عن زيد بن أسلم ، الدر المنثور : ج 6 ص 671 .

5- . المعجم الكبير : ج 10 ص 219 ح 10527 ، تفسير القرطبي : ج 5 ص 256 ، حلية الأولياء : ج 4 ص 201 الرقم 277 وليس فيه «الأمانة في الصلاة» وكلّها عن عبد الله بن مسعود ، كنز العمال : ج 4 ص 401 ح 11116 .

4 / 5 امانت های عملی

4 / 5 امانت های عملیقرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و [نیز] در امانت های خود، خیانت نورزید؛ و خود می دانید [که نباید خیانت کرد]». .

حدیثامام باقر علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر او خیانت مکنید، و [نیز] در امانت های خود، خیانت نورزید و خود می دانید» _ :خیانت کردن به خدا و پیامبر او، نافرمانی کردن آنهاست. و اما خیانت در امانت؛ هر چیزی که خداوند بر انسان واجب ساخته، در واقع، امانتی در دست اوست.

الفصول المختارة_ به نقل از ابورافع _ :پیامبر خدا، روز دوشنبه نماز خواند و خدیجه _ که خدایش از او خشنود باد _ نیز با او نماز خواند، و روز سه شنبه علی علیه السلام را به نماز خواندن با خودش دعوت کرد. علی علیه السلام گفت: به من مهلت دهید تا ابوطالب را ببینم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نماز، يك امانت است». علی علیه السلام گفت: اگر امانت است، پس من تسلیم تو هستم. پس با پیامبر نماز گزارد. و این، در دومین روز مبعث بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانت ها سه تائید: نماز، روزه، و غسل جنابت.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :امانت، در نماز است. امانت، در روزه است. امانت، در سخن است؛ و مهم تر از همه اینها، سپرده هاست.

عنه صلى الله عليه وآله: الأمانة في ثمانية أشياء: في الصلاة، والزكاة، والحج، والجهد، والأمر بالمعروف، والنهي عن المنكر، وأشد ذلك الودائع، وعهدهم الذين يعهدون الناس. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: الأذان حجة على أممي، وتفسيره: إذا قال المؤذن: «الله أكبر الله أكبر» فإنه يقول: اللهم أنت الشاهد على ما أقول، يا أمة محمد؛ قد حصرت الصلاة فتهايؤوا، ودعوا عنكم شغل الدنيا... وإذا قال: «لا إله إلا الله» فإنه يقول: يا أمة محمد، إعلموا أنني جعلت أمانة سبع سماوات، وسبع أرضين في أعناقكم. فإن شئتم فأقبلوا، وإن شئتم فأدبروا، فمن أجابني فقد ربح، ومن لم يجبني فلا يضرني. (2)

عوالي اللآلي: في الحديث أن علياً عليه السلام إذا حضر وقت الصلاة يتملأ ويتزلزل ويتلون، ف قيل له: ما لك يا أمير المؤمنين؟ فيقول: جاء وقت الصلاة، وقت أمانة عرضها الله على السماوات والأرض فأبين أن يحملنها وأشفقن منها. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: غسل الجنابة... أمانة أئتمن الله عليها عبده؛ ليختبرهم بها. (4)

1- الفردوس: ج 1 ص 121 ح 414 عن ابن عباس.

2- جامع الأخبار: ص 171 ح 405 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 84 ص 153 ح 49.

3- عوالي اللآلي: ج 1 ص 324 ح 62، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 124 نحوه، مجمع البحرين: ج 1 ص 78، بحار الأنوار: ج 84 ص 256 ح 53.

4- الاحتجاج: ج 2 ص 240 ح 223، المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 264 و 356 عن الإمام الرضا عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 81 ص 8 ح 8.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: امانت، در هشت چیز است: در نماز، و زکات، و حج، و جهاد، و امر به معروف و نهی از منکر، و از همه اینها مهم تر، سپرده هاست، و [نیز] پیمانی که مردم با یکدیگر می بندند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اذان، حجت بر امت من است و تفسیرش این است: هرگاه مؤمن گفت: «خدا، بزرگ تر است؛ خدا، بزرگ تر است»، در واقع می گوید: بارخدا یا! تو بر آنچه می گویم، گواهی. ای امت محمد! نماز فرا رسید. پس آماده شوید و کار دنیا را رها کنید... و هرگاه گفت: «معبودی جز خدا نیست»، در واقع می گوید: ای امت محمد! بدانید که من، امانت هفت آسمان و هفت زمین را برگردن شما نهادم. پس اگر خواستید، بیایید و اگر خواستید، نیایید؛ زیرا هر که [ندای] مرا اجابت کند، سود برده است، و هر که اجابت نکند، به من زیانی نمی رساند.

عوالی اللالی: در حدیث آمده است که علی علیه السلام چون وقت نماز می رسید، به خود می پیچید و می لرزید و رنگش بر می گشت. به ایشان گفته شد: شما را چه شده است، ای امیر مؤمنان؟ فرمود: «وقت نماز شده است؛ وقت امانتی که خدا، آن را به آسمان ها و زمین، پیشنهاد داد و آنها از پذیرفتنش سر باز زدند و از آن ترسیدند». (1)

امام صادق علیه السلام: غسل جنابت، ... امانتی است که خداوند بر عهده بندگانش نهاده است تا بدان وسیله، آنان را بیازماید.

- الفصل الخامس : أصناف الأئمة 5 / 1 الله عز وجل لكتاب «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ» . (1)
- الحديث مجمع البيان عن ابن عباس والضحاك والجبائي في قوله تعالى : «الْمُهَيْمِنُ» _ أي الأَمِينُ ، حَتَّى لَا يَضِيعَ لِأَحَدٍ عِنْدَهُ حَقٌّ . (2)
- رسول الله صلى الله عليه وآله في دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ _ :اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ، يَا مُعِينُ يَا أَمِينُ . (3)
- الإمام علي عليه السلام : الْحَمْدُ لِلَّهِ ... الْمُهَيْمِنِ بِقُدْرَتِهِ ، وَالْمُتَعَالِي فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ بِجَبَرَوْتِهِ . (4)

-
- 1- .الحشر : 23 .
 - 2- .مجمع البيان : ج 9 ص 400 ، مجمع البحرين : ج 3 ص 1895 .
 - 3- .البلد الأمين : ص 409 ، بحار الأنوار : ج 94 ص 394 .
 - 4- .الكافي : ج 8 ص 173 ح 194 عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 77 ص 350 ح 31 .

فصل پنجم : امانتداران

5 / 1 خداوند عزوجل

فصل پنجم : امانتداران 5 / 1 خداوند عز و جلقرآن «اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمان روای پاک سلامت [بخش و [ایمنی بخش] و [نگهبان ...» .

حدیثمجمع البیان_ به نقل از ابن عباس و ضحاک و جبائی در باره این سخن خداوند متعال : «نگهبان» _ یعنی امین ، به طوری که حق هیچ کس در نزد او ، گم و ضایع نمی شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله_ در دعای «جوشن کبیر» _ : بار خدایا ! به نام تواز تو درخواست می کنم ، ای کمک کننده ، ای امانتدار !

امام علی علیه السلام : ستایش ، خدایی را که ... به واسطه قدرتش ، نگهبان است و به سبب سلطنتش ، فرادستِ هر چیز است .

رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا ... مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ (1)، وَهِيَ: اللَّهُ، الْإِلَهُ، الْوَاحِدُ ... الْمُهِمِّنُ، الْعَزِيزُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله- في دُعَاءِ السَّفَرِ - :اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، وَدِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَأَمَانَتِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي. (3)

الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ إِذَا وَدَّعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا قَالَ: أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ، وَأَمَانَتَكَ، وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام- في بَيَانِ بَعْضِ مَنَاسِكِ الْحَجِّ - :وَأَكْثَرُ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبَّكَ دِينَكَ وَنَفْسَكَ وَأَهْلَكَ، ثُمَّ تَقُولَ: أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ - الَّذِي لَا يُضَيِّعُ وَدَائِعَهُ - نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي. (5)

رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاحْفَظْنِي وَاحْفَظْ عَلَيَّ، وَاحْرُسْنِي وَاحْرُسْ عَلَيَّ، وَاكْنُفْنِي وَاكْنُفْنِي، وَاجْعَلْنِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَمَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ وَيُخْصِنِي فِي وَدَائِعِكَ الْمَحْفُوظَةِ، وَصِيَانَتِكَ الْمَكْلُوءَةِ (6). (7)

1- قال الشيخ الصدوق رحمه الله: معنى قول النبي صلى الله عليه وآله: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةً وَتِسْعِينَ اسْمًا، مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ» إحصاؤها هو الإحاطة بها، والوقوف على معانيها، وليس معنى الإحصاء عدّها، وبالله التوفيق (التوحيد: ص 195) وقال العلامة الطباطبائي رحمه الله: المراد بقوله: «مَنْ أَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ» الإيمان باتّصافه تعالى بجميع ما تدلّ عليه تلك الأسماء، بحيث لا يشدّ عنها شاذّ (الميزان في تفسير القرآن: ج 8 ص 359).

2- الخصال: ص 593 ح 4، التوحيد: ص 194 ح 8 كلاهما عن سليمان بن مهران عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 4 ص 186 ح 1؛ سنن الترمذي: ج 5 ص 530 ح 3507، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1269 ح 3861، المستدرک على الصحيحين: ج 1 ص 63 ح 42 عن أبي هريرة كلّها نحوه، كنز العمال: ج 1 ص 448 ح 1937.

3- الكافي: ج 3 ص 480 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 3 ص 310 ح 959 كلاهما عن اسماعيل بن أبي زياد السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 271 ح 2413، بحار الأنوار: ج 76 ص 244 ح 27.

4- المحاسن: ج 2 ص 96 ح 1251 عن عبد الله بن ميمون القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 1 ص 151 ح 111، بحار الأنوار: ج 76 ص 281 ح 7.

5- الكافي: ج 4 ص 431 ح 1 عن معاوية بن عمّار.

6- كلاءة الله كلاءة: أي حفظه وحرسه (الصحيح: ج 1 ص 69 «كلاء»).

7- جمال الأسبوع: ص 200 عن جعفر بن عمارة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 89 ص 379 ح 67.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل نود و نه نام دارد ... که هر کس آنها را برشمارد ، به بهشت می رود . (1) آن نام ها عبارت اند از : خدا ، إله ، یکتا ، ... نگهبان (امین) ، ارجمند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعای سفر _ : بار خدایا ! من ، خودم و کسانم و دارایی ام را ، و دینم و دنیايم و آخرتم را ، و امانتم و عواقب کارم را به تو می سپارم .

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا ، هرگاه با مردی خداحافظی می کرد ، می فرمود : «دین و امانت و عواقب کارت را به خدا می سپارم» .

امام صادق علیه السلام _ در بیان برخی آیین های حج _ : دینت را و خودت و کسانت را بسیار به خداوند می سپاری و می گویی : «خودم را و دینم را و کسانم را به خدای مهرگسترِ مهربان می سپارم ؛ کسی که آنچه را به او بسپارند ، تباه نمی گرداند» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بار خدایا ! بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا نگه دار و از من ، محافظت نما ، و مرا پاس بدار و از من ، مراقبت فرما و مرا در پناه حمایت خود گیر ، و برایم کارسازی کن ، و مرا و همسرم را و فرزندانم را و هر آن کس را که به من مربوط می شود و اختصاص به من دارد ، در میان سپرده هایت _ که محفوظ اند و نگهداری و حراست می شوند _ ، قرار ده .

1- . شیخ صدوق رحمه الله می گوید : معنای «شمردن» نام های خداوند در این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله : «خداوند _ تبارک و تعالی _ نود و نه نام دارد که هر کس آن را برشمارد ، به بهشت می رود» احاطه بر آنها و فهمیدن معانی آنهاست ، نه شمارش کردن آنها (التوحید : ص 195) . علّا مه طباطبایی رحمه الله می گوید : مراد از این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله : «هر که آنها را برشمارد به بهشت می رود» ، ایمان داشتن به این معناست که خداوند متعال ، به هر آنچه این نام ها بر آنها دلالت دارند ، متّصف است و يك مورد هم استثنا ندارد (المیزان فی تفسیر القرآن : ج 8 ص 359) .

عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لُقْمَانَ الْحَكِيمَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا اسْتَوْدَعَ شَيْئًا حَفِظَهُ. (1)

5 / 2 الملائكة الكتاب «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ * ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ». (2)

«وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ * نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ». (3)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله - لَجَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : مَا أَحْسَنَ مَا أَتَى عَلَيْكَ رَبُّكَ : «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ * مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ» فَمَا كَانَتْ قُوَّتُكَ؟ وَمَا كَانَتْ أَمَانَتُكَ؟ فَقَالَ : ... وَأَمَّا أَمَانَتِي ، فَإِنِّي لَمْ أُؤْمَرْ بِشَيْءٍ فَعَدَوْتُهُ (4) إِلَى غَيْرِهِ . (5)

الإمام علي عليه السلام : ثُمَّ فَتَقَّ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَا ، فَمَلَأَهُنَّ أَطْوَارًا مِنْ مَلَائِكَتِهِ ، مِنْهُمْ سَجُودٌ لَا يَرْكَعُونَ ... وَمِنْهُمْ أُمْنَاءٌ عَلَى وَحْيِهِ ، وَالسِّنَّةُ إِلَى رُسُلِهِ ، وَمُخْتَلِفُونَ بِقَضَائِهِ وَأَمْرِهِ . (6)

1- .مسند ابن حنبل : ج 2 ص 393 ح 5609 ، السنن الكبرى للنسائي : ج 6 ص 132 ح 10350 _ 10353 ، السنن الكبرى : ج 9 ص 291 ح 18577 وليس فيه صدره ، المنتخب من مسند عبد بن حميد : ص 270 ح 855 كلها عن ابن عمر ، كنز العمال : ج 6 ص 702 ح 17475 .

2- .التكوير : 19 _ 21 .

3- .الشعراء : 192 و 193 .

4- .في المصدر : «بعدوته» ، والتصويب من بحار الأنوار .

5- .مجمع البيان : ج 10 ص 677 ، بحار الأنوار : ج 18 ص 171 ؛ تاريخ دمشق : ج 50 ص 325 ح 10699 عن معاوية بن قرة .

6- .نهج البلاغة : الخطبة 1 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 177 ح 136 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : لقمان حکیم می گفت : «خداوند عز و جل هرگاه چیزی به او سپرده شود ، از آن ، نگهداری می کند» .

5 / 2 فرشتگانقرآن «به درستی که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است . نیرومند [که] نزد خداوند عرش ، بلندپایگاه است . در آن جا [هم] مُطاع [و هم] امین است» .

«و راستی که این [قرآن] ، وحی [نامه] پروردگارِ جهانیان است . «روح الامین» ، آن را بر دلت نازل کرد» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به جبرئیل علیه السلام _ : چه نیکو پروردگارت تو را ستود : «نیرومند [که] نزد خداوند عرش ، بلند پایگاه است . در آن جا [هم] مُطاع [و هم] امین است» . نیرومندی تو در چیست ؟ و امانتداری ات به چیست ؟ جبرئیل علیه السلام گفت : ... امانتداری ام به این است که هر مأموریتی به من داده شده است ، از آن فراتر نرفته ام [و عینا آن را انجام داده ام] .

امام علی علیه السلام : سپس میان آسمان های بلند را از هم گشاد و آنها را از انواع فرشتگان ، آکنده ساخت که برخی از آن فرشتگان ، پیوسته در سجودند و رکوعی ندارند ... و برخی از آنها ، امینِ وحی او و زبان هایی (پیام رسان) به سوی پیامبران اویند ، و با حکم و فرمان او ، آمد و شد می کنند .

عنه عليه السلام_ في صِفَةِ الْمَلَائِكَةِ _ : جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِيهَا هُنَالِكَ أَهْلَ الْأَمَانَةِ عَلَى وَحْيِهِ ، وَحَمَّلَهُمْ إِلَى الْمُرْسَلِينَ وَدَائِعَ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ . (1)

الإمام زين العابدين عليه السلام_ في الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَالْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ _ : اللَّهُمَّ وَحَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ ... وَجِبْرِيلُ الْأَمِينُ عَلَى وَحْيِكَ ، الْمُطَاعُ فِي أَهْلِ سَمَاوَاتِكَ ، الْمَكِينُ لَدَيْكَ ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ ، وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ عَلَى مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ (2) ، وَالرُّوحُ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ . (3) فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِمْ ، مِنْ سَكَّانِ سَمَاوَاتِكَ ، وَأَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَى رِسَالَاتِكَ ، ... وَحُمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ ، وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ . (4)

5 / 13 الأنبياء عليهم السلام الكتاب «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» . (5)

- 1- نهج البلاغة : الخطبة 91 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 109 ح 90 .
- 2- قال المجلسي في بحار الأنوار : الروح رئيس الملائكة الموكلين بالحجب والساكنين فيها ، والظاهر أنه شخص واحد موكل بالجميع ، ويحتمل أن يكون اسم جنس ، بأن يكون لملائكة كل حجاب رئيس يطلق عليه الروح (بحار الأنوار : ج 59 ص 221) .
- 3- قال المجلسي قدس سره : «والروح الذي هو من أمرك» إشارة إلى قوله تعالى : «وَيَسَّ ثُلُوتَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (بحار الأنوار : ج 59 ص 222) .
- 4- الصحيفة السجادية : ص 27 الدعاء 3 ، بحار الأنوار : ج 59 ص 217 ح 85 عن المتوكل بن هارون عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عليهم السلام .
- 5- الأعراف : 68 .

امام علی علیه السلام در توصیف فرشتگان _ خداوند ، آنها را در آن جایگاهی که هستند . امانتدارانِ وحی خویش داشت ، و آنها را حاملان امانت های امر و نهی خود به سوی پیامبران قرار داد .

امام زین العابدین علیه السلام در درود فرستادن بر حاملان عرش و فرشتگان مقرب _ :بار خدایا ! و حاملان عرش که در تسبیحگویی توسستی نمی ورزند ... و جبرئیل _ که امینِ وحیِ توسست و در میان آسمانیان ، فرمانش مُطاع است و در نزد تو بلندپایگاه ، و به درگاه تو مقرب است _ ، و روح [نام فرشته ای] که سالار فرشتگان پرده هاست ، (1) و روح [نام فرشته ای] که از عالم امر توسست . (2) بر اینان و بر فرشتگانی که فرودست تر از اینان و ساکنان آسمان های تو اند ، و امانتداران پیام های تو ... و رسانندگان [اسرار] غیب به پیامبران تو ، و امین بر وحی تو ، درود فرست !

5 / 3 پیامبرانقرآن «پیام های پروردگارم را به شما می رسانم و برای شما ، خیرخواهی امینم»

1- .علامه مجلسی گفته است : روح ، رئیس فرشتگان ، مسئول حجاب و پرده ها و ساکنان در آنهاست. ظاهر ، این است که او يك نفر است و بر همه گمارده شده است. احتمال هم دارد که روح ، اسم جنس باشد ؛ یعنی برای همه فرشتگان هر حجابی ، رئیسی هست که به او «روح» می گویند.

2- .علامه مجلسی می گوید : عبارت «روح که از عالم امرِ توسست» ، اشاره به این سخن خداست : «از تو در باره روح می پرسند، بگو : روح از جانب پروردگار من است» .

«كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» . (1)

«وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ * أَنْ أَذُوا إِلَىٰ آلِي عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» . (2)

«قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» . (3)

«وَقَالَ الْمَلِكُ انْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ» . (4)

الحديث الإمام علي عليه السلام _ في صِفَةِ الْأَرْضِ _ : فَلَمَّا مَهَّدَ أَرْضَهُ ، وَأَنْفَذَ أَمْرَهُ ، اخْتَارَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَام ... فَأَهْبَطَهُ بَعْدَ التَّوْبَةِ لِيَعْمُرَ أَرْضَهُ بِنَسْلِهِ ، وَلِيُقِيمَ الْحُجَّةَ بِهِ عَلَى عِبَادِهِ . وَلَمْ يُخْلِهِمْ _ بَعْدَ أَنْ قَبَضَهُ _ مِمَّا يُؤَكِّدُ عَلَيْهِمْ حُجَّةَ رَبُّوبِيَّتِهِ ، وَيَصِلُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ ، بَلْ تَعَاهَدَهُمْ بِالْحُجَجِ عَلَى السَّنِ الْخَيْرَةِ مِنْ أَنْبِيَائِهِ ، وَمُتَحَمِّلِي وَدَائِعِ رِسَالَاتِهِ ، قَرْنَا فَقَرْنَا ، حَتَّى تَمَّتْ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حُجَّتُهُ . (5)

4 / 5 خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْكِتَابُ «مُطَاعٌ ثُمَّ أَمِينٌ» . (6)

1- الشعراء : 105 _ 107 وراجع : 123 _ 125 و 141 _ 143 و 160 _ 162 و 176 _ 178 .

2- الدخان : 17 و 18 .

3- القصص : 26 .

4- يوسف : 54 .

5- نهج البلاغة : الخطبة 91 ، بحار الأنوار : ج 57 ص 112 ح 90 .

6- التكوين : 21 .

5 / 4 خاتم پیامبران صلی الله علیه وآله

«قوم نوح، پیامبران را تکذیب کردند؛ چون برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ من برای شما، فرستاده ای امینم» .

«و به یقین، پیش از آنان، قوم فرعون را بیازمودیم، و پیامبری بزرگوار بر ایشان آمد که [به آنان گفت]: «بندگان خدا را به من بسپارید؛ زیرا من، برای شما فرستاده ای امینم» .

«یکی از آن دو [دختر] گفت: «ای پدر! او را استخدام کن؛ چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی: [هم] نیرومند [و هم] امین است» .

«و پادشاه گفت: «او را نزد من آورید، تا وی را ویژه خود کنم» . پس چون با او سخن راند، گفت: «تو امروز، نزد ما بامنزلت و امین هستی» .

حدیث امام علی علیه السلام در توصیف زمین _ چون زمینش را آماده ساخت و فرمانش را روان داشت، آدم علیه السلام را برگزید ... و پس از توبه، او را [به زمین] فرو فرستاد تا زمینش را با تبار او آباد کند و او را بر بندگانش، حجت [و دلیل وجود خویش] قرار دهد. و پس از میراندن او نیز بندگانش را از وجود آنچه که حجت خداوندگاری اش را بر آنان تأکید و تقویت کند و آنان را به شناخت خداوند رساند، بی بهره نگذاشت؛ بلکه با زبان برگزیدگانش، یعنی پیامبران و امانتداران پیام هایش، نسلی از پی نسلی، بر آنان حجت آورد، تا آن که حجت او با پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله تمام [و کامل] شد.

5 / 4 خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله قرآن «در آن جا [هم] مُطاع [و هم] امین است» .

الحديث تفسير القمي عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى: «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ» _ قال عليه السلام: يَعْنِي جَبْرِئِيلَ . قُلْتُ: قَوْلُهُ: «مُطَاعٌ تَمَّ آمِينَ» ، قَالَ: يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، هُوَ الْمُطَاعُ عِنْدَ رَبِّهِ ، الْأَمِينُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ . (1)

رسول الله صلى الله عليه وآله: أَمِ الْآمِينَ فِي السَّمَاءِ ، أَمِينٌ فِي الْأَرْضِ . (2)

الإمام علي عليه السلام في خطبة له يُبَيِّنُ فِيهَا فَضْلَ الرَّسُولِ الْكَرِيمِ _ فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِنِ مَنِيَّتًا ، وَأَعَزَّ الْأُرُومَاتِ (3) مَغْرَسًا ، مِنْ الشَّجَرَةِ الَّتِي صَدَعَ مِنْهَا أَنْبِيَاءُهُ ، وَاتَّجَبَ مِنْهَا أَمْنَاءُهُ . (4)

عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ ، وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ . (5)

عنه عليه السلام: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُصْطَفَى ، وَرَسُولُهُ الْمُجْتَبَى ، وَأَمِينُهُ الْمُؤْتَصَّى ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ، وَدَاعِيًا إِلَيْهِ بِإِذْنِهِ ، وَسِرَاجًا مُنِيرًا . فَبَلَغَ الرِّسَالَةَ ، وَأَدَّى الْأَمَانَةَ ، وَنَصَحَ الْأُمَّةَ ، وَعَبَدَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ . (6)

-
- 1- تفسير القمي: ج 2 ص 408 ، بحار الأنوار: ج 9 ص 248 ح 153 .
 - 2- المعجم الكبير: ج 1 ص 331 ح 989 ، تفسير ابن كثير: ج 4 ص 466 ، تفسير القرطبي: ج 11 ص 262 كلُّها عن أبي رافع ، المصنّف لعبد الرزّاق: ج 8 ص 11 ح 14091 عن زيد بن اسلم ، كنز العمال: ج 11 ص 413 ح 31937 ؛ تفسير العياشي: ج 2 ص 251 ح 42 عن أحدهما عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه ، بحار الأنوار: ج 9 ص 219 ح 101 .
 - 3- الأرومة بوزن الأكلة: الأصل (النهاية: ج 1 ص 41 «أرم»).
 - 4- نهج البلاغة: الخطبة 94 ، بحار الأنوار: ج 16 ص 379 ح 91 وراجع: التوحيد: ص 72 ح 26 .
 - 5- نهج البلاغة: الخطبة 26 ، الغارات: ج 1 ص 303 عن عبد الرحمن بن جندب عن أبيه ، بحار الأنوار: ج 18 ص 226 ح 68 ؛ الإمامة والسياسة: ج 1 ص 174 .
 - 6- مصباح المتجّد: ص 385 ح 512 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، بحار الأنوار: ج 89 ص 235 ح 67 .

حدیث تفسیر القمّی_ به نقل از ابو بصیر _ : امام صادق علیه السلام ، در باره این سخن خداوند عز و جل : «نیرومند [که] نزد خداوندگار عرش ، بلند جایگاه است» ، فرمود : «مقصود ، جبرئیل علیه السلام است» . گفتم : مقصود از : «آن جا فرمان رواست و امین» کیست؟ فرمود : «مقصود ، پیامبر خداست . در نزد پروردگارش ، فرمایش نافذ است و در روز رستاخیز ، امین است» .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هان! به خدا سوگند که من ، هم در آسمان امین هستم ، و هم در زمین .

امام علی علیه السلام_ در سخنرانی ای که طی آن ، برتری پیامبر گرامی را بیان می دارد _ : او را از برترین رویشگاه ها و ارجمندترین (/ نیرومندترین) ریشه ها برآورد ؛ از درختی که پیامبران خود را از آن پدید آورد و امانتدانش را از آن برگزید .

امام علی علیه السلام : خداوند ، محمد صلی الله علیه و آله را فرستاد تا جهانیان را هشدار دهد و امین وحی باشد .

امام علی علیه السلام : گواهی می دهم که محمد ، بنده برگزیده اوست ، و فرستاده منتخب او ، و امین مورد پسندش . او را به درستی فرستاد تا نوید و بیم دهد ، و به اذن او به سویش فرا خواند ، و چراغی تابان باشد ، و او پیام [خدایش] را برساند ، و امانت را بگزارد ، و امت را راه نمایی فرمود ، و تا واپسین دم زندگی ، خدا را بندگی و پرستش نمود .

عنه عليه السلام_ في خطبة له في صفة رسول الله صلى الله عليه وآله _ : آمين وحيه ، وخاتم رسله ، وبشير رحمته ، ونذير نقمته . (1)

عنه عليه السلام_ من خطبة له عليه السلام يذكر فيها بعض صفات النبي صلى الله عليه وآله _ : فهو أمينك المأمون ، وخازن علمك المخزون ، وشهيدك يوم الدين ، وبعيثك بالحق ، ورسولك إلى الخلق . (2)

عنه عليه السلام_ في صفة النبي صلى الله عليه وآله _ : فهو أمينك المأمون ، وشهيدك يوم الدين وبعيثك نعمة ، ورسولك بالحق رحمة . (3)

عنه عليه السلام : لما خرج رسول الله صلى الله عليه وآله إلى المدينة في الهجرة ، أمرني أن أقيم بعده حتى أؤدي ودائع كانت عنده للناس ؛ ولذا كان يسئمي الأمين . فأقمت ثلاثاً ، فكنت أظهر ، ما تعيبت يوماً واحداً ، ثم خرجت فجعلت أتبع طريق رسول الله صلى الله عليه وآله حتى قديمت . (4)

السيرة النبوية لابن هشام : كانت قرش تسمى رسول الله صلى الله عليه وآله قبل أن ينزل عليه الوحي : الأمين . (5)

كشف الغمة : من أسمائه صلى الله عليه وآله : الأمين ، وهو مأخوذ من الأمانة وأداؤها وصدق الوعد ، وكانت العرب تسميه بذلك قبل مبعثه ، لما شاهدوه من أمانته ، وكل من أمنت منه الخلف والكذب فهو أمين ، ولهذا وصف به جبرئيل عليه السلام فقال : « مُطَاعٌ ثُمَّ آمِنٌ » . (6)

- 1- نهج البلاغة : الخطبة 173 .
- 2- نهج البلاغة : الخطبة 72 ، الغارات : ج 1 ص 160 عن أبي سلام الكندي ، بحار الأنوار : ج 16 ص 378 ح 90 ؛ المعجم الأوسط : ج 9 ص 43 ح 9089 ، تفسير ابن كثير : ج 3 ص 517 كلاهما عن سلامة بن الكندي ، دستور معالم الحكم : ص 98 وكلها نحوه ، كنز العمال : ج 2 ص 271 ح 3989 .
- 3- نهج البلاغة : الخطبة 106 ، الإقبال : ج 2 ص 290 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 98 ص 309 ح 3 ؛ المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 83 ح 3 نحوه .
- 4- الطبقات الكبرى : ج 3 ص 22 ، تاريخ دمشق : ج 42 ص 69 كلاهما عن عبيد الله بن أبي رافع ، كنز العمال : ج 16 ص 685 ح 46324 وراجع : بحار الأنوار : ج 19 ص 86 ح 37 .
- 5- السيرة النبوية لابن هشام : ج 1 ص 210 .
- 6- كشف الغمة : ج 1 ص 11 .

امام علی علیه السلام در سخنرانی ای در معرفتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ :امین وحی او بود ، و خاتم پیامبرانش ، و نوید دهنده به رحمتش ، و ترساننده از خشم و کفرش .

امام علی علیه السلام از سخنرانی ای که در آن ، پاره ای ویژگی های پیامبر صلی الله علیه و آله را بر می شمارد _ :او امین و مورد اعتماد تو بود ، و خزانه دار دانشِ نهان تو ، و گواه تو در روز جزا ، و فرستاده بر حق تو ، و فرستاده تو به سوی مردمان .

امام علی علیه السلام در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله _ :او امینِ مورد اعتماد تو بود ، و گواه تو در روز جزاست ، و برانگیختنش نعمتی بود از جانب تو ، و فرستاده بر حق تو بود که از سرِ رحمت فرستادی .

امام علی علیه السلام :هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ره سپار هجرت به مدینه شد ، به من دستور داد پس از او بمانم تا سپرده هایی را که از مردم نزد او بوده ، به صاحبانشان باز گردانم . برای همین خصلتش بود که به او «امین» می گفتند . من ، سه روز ماندم . و آشکار می گشتم و حتی يك روز پنهان نشدم . پس از آن ، مکه را ترك گفتم و راه پیامبر خدا را دنبال کردم تا [به مدینه] آمدم .

السيرة النبویة ، ابن هشام :قریش ، به پیامبر خدا ، پیش از آن که بر او وحی فرود آید ، «امین» می گفتند .

كشف الغمّة :یکی از نام های پیامبر صلی الله علیه و آله «امین» است که برگرفته از امانت و امانتداری و خوش قولی است . عرب ، پیامبر صلی الله علیه و آله را پیش از معبوث شدنش ، به این نام می خواندند ؛ زیرا در او امانتداری دیده بودند . هر شخصی که از خُلف وعده و دروغگویی او در امان باشی ، «امین» است . به همین سبب ، از جبرئیل علیه السلام با این وصف یاد شده و خداوند فرموده است : «آن جافرمان رواست و امین» .

5 / 15 الأئمة من أهل البيت عليهم السلام الكتاب «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» . (1)

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» . (2)

الحديث للإمام علي عليه السلام - وقد سأل بعض الزنادقة عن قول الله عز وجل : «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» ، فما هذه الأمانة ؟ _ : أمّا الأمانة التي ذكرتُها ، فهي الأمانة التي لا تجب ولا تجوز أن تكون إلا في الأنبياء وأوصيائهم ؛ لأن الله تبارك وتعالى ائتمنهم على خلقه ، وجعلهم حُججاً في أرضه . (3)

الإمام الباقر عليه السلام - لما سُئِلَ عن قول الله عز وجل : «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» _ : أَمَرَ اللَّهُ الإمامَ مِنَّا أَنْ يُؤَدِّيَ الإمامةَ إِلَى الإمامِ بَعْدَهُ ، لَيْسَ لَهُ أَنْ يَزْوِيَهَا عَنْهُ ، أَلَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِهِ : «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ» هُمُ الْحُكَّامُ ، أَوْ لَا تَرَى أَنَّهُ خَاطَبَ بِهَا الْحُكَّامَ . (4)

1- النساء : 58 .

2- الأحزاب : 72 .

3- الاحتجاج : ج 1 ص 574 و 591 ح 137 ، بحار الأنوار : ج 93 ص 117 ح 1 .

4- الغيبة للنعماني : ص 54 ح 5 عن زرارة ، بحار الأنوار : ج 23 ص 279 ح 17 .

5 / 5 پیشوایان از اهل بیت علیهم السلام

5 / 5 پیشوایان از اهل بیت علیهم السلام قرآن «خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا، شما را به آن پند می دهد. خدا، شنوای بیناست» .

«ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم ؛ ولی آنها از برداشتن آن ، سر باز زدند و از آن هراسناك شدند ؛ و [لی] انسان ، آن را برداشت . به راستی او ستمگری نادان بود» .

حدیث امام علی علیه السلام در پاسخ به زندیقی که از این سخن خدای عز و جل : «ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم ؛ ولی آنها از برداشتن آن ، سر باز زدند و از آن هراسناك شدند ؛ و [لی] انسان ، آن را برداشت . به راستی او ستمگری نادان بود» پرسید و گفت : این امانت چیست؟ _ :امانتی که گفتی ، امانتی است که نباید و روا نبود که باشد ، مگر در پیامبران و جانشینان آنان ؛ زیرا خداوند _ تبارك و تعالی _ اینان را امین خود در میان آفریدگانش ، و حجت در زمین خویش قرار داد .

امام باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال در باره این سخن خدای عز و جل : «خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش باز گردانید و هرگاه میان مردم حکم کردید ، به داد حکم کنید» _ :خداوند ، به هر يك از ما امامان فرموده است که [امانت] امامت را به امام پس از خود بسپارد . او حق ندارد آن را از وی دریغ بدارد . نمی بینی که می فرماید : «و هرگاه میان مردم حکم کردید ، به داد حکم کنید . خدا چه نیکو اندرز می دهد شما را» ؟ اینان ، حاکمان اند . نمی بینی که خداوند در این آیه ، حاکمان را مخاطب ساخته است؟

الكافي عن بريد العجلي: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» قَالَ: إِنَّا نَعْنِي؛ أَنْ يُؤَدِّيَ الْأَوَّلُ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ الْكُتُبَ وَالْعِلْمَ وَالسَّلَاحَ. «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» الَّذِي فِي أَيْدِيكُمْ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام في قول الله عز وجل: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» _: أَمَرَ اللَّهُ الْإِمَامَ الْأَوَّلَ أَنْ يَدْفَعَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ كُلَّ شَيْءٍ عِنْدَهُ. (2)

عنه عليه السلام في قوله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» _: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَدْفَعَ مَا عِنْدَهُ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ، وَأَمَرَتِ الْأَيُّمَةُ بِالْعَدْلِ، وَأَمَرَ النَّاسُ أَنْ يَتَّبِعُوهُمْ. (3)

الإمام الكاظم عليه السلام في قوله تعالى: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» _: هَذِهِ مُخَاطَبَةٌ لَنَا خَاصَّةً، أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ إِمَامٍ مِنَّا أَنْ يُؤَدِّيَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ، وَيُوصِي إِلَيْهِ، ثُمَّ هِيَ جَارِيَةٌ فِي سَائِرِ الْأَمَانَاتِ. (4)

1- الكافي: ج 1 ص 276 ح 1، تفسير العياشي: ج 1 ص 247 ح 153، دعائم الإسلام: ج 1 ص 21، بصائر الدرجات: ص 475 ح 4 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 26 ص 220 ح 42.

2- الكافي: ج 1 ص 277 ح 4، بصائر الدرجات: ص 476 ح 6، تأويل الآيات الظاهرة: ج 1 ص 134 ح 11 كلها عن المعلّى بن خنيس، مجمع البيان: ج 3 ص 98 عن الإمام الباقر والإمام الصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 276 ح 7 وراجع: الغيبة للنعماني: ص 52 ح 2.

3- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 223 ح 533، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 3 ح 3217 بزيادة «أَنْ يَحْكُمُوا» بعد «الأئمة» وكلاهما عن معلّى بن خنيس، تفسير العياشي: ج 1 ص 249 ح 167 عن ابن أبي يعفور نحوه، بحار الأنوار: ج 23 ص 278 ح 14.

4- معاني الأخبار: ص 107 ح 1 عن يونس بن عبد الرحمن، بحار الأنوار: ج 23 ص 278 ح 13.

الكافی_ به نقل از بُرید عجلی _ : از امام باقر علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل که : «خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش باز گردانید و هرگاه میان مردم حکم کردید ، به داد حکم کنید» پرسیدم . فرمود : «مقصودش ما هستیم ؛ یعنی باید امام پیشین ، کتاب ها و دانش و سلاح را به امام پس از خود بسپارد . «و هرگاه میان مردم حکم کردید ، به عدل ، حکم کنید» ، یعنی به عدلی که در دست شماست» .

امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خداوند عز و جل : «خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش باز گردانید» _ : خدا به امام پیشین فرمان داده است که تمام آنچه را [از علایم امامت] نزد اوست ، در اختیار امام پس از خود بگذارد .

امام صادق علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال : «خدا به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانشان باز گردانید و هرگاه میان مردم حکم کردید ، به داد حکم کنید» _ : بر امام است که آنچه را نزد اوست ، به امام پس از خود بدهد . [نیز] امامان ، به دادگری مأمور گشته اند ، و مردم به پیروی کردن از آنان ، فرمان یافته اند .

امام کاظم علیه السلام_ در باره این سخن خداوند متعال : «خدا به شما فرمان می دهد امانت ها را به صاحبانشان باز گردانید» _ : این خطاب ، [در اصل] ، ویژه ماست . خداوند تبارك و تعالی _ به هر يك از ما امامان دستور می دهد که [امانت امامت را] به امام پس از خود بسپارد و به او وصیت کند . سپس در باره دیگر امانت هاست .

رسول الله صلى الله عليه وآله: فاطمة بهجة قلبي، وابناها ثمرة فؤادي، وبعلمها نور بصري، والأئمة من ولدها أمانة ربي، وحبل ممدود بينه وبين خلقه. من اعتصم بهم نجا، ومن تخلف عنهم هوى. (1)

عنه صلى الله عليه وآله: معاشر الناس، أوصيكم (2) في عترتي وأهل بيتي خيرا، فإنهم مع الحق والحق معهم، وهم الأئمة الراشدون بعدي والأئمة المعصومون. (3)

الإمام علي عليه السلام: إنا أهل بيت خصنا الله بالرحمة والحكمة، والنبوة والعصمة... واثمنا على وحيه، فنحن الهداة المهديون. (4)

الإمام الباقر عليه السلام: في وصف الأئمة عليهم السلام: كانوا نورا مشرقا حول عرش ربهم، فأمرهم فسد بحوا فسد ببح أهل السماوات بتسييحهم،... فإنهم لهم الصافون، وإنهم لهم المسبحون... والأئمة على وحي الله، هؤلاء أهل بيت النبوة. (5)

الإمام الصادق عليه السلام: نحن حجة الله في عباده، وشهادته على خلقه، وأمانته على وحيه، وخزائنه على علمه. (6)

- 1- الطرائف: ص 118 ح 180، نهج الحق: ص 227 وفيه «مهجة» بدل «بهجة»، الصراط المستقيم: ج 2 ص 32، بحار الأنوار: ج 23 ص 110 ح 16؛ مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمي: ج 1 ص 59، ينابيع المودة: ج 1 ص 243 ح 17 نقلاً عن الحموي في كتاب الفرائد عن جميل بن صالح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.
- 2- في المصدر: «أوصيكم الله»، والتصويب من بحار الأنوار.
- 3- كفاية الأثر: ص 104 عن زيد بن أرقم، بحار الأنوار: ج 36 ص 321 ح 173.
- 4- مشارق أنوار اليقين: ص 51 عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار: ج 26 ص 260 ح 37.
- 5- اليقين: ص 318، تفسير فرات: ص 396 ح 527 نحوه وكلاهما عن زياد بن المنذر، بحار الأنوار: ج 23 ص 245 ح 16.
- 6- التوحيد: ص 152 ح 9، الزهد للحسين بن سعيد: ص 187 ح 289، بصائر الدرجات: ص 61 ح 4 كلاهما نحوه وكلها عن ابن أبي يعفور، بحار الأنوار: ج 26 ص 247 ح 15.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فاطمه، شادیِ قلب من است، و دو پسر او، میوه دل من هستند، و شوهرش، نور دیده من است، و امامان از نسل او، امانتداران خدای من و رشته اتصال میان او و بندگانِش هستند. هر که به ایشان چنگ در زند، نجات می یابد، و هر که از آنان دوری گزیند، نابود می شود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! شما را به خوش رفتاری با فرزندانم و خاندانم سفارش می کنم؛ زیرا آنان با حقّ اند و حق، با آنان است. ایشان، پیشوایانِ برحقّ پس از من، و امانتداران معصوم هستند.

امام علی علیه السلام: ما خاندانی هستیم که خداوند، رحمت و حکمت و نبوّت و عصمت را به ما اختصاص داده است... و ما را بر وحی خویش، امین قرار داده است. پس ما راه نمایانی ره یافته ایم.

امام باقر علیه السلام: در توصیف امامان علیهم السلام: آنان، پرتوی تابان پیرامون عرش پروردگارشان اند؛ خدا بدانها فرمان داده و آنها او را تسبیح می گویند و با تسبیحگویی آنها، آسمانیان، تسبیح می گویند... پس، آنها (زمینیان) برای ایشان صف می کشند و ایشان را تسبیح می گویند... و ایشان، امین بر وحی خدایند. ایشان، خاندان نبوّت اند.

امام صادق علیه السلام: ما حجّت خدا بر بندگان او هستیم، و گواهان او بر آفریدگانش، و امانتدارانِ وحی، و خزانه داران دانش او.

عنه عليه السلام في زيارَةِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ بَعِيدٍ _ :السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ ، وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى ، وَالسَّيِّدَةُ الْكُبْرَى ، وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ ، وَالسَّبَّاطَانِ الْمُتَنَجِّبَانِ ، وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ (1) ،
وَالْأَمْنَاءُ الْمُتَنَجِّبُونَ . (2)

عنه عليه السلام :إِتَّبِعُوا رَسُولَ اللهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ ، وَأَقْرُوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللهِ ، وَاتَّبِعُوا آثَارَ الْهُدَى (3) ، فَإِنَّهُمْ عَلَامَاتُ الْأَمَانَةِ وَالتَّقَى . (4)

عنه عليه السلام :الوَاجِبُ عَلَى الْإِمَامِ إِذَا نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ يَزْنِي ، أَوْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ ، أَنْ يَقِيمَ عَلَيْهِ الْحَدَّ ، وَلَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ مَعَ نَظَرِهِ ؛ لِأَنَّهُ أَمِينُ
اللَّهِ فِي خَلْقِهِ . (5)

الإمام الرضا عليه السلام :إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ أَمِينَ اللهِ فِي خَلْقِهِ ، فَلَمَّا قُبِضَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ _ وَرَثَتُهُ
، فَتَحْنُ أَمْنَاءَ اللهِ فِي أَرْضِهِ . (6)

الإمام العسكري عليه السلام _ فِي الصَّلَاةِ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ _ :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ _ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ _ أَمِينُ اللهِ وَابْنُ أَمِينِهِ ، عِشْتَ مَظْلُومًا ، وَمَضَيْتَ شَهِيدًا . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ
عَلِيِّ الْمَظْلُومِ ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، أَشْهَدُ _ مَوْقِنًا _ أَنَّكَ أَمِينُ اللهِ وَابْنُ أَمِينِهِ ، قُتِلْتَ مَظْلُومًا ، وَمَضَيْتَ شَهِيدًا . (7)

- 1- .في المصدر : «والأعلام» ، والتصويب من بحار الأنوار .
- 2- .مصباح المتهجد : ص 289 ح 399 ، جمال الأسبوع : ص 153 وفيه «المستخزنون» بدل «المنتجبون» ، بحار الأنوار : ج 89 ص 330 ح 3 .
- 3- .لعل المراد بآثار الهدى الأئمة ، أو علومهم وأخبارهم وسننهم وآدابهم .
- 4- .الكافي : ج 1 ص 182 ح 6 و ج 2 ص 48 ح 3 ، كمال الدين : ص 411 ح 7 نحوه وكلها عن عبد الرحمن بن أبي ليلى ، بحار الأنوار : ج 23 ص 96 ح 3 .
- 5- .الكافي : ج 7 ص 262 ح 15 ، تهذيب الأحكام : ج 10 ص 44 ح 157 كلاهما عن الحسين بن خالد ، وسائل الشيعة : ج 18 ص 344 ح 34179 .
- 6- .الكافي : ج 1 ص 223 ح 1 ، تفسير القمي : ج 2 ص 104 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 174 كلها عن عبد الله بن جندب ، بصائر الدرجات : ص 118 ح 1 عن عبد الرحمن بن أبي نجران عن الإمام الرضا عن الإمام زين العابدين عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 26 ص 142 ح 16 .
- 7- .مصباح المتهجد : ص 401 ح 524 ، جمال الأسبوع : ص 297 كلاهما عن عبد الله بن محمد العابد ، بحار الأنوار : ج 94 ص 74 ح 1 .

امام صادق علیه السلام در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش از راه دور _ درود و رحمت و برکات خدا بر تو، ای پیامبر! درود بر تو ای پیامبر مُرسل، و [بر تو ای] جانشین پسندیده [ای پیامبر]، و [بر تو ای] بانوی بزرگ و ای خاتون درخشان، و [بر شما، ای] دو نوه برگزیده [ای پیامبر]، و [بر شما ای] فرزندان برجسته و امانتداران برگزیده.

امام صادق علیه السلام: از پیامبر خدا و خاندان او پیروی کنید، و به آنچه از نزد خدا فرود آمده است، اقرار نمایید. و نشانه های هدایت (1) را دنبال کنید؛ زیرا آنان، نشانه های امانت و پرهیزگاری اند.

امام صادق علیه السلام: بر امام است که هرگاه دید مردی زنا می کند یا شراب می خورد، بر او حد جاری کند و با وجود دیدنش نیازی به گواه ندارد؛ چرا که او امین خدا در میان خلق اوست.

امام رضا علیه السلام: محمد صلی الله علیه و آله امین خدا در میان خلق او بود، و پس از وفاتش ما اهل بیت، وارث او هستیم. پس ما [نیز] امین خدا در زمین او هستیم.

امام عسکری علیه السلام در درود فرستادن بر حسن و حسین علیهما السلام _ بار خدایا! بر حسن، فرزند سالار پیامبران، درود فرست ... درود بر تو، ای فرزند سرور جانشینان! گواهی می دهم که تو _ ای فرزند امیر مؤمنان _ امین خدا و فرزند امین او هستی. مظلوم زیستی و شهید رفتی. بار خدایا! بر حسین مظلوم، فرزند علی، درود فرست ... درود بر تو ای فرزند امیر مؤمنان! با یقین گواهی می دهم، که تو امین خدا و فرزند امین او هستی، مظلومانه کشته شدی، و شهید از دنیا رفتی.

1- شاید مراد از نشانه های هدایت، ائمه علیهم السلام یا علوم و اخبار و روش و آداب آنها باشد.

الإمام المهدي عليه السلام_ في الزَّيَارَةِ الْمَعْرُوفَةِ بِزِيَارَةِ النَّاحِيَةِ _ :أَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشَهِدَاؤُهُ ، وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمَنَّاؤُهُ . (1)

راجع : بحار الأنوار : ج 60 ص 278 _ 282 (كلام العلامة المجلسي في بيان المراد من معنى الإمانة في الآية الشريفة) و موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام : ج 5 ص 311 (القسم العاشر / الفصل الثالث : الخصائص العملية / إمام الداعين / أدعيته في الاستعانة في أمر الولاية) .

5 / 6 الإنسان الكتاب «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» . (2)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : إِنَّ أَنْفُسَنَا وَأَهْلِينَا ، وَمَوَالِينَا وَأَوْلَادَنَا مِنْ مَوَاهِبِ اللَّهِ _ عَزَّ وَجَلَّ _ الْهَنِيئَةِ ، وَعَوَارِيهِ الْمُسْتَوْدَعَةِ ، نُمَتِّعُ بِهَا إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ ، وَتُقْبَضُ لِيَوْمٍ مَعْدُودٍ . ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْنَا الشُّكْرَ إِذَا أَعْطَانَا ، وَالصَّبْرَ إِذَا ابْتَلَانَا . (3)

-
- 1- .المزار الكبير : ص 568 عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري ، مصباح الزائر : ص 430 ، بحار الأنوار : ج 102 ص 93 ح 2 .
 - 2- .الأحزاب : 72 .
 - 3- .مسكنُ الفؤاد : ص 108 ، نزهة الناظر : ص 50 ح 94 نحوه ، بحار الأنوار : ج 82 ص 95 ح 46 ؛ المعجم الكبير : ج 20 ص 156 ح 324 عن معاذ بن جبل نحوه ، كنز العمال : ج 15 ص 746 ح 42963 .

امام مهدی علیه السلام در زیارت معروف به «زیارت ناحیه» _ شما خزانه داران و گواهان او، و عالمان و امانتداران او هستید .

ر . ك : دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : ج 10 ص 73 (بخش دهم / فصل سوم : ویژگی های عملی / پیشوای دعا کنندگان / دعا برای یاریجویی در کار فرمان روایی) .

5 / 6 انسانقرآن «ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه کردیم . پس، از برداشتن آن ، سر باز زدند و از آن هراسناك شدند ؛ و [لی] انسان آن را برداشت؛ و به راستی ، او ستمگری نادان بود» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خودمان و کسانمان و دوستانمان (/ غلامانمان) و فرزندانمان ، از بخشش های گوارای خداوند عز و جل و عاریت های به امانت سپرده او هستیم ، که تا مدّتی معین از آنها بهره مند می شویم و پس از زمانی محدود ، از ما گرفته می شوند . سپس [خداوند] ما را موظّف نمود که هرگاه [اینها را] عطایمان کرد ، سپاس گزاری کنیم ، و هرگاه آنها را از ما باز ستانند ، شکایا باشیم .

عنه صلى الله عليه وآله: **إِيَّهَا النَّاسُ! إِنَّ النِّسَاءَ عِنْدَكُمْ عَوَانٍ (1)**... أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةٍ اللَّهِ، وَاسْتَحْلَلْتُمُ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ، فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقٌّ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ. وَمِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُؤْطِنَ فُرُشَكُمْ، وَلَا يَعْصِيَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ، فَإِذَا فَعَلْنَ ذَلِكَ، فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَا تَضْرِبُوهُنَّ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: **الْفَرْجُ أَمَانَةٌ، وَالسَّمْعُ أَمَانَةٌ، وَالْبَصَرُ أَمَانَةٌ، وَاللِّسَانُ أَمَانَةٌ، وَالْقَلْبُ أَمَانَةٌ، وَلَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ. (3)**

الإمام علي عليه السلام: **اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ كَرَامِي، وَأَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِكَ عِنْدِي. (4)**

عنه عليه السلام: **اللَّهُ اللَّهُ - إِيَّهَا النَّاسُ - فِيمَا اسْتَحْفَظْتُمْ مِنْ كِتَابِهِ، وَاسْتَوَدَعْتُمْ مِنْ حَقِّقِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدىً. (5)**

عنه عليه السلام: **رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً رَاقِبَ رَبِّهٖ، وَتَنَكَّبَ (6) ذَنْبَهُ، وَكَابَرَهُوَاهُ، وَكَذَّبَ مُنَاهُ، امْرَأً زَمَّ (7) نَفْسَهُ مِنَ التَّقْوَى بِزِمَامٍ، وَالْجَمَاهَا مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهَا بِلِجَامٍ، فَقَادَهَا إِلَى الطَّاعَةِ بِزِمَامِهَا، وَقَدَعَهَا (8) عَنِ الْمَعْصِيَةِ بِلِجَامِهَا، رَافِعًا إِلَى الْمَعَادِ طَرَفَهُ، مُتَوَقِّعًا فِي كُلِّ أَوَانٍ حَتْفَهُ، دَائِمَ الْفِكْرِ، طَوِيلَ السَّهْرِ، عَزُوفًا عَنِ الدُّنْيَا سَامًا، كَدُوحًا لِآخِرَتِهِ مُتَحَافِظًا (9)، امْرَأً جَعَلَ الصَّبْرَ مَطِيَّةَ نَجَاتِهِ، وَالتَّقْوَى عُدَّةَ وَفَاتِهِ، وَدَوَاءَ أَجْوَانِهِ، فَاعْتَبَرَ وَقَاسَ، وَتَرَكَ الدُّنْيَا وَالنَّاسَ، يَتَعَلَّمُ لِلتَّقْوَى وَالسَّادِدِ، وَقَدْ وَقَرَ (10) قَلْبُهُ ذِكْرَ الْمَعَادِ، وَطَوَى مِهَادَهُ، وَهَجَرَ وَسَادَهُ، مُنْتَصِبًا عَلَى أَطْرَافِهِ، دَاخِلًا فِي أَعْطَافِهِ، خَاشِعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، يُرَاحُ بَيْنَ الْوَجْهِ وَالْكَفَيْنِ. خَشُوعٌ فِي السِّرِّ لِرَبِّهٖ، لَدَمْعُهُ صَبِيبٌ (11)، وَلَقَلْبُهُ وَجِيبٌ (12)، شَدِيدَةُ أَسْبَالُهُ (13)، تَرْتَعِدُ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْصَالُهُ، قَدْ عَظُمَتْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ رَغْبَتُهُ، وَاشْتَدَّتْ مِنْهُ رَهْبَتُهُ، رَاضِيًا بِالْكَفَافِ مِنْ أَمْرِهِ، يُظْهِرُ دُونَ مَا يَكْتُمُ، وَيَكْتَفِي بِأَقْلٍ مِمَّا يَعْلَمُ. أُولَئِكَ وَدَائِعُ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ، الْمَدْفُوعُ بِهِمْ عَنْ عِبَادِهِ، لَوْ أَقْسَمَ أَحَدُهُمْ عَلَى اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ لَا بُرَّةَ، أَوْ دَعَا عَلَى أَحَدٍ نَصْرَهُ اللَّهُ، يَسْمَعُ إِذَا نَاجَاهُ، وَيَسْتَجِيبُ لَهُ إِذَا دَعَاهُ. (14)**

1- العاني: الأسير وكل من ذل واستكان وخضع فقد عنا، والمرأة عانية وجمعها عوان. وفي الحديث: اتقوا الله في النساء فإنهن عوان عندكم، أي أسراء أو كالأسراء (النهاية: ج 3 ص 314 «عنا»).

2- النخصال: ص 487 ح 63، بحار الأنوار: ج 21 ص 381 ح 8؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد: ص 271 ح 858، تفسير الطبري: ج 3 الجزء 4 ص 311 كلاهما عن ابن عمر وليس فيهما «ولا تضربوهن»، كنز العمال: ج 16 ص 378 ح 44986.

3- جامع الأحاديث للقمي: ص 105.

4- نهج البلاغة: الخطبة 215، الدعوات: ص 133 ح 330، بحار الأنوار: ج 94 ص 230 ح 4.

5- نهج البلاغة: الخطبة 86.

6- تنكب: أي تجنبه (الصحيح: ج 1 ص 228 «نكب»).

7- الزمام: الخيط الذي يشد في البرة أو في الخشاش ثم يشد في طرفه المقود، وقد يسمى المقود زماما (الصحيح: ج 5 ص 1944 «زمم»).

8- قدعني: أي كفني، وأصل القدع: الكف والمنع (النهاية: ج 4 ص 24 «قدع»).

9- المحافظة: المراقبة، والتحفظ: التيقظ وقلة الغفلة (الصحيح: ج 3 ص 1172 «حفظ»).

- 10- .وقره : صدعه ، والوفر في العظم : شيءٌ من الكسر (تاج العروس : ج 7 ص 598 «وقر»).
- 11- .الصبيُّ : الماء المصبوب (تاج العروس : ج 2 ص 138 «صب»).
- 12- .وجب القلبُ وجيباً ، اضطرب (الصحاح : ج 1 ص 232 «وجب»).
- 13- .أسبلَ الدمعُ والمطرُ : إذا هطلا (النهاية : ج 2 ص 340 «سَبَلَ»).
- 14- .الكافي : ج 8 ص 172 ح 193 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام ، تحف العقول : ص 208 نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 349 ح 30 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای مردم! زنان، اسیر شمایند. آنها امانت خدایند که گرفته اید، و با کلمات (اجازه) خدا، کامجویی از آنها را [بر خود] روا ساخته اید. پس شما را بر آنان حقوقی است و آنها را نیز بر شما حقوقی است. یکی از حقوق شما بر آنها، این است که بیگانه را به خانه شما راه ندهند و در کار نیک، از شما نافرمانی نکنند. پس هرگاه چنین کردند، خوراک و پوشاک آنها را به طور شایسته، تأمین کنید و آنها را زنید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شرمگاه، امانت است، گوش، امانت است، چشم، امانت است، زبان، امانت است، دل، امانت است؛ و کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! نخستین عضو از اعضای با ارزشم که از من می ستانی، و نخستین سپرده از نعمت هایی که نزد من سپرده ای، باز می ستانی، جان با ارزش من باشد.

امام علی علیه السلام: شما را به خدا، شما را به خدا - ای مردم - در باره کتاب او که به شما سپرده [و نگهداری آن را از شما خواسته]، و حقوق او که نزد شما به امانت نهاده است؛ زیرا خداوند سبحان، شما را بیهوده نیافریده و بی هدف، رهایتان نکرده است.

امام علی علیه السلام: رحمت خدا بر آن که پروردگار خویش را در نظر داشت و از گناه، دوری جست و با هوس خود، ستیزید و آرزویش را دروغ شمرد؛ آن که بر نفس خویش، مهار پروا زد، و با لگام ترس از خداوندگارش، آن را لگام زد و مهارش را به سوی فرمانبری کشاند، و با کشیدن لگامش، آن را از چموشی و نافرمانی باز داشت. چشم خویش را به سوی معاد دوخته و هر دم، مرگ خود را امید می دارد. پیوسته در اندیشه است. پاسی دراز از شب را بیدار است [و به عبادت می نشیند]. از دنیا بیزار است و کناره گیری کرده است. برای آخرتش می کوشد و مراقبت دارد. آن که شکیبایی را مرکب نجات خود ساخته است و پرهیزگاری را ساز و برگ وفاتش، و داروی دردها و سوز و گدازهای درونش. پند می گیرد و می سنجد. دنیا و مردم را و می نهد. می آموزد برای دانایی و درستی. یاد معاد، دلش را درهم شکسته [و قرار را از آن گرفته] است، و بستر خویش را بر چیده و از بالش خود، دوری گزیده است. بر روی پاهایش ایستاده، و در دای خویش، فرو خزیده است. در برابر خداوند، خاکساری می کند، و گاه، روی بر خاک می گذارد و گاه، دو دست به دعا بر می دارد. در نهان (/ در دل) برای پروردگارش خاشع است. سرشک هایش ریزان و دلش لرزان است. باران اشک هایش فرو می بارد. بندهای بدنش از ترس خداوند عز و جلمی لرزد. به آنچه [از ثواب و پاداش] نزد خداست، بسی راغب است، و از او سخت هراسان است. در زندگی اش، به کفاف خرسند است. کمتر از آنچه پوشیده می دارد، آشکار می سازد، و [در افاده کردن،] به کمتر از آنچه می داند، بسنده می کند. اینان، سپرده ها [و اندوخته ها]ی خدا در شهرهای او هستند که به واسطه آنان، از بندگان دفاع [و دفع بلا] می کند. اگر یکی از آنها خدای عز و جل را سوگند دهد، خداوند، دعایش را اجابت می کند، یا اگر کسی را نفرین کند، خداوند، او را یاری می بخشد. هرگاه با او نجوا کند، خداوند [نجوایش را] می شنود، و هرگاه بخواندش، پاسخش می دهد [و دعایش را مستجاب می کند].

5 / 7 العلماء رسول الله صلى الله عليه وآله: العلماء أمانة الله على خلقه . (1)

-
- 1- .مسند الشهاب : ج 1 ص 100 ح 115 ، تاريخ دمشق : ج 14 ص 267 ح 3552 كلاهما عن أنس ، تفسير القرطبي : ج 4 ص 41 ،
كنز العمال : ج 10 ص 134 ح 28675 .

5 / 7 عالمان دین

5 / 7 عالمان دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : عالمان ، امینان خدا بر خلق اویند .

.

عنه صلى الله عليه وآله: العالمُ أمينٌ الله في الأرضِ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: العلمُ وديعةُ الله في أرضه ، والعلماءُ أمانةٌ عليه ، فمن عمل بعلمه أدى أمانته ، ومن لم يعمل كتب في ديوانِ الله تعالى : إنه من الخائنين . (2)

الكافي: قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله : الفقهاءُ أمانةُ الرُّسلِ ما لم يدخلوا في الدنيا . قيل : يا رسولَ الله ، وما دُخولُهم في الدنيا؟ قال : إتباعُ السُّلطانِ ، فإذا فعلوا ذلكَ فاحذروهم على دينكم . (3)

جامع بيان العلم وفضله عن أنس: قال رسولُ الله صلى الله عليه وآله : العلماءُ أمانةُ الرسولِ (4) على عبادِ الله ، ما لم يخالطوا السُّلطانَ - يعني في الظلم - فإذا فعلوا ذلكَ ، فقد خانوا الرُّسلَ . (5)

الإمام الصادق عليه السلام: العلماءُ أمانةٌ ، والأوصياءُ سادةٌ . (6)

مصباح الشريعة - فيما نسبهُ إلى الإمام الصادق عليه السلام - : العارفُ أمينٌ ودائعِ الله تعالى ، وكُنزُ أسرارِهِ ، ومعدِنُ نُورِهِ . (7)

- 1- . كنز العمال : ج 10 ص 134 ح 28671 نقلاً عن ابن عبد البر في العلم عن معاذ .
- 2- . الدرّة الباهرة : ص 17 ، نزهة الناظر : ص 46 ح 126 ، بحار الأنوار : ج 77 ص 166 ح 3 .
- 3- . الكافي : ج 1 ص 46 ح 5 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام ، النوادر للراوندي : ص 156 ح 226 وفيه «أديانكم» بدل «دينكم» ، منية المريد : ص 138 كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام ، بحار الأنوار : ج 75 ص 380 ح 41 ؛ كنز العمال : ج 10 ص 183 ح 28953 نقلاً عن العسكري عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه وراجع : تهذيب الكمال : ج 5 ص 88 الرقم 950 وسير أعلام النبلاء : ج 6 ص 262 الرقم 117 والعدد القويّة : ص 150 ح 73 .
- 4- . في كنز العمال : «الرسول» بدل «الرسول» .
- 5- . جامع بيان العلم وفضله : ج 1 ص 185 ، كنز العمال : ج 10 ص 183 ح 28952 .
- 6- . الكافي : ج 1 ص 33 ح 5 عن إسماعيل بن جابر ، مشكاة الأنوار : ص 122 ح 287 وفيه «والعمال» بدل «والأوصياء» ، بحار الأنوار : ج 70 ص 287 ح 11 .
- 7- . مصباح الشريعة : ص 519 ، بحار الأنوار : ج 3 ص 14 ح 35 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :عالم ، امین خدا در زمین است .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :علم ، سپرده خدا در زمین اوست ، و عالمان ، امانتداران او نسبت به آن هستند . پس هر کس به دانش خود عمل کند ، امانتش را گزاردده است ، و هر کس عمل نکند ، در دیوان خدای متعال نوشته می شود : «او از خیانتکاران است» .

الکافی_ به نقل از امام صادق علیه السلام _ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «عالمان ، تا زمانی که وارد دنیا نشده اند ، امین پیامبران اند» . گفته شد : ای پیامبر خدا ! ورودشان به دنیا چگونه است؟ فرمود : «[با] پیروی از سلطان . پس هرگاه چنین کردند ، از آنان بر دینتان بترسید» .

جامع بیان العلم و فضله_ به نقل از آنس _ :پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : «عالمان ، امینان پیامبر بر بندگان خدا هستند ، تا زمانی که با سلطان در نیامیزند (یعنی در ستم او) . پس هرگاه چنین کردند ، به پیامبران ، خیانت کرده اند» .

امام صادق علیه السلام :عالمان ، امین اند و پرهیزگاران ، دژ و جانشینان [پیامبران] ، مهتر .

مصباح الشریعة_ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ :خداشناس ، امین سپرده های خدای متعال ، و گنج رازهای او ، و معدن نور اوست .

5 / 8 الأولاءُ رسول الله صلى الله عليه وآله : أَيْمًا راعٍ استُرعي رعيَّةً فلم يحفظها بالأمانة والنصيحة ، ضاقت عليه رحمة الله التي وسعت كل شيء . (1)

صحيح مسلم عن أبي ذرٍ : قُلْتُ : يَا رَسُولَ اللَّهِ ؛ أَلَا تَسْتَعْمِلُنِي ؟ قَالَ : فَضْرَبَ بِيَدِهِ عَلَى مَنْكِبِي ثُمَّ قَالَ : يَا أَبَا ذَرٍّ ، إِنَّكَ ضَعِيفٌ ، وَإِنَّهَا أَمَانَةٌ ، وَإِنَّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ خِزْيٌ وَنَدَامَةٌ ، إِلَّا مَنْ أَخَذَهَا بِحَقِّهَا ، وَأَدَّى الَّذِي عَلَيْهِ فِيهَا . (2)

الإمام علي عليه السلام من كتاب له إلى الأشعث بن قيسٍ - : وَإِنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ ، وَلَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ ، وَأَنْتَ مُسْتَرَعَى لِمَنْ فَوْقَكَ ، لَيْسَ لَكَ أَنْ تَقْتَاتَ (3) فِي رَعِيَّةٍ ، وَلَا تُخَاطِرَ إِلَّا بِوَثِيقَةٍ ، وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِنْ مَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَأَنْتَ مِنْ خُزَائِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ ، وَلَعَلِّي أَلَا أَكُونَ شَرَّ وُلَاتِكَ لَكَ ، وَالسَّلَامُ . (4)

عنه عليه السلام من كتاب له إلى بعض عماله - : أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنِّي كُنْتُ أَشْرَكَتُكَ فِي أَمَانَتِي ، وَجَعَلْتُكَ شِعَارِي وَبَطَانَتِي ، وَلَمْ يَكُنْ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِي أَوْثَقَ مِنْكَ فِي نَفْسِي ، لِمُؤَاسَاتِي وَمُؤَازَرَتِي ، وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَيَّ . فَلَمَّا رَأَيْتَ الزَّمَانَ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ قَدْ كَلَبَ (5) ، وَالْعَدُوَّ قَدْ حَرَبَ ، وَأَمَانَةَ النَّاسِ قَدْ خَزَيْتَ ، وَهَذِهِ الْأُمَّةُ قَدْ فَتَكَتَ (6) وَشَعَرَتْ ، قَلَبْتَ لِابْنِ عَمِّكَ ظَهَرَ الْمَجَنِّ ، فَفَارَقْتَهُ مَعَ الْمُفَارِقِينَ ، وَخَذَلْتَهُ مَعَ الْخَاذِلِينَ ، وَخُنْتَهُ مَعَ الْخَائِنِينَ . فَلَا ابْنَ عَمِّكَ أَسَيْتَ ، وَلَا الْأَمَانَةَ أَدَيْتَ . وَكَأَنَّكَ لَمْ تَكُنِ اللَّهُ تُرِيدُ بِجِهَادِكَ . وَكَأَنَّكَ لَمْ تَكُنْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ . وَكَأَنَّكَ إِنَّمَا كُنْتَ تَكِيدُ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَنْ دُنْيَاهُمْ ، وَتَنُوي غَرَّتَهُمْ عَنْ فَيِّهِمْ . فَلَمَّا أَمَكَّنْتَكَ الشَّدَّةُ فِي خِيَاذَةِ الْأُمَّةِ ، أَسْرَعْتَ الْكَرَّةَ ، وَعَاجَلْتَ الْوَثِيقَةَ ، وَاخْتَطَلَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمُ الْمَصُونَةِ لِأَرْوَاحِهِمْ وَأَيَاتِهِمْ اخْتِطَافَ الذَّنْبِ الْأَزَلِّ (7) دَامِيَةِ الْمِعْرَى الْكَسِيرَةِ ، فَحَمَلْتَهُ إِلَى الْحِجَازِ رَحِيبَ الصَّدْرِ بِحِمْلِهِ ، غَيْرَ مُتَأَثِّمٍ مِنْ أَخْذِهِ ، كَأَنَّكَ - لَا أَبَا لَعِيرِكَ - حَذَرْتَ إِلَى أَهْلِكَ ثَرَاثَكَ مِنْ أَبِيكَ وَأُمِّكَ . فَسُبْحَانَ اللَّهِ ! أَمَا تَوْمِنُ بِالْمَعَادِ ؟ أَوْ مَا تَخَافُ نِقَاشَ الْحِسَابِ ؟ أَيُّهَا الْمَعْدُودُ كَانَ عِنْدَنَا مِنْ أَوْلِي الْأَلْبَابِ ، كَيْفَ تُسَيِّغُ شَرَاباً وَطَعَاماً وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّكَ تَأْكُلُ حَرَاماً ، وَتَشْرَبُ حَرَاماً ؟ وَتَتَبَاغُ الْإِمَاءَ ، وَتَنَكِّحُ النِّسَاءَ مِنْ أَمْوَالِ الْيَتَامَى ، وَالْمَسَاكِينِ ، وَالْمُؤْمِنِينَ ، وَالْمُجَاهِدِينَ الَّذِينَ آفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْأَمْوَالُ ، وَأَحْرَزَ بِهِمْ هَذِهِ الْبِلَادُ ؟ فَتَأْتِي اللَّهَ وَارِدُودٌ إِلَى هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالُهُمْ ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ ، ثُمَّ أَمَكَّنَنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ ، وَلَا ضَرِبَتَكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ . (8)

- 1- تاريخ بغداد : ج 10 ص 127 الرقم 5262 عن عبد الرحمن بن سمرة ، كنز العمال : ج 6 ص 21 ح 14662 .
- 2- صحيح مسلم : ج 3 ص 1457 ح 16 ، المستدرک علی الصحيحین : ج 4 ص 103 ح 7020 نحوه ، المصنّف لابن أبي شيبة : ج 7 ص 568 ح 1 عن الحارث بن يزيد الحضرمي ، مسند الطيالسي : ص 66 ح 485 ، كنز العمال : ج 6 ص 28 ح 14701 .
- 3- افتات عليه : إذا انفرد برأيه دونه في التصرف فيه ، يقال لكل من أحدث شيئاً في أمرك دونك : قد افتات عليك (النهاية : ج 3 ص 477 «فوت»).
- 4- نهج البلاغة : الكتاب 5 ، وقعة صفين : ص 20 عن الجرجاني ، بحار الأنوار : ج 33 ص 512 ح 709 ؛ الإمامة والسياسة : ج 1 ص 111 نحوه .
- 5- كَلَبَ : أي اشتدَّ (النهاية : ج 4 ص 195 «كلب»).
- 6- فَنَكَ : كَذِبٌ ، وَلَجَّ فِيهِ (لسان العرب : ج 10 ص 480 «فنك»).

7- .الأُزْلَ _ في الأصل _ : الصَّغِير العَجْزُ ، وهو من صفات الذئب الخفيف . وقيل : هو من قولهم : زلَّ زليلاً ؛ إذا عدا (النهاية : ج 2 ص 311 «زلل»).

8- .نهج البلاغة : الكتاب 41 ، رجال الكشي : ج 1 ص 279 ح 110 نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 499 ح 705 .

5 / 8 حکمرانان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر شخصی که سرپرستی مردمی را برعهده گیرد و نسبت به آنها امانتداری و خیرخواهی نکند، رحمت خدا _ که همه چیز را فرا گرفته است _، بر او تنگ می آید.

صحیح مسلم _ به نقل از ابو ذر _ گفت: ای پیامبر خدا! مرا به کارگزاری نمی گماری؟ پیامبر صلی الله علیه و آله با دستش بر شانه من زد و فرمود: «ای ابو ذر! تو ناتوانی و این [مقام]، امانت است. روز قیامت، مایه شرمندگی و پشیمانی است، مگر کسی که آن را به حق به دست گیرد و وظیفه ای را که نسبت به آن برعهده دارد، انجام دهد».

امام علی علیه السلام _ از نامه ایشان به اشعث بن قیس _: شغل تو لقمه ای [و دکانی] برای تو نیست؛ بلکه امانتی است بر گردن تو، و تو از جانب ما فوق خود، به نگهداری از آن گماشته شده ای. تو حق نداری در کار مردم، خودسرانه عمل کنی و خودت را به مخاطره بیفکنی، مگر آن که سندی و حجّتی داشته باشی. آنچه در اختیار توست، مالی از اموال خداوند عز و جل است و تواز خزانه دارانش هستی تا آن را به من تحویل دهی. امیدوارم آن گونه نشود که برای تو بدترین فرمان روایت باشم. تمام.

امام علی علیه السلام _ از نامه ایشان به یکی از کارگزارانش _: اَمّا بعد، من تو را در امانت خویش (حکومت)، شریک ساختم و [به مثابه] پیراهن زیرین و آستر جامه ام قرار دادم (1) و از میان خویشانم به یاری و پشتیبانی و امانتداری هیچ مردی به اندازه تو مطمئن نبودم؛ اَمّا چون دیدی که روزگار بر پسر عمویت سخت گرفته و دشمن، سرِ جنگ دارد، و امانت مردم، خوار شده و این اَمّت، سرِ لجبازی دارد و پراکنده شده است، تو نیز پشتِ سپر را برای پسر عمویت چرخاندی (بی وفایی و عهدشکنی کردی) و پشت کردی، و همچون دیگران، از او جدا شدی و تنهائیش گذاشتی و به او خیانت ورزیدی. پسر عمویت را همراهی نکردی، و امانتداری ننمودی. انگار که قصد تو از جهادت، خدا نبوده است و گویی از جانب پروردگارت، هیچ حجّت و دلیلی در دست نداشته ای و گویا می خواسته ای با فریب این مردم، دنیایشان را به چنگ آوری، و قصد داشته ای که با گول زدن آنها اموالشان را بُربایی. لذا چون توان خیانت به اَمّت را یافتی، به سرعت حمله کردی و شتابان برجهیدی و دارایی های آنان را _ که برای بیوه زنان و یتیمانشان نگهداری می شد _ به سانِ گرگ چالاکی که بُزِ خونین از پافتاده را در می رُباید، رُبودی و شادمانه و بی آن که از ربودنشان احساس گناه کنی، آنها را به حجاز بردی. اُف بر تو! (2) گویی مُرده ریگ پدر و مادرت را برای کسانت برده ای. سبحان الله! مگر تو به معاد، ایمان نداری؟ یا از حسابرسی [خداوند] نمی هراسی؟ ای آن که در نزد ما از خردمندان به شمار می آمدی، چگونه آنچه را می آشامی و می خوری، به راحتی فرو می بلعی، در حالی که خود می دانی حرام می خوری و حرام می آشامی؟! و چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدانی که خداوند این اموال را به غنیمتشان در آورده و به وسیله آنها این شهرها را نگهداری کرده است، کنیز می خری و زن می گیری؟ پس، از خدا بترس و اموال این مردم را به آنها بازگردان، که اگر چنین نکردی و به یاری خدا دستم به تو رسید، به تحقیق، با تو کاری می کنم که نزد خدا معذور باشم، و شمشیرم را _ که هر کس را بدان زده ام، به دوزخ رفته است _، بر تو فرود می آورم.

2- . «تعبیر لا ابا لغيرك» _ که در متن عربی حدیث آمده _ ، عبارت مذمت آمیزی شبیه «لا ابا لك» است ، با تلطیف واحترام . آن را می توان : «وای بر تو! تقویر تو! اف بر تو! بی پدر! و غیر تویی پدر باشد!» ، معنا کرد. البته گفته شده که می تواند کنایه از این باشد که جز خودت ، کسی برایت فایده ندارد (ر . ك : بحار الأنوار : ج 42 ص 183) .

عنه عليه السلام۔ من كتابٍ له إلى رفاة قاضيه على الأهواز۔ :إعلم يا رفاة، أن هذه الإمارة أمانة، فمن جعلها خيانةً، فعليه لعنة الله إلى يوم القيامة. (1)

1- دعائم الإسلام : ج 2 ص 531 ح 1890 ، مستدرک الوسائل : ج 17 ص 355 ح 21566 .

امام علی علیه السلام_ از نامه ایشان به رفاعه ، قاضی اش در اهواز _ بدان _ ای رفاعه _ که این فرمان روایی ، امانت است . پس هر که در آن خیانت کند ، تا روز رستاخیز ، لعنت خدا بر او خواهد بود .

.

عنه عليه السلام۔ مِمَّا كَتَبَ إِلَى رِفَاعَةَ _ : اَدِّ اَمَانَتَكَ ، وَوَفِّ صَفَقَتَكَ . (1)

عنه عليه السلام۔ مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى بَعْضِ عُمَّالِهِ _ : اَمَّا بَعْدُ ، فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ اَمْرٌ ، اِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ اَسْخَطْتَ رَبَّكَ ، وَعَصَيْتَ اِمَامَكَ ، وَاُخْزَيْتَ اَمَانَتَكَ . بَلَغَنِي اَنَّكَ جَرَدْتَ الْاَرْضَ فَاَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ ، وَاَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ ، فَارْفَعْ اِلَيَّ حِسَابَكَ ، وَاعْلَمْ اَنَّ حِسَابَ اللَّهِ اَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ ، وَالسَّلَامُ . (2)

عنه عليه السلام۔ فِي عَهْدِهِ إِلَى مَالِكِ الْأَشْثَرِ _ : ثُمَّ انْظُرْ فِي حَالِ كُتَابِكَ ، فَوَلِّ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ ... اِخْتَبِرْهُمْ بِمَا وُلُّوا لِلصَّالِحِينَ قَبْلَكَ ، فَاعْمِدْ لِأَحْسَنِهِمْ كَانَ فِي الْعَامَةِ أَثَرًا ، وَأَعْرِفْهُمْ بِالْأَمَانَةِ وَجْهًا ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ دَلِيلٌ عَلَى نَصِيحَتِكَ لِلَّهِ ، وَلِمَنْ وُلِّيتَ أَمْرَهُ . (3)

عنه عليه السلام۔ مِنْ عَهْدٍ لَهُ إِلَى بَعْضِ عُمَّالِهِ ، وَقَدْ بَعَثَهُ عَلَى الصَّدَقَةِ _ : وَأَمْرُهُ أَنْ لَا يَعْمَلَ بِشَيْءٍ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ فِيمَا ظَهَرَ ، فَيُخَالِفَ إِلَى غَيْرِهِ فِيمَا أَسْرَرَ . وَمَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ ، وَفَعَلَهُ وَمَقَالَتُهُ ، فَقَدْ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَأَخْلَصَ الْعِبَادَةَ . (4)

عنه عليه السلام : إِنَّ السُّلْطَانَ لَأَمِينُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ ، وَمُقِيمُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَالْعِبَادِ ، وَوَزَعَتُهُ (5) فِي الْأَرْضِ . (6)

- 1- .دعائم الإسلام : ج 2 ص 487 ح 1741 .
- 2- .نهج البلاغة : الكتاب 40 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 515 ح 710 .
- 3- .نهج البلاغة : الكتاب 53 ، تحف العقول : ص 138 نحوه ، بحار الأنوار : ج 33 ص 606 ح 744 .
- 4- .نهج البلاغة : الكتاب 26 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 528 ح 719 .
- 5- .الْوَزَعَةُ : جمع وازع ، وهو الذي يكفّ النَّاسَ ، أي يكفّ بعضهم عن بعض ، وهو السُّلْطَانُ وَأَصْحَابُهُ (النهاية : ج 5 ص 180 «وزع»).
- 6- .غرر الحكم : ج 2 ص 604 ح 3634 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 158 ح 3426 نحوه .

امام علی علیه السلام از نامه اش به رفاعه _ :امانتدار باش و به پیمان و بیعتت ، وفادار .

امام علی علیه السلام از نامه ایشان به یکی از کارگزارانش _ :اما بعد ، در باره تو گزارشی به من رسیده است که اگر به راستی چنان کرده باشی ، بی گمان ، پروردگارت را ناخشنود ساخته ای و از پیشوایت ، نافرمانی کرده ای و امانتت را خوار داشته ای . به من گزارش شده است که تو زمین را پوست کُنده ای (1) و آنچه را زیر پاهای توست ، برداشته ای و آنچه را در اختیار توست ، خورده ای . اکنون ، حساب [دخل و خرج] خود را برای من بفرست ، و بدان که حسابرسی خدا ، سخت تر از حسابرسی مردم است . تمام .

امام علی علیه السلام در فرمانش به مالک اشتر _ :دیگر آن که در کار دیرانت بیندیش و بهترین آنان را بر کارهایت بگمار ... آنان را از کرداری که در روزگار کارگزاری برای حکمرانان شایسته پیش از تو داشته اند ، بیازمای [و به پیشینه کاری آنها نگاه کن] ، و کسی را که در میان توده مردم ، خوش نام تر و به امانتداری ، شُهره تر است ، برگزین ؛ چرا که این کار ، دلیل بر خلوص تو با خدا و با کسی (یعنی امام) است که از طرف او به حکومت گماشته شده ای .

امام علی علیه السلام از فرمان ایشان به یکی از کارگزارانش که برای جمع آوری زکات فرستاده بود _ :و به او دستور می دهد که در ظاهر ، از به کار بستن فرمان خدا دَم نزنند و در نهان ، خلاف آن عمل کند . کسی که نهانش با آشکارش ، و کردارش با گفتارش ناهمسان نباشد ، هر آینه ، امانت را گزارده و در عبادت [خدا] اخلاص ورزیده است .

امام علی علیه السلام :فرمان روا ، امین خدا در زمین ، و بر پا دارنده عدل و داد در شهرها و در میان بندگان است ، و [او و عواملش] بازدارندگان خدا [از تجاوز به حقوق یکدیگر] در زمین هستند .

1- . حاصل زراعات را برای خود برده ای و چیزی به مردمان نداده ای .

5 / 9 الْمُؤَذِّنُونَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُؤَذِّنُونَ أَمْنَاءَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ ، وَلُحُومِهِمْ وَدِمَائِهِمْ ، لَا يَسْأَلُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَاهُمْ ، وَلَا يَشْفَعُونَ فِي شَيْءٍ إِلَّا شُفِّعُوا . (1)

عنه صلى الله عليه وآله :الإمام ضامنٌ ، وَالْمُؤَذِّنُ مُؤْتَمَنٌ . (2)

5 / 10 التُّجَّارُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْصِيَكُمْ بِالتَّجَارِ خَيْرًا ؛ فَإِنَّهُمْ بُرْدٌ (3) الْآفَاقِ ، وَأَمْنَاءُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ . (4)

5 / 11 الْأَغْنِيَاءُ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَيَاسِيرُ (5) شِيعَتِنَا أَمْنَاؤُنَا عَلَى مَحَاوِجِهِمْ (6) ، فَاحْفَظُونَا فِيهِمْ يَحْفَظْكُمْ اللَّهُ . (7)

- 1- .كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 1 ص 292 ح 905 ، الأُمالي للصدوق : ص 280 ح 310 ، روضة الواعظين : ص 344 كلّها عن بلال ، بحار الأنوار : ج 84 ص 124 ح 21 .
- 2- .سنن أبي داود : ج 1 ص 143 ح 517 ، سنن الترمذي : ج 1 ص 402 ح 207 ، مسند ابن حنبل : ج 3 ص 326 ح 8980 و ص 399 ح 9428 كلّها عن أبيهريرة ، صحيح ابن حبان : ج 4 ص 559 ح 1671 عن عائشة ، كنز العمال : ج 7 ص 591 ح 20403 ؛ تهذيب الأحكام : ج 2 ص 282 ح 1121 عن عيسى بن عبد الله الهاشمي عن أبيه عن جدّه عن الإمام عليّ عليه السلام .
- 3- .البرّد : جمع بريد ، وهو الرسول (النهاية : ج 1 ص 114 «برد») .
- 4- .كنز العمال : ج 4 ص 11 ح 9244 نقلاً عن الديلمي عن ابن عباس .
- 5- .الميسور ضدّ المعسور ، وقد يسّره الله لليسرى ، أي وفّقه لها ، ويسّرت الغنم : إذا كثر ألبانها ونسلها ، والميسرة : السّعة والغنى (النهاية : ج 2 ص 857 «يسر») .
- 6- .المُحَوِّجُ : المُعَدِّم من قوم محاوٍج (لسان العرب : ج 2 ص 242 «حوج») .
- 7- .الكافي : ج 2 ص 265 ح 21 عن إسحاق بن عمار والمفضل بن عمر ، التمهيد : ص 49 ح 82 عن المفضل بن عمر ، بحار الأنوار : ج 72 ص 27 ح 23 .

5 / 9 اذان گویان

5 / 10 بازرگانان و کسبه

5 / 11 ثروتمندان

5 / 9 اذان گویان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : اذان گویان ، امین مؤمنان بر نمازها و روزه و گوشت و خون آنها هستند . هر چه از خداوند عز و جل بخواهند ، به آنها می دهد ، و برای هر چیزی شفاعت کنند ، شفاعتشان پذیرفته می شود .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : امام [جماعت] ضامن است ، و اذان گو ، امین و مورد اعتماد .

5 / 10 بازرگانان و کسبه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : شما را به خوش رفتاری با بازرگانان ، سفارش می کنم ؛ زیرا آنان ، پیک های آفاق و امینان خدا در زمین اند .

5 / 11 ثروتمندان امام صادق علیه السلام : شیعیانِ توانگر ، امین ما بر نیازمندان آنهایند . پس ما را در میان آنان حفظ کنید تا خدا شما را حفظ کند .

5 / 12 المُسْتَشَارُ رسول الله صلى الله عليه وآله: المُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام قال لُقْمَانُ لابنهِ - : إِنَّ مَنْ لَمْ يُمَحِّضِ (2) النَّصِيحَةَ لِمَنْ اسْتَشَارَهُ ، سَلَبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَأْيَهُ ، وَنَزَعَ عَنْهُ الْأَمَانَةَ. (3)

5 / 13 المُسْتَوْدَعُ رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ عَلَى المُسْتَوْدَعِ ضَمَانٌ. (4)

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أُوْدِعَ وَدِيعَةً ، فَلَا ضَمَانَ عَلَيْهِ. (5)

1- .سنن أبي داود : ج 4 ص 333 ح 5128 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 125 ح 2822 ، سنن ابن ماجه : ج 2 ص 1233 ح 3745 كلّها عن أبي هريرة وح 3746 ، سنن الدارمي : ج 2 ص 666 ح 2358 كلاهما عن أبي مسعود ، كنز العمال : ج 3 ص 409 ح 7181 ؛ المحاسن : ج 2 ص 436 ح 2514 عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام ، بحار الأنوار : ج 43 ص 338 ح 9 .

2- .المَحْضُ : الخَالِصُ ، وكلّ شيء أخلصته فقد أمحضته (الصحيح : ج 3 ص 1104 «محض»).

3- .الكافي : ج 8 ص 348 ح 547 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 297 ح 2505 ، المحاسن : ج 2 ص 125 ح 1348 ، مكارم الأخلاق : ج 1 ص 537 ح 1869 كلّها عن حمّاد ، بحار الأنوار : ج 13 ص 422 ح 18 .

4- .الجعفریات : ص 174 ، دعائم الإسلام : ج 2 ص 491 ح 1754 كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام .

5- .سنن ابن ماجه : ج 2 ص 802 ح 2401 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه ، كنز العمال : ج 16 ص 631 ح 46135 .

5 / 12 رایزن

5 / 13 سپرده دار

5 / 12 رایزن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مشاور ، امانتدار است .

امام صادق علیه السلام : لقمان به فرزندش گفت : «کسی که در راه نمایی کردن شخصی که با او مشورت می کند ، صداقت به خرج ندهد ، خداوند خجسته والا ، اندیشه اش را از او می گیرد و امانت را از وی می ستاند» .

5 / 13 سپرده دار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سپرده دار ، ضامن نیست .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که به او ودیعه ای سپرده شده است ، ضامن نیست .

.

عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ اسْتَوْدِعَ وَدِيعَةً، فَلَا ضَمَانَ عَلَيْهِ. (1)

الإمام علي عليه السلام: لَيْسَ عَلَى الْمُؤْتَمَنِ ضَمَانٌ. (2)

الإمام الصادق عليه السلام: صَاحِبُ الْوَدِيعَةِ وَالْبِضَاعَةِ مُؤْتَمَنَانِ. (3)

عنه عليه السلام: لَيْسَ عَلَى مُسْتَعِيرٍ عَارِيَّةٍ ضَمَانٌ، وَصَاحِبُ الْعَارِيَّةِ وَالْوَدِيعَةِ مُؤْتَمَنٌ. (4)

5 / 14 الأجير الكافي عن سليمان بن خالد: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَأْجِرُ أَجِيرًا فَيَسْرِقُ مِنْ بَيْتِهِ هَلْ تُقَطَّعُ يَدُهُ؟ قَالَ: هَذَا مُؤْتَمَنٌ لَيْسَ بِسَارِقٍ، هَذَا خَائِنٌ. (5)

الكافي عن سماعة: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اسْتَأْجَرَ أَجِيرًا فَأَخَذَ الْأَجِيرُ مَتَاعَهُ فَسَرَقَهُ. فَقَالَ: هُوَ مُؤْتَمَنٌ، ثُمَّ قَالَ: الْأَجِيرُ وَالصَّيْفُ أَمْنَاءُ، لَيْسَ يَقَعُ عَلَيْهِمْ حَدُّ السَّرِقَةِ. (6)

-
- 1- السنن الكبرى: ج 6 ص 473 ح 12700 عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده، كنز العمال: ج 16 ص 631 ح 46132.
 - 2- المصنّف لعبد الرزاق: ج 8 ص 182 ح 14801 عن القاسم بن عبد الرحمن، كنز العمال: ج 10 ص 362 ح 29821؛ دعائم الإسلام: ج 2 ص 491 ح 1755.
 - 3- الكافي: ج 5 ص 238 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 304 ح 4087، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 179 ح 790 كلّها عن الحلبي.
 - 4- تهذيب الأحكام: ج 7 ص 182 ح 798 عن الحلبي، وسائل الشيعة: ج 13 ص 237 ح 24227.
 - 5- الكافي: ج 7 ص 227 ح 3، تهذيب الأحكام: ج 10 ص 109 ح 424، عوالي اللآلي: ج 3 ص 568 ح 85، وسائل الشيعة: ج 18 ص 506 ح 34717.
 - 6- الكافي: ج 7 ص 228 ح 5، تهذيب الأحكام: ج 10 ص 109 ح 425، علل الشرائع: ص 535 ح 2، بحار الأنوار: ج 79 ص 183 ح 4.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که ودیعه ای به او بسپارند ، ضمانتی برعهده اش نیست .

امام علی علیه السلام: امانت نگهدار ، ضامن نیست .

امام صادق علیه السلام: آن کس که ودیعه ای به او بسپارند و آن کس که کالایی [برای تجارت] در اختیارش بگذارند ، هر دو امین هستند [و ضمان ندارند] .

امام صادق علیه السلام: بر کسی که چیزی به عاریت گرفته است ، ضمانی نیست . عاریه گیرنده و سپرده دار ، امین هستند [و ضامن نیستند] .

5 / 14 پیمانکار الکافی_ به نقل از سلیمان بن خالد _: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی ، شخصی را اجیر می کند (به کار می گیرد) و او از خانه آن مرد ، دزدی می کند . آیا دستش قطع می شود؟ فرمود: «او امین شمرده شده است . بنا بر این ، دزد نیست ؛ بلکه خائن است» .

الکافی_ به نقل از سَماعه _: از امام [صادق علیه السلام] پرسیدم: مردی ، شخصی را اجیر کرد (به کار گرفت) و آن مزدور ، کالای او را برداشته و دزدیده است . فرمود: «او امین شمرده شده است» . سپس فرمود: «اجیر و میهمان ، امانتدار هستند و حدّ سرقت بر آنها جاری نمی شود» .

5 / 15 المؤمنُ الإمام علي عليه السلام: المؤمنُ أمينٌ على نفسه، مُغَالِبٌ لِهَوَاهُ وَحِسِّهِ . (1)

تفسير العياشي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ حَدِّ الْمَرَضِ الَّذِي يَجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ فِيهِ الْإِفْطَارُ كَمَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِي السَّفَرِ ، فِي قَوْلِهِ : «وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ» (2) قَالَ : هُوَ مُؤْتَمَنٌ عَلَيْهِ ، مُفَوَّضٌ إِلَيْهِ ، فَإِنْ وَجَدَ ضَعْفًا فَلْيَنْفِطِرْ ، وَإِنْ وَجَدَ (3) قُوَّةً فَلْيَصُمْ ، كَانَ الْمَرَضُ (4) عَلَى مَا كَانَ . (5)

5 / 16 الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ : قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَجَرُ كَالْمِيثَاقِ ، وَاسْتِلاَمُهُ كَالْيَبِيعَةِ . وَكَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اسْتَلَمَهُ قَالَ : اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا ، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ ، لِيَشْهَدَ لِي عِنْدَكَ بِالْبَلَاغِ . (6)

الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا أَخَذَ مَوَاقِيقَ الْعِبَادِ ، أَمَرَ الْحَجَرَ فَالْتَقَمَهَا ، وَلِذَلِكَ يُقَالُ : أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا ، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ ، لِيَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ . (7)

1- غرر الحكم : ج 2 ص 164 ح 2204 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 66 ح 1688 وفيه «أمير» بدل «أمين» والظاهر هو الصحيح .

2- البقرة : 185 .

3- في المصدر : «وجده» ، والتصويب من بحار الأنوار .

4- في المصدر : «المريض» ، وما في المتن أثبتناه من الكافي و تهذيب الأحكام .

5- تفسير العياشي : ج 1 ص 81 ح 188 ، الكافي : ج 4 ص 118 ح 3 ، تهذيب الأحكام : ج 4 ص 256 ح 759 كلاهما عن سماعة مضمرا نحوه ، مجمع البيان : ج 2 ص 498 وليس فيه وسطه من «كما يجب» إلى قوله تعالى «أو على سفر» ، بحار الأنوار : ج 96 ص 325 ح 16 .

6- دعائم الإسلام : ج 1 ص 293 ، بحار الأنوار : ج 99 ص 48 ح 38 .

7- الكافي : ج 4 ص 184 ح 1 ، المحاسن : ج 2 ص 71 ح 1200 كلاهما عن معاوية بن عمّار ، علل الشرائع : ص 423 ح 1 و ص 424 ح 2 عن محمد بن سنان عن الإمام الرضا عليه السلام ، مختصر بصائر الدرجات : ص 218 والثلاثة الأخيرة نحوه ، بحار الأنوار : ج 99 ص 226 ح 25 .

5 / 15 مؤمنام علی علیه السلام: مؤمن، امین بر خویشتن است؛ (1) با هوس و شهوت خود می ستیزد.

تفسیر العیاشی- به نقل از ابو بصیر-: از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند: «و کسی که بیمار یا مسافر باشد» و از حدّ بیماری که شخص با رسیدن به آن حد باید روزه اش را بخورد- چنان که در سفر چنین چیزی بر او واجب است- سؤال کردم. فرمود: «به او اعتماد شده و [تشخیص آن] به خودش واگذار شده است. پس اگر احساس ناتوانی کرد، باید روزه اش را بخورد، و اگر احساس کرد می تواند، پس باید روزه بگیرد، بیماری اش هر چه باشد».

5 / 16 حجر الأسود دعائم الإسلام: امام باقر علیه السلام فرمود: «حجر [الأسود]، مانند پیمان است و لمس کردن آن، چون بیعت. و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هر گاه آن را لمس می کرد، می فرمود: بار خدایا! امانتم را ادا کردم و به پیمانم وفا نمودم، تا [این حجر الأسود] در نزد تو برایم به انجام وظیفه، گواهی دهد».

امام صادق علیه السلام: خداوند- تبارک و تعالی- چون از بندگان پیمان گرفت، به حجر [الأسود] دستور داد که آن پیمان ها را فرو بلعد. (2) از این رو گفته می شود: «امانت را ادا کردم و به پیمانم وفا نمودم، تا به وفا کردنم گواهی دهی [تو ای حجر الأسود]!». .

1- در عیون الحکم والمواعظ، به جای «امین»، «امیر» آمده است.

2- کنایه از حفظ آنهاست.

عنه عليه السلام_ في حَقِيقَةِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ _ : كَانَ مَلَكًا مِنْ عُظَمَاءِ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ اللَّهِ ، فَلَمَّا أَخَذَ اللَّهُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمِيثَاقَ ، كَانَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَأَقَرَّ ذَلِكَ الْمَلَكُ ، فَاتَّخَذَهُ اللَّهُ أَمِينًا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ، فَأَلْقَمَهُ الْمِيثَاقَ وَأَوْدَعَهُ عِنْدَهُ . (1)

1- .الكافي : ج 4 ص 185 ح 3 ، علل الشرائع : ص 430 ح 1 ، مختصر بصائر الدرجات : ص 221 كلّها عن بكير بن أعيّن ، بحار الأنوار : ج 26 ص 269 ح 6 .

امام صادق علیه السلام_ در باره حقیقت حجر الأسود _: او یکی از فرشتگان بلندپایه خدا بود . چون خداوند از فرشتگان پیمان گرفت ، نخستین کسی که به او ایمان آورد و بدان اقرار نمود ، همان فرشته بود . از این رو خداوند ، او را بر همه آفریدگانش امین قرار داد و پیمان را به او خوراند و نزد وی به امانت سپارد .

الفصل السادس : أدب الائتمان 6 / 1 مَنْ يَصْلُحُ لِلْإِئْتِمَانِ إِمَامٌ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ وَصِيَّةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَكْتُبُهَا لِمَنْ يَسْتَعْمِلُهُ عَلَى الصَّدَقَاتِ _ ... لَا تَأْمَنَنَّ عَلَيْهَا إِلَّا مَنْ تَثِقَ بِدِينِهِ ، رَافِقًا بِمَالِ الْمُسْلِمِينَ حَتَّى يُوصِّلَهُ إِلَى وَلِيِّهِمْ ، فَيَقْسِمَهُ بَيْنَهُمْ . وَلَا تُؤَكِّلْ بِهَا إِلَّا نَاصِيحًا شَفِيقًا ، وَأَمِينًا حَفِيزًا ، غَيْرَ مُعْنِفٍ وَلَا مُجَحِّفٍ ، وَلَا مُلْغِبٍ (1) وَلَا مُتَعِبٍ . (2)

الإمام الصادق عليه السلام : كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ : قُمْ بِالْحَقِّ ... وَاحْذَرِ صَدِيقَكَ مِنَ الْأَقْوَامِ ، إِلَّا الْأَمِينَ الَّذِي خَشِيَ اللَّهَ . (3)

عنه عليه السلام : لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّى يُؤْتَمَنَ عَلَى ثَلَاثَةِ فَيُؤَدِّيَهَا : عَلَى الْأَمْوَالِ ، وَالْأَسْرَارِ ، وَالْفُرُوجِ ، وَإِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَضَيَّعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ . (4)

-
- 1- .ألغب الرجل : أنصبه وأتعبه (تاج العروس : ج 2 ص 408 «لغب»).
 - 2- .نهج البلاغة : الكتاب 25 ، بحار الأنوار : ج 96 ص 90 ح 8 .
 - 3- .الاختصاص : ص 230 ، مشكاة الأنوار : ص 137 ح 317 نحوه وكلاهما عن معاوية بن وهب ، بحار الأنوار : ج 75 ص 99 ح 10 .
 - 4- .تحف العقول : ص 316 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 230 ح 12 .

فصل ششم : آداب امانت سپاری

6 / 1 کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری است

فصل ششم : آداب امانت سپاری 6 / 1 کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری است امام علی علیه السلام از سفارش های ایشان که به متصدیان جمع آوری زکات می نوشت _ :... هرگز بر آنها (زکات های جمع آوری شده) امین قرار مده ، مگر کسی را که به دین او اعتماد داشته باشی و از اموال مسلمانان ، مراقبت کند تا آنها را به فرمان روایشان برساند و آنها را میان مسلمانان ، قسمت کند ؛ و بر آنها (زکات ها) مگمار ، جز کسی را که خیرخواه و دلسوز و امانتدار و نگهدار باشد و با آنها به درشتی و بی رحمی رفتار نکند ، و رنجور و خسته شان نسازد .

امام صادق علیه السلام : پدرم علیه السلام می فرمود : «حق را به جای آور ... و از دوستانِ خویشاوندت برحذر باش ، مگر آن دوستی که امین و خداترس باشد» .

امام صادق علیه السلام : امین ، امین نیست ، مگر آن که چون او را در سه چیز امین قرار دهی ، امانتداری کند : در مال ، راز و ناموس . اگر [حتی] دو تایی اینها را حفظ کرد و یکی را تباه ساخت ، او امین نیست .

الإمام علي عليه السلام: كَاتِمُ السِّرِّ وَفِيَّ أَمِينٌ. (1)

6 / 2 مَنْ لَا يَصْلُحُ لِلْإِثْمَانَا - أَهْلُ الْكِتَابِ قَبْلَ الْإِخْتِبَارِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأَمَّنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ. (2)

الحديث الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشَارِكَ الذَّمَّيَّ، وَلَا يُبْضِعَ عَنْهُ بِضَاعَةً، وَلَا يُوَدِّعَهُ وَدِيعَةً، وَلَا يُصَافِيَهُ الْمَوَدَّةَ. (3)

ب - الخائِنُ الْكِتَابِ «فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى آبَائِهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسَلْنَا مَعَنَا أَخَانًا نَكْتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ * قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا ءَامَنُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ». (4)

1- .غرر الحكم : ج 4 ص 633 ح 7252 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 395 ح 6679 .

2- .آل عمران : 75 .

3- .الكافي : ج 5 ص 286 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 185 ح 815 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 3 ص 229 ح 3849 وفيه «منكم» بدل «المسلم» ، قرب الإسناد : ص 167 ح 612 وفيه «المؤمن منكم» بدل «المسلم» وكلّها عن ابن رثاب ، بحار الأنوار : ج 75 ص 389 ح 2 .

4- .يوسف : 63 و 64 .

6 / 2 کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری نیست

الف - اهل کتاب ، پیش از آزمودن

ب - خیانتکار

امام علی علیه السلام: رازپوش ، وفادار و امین است .

6 / 2 کسی که شایسته اعتماد و امانت سپاری نیستالف _ اهل کتاب ، پیش از آزمودنقرآن«و از اهل کتاب، کسی هست که اگر او را بر مال فراوانی امین شهْری ، آن را به تو برگرداند ؛ و از آنان ، کسی هست که اگر او را بر دیناری امین شهْری ، آن را به تو نمی پردازد، مگر آن که دائماً بر [سرِ] وی به پا ایستی. این ، بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست». و بر خدا دروغ می بندند ، با این که خودشان [هم] می دانند» .

حدیثامام صادق علیه السلام: سزاوار نیست که مرد مسلمان با يك نفر ذمی ، شريك شود ، یا كالایی [برای تجارت] به او بسپارد ، یا ودیعه ای نزد او بگذارد ، و یا با او دوست صمیمی شود .

ب _ خیانتکارقرآن«پس چون به سوی پدر خود بازگشتند، گفتند: «ای پدر! پیمانۀ از ما منع شد. برادرمان [بنیامین] را با ما بفرست تا پیمانۀ را بگیریم، و ما نگهبان او خواهیم بود». [یعقوب] گفت: «آیا همان گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟! پس خدا بهترین نگهبان است ؛ و اوست مهربان ترین مهربانان» .

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اِتَّمَنَ غَيْرَ أَمِينٍ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ ضَمَانٌ، لِأَنَّهُ قَدْ نَهَاَهُ أَنْ يَأْتِمَنَهُ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اِتَّمَنَ خَائِنًا عَلَى أَمَانَةٍ، لَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَى اللَّهِ ضَمَانٌ. (2)

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ اِتَّمَنَ غَيْرَ مُؤْتَمَنٍ، فَلَا حُجَّةَ لَهُ عَلَى اللَّهِ. (3)

رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ لَكَ أَنْ تَتَّهَمَ مَنْ قَدِ اِتَّمَنْتَهُ، وَلَا تَأْمِنَ الْخَائِنَ وَقَدْ جَرَّبْتَهُ. (4)

الإمام الصادق عليه السلام: لَيْسَ لَكَ أَنْ تَأْتِمَنَ مَنْ عَشَّكَ، وَلَا تَتَّهَمَ مَنْ اِتَّمَنْتَ. (5)

تهذيب الأحكام: قَدْ رُوِيَ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي اِتَّمَنْتُ رَجُلًا عَلَى مَالٍ أَوْدَعْتُهُ عِنْدَهُ، فَخَانَنِي وَأَنْكَرَ مَالِي. فَقَالَ: لَمْ يَخُنْكَ الْأَمِينُ، وَإِنَّمَا اِتَّمَنْتَ الْخَائِنَ. (6)

الإمام الصادق عليه السلام: مَا أَبَالِي اِتَّمَنْتُ خَائِنًا أَوْ مُضَيِّعًا. (7)

-
- 1- قرب الإسناد: ص 315 ح 1222 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 179 ح 3.
 - 2- تحف العقول: ص 360، بحار الأنوار: ج 78 ص 242 ح 32.
 - 3- الكافي: ج 5 ص 299 ح 3.
 - 4- قرب الإسناد: ص 84 ح 276 عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الكافي: ج 5 ص 298 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 232 ح 1011، تنبيه الخواطر: ج 1 ص 302 كلُّها عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 364 عن الإمام الصادق عليه السلام وكلُّها نحوه، بحار الأنوار: ج 75 ص 194 ح 2.
 - 5- قرب الإسناد: ص 72 ح 231 عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار: ج 75 ص 194 ح 1.
 - 6- تهذيب الأحكام: ج 7 ص 181 ح 796، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 305 ح 4093، تحف العقول: ص 442 عن الإمام الرضا عليه السلام وفيه ذيله من «لم يخنك»، بحار الأنوار: ج 78 ص 335 ح 6.
 - 7- الكافي: ج 5 ص 301 ح 4 عن عمرو بن أبي المقدام، تحف العقول: ص 367، بحار الأنوار: ج 78 ص 250 ح 93.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به غیر امین اعتماد کند، خداوند، ضامن او نیست؛ زیرا پیش از این، وی را از اعتماد کردن به او (غیر امین) نهی کرده است.

امام صادق علیه السلام: هر کس به خائن امانتی بسپارد، خداوند، ضامن او نیست.

امام باقر علیه السلام: هر کس به ناامینی امانت بسپارد، او را بر خداوند، حجّتی نیست.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تو حق نداری به کسی که امینش دانسته ای، بدبین باشی، و یا خائن را که پیش تر او را آزموده ای، امین شماری [و به او امانت بسپاری].

امام صادق علیه السلام: تو حق نداری کسی را که با تو ناراستی کرده است، امین بشماری، و کسی را که امینش می دانی، [به خیانت] متّهم کنی.

تهذیب الأحکام: روایت شده است که مردی به امام صادق علیه السلام گفت: من به مردی اعتماد کردم و مالی را نزد او به امانت سپردم؛ اما او به من خیانت ورزید و مال مرا انکار کرد. امام علیه السلام فرمود: «امین به تو خیانت نکرد؛ بلکه تو خائن را امین دانسته ای [و به خائن، مال سپرده ای]».

امام صادق علیه السلام: برای من فرقی نمی کند که به خائن، امانتی بسپارم یا به کسی که از امانت، نگهداری نکند.

ج _ الْمُنافِقُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمُنافِقُ لَا يَعْبُرُهُ قَوْلُ مَنْ يَنْهَى وَلَا يَنْتَهِي ... إِنْ حَدَّثَكَ كَذِبًا ، وَإِنْ وَعَدَكَ أَخْلَفَكَ ، وَإِنْ اتَّعَمَّتْهُ خَانَكَ ، وَإِنْ خَالَفَكَ اغْتَابَكَ . (1)

عنه صلى الله عليه وآله: مَا يَنْبَغِي لِذِي الْوَجْهَيْنِ أَنْ يَكُونَ أَمِينًا . (2)

عنه صلى الله عليه وآله: آيَةُ الْمُنافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ. (3)

عنه صلى الله عليه وآله: الْمُنافِقُ مَنْ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ ، وَإِذَا فَعَلَ أَفْسَى ، وَإِذَا قَالَ كَذَبَ ، وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ. (4)

د _ الكاذِبُ مُصْبَاحُ الشَّرِيعَةِ _ فِيمَا نَسَبَهُ إِلَى الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ : الْكَاذِبُ لَا يَكُونُ أَمِينًا . (5)

ه _ الْمَاكِرُ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا أَمَانَةَ لِمَكُورٍ (6) . (7)

- 1- . تاريخ يعقوبي : ج 2 ص 93 ، الكافي : ج 2 ص 396 ح 3 ، الأُمالي للصدوق : ص 582 ح 802 كلاهما عن أبي حمزة عن الإمام زين العابدين عليه السلام نحوه ، بحار الأنوار : ج 72 ص 205 ح 5 .
- 2- . مسند ابن حنبل : ج 3 ص 139 ح 7895 و ص 293 ح 8789 ، الأدب المفرد : ص 101 ح 313 ، السُّنن الكبرى : ج 10 ص 416 ح 21156 ، مسند الشهاب : ج 2 ص 54 ح 869 بزيادة «عند الله» في آخره وكلَّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 3 ص 568 ح 7939 .
- 3- . صحيح البخاري : ج 1 ص 21 ح 33 ، صحيح مسلم : ج 1 ص 78 ح 59 ، سنن الترمذي : ج 5 ص 19 ح 2631 كلَّها عن أبي هريرة ، كنز العمال : ج 1 ص 167 ح 842 ؛ من لا يحضره الفقيه : ج 4 ص 361 ح 5762 عن حماد بن عمرو عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله ، تحف العقول : ص 10 كلاهما نحوه ، بحار الأنوار : ج 77 ص 53 ح 3 .
- 4- . مصباح الشريعة : ص 221 ، بحار الأنوار : ج 72 ص 207 ح 8 .
- 5- . مصباح الشريعة : ص 517 ، بحار الأنوار : ج 73 ص 395 ح 2 .
- 6- . المكر : الاحتيال والخديعة (الصحاح : ج 2 ص 819 «مكر») .
- 7- . غرر الحكم : ج 6 ص 347 ح 10441 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 532 ح 9680 .

ج - منافق**د - دروغگو****ه - نیرنگباز**

ج _ منافقپیامبر خدا صلی الله علیه و آله :منافق ، کسی است که [از گناه ،] باز می دارد ، ولی خودش [از آن] باز نمی ایستد اگر برای سخنی (/ حدیثی) باز گوید ، دروغ می گوید ، و اگر وعده ات بدهد ، خُلف وعده می کند ، و اگر به او امانتی بسپری ، به تو خیانت می ورزد ، و اگر با تو ناساز شود ، پشت سرت بدگویی می کند .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :شخصِ دورو نمی تواند امین باشد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :نشانه منافق ، سه چیز است : هر گاه سخنی (/ حدیثی) بگوید ، دروغ می گوید ؛ هرگاه وعده دهد ، خُلف وعده می کند ؛ و هرگاه به او امانتی سپرده شود ، خیانت می ورزد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :منافق ، کسی است که هر گاه وعده دهد ، خُلف وعده می کند ، و هرگاه عمل کند ، فاش می سازد [و در بوق می دَمَد] ، و هرگاه [سخن] بگوید ، دروغ می گوید ، و هرگاه امانتی به او سپرده شود ، خیانت می ورزد .

د _ دروغگومصباح الشریعة_ در حدیثی که به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ :دروغگو ، امین نیست .

ه _ نیرنگباز امام علی علیه السلام :نیرنگباز ، امانتدار نیست .

و_ الفاجِرُ الإمام علي عليه السلام: الرِّجَالُ ثَلَاثَةٌ: عَاقِلٌ وَأَحْمَقٌ وَفَاجِرٌ، فَالْعَاقِلُ: الدِّينُ شَرِيعَتُهُ... والفَاجِرُ إِنِ انْتَمَنَتْهُ خَانَكَ، وَإِنْ صَاحِبَتُهُ شَانَكَ، وَإِنْ وَثِقَتْ بِهِ لَمْ يَنْصَحَكَ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَام يَقُولُ: قُمْ بِالْحَقِّ... وَلَا تَصَحَبِ الْفَاجِرَ، وَلَا تُطْلِعْهُ عَلَى سِرِّكَ، وَلَا تَأْتِمِنْهُ عَلَى أَمَانَتِكَ. (2)

ز_ السَّفَلَةُ الإمام الصادق عليه السلام: إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تَسْتَيِّبَ لَكَ النِّعْمَةَ، وَتَكْمُلَ لَكَ الْمُرُوءَةُ، وَتَصْلَحَ لَكَ الْمَعِيشَةُ، فَلَا تُشَارِكِ الْعَبِيدَ وَالسَّفَلَةَ فِي أَمْرِكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ انْتَمَنَتْهُمْ خَانُوكَ، وَإِنْ حَدَّثُوكَ كَذِبُوكَ، وَإِنْ نَكِبْتَ حَدْلُوكَ، وَإِنْ وَعَدُوكَ أَخْلَفُوكَ. (3)

ح_ الغاليعيون أخبار الرضا عليه السلام عن أبي هاشم الجعفري: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْغُلَاةِ وَالْمُفَوَّضَةِ فَقَالَ: الْغُلَاةُ كُفَّارٌ، وَالْمُفَوَّضَةُ مُشْرِكُونَ، مَنْ جَالَسَهُمْ أَوْ خَالَطَهُمْ، أَوْ آكَلَهُمْ أَوْ شَارَبَهُمْ، أَوْ وَاصَلَ لَهُمْ، أَوْ زَوَّجَهُمْ أَوْ تَزَوَّجَ مِنْهُمْ، أَوْ أَمِنَهُمْ أَوْ اتَّمَنَّهُمْ عَلَى أَمَانَةٍ، أَوْ صَدَّقَ حَدِيثَهُمْ، أَوْ أَعَانَهُمْ بِشَيْءٍ طَرِ كَلِمَةٍ، خَرَجَ مِنْ وَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَوَلَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (4)

- 1- الخصال: ص 116 ح 96 عن ثعلبة بن ميمون عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 70 ص 9 ح 6.
- 2- علل الشرائع: ص 559 ح 2 عن معاوية بن وهب، بحار الأنوار: ج 75 ص 99 ح 10.
- 3- الكافي: ج 2 ص 640 ح 5، علل الشرائع: ص 558 ح 1 كلاهما عن عمّار بن موسى، فقه الرضا: ص 356 كلاهما نحوه، بحار الأنوار: ج 74 ص 187 ح 12.
- 4- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 203 ح 4، بحار الأنوار: ج 25 ص 273 ح 19.

و - بزهکار**ز - فرومایه****ح - غالی**

و- بزهکار امام علی علیه السلام: مردان، سه دسته اند: خردمند، ناپسند، و بزهکار. خردمند، دین، آبشخور اوست ... بزهکار، اگر به او امانتی بسپری، به تو خیانت می کند، و اگر با او هم نشینی کنی، مایه زشتی و بدنامی تو می شود، و اگر به او اعتماد کنی، با تو یک رنگی نمی کند [و نارو می زند].

امام صادق علیه السلام: پدرم می فرمود: «حق را به جای آور ... و با شخص فاسد، هم نشینی مکن، و او را بر اسرار آگاه مساز، و امانت را به او مسپار».

ز- فرومایه امام صادق علیه السلام: اگر دوست داری نعمت بیاید و شخصیت کامل شود و زندگی ات نیکو گردد، غلامان و فرومایگان را در کار خود، شریک مساز؛ زیرا اگر به اینان امانتی بسپاری، به تو خیانت می کنند، اگر با تو سخن بگویند، دروغ می گویند، و اگر گرفتار شوی، تنهایت می گذارند، و اگر وعده ات دهند، بدان وفا نمی کنند.

ح - غالی (1) عیون أخبار الرضا علیه السلام- به نقل از ابو هاشم جعفری - از امام رضا علیه السلام در باره غالیان و تفویض گرایان پرسیدم. فرمود: «غالیان، کافرند، و تفویض گرایان، مشرک. هر که با آنان هم نشینی کند یا بیامیزد، یا با آنان بخورد و بیاشامد، یا ارتباط داشته باشد، یا به آنان زن دهد یا از آنها زن بگیرد، یا به آنان اعتماد کند، یا امانتی به آنها بسپارد، یا سخنان را باور کند، یا با نیم کلمه ای کمکشان کند، از ولایت خداوند عز و جل و ولایت پیامبر خدا و ولایت ما اهل بیت، خارج شده است».

1- .. غالی در نزد شیعه به کسی گفته می شود که در باره اهل بیت علیهم السلام افراط (غلو) کند و یکی از صفات ویژه خداوند (مثل جاودانگی) یا ویژه پیامبر صلی الله علیه و آله (مثل گرفتن وحی قرآنی) را به آن بزرگواران، نسبت دهد و یا قائل به تفویض شئون ویژه ربوبیت از جانب خداوند به آنان باشد (ر. ک: فرهنگ جامع فرق اسلامی، روحانی).

ط _ مَنِ انْقَادَ لِهَوَاهُا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ مِنْ كِتَابٍ لَهُ إِلَى الْمُنْذِرِ بْنِ الْجَارُودِ الْعَبْدِيِّ ، وَقَدْ خَانَ فِي بَعْضِ مَا وَلَّاهُ مِنْ أَعْمَالِهِ _ : أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ صَدَاحَ أَيْكَ غَرَّنِي مِنْكَ ، وَظَنَنْتُ أَنَّكَ تَتَّبِعُ هَدْيَهُ ، وَتَسْلُكُ سَبِيلَهُ ، فَإِذَا أَنْتَ فِيمَا رَفَّيَ (1) إِلَيَّ عَنْكَ لَا تَدْعُ لِهَوَاكَ انْقِياداً ، وَلَا تُبْقِي لِأَخْرَجِكَ عَتَاداً ، تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِخَرَابِ أَخْرَجِكَ ، وَتَصِلُ عَشِيرَتَكَ بِقَطِيعَةِ دِينِكَ . وَلَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقّاً ، لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَشِسْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ ، وَمَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُسَدَّ بِهِ نَعْرٌ ، أَوْ يُنْفَذَ بِهِ أَمْرٌ ، أَوْ يُعْلَى لَهُ قَدْرٌ ، أَوْ يُشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ ، أَوْ يُؤْمَنَ عَلَى جَبَايَةٍ . (2) فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ . (3)

ي _ شَارِبُ الْخَمْرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : مَنْ ائْتَمَنَ شَارِبَ الْخَمْرِ عَلَى أَمَانَةٍ _ بَعْدَ عِلْمِهِ فِيهِ _ فَلَيْسَ لَهُ عَلَى اللَّهِ صَمَانٌ ، وَلَا أَجْرٌ لَهُ وَلَا خَلْفٌ . (4)

عنه صلى الله عليه وآله : مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى لِسَانِي ، فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُرَوَّجَ إِذَا خَطَبَ ، وَلَا يُشَفَّعَ إِذَا شَفَعَ ، وَلَا يُصَدَّقَ إِذَا حَدَّثَ ، وَلَا يُؤْتَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ . فَمَنْ ائْتَمَنَهُ بَعْدَ عِلْمِهِ فِيهِ ، فَلَيْسَ لِلَّذِي ائْتَمَنَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ضَمَانٌ ، وَلَا لَهُ أَجْرٌ ، وَلَا خَلْفٌ . (5)

1- . رَفَّيَ عَلَيْهِ كَلَاماً : إِذَا رَفَعَ (الصحيح : ج 6 ص 2361 «رقى»).

2- . فِي الطَّبْعَةِ الْمَعْتَمَدَةِ : «خِيَانَةٌ» ، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ نَسْخَةِ صَبْحِي الصَّالِحِ .

3- . نَهَجُ الْبَلَاغَةِ : الْكِتَابُ 71 ، الْغَارَاتُ : ج 2 ص 898 ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 33 ص 506 ح 706 .

4- . الْكَافِي : ج 5 ص 300 ح 3 ، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ : ج 7 ص 231 ح 1009 كِلَاهُمَا عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه : ج 4 ص 58 ح 5091 عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، الْخُرَانِجُ وَالْجُرَانِجُ : ج 1 ص 279 ح 11 عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، الْأُصُولُ السَّتَّةُ عَشَرَ : ص 198 ح 170 عَنِ الْإِمَامِ الْكَاسِمِ عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الثَّلَاثَةُ الْأَخِيرَةُ نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 79 ص 143 ح 56 .

5- . الْكَافِي : ج 6 ص 396 ح 2 عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَص 397 ح 9 ، تَهْذِيبُ الْأَحْكَامِ : ج 9 ص 103 ح 450 كِلَاهُمَا عَنْ حَمَّادِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَحْوَهُ ، تَفْسِيرُ الْعِيَّاشِيِّ : ج 1 ص 220 ح 21 عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَحْوَهُ ، بَحَارُ الْأَنْوَارِ : ج 103 ص 84 ح 11 ؛ كَنْزُ الْعَمَّالِ : ج 5 ص 361 ح 13231 نَقْلًا عَنْ ابْنِ النُّجَّارِ عَنِ الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .

ط - پیرو هوس**ی - شرابخوار**

ط - پیرو هوسامام علی علیه السلام از نامه ایشان به مُنذر بن جَارود عَبدی که در حکومتش مرتکب خیانتی شده بود: «أما بعد، نیک بودن پدِرت، مرا در باره توفریفت و پنداشتم که تو نیز روش او را دنبال می کنی و راه او را می پویی؛ اما اکنون، آن گونه که از تو به من خبر رسیده است، می بینم که پیروی از هوسَت را رها نمی کنی و برای آخرت، توشه ای بر جای نمی گذاری، دنیایت را به قِیمتِ ویران کردن آخرت آباد می سازی و با خویشاوندانت، به قِیمت بُردن از دینت، پیوند برقرار می کنی. اگر آنچه در باره تو به من رسیده است، راست باشد، هر آینه، شتر همسرت (/ خانواده ات) و دوالِ پایِ افزارت، با ارزش تر از تو خواهند بود. (1) کسی که چنین باشد، دیگر شایسته نیست که به وسیله او رخنه ای بسته (/ مرزی پاسداری) شود، یا کاری انجام گیرد، یا مقام و منزلتش بالا رود، یا در امانتی شریکش کنند، یا بر مالیاتی امین قرار داده شود. پس به محض دریافت این نامه ام، به سوی من بیا، به خواستِ خدا!

ی - شرابخوار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بداند که کسی شرابخوار است و [با این حال] به او امانتی بسپارد، خداوند، ضامن او نیست. او را نه مزدی می دهد، و نه عوضی [برای مال از دست رفته اش].

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پس از آن که خداوند عز و جل شراب را از زبان من حرام گردانید، باز شرابخواری کند، شایسته نیست که اگر خواستگاری کرد، به او زن دهند، یا اگر میانجیگری کرد، میانجیگری اش پذیرفته شود، یا هر گاه سخن گفت، راستگو شمرده شود، یا امانتی به او سپرده شود. و هر کس بداند که او شرابخوار است و با این حال به وی امانتی بسپارد، خداوند عز و جل ضامن او نیست، و او را نه مزدی باشد، و نه جای گزینی.

1- . شتر خانواده ات و پای افزارت با ارزش تر از توست ... ، ضرب المثلی است برای تحقیر .

الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَأْتِمِنْ شَارِبَ الْخَمْرِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ». (1) فَأَيُّ سَفِيهِ أَسْفَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ؟ إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ لَا يُزَوِّجُ إِذَا حَظَبَ، وَلَا يُشَفِّعُ إِذَا شَفِّعَ، وَلَا يُؤْتَمَنُ عَلَى أَمَانَةٍ، فَمَنْ اتَّيَمَّنَهُ عَلَى أَمَانَةٍ فَاسْتَهْلَكَهَا، لَمْ يَكُنْ لِلَّذِي اتَّيَمَّنَهُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَأْجُرَهُ، وَلَا يُخْلِفَ عَلَيْهِ. (2)

كـ. التَّمَامُ للإمام علي عليه السلام: لَا تَجْتَمِعُ أَمَانَةٌ وَنَمِيمَةٌ. (3)

لـ. مَنْ فِيهِ تِلْكَ الْخِصَالُ للإمام علي عليه السلام: سِتَّةٌ لَا يَأْمَنُهُمْ مُسْلِمٌ: الْيَهُودِيُّ، وَالنَّصْرَانِيُّ، وَالْمَجُوسِيُّ، وَشَارِبُ الْخَمْرِ، وَصَاحِبُ الشُّطْرَنْجِ وَالْمُتَلَهِّي بِأَمِّهِ (4). (5)

1- النساء: 5.

2- الكافي: ج 5 ص 299 ح 1 عن حريز، الخرائج والجرائح: ج 1 ص 279 ح 11 نحوه، بحار الأنوار: ج 47 ص 268 ح 38 وراجع: تفسير القمّي: ج 1 ص 131.

3- غرر الحكم: ج 6 ص 372 ح 10581، عيون الحكم والمواعظ: ص 533 ح 9718.

4- في المصدر: قال ابن دكين: فسألته عن المتلهي بأمه، قال: الذي يقول: أمي زانية إن لم أفعل كذا وكذا.

5- تاريخ بغداد: ج 9 ص 452 الرقم 5084 عن عبد الله بن دكين عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عليهم السلام.

ك - سخن چین**ل - کسی که این خصلت ها در اوست**

امام صادق علیه السلام: به شرابخوار ، امانت مسپار ؛ زیرا خداوند عز و جل در کتابش می فرماید : «و اموال خود را به نادانان مسپارید» . چه نادانی نادان تر از شرابخوار؟ شرابخوار ، اگر خواستگاری کرد ، نباید به او زن داد ، و اگر شفاعت کرد ، شفاعتش پذیرفته نیست . امانت را نباید به او سپرد ، و هر کس امانتی را به او بسپارد و او آن را از میان ببرد ، خداوند ، نه به امانت گزار پاداشی می دهد ، و نه جایگزینی .

ك - سخن چینامام علی علیه السلام: امانتداری و سخن چینی با هم گرد نمی آیند .

ل - کسی که این خصلت ها در اوستامام علی علیه السلام: شش گروه اند که مسلمان ، نباید آنها را امین بدارد : یهودی ، نصرانی ، مجوسی ، شرابخوار ، شطرنج باز ، و بازی کننده با مادرش . (1)

1- . در مأخذ (تاریخ بغداد) آمده است : ابن دگین گفت : از امام علیه السلام پرسیدم : بازی کننده با مادرش ، چه کسی است ؟ فرمود : «کسی که می گوید : مادرم زناکار است (مادر فحبه باشم) ، اگر چنین و چنان نکنم !» .

الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ عَرَفَ مِنْ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِ اللَّهِ كَذِبًا إِذَا حَدَّثَ ، وَخُلْفًا إِذَا وَعَدَ ، وَخِيَانَةً إِذَا أُؤْتِمِنَ ، ثُمَّ اتَّيَمَّنَهُ عَلَى أَمَانَةٍ ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى أَنْ يَبْتَلِيَهُ فِيهَا ، ثُمَّ لَا يُخْلِفَ عَلَيْهِ ، وَلَا يَأْجُرَهُ . (1)

1- .الكافي : ج 5 ص 299 ح 5 ، الاختصاص : ص 225 كلاهما عن أبي حمزة ، تهذيب الأحكام : ج 7 ص 232 ح 1012 عن أبي جميلة نحوه ، بحار الأنوار : ج 103 ص 85 ح 14 .

امام باقر علیه السلام: هر کس بنده ای از بندگان خدا را بشناسد که هر گاه سخن می گوید، دروغ می گوید، و هرگاه وعده می دهد، به آن عمل نمی کند، و هرگاه به او امانتی می سپارند، خیانت می کند، و با این حال به او امانتی بسپارد، بر خداست که او را در آن امانت، دچار دردِ سر کند (یعنی امانتش از بین برود). سپس، نه برای آن به او عوضی دهد، و نه مزدی.

22. امنيت

اشاره

22. امنيت در آمدفصل يكم: جاگاه امنيت در نظام اسلامي فصل دوم: خطرناك ترين آسيب هاي امنيتي فصل سوم: سياست هاي امنيتي
امام علي عليه السلام

.

درآمد امنیت، در لغتواژه «أمن»، مصدر است و در اصل، دلالت بر دو معنای نزدیک به هم دارد: یکی آرامشِ دل، و دیگری تصدیق؛ زیرا انسان، چیزی را تصدیق می کند و گواهی می نماید که نسبت به آن، اطمینان دارد و دلش آرام است، ابن فارس، در این باره می گوید: الهمزة والميم والنون أصلان متقاربان: أحدهما الأمانة التي هي ضدّ الخيانة، ومعناها سكون القلب، والآخر التصديق والمعنيان كما قلنا متدانيان... رجل أمانة إذا كان يأمنه الناس ولا يخافون غائلته. (1) همزه و ميم و نون، دو اصل [معنایی] متقارب دارند: یکی امانت که ضدّ خیانت و به معنای آرامشِ دل است، و دیگری گواهی دادن. و دو معنا، همان گونه که گفتیم، به هم نزدیک اند... به شخصی «رجلُ أَمَنَه» گفته می شود که مردم از او در امان باشند و از شرّ و گزند او بیمی نداشته باشند. راغب در المفردات می نویسد: أصل الأمن طمأنينة النفس وزوال الخوف، والأمن والأمانة والأمان في الأصل مصادر. (2)

1- .. معجم مقاييس اللغة: ج 1 ص 134 .

2- .. مفردات ألفاظ القرآن: ص 90 .

امنیت، در قرآن و حدیث

1. جایگاه امنیت در نظام اسلامی

معنای «أمن»، آرامش خاطر و رفع نگرانی است. امن و امانت و امان، در اصل مصدر هستند. اما در این جا مطلق امنیت، موضوع سخن نیست؛ بلکه یکی از مصادیق معنای نخست آن، یعنی امنیت اجتماعی، مورد بررسی قرار می گیرد.

امنیت، در قرآن و حدیث در قرآن و احادیث اسلامی، کلمه «أمن» و مشتقات آن، در معانی مختلفی به کار رفته است، مانند: امانت، (1) ایمان، (2) امنیت در برابر خطرهایی که در جهان پس از مرگ، انسان را تهدید می نماید (3) و امنیت در مقابل خطرهایی که آرامش اجتماعی انسان را تهدید می کند. (4) همان طور که اشاره شد، در این جا تنها متونی ارائه می گردند که مرتبط با امنیت اجتماعی اند. پیش از آن، توجه خوانندگان گرامی را به چند نکته جلب می کنیم:

1. جایگاه امنیت، در نظام اسلام میز منظر متون اسلامی، امنیت اجتماعی، یکی از بزرگ ترین و گواراترین نعمت های الهی است که با نعمت تن درستی و سلامت برابری می کند، همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، شادی در زندگی بی مفهوم است؛ ولی با این همه، کمتر کسی قدر این نعمت بزرگ را می داند: نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ: الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ. (5) دو نعمت اند که ناسپاسی می شوند: امنیت و سلامت.

1- .. ر. ك: ص 323 (امانت / درآمد / امانت، در لغت).

2- .. ر. ك: همین دانش نامه: ج 8 ص 8 (ایمان / درآمد / ایمان، در لغت).

3- .. مقصود، امنیت از عذاب الهی است که در آیات و روایات فراوانی به آن اشاره شده است.

4- .. ر. ك: ص 525 (امنیت / فصل دوم: خطرناك ترین آسیب های امنیت).

5- .. ر. ك: ص 500 ح 4.

2. سرزمین نمونه در امنیت

در مقابل، نبود امنیت، یکی از سخت‌ترین مجازات‌های الهی است. زندگی برای مردمی که امنیت ندارند، لذتبخش نیست و معیار ارزش وطن، میزان برخورداری آن از امنیت است؛ بلکه چنان است که از امام علی علیه السلام روایت شده است: شَرُّ الْأَوْطَانِ مَا لَمْ يَأْمَنْ فِيهِ الْقَطَّانُ. (1) بدترین وطن، جایی است که ساکنانش در آن، در امان نباشند.

2. سرزمین نمونه در امنیّاهمّیت امنیت اجتماعی در اسلام، تا آن جاست که مرکز طلوع خورشید تابناک این آیین آسمانی، یعنی مکه، «البلد الأمين (شهر امن)» نامیده شده و مقرّرات شدیدی برای اجتناب از هرگونه نزاع، کشمکش و جنگ و خونریزی در این سرزمین مقدّس، وضع شده است، (2) به گونه‌ای که نه تنها انسان‌ها باید در آن از امنیت مطلق برخوردار باشند، بلکه حیوانات، پرندگان و گیاهان نیز در امن و امان هستند و کسی حقّ ندارد که کمترین مزاحمت را برای آنها ایجاد کند. می‌توان گفت که ارزش بودن مطلق امنیت در مکه، در واقع برای ارائه شهر نمونه اسلامی است و مسئولان نظام اسلامی، باید تلاش کنند تا دیگر بلاد اسلامی را از امنیت لازم، برخوردار نمایند، چنان که در دوران حکومت امام مهدی علیه السلام امنیت مطلق، جهان را فرا خواهد گرفت. (3)

1- .. ر. ک: ص 504 ح 14.

2- .. برای آگاهی از این مقرّرات، به منابع فقه، مراجعه فرمایید.

3- .. ر. ک: ص 519 (امنیت / فصل یکم / امنیت موعود).

3. مسئولیت نظام اسلامی در برقراری امنیت

4. خطرناك ترین تهدیدهای امنیتی

3. مسئولیت نظام اسلامی در برقراری امنیتی نکته دیگری که اهمیت امنیت اجتماعی را در اسلام، نشان می دهد، مرتبط کردن آن با فلسفه رسالت و امامت در روایات اسلامی است؛ چنان که پیامبر خدا، در پاسخ به سؤال از فلسفه رسالت خود می فرماید: *بأن توصلَ الأرحامُ وتُحقَنَ الدِّماءُ وتُؤمَّنَ السُّبُلُ*. (1) خویشاوندی پیوند داده شود، خون ها حفظ شوند و راه ها امن گردند. همچنین، اشاره به حفظ و صیانت مرزهای بلاد اسلامی، و ایجاد امنیت برای ستم دیدگان، در تبیین حکمت زمامداری امامان اهل بیت علیهم السلام در روایات ایشان، حاکی از مسئولیت سنگین حاکمان اسلامی در برقراری امنیت اجتماعی است. (2)

4. خطرناك ترین تهدیدهای امنیتی از نظر قرآن و احادیث اسلامی، مهم ترین خطرهایی که امنیت جامعه بشر را تهدید می کنند، عبارت اند از: اختلافات سیاسی و اجتماعی، تجاوز به حقوق دیگران، و ناسپاسی نعمت های الهی. و این، درس بزرگی است برای حکومت ها که تنها با تکیه بر قدرت اطلاعاتی و نظامی، نمی توان امنیت جامعه را تأمین کرد. دولت مردانی که بخواهند جامعه آنها از امنیت کامل برخوردار باشد، باید تلاش کنند از اختلافات داخلی و خارجی بکاهند، عدل و انصاف را برگسترنند و مردم را به سپاس گذاری از نعمت های الهی، تشویق نمایند؛ چرا که هر چه اختلافات و تجاوز به حقوق دیگران، کمتر، و سپاس گذاری از نعمت های الهی بیشتر باشد، جامعه از امنیت و آرامش افزون تری برخوردار خواهد بود.

1- .. ر. ك: ص 506 ح 17.

2- .. ر. ك: ص 505 (امنیت / فصل یکم / مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور).

5. سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام

5. سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام یکی از مسائل بسیار مهم در باب امنیت اجتماعی، سیاست های امنیتی از نگاه اسلام است. این سیاست ها، در ابواب مختلف این دانش نامه (مانند: جهاد، صلح، جنگ، تجسس، عفو، تعذیب و عداوت)، به تفصیل، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. از این رو، در این جا تنها به محورهای اصلی سیاست های امنیتی اسلام، اشاره می کنیم. برای دستیابی به این منظور، نگاهی گذرا به سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام خواهیم افکند. این سیاست ها به طور خلاصه، عبارت اند از: الف - برنامه ریزی برای دستیابی به اطلاعات و شناخت های لازم از تهدیدهای امنیتی و عوامل آنها؛ ب - برخورداری از ابزارها و امکانات بازدارنده دشمن؛ ج - تقویت مادی و معنوی نیروهای مسلح؛ د - برنامه ریزی برای تبدیل تهدیدهای امنیتی به فرصت؛ ه - اجتناب از درگیری بدون ضرورت با دشمنان؛ و - هوشیاری در برابر توطئه هایی که امنیت جامعه را تهدید می کنند؛ ز - رعایت ارزش های اخلاقی در کشف توطئه های ضد امنیتی و برخورد با عوامل آنها؛ ح - برخورد قاطع و ریشه ای با عوامل و آفات تهدید کننده امنیت اجتماعی.

الفصل الأول: موقع الأمن في النظام الإسلامي 1 / 1 الأمن نعمة عظيمة الكتاب «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَ قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ» . (1)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله في قوله تعالى: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (2) _ :الأمن والصحة . (3)

تفسير القمي _ في قوله تعالى: «وَإِنْ تُصِيبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» (4) _ :عَنِ الصَّادِقِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُمْ قَالُوا: الْحَسَنَاتُ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَلَى وَجْهَيْنِ، وَالسَّيِّئَاتُ عَلَى وَجْهَيْنِ، فَمِنْ الْحَسَنَاتِ الَّتِي ذَكَرَهَا اللَّهُ: الصَّحَّةُ وَالسَّلَامَةُ وَالْأَمْنُ وَالسَّعَةُ وَالرِّزْقُ، وَقَدْ سَمَّاها اللَّهُ حَسَنَاتٍ، «وَإِنْ تُصِيبْهُمْ سَيِّئَةٌ» يَعْنِي بِالسَّيِّئَةِ هَاهُنَا: الْمَرَضُ وَالْخَوْفُ وَالْجُوعُ وَالشَّدَّةُ. (5)

1- سبأ: 18 .

2- التكاثر: 8 .

3- تاريخ أصبهان: ج 2 ص 145 الرقم 1322، تفسير ابن كثير: ج 8 ص 497 كلاهما عن عبد الله بن مسعود؛ مجمع البيان: ج 10 ص 812 عن عبد الله بن مسعود من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 153 عن الإمام الباقر عليه السلام بزيادة «وولاية علي بن أبي طالب» في آخره، إرشاد القلوب: ص 37 عن الإمام علي عليه السلام بزيادة «القوة والعافية» في آخره، بحار الأنوار: ج 24 ص 54 ح 14.

4- النساء: 78.

5- تفسير القمي: ج 1 ص 144، بحار الأنوار: ج 5 ص 202 ح 27.

فصل یکم : جایگاه امنیّت در نظام اسلامی

1 / 1 امنیّت ، نعمتی بزرگ

فصل یکم : جایگاه امنیّت در نظام اسلامی 1 / 1 امنیّت ، نعمتی بزرگتر آن «و میان آنان و میان آبادی هایی که در آنها برکت نهاده بودیم ، شهرهای متّصل به هم قرار داده بودیم و در میان آنها مسافت را ، به اندازه ، مقرر داشته بودیم . در این [راه] ها ، شب ها و روزها آسوده خاطر بگردید» .

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در باره این سخن خداوند متعال : «سپس ، در آن روز ، قطعاً از نعمتْ پرسش می شوید» _ : [مقصود از نعمت ،] امنیّت و سلامت است .

تفسیر القمّی _ در باره این سخن خداوند متعال : «و اگر به آنان خوبی رسد ، می گویند : «این ، از نزد خداست» ، و اگر به آنان ، گزند برسد ، می گویند : «این ، از جانب توست» . بگو : «هر دو از جانب خداست» _ : از اهل بیت علیهم السلام ، روایت شده است که فرمودند : «خوبی ها در کتاب خدا بر دو گونه اند ، و بدی ها نیز بر دو گونه . از جمله خوبی ها که خداوند عز و جل نام برده ، تن درستی و سلامت و امنیّت و گشایش (رفاه) و روزی است . خداوند ، اینها را خوبی نامیده است . «و اگر بدی [و گزند] به آنها برسد» ، مقصودش از بدی در این جا ، بیماری و ترس و گرسنگی و سختی است .

رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى وَعِنْدَهُ ثَلَاثٌ فَقَدْ تَمَّتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فِي الدُّنْيَا: مَنْ أَصْبَحَ وَأَمْسَى مُعَافًى فِي بَدَنِهِ، آمِنًا فِي سِرِّهِ (1)، عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمِهِ، فَإِنْ كَانَتْ عِنْدَهُ الرَّابِعَةُ فَقَدْ تَمَّتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وَهُوَ الْإِسْلَامُ. (2)

عنه صلى الله عليه وآله: نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ (3)؛ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ. (4)

الإمام علي عليه السلام: أَسْكَنْ سُبْحَانَهُ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَارًا أَرْغَدَ (5) فِيهَا عَيْشُهُ، وَأَمِنَ فِيهَا مَحَلَّتَهُ. (6)

عنه عليه السلام: لَا نِعْمَةَ أَهْنَأُ مِنَ الْأَمْنِ. (7)

-
- 1- أصبح آمنا في سريه أي في نفسه . وفلان آمن السر: لا يغزى ماله ونعمته (لسان العرب: ج 1 ص 463 «سرب»).
 - 2- الكافي: ج 8 ص 148 ح 127 عن مسعدة بن صدقة، عن الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول: ص 36 وفيه «وهو الإيمان» بدل «وهو الإسلام»، بحار الأنوار: ج 77 ص 139 ح 15 وراجع: كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 469 ح 5916 وسنن ابن ماجه: ج 2 ص 1387 ح 4141.
 - 3- قال العلامة المجلسي قدس سره: «مكفورتان» أي مستورتان عن الناس، لا يعرفون قدرهما، أو لا يشكرهما الناس لغفلتهم عن عظم شأنهما (بحار الأنوار: ج 81 ص 170).
 - 4- الخصال: ص 34 ح 5 عن إسماعيل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 81 ص 170 ح 1.
 - 5- [يُقال]: صاروا في رَغَدٍ من العيش: أي في رزق واسع (مجمع البحرين: ج 2 ص 714 «رغد»).
 - 6- نهج البلاغة: الخطبة 1، بحار الأنوار: ج 63 ص 213 ح 48.
 - 7- غرر الحكم: ج 6 ص 435 ح 10911، عيون الحكم والمواعظ: ص 544 ح 10119.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس شب و روز خود را سپری کند و از سه چیز، برخوردار باشد، نعمت دنیا را کامل دارد: کسی که بام و شامش را در تن درستی و آسایشِ خاطر بگذراند (1) و خوراکِ روزانه خود را داشته باشد. حال اگر چهارمین نعمت را هم داشته باشد، نعمت دنیا و آخرت بر او کامل شده است و آن نعمت، اسلام است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو نعمت اند که قدرشان ناشناخته است: امنیت و سلامت.

امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، آدم علیه السلام را در سربایی جای داد که در آن سرا، زندگی اش را پُر از ناز و نعمت، و محیطش را برخوردار از امنیت قرار داد.

امام علی علیه السلام: نعمتی گوارتر از امنیت نیست.

.

1- یعنی امنیت جانی و مالی داشته باشد.

عنه عليه السلام: نَم آمِنَا، تَكُن فِي أَمَهْدٍ (1) الْفُرْشِ . (2)

عنه عليه السلام: كُلُّ سُورٍ يَحْتَاجُ إِلَى أَمْنٍ . (3)

عنه عليه السلام: رَفَاهِيَّةُ الْعَيْشِ فِي الْأَمْنِ . (4)

الإمام الصادق عليه السلام: النَّعِيمُ فِي الدُّنْيَا الْأَمْنُ وَصِحَّةُ الْجِسْمِ، وَتَمَامُ النِّعَمَةِ فِي الْآخِرَةِ دُخُولُ الْجَنَّةِ، وَمَا تَمَّتِ النِّعَمَةُ عَلَى عَبْدٍ قَطُّ [ما (5) لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ . (6)

عنه عليه السلام: ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ، وَالْعَدْلُ، وَالْخِصْبُ (7) . (8)

1 / 2 دَمْ عَدَمِ الْأَمْنِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ، وَلَا فِي الْمَنْظَرِ إِلَّا مَعَ الْمَخْبَرِ ... وَلَا فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعَ الصِّحَّةِ، وَلَا فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالسُّرُورِ . (9)

الإمام علي عليه السلام: شَرُّ الْبِلَادِ بَلَدٌ لَا أَمْنَ فِيهِ وَلَا خِصْبَ . (10)

1- مَهَّدْتُ الْفِرَاشَ: إِذَا بَسَطْتَهُ وَوَطَّأْتَهُ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1729 «مهد»).

2- المواعظ العددية: ص 61.

3- بحار الأنوار: ج 78 ص 7 ح 59 نقلاً عن مطالب السؤول.

4- غرر الحكم: ج 4 ص 100 ح 5438، عيون الحكم والمواعظ: ص 271 ح 4983.

5- ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.

6- معاني الأخبار: ص 408 ح 87 عن زيد الشحام، بحار الأنوار: ج 81 ص 172 ح 8.

7- الخِصْبُ: نَقِصُ الْجَدْبِ، وَهُوَ كَثْرَةُ الْعُشْبِ وَرِفَاغَةُ الْعَيْشِ. وَمَكَانٌ خَصِيبٌ: كَثِيرُ الْخَيْرِ (تاج العروس: ج 1 ص 464 «خصب»).

8- تحف العقول: ص 320، بحار الأنوار: ج 78 ص 234 ح 44.

9- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 369 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه

عليهم السلام، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 333 ح 2656 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الاختصاص

: ص 243 عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 77 ص 58 ح 3.

10- غرر الحكم: ج 4 ص 165 ح 5684، عيون الحكم والمواعظ: ص 294 ح 5253.

1 / 2 نکوهش نبود امنیّت

امام علی علیه السلام: آسوده بخواب که [در این صورت] در نرم ترین بستر خواهی بود .

امام علی علیه السلام: هر شادمانی ای نیاز به امنیّت [و آرامش] دارد .

امام علی علیه السلام: آسایش زندگی ، در [گرو] امنیّت است .

امام صادق علیه السلام: نعمت دنیا ، امنیّت و تن درستی است ، و کامل شدن نعمت در آخرت ، رفتن به بهشت است . تا زمانی که بنده وارد بهشت نشود ، هرگز نعمت را کامل به دست نیاورده است .

امام صادق علیه السلام: سه چیز است که همه مردم به آنها نیازمندند : امنیّت ، دادگری ، و فراوانی .

1 / 2 نکوهش نبود امنیّت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در گفتار بی کردار ، و دیدن بی آزمودن ... و زندگی بدون سلامت ، و وطن بدون امنیّت و شادمانی ، خیری نیست .

امام علی علیه السلام: بدترین شهرها ، شهری است که در آن ، امنیّت و فراوانی نباشد .

عنه عليه السلام: شَرُّ الأوطانِ ما لَمْ يَأْمَنَ فِيهِ القُطَّانُ (1). (2)

عنه عليه السلام: الخائفُ لا عيشَ لَهُ. (3)

الخصال عن أبي خالد السَّجِسْتَانِي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ، زَائِلَ الْعَقْلِ، مَشْغُولَ الْقَلْبِ؛ فَأَوَّلُهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ، وَالثَّالِثَةُ: السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ، وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ. قُلْتُ: وَمَا الْأَنْيَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ، وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ. وَالْخَامِسَةُ - وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ - : الدَّعَةُ (4). (5)

راجع: ص 530 (الأمن / الفصل الثاني: أخطر آفات الأمن / الكفران).

1 / 3 مَسْئُولِيَّةُ الْوَلَاةِ فِي أَمْنِ الْبِلَادِ مَسْنَدُ ابْنِ حَنْبَلٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عَبْسَةَ السَّلْمِيِّ: رَغِبْتُ عَنْ إِلَهَةِ قَوْمِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ... حَتَّى دَخَلْتُ عَلَيْهِ [أَي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ: مَا أَنْتَ؟ فَقَالَ: نَبِيٌّ، فَقُلْتُ: وَمَا النَّبِيُّ؟ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ، فَقُلْتُ: وَمَنْ أَرْسَلَ لَكَ؟ قَالَ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، قُلْتُ: بِمَاذَا أَرْسَلَ لَكَ؟ فَقَالَ: بِأَنْ تَوْصَلَ الْأَرْحَامَ، وَتُحَقِّنَ الدِّمَاءَ، وَتُؤَمِّنَ السُّبُلَ، وَتُكَسِّرَ الْأَوْثَانَ، وَتُعَبِّدَ اللَّهَ وَحْدَهُ لَا يُشْرَكَ بِهِ شَيْءٌ. (6)

1- قَطَنَ بِالْمَكَانِ: أَقَامَ بِهِ وَتَوَطَّنَهُ فَهُوَ قَاطِنٌ، وَالْجَمْعُ قُطَّانٌ (مجمع البحرين: ج 3 ص 1497 «قطن»).

2- غرر الحكم: ج 4 ص 171 ح 5712، عيون الحكم والمواعظ: ص 295 ح 5279.

3- غرر الحكم: ج 1 ص 251 ح 1011، عيون الحكم والمواعظ: ص 30 ح 453.

4- قال العلامة المجلسي قدس سره: الدَّعَةُ: السَّكُونُ وَقَلَّةُ الْأَشْغَالِ، قَالَ فِي النِّهَايَةِ: وَدُعٌ - بِالضَّمِّ - وَدَاعَةٌ وَدَعَةٌ: أَي سَكَنٌ وَتَرْفَةٌ، وَفِي الصَّحَاحِ: الدَّعَةُ: الْخَفْضُ، وَالْهَاءُ عَوْضٌ مِنَ الْوَائِ، تَقُولُ مِنْهُ: وَدَعِ الرَّجُلَ فَهُوَ وَدِيعٌ؛ أَي سَاكِنٌ، وَرَجُلٌ مَتَدَعٌ: أَي صَاحِبُ دَعَةٍ وَرَاحَةٍ، وَالْمَوَادَّةُ: الْمَصَالِحَةُ، انْتَهَى. وَيَحْتَمِلُ أَنْ يَكُونَ الْمُرَادُ عَدَمُ الْمُنَازَعَةِ وَالْمُخَاصَمَةِ (بحار الأنوار: ج 81 ص 171).

5- الخصال: ص 284 ح 34، بحار الأنوار: ج 81 ص 171 ح 4.

6- مسند ابن حنبل: ج 6 ص 53 ح 17013، مسند الشاميين: ج 2 ص 30 ح 863، تاريخ دمشق: ج 46 ص 262.

1 / 3 مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور

امام علی علیه السلام: بدترین وطن ها ، وطنی است که ساکنانش در آن ، امنیت نداشته باشند .

امام علی علیه السلام: کسی که در ترس و وحشت به سر می برد ، زندگی ندارد .

الخصال_ به نقل از ابو خالد سیجستانی _ : امام صادق علیه السلام فرمود : « پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد ، پیوسته ، زندگی اش ناقص ، خردش از کار افتاده ، و دلش مشغول [و گرفتار] است : اول ، تن درستی و دوم ، امنیت و سوم ، گشایش در روزی و چهارم ، یار سازگار . گفتم : یار سازگار ، چیست؟ فرمود : « همسر شایسته ، و فرزند شایسته ، و هم نشین شایسته » . [سپس ادامه داد : « و پنجم _ که جامع این چیزهاست _ آسایش [و رفاه] است » .

ر . ک : ص 531 (امنیت / فصل دوم : خطرناک ترین آسیب های امنیت / ناسپاسی) .

1 / 3 مسئولیت فرمان روایان در امنیت کشور مسند ابن حنبل _ به نقل از عمرو بن عبسه سلمی _ : در جاهلیت ، از خدایان قوم خود ، روی گرداندم ... تا آن گاه که خدمت پیامبر خدا رسیدم و سلام کردم و گفتم : تو کیستی؟ فرمود : « پیامبر » . گفتم : پیامبر ، چیست؟ فرمود : « فرستاده خدا » . گفتم : چه کسی تو را فرستاده است؟ فرمود : « خداوند » . گفتم : برای چه فرستاده است؟ فرمود : « برای پیوند خویشتن و خاندان ، حفظ خون ها ، امنیت راه ها ، شکستن بت ها ، و پرستش خدای یگانه و بی انباز » .

الإمام علي عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ، وَلَكِنْ لِنَرَدِّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَنُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَتُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. (1)

عنه عليه السلام: لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ، وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ، وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ، وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ، وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ، وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ. (2)

المزار - مِنْ زِيَارَةِ يُزَارُ بِهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي لَيْلَةِ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ - ...: وَبَذَلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَفْسَهُ فِي مَرْضَاةِ رَسُولِكَ ... وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِأَعْبَاءِ الْخِلَافَةِ، مُضْطَلِعًا بِأَثْقَالِ الْإِمَامَةِ، فَنَصَبَ رَايَةَ الْهُدَى فِي عِبَادِكَ، وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِي بِلَادِكَ، وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِي بَرِّيَّتِكَ. (3)

الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ لِأَهْلِ الثُّغُورِ - : فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَقَصَصْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ، فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَدُوُّكَ بِالْقَتْلِ، وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ، وَبَعْدَ أَنْ تَأْمَنَ أَطْرَافُ الْمُسْلِمِينَ، وَبَعْدَ أَنْ يُؤَلِّيَ عَدُوُّكَ مُدْبِرِينَ. (4)

1- نهج البلاغة: الخطبة 131، تحف العقول: ص 239 عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 34 ص 111 ح 949؛ تذكرة الخواص: ص 120 عن عبد الله بن صالح العجلي.

2- نهج البلاغة: الخطبة 40، بحار الأنوار: ج 75 ص 358 ح 72؛ شعب الإيمان: ج 6 ص 65 ح 7508 عن ليث، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 741 ح 51 عن أبي البخري من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وكلاهما نحوه، كنز العمال: ج 5 ص 751 ح 14286، وراجع: السنن الكبرى: ج 8 ص 319 ح 16764.

3- المزار للشهيد الأول: ص 106، بحار الأنوار: ج 100 ص 380 ح 10.

4- الصحيفة السجّادية: ص 115 الدعاء 27.

امام علی علیه السلام: بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما سرزد، از سرِ قدرت طلبی، یا به دست آوردن چیزی از دارایی بی ارزش دنیا نبود؛ بلکه برای این بود که نشانه های دینت را بازگردانیم و در شهرهایت، آبادانی پدیدار سازیم تا بندگان ستم دیده ات در امنیت باشند و احکام بر زمین مانده ات بر پا داشته شوند.

امام علی علیه السلام: مردم را ناگزیر فرمان روایی باید، نیک یا بد، تا در [سایه] فرمان روایی او مؤمن، کار خویش (اطاعت خدا) کند و کافر، بهره خویش ببرد، و خداوند، هر کس را به اجل مقدرش برساند، و به وسیله او، مالیات ها جمع آوری گردد و با دشمن، جنگ شود و راه ها امن گردند.

المزار، شهید اول_ از زیارتی که با آن امیر مؤمنان علیه السلام در شب بیست و هفتم رجب، زیارت می شود_: و در راه خشنودی پیامبرت، جان فشانی کرد... و آن گاه که یارانی یافت، مسئولیت های خلافت را برعهده گرفت و بارهای سنگین پیشوایی را به دوش کشید و پرچم راهبری را در میان بندگان برافراشت و بساط امنیت را در شهرهایت افکند، و عدل را در میان آفریدگانت گسترانید.

امام زین العابدین علیه السلام_ از دعای ایشان برای مرزداران_: اگر زندگی اش را به نیک بختی پایان دادی و شهادت را بر او مقدر فرمودی، این [شهادتش] پس از آن باشد که دشمنت را به گشتار، از بیخ و بُن برگند، و پس از آن که دشمنانت به رنج اسارت در افتند، و پس از آن که مرزهای مسلمانان، امنیت یابد، و پس از آن که دشمنت پشت کرده، بگریزد.

الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ ، وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ ، وَصَلَاةُ الدُّنْيَا ، وَعِزُّ الْمُؤْمِنِينَ . إِنَّ الإِمَامَةَ أَسُّ (1) الْإِسْلَامِ النَّامِي ، وَفَرْعُهُ السَّامِي . بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ ، وَتَوْفِيرُ الْفَيِّءِ (2) وَالصَّدَقَاتِ ، وَإِمضَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ ، وَمَنْعُ الثُّغُورِ (3) وَالْأَطْرَافِ . (4)

1 / 4 دَوْرُ الدُّعَاءِ فِي الْأَمْنِ الْكَتَابِ « وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ » . (5)

« وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ » . (6)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله من دُعَائِهِ عَقِيبَ صَلَاةِ الظُّهْرِ _ :اللَّهُمَّ لَا تَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ ، وَلَا سَقَمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ ، وَلَا رِزْقًا إِلَّا بَسَطْتَهُ ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ . (7)

1- الأُسُّ: أصلُ البناء (مجمع البحرين: ج 1 ص 47 «أُسُّ»).

2- الْفَيِّءُ: هو ما حصل للمسلمين من أموال الكفار من غير حرب ولا جهاد (النهاية: ج 3 ص 482 «فياً»).

3- الثَّغْرُ: موضع المخافة الذي يُخَافُ منه هجوم العدو، والجمع: ثغور (مجمع البحرين: ج 1 ص 242 «ثغر»).

4- الكافي: ج 1 ص 200 ح 1، كمال الدين: ص 677 ح 31، معاني الأخبار: ص 97 ح 2، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 218 ح 1 كلَّها عن عبدالعزيز بن مسلم، بحار الأنوار: ج 25 ص 122 ح 4 .

5- البقرة: 126.

6- إبراهيم: 35 .

7- فلاح السائل: ص 310 ح 210 عن عبدالله بن محمد التميمي عن الإمام العسكري عن آبائه عليهم السلام ، مصباح المتهجد: ص 76 ح 124 ، المصباح للكفعمي: ص 53 كلاهما عن معاوية بن عمَّار من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه، المزار للمفيد: ص 123 ، المزار الكبير: ص 179 وكلاهما من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 86 ص 63 ح 2 .

1 / 4 نقش دعا در امنیت

امام رضا علیه السلام: امامت، زمام دین است، و رشته پیوند (1) مسلمانان، و مایه آبادانی دنیا، و اقتدار مؤمنان. امامت، ریشه بالنده اسلام و شاخه بلند آن است. با امامت، نماز و زکات و روزه و حج و جهاد، کامل می شوند، و فئی و زکات، جمع آوری می شوند، و حدود و احکام، اجرا می گردند، و مرزها و سرحدات، نگهداری می شوند.

1 / 4 نقش دعا در امنیتقرآن «و آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این جا را شهری امن، قرار ده و مردمش را _ هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد _ از میوه ها روزی بخش»، [خدا] فرمود: «ولی هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم. سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش می کشانم؛ و چه بدسرانجامی است!».

«و آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! این شهر را امن قرار ده و من و فرزندانم را از این که بت ها را پرستیم، دور بدار».

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ از دعای ایشان در تعقیبات نماز ظهر _ : بار خدایا! هر گناهی دارم، بیامرز، هر نگرانی و اندوهی دارم، بزُدای، هر بیماری ای دارم، بهبود بخش، هر عیبی دارم، بپوشان، و روزی ام را گشایش ده، و ترس مرا به امنیت بدل فرما.

1- .واژه «نظام» _ که در متن عربی حدیث آمده _، نخ یا رشته ای را گویند که با آن، دانه های مروارید و تسبیح و مانند آن را به رشته می کشند؛ شیرازه.

سنن الدارمي عن ابن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْهَيْلَالَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالتَّوْفِيقِ لِمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَى، رَبُّنَا وَرَبُّكَ اللَّهُ. (1)

الإمام علي عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا رَأَى الْهَيْلَالَ ... قَالَ: اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْإِحْسَانِ. (2)

عنه عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ فِي الْيَوْمِ السَّادِسِ مِنَ الشَّهْرِ - : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آمَنَ رَوْعَنَا (3). (4)

عنه عليه السلام - أَيْضًا - : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي آمَنَّا، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَبَتَ (5) عَدُوَّنَا. (6)

- 1- .سنن الدارمي: ج 1 ص 428 ح 1639، صحيح ابن حبان: ج 3 ص 171 ح 888، المعجم الكبير: ج 12 ص 273 ح 13330، المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 317 ح 7767 عن طلحة بن عبيدالله، كنز العمال: ج 7 ص 78 ح 18045.
- 2- .عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 71 ح 329 عن دارم بن قبيصة عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الأماشي للطوسي: ص 495 ح 1084 عن عمر بن علي عن أبيه الإمام زين العابدين عليه السلام عن محمد بن الحنفية، مصباح المتهجد: ص 540 ح 625 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام، الإقبال: ج 1 ص 62 عن محمد بن الحنفية، بحار الأنوار: ج 95 ص 343 ح 1.
- 3- .الرَّوْعُ: الْفَزَعُ (النهاية: ج 2 ص 276 «روع»).
- 4- .الدروع الواقية: ص 185، بحار الأنوار: ج 97 ص 193 ح 3.
- 5- .كبت الله عدونا: أي أذله وصرفه (النهاية: ج 4 ص 138 «كبت»).
- 6- .الدروع الواقية: ص 185، بحار الأنوار: ج 97 ص 193 ح 3.

سنن الدارمی۔ به نقل از ابن عمر۔ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هرگاه ماه نور را می دید، می گفت: «بزرگ تر است خدا. بار خدایا! این را با امنیّت و ایمان، و سلامت و اسلام، و توفیق به آنچه۔ تو ای پروردگار ما۔ دوست داری و می پسندی، برای ما نوگردان. پروردگار ما و تو [ای ماه!] خداست».

امام علی علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هرگاه هلال ماه را می دید ... می گفت: «بار خدایا! در این ماه، ما را از امنیّت و ایمان و سلامت و اسلام و نیکوکاری، برخوردار گردان».

امام علی علیه السلام۔ از دعای ایشان در روز ششم ماه۔ ستایش، خدایی را که ترس ما را به امنیّت، مبدّل ساخت.

امام علی علیه السلام۔ از دعای ایشان در روز ششم ماه۔ ستایش، خدایی را که ما را در امنیّت قرار داد. ستایش، خدایی را که دشمن ما را سرکوب کرد.

الإمام زين العابدين عليه السلام_ مِنْ دُعَائِهِ بِالْعَافِيَةِ _ :وَأَمْنٌ عَلَيَّ بِالصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ . (1)

عنه عليه السلام_ فِي دُعَائِهِ _ :اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ . (2)

عنه عليه السلام :اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَبْدِلْنِي ... مِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةَ الْأَمْنَةِ . (3)

عنه عليه السلام :إِلَهِي وَمَوْلَايَ وَغَايَةَ رَجَائِي ، أَشْرَقَتْ مِنْ عَرْشِكَ عَلَى أَرْضِيكَ وَمَلَأَتْكَ وَسْمَاوَاتُكَ ، وَقَدْ انْقَطَعَتِ الْأَصْوَاتُ ، وَسَكَتَتِ الْحَرَكَاتُ ، وَالْأَحْيَاءُ فِي الْمَضَاجِعِ كَالْأَمْوَاتِ ، فَوَجَدْتَ عِبَادَكَ فِي شَتَّى الْحَالَاتِ : فَمِنْهُ خَائِفٌ لَجَأَ إِلَيْكَ فَأَمَّنْتَهُ . (4)

الإمام الرضا عليه السلام_ فِي الدُّعَاءِ _ :يَا مَنْ دَلَّنِي عَلَى نَفْسِهِ ، وَذَلَّلَ قَلْبِي بِتَصَدِيقِهِ ، أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . (5)

الإمام الهادي عليه السلام_ فِي قُتُوبِهِ _ :يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ ، وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَّنَهُمْ ، وَعَبَدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَدَّ كَرَهُهُمْ ، وَحَمِدَهُ الشَّاكِرُونَ فَأَثَابَهُمْ . (6)

الإمام المهدي عليه السلام_ فِي الدُّعَاءِ _ :يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا ، وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ . (7)

- 1- .الصحيفة السجادية: ص 97 الدعاء 23.
- 2- .مصباح المتهجد: ص 595 ح 691، الإقبال: ج 1 ص 171 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي، بحار الأنوار: ج 98 ص 91 ح 2.
- 3- .الصحيفة السجادية: ص 82 الدعاء 20.
- 4- .بحار الأنوار: ج 94 ص 130 ح 19 نقلاً عن الكتاب العتيق الغروي .
- 5- .الكافي: ج 2 ص 579 ح 9 عن إبراهيم بن أبي البلاد عن عمه .
- 6- .مهج الدعوات: ص 83، مصباح المتهجد: ص 516 ح 598 من دون إسناد إلى أحدٍ من أهل البيت عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار: ج 85 ص 227 ح 1.
- 7- .مهج الدعوات: ص 352 عن أبي عبد الله الحسين بن محمد البزوفري، مكارم الأخلاق: ج 2 ص 136 ح 2346، المصباح للكفعمي: ص 522، بحار الأنوار: ج 89 ص 324 ح 30.

امام زین العابدین علیه السلام از دعای ایشان برای عافیت (آسایش) _ و مرا از نعمت تن درستی و امنیت، برخوردار فرما!

امام زین العابدین علیه السلام در دعای ایشان _ بار خدایا! گشایش در روزی، و امنیت در وطن را عطایم فرما.

امام زین العابدین علیه السلام: بار خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست، و به جای ... تلخی ترس از ستمگران، شیرینی امنیت را عطایم کن.

امام زین العابدین علیه السلام: معبودا و سرورا! و ای فرجامین امید من! تواز فرازِ عرشت بر زمین هایت و فرشتگانت و باشندگان در آسمان هایت درخشیدی، و آواها بُریده شد، و جنبش ها آرام گرفت، و زندگان در بسترها چونان مُردگان شدند، و تو بندگان را در حالات گونه گون یافتی: از آنهاست ترسانی که به تو پناه آورده و تو او را آرامش و امنیت بخشیده ای.

امام رضا علیه السلام در دعا _ ای کسی که مرا به خودت ره نمون شدی و دلم را به تصدیقت رام ساختی، امنیت و ایمان را در دنیا و آخرت، از تو درخواست می کنم.

امام هادی علیه السلام در قنوتش _ ای آن که درماندگان او را خواندند و پاسخشان داد، و بیمناکان به او پناه بردند و آسوده خاطرشان کرد، و فرمان برداران بندگی اش کردند و [از عبادت آنان] سپاس گزاری نمود، و سپاس گزاران او را ستودند و پاداششان داد.

امام مهدی علیه السلام در دعا _ ای ایمن از هر چیز، و هر چیز از تو بیمناک! به ایمنی ات از هر چیز و بیمناکی هر چیز از تو، از تو درخواست می کنم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستی، و به خودم و همسر و فرزندم و دیگر نعمت هایی که ارزانی ام داشته ای، امنیت بخشی، چندان که هرگز از کسی ترسم و از چیزی بیمناک نباشم، که به راستی، تو بر هر چیزی توانایی؛ و خدا ما را بس است و او، نیکو حمایتگری است.

1 / 5 البَلَدُ المِثَالِيُّ فِي الْأَمْنِ الْكِتَابِ « وَ هَذَا الْبَلَدُ الْأَمِينُ » . (1)

« وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا » . (2)

« فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا » . (3)

« أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ » . (4)

الحديث رسول الله صلى الله عليه وآله : مَنْ قَتَلَ قَتِيلًا وَأَذْنَبَ ذَنْبًا ثُمَّ لَجَأَ إِلَى الْحَرَمِ فَقَدْ أَمِنَ ، لَا يُقَادُ فِيهِ مَا دَامَ فِي الْحَرَمِ ، وَلَا يُؤْخَذُ وَلَا يُؤْذَى وَلَا يُؤْوَى وَلَا يُطْعَمُ وَلَا يُسْقَى وَلَا يُبَاعُ وَلَا يُصَفُّ وَلَا يُضَافُ . (5)

عنه صلى الله عليه وآله : أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ عَلَى مَنْ أَحْدَثَ فِي الْإِسْلَامِ حَدَثًا ، يَعْنِي يُحْدِثُ فِي الْحِلِّ فَيَلْبِغُ إِلَى الْحَرَمِ فَلَا يُؤْوِيهِ أَحَدٌ ، وَلَا يَنْصُرُهُ ، وَلَا يُضِيفُهُ ، حَتَّى يَخْرُجَ إِلَى الْحِلِّ فَيَقَامَ عَلَيْهِ الْحَدُّ . (6)

1- .التين: 3.

2- .البقرة: 125.

3- .آل عمران: 97 .

4- .العنكبوت: 67 .

5- .الجعفریات: ص 71 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل: ج 9 ص 332 ح 11025 .

6- .الجعفریات: ص 71 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، مستدرک الوسائل: ج 9 ص 332 ح 11026 .

1 / 5 شهر نمونه در امنیت

1 / 5 شهر نمونه در امنیتقرآن«و سوگند به این شهر امن» .

«و چون خانه [ی کعبه] را برای مردم ، محلّ اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم» .

«در آن ، نشانه هایی روشن است . [از جمله] مقام ابراهیم است ، و هر که در آن درآید ، در امان است» .

«آیا ندیده اند که ما [برای آنان] حرّمی امن قرار دادیم ، و حال آن که مردم از حواشی آن ، رُبوده می شوند؟ آیا به باطل ، ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟» .

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس مرتکب قتلی شود و دست به گناهی بزند ، سپس به حرم [امن الهی] پناه ببرد ، در امان است و تا زمانی که در حرم است ، نه باید او را قصاص کرد ، نه دستگیر کرد ، نه آزارش داد ، نه پناهش داد ، نه آب و غذایش داد ، نه با او داد و ستد کرد ، نه میهمانش شد و نه میهمانش کرد .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هان ! لعنت خدا و فرشتگان و مردم ، همگی ، بر کسی باد که در اسلام ، حادثه آفرینی کند ؛ یعنی در غیر حرم ، دست به حادثه ای (قتلی) بزند و به حرم (مکّه) پناه ببرد ! چنین شخصی را هیچ کس حق ندارد جا و پناه دهد ، یاری اش رساند و میهمانش کند تا آن که به خارج حرم برود و حد بر او جاری گردد .

عنه صلى الله عليه وآله: الْحَرَمُ لَا يُخْتَلَى خِلَاؤُهُ، وَلَا يُعْصَدُ شَجَرُهُ وَلَا شَوْكُهُ، وَلَا يُنْفَرُ صَدِيدُهُ... فَمَنْ أَصْبَتُمُوهُ اخْتَلَى أَوْ عَصَدَ الشَّجَرَ أَوْ نَفَرَ الصَّيْدَ فَقَدْ حَلَّ لَكُمْ سَبُّهُ وَأَنْ تَوَجِعُوهُ ظَهْرَهُ بِمَا اسْتَحَلَّ فِي الْحَرَمِ. (1)

الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ شَيْءٍ يَنْبُتُ فِي الْحَرَمِ فَهُوَ حَرَامٌ عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ، إِلَّا مَا أَنْبَتَهُ أَنْتَ وَغَرَسْتَهُ. (2)

الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»، الْبَيْتَ عَنِ أُمِّ الْحَرَمِ؟ قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ مِنَ النَّاسِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَهُوَ آمِنٌ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ، وَمَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يُهَاجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْحَرَمِ. (3)

الإمام الصادق عليه السلام: عِنْدَمَا سُئِلَ عَنْ طَائِرٍ أَهْلِيٍّ أَدْخَلَ الْحَرَمَ حَيًّا: لَا يُمْسُ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا». (4)

- 1- . الجعفریات : ص 71 عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 310 عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه .
- 2- . تهذيب الأحكام : ج 5 ص 380 ح 1325 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 254 ح 2342 ، الكافي : ج 4 ص 231 ح 2 ليس فيه ذيله وكلها عن حريز ، وسائل الشيعة : ج 9 ص 175 ح 17079 .
- 3- . الكافي : ج 4 ص 226 ح 1 ، تهذيب الأحكام : ج 5 ص 449 ح 1566 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 251 ح 2327 ، مجمع البيان : ج 1 ص 387 ، عوالي اللآلي : ج 2 ص 95 ح 255 وليس فيهما صدره ، وسائل الشيعة : ج 9 ص 335 ح 17604 .
- 4- . تهذيب الأحكام : ج 5 ص 348 ح 1206 ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 262 ح 2367 ، علل الشرائع : ص 451 ح 1 و ص 454 ح 7 كلها عن معاوية بن عمار ، بحار الأنوار : ج 99 ص 152 ح 24 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گیاه [خشک یا تر] حرم را نباید چید ، درخت و خارش را نباید قطع کرد ، و صیدش را نباید رم داد پس اگر کسی را دیدید که گیاهی را چید یا درختی را قطع کرد یا صیدی را رم داد ، بر شما رواست که به سبب رواشماری اش در حرم ، به او ناسزا بگویید و پشتش را دردمند سازید .

امام صادق علیه السلام : هر چیزی که در حرم می روید ، بر همه مردم حرام است ، بجز آنچه [از گیاه و درخت] خودت کاشته ای و نشانده ای .

الکافی_ به نقل از عبد الله بن سنان _ : از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و هر که بدان وارد شود ، در امان است» پرسیدم که: آیا مقصود ، خانه [ی کعبه] است یا حرم؟ فرمود : «هر انسانی که به حرم وارد شود و به آن پناهنده گردد ، از خشم خدا در امان است ، و هر حیوان وحشی و پرنده ای که به آن وارد شود ، در امان است و نباید آن را رم داد یا اذیت کرد تا از حرم ، خارج شود» .

امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی در باره وارد شدن پرنده اهلی به حرم _ : نباید به آن دست زد ؛ چرا که خداوند متعال می فرماید : «هر که بدان وارد شود ، در امان است» .

عنه عليه السلام_عِنْدَمَا سُئِلَ عَنْ ظُلْمِ دَخَلِ الْحَرَمِ _ : لَا يُؤْخَذُ وَلَا يَمَسُّ ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ : «مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» . (1)

مصباح الشريعة_ فيما نسب به إلى الإمام الصادق عليه السلام _ : مَنْ دَخَلَ الْحَرَمَ آمِنًا مِنَ الْخَلْقِ ، وَمَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ آمِنًا جَوَارِحُهُ أَنْ يَسْتَعْمِلَهَا فِي الْمَعْصِيَةِ ، وَمَنْ دَخَلَ الْكَعْبَةَ آمِنًا قَلْبُهُ مِنْ أَنْ يَشْغَلَهُ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ . (2)

1 / 6 الأ- مِنْ الْمَوْعُودِ الْكِتَابُ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّ تَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» . (3)

الحديث للإمام الصادق عليه السلام_ فِي مَعْنَى قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسَّ تَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّ تَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» _ : نَزَلَتْ فِي الْقَائِمِ وَأَصْحَابِهِ . (4)

- 1- . تهذيب الأحكام : ج 5 ص 362 ح 1258 عن محمد بن مسلم ، كتاب من لا يحضره الفقيه : ج 2 ص 262 ح 2368 عن محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام ، وسائل الشيعة : ج 9 ص 176 ح 17082 .
- 2- . مصباح الشريعة: ص 16 ، بحار الأنوار: ج 70 ص 23 ح 22.
- 3- . النور: 55.
- 4- . الغيبة للنعماني: ص 240 ح 35 عن أبي بصير، تفسير القمي: ج 1 ص 14 من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام ، بحار الأنوار: ج 51 ص 58 ح 50.

1 / 6 امنیت موعود

امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی در باره آهویی که به حرم در آمده است _ گرفته نشود و دست هم زده نشود ؛ چرا که خداوند متعال فرموده است : «هر که بدان وارد شود ، در امان است» .

مصباح الشریعة _ در آنچه به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است _ : هر کس به حرم درآید ، از مخلوق در امان است . هر کس به مسجد [الحرام] درآید ، اندام هایش از این که آنها را در معصیت به کار گیرد ، در امان اند ؛ و هر کس به کعبه درآید ، دلش از این که آن را به غیر یاد خدا مشغول دارد ، در امان است .

1 / 6 امنیت موعود قرآن «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند ، وعده داده است که حتما آنان را در این زمین ، جانشین قرار دهد _ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند ، جانشین قرار داد _ ، و آن دینی را که برایشان پسندیده است ، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من ، شریک نگردانند ؛ و هر کس پس از آن به کفر گراید ، آنان اند که فاسق اند» .

حدیث امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ، وعده داده است که حتما آنان را در این زمین ، جانشین قرار دهد _ همان گونه که کسانی را که پیش از ایشان بودند ، جانشین قرارداد _ ، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نسازند» _ : این آیه ، در باره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است .

بحار الأنوار: عَنْ صَفْوَانَ أَنَّهُ لَمَّا طَلَبَ الْمَنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، تَوَضَّأَ وَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ، وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعَدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَعَدُكَ الْحَقُّ، أَنْكَ تُبَدِّلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا، اللَّهُمَّ فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ وَعْدُ اللَّهِ لَكُمْ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» الآية (1).

الإمام الصادق عليه السلام: يَنْتِجُ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلًا مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ، يَسُوقُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَيُنَزِّلُ السَّمَاءَ قَطْرَهَا، وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بَذْرَهَا، وَتَأْمَنُ وَحُوشُهَا وَسِبَاعُهَا، وَيُمَلَأُ الْأَرْضُ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا (2).

صحيح البخاري عن خَبَّابِ بْنِ الْأُرْت: شَهِدْنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ مُتَوَسِّدٌ بُرْدَةً (3) لَهُ فِي ظِلِّ الْكَعْبَةِ، فَقُلْنَا: أَلَا تَسْتَنْصِرُنَا، أَلَا تَدْعُو لَنَا؟ فَقَالَ: قَدْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَجْعَلُ فِيهَا، فَيَجَاءُ بِالْمِنْشَارِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيَجْعَلُ نِصْفَيْنِ، وَيُمَشَّطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، فَمَا يَصُدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهِ لَيَتِمَّنَّ هَذَا الْأَمْرُ، حَتَّى يَسِيرَ الرَّائِكُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ، وَالذُّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ (4).

1- بحار الأنوار: ج 51 ص 64 ح 65 نقلاً عن الصفواني في كتابه.

2- الغيبة للطوسي: ص 188 ح 149 عن يحيى بن العلاء الرازي، بحار الأنوار: ج 51 ص 146 ح 16.

3- البردة: كِسَاءٌ يُلْتَحَفُ بِهِ. قَالَ الْأَزْهَرِيُّ: وَجَمْعُهَا بُرْدٌ، وَهِيَ الشَّمْلَةُ الْمُخَطَّطَةُ. (لسان العرب: ج 3 ص 87 «برد»).

4- صحيح البخاري: ج 6 ص 2546 ح 6544، سنن أبي داود: ج 3 ص 47 ح 2649، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 347 ح 27286، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 91 ح 6698، السنن الكبرى: ج 9 ص 10 ح 17720، كنز العمال: ج 1 ص 263 ح 1320؛ إعلام الوري: ج 1 ص 121 نحوه، بحار الأنوار: ج 18 ص 210 ح 38.

بحار الأنوار: از صفوان روایت شده است که چون منصور در پی امام صادق علیه السلام فرستاد، ایشان وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد. سپس سجده شکر به جا آورد و فرمود: «بار خدایا! تو از زبان پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله به ما وعده داده ای، و وعده تو راست است که بیم ما را به ایمنی مبدل می سازی. پس - خداوندا - آنچه را به ما وعده داده ای، تحقق بخش که تو خُلفِ وعده نمی کنی». من گفتم: سَرورم! کدام وعده خدا به شما؟ فرمود: «این سخن خدای عز و جل که: «خدا به کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این زمین، جانشین خواهد کرد...»» .

امام صادق علیه السلام: خداوند متعال، در این امت، مردی را که از من است و من از او هستم، به دنیا خواهد آورد، که به واسطه او برکت های آسمان ها و زمین را به حرکت در می آورد، و آسمان، بارانش را می باراند، و زمین، تخمش را می رویاند، و ددان و درندگان آن، در امان اند، و زمین - که از ستم و کج روی آکنده شده است -، از دادگری و راستی پُر می شود.

صحیح البخاری - به نقل از خَبَاب بن آرْت - : به پیامبر خدا که در سایه کعبه، سر بر بُرده خویش نهاده بود، شکایت کردیم و گفتیم: برایمان [از خداوند] یاری نمی طلبی؟ برایمان دعا نمی کنی؟ فرمود: «در امت های پیش از شما، کسی (مؤمنی) را می گرفتند، و چاله ای می کُنْدند و او را در آن، قرار می دادند و از او می آوردند و روی سرش می گذاشتند و شقّه اش می کردند و با شانه های آهنی، گوشت او را از استخوانش جدا می کردند؛ اما هیچ يك از این کارها او را از دینش بر نمی گردانند. به خدا سوگند که این امر دین، همه جا را فرا می گیرد تا جایی که سوار از صفا تا حَضَر موت را می پیماید و جز از خدا نمی ترسد و بیم حمله گرگ به گوسفندانش را ندارد (در امنیت کامل، سفر می کند)؛ اما شما عجله می کنید» .

رسول الله صلى الله عليه وآله: يَنْزِلُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ إِمَامًا عَادِلًا، وَحَكَمًا مُقْسِطًا، فَيَكْسِرُ الصَّلِيبَ، وَيَقْتُلُ الْخَنزِيرَ، وَيُرْجِعُ السَّلَامَ، وَيَتَخَذُ السُّيُوفَ مَنَاجِلَ، وَتَذْهَبُ حُمَةُ كُلِّ ذَاتِ حُمَةٍ (1)، وَتُنْزَلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَتُخْرَجُ الْأَرْضُ بِرُكَّتِهَا، حَتَّى يَلْعَبَ الصَّبِيُّ بِالثُّعْبَانِ فَلَا يَضُرُّهُ، وَيُرَاعِي الْغَنَمُ الذَّنَبَ فَلَا يَضُرُّهَا، وَيُرَاعِي الْأَسَدُ الْبَقَرَ فَلَا يَضُرُّهَا. (2)

الإمام علي عليه السلام: لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا، لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا، وَلَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَلَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ (3) مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَالْبَهَائِمُ، حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَيْهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَعَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا (4)، لَا يَهَيِّجُهَا سَبْعٌ وَلَا تَخَافُهُ. (5)

- 1- الحُمَةُ: سَمُّ كُلِّ شَيْءٍ يَلْدَغُ أَوْ يَلْسَعُ (المصباح المنير: ص 154 «حمى»).
- 2- مسند ابن حنبل: ج 3 ص 530 ح 10265، تاريخ دمشق: ج 47 ص 496 ح 10312 كلاهما عن أبي هريرة وراجع: المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 654 ح 43 وتفسير القرطبي: ج 16 ص 106.
- 3- الشَّحْنَاءُ: الْعَدَاوَةُ (النهاية: ج 2 ص 449 «شحن»).
- 4- في تحف العقول «زنيبلها» بدل «زينتها».
- 5- الخصال: ص 626 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 115، بحار الأنوار: ج 10 ص 104 ح 1.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیسی بن مریم علیه السلام چونان پیشوایی عادل و داوری منصف، فرود می آید، و صلیب ها را می شکند، و خوک ها را می کشد، و صلح [و آرامش] را باز می گرداند، و شمشیرها را تبدیل به داس می کند، و زهر هر زهرداری از بین می رود. آسمان، روزی خود را فرو می ریزد، و زمین، برکت هایش را بیرون می دهد، تا جایی که کودک، با مار بازی کند و به او آسیبی نمی زند و گرگ، گوسفند را می چراند و به آن، گزندی نمی رساند و شیر، گاو را می چراند و به آن، صدمه ای نمی زند.

امام علی علیه السلام: زمانی که قائم ما ظهور کند، آسمان، بارانش را می باراند، و زمین، گیاهش را می رویاند، و کینه ها از دل های بندگان می رود، و ددها و دام ها آشتی می کنند [و چنان سرسبزی و امنیت برقرار می شود] تا جایی که زن از عراق تا شام را پیاده می رود و جز بر گیاه و علف، پا نمی گذارد و زیورهایش (1) را بر سرش دارد، و هیچ درنده ای او را نمی لرزاند و نمی ترساند.

1- در تحف العقول، به جای «زیورهایش»، «زنبیلش» آمده است.

الفصل الثاني: أخطر آفات الأمن 2 / 1 الفرقة الكتاب «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شَيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» . (1)

الحديث للإمام علي عليه السلام: إحدروا ما نزل بالأمم قبلكم من المثالات (2) بسوء الأفعال وذميم الأعمال، فتذكروا في الخير والشر أحوالهم، واحذروا أن تكونوا أمثالهم. فإذا تفكرتم في تفاوت حالهم، فالزموا كل أمر لزم العزة به شأنهم، وزاحوا الأعداء له عنهم، ومذبت العافية به عليهم، وانقادت النعمة له معهم، ووصلت الكرامة عليه حبلمهم؛ من الاجتناب للفرقة، واللزوم للآلفة، والتحصن (3) عليها والتواصي بها، واجتنبوا كل أمر كسر فقرتهم، وأوهن منتهم؛ من تضاغن القلوب، وتشاحن (4) الصدور، وتدابر النفوس، وتخاذل الأيدي. وتدبروا أحوال الماضين من المؤمنين قبلكم، كيف كانوا في حال التمحيص والبلاء، ألم يكونوا أثقل الخلائق أعباء، وأجهد العباد بلاء، وأضيق أهل الدنيا حالاً؟! اتخذتهم الفراعنة عبيدا، فساموهم سوء العذاب، وجرعوهم المراز، فلم تبرح الحال بهم في ذل الهلكة وفهر الغلبة، لا يجدون حيلة في امتناع، ولا سبيلاً إلى دفاع. حتى إذا رأى الله سبحانه جد الصبر منهم على الأذى في محبته، والإحتمال للمكروه من خوفه، جعل لهم من مضايق البلاء فرجا، فأبدلهم العز مكان الذل، والأمن مكان الخوف، فصاروا ملوكا حكاما، وأئمة أعلاما، وقد بلغت الكرامة من الله لهم ما لم تذهب المال إليه بهم. فانظروا كيف كانوا حيث كانت الأملاء مجتمعة، والأهواء مؤتلفة، والقلوب معتدلة، والأيدي مترادفة، والسيف متناصرة، والبصائر نافذة، والعزائم واحدة. ألم يكونوا أربابا في أقطار الأرضين، وملوكا على رقاب العالمين؟! فانظروا إلى ما صاروا إليه في آخر أمورهم، حين وقعت الفرقة، وتشقت الآلفة، واختلفت الكلمة والأفئدة، وتسعّبوا مختلفين، وتفرقوا متحاربين، قد خلع الله عنهم لباس كرامته، وسلبهم غصارة نعمته، وبقي قصص أخبارهم فيكم عبرا للمعتبرين. فاعتبروا بحال ولد إسماعيل وبني إسحاق وبني إسرائيل عليهم السلام، فما أشد اعتدال الأحوال، وأقرب اشتباه الأمثال! تأملوا أمرهم في حال تشبثهم وتفرقهم، ليالي كانت الأكاسرة والقياصرة أربابا لهم، يحتازونهم (5) عن ريف الآفاق، وبحر العراق، وخضرة الدنيا، إلى منابت الشيخ (6)، ومهافي الرياح، ونكد المعاش، فتركوهم عالة مساكين، إخوان دبر ووير، أذل الأمم دارا، وأجذبهم قرارا، لا يأوون إلى جناح دعوة يعتصمون بها، ولا إلى ظل آفة يعتمدون على عزها. فالأحوال مضطربة، والأيدي مختلفة، والكثرة متفرقة؛ في بلاء أزل، وأطباق جهل، من بنات مؤودة، وأصنام معبودة، وأرحام مقطوعة، وغارات مشنونة. فانظروا إلى مواقع نعم الله عليهم حين بعث إليهم رسولا، فعقدت بملته طاعتهم، وجمع على دعوته الفتهم، كيف نشررت النعمة عليهم جناح كرامتها، وأسالت لهم جداول نعيمها، والتفت الملة بهم في عوائد بركاتها، فأصباحوا في نعمتها غرقين، وفي خضرة عيشها فكهين. قد تربعت الأمور بهم في ظل سلطان قاهر، وأوتهم الحال إلى كنف عز غالب، وتعطفت الأمور عليهم في ذرى ملك ثابت، فهم حكام على العالمين، وملوك في أطراف الأرضين، يملكون الأمور على من كان يملكها عليهم، ويمضون الأحكام فيمن كان يُمضيها فيهم! لا تغمز لهم قنأ، ولا تفرع لهم صفاة (7) (8)

1- الأنعام: 65.

2- المثلة: العقوبة، والجمع المثالات (الصحيح: ج 5 ص 1816 «مثل»).

3- الحَضُّ: الحثُّ على الشيء (النهاية: ج 1 ص 400 «حَضُّ»).

4- الشَّحْنَاءُ: الجحد، العدو (لسان العرب: ج 13 ص 234 «شحن»).

5- تَحَوَّزَ: أي تنحى (النهاية: ج 1 ص 460 «حوز»).

- 6- .الشَّيْخُ : نبت بالبادية معروف (مجمع البحرين : ج 2 ص 997 «شيخ») .
- 7- . لا تُقَرَّعَ لهم صفاة : أي لا يتألمهم أحد بسوء (النهاية : ج 3 ص 41 «صفا») .
- 8- .نهج البلاغة : الخطبة 192 ، بحار الأنوار : ج 14 ص 472 ح 37 .

فصل دوم : خطرناك ترین آسیب های امنيت

2 / 1 اختلاف

فصل دوم : خطرناك ترین آسیب های امنيت 2 / 1 تفرقهقرآن «بگو : «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان ، عذایی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه کند [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند» . بنگر که چگونه آیات خود را گوناگون بیان می کنیم ، باشد که آنان بفهمند» .

حدیثامام علی علیه السلام : بترسید از کیفرهایی که بر اثر رفتارهای زشت و کردارهای نکوهیده ، بر سر امت های پیش از شما آمد و در نیک و بد ، سرنوشت آنان را به یاد آورید ، و از این که همانند ایشان باشید ، پرهیز کنید ، و چون در احوال نیک و بد آنان اندیشه کردید ، پس همان کارهایی را در پیش گیرید که سبب اقتدار آنان شد و دشمنان را از ایشان دور ساخت و آسایش بر آنان سایه افکند و نعمت ها ، خود را در اختیار آنان نهادند و به برکت آن کرامت ، رشته اتحاد میانشان استوار گردید ؛ کارهایی چون : دوری از پراکندگی ، و در پیش گرفتن هم بستگی و ترغیب و سفارش کردن یکدیگر به این کار . و [در مقابل ،] از کارهایی که کمر آنان را شکست و قدرتش را سست کرد ، دوری کنید ؛ کارهایی چون : کنیه ورزی دل ها ، و دشمنی سینه ها و پشت کردن جان ها به یکدیگر و دست شستن از یاری هم . در سرگذشت خدا باوران پیش از خویش ، بیندیشید که در گاه بلا [و آزمایش] ، چون بودند . آیا گران بارترین مردمان نبودند و بیش از همه بندگان ، در رنج و فشار به سر نمی بردند ، و بیش از همه جهانیان ، در تنگنا نمی زیستند؟! فرعون ها آنان را به بندگی گرفتند و بدترین شکنجه ها را به آنان چشانیدند و انواع شرنگ ها را جرعه جرعه در کامشان ریختند ، و پیوسته ، خوار و مقهور بودند ، و نه چاره ای برای سر برتافتن می یافتند ، و نه راهی برای دفاع از خود . تا آن گاه که چون خداوند سبحان دید در راه دوستی او بر آزارها بس شکیبایند و از بیم او ناملایمات را تحمل می کنند ، از آن تنگناهای بلا [و رنج] ، گشایشی بر ایشان پدیدار ساخت و خواری آنان را به عزت ، و ترسشان را به امنيت بدل ساخت ، و پادشاهانی فرمان فرما و پیشوایانی برجسته شدند و به چنان کرامتی از جانب الهی دست یافتند که حتی آرزوی آن را هم در سر نپرورانیده بودند . پس بنگرید که چون بودند آن گاه که جمعیت ها يك پارچه بودند ، و خواسته ها [و باورها] ، یکی بود ، و دست ها ، کمک هم بودند ، و شمشیرها ، یاور یکدیگر بودند ، و بینش ها ژرف ، و اراده ها یکسان بودند . آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر جهانیان ، شهریاری نمی کردند؟! نیز به فرجام کار آنها بنگرید آن گاه که در میانشان ، جدایی افتاد و رشته هم بستگی گسست ، و سخن ها و دل ها ناساز شد ، و به دسته های گوناگون ، تقسیم شدند و گروه گروه ، به جان یکدیگر افتادند . در این هنگام ، خداوند ، جامه گرامیداشت خود را از تن آنان برگذشت و نعمت های فراوانش را از ایشان گرفت ، و داستان سرگذشت آنان در میان شما ماند تا درس عبرتی باشد برای عبرت آموزان . بنا بر این ، از سرگذشت فرزندان اسماعیل و پسران اسحاق و پسران اسرائیل علیهم السلام پند گیرید ، که سرگذشت ها سخت همسان اند و داستان ها [ی گذشتگان] ، همانندی بس نزدیکی دارند! در کار آنان ، آن گاه که پراکنده و از هم جدا بودند ، بیندیشید ، در شب هایی [و روزگاران تاریکی] که کسرها و قیصرها ارباب آنها بودند و آنان را از کشتزارها و دریای عراق (دجله و فرات) و اراضی سرسبز و خرم ، به جاهایی راندند که رویشگاه دَرَمَنه و خیزشگاه تندبادهای بودند و زندگی در آنها سخت بود . آنان را [در این اماکن] نیازمند و مستمند ، رها کردند و یار و همراه زخم و گُرگ [شتر] شدند . در بدترین سراها و بی آب و علف ترین سرزمین ها به سر می بردند . زیر بار مهتری گرد نمی آمدند ، و نه در سایه [ألفت و] هم بستگی ای بودند که بر قدرت آن تکیه کنند . اوضاع ، آشفته بود ، و دست ها پراکنده ، و تفرقه بیداد می کرد و در رنج شدید و جهل مطلق می زیستند . دختران را زنده به گور می کردند و بت می پرستیدند و رشته های خویشاوندی را می بُریدند و غارتگری می کردند . سپس بنگرید به نعمت هایی که خداوند ، هنگام فرستادن پیامبری به سوی

آنان، ارزانی شان داشت : اطاعت آنان را از آیین خود، بر عهده شان گذاشت و بر گرد دعوت خود، همدل و هم داستانشان نمود، و نعمت، بالِ کرامتش را بر سرِ آنان گسترانید و جویبار نعمت هایش را بر ایشان، روان ساخت، و این آیین (اسلام) با فواید و حاصل های برکت خود، آنان را فرو گرفت و در نعمت آن، غرق شدند، و در خرّمی زندگی اش، شاد زیستند. بر اریکه فرمان روایی، بلامنازع نشستند و در سایه قدرتی چیره، آرمیدند و در پناه عزّت و بزرگواری پیروزی قرار گرفتند و بر جهانیان، فرمان روا شدند و بر کران تا کران زمین، شهریار گشتند و زمامدار امورِ کسانی شدند که روزگاری، زمامِ امورِ آنان را در دست داشتند، و بر کسانی قوانینی را اجرا کردند که زمانی، آنها بر ایشان اجرا می کردند. دیگر، نه کسی را جرئت آن بود که نیزه ای در برابرشان به مُشت فِشارد، و نه سنگی به سویشان بیفکند.

2 / 2 الظُّلُمُ الْكُتَابِ «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ» . (1)

2 / 2 ستمقرآن «آنان که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستم نیالودند ، ایشان راست امنیّت ، و هم ایشان اند ره یافتگان» .

.

الحديث للإمام علي عليه السلام: إِنَّ الْبَغْيَ وَالزُّورَ يُوْتِغَانِ (1) المرء في دينه ودنياه، ويُبدِيَانِ خَلْلَهُ عِنْدَ مَنْ يَعِيبُهُ. (2)

عنه عليه السلام: إِحْذَرِ الْعَسْفَ (3) وَالْحَيْفَ (4)؛ فَإِنَّ الْعَسْفَ يَعُودُ بِالْجَلَاءِ، وَالْحَيْفَ يَدْعُو إِلَى السَّيْفِ. (5)

2 / 3 الكُفْرَانُ الْكِتَابُ «وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا قَرِيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنِّعَمَ اللَّهُ فَادَّاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ». (6)

«لَقَدْ كَانَ لِسَ بَآ فِي مَسْ كَنِهْمُ ءَايَةُ جَنَّتَانِ عَنِ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبَّ غُفُورٍ * فَأَعْرِضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِنِ أَكُلِ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ * ذَلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ * وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيْرُوا فِيهَا لِيَأْلَىٰ وَآيَآمًا ءَامِنِينَ * فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسَدِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَبَجَعْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ». (7)

- 1- .يوتغُ : يُهلكُ (النهاية : ج 5 ص 149 «وتغ») .
- 2- .نهج البلاغة : الكتاب 48 ، وقعة صفين : ص 493 وفيه « يغنيه » بدل « يعيبه » ، بحار الأنوار : ج 33 ص 308 ح 558 .
- 3- .العسفُ : الجورُ (النهاية : ج 3 ص 236 «عسف») .
- 4- .الحيفُ : الجورُ والظلم (النهاية : ج 1 ص 469 «حيف») .
- 5- .نهج البلاغة : الحكمة 476 ، خصائص الأئمة : ص 125 ، روضة الواعظين : ص 511 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 488 ح 693 .
- 6- .النحل : 112 .
- 7- .سبأ : 15 _ 19 .

2 / 3 ناسپاسی

حدیث امام علی علیه السلام: تعدّی و دروغ، دین و دنیای آدمی را تباه می کنند و عیب او را برای عیبجویانش، نمایان می سازند.

امام علی علیه السلام: از زورگویی و بیدادگری پرهیز؛ زیرا زورگویی، به آوارگی [مردم] می انجامد و بیدادگری، کار را به شمشیر [وقیام مردم] می کشاند.

2 / 3 ناسپاسیقرآن «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر جا فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ترس (ناامنی) را به آن چشانید».

«قطعا برای [مردم] سبأ در محلّ سکونتشان نشانه [ی رحمتی] بود؛ دو باغستان از راست و چپ. [به آنان گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. پس روی گردانیدند و بر آنان، سیل [سدّ] عَرم را روانه کردیم و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه هایی تلخ و شوره گز و نوعی از کُنار تُنک داشت، تبدیل کردیم. این [عقوبت] را به سزای آن که کفران نعمت کردند، به آنان جزا دادیم. و آیا جز ناسپاس را به مجازات می رسانیم؟ و میان آنان و میان آبادی هایی که در آنها برکت نهاده بودیم، شهرهایی متّصل به هم قرار داده بودیم، و در میان آنها، مسافت را به اندازه مقررّ داشته بودیم. در این راه ها، شب ها و روزها آسوده خاطر بگردید، پس گفتند: «پروردگارا! میان [منزل های] سفرهایمان فاصله بیانداز» و برخوشتن، ستم کردند. پس آنها را [برای آیندگان، موضوع] حکایت ها گردانیدیم، و سخت تار و مارشان کردیم. قطعا در این [ماجرا] برای هر شکیبایی سپاس گزاری عبرت هاست».

«أَتَتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا ءَامِنِينَ * فِي جَنَاتٍ وَعُيُونٍ * وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ * وَتَنَحُّونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْمُؤْمِرِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» . (1)

الحديث دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى كُدْسٍ (2) الْحِنْطَةِ؟ فَهَيَّ عَنْ ذَلِكَ، فَقِيلَ لَهُ: فَإِذَا افْتَرَشَ فَكَانَ كَالسَّطْحِ؟ فَقَالَ: لَا يُصَدِّ لِي عَلَى شَيْءٍ مِنَ الطَّعَامِ، فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقُ اللَّهِ لِحَلْقِهِ وَنِعْمَتُهُ عَلَيْهِمْ، فَعَظْمُوهُ وَلَا تَطْوُوهُ وَلَا تَسْتَهِنُوا بِهِ، فَإِنْ قَوْمًا فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي أَرْزَاقِهِمْ، فَاتَّخَذُوا مِنَ الْخُبْزِ النَّقِيِّ مِثْلَ الْأَفْهَارِ (3) فَجَعَلُوا يَسْتَنْجُونَ (4) بِهِ، فَابْتَلَاهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالسَّنِينِ وَالْجُوعِ، فَجَعَلُوا يَتَتَبَّعُونَ مَا كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهِ فَيَأْكُلُونَهُ، فَفِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» . (5)

دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا رَأَى شَيْئًا مِنَ الطَّعَامِ فِي مَنْزِلِهِ قَدْ رُمِيَ بِهِ، فَقَصَّ مِنْ قَوْتِ أَهْلِهِ مِثْلَهُ. وَكَانَ يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَصَدَّ رَبُّ اللَّهِ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»، قَالَ: هُمْ أَهْلُ الْقَرْيَةِ، كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَوْسَعَ عَلَيْهِمْ فِي مَعَاشِهِمْ فَاسْتَحْشَنُوا الْإِسْتِنْجَاءَ بِالْحِجَارَةِ، وَاسْتَعْمَلُوا مِنَ الْخُبْزِ (6) مِثْلَ الْأَفْهَارِ، وَكَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهَا. فَبَعَثَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ دَوَابَّ أَصْغَرَ مِنَ الْجَرَادِ، فَلَمَّ تَدَعَ لَهُمْ شَيْئًا مِمَّا خَلَقَهُ اللَّهُ مِنْ شَجَرٍ وَلَا نَبَاتٍ إِلَّا أَكَلَتْهُ، فَبَلَغَ بِهِمُ الْجَهْدُ إِلَى أَنْ رَجَعُوا إِلَى الَّذِي كَانُوا يَسْتَنْجُونَ بِهِ مِنَ الْخُبْزِ، فَيَأْكُلُونَهُ. (7)

1- الشعراء: 146 _ 152 .

2- الكُدْسُ: ما يجمع من الطعام في البيدر (المصباح المنير: ص 527 «كُدْس»).

3- الفُهْرُ: الحَجَرُ (النهاية: ج 3 ص 481 «فهر»).

4- اسْتَنْجَيْتُ: غَسَلْتُ مَوْضِعَ النَّجْوِ [أي الغائط] أَوْ مَسَحْتُهُ بِحَجَرٍ أَوْ مَدَرٍ (المصباح المنير: ص 595 «نجا»).

5- دعائم الإسلام: ج 1 ص 179، بحار الأنوار: ج 84 ص 98 ح 16 .

6- في المصدر: «من خبزة»، والتصويب من بعض نسخ المصدر المنقولة في الهامش وكما في بحار الأنوار.

7- دعائم الإسلام: ج 2 ص 114 ح 379، بحار الأنوار: ج 66 ص 431 ح 16 .

«آیا شما را در آنچه دارید، آسوده رها می کنند، در باغ ها و در کنار چشمه ساران و کشتزارها و خرما بُن هایی که شکوفه هایشان لطیف است و هنرمندانه [برای خود] از کوه ها خانه هایی می تراشید؟ و از خدا، پروا کنید و فرمان ببرید، و از فرمان افراطگران، پیروی نکنید؛ آنان که در زمین، فساد می کنند و اصلاح نمی کنند» .

حدیث دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام در باره نماز خواندن بر بالای خرمن گندم سؤال شد. امام علیه السلام از آن نهی فرمود. به ایشان گفته شد: اگر خرمن را پهن کردند و مانند پشت بام [مسطح] شد، چه؟ فرمود: «روی گندم، به هیچ وجه نباید نماز خواند؛ چون گندم، روزی و نعمت خدا برای خلق اوست. پس آن را گرامی بدارید و لگدمال نکنید و به آن، بی حرمتی ننمایید؛ چه، پیش از شما مردمانی بودند که خداوند روزی آنها را برایشان گشایش داد و آنها، از نان خالص، شبیه قلوه سنگ می ساختند و با آن، استنجا می کردند (موضع دفع خود را پاک می کردند). لذا خدای عز و جل آنان را به قحطی و گرسنگی گرفتار کرد، به طوری که دنبال نان هایی که با آنها استنجا کرده بودند، می گشتند و آنها را می خوردند! این آیه، در باره همین مردمان نازل شده است: «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی آن، از هر جا فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ترس (ناامنی) را به ایشان چشانید» .»

دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «پدرم علیه السلام هرگاه تگّه نانی را در منزلش می دید که دور انداخته شده است، به همان اندازه، از توشه خانواده اش کم می کرد». و در باره این سخن خداوند عز و جل: «و خدا، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر جا فراوان می رسید. پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند، طعم گرسنگی و ناامنی را به ایشان چشانید»، می فرمود: «خداوند عز و جل به زندگی مردم این آبادی، چندان گشایش داد که استنجا کردن با سنگ را زبر و خشن یافتند و از نان، شبیه قلوه سنگ ساختند و با آنها، استنجا می کردند. لذا خداوند، حشراتی کوچک تر از ملخ به سراغشان فرستاد و آن حشرات، هر درخت و گیاهی را که خداوند آفریده بود، تماماً خوردند و کار به حدّی بر مردم سخت شد که به سراغ همان نان هایی که با آنها استنجا کرده بودند، می رفتند و آنها را می خوردند» .

الكافي عن سدير: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسَدِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ...» الْآيَةَ، فَقَالَ: هَؤُلَاءِ قَوْمٌ كَانَتْ لَهُمْ قُرَى مُتَصِفَةً، يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ، وَأَنْهَارٌ جَارِيَةٌ وَأَمْوَالٌ ظَاهِرَةٌ، فَكَفَرُوا نِعَمَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَغَيَّرُوا مَا بَانَتْ لَهُمْ مِنْ عَافِيَةِ اللَّهِ، فَغَيَّرَ اللَّهُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَةٍ، وَ«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (1)، فَأَرْسَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ (2)، فَغَرَّقَ قُرَاهُمْ، وَخَرَّبَ دِيَارَهُمْ، وَأَذْهَبَ أَمْوَالَهُمْ، وَأَبْدَلَهُمْ مَكَانَ جَنَاتِهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أَكْلِ خَمَطٍ (3) وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ، ثُمَّ قَالَ: «ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ» (4).

جمال الأسبوع - في دعاء يوم الخميس - :اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قُلْتَ فِي كِتَابِكَ: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»، فَبِكَ أَمَنْتُ وَصَدَّقْتُ، فَلَا تَجْعَلْ هَذَا مَثَلِي فِي نِعْمَتِكَ يَا سَيِّدِي، وَلَا تَجْعَلْنِي مُغْتَرًّا بِالطَّمَأْنِينَةِ إِلَى رَغَدِ الْعَيْشِ، آمِنًا مِنْ مَكْرِكَ، لِأَنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ: «فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ» (5)، وَأَنَا أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ، مُعْتَرِفٌ بِإِحْسَانِكَ، مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِكَ، مِنْ أَنْ تُذَيِّقَنِي لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بَعْدَ الْأَمْنِ وَالنِّعْمَةِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. (6)

1- .الرعد : 11 .

2- .سَبِيلُ الْعَرَمِ : قِيلَ : أَرَادَ سَبِيلُ الْأَمْرِ الْعَرِمَ، وَقِيلَ : الْعَرِمُ : الْمَسْتَأْةُ، وَقِيلَ : الْجُرْدُ الذَّكَرُ وَنَسَبَ إِلَيْهِ السَّيْلُ مِنْ حَيْثُ إِنَّهُ نَقَبَ الْمَسْتَأَةَ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 562 «عرم») .

3- .الْخَمَطُ : شَجَرٌ لَا شَوْكَ لَهُ، وَهُوَ الْأَرَاكُ (مفردات ألفاظ القرآن : ص 299 «خبط») .

4- .الكافي : ج 2 ص 274 ح 23 وج 8 ص 395 ح 596، قصص الأنبياء للراوندي : ص 99 ح 92 نحوه، بحار الأنوار : ج 14 ص 144 ح 3 .

5- .الأعراف : 99 .

6- .جمال الأسبوع : ص 83، بحار الأنوار : ج 90 ص 318 .

الکافی_ به نقل از سَدیر _ :مردی از امام صادق علیه السلام در باره این سخن خداوند عز و جل : «و گفتند : خدایا! میان سفرهایمان فاصله بینداز ، و بر خویشتن ، ستم کردند ...» ، پرسید . فرمود : «اینان ، مردمانی بودند که آبادی های به هم پیوسته داشتند ، چنان که یکدیگر را [از آبادی های خود] می دیدند . رودهای روان و املاک فراوان داشتند ؛ اما نعمت های خداوند عز و جل را ناسپاسی کردند و آسایش خدا را که از آن برخوردار بودند ، دگرگون ساختند . خدا هم نعمتی را که به آنها داده بود ، دگرگون ساخت . «خداوند ، [نعمت] هیچ قومی را دگرگون نمی سازد ، مگر آن گاه که خودشان ، آنچه را دارند [از نعمت] ، دگرگون سازند» . پس خداوند ، سیل ویرانگری را بر آنان فرستاد که آبادی هایشان را زیر آب فرو بُرد و خانه هایشان را ویران نمود و اموال و املاکشان را بُرد و به جای باغ هایشان ، دو باغ با میوه های تلخ و شوره گز و نوعی از کُنار تُنک به آنان داد . سپس فرمود : «این را به سزای آن که کفران نعمت کردند ، به آنان جزا دادیم ، و آیا جز ناسپاس را به مجازات می رسانیم؟» .

جمال الأسبوع_ در دعای روز پنج شنبه _ :بار خدایا ! تو را ستایش که معبودی جز تو نیست . تو در کتابت فرمودی : «و خدا ، آبادی ای را نمونه آورد که امن و آرام بود و روزی اش از هر سو فراوان می رسید . پس نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای کاری که کردند ، طعم گرسنگی و ترس را به آنها چشانید» . اما من به تو ایمان دارم و تصدیقت می کنم . پس _ ای سَرورم _ این را نمونه من در نعمت قرار مده ، و چنان مکن که به وفور نعمتم آسوده خاطر شوم و خود را از مکر تو ایمن بیندارم ؛ که تو در کتابت فرموده ای : «جز مردم زیانکار ، کسی خود را از مکر خدا ایمن نمی داند» . و من از نیرو و توان [خویش] به سوی تو بیزاری می جویم ، به نیکی کردن های تو معترفم و به کَرَم تو پناه می آورم از این که پس از [برخورداری ام از] امنیت و نعمت ، طعم گرسنگی و ترس را به من بچشانی! و بر محمّد و خاندانش درود فرست .

الفصل الثالث : سياسات الإمام علي عليه السلام الأمنية 3 / 1 الاستخبار بالإمام علي عليه السلام في كتابه إلى عماله _ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مَنْ قَرَأَ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْعُمَّالِ : أَمَّا بَعْدُ ، فَإِنَّ رِجَالَنَا عِنْدَهُمْ بَيْعَةٌ خَرَجُوا هَرَابًا فَتَطَنُّهُمْ وَجَّهُوا نَحْوَ بِلَادِ الْبَصْرَةِ ، فَاسْأَلْ عَنْهُمْ أَهْلَ بِلَادِكَ ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمُ الْعُيُونَ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ أَرْضِكَ ، ثُمَّ اكْتُبْ إِلَيَّ بِمَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ عَنْهُمْ ، وَالسَّلَامُ . (1)

وقعة صفين : إِنَّ عَلِيًّا أَظْهَرَ أَنَّهُ مُصَدِّقٌ غَدَا مُعَاوِيَةَ وَمُنَاجِزُهُ ، فَبَلَغَ ذَلِكَ مُعَاوِيَةَ ، وَفَزَعَ أَهْلَ الشَّامِ لِذَلِكَ وَانْكَسَرُوا لِقَوْلِهِ . وَكَانَ مُعَاوِيَةُ بْنُ الصَّحَّاحِ بْنِ سُفْيَانَ صَاحِبُ رَايَةِ بَنِي سُلَيْمٍ مَعَ مُعَاوِيَةَ ، وَكَانَ مُبْغِضًا لِمُعَاوِيَةَ وَأَهْلِ الشَّامِ ، وَلَهُ هَوًى مَعَ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، وَكَانَ يَكْتُبُ بِالْأَخْبَارِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الطُّفَيْلِ الْعَامِرِيِّ وَيَبْعَثُ بِهَا إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ . (2)

1- .الغارات : ج 1 ص 337 ، بحار الأنوار : ج 33 ص 407 ح 628 ؛ تاريخ الطبري : ج 5 ص 116 نحوه ، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 3 ص 130 .

2- .وقعة صفين : ص 468 ، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 15 ص 120 .

فصل سوم : سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام

3 / 1 کسب اطلاعات

فصل سوم : سیاست های امنیتی امام علی علیه السلام 3 / 1 کسب اطلاعات امام علی علیه السلام در نامه اش به کارگزارانش _ : به نام خداوند بخشنده مهربان . از بنده خدا علی ، پیشوای مؤمنان ، به هر آن کس از کارگزاران که نامه ام را بخواند . پس از حمد و سپاس الهی ، مردانی با ما بیعت داشتند و [اینک] گریخته اند . پس گمان می بریم که به سوی شهرهای ناحیه بصره رفته اند . از مردمان شهرهای در باره آنان پرس و جو کن و مأموران مخفی (خبرچین ها) را از هر سوی سر زمین خود ، بر آنان بگمار . آن گاه ، آنچه را که بدان رسیدی ، برایم بنویس . والسلام!

وقعة صفین : علی علیه السلام چنین وانمود کرد که فردا ، صبحگاهان ، به سوی معاویه خواهد رفت و با او پیکار خواهد نمود . این خبر به معاویه رسید و شامیان ، از این مطلب به وحشت افتادند و از این سخن ، شکسته شدند . معاویه بن ضحاک بن سفیان ، پرچمدار قبیله بنی سلیم ، با معاویه بود و معاویه و شامیان را دشمن می داشت و به مردمان عراق و علی بن ابی طالب علیه السلام ، تمایل داشت و خبرها را برای عبد الله بن طفیل عامری می نوشت و او آن را برای علی علیه السلام می فرستاد .

وقعة صفين: بَعَثَ عَلِيٌّ خَيْلًا لِيَحْسُوا عَنْ مُعَاوِيَةَ مَادَّةً، فَبَعَثَ مُعَاوِيَةُ الصَّحَّاحَ بْنَ قَيْسٍ الْفَهْرِيَّ فِي خَيْلٍ إِلَى تِلْكَ الْخَيْلِ فَأَزَالُوهَا، وَجَاءَتْ عُيُونُ عَلِيٍّ فَأَخْبَرَتْهُ بِمَا قَدْ كَانَ، فَقَالَ عَلِيٌّ لِأَصْحَابِهِ: فَمَا تَرَوْنَ فِيمَا هَاهُنَا؟ فَقَالَ بَعْضُهُمْ: نَرَى كَذَا. وَقَالَ بَعْضُهُمْ: نَرَى كَذَا. فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ الْإِخْتِلَافَ أَمَرَهُمْ بِالْعُدُوِّ إِلَى الْقَوْمِ، فَغَادَاهُمْ إِلَى الْقِتَالِ قِتَالِ صَفَيْنَ، فَانْهَزَمَ أَهْلُ الشَّامِ. (1)

أنساب الأشراف: قَدِمَ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَيْنٌ لَهُ بِالشَّامِ فَأَخْبَرَهُ بِخَبَرِ بُسْرِ. يُقَالُ: إِنَّهُ قَيْسُ بْنُ زُرَّارَةَ بْنِ عَمْرِو بْنِ حَظِيانٍ الْهَمْدَانِيُّ، وَكَانَ قَيْسٌ هَذَا عَيْنًا لَهُ بِالشَّامِ يَكْتُبُ إِلَيْهِ بِالْأَخْبَارِ. (2)

الإمام علي عليه السلام - مِنْ كِتَابِهِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُدَيْلٍ - : وَإِيَّاكَ وَمُؤَافَعَةَ أَحَدٍ مِنْ خَيْلِ الْعَدُوِّ حَتَّى أَتَقَدَّمَ عَلَيْكَ، وَأَذْكَ الْعُيُونِ نَحْوَهُمْ، وَلَيْكُنْ مَعَ عُيُونِكَ مِنَ السَّلَاحِ مَا يُبَاشِرُونَ بِهِ الْقِتَالَ، وَلَتَكُنْ عُيُونُكَ الشُّجْعَانَ مِنْ جُنْدِكَ، فَإِنَّ الْجَبَانَ لَا يَأْتِيكَ بِصِحَّةِ الْأَمْرِ، وَأَنْتَ إِلَى أَمْرِي وَمَنْ قَبْلَكَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَالسَّلَامِ. (3)

الفتوح - فِي ذِكْرِ حَرْبِ صَفَيْنَ - : قَدْ كَانَ مَعَ مُعَاوِيَةَ رَجُلٌ مِنْ حِمِيرٍ يُقَالُ لَهُ الْحَصِينُ بْنُ مَالِكٍ وَكَانَ يُكَاتِبُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيَدُلُّهُ عَلَى عَوْرَاتِ مُعَاوِيَةَ. (4)

-
- 1- .وقعة صفين: ص 360، بحار الأنوار: ج 32 ص 500 ح 430؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 8 ص 39.
 - 2- .أنساب الأشراف: ج 3 ص 212.
 - 3- .المعيار والموازنة: ص 131.
 - 4- .الفتوح: ج 3 ص 78.

وقعة صفین: علی علیه السلام، گروهی را فرستاد تا از رسیدن نیروی پشتیبانی به معاویه جلوگیری کنند. معاویه هم ضحاک بن قیس فہری را با جمعیتی به سوی آنان گسیل داشت و آنان را پراکنده ساختند. مأموران مخفی علی علیه السلام آمدند و آنچه را رخ داده بود، گزارش دادند. پس علی علیه السلام به یارانش فرمود: «اینک چه باید بکنیم؟». گروهی گفتند: این کار، و گروهی گفتند: آن کار. وقتی اختلاف نظر آنان را دید، فرمان داد تا صبحگاهان به سوی معاویه هجوم بزنند و آنان را بامدادان، به نبرد (نبرد صفین) سوق داد و شامیان، شکست خوردند.

أنساب الأشراف: دیده بان علی بن ابی طالب علیه السلام در شام، نزد او آمد و گزارش بُسر را به وی داد. گفته شده که این شخص، قیس بن زرارۃ بن عمرو بن حطیان همدانی بود. قیس، مأمور مخفی علی علیه السلام در شام بود و اخبار را برایش می نوشت.

امام علی علیه السلام از نامه اش به عبد اللہ بن بُدیل _ و پرهیز از برخورد با لشکر دشمن، تا به سوی تو آییم! و مأموران مخفی را به سویشان گسیل دار و باید همراه آنان، سلاحی باشد که بتوانند با آن پیکار کنند. مأموران مخفی، باید دلیران سپاه باشند؛ چرا که ترسوها گزارش درست برایت نیاورند. خودت و هرکه با توست، با اذن خدا به دستورهایم پایبند باشید. والسلام!

الفتوح _ در گزارش جنگ صفین _: مردی از قبیله حمیر، به نام حُصَین بن مالک، با معاویه بود که با علی بن ابی طالب علیه السلام مکاتبه داشت و او را بر اسرار معاویه، آگاه می ساخت.

3 / 2 استِصْلَاحُ الأَعْدَاءِ الإمام علي عليه السلام : مَنْ اسْتَصْلَحَ عَدُوَّهُ زَادَ فِي عَدَدِهِ . (1)

عنه عليه السلام : مَنْ اسْتَصْلَحَ الأَضْدَادَ بَلَغَ المُرَادَ . (2)

عنه عليه السلام : كَمَالُ الحَزْمِ اسْتِصْلَاحُ الأَضْدَادِ ، ومُدَاجَاةُ الأَعْدَاءِ . (3)

عنه عليه السلام : الإِسْتِصْلَاحُ لِلأَعْدَاءِ بِحُسْنِ المَقَالِ وَجَمِيلِ الأَفْعَالِ ، أَهْوَنُ مِنْ مُلَاقَاتِهِمْ وَمُغَالَبَتِهِمْ بِمَضِيضِ (4) القِتَالِ . (5)

عنه عليه السلام : الإِحْسَانُ إِلَى المُسِيءِ يَسْتَصْلِحُ العَدُوَّ . (6)

عنه عليه السلام : كَانَتْ الحُكْمَاءُ فِيمَا مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ : يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الإِخْتِلَافُ إِلَى الأبْوَابِ لِعَشْرَةِ أَوْجُهٍ : أَوَّلُهَا : بَيْتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِقَضَاءِ نُسُكِهِ وَالْقِيَامِ بِحَقِّهِ وَأَدَاءِ فَرَضِهِ ... التَّاسِعُ : أَبْوَابُ الأَعْدَاءِ الَّتِي تَسْكُنُ بِالمُدَارَةِ غَوَائِلُهُمْ ، وَيَدْفَعُ بِالحِيلِ وَالرِّفْقِ وَاللُّطْفِ وَالزِّيَارَةِ عَدَاوَتَهُمْ (7)

1- .غرر الحكم : ج 5 ص 256 ح 8230 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 445 ح 7838 .

2- .غرر الحكم : ج 5 ص 215 ح 8043 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 431 ح 7417 .

3- .غرر الحكم : ج 4 ص 628 ح 7232 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 397 ح 6741 .

4- .المَضَضُ : وجع المصيبة ، ومَضِضْتُ مِنْهُ : أَلَمْتُ ، وَمَضِنِّي الجُرْحُ : أَلَمَنِي وَأَوْجَعَنِي (لسان العرب : ج 7 ص 233 «مضض»).

5- .غرر الحكم : ج 2 ص 482 ح 1926 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 57 ح 1472 .

6- .غرر الحكم : ج 1 ص 392 ح 1517 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 48 ح 1223 وفيه «يصلح» بدل «يستصلح» .

7- .الخصال : ص 426 ح 3 عن الأصمغ بن نباتة ، بحار الأنوار : ج 76 ص 61 ح 1 .

3 / 2 اصلاح دشمنان

3 / 2 اصلاح دشمنان امام علی علیه السلام: آن که دشمنش را به صلح بکشاند ، بر جمعیت (لشکر) خود ، افزوده است .

امام علی علیه السلام: آن که مخالفان را به صلح بکشاند ، به مقصود خواهید رسید .

امام علی علیه السلام: کمال دوراندیشی ، به آشتی واداشتنِ مخالفان و مدارا با دشمنان است .

امام علی علیه السلام: به آشتی واداشتن دشمنان با سخن نیک و رفتار زیبا ، آسان تر است از رو در رو شدن و پیکار با آنان با درد ورنج نبرد .

امام علی علیه السلام: نیکی کردن به بدکاران ، دشمن را به صلح می کشاند .

امام علی علیه السلام: حکیمان ، در روزگاران گذشته می گفتند : شایسته است که رفت و آمد بر درِ خانه دیگران ، برای [یکی از این] ده انگیزه باشد : اولین آن ، بر در خانه خدا برای انجام دادن مناسک و اهتمام به حقّ الهی و ادای واجبات او ؛ ... نهمی ، بر در خانه دشمنان ، که با مدارا ، غائله آنان فروکش کند و با نرمی و لطف و دید و بازدید ، دشمنی آنان برطرف شود .

عنه عليه السلام: مَنْعُ أَذَاكَ يُصْلِحُ لَكَ قُلُوبَ عِدَاكَ . (1)

عنه عليه السلام: صَافِحَ عَدُوَّكَ وَإِنْ كَرِهَ ، فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ : « أَذْفَعُ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ * وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ » (2) . (3)

عنه عليه السلام _ في الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : إِذَا صَافَاكَ عَدُوُّكَ رِيَاءً مِنْهُ فَتَلَقَّ ذَلِكَ بِأَوْكَدِ مَوَدَّةٍ ، فَإِنَّهُ إِنْ أَلْفَ ذَلِكَ وَاعْتَادَهُ خُلِصَتْ لَكَ مَوَدَّتُهُ . (4) .

3 / 3 الْمُسَالَمَةُ مَعَ الْوَعِيَا لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ أَنْجَعَ مِنَ الْقِتَالِ . (5)

عنه عليه السلام : مِنْ أَفْضَلِ النَّصِيحِ الْإِشَارَةُ بِالصُّلْحِ . (6)

عنه عليه السلام _ فِي عَهْدِهِ إِلَى مَالِكِ الْأَشْثَرِ _ : وَلَا تَدْفَعَنَّ صُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَلِلَّهِ فِيهِ رِضًى ، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَةً لِيُجْنِدَكَ ، وَرَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ ، وَأَمْنًا لِبِلَادِكَ . وَلَكِنْ الْحَذَرُ كُلُّ الْحَذَرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صُلْحِهِ ، فَإِنَّ الْعَدُوَّ زُبْمًا قَارِبَ لِيَتَغَفَّلَ ، فَخُذْ بِالْحَزْمِ ، وَاتَّهِمْ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ . (7)

1- .غرر الحكم : ج 6 ص 129 ح 9784 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 489 ح 9057 .

2- .فصّلت : 34 و 35 .

3- .الخصال : ص 633 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام ، بحار الأنوار : ج 71 ص 421 ح 58 .

4- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 321 ح 680 .

5- .غرر الحكم : ج 6 ص 244 ح 10138 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 506 ح 9288 وزاد فيه «خيرًا» بعد «المسالمة» .

6- .غرر الحكم : ج 6 ص 33 ح 9379 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 470 ح 8579 وفيه «أحسن» بدل «أفضل» .

7- .نهج البلاغة : الكتاب 53 ، خصائص الأئمة : ص 123 ، تحف العقول : ص 145 ، دعائم الإسلام : ج 1 ص 367 كلاهما نحوه .

3 / 3 سازش به همراه زیرکی

امام علی علیه السلام: خودداری از آزار [دیگران]، دل های دشمنان را به صلح می کشاند .

امام علی علیه السلام: با دشمنت مصافحه کن (دست دوستی بده)، گرچه ناخوش دارد؛ چرا که آن، از چیزهایی است که خداوند عز و جل بندگانش را بدان فرمان داده است، [آن جا که] می فرماید: «بدی را به آنچه بهتر است، دفع کن. آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک دل می گردد؛ و این [خصلت] را جز کسانی که شکیباً بوده اند، نمی یابند، و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ، نخواهد یافت» .

امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان _: اگر دشمنت تظاهر به دوستی و یک رنگی با تو کرد، آن را با دوستی گرم پذیر؛ چرا که اگر این را ادامه دهد و بدان خو گیرد، دوستی اش خالص می گردد .

3 / 3 سازش به همراه زیرکی امام علی علیه السلام: سازش را تا زمانی که در آن ضعفی برای اسلام نباشد، سودمندتر از نبرد یافتم .

امام علی علیه السلام: از برترین خیرخواهی ها، راه نمایی به صلح و سازش است .

امام علی علیه السلام: در سفارش نامه اش به مالک اشتر _: هرگز صلحی را که دشمنت تو را بدان فرا می خواند و خشنودی خداوند در آن است، کنار مزن؛ چرا که در صلح، آسایش سپاهیان تو و آسودگی ات از غصّه ها و امنیت شهرهای [سرزمین] توست . لیکن زنهار، زنهار از دشمن خود، پس از آشتی؛ که بسا دشمن، نزدیک شود تا غفلتی یابد! پس دوراندیش باش و خوش گمانی را در این امور، متّهم ساز .

3 / 4 شِدَّةُ الْحَذَرِ مِنَ الْعَدُوِّ إِمَامٌ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ . (1)

عنه عليه السلام : كُنْ مِنْ عَدُوِّكَ عَلَى أَشَدِّ الْحَذَرِ . (2)

عنه عليه السلام : لَا تَأْمَنْ عَدُوًّا وَإِنْ شَكَرَ . (3)

عنه عليه السلام : شَرُّ الْأَعْدَاءِ أَبْعَدُهُمْ غَوْرًا وَأَخْفَاهُمْ مَكِيدَةً . (4)

عنه عليه السلام : فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : كُنْ لِلْعَدُوِّ الْمُكَاتِمِ أَشَدَّ حَذَرًا مِنْكَ لِلْعَدُوِّ الْمُبَارِزِ . (5)

عنه عليه السلام : أَوْهَنُ الْأَعْدَاءِ كَيْدًا مَنْ أَظْهَرَ عِدَاوَتَهُ . (6)

عنه عليه السلام : مَنْ أَظْهَرَ عِدَاوَتَهُ قَلَّ كَيْدُهُ . (7)

عنه عليه السلام : لَا تَغْتَرَنَّ بِمُجَامَلَةِ الْعَدُوِّ ، فَإِنَّهُ كَالْمَاءِ وَإِنْ أَطِيلَ إِسْخَانُهُ بِالنَّارِ لَا يَمْتَنِعُ مِنْ إِطْفَائِهَا . 8

1- نهج البلاغة : الكتاب 62 ، الغارات : ج 1 ص 321 عن جندب .

2- غرر الحكم : ج 6 ص 293 ح 10301 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 523 ح 9522 .

3- غرر الحكم : ج 6 ص 268 ح 10197 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 518 ح 9402 .

4- غرر الحكم : ج 4 ص 188 ح 5781 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 295 ح 5291 .

5- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 311 ح 575 .

6- غرر الحكم : ج 2 ص 450 ح 3258 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 122 ح 2793 ؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص

343 ح 947 وفيه «أهون» بدل «أوهن» وراجع : أعلام الدين : ص 313 وبحار الأنوار : ج 78 ص 377 ح 3 .

7- غرر الحكم : ج 5 ص 196 ح 7956 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 430 ح 7354 .

3 / 4 هوشیاری کامل در برابر دشمن

3 / 4 هوشیاری کامل در برابر دشمنامام علی علیه السلام: آن که به خواب رود ، [دشمن او] به خواب نرود .

امام علی علیه السلام: از دشمنت ، به سختی برحذر باش .

امام علی علیه السلام: از هیچ دشمنی ایمن مباش ، گرچه سپاس گوید .

امام علی علیه السلام: بدترین دشمنان، آن است که ژرف نگرتر و پنهانکاری اش نسبت به نیرنگ ، زیادتر باشد .

امام علی علیه السلام: در حکمت های منسوب به ایشان _ : از دشمن پنهانکار بیشتر برحذر باش تا دشمن به میدان آمده .

امام علی علیه السلام: سست ترین دشمنان از جهت حيله و نیرنگ ، آن است که دشمنی اش را آشکار سازد .

امام علی علیه السلام: آن که دشمنی اش را آشکار کند ، حيله اش اندك باشد .

امام علی علیه السلام: هرگز فریب ظاهر سازی دشمن را مخور ؛ چرا که دشمن ، چون آب است که گرچه گرم کردن آن با آتش به درازا کشد ، لیك از خاموش کردن آن سُر باز نزند . 1

3 / 5 التَّحْذِيرُ مِنْ اسْتِصْغَارِ الْخَصْمِ لِإِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَدُوًّا وَإِنْ ضَعُفَ . (1)

عنه عليه السلام_ في الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ :إِحْذَرِ اسْتِصْغَارَ الْخَصْمِ فَإِنَّهُ يَمْنَعُ مِنَ التَّحَفُّظِ ، وَرُبَّ صَغِيرٍ غَلَبَ كَبِيرًا . (2)

عنه عليه السلام_ أيضا_ :لَا تَسْتَصْغِرَنَّ أَمْرَ عَدُوِّكَ إِذَا حَارَبْتَهُ ، فَإِنَّكَ إِنْ ظَفِرْتَ بِهِ لَمْ تُحْمَدَ وَإِنْ ظَفَرَ بِكَ لَمْ تُعَذَّرْ ، وَالضَّعِيفُ الْمُحْتَرِسُ مِنَ الْعَدُوِّ الْقَوِيَّ أَقْرَبُ إِلَى السَّلَامَةِ مِنَ الْقَوِيِّ الْمُغْتَرِّ بِالضَّعِيفِ . (3)

1- .غرر الحكم : ج 6 ص 273 ح 10216 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 518 ح 9412 .

2- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 282 ح 231 .

3- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 309 ح 543 .

3 / 5 كوچك نشمردن دشمن

3 / 5 كوچك نشمردن دشمن امام علي عليه السلام: هيچ دشمنی را كوچك مشمار، گرچه ناتوان باشد.

امام علي عليه السلام در حكمت های منسوب به ایشان _ بپرهیز از كوچك شمردن دشمن؛ چرا كه از مراقبت باز می دارد، و چه بسیار كوچك هایی كه بر بزرگ ها پیروز گشتند!

امام علي عليه السلام در حكمت های منسوب به ایشان _ كار دشمن را به هنگامی كه با او نبرد می كنی، كوچك مشمار؛ چرا كه اگر پیروز شدی، ستایش نشوی، و اگر او بر تو پیروز گشت، معذور نیستی. ناتوانی كه مراقب دشمن توانمند است، به سلامت نزدیک تر است از توانمندی كه بر ناتوان، غرّه می شود.

3 / 6 التَّحْذِيرُ مِنَ اسْتِنصَاحِ الْأَعْدَاءِ إِلَّا تَجَرِبَةً لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ جَهِلَ مَنْ اسْتَنْصَحَ أَعْدَاءَهُ . (1)

عنه عليه السلام: لَا تُشَاوِرْ عَدُوَّكَ وَاسْتُرْهُ خَبْرَكَ . (2)

عنه عليه السلام: اسْتَشِرْ أَعْدَاءَكَ تَعْرِفَ مِنْ رَأْيِهِمْ مِقْدَارَ عِدَاوَتِهِمْ وَمَوَاضِعَ مَقَاصِدِهِمْ . (3)

عنه عليه السلام: فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : اسْتَشِرْ عَدُوَّكَ تَجَرِبَةً لِتَعْلَمَ مِقْدَارَ عِدَاوَتِهِ . (4)

عنه عليه السلام: مَنْ اسْتَعَانَ بِعَدُوِّهِ عَلَى حَاجَتِهِ أَزْدَادَ بُعْدًا مِنْهَا . (5)

3 / 7 انْتِهَازُ الْفُرْصَةِ فِي مُوَاجَهَةِ الْأَعْدَاءِ لِلْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَعْمِلْ مَعَ عَدُوِّكَ مُرَاقَبَةَ الْإِمَّاكَانِ وَانْتِهَازَ الْفُرْصَةِ ، تَظْفَرُ . (6)

عنه عليه السلام: لَا تُوقِعْ بِالْعَدُوِّ قَبْلَ الْقُدْرَةِ . (7)

عنه عليه السلام: لَا تُظْهِرِ الْعِدَاوَةَ لِمَنْ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِ . (8)

عنه عليه السلام: لَا تَعْرِضْ لِعَدُوِّكَ وَهُوَ مُقْبِلٌ ؛ فَإِنَّ إِقْبَالَهُ يُعِينُهُ عَلَيْكَ ، وَلَا تَعْرِضْ لَهُ وَهُوَ مُدْبِرٌ ؛ فَإِنَّ إِدْبَارَهُ يَكْفِيكَ أَمْرَهُ . (9)

- 1- .غرر الحكم : ج 4 ص 473 ح 6663 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 367 ح 6177 .
- 2- .غرر الحكم : ج 6 ص 269 ح 10198 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 521 ح 9461 .
- 3- .غرر الحكم : ج 2 ص 233 ح 2462 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 81 ح 1951 .
- 4- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 317 ح 634 .
- 5- .غرر الحكم : ج 5 ص 414 ح 8984 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 433 ح 7471 .
- 6- .غرر الحكم : ج 2 ص 192 ح 2347 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 83 ح 2018 .
- 7- .غرر الحكم : ج 6 ص 282 ح 10258 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 522 ح 9490 .
- 8- .كنز الفوائد : ج 2 ص 183 ، بحار الأنوار : ج 78 ص 93 ح 104 .
- 9- .غرر الحكم : ج 6 ص 295 ح 10306 ، عيون الحكم والمواعظ : ص 523 ح 9524 .

3 / 6 خیرخواهی نخواستن از دشمن ، جز برای آزمودن

3 / 7 موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان

3 / 6 خیرخواهی نخواستن از دشمن ، جز برای آزمودن نام علی علیه السلام : نادان است آن که از دشمنانش خیرخواهی طلبد .

امام علی علیه السلام : با دشمنت ریزی مکن و اخبارت را از او پویشان .

امام علی علیه السلام : با دشمنانت ریزی کن تا از نظرشان ، اندازه دشمنی آنها و اهدافشان را بشناسی .

امام علی علیه السلام _ در حکمت های منسوب به ایشان _ : برای آزمودن ، با دشمنت ریزی کن تا اندازه دشمنی اش را بدانی .

امام علی علیه السلام : آن که از دشمنش بر [رفع] نیازمندی اش کمک جوید ، از خواسته خود ، دورتر شود .

3 / 7 موقعیت شناسی در برخورد با دشمنان امام علی علیه السلام : با دشمنت انتظار توانایی و زمان شناسی را به کارگیر ، تا پیروز گردی .

امام علی علیه السلام : پیش از توانمندی ، بر دشمن یورش مبر .

امام علی علیه السلام : با کسی که بر او قدرت نداری ، دشمنی را آشکار مساز .

امام علی علیه السلام : به هنگام روی کردن دشمن ، متعرض او مشو ؛ چرا که روی کردنش او را بر تو یاری می دهد ، و به هنگام روی گرداندن دشمن ، متعرض او مشو ؛ چرا که روی گرداندنش تو را از کار او کفایت می کند .

عنه عليه السلام: أَنْكَ الْأَشْيَاءِ لِعَدْوِكَ إِلَّا تُعَلِّمَهُ أَنَّكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا. (1)

عنه عليه السلام_ في الْحُكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : أَقْتُلْ الْأَشْيَاءَ لِعَدْوِكَ إِلَّا تُعَرِّفَهُ أَنَّكَ اتَّخَذْتَهُ عَدُوًّا. (2)

3 / 8 عَدِمَ الْعُقُوبَةَ عَلَى الظَّنَّةِ وَالتَّهْمَةِ الْجَمْلَ : دَخَلَ [ابْنُ عَبَّاسٍ] عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَابْتَدَأَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ : يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، أَعِنْدَكَ خَبْرٌ ؟ فَقَالَ : قَدْ رَأَيْتُ طَلْحَةَ وَالزُّبَيْرَ . فَقَالَ لَهُ : إِنَّهُمَا اسْتَأْذَنَانِي فِي الْعُمْرَةِ ، فَأَذِنْتُ لَهُمَا بَعْدَ أَنْ اسْتَوْتَقْتُ مِنْهُمَا بِالْإِيمَانِ إِلَّا يَغْدِرَا وَلَا يَنْكُثَا وَلَا يُحْدِثَا فَسَادًا . وَاللَّهِ يَا بَنَ عَبَّاسٍ مَا قَصِدَا إِلَّا الْفِتْنَةَ ، فَكَأَنِّي بِهِمَا وَقَدْ صَارَا إِلَى مَكَّةَ لِيَسْتَعِينَا عَلَى حَرْبِي ، فَإِنَّ يَعْلىَ بْنَ مُنْبَةَ الْخَائِنِ الْفَاجِرَ قَدْ حَمَلَ أَمْوَالَ الْعِرَاقِ وَفَارِسَ لِيُنْفِقَ ذَلِكَ ، وَسَيُفْسِدُ هَذَانِ الرَّجُلَانِ عَلَيَّ أَمْرِي ، وَيَسْفِكَانِ دِمَاءَ شِيعَتِي وَأَنْصَارِي . فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ : إِذَا كَانَ عِنْدَكَ الْأَمْرُ كَذَلِكَ فَلِمَ أَذِنْتَ لَهُمَا ؟ وَهَلَّا حَبَسْتَهُمَا وَأَوْقَعْتَهُمَا بِالْحَدِيدِ ، وَكَفَيْتَ الْمُسْلِمِينَ شَرَّهُمَا ؟ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، أَتَأْمُرُنِي أَنْ أَبْدَأَ بِالظُّلْمِ وَالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ، وَأُعَاقِبَ عَلَى الظَّنَّةِ وَالتَّهْمَةِ وَأَخُذَ بِالْفِعْلِ قَبْلَ كَوْنِهِ ؟ كَلَّا ! وَاللَّهِ لَا عَدْلُ عَمَّا أَخَذَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنَ الْحُكْمِ بِالْعَدْلِ ، وَلَا الْقَوْلُ بِالْفَصْلِ . يَا بَنَ عَبَّاسٍ ، إِنِّي أَذِنْتُ لَهُمَا وَأَعْرِفُ مَا يَكُونُ مِنْهُمَا ، لَكِنِّي اسْتَظْهَرْتُ بِاللَّهِ عَلَيْهِمَا ، وَاللَّهِ لَا أَقْتُلُهُمَا وَلِيُخَيِّنَ ظَنُّهُمَا ، وَلَا يَلْقِيَانِ مِنَ الْأَمْرِ مُنَاهُمَا ، فَإِنَّ اللَّهَ يَأْخُذُهُمَا بِظُلْمِهِمَا لِي ، وَنَكِثُهُمَا بَيْعَتِي ، وَبَغْيُهُمَا عَلَيَّ . (3)

1- .نثر الدرّ : ج 1 ص 293 .

2- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 283 ح 244 .

3- .الجمال : ص 166 .

3 / 8 مجازات نکردن بر پایه گمان و اتهام

امام علی علیه السلام: نابود کننده ترین چیزها برای دشمن آن است که به وی اعلام نکنی که او را دشمن گرفته ای .

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان _ :گشونده ترین چیز برای دشمن آن است که به وی نفهمانی که او را دشمن گرفته ای .

3 / 8 مجازات نکردن بر پایه گمان و اتهام الجمل: ابن عباس بر امیر مؤمنان وارد شد و علی علیه السلام آغاز [به سخن] کرد و فرمود: «ای ابن عباس! آیا نزد تو خبری است؟». گفت: طلحه و زبیر را دیدم. به وی فرمود: «آن دو از من برای عمره اجازه خواستند و من هم، پس از آن که با سوگندهایی از آنان پیمان گرفتم که حيله نکنند و بیعت نشکنند و فسادى ایجاد نکنند، اجازه دادم. ای ابن عباس! به خدا سوگند، آنان جز فتنه، قصدى ندارند. گویا مى بینم که به مگه رفته اند تا برای نبرد با من مدد جویند؛ چرا که یعلی بن منیه خیانت پیشه تبهکار، ثروت های عراق و فارس را با خود برده تا در این راه هزینه کند، و به زودی این دو مرد، کارم را تباه مى کنند و خون پیروان و یارانم را مى ریزند». عبد الله بن عباس گفت: اگر چنین نظری داری، چرا به آنان اجازه دادی و چرا آنان را زندان نکردی و با آهن به بند نکشیدی تا مسلمانان را از شرشان آسوده داری؟ فرمود: «ای ابن عباس! آیا مرا وا مى داری که ستم آغاز کنم و بدی را پیش از نیکی به کار گیرم و آنان را بر پایه گمان و اتهام، کیفر دهم و پیش از انجام دادن کار، مؤاخذه کنم؟ هرگز! به خدا سوگند، از آنچه خداوند از من پیمان گرفته از داوری بر پایه عدل و سخن حق عدول نمی کنم. ای ابن عباس! من بدانها اجازه دادم و آنچه را از آنان سر مى زند، مى دانم؛ ليك در برابر آنان، از خداوند كمك خواستم و به خدا سوگند، آنان را خواهم كشت و اميدشان را نااميد خواهم ساخت، و آن دو به خواسته شان نخواهند رسيد؛ چرا که خداوند، آنان را بر ستمشان بر من و بیعت شکنی با من و تعدی بر من، مجازات خواهد کرد.

تاريخ الطبري عن جندب: لَمَّا بَلَغَ عَلِيًّا مُصَابُ بَنِي نَاجِيَةٍ وَقَتْلُ صَاحِبِهِمْ، قَالَ: هَوَتْ أُمُّهُ! مَا كَانَ أَنْقَصَ عَقْلَهُ، وَأَجْرَاهُ عَلَى رَبِّهِ! فَإِنْ جَائِيَا جَاءَنِي مَرَّةً فَقَالَ لِي: فِي أَصْحَابِكَ رَجَالٌ قَدْ خَشِيتُ أَنْ يُفَارِقوكَ، فَمَا تَرَى فِيهِمْ؟ فَقُلْتُ لَهُ: إِنِّي لَا أَخْذُ عَلَى التَّهْمَةِ، وَلَا أُعَاقِبُ عَلَى الظَّنِّ، وَلَا أُقَاتِلُ إِلَّا مَنْ خَالَفَنِي وَنَاصَ بَنِي وَأَظْهَرَ لِي الْعَدَاوَةَ، وَلَسْتُ مُقَاتِلَهُ حَتَّى أَدْعُوهُ وَأَعْذِرَ إِلَيْهِ، فَإِنْ تَابَ وَرَجَعَ إِلَيْنَا قَبِلْنَا مِنْهُ، وَهُوَ أَخُونَا، وَإِنْ أَبَى إِلَّا الْإِعْزَامَ عَلَى حَرْبِنَا اسْتَعْنَا عَلَيْهِ اللَّهُ، وَنَاجَزْنَاهُ، فَكَفَّ عَنِّي مَا شَاءَ اللَّهُ. ثُمَّ جَاءَنِي مَرَّةً أُخْرَى فَقَالَ لِي: قَدْ خَشِيتُ أَنْ يُفْسِدَ عَلَيْكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهَبٍ الرَّاسِيبِيُّ وَزَيْدُ بْنُ حُصَيْنٍ، إِنِّي سَمِعْتُهُمَا يَذْكُرَانِكَ بِأَشْيَاءَ لَوْ سَمِعْتُهُمَا لَمْ تُفَارِقَهُمَا عَلَيْهِمَا حَتَّى تَقْتُلَهُمَا أَوْ تُوبِقَهُمَا، فَلَا تُفَارِقَهُمَا مِنْ حَبْسِكَ أَبَدًا. فَقُلْتُ: إِنِّي مُسْتَشِيرُكَ فِيهِمَا، فَمَاذَا تَأْمُرُنِي بِهِ؟ قَالَ: فَإِنِّي أَمُرُكَ أَنْ تَدْعُو بِهِمَا، فَتَضْرِبَ رِقَابَهُمَا، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ لَا وَرَعَ وَلَا عَاقِلٌ، فَقُلْتُ: وَاللَّهِ مَا أَطْنُكَ وَرِعًا، وَلَا عَاقِلًا نَافِعًا، وَاللَّهِ لَقَدْ كَانَ يَنْبَغِي لَكَ لَوْ أَرَدْتُ قَتْلَهُمْ أَنْ تَقُولَ: إِنَّكَ اللَّهُ، لِمَ تَسْتَحِلُّ قَتْلَهُمْ وَلَمْ يَقْتُلُوا أَحَدًا، وَلَمْ يُنَابِذوكَ، وَلَمْ يَخْرُجُوا مِنْ طَاعَتِكَ؟ (1)

1- تاريخ الطبري: ج 5 ص 131، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 3 ص 148 عن حبيب؛ الغارات: ج 1 ص 371 وفيهما «توبقهما» بدل «توبقهما» وكلاهما نحوه.

تاریخ الطبری_ به نقل از جُنْدَب _ : وقتی گزارش سُبُك سَری بنی ناجیه و کشته شدن بزرگشان به علی علیه السلام رسید ، فرمود : «مادرش بمیرد! چه قدر کم خَرَد و جسور بر خداوند بود! يك بار کسی نزد من آمد و به من گفت : در میان یارانت مردانی هستند که می ترسم از تو کناره گیرند . در باره آنان چه نظری داری؟ به وی گفتم : من بر پایه اَتِّهَام ، مجازات نمی کنم و بر پایه گمان ، کیفر نمی دهم ، و جز با کسی که با من مخالفت ورزیده و دشمنی کرده و عداوتش را آشکار ساخته است ، نبرد نمی کنم ، و تا او را دعوت نکنم و برایش عذر (دلیل) نیاورم ، نبرد کننده با او نخواهم بود . پس اگر توبه کرد و به سوی ما بازگشت ، از او می پذیریم و او برادر ماست ، و اگر سر باز زد و جز نبرد با ما نخواست ، از خداوند بر او مدد جوییم و با او پیکار کنیم . پس آنچه را خدا خواهد از من دور سازد . بار دیگر نزد من آمد و گفت : می ترسم که عبد الله بن وهب راسبی و زید بن حصین ، کار را بر تو تباه کنند . شنیدم که نسبت به تو چیزهایی می گویند که اگر بشنوی ، رهاسان نمی کنی ، مگر آن که آنها را بکشی یا کیفر دهی . پس هیچ گاه آنان را از زندان ، رها مساز . گفتم : در باره آنان با تو مشورت می کنم . تو چه پیشنهاد می کنی؟ گفت : من پیشنهاد می کنم آنها را فرا خوانی و گردنشان را بزنی . در این هنگام ، دانستم که او نه پرهیزگار است و نه خردمند . گفتم : به خدا سوگند ، گمان نبرم پارسا و خردمندی سودرسان باشی . به خدا سوگند ، سزاوار بود که اگر می خواستم آنان را بگشتم ، بگوئی : از خدا پروا کن ؛ چرا خونشان را حلال می دانی با آن که کسی را نکشته اند و با تو به جنگ برنخاسته اند و از طاعتت بیرون نرفته اند؟» .

الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ لِلنَّاسِ بِالكُوفَةِ: يَا أَهْلَ الكُوفَةِ، أَتَرَوْنِي لَا أَعْلَمُ مَا يُصْلِحُكُمْ؟ ! بَلَى، وَلَكِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَصْلِحُكُمْ بِفَسَادِ نَفْسِي. (1)

الغارات_ في خبرِ مُفَارَقَةِ الخُرَيْتِ بْنِ رَاشِدٍ (وَهُوَ مِنَ الْخَوَارِجِ) أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ _ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ قَعِينٍ: ... أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُ مِنَ الْخُرَيْتِ وَمَا قُلْتُ لِابْنِ عَمِّهِ وَمَا رَدَّ عَلَيَّ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعُهُ، فَإِنْ قَبِلَ الْحَقَّ وَرَجَعَ عَرَفْنَا ذَلِكَ لَهُ وَقَبَلْنَاهُ مِنْهُ؛ وَإِنْ أَبَى طَلَبْنَاهُ. فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَلِمَ لَا تَأْخُذُهُ الْآنَ فَتَسْتَوْتِقَ مِنْهُ؟ فَقَالَ: إِنَّا لَوْ فَعَلْنَا هَذَا لِكُلِّ مَنْ نَتَّهِمُهُ مِنَ النَّاسِ مَلَأْنَا السُّجُونَ مِنْهُمْ، وَلَا أَرَانِي يَسْعُنِي الْوُثُوبُ عَلَى النَّاسِ وَالْحَبْسُ لَهُمْ وَعُقُوبَتُهُمْ حَتَّى يُظْهِرُوا لَنَا الْخِلَافَ. (2)

راجع: موسوعة الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام: ج 4 ص 43 (القسم السادس / الفصل التاسع: خروج الخُرَيْتِ بْنِ رَاشِدٍ).

3 / 9 التَّحْذِيرُ مِنَ التَّعْذِيبِ لِإِمَامٍ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ ضَرَبَ رَجُلًا سَوْطًا ظُلْمًا، ضَرَبَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِسَوْطٍ مِنْ نَارٍ. (3)

عنه عليه السلام: أَبْغَضُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ جَرَّدَ ظَهْرَ مُسْلِمٍ بِغَيْرِ حَقٍّ، وَمَنْ ضَرَبَ فِي غَيْرِ حَقٍّ مَنْ لَمْ يَضْرِبْهُ أَوْ قَتَلَ مَنْ لَمْ يَقْتُلْهُ. (4)

- 1- الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ص 207 ح 40 عن هشام، بحار الأنوار: ج 41 ص 110 ح 18.
- 2- الغارات: ج 1 ص 333 و ص 335، بحار الأنوار: ج 33 ص 407 ح 628؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 3 ص 129.
- 3- دعائم الإسلام: ج 2 ص 541 ح 1927، مستدرک الوسائل: ج 9 ص 148 ح 10515.
- 4- دعائم الإسلام: ج 2 ص 444 ح 1551، تهذيب الأحكام: ج 10 ص 148 ح 588 عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله وليس فيه «ومن ضرب في غير...».

3 / 9 نهی از شکنجه

امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب _ که درود خدا بر او باد _ ، در کوفه به مردم می فرمود: «ای مردم کوفه! آیا گمان می کنید نمی دانم چگونه شما را به راه آورم؟ چرا؛ ولیکن خوش ندارم که شما را با بهای تباه کردن خویش، به راه آورم».

الغارات _ در گزارش کناره گیری خَریّت بن راشد (یکی از خوارج) از امیر مؤمنان علیه السلام _: عبد الله بن قعین، می گوید: ... نزد امیر مؤمنان آمدم و آنچه در باره خَریّت شنیده بودم و آنچه به پسرعمویش گفته بودم و آنچه را وی پاسخ داده بود، به علی علیه السلام گزارش دادم. فرمود: «او را رها کن. اگر حق را پذیرفت و بازگشت، او را به آن می شناسیم و از او می پذیریم، و اگر سر باز زد، او را فرا می خوانیم». گفتم: ای امیر مؤمنان! چرا الآن او را نمی گیری تا از او وثیقه بستانی [و از جانب او اطمینان حاصل کنی]؟ فرمود: «اگر با هر کسی که او را متّهم می کنیم، چنین رفتار کنیم، باید زندان ها را از آنان پُر سازیم و معتقد نیستم که حمله به مردم و زندان کردن و کیفر دادن آنها روا باشد، مگر آن که مخالفت با ما را آشکار سازند [و دست به شمشیر ببرند]».

ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام: ج 6 ص 509 (بخش ششم / فصل نهم: شورش خَریّت بن راشد).

3 / 9 نهی از شکنجه امام علی علیه السلام: آن که به شخصی از روی ستم تازیانه زند، خداوند _ تبارک و تعالی _ او را به تازیانه آتشین خواهد زد.

امام علی علیه السلام: دشمن ترین بنده نزد خداوند عز و جل، کسی است که پشتِ مسلمانی را به ناحق برهنه کند، و کسی را که او را نزده است، به ناحق کتک زند، و کسی را که قصد کشتن او را نداشته است، بکشد.

عنه عليه السلام من كتابه إلى أمراء الخراج - لو لم يكن فيما نهي عنه من الظلم والعدوان عقاب يخاف، كان في ثوابه ما لا عذر لأحد بترك طلبه، فأرحموا ترحموا، ولا تعذبوا خلق الله ولا تكلفوهم فوق طاقتهم. (1)

عنه عليه السلام: أيها الناس! إنني دعوتكم إلى الحق فتوليتهم عني، وضربتكم بالدرة فأعيتهموني. أما إنني سبيلكم بعدي ولاة لا يرضون منكم بهذا حتى يعذبوكم بالسياط والحديد، فأما أنا فلا أعذبكم بهما؛ إنني من عذب الناس في الدنيا عذبه الله في الآخرة. (2)

مسند زيد بن علي عن أبيه عن جده عن الإمام علي عليه السلام - أنه قال لعمر في امرأة حامل اعترفت بالفجور فأمر بها أن ترجم - فلعلك انتهرتها أو أخفتها؟ قال: قد كان ذلك، فقال: أو ما سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: لا حد على معترف بعد بلاء، إنني من قيدت أو حبست أو تهددت فلا إقرار له. قال: فحلى عمر سبيلها، ثم قال: عجزت النساء أن تلد مثل علي بن أبي طالب، لولا علي لهلك عمر. (3)

الإمام علي عليه السلام من خطبة له في أوائل خلافته - إن الله حرم حراما غير مجهول، وأحل حلالا غير مدخول، وفصل حرمه المسلم على الحرم كلها، وشدد بالإخلاص والتوحيد حقوق المسلمين في معاقدها، «فالمسلم من سلب المسلمون من لسانه ويده» إلا بالحق، ولا يحل أذى المسلم إلا بما يجب. (4)

- 1- وقعة صفين: ص 108، نهج البلاغة: الكتاب 51 نحوه؛ المعيار والموازنة: ص 122.
- 2- الغارات: ج 2 ص 458 عن زيد بن علي بن أبي طالب، الإرشاد: ج 1 ص 322 وليس فيه «فأما أنا فلا أعذبكم بهما»؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 2 ص 306 عن زيد بن علي.
- 3- مسند زيد: ص 335، كشف اليقين: ص 73 ح 55، كشف الغمة: ج 1 ص 113؛ ذخائر العقبى: ص 146 وليس فيه «ثم قال...»، المناقب للخوارزمي: ص 81 ح 65.
- 4- نهج البلاغة: الخطبة 167، بحار الأنوار: ج 32 ص 40 ح 26.

امام علی علیه السلام از ناله اش به مأموران خراج (مالیات) _ :اگر خداوند برای ستم و بیداد که از آن نهی فرمود ، کیفری که از آن ترسند ، نمی نهد ، پاداشی که در پرهیز از ستم است ، عذری برای رها کردن [خواسته او] نمی گذارد . پس رحم کنید تا به شما رحم شود . بندگان خدا را شکنجه نکنید و بیش از توانشان بر آنان تکلیف مکنید .

امام علی علیه السلام :ای مردم! شما را به حق فرا خواندم ، از من رو گردانید ، و با تازیانه شما را زدم ، خسته ام کردید . بدانید که پس از من زمامدارانی بر شما حکم رانند که از شما بدین کار ، خشنود نشوند ، مگر آن که با تازیانه و آهن ، شما را شکنجه کنند ؛ و اما من ، شما را با تازیانه و آهن شکنجه نمی کنم ؛ چرا که هرکس مردم را در دنیا شکنجه کند ، خداوند ، او را در آخرت ، شکنجه خواهد کرد .

مسند زید _ به نقل از زید بن علی ، از پدرش ، از جدش در باره امام علی علیه السلام _ :به درستی که او (علی علیه السلام) به عمر در باره زن حامله ای که اعتراف به زنا کرده بود و عمر دستور داده بود سنگسار شود ، فرمود : «شاید بر سرش فریاد کشیده ای یا او را ترسانده ای؟» . گفت : چنین بود . فرمود : «آیا از پیامبر خدا نشنیدی که می فرمود : بر اعتراف کننده ، پس از شکنجه حدی نیست . به درستی که آن که را در بند کشی یا زندان کنی ، یا تهدید کنی ، اقرارش ارزش ندارد؟» . گوید : عمر ، زن را آزاد کرد . سپس گفت : زنان ، ناتوان اند که فرزندی مانند علی بن ابی طالب بزنند . اگر علی نبود ، عمر هلاک می شد .

امام علی علیه السلام از سخنرانی اش در آغاز خلافت _ :خدا حرامی را حرام کرده که ناشناخته نیست ، و حلالی را حلال کرده که از عیب خالی است ، و حرمت مسلمان را بر دیگر حرمت ها برتری داده است ، و حقوق مسلمانان را با اخلاص و یگانه پرستی پیوند داده است . پس مسلمان ، کسی است که مسلمانان ، از دست و زبان او آزاری نبینند ، جز آن که برای حق باشد ؛ و آزار مسلمانان روا نیست ، مگر آن جا که واجب شود .

10 / 3 النَّهْيُ عَنِ السَّبْقَةِ صَفَيْنَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَرِيكٍ: خَرَجَ حُجْرُ بْنُ عَدِيٍّ وَعَمْرُو بْنُ الْحَمِقِ يُظْهِرَانِ الْبِرَاءَةَ وَاللَّعْنَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، فَأَرَسَ لَ إِلَيْهِمَا عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ كُفَّا عَمَّا يَبْلُغُنِي عَنْكُمَا. فَأَتِيَاهُ فَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَلَسْنَا مُحَقِّقِينَ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَا: أَوَلَيْسَا مُبْطِلَيْنِ؟ قَالَ: بَلَى. قَالَا: فَلِمَ مَنَعْتَنَا مِنْ شَتْمِهِمْ؟ قَالَ: كَرِهْتُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا لِعَانِينَ شَتَّامِينَ، تَشْتِمُونَ وَتَتَبَرَّوْنَ، وَلَكِنْ لَوْ صَدَقْتُمْ مَسَاوِي أَعْمَالِهِمْ فَقُلْتُمْ: مِنْ سِيرَتِهِمْ كَذَا وَكَذَا، وَمِنْ عَمَلِهِمْ كَذَا وَكَذَا، كَانَ أَصَوَّبَ فِي الْقَوْلِ، وَأَبْلَغَ فِي الْعَذْرِ. وَلَوْ قُلْتُمْ مَكَانَ لَعْنِكُمْ إِيَّاهُمْ وَبِرَاءَتِكُمْ مِنْهُمْ: اللَّهُمَّ احْقِنِ دِمَاءَنَا وَدِمَاءَهُمْ، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا وَبَيْنَهُمْ، وَاهْدِهِمْ مِنْ ضَلَالَتِهِمْ، حَتَّى يَعْرِفَ الْحَقُّ مِنْهُمْ مِنْ جَهْلِهِ، وَيَرْعَوِيَ عَنِ الْغَيِّ وَالْعُدْوَانِ مَنْ لَهَجَ بِهِ، كَانَ هَذَا أَحَبَّ إِلَيَّ وَخَيْرًا لَكُمْ. فَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، نَقَبَلُ عِظَتَكَ، وَنَتَأَدَّبُ بِأَدَبِكَ. (1)

الإمام علي عليه السلام: لا تشن (2) عدوك وإن شئت (3).

1- .وقعة صفين: ص 103، بحار الأنوار: ج 32 ص 399 ح 369 _ 373 وراجع: نهج البلاغة: الخطبة 206 والأخبار الطوال: ص 165.

2- .الشين: العيب (لسان العرب: ج 13 ص 244 «شين»).

3- .غرر الحكم: ج 6 ص 339 ح 10418، عيون الحكم والمواعظ: ص 519 ح 9426.

3 / 10 نهی از دشنام

3 / 10 نهی از دشنام موقعة صفین_ به نقل از عبد الله بن شريك _ : حُجْر بن عَدی و عمرو بن حَمِق ، بیرون شدند ، در حالی که بَرائت و لعن بر شامیان را آشکار می کردند . علی علیه السلام به آنان پیغام داد که از آنچه به من خبر رسیده ، خودداری کنید . آن دو نزد علی علیه السلام آمدند و گفتند : ای امیر مؤمنان! مگر ما برحق نیستیم؟ فرمود : « چرا » . گفتند : مگر آنان بر باطل نیستند؟ فرمود : « چرا » . گفتند : پس چرا ما را از دشنام دادن آنان ، باز داشتی؟ فرمود : « دوست نداشتم شما جزو لعن کننده ها و دشنام دهنده ها باشید که دشنام بدهید و بَرائت بجوید ؛ اما اگر بدی های رفتاری آنان را بازگو می کردید و می گفتید : روش آنان چنین است و رفتارشان چنان است ، به سخن حق ، نزدیک تر بود و در عذرآوری ، رساتر ؛ و اگر به جای لعن آنان و بَرائت جُستن از آنها می گفتید : بار خدایا! خون ما و آنان را حفظ کن ، میان ما و آنان را اصلاح کن و آنان را از گم راهی برهان ، تا آن که حق را نمی داند ، بشناسد و آن که به گم راهی و دشمنی آزمند است ، از آن ، باز ایستد ، این ، نزد من دوست داشتنی تر بود و برای شما بهتر » . آن دو گفتند : ای امیر مؤمنان! پندت را می پذیریم و ادب (تربیت) از تو می آموزیم .

امام علی علیه السلام : از دشمنت عیبجویی مکن ، گرچه او از تو عیبجویی کند .

3 / 11 الرِّفْقُ مَا لَمْ يَكُنْ تَأْمُرُ إِلَّا مَامَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرِّفْقُ يَقُولُ حَدَّ الْمُخَالَفَةِ . (1)

عنه عليه السلام _ في الحُكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ _ : قَارِبَ عَدُوِّكَ بَعْضَ الْمُقَارَبَةِ تَلَّ حَاجَتَكَ ، وَلَا تُفْرِطْ فِي مُقَارَبَتِهِ فَتُذِلَّ نَفْسَكَ وَنَاصِرَكَ ، وَتَأْمَلَ حَالَ الْخَشَبَةِ الْمَنْصُوبَةِ فِي الشَّمْسِ الَّتِي إِنْ أَمَلَتْهَا زَادَ ظِلُّهَا ، وَإِنْ أَفْرَطَتْ فِي الْإِمَالَةِ نَقَصَ الظِّلُّ . (2)

تاريخ الطبري عن عبد الملك بن أبي حُرَّةَ الْحَنْفِيِّ : أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ يَخْطُبُ ، فَإِنَّهُ لَفِيَ خُطْبَتِهِ إِذْ حَكَمَتِ الْمُحَكَّمَةُ فِي جَوَانِبِ الْمَسْجِدِ . فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اللَّهُ أَكْبَرُ ! كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا بَاطِلٌ ! إِنْ سَكَتُوا عَمَّنَاهُمْ (3) ، وَإِنْ تَكَلَّمُوا حَجَجْنَاهُمْ ، وَإِنْ خَرَجُوا عَلَيْنَا قَاتَلْنَاهُمْ . (4)

السنن الكبرى عن كثير بن نمر : بَيْنَا أَنَا فِي الْجُمُعَةِ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى الْمِنْبَرِ ، إِذْ قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ : لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ . ثُمَّ قَامَ آخَرُ فَقَالَ : لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ، ثُمَّ قَامُوا مِنْ نَوَاحِي الْمَسْجِدِ ، فَأَشَارَ إِلَيْهِمْ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَدِهِ : اجْلِسُوا ، نَعَمْ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ ، كَلِمَةٌ يُبْتَغَى بِهَا بَاطِلٌ ، حُكْمَ اللَّهِ نَنْظُرُ فِيكُمْ ، أَلَا إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ : مَا كُنْتُمْ مَعَنَا لَا نَمْنَعُكُمْ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرُوا فِيهَا اسْمَ اللَّهِ ، وَلَا نَمْنَعُكُمْ فِينَا مَا كَانَتْ أَيْدِيكُمْ مَعَ أَيْدِينَا ، وَلَا تُقَاتِلُكُمْ حَتَّى تُقَاتِلُوا . ثُمَّ أَخَذَ فِي خُطْبَتِهِ . (5)

- 1- .غرر الحكم : ج 1 ص 150 ح 560 .
- 2- .شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد : ج 20 ص 342 ح 923 .
- 3- .لعله من قولهم : عَمَّنَاهُ أَمْرُنَا ؛ أَي أَلْزَمْنَاهُ (لسان العرب : ج 12 ص 427 «عمم»).
- 4- .تاريخ الطبري : ج 5 ص 72 ، الكامل في التاريخ : ج 2 ص 398 ، أنساب الأشراف : ج 3 ص 135 وليس فيه «وإن خرجوا...» وفيهما «عممناهم» بدل «عممناهم» .
- 5- .السنن الكبرى : ج 8 ص 319 ح 16763 ، تاريخ الطبري : ج 5 ص 73 عن كثير بن بهز الحضرمي ، الكامل في التاريخ : ج 2 ص 398 ، البداية والنهاية : ج 7 ص 285 كلُّها نحوه .

3 / 11 نرم خویی تا زمانی که توطئه در کار نباشد

3 / 11 نرم خویی تا زمانی که توطئه در کار نباشد امام علی علیه السلام: نرم خویی، تیزی مخالفت را کند می سازد.

امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان _ به دشمنت، به اندازه ای نزدیک شو که به خواسته ات برسی، و در نزدیکی به او زیاده روی منما تا خود و یاورت را خوار سازی. در چوبی که در برابر خورشید نصب شده، بنگر. اگر آن را مایل کنی، سایه اش افزوده می شود و اگر در مایل کردن آن زیاده روی کنی، سایه کم می گردد.

تاریخ الطبری _ به نقل از عبد الملك بن ابی حُرّه حنفی _ : علی علیه السلام روزی برای ایراد سخنرانی بیرون رفت. او در حال سخنرانی بود که خوارج، در گوشه های مسجد، شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ حکمرانی جز برای خداوند نیست»، سر دادند. علی علیه السلام فرمود: «اللّٰهُ اكبر! سخن حقّی است که از آن، باطل اراده می شود. اگر ساکت شوند، با آنان مانند دیگران برخورد می کنیم، و اگر سخن گویند، با آنان احتجاج می ورزیم (استدلال می کنیم)، و اگر بر ما خروج کنند (دست به سلاح ببرند)، با آنان پیکار خواهیم کرد».

السنن الکبری _ به نقل از کثیر بن نَمِر _ : در حالی که در نماز جمعه بودم و علی علیه السلام بر منبر بود، مردی به پا خاست و گفت: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ؛ حکمرانی جز برای خداوند نیست!». مردی دیگر هم به پا خاست و گفت: «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ!». آن گاه خوارج از گوشه های مسجد، به پا خاستند. علی علیه السلام با دست به آنان اشاره کرد که بنشینند [و فرمود: «آری؛ لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ! سخنی که از آن، باطل طلب می شود. بر پایه حکم خداوند به شما می نگریم. بدانید که برای شما نزد من، سه ویژگی است: تا زمانی که با ما هستید، شما را از مساجد خداوند باز نداریم که در آن، نام خدا را بر زبان آورید؛ و تا زمانی که دستان شما با دستان ماست، شما را از ثروت های عمومی محروم نسازیم؛ و با شما پیکار نکنیم، مگر آن که نبرد کنید». آن گاه به ادامه خطبه پرداخت.

الأموال عن كثير بن نمر: جاء رجلٌ برجلٍ (1) من الخوارج إلى عليّ عليه السلام، فقال: يا أمير المؤمنين، إني وجدتُ هذا يسُبُّكَ، قال: فسبّه كما سبني. قال: ويتوعدُّكَ؟ فقال: لا أقتلُ من لم يقتلني، قال عليّ عليه السلام: لهم علينا ثلاث: أن لا نمنعهم المساجد أن يذكروا الله فيها، وأن لا نمنعهم الفياء ما دامت أيديهم مع أيدينا، وأن لا نقاتلهم حتى يقاتلونا. (2)

المصنّف لابن أبي شيبة عن كثير بن نمر: جاء رجلٌ برجلٍ إلى عليّ عليه السلام فقال: إني رأيتُ هؤلاء يتوعدونك، ففروا وأخذتُ هذا، قال: أفأقتلُ من لم يقتلني؟ قال: إنّه سبّك! قال: سبّه أو دَع. (3)

راجع: موسوعة الإمام عليّ بن أبي طالب عليه السلام: ج 3 ص 645 (القسم السادس / الحرب الثالثة / الفصل الثالث / صبر الإمام على أذاهم ورققه بهم).

3 / 12 إجلاء المتأمرين أو حبسهم مشرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: قد روي أن عمران بن الحصين كان من المنحرفين عنه عليه السلام، وأن عليّا عليه السلام سيرة إلى المدائن، وذلك أنّه كان يقول: إن مات عليّ فلا أدري ما موته، وإن قُتل فعسى أنّي - إن قُتل - رجوتُ له. (4)

الغارات عن سعيد الأشعري: استخلف عليّ عليه السلام حين سار إلى النهروان رجلاً من النخع يقال له: هاني بن هوزة، فكتب إلى عليّ عليه السلام: إن غنياً وباهلة فتنوا، فدعوا الله عليك أن يظفر بك عدوك، قال: فكتب إليه عليّ عليه السلام: أجلهم من الكوفة ولا تدع منهم أحداً. (5)

1- في المصدر: «لرجل» وهو تصحيف.

2- الأموال: ص 245 ح 567، كنز العمال: ج 11 ص 300 ح 31569.

3- المصنّف لابن أبي شيبة: ج 8 ص 614 ح 147، كنز العمال: ج 11 ص 319 ح 31616.

4- شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد: ج 4 ص 77.

5- الغارات: ج 1 ص 18، بحار الأنوار: ج 33 ص 356 ح 588.

3 / 12 تبعید یا زندانی کردن توطئه گران

الأموال_ به نقل از کثیر بن نمر _ : مردی ، مردی از خوارج را نزد علی علیه السلام آورد و گفت : ای امیر مؤمنان! دیدم که این مرد ، تو را دشنام می دهد . فرمود: «به او دشنام ده، همان گونه که به من دشنام داد». گفت : تو را دوزخی می انگاشت! فرمود : «آن را که با من پیکار نکند ، نمی کُشم» . [سپس] فرمود : «آنها بر ما سه حق دارند : آنان را از مساجد ، باز نداریم ، که در آن یاد خدا کنند ؛ و آنان را از ثروت های عمومی باز نداریم ، تا زمانی که دستان آنان با دست های ماست ؛ و با آنان پیکار نکنیم ، تا زمانی که با ما پیکار نکنند» .

المصنّف ، ابن ابی شیبَه_ به نقل از کثیر بن نمر _ : مردی ، مردی [دیگر] را نزد علی علیه السلام آورد و گفت : اینان ، تو را دوزخی می انگاشتند! اما فرار کردند و من این [مرد] را گرفتم . فرمود : «آیا آن را که با من پیکار نکرده است ، بکُشم ؟» . گفت : تو را دشنام داد! فرمود : «او را دشنام ده ، یا رها کن» .

ر . ك : دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام : ج 6 ص 419 (بخش ششم / پیکار سوم / فصل سوم / شکیبایی امام بر آزارِ خوارج و مدارا با ایشان) .

3 / 12 تبعید یا زندانی کردن توطئه گران شرح نهج البلاغة : گزارش شده که عمران بن حُصَین ، از کناره گیران از علی علیه السلام بود و علی علیه السلام او را به مدائن تبعید کرد ؛ چرا که می گفت : اگر علی بمیرد ، نمی دانم مرگش چگونه است!؟ و اگر کشته شود _ که امید داریم کشته شود _ ، برایش امیدوارم [که اهل نجات باشد]!

الغارات_ به نقل از سعید اشعری _ : علی علیه السلام هنگام حرکت به سوی نهر روان ، مردی از قبیله نخع را جانشین کرد که نامش هانی بن هُوْذَه بود . وی به علی علیه السلام نامه نوشت که [دو گروه] غنی و باهله ، فتنه کرده اند و دعا کرده اند که دشمنت پیروز گردد . علی علیه السلام به او نوشت : «[همه] آنها را از کوفه بیرون کن و هیچ يك از آنان را جا نگذار» .

تاريخ الطبري عن المُحِلِّ بن خَلِيفَةَ: إِنَّ رَجُلًا مِنْهُمْ مِنْ بَنِي سَدُوسٍ يُقَالُ لَهُ الْعِزَّازُ بْنُ الْأَخْنَسِ كَانَ يَرَى رَأْيَ الْخَوَارِجِ، خَرَجَ إِلَيْهِمْ، فَاسْتَقْبَلَ وَرَاءَ الْمَدَائِنِ عَدِيَّ بْنَ حَاتِمٍ وَمَعَهُ الْأَسْوَدُ بْنُ قَيْسٍ وَالْأَسْوَدُ بْنُ يَزِيدَ الْمُرَادِيَّانِ، فَقَالَ لَهُ الْعِزَّازُ حِينَ اسْتَقْبَلَهُ: أَسَالِمُ غَانِمٌ، أَمْ ظَالِمٌ آثِمٌ؟ فَقَالَ عَدِيٌّ: لَا، بَلْ سَالِمٌ غَانِمٌ، فَقَالَ لَهُ الْمُرَادِيَّانِ: مَا قُلْتَ هَذَا إِلَّا لِيَشْرَّ فِي نَفْسِكَ، وَإِنَّكَ لَنَعْرِفُكَ يَا عِزَّازُ بِرَأْيِ الْقَوْمِ، فَلَا تُفَارِقْنَا حَتَّى نَذْهَبَ بِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَنُخْبِرَهُ خَبْرَكَ. فَلَمْ يَكُنْ بِأَوْشَكَ أَنْ جَاءَ عَلِيٌّ فَأَخْبَرَاهُ خَبْرَهُ، وَقَالَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّهُ يَرَى رَأْيَ الْقَوْمِ، قَدْ عَرَفْنَاهُ بِذَلِكَ. فَقَالَ: مَا يَحِلُّ لَنَا دَمُهُ، وَلَكِنَّا نَحْسِبُهُ. فَقَالَ عَدِيٌّ بْنُ حَاتِمٍ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، ادْفَعُهُ إِلَيَّ وَأَنَا أَضْمِنُ إِلَّا يَأْتِيكَ مِنْ قَبْلِهِ مَكْرُوهٌ. فَدَفَعَهُ إِلَيْهِ. (1)

تاریخ الطبری_ به نقل از مُجَلِّ بن خلیفه _ :مردی از قبیله بنی سَدُوس که نامش عَیْزار بن آخَس بود و به باورهای خوارج اعتقاد داشت ، به سمت [لشکرگاه] خوارج ، حرکت کرد . در بیرون مدائن، با عَدِیّ بن حاتم ، رو به رو شد که همراهش اسود بن قیس مرادی و اسود بن یزید مرادی بودند . عیزار ، وقتی با عدی رو به رو شد ، گفت : آیا سالم و بهره‌بری یا ستمگر و گنهکار؟ عدی گفت : سالم و بهره‌بر . آن دو مرادی گفتند : این سخن را نگفتی ، مگر به جهت شری که در باطن داری [و برای لشکر خوارج ، یار می‌گیری] . به درستی که ما می‌دانیم که عقیده خوارج را داری . ای عیزار! از ما جدا نمی‌شوی تا تو را نزد امیر مؤمنان ببریم و اخبارت را به وی گزارش دهیم . زمانی نگذشت که علی علیه السلام آمد و آن دو ، خبر را به وی گزارش کردند و گفتند : ای امیر مؤمنان! او بر اعتقاد خوارج است . ما او را می‌شناسیم . فرمود : «خونش بر ما حلال نیست ؛ اما او را زندانی می‌کنیم» . عَدِیّ بن حاتم گفت : ای امیر مؤمنان! او را به من بسپار و من ضمانت می‌کنم که از ناحیه او به شما آسیبی نرسد . علی علیه السلام او را به عدی سپرد .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند ؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

